۱۴

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد چهاردهم – حرف س

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد چهاردهم - حرف س/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ /۵آ

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱-قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰-ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاةَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِى ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّاىَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداونـد می فرمایـد قرآن را ارزان نفروشـید قـدروقیمت وعظمت آن را دریابیـد و برای رسـیدن به آن بهای لازم را بپردازیـد. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوك کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسك و عالمان متهتك که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیـدار کنیـد. تـدریس قرآن در هر رشـته ای از آن را محط نظر و مقصـد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسـته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نـازل گردیـده اسـت ، آن است که مسائـل مهم حیـاتی را چه در معنویـات و چه در نظـام ملکی زنـده نگه دارد و بفهمانـد که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سـخن اسـتفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارنـد که انسان نخست می اندیشـند سـپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بـدون اسـتعمال الفـاظ امکان پـذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سـخن فروبسـته و به انـدیشه فرورفته باشـد، بـاز در واقع بـا یک سلسـله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

سائبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام سائبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱،۲،۵،۱۲،۱۳

۱ خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل اللّه من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و . .. به قرینه <قالوا حسبنا ما وجدنا ...> در آیه بعد، نفی تشریع احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

۵ لزوم آزاد سازی سائبه (شتری که ده ماده شتر زاییده باشد) از اندیشه های خرافی و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه من بحیره و لاسائبه . .. و لکن الذین کفروا یفترون

معنای ذکر شده برای سائبه در قاموس المحیط آمده و حکم آن از نظر مردم جاهلی همانند احکام بحیره بوده است. امام صادق(ع) در توضیح معنای <سائبه> در آیه فوق فرمود: ان اهل الجاهلیه کانوا ... اذا ولدت (الناقه) عشراً جعلوها سائبه و لایستحلون ظهرها و لااکلها ... .

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۱۲ بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره

بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۳ تنها انـدکی از کفرپیشـگان عصـر بعثت علی رغم طرفـداری از احکام رایـج درباره بحیره ، سائبه ، وصـیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل اللّه من بحیره . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

سائحان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

مراد از سائحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲۱

۲۱ از رسـول خـدا (ص) روایت شـده که فرمود : < التـائبون > من الـذنوب < العابـدون > الـذین لاـ یعبـدون إلاـ اللّه و الا یشـرکون به شـیئاً < الحامـدون > الـذین یحمـدون اللّه علی کـل حـال فی الشـده و الرخاء < السائحون > و هم الصائمون < الراکعون الساجـدون > الـذین یواظبون علی الصـلوات الخمس الحافظون ل ها المحافظون علی ها برکوع ها و سـجود ها و فی الخشوع فی ها و فی اوقات ها . . . ;

<تائبان> توبه کنندگان از گناه[اند] و <عابدان> کسانی هسـتند که غیر خدا را عبادت نمی کنند و چیزی را شریک او نمی گیرند. <حامدان> آنانند که در هر حال

چه سختی و چه در راحتی خدا را ستایش می کنند و <سائحان> روزه دارانند. <راکعان> و <ساجدان> کسانی هستند که مواظب نمازهای پنجگانه باشند. رکوع، سجود و خشوع را در نمازها رعایت می کنند و محافظ وقتهای نماز هستند>.

سائلان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سائلان

اطعام به سائلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۷

۲۷ - سدیر صیرفی گوید : < قلت لأبی عبداللّه (ع) اطعم سائلا لااعرفه مسلماً ؟ فقال : نعم اعط من لاتعرفه بولایه و لاعداوه للحق ان اللّه عز و جل یقول : و قولوا للناس حسناً و لاتطعم من نصب لشیء من الحق او دعا الی شیء من الباطل ;

به امام صادق(ع) گفتم: آیا سائلی را که نمی دانم مسلمان است یا نه طعام دهم؟ امام فرمود: بله، طعام بده به کسی که نمی شناسی اهل ولایت است یا دشمن حق. خداوند عز و جل می فرماید: <و قولوا للناس حسناً> ولی اطعام نکن کسی را که بنای دشمنی با حق گذاشته و یا دعوت به باطل می نماید>.

تأمین سائلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۰،۲۰

۱۰ - ضرورت دستگیری از یتیمان ، درماندگان ، در راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند .

و ءاتی المال علی حبه . .. الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لکن البر من . .. و ءاتی المال علی حبه

ذوی القربی و السائلین

ساجدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ساجدان}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۸

۲۸– اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

تنزیه ساجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۵

۵ – اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

ساجدان و تکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۵

۵ – اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

ساجدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

ساجدان و لهو

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۵

۵ – اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

فضایل ساجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۵

۵ – اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

مراد از ساجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۲ – ۲۱

۲۱ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < التائبون > من الذنوب < العابدون > الذین لا یعبدون إلا اللّه و الا یشرکون به شیئاً < الحامدون > الذین یحمدون اللّه علی کل حال فی الشده و الرخاء < السائحون > و هم الصائمون < الراکعون الساجدون > الذین یواظبون علی الصلوات الخمس الحافظون ل ها المحافظون علی ها برکوع ها و سجود ها و فی الخشوع فی ها و فی اوقات ها . . . ;

<تائبان> توبه کنندگان از گناه[اند] و <عابدان> کسانی هستند که غیر خدا را عبادت نمی کنند و چیزی را شریک

او نمی گیرند. <حامدان> آنانند که در هر حال چه سختی و چه در راحتی خدا را ستایش می کنند و <سائحان> روزه دارانند. <راکعان> و <ساجدان> کسانی هستند که مواظب نمازهای پنجگانه باشند. رکوع، سجود و خشوع را در نمازها رعایت می کنند و محافظ وقتهای نماز هستند>.

ساختمان سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ساختمان سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

ساختمان سازی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۴،۸

۴- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

۸- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه < لم نجعل لهم من دونها ستراً . کذلک > قال : لم یعلموا صنعه البیوت ;

از امام باقر(ع) درباره این سخن خدا: <لم نجعل لهم من دونها ستراً. کذلک> روایت شده: آن قوم صنعت خانه سازی را نمی دانستند>.

ساختمان سازی

در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۶

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

ساره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ساره

اطمینان ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۱

۱ - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا کذلک قال ربّک

بارداری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۱

۱ فرشتگان ، به همسر ابراهیم گوشزد کردند که فرزنددار شدنش ، خواسته خداوند است .

ءألد و أنا عجوز . .. قالوا أتعجبین من أمر الله

<أمر الله>; یعنی، کاری که خداوند به تحقق آن فرمان داده است و مراد از آن، فرزنددار شدن ساره و ابراهیم(ع) در سن پیری است.

بشارت به ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۷،۹،۱۱

۷ خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشّرنها بإسحق

۹ خداوند ، به ساره بشارت داد که اسحاق ، دارای فرزند پسری خواهد شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

کلمه <یعقوب> عطف بر <اسحاق> است و عبارت <من وراء إسحاق> توصیفی برای <یعقوب> می باشد؛ یعنی: فبشرناها بیعقوب کائناً من وراء اسحاق.

۱۱ نوید تولد اسحاق و یعقوب به ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، در جلسه پذیرایی ابراهیم از

فرشتگان بیان شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

پسر ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۷،۸

۷ خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشّرنها بإسحق

۸ خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید . *

فبشّرنها بإسحق

ظاهر جمله <فبشرناها بإسحاق . .. یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

پیری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۲

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد ...> نیز برای تعجب است و جمله <إن هذا ...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۹ – ۴

۴ – همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته . .. و قالت عجوز عقیم

تعجب ساره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود

- ۱۱ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ < عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعـالی] : < وامرأته قائمه > قال : إنما عنی ساره قائمه . . . < فضـحکت > یعنی فعجبت من قولهم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خـدای تعالی: <وامرأته قائمه> روایت شده است: مقصود ساره همسـر ابراهیم(ع) است که ایسـتاده بود . .. و درباره <فضحکت> [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۲

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد ...> نیز برای تعجب اسـت و جمله <إن هذا ...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۳

۳ - هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم

حیض ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۶،۱۶

۶ ساره همسر ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی

قوم لوط) حایض شد . *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <ضحکت> از مصدر <ضَحك> (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تفریع <فبشرناها> را بر <ضحکت> مؤید آن دانسته اند.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : < فضحکت فبشّرناها باسحاق > قال : حاضت ;

از امام صادق(ع) درباره <فضحکت فبشّرناها بإسحاق> روایت شده است که فرمود: عادت زنانگی در ساره ظاهر شد>.

رفع ترس ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۵

۵ احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله <فضحکت> تفریع بر <لاتخف إنا اُرسلنا إلی قوم لوط> باشد.

ساره در مجلس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱،۲

۱ همسر ابراهیم (ساره) در مجلس فرشتگان پیام آورِ بشارت حضور داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری . .. وامرأته قائمه فضحکت

۲ ابراهیم (ع) و فرشتگان حاضر در نزد او ، همگی نشسته بودند و ساره ایستاده بود .

وامرأته قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۹ – ۱

۱ – حضور همسر ابراهیم (ع) ، در جمع آن حضرت و میهمانان ایشان

و بشّروه بغلم علیم . فأقبلت امرأته فی صرّه ... و قالت عجوز عقیم

ساره و تحقق

مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۳

۳ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

ساره و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۵،۶،۱۵

۵ احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله <فضحکت> تفریع بر <لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط> باشد.

۶ ساره همسر ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حایض شد . *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <ضحکت> از مصدر <ضَحک> (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تفریع <فبشرناها> را بر <ضحکت> مؤید آن دانسته اند.

۱۵ < عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی] : < وامرأته قائمه > قال : إنما عنی ساره قائمه . . . < فضحکت > یعنی فعجبت من قولهم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: <وامرأته قائمه> روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده بود . .. و درباره <فضحکت> [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد ...>.

ساره و هلاکت قوم لوط

– آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۴

۴ همسر ابراهیم ، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاک سازی قوم لوط) شادان و خندان شد .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق از تفریع جمله <ضحکت> به وسیله حرف <فاء> بر <إنا أُرسلنا. ..> در آیه قبل استفاده شده است; یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهکار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

ساره هنگام بشارت ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۲ – ۱

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

ساره هنگام تولد یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ ساره همسر ابراهیم (ع) ، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب ، زنده بود .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسرت اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً ـ از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال او را خواهد دید; یعنی، تا آن زمان زنده است.

سخاوت

ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۸

۸ - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

سیلی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۲

۲ - فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته فی صرّه

<صرّه> به معنای فریاد و <صکّ> به معنای ضربه شدید است. <صکّت وجهها>; یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

شک ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۳

۳ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

عقیمی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۳،۴

۳ – هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم

۴ – همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته . .. و قالت عجوز عقیم

عوامل سرور ساره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۴،۵

۴ همسر ابراهیم ، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاك سازی قوم لوط) شادان و خندان شد .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه

فضحکت

برداشت فوق از تفریع جمله <ضحکت> به وسیله حرف <فاء> بر <إنا أُرسلنا. ..> در آیه قبل استفاده شده است; یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهکار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

۵ احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله <فضحکت> تفریع بر <لاتخف إنا اُرسلنا إلی قوم لوط> باشد.

فریاد ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته فی صرّه

<صرّه> به معنای فریاد و <صکّ> به معنای ضربه شدید است. <صکّت وجهها>; یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

۵ - < و فی المجمع ، فی تفسیر قوله تعالی ، < فأقبلت امرأته فی صرّه > . . . و قیل فی جماعه عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان، در تفسیر سخن خداوند <فأقبلت امرأته فی صرّه> آمده است. .. و گفته شده که معنای <فی صرّه> فی جماعه است [یعنی زن او در بین جماعتی جلو آمد]و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

فضایل ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۸

۸ - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

– سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۰ – ۸

۸ – همسر ابراهیم (ع) ، دارای شخصیتی والا و ارجمند در پیشگاه خداوند

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که همسر ابراهیم(ع)، با فرشتگان هم سخن شده و نیز درباره او تعبیر <ربّک> (پروردگار تو) به کار رفته است.

گفتگوی ساره با ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۲ – ۵

۵ گفتوگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

فبشّرنها بإسحق . .. قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۰ – ۲

۲ – هم سخن شدن همسر ابراهیم (ع) با فرشتگان بشارت دهنده

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

مدت عمر ساره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ ساره همسر ابراهیم (ع) ، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب ، زنده بود .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسرت اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً ـ از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال

او را خواهد دید; یعنی، تا آن زمان زنده است.

مکان سکونت ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۵

۵ - محل سکونت همسر ابراهیم (ع) مجزا از محیط پذیرایی میهمانان *

فراغ إلی أهله

حرکت مخفیانه ابراهیم(ع) به سوی اهل، در جایی فرض می شود که محیط خانواده آن حضرت در معرض دید میهمانان نبود.

ملائکه و ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۱،۳

۱ فرشتگان ، به همسر ابراهیم گوشزد کردند که فرزنددار شدنش ، خواسته خداوند است .

ءألد و أنا عجوز . .. قالوا أتعجبین من أمر الله

<أمر الله>; یعنی، کاری که خداوند به تحقق آن فرمان داده است و مراد از آن، فرزنددار شدن ساره و ابراهیم(ع) در سن پیری است.

۳ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

منشأ فرزندداری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۱،۶

۱ - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا کذلک قال ربّک

۶ – اعطای فرزند به همسر پیر و عقیم ابراهیم (ع) ، متکی بر حکمت و علم الهی بود .

و قالت عجوز عقیم قالوا کذلک . .. إنّه هو الحکیم العلیم

تصریح به علم و حکمت الهی، در پی نوید به اعطای فرزند، بیانگر مطلب بالا است.

مهمان نوازی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۸

۸ - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

نوه ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۹

۹ خداوند ، به ساره بشارت داد که اسحاق ، دارای فرزند پسری خواهد شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

کلمه <یعقوب> عطف بر <اسحاق> است و عبارت <من وراء إسحاق> توصیفی برای <یعقوب> می باشد؛ یعنی: فبشرناها بیعقوب کائناً من وراء اسحاق.

سازش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سازش

آثار سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیماردلان منافق

إنّ الذین ارتدّوا . .. ذلک بأنّهم قالوا للذین ... سنطیعکم فی بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به ارتداد باشد که از آیه قبل (إنّ الذین ارتدّوا) استفاده می شود و با توجه به این که مراد از <الذین کرهوا. ..> کافران معانداند.

۲- سازش با کافران و همکاری با آنان علیه دین ، مایه ارتداد است .

إنّ الذین ارتدّوا . .. ذلک بأنّهم قالوا ... سنطیعکم فی بعض الأمر

آثار سازش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۲

۲ - اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (ص) ، در صورت سازش و نرمش نمودن آن حضرت با آنان

ودّوا

لوتدهن فيدهنون

اجتناب از سازش با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - هشدار خداوند به پيامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته هاى كافران تكذيب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نيروى انسانى بسيار آنان

و لاتطع كلّ حلّاف . .. أن كان ذا مال و بنين

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه جمله <أن كان ذا مال . ..> متعلق به <لاـتطع> باشد. گفتنى است در آغاز <أن> لام تعليل در تقدير است.

۲ - در اختيار گرفتن ثروت و نيروى انسانى كافران حق ناپذير ، نمى تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامى از مواضع عقيدتى خويش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن كان ذا مال و بنين

ترديدى نيست كه اجابت خواسته هاى كافران و يا سازش با آنان از سوى رهبران جامعه اسلامى، به جهت طمع شخصى نيست; بلكه براى در اختيار گرفتن ثروت و نيروى انسانى كافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمين است; ولى چون اين كار به قيمت عدول از مواضع اعتقادى و يا سازش با كافران است، جايز نمى باشد.

درخواست سازش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳ - سازش و دست برداشتن از مواضع عقيدتى ، درخواست كافران تكذيب گر از پيامبر (ص) بود .

فلاتطع المكذّبين

آيه بعد، قرينه است كه مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقيدتى است.

زمينه ترك سازش

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۲

۲- توجه به نافرجامی خط کفر ، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن یغفر اللّه لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم

<فا> در <فلاتهنوا> ترتّب و تفریع را می رساند و از ترتّب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفّت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلی السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است; سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلّت می کشاند.

زمینه سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه سازش با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی

و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۲

۲ - اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (ص) ، در صورت سازش و نرمش نمودن آن حضرت با آنان

ودّوا لوتدهن فیدهنون

سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

سازش با هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - سازش با هواپرستان و تمایلات نامشروع آنان ، موجب انحراف رهبران دینی

فادع و استقم کما أمرت و لاتتّبع أهواءهم

استقامت (مصدر <استقم>) به معنای ادامه حرکت در راه راست است و تقابل <استقم> با <لاتتّبع أهوائهم> مطلب بالا را می رساند.

سازش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۱،۲

۱ پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی،

خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر(ص)

قل لا أتبع أهواءکم قل إنی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه

۲ مسامحه و سازش در اصل اساسی توحید، روا و مجاز نیست.

قل إنی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه

در این گونه موارد پیامبر اکرم(ص) خصوصیتی ندارد.

سازش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۹

۱۹ - پیشوایان دین اسلام در صورت سازش کردن با پیروان دیگر ادیان بر سر مسائل دینی ، از زمره ستگرانند .

و لئن اتبعت اهواءهم . .. إنک إذاً لمن الظلمین

سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

سازش ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۲

۲ مسامحه و سازش در اصل اساسی توحید، روا و مجاز نیست.

قل إنی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه

در این گونه موارد پیامبر اکرم(ص) خصوصیتی ندارد.

سازش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱

-۱

همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیماردلان منافق

إنّ الذین ارتدّوا . .. ذلک بأنّهم قالوا للذین ... سنطیعکم فی بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به ارتداد باشد که از آیه قبل (إنّ الذین ارتدّوا) استفاده می شود و با توجه به این که مراد از <الذین کرهوا. ..> کافران معانداند.

سازش ناپذیری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۸

۸- رهبران دینی ، باید همواره بر مواضع اصولی خویش ثابت و استوار بوده و در برابر کافران و دشمنان ، سازش ناپذیر باشند .

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلًا

سازش ناپذیری رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۶

۲۶ لزوم پایبندی و اهتمام رهبران الهی به مبانی اصولی و سازش ناپذیری در آن

قل لا أشهد قل إنما هو إله وحد و إننی بریء مما تشرکون

گرچه محتوای آیه خطاب به پیامبر(ص) است، ولی مسلماً اختصاصی به شخص آن حضرت ندارد و قابل تعمیم به همه رهبران در تمامی عصرهاست.

سازش ناپذیری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۸

۸ - پیامبراسلام (ص) موضع قاطع و سازش ناپذیری خود را حتی در صورت تنها ماندن به دشنان اعلام کرد و آنان را از امید بستن به سازش و تسلیم مأیوس ساخت .

قل يقوم اعملوا على مكانتكم إنّى عمل فسوف تعلمون

سرزنش سازش با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴

۴- هر گونه سازش با خط کفر ، بیگانه با خط و راه پیامبراسلام (ص)

محمّد . .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

با استفاده از مفهوم آیه، برداشت بالا به دست می آید.

سرزنش سازش با متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۹ - ۶

۶ - برخورداری مؤمنان از روحیه عفو و گذشت ، نباید به مداهنه و سکوت در برابر متجاوزان منتهی شود .

و إذا ما غضبوا هم یغفرون . .. إذا أصابهم البغی هم ینتصرون

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که عفو و مغفرت مؤمنان، در غیر مورد ظلم و تجاوز است.

ظلم سازش در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۹

۱۹ - پیشوایان دین اسلام در صورت سازش کردن با پیروان دیگر ادیان بر سر مسائل دینی ، از زمره ستگرانند .

و لئن اتبعت اهواءهم . .. إنک إذاً لمن الظلمین

علاقه به سازش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۱

۱ - علاقه شدید کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن پیامبر (ص) با آنان و تلاش آنان در این راستا

ودّوا لو تدهن فيدهنون

<إدهان> (مصـدر <تـدهن و يـدهنون>) به معنای مـدارا و نرمش نشان دادن است. مقصود از آن در این آیه، سازش کردن پیامبر(ص) در مواضع عقیدتی خویش و سستی کردن آن حضرت در برخورد با کافران است.

گفتنی است سازش کردن و سستی نمودن پیامبر(ص) در امر رسالت، تنها یک علاقه و تمایل برای کافران نبود؛ بلکه همراه با تلاش و اقدامات گسترده بوده است.

عوامل سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

ممنوعیت سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

۴ - سازش و نرمش نشان دادن با کافران ، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی ، ممنوع است .

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

ممنوعیت سازش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۴

۴ - سازش و نرمش نشان دادن با کافران ، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی ، ممنوع است .

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

نهی از سازش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ –

۱ - ۳۵

۱- نهی الهی از سستی در مبارزه با دشمن و تن دادن به سازش

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم

سازماندهی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سازماندهی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۹

۹ تلاش عیسی (ع) برای تشکّل بخشیدن و سازماندهی به جبهه مؤمنان ، علیه جبهه کفر

فلمّا احسّ . .. قال من انصاری الی اللّه

اهمیت سازماندهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۱،۱۰

۱۰ نقش سازماندهی و تشکّل در پیشبرد اهداف

فلمّا احسّ . .. قال من انصاری الی اللّه

جمله <قال من انصاری>، بیانگر تلاش عیسی (ع) برای سازماندهی است و طبعاً در پیشبرد هدف نقش داشته است.

۱۱ لزوم تشکّل و جبهه گیری مؤمنان ، در قبال جبهه کفر

من انصاری الی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۵

۵ ضرورت ایجاد تشکّل در میان گروه های امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر

و لتكن منكم امه يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

<امّه> به جماعتی گفته می شود که دارای هدفی واحد باشند و لازمه این معنی، تشکل آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۷

۷ رهبری و تشکیلات ، دارای نقشی عمده در دستیابی به پیروزی

و من يتول اللّه و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸

۶ - ۷۵ -

۶ تمرکز یافتن و تشکل داشتن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا

به نظر می رسد از اهداف اساسی قرآن در الزام مسلمانان صدر اسلام به هجرت، با توجه به شرایط آن دوران، تمرکز بخشیدن به اهل ایمان و تشکل دادن به نیروهای پراکنده بود.

سازماندهی اطلاعات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۹

۹ ایجاد تشکیلات خبری برای جمع آوری و ارزیابی خبر های سرنوشت ساز و عرضه آن ، از شؤون رهبری است .

و لو ردّوه . .. لعلمه الّذین یستنبطونه منهم

سازماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

سازماندهی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۹

۹ تلاش عیسی (ع) برای تشکّل بخشیدن و سازماندهی به جبهه مؤمنان ، علیه جبهه کفر

فلمّا احسّ . .. قال من انصاری الی اللّه

سازماندهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۳

۳ تجمع دوباره مشرکان علیه مسلمانان ، پس از جنگ احد

انّ النّاس قد جمعوا لکم

وقوع این آیه پس از بیان جنگ احد و نیز برخی از شأن نزولها مؤیّد این نظر است که آیه مورد

بحث درباره وقایع پس از احد می باشد.

سال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سال

آثار تغییر فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۶

۶ - نقش مهم تغییر فصل ها ، در تأمین روزی موجودات زمین

و قدّر فیها أقوتها فی أربعه أیّام

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <أربعه أیّام> اشاره به فصل های چهارگانه داشته باشد.

اول ماه صفر سال دهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱

۱ هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین

توصیف <الأشهر> به <الحرم> حاکی از این است که: منظور از <أربعه أشهر> در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر) ماههای حرام سال ; یعنی، رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرّم است. بر این مبنا <ال> در <الأشهر> برای عهد حضوری می باشد ; یعنی هنگامی که این سه ماه حرام که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

پیدایش سال شمسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ – خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل

مسمًّی

احتمـال دارد مراد از <أجـل مسـمّی> بـه قرینه <ألم تر> آخر سـال شمسـی و قمری باشـد که خورشـید، از نقطه فلکی برج فرضـی، در آغاز سال شـروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

پیدایش سال قمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

احتمـال دارد مراد از <أجـل مسـمّی> بـه قرینه <ألم تر> آخر سـال شمسـی و قمری باشـد که خورشـید، از نقطه فلکی برج فرضـی، در آغاز سال شـروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

تعداد امتحان در سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۳

۳ وجود یک یا دو آزمایش و ابتلای عمده برای هر انسان در هر سال ، جهت به خود آمدن و بازگشت از انحراف

أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام مره أو مرتین

برداشت فـوق مبتنی بر این است که اصـل امتحـان عمـومی باشـد، نه مخصوص به افرادی معین و ذکر منافقـان به جهت عـبرت نگرفتن از این برنامه عمومی می باشد.

تعداد ماههای سال

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۶ – ۱،۴،۱۷

۱ از آغاز خلقت آسمان ها و زمین ، شمار ماه ها دوازده ماه است .

إن عده الشهور عند اللّه اثنا عشر شهراً . .. یوم خلق السموت و الأرض

۴ وجود ماه های دوازده گانه در یک سال ، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد .

إن عده الشهور . .. یوم خلق السموت و الأرض

۱۷ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید : < ان عده الشهور عند اللّه اثنا عشر شهراً . . . > روایت شده است : < المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الأخر و جمادی الأولی و جمادی الآخره و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعده و ذوالحجه . من ها أربعه حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الأخر ;

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولی، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعده و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر>.

تغییر فصل های سال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۰ – ۴

۴ – تغییر فصل های سال ، جلوه

ای دیگر از ربوبیت یگانه خداوند

بربّ المشرق و المغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدّر فیها أقوتها فی أرب

تغییر فصلهای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۲

۲ اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .

إن فی اختلف الّیل و النهار . .. لأیت

مبدأ سال در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۵

۵ - موسم حج ، مبدأ سال در خانواده شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

مسلمانان در سال نهم هجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۵

۵ سال نهم هجری ، سال قدرت مسلمانان و استیلای آنان بر اداره مسجدالحرام

فلا یقربوا المسجدالحرام بعد عامهم هذا

اینکه مسلمانان در سال نهم هجری مکلف به این تکلیف الهی شدند با اینکه اصل پلیدی مشرکان در گذشته نیز بوده است نشان می دهد که در گذشته، اجرای آن میسر نبوده است.

منشأ پیدایش فصل های سال

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

بـا توجه به این که پیـدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشـید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشـرقین و مغربین>، اشاره به پیامـدهای مهم آن (پیـدایش فصول) داشـته باشد که بشـر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

منشأ تغییر فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۱

۱ - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<إیلاج> (مصـدر <یولج>) به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <یولج اللیل فی النهـار> (شـب را در روز داخـل می کنـد)، این باشـد که او از مقـدار شب می کاهـد و بر مقـدار روز می افزایـد و مقصـود از <یولج النهار فی اللیل> (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

نقش سال و ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۶

۶ سال و ماه قمری ، معیار محاسبات امور شرعی

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب

وقایع سال نهم هجری

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۸ – ۴

۴ اعلان ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام در سال نهم هجرت

فلا یقربوا المسجدالحرام بعد عامهم هذا

آیات سوره برائت بنابر گفته مفسران در مراسم حج سال نهم هجرت بر مشرکان خوانده شد.

سال و ماه

تعداد ماههای سال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۶ – ۱،۴،۱۷

۱ از آغاز خلقت آسمان ها و زمین ، شمار ماه ها دوازده ماه است .

إن عده الشهور عند اللّه اثنا عشر شهراً . .. یوم خلق السموت و الأرض

۴ وجود ماه های دوازده گانه در یک سال ، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد .

إن عده الشهور . .. یوم خلق السموت و الأرض

۱۷ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید : < ان عده الشهور عند اللّه اثنا عشر شهراً . . . > روایت شده است : < المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الأخر و جمادی الأولی و جمادی الآخره و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعده و ذوالحجه . من ها أربعه حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الأخر ;

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولی، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعده و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند

از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر>.

تغییر فصلهای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۲

۲ اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .

إن فی اختلف الّیل و النهار . .. لأیت

قدمت ماههای دوازده گانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱،۴

۱ از آغاز خلقت آسمان ها و زمین ، شمار ماه ها دوازده ماه است .

إن عده الشهور عند اللّه اثنا عشر شهراً . .. یوم خلق السموت و الأرض

۴ وجود ماه های دوازده گانه در یک سال ، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد .

إن عده الشهور . .. یوم خلق السموت و الأرض

نقش سال و ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۶

۶ سال و ماه قمری ، معیار محاسبات امور شرعی

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب

سالشماری

ابزار سالشماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۶ – ۳

۳ خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس

و القمر حسبانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۵

۵ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و . . .) وسیله ای مطمئن برای شمارش ماه و سال و محاسبه امور زندگی انسانهاست .

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۹

۹- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا ءایه النهار . .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

سالکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سالکان

استهزای سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۶

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

اطاعت از سالکان راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۰،۱۳،۱۷

۱۰ - باید از کسانی پیروی کرد که به سوی خدا حرکت می کنند .

جهداک علی أن تشرک بی . .. فلاتطعهما ... و اتّبع سبیل من أناب إلیّ

۱۳ - انسان های خداجو ، الگویی شایسته برای تبعیت اند .

و اتّبع سبیل من أناب إلیّ

۱۷ - توجه دادن انسان به محاسبه اعمال اش در نزد خداوند ، زمینه ساز پایبندی وی به توحید و پیروی کردن از انسان های خداجو است .

و إن جهداک علی أن تشرک بی . .. فلاتطعهما ...

و اتّبع سبيل من أناب إلىّ ثمّ إلىّ

تقرب سالكان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۹

۹ آمرزش گناه استغفارکنندگان و باریافتن سالکان به درگاه الهی ، پرتوی از رحمت ، مهربانی و محبت خداوند به بندگان است .

واستغفروا ربكم ثم توبوا إليه إن ربى رحيم ودود

رستگاری سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۱

۱ - پاک سازندگان و رشد دهندگان روح خویش ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته و همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من زکّیها

<زکاه> در لغت عرب، در اصل به معنای <طهارت>، <نمو>، <برکت> و <ستودن> است (نهایه ابن اثیر) معنای اول و دوم، با آیه شریفه تناسب بیشتری دارد. <فلاح>; یعنی، پیروزمندی و رسیدن به مقصود (مفردات) و به معنای نجات و باقی ماندن در خوبی (قاموس) نیز آمده است.

سالکان صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ انسانها بر اساس طینت اولی خویش سالکان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقیم . .. لاتجد أكثرهم شكرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۹

۹ – برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی

می مانند .

و إذا غشیهم موج . .. دعوا اللّه ... فلمّا نجّیهم إلی البرّ فمنهم مقتصد

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۴

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدینهما الصرط المستقیم

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

و لقد مننّا علی موسی و هرون . .. و هدینهما الصرط المستقیم

۴ - در صراط مستقیم بودن ، از ویژگی های رسولان الهی

و هدینهما الصرط المستقیم

کینه با سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا . .. و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

ویژگیهای سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ راه یافتگان از مرحله ایمان به مقام تسلیم ، بر توکل به خدا توانمندند .

إن كنتم ءامنتم باللّه فعليه توكلوا إن كنتم مسلمين

سامری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سامری

آثار ارتداد سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۶

۶ - ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

آثار پیروی از سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۹

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری

و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

آثار هواپرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۸

۸ - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و کذلک سوّلت لی نفسی

<کذلک> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

ابزار اضلال سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۴

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که

با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

ادعاهای سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۱

۱ – سامری ، مدعی داشتن دیدی ممتاز و درک حقایق و دانستنی هایی که دیگران بر آن آگاهی نداشتند .

قال بصرت بما لم یبصروا به

فعل <بصر> زمانی در مورد دیدن با چشم می رود که درک قلبی نیز ضمیمه آن شده باشد و استعمال آن در مواردی که فاقد درک قلبی است، بسیار کم است (مفردات راغب). دراین که مراد سامری از این سخن چه بوده، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله این که من به فنون و حقایقی آگاهی یافتم که زمینه ساز استفاده بیشتر من از آثار رسالت شده بود و دیگران از آن زمینه محروم بودند.

اضلال سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۵ – ۴

۴ – سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۵ – ۲

۲ – پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبك>; یعنی، سبب کار

تـو یـا مطلـوب و خواسـته تـو چـه بـوده اسـت؟ معـانی <شـأن> و <أمـر> نیز از جمله معـانی ذکر شـده برای این کلمه اسـت (قاموس).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۵،۷،۸

۵ – سـامری ، بـا بی اعتنـایی به آمـوخته هـای ویژه و الهی خود و دورافکنـدن آنهـا ، به سـاختن گوسـاله و گمراه سـازی مردم پرداخت .

فنبذتها و کذلک سوّلت لی نفسی

از جمله معـانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از <نبـذتها> بی اعتنایی به آموخته ها (بصـرت. .. قبضت) باشـد; یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را که از رسولان فراگرفته بودم به دور افکنـدم و درپی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

۷ – خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت . .. و کذلک سوّلت لی نفسی

<تسویـل> به معنـای نیکـو و زیبـا جلوه دادن و محبوب سـاختن چیزی در دیـدگاه دیگری است، تـا او وادار به گفتن سـخنی مخصوص و یـا انجـام کـاری خـاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشـتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

۸ – فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننـده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسـرائیل بود .

و کذلک سوّلت لی نفسی

<کذلک> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این

است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

اعراض از سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

اقرار سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۴،۷

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

۷ - خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت . .. و کذلک سوّلت لی نفسی

<تسویل> به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی

و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - سوزانـدن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصـمیم قطعی و مؤکد موسـی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلی إلهک . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ نسفًا

<تحریق> (مصدر <لنحرّقنّه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشانـدن است (قـاموس). گفتنی است که معنـای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسـد، بنابراین <ثمّ لننسـفنّه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ

<انظر> فرمـان موسـی(ع) بـه سـامری است و ظـاهر آن است که مقصـود، مشاهـده مراسم سوزانـدن و به دریـا ریختن باشـد. ضمیرهای جمع در <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۳

۳ - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری ، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون . .. إنّما فتنتم به

انگیزه مجسمه سازی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۲

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

بینش پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) در دیدگاه و تبلغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

بینش سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) در دیدگاه و تبلغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۷

۷ – گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً . .. فقالوا هذا إلهكم و إله موسی

فعل جمع <قالوا> می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم

کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

تبعید سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

تهمتهای پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۹،۱۰

۹ - سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

۱۰ - سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

تهمتهای سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ – طه – ٢٠ – ٨٨ – ٩،١٠

٩ – سامري

و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

۱۰ - سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

جنس گوسالهسامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<عجل>; یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلًا> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود; نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<عجل>; یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلًا> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود; نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...>

ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

حتمیت کیفر اخروی سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۶

۶ – سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . .. و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده>، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

دروغگویی پیروان سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۹

۹ – سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

دروغگویی سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۹

۹ – سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضـمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

دوراندازی زیورآلات سامری

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۷ – ۹،۱۰

۹ – بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

<کذلک>; یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۰ – اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فکذلک ألقی السامریّ

روانشناسی سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۴

۴ – سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا له خوار

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

روش تبلیغ سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۴

۴ – سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته

های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرّقنّه

از معانی ذکر شده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و ساییدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

سوءاستفاده سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۴

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع)

در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهک . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ نسفًا

<تحریق> (مصدر <لنحرّقنّه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثمّ لننسفنّه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ

<انظر> فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۲

۲۲ - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده : < و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم > روایت شده که فرموده است : < فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذرّه فی الیمّ قال : فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول اللّه : و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم ;

موسی(ع) قصد]نابودی[گوساله]سامری[را نمود; پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت.

در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر]مخلوط با آب را [می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم>.

شخصیت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۴

۴ - سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلاً جسدًا له خوار

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۳

۳ - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسدًا له خوار

<خوار>; یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۶

۶ - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی ار هرگونه مفهوم لفظی بود .

له خوار . .. أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

طرد سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۳،۴،۶

۳ – ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی

الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ لک فی الحیاه. ..> نفرین موسی(ع) در حق سامری باشد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۴ - قطع رابطه با مردم و منزوی و مطرود جامعه شدن ، کیفری سزاوار برای سامری

قال فاذهب فإنّ لک . .. لامساس

لام در <لک> بر استحقاق سامری دلالت دارد و با توجه به <نبذتها> (در آیه قبل) می توان گفت: رانده شدن از جامعه، کیفری مناسب برای گناه دور انداختن آثار رسالت از سوی سامری است.

۶ - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . .. و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده>، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

عجز گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۱

۱ - گوساله سامری ، پیکره ای عاجز از پاسخ گویی و ناتوان از نفع و ضرر رسانی

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً و لایملک لهم ضرًّا و لانفعًا

<رجوع> در کلام فصیح عرب به صورت متعدی نیز استعمال می شود (مصباح) و <لایرجع. ..>; یعنی گوساله، گفته ای را به آنان بازنمی گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و <لایملک...>; یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

علم سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۱،۲

۱ – سامری ،

مدعی داشتن دیدی ممتاز و درک حقایق و دانستنی هایی که دیگران بر آن آگاهی نداشتند .

قال بصرت بما لم یبصروا به

فعل <بصر> زمانی در مورد دیدن با چشم می رود که درک قلبی نیز ضمیمه آن شده باشد و استعمال آن در مواردی که فاقد درک قلبی است، بسیار کم است (مفردات راغب). دراین که مراد سامری از این سخن چه بوده، احتمالاتی ذکر شده است; از جمله این که من به فنون و حقایقی آگاهی یافتم که زمینه ساز استفاده بیشتر من از آثار رسالت شده بود و دیگران از آن زمینه محروم بودند.

۲ - سامری ، از دانش و مزیتی علمی بر بنی اسرائیل برخوردار بود .

قال بصرت بما لم یبصروا به

غفلت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی <نسی> به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول <منّ و سلوی> و نظایر آن خواهد بود.

فضایل سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۲

۲ - سامری ، از دانش و مزیتی علمی بر بنی اسرائیل برخوردار بود .

قال بصرت بما لم یبصروا به

فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۸ - ۱

۱ - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش ، هدف موسی (

ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرّقنّه . .. إنّما إلهكم اللّه

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی(ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم به نابود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی(ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

قصه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۳،۴،۵،۶،۷

۳ - سامری ، به کمک علم و آگاهی خود ، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار

گرفت .

بصرت . .. فقضیت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از <أثرالرسول> دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است; که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. <ال> در <الرسول> دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود; ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نساخت.

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

۵ - سامری ، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها ، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت .

فنبذتها و کذلک سوّلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از <نبذتها> بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت. .. قبضت) باشد; یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را که از

رسولان فراگرفته بودم به دور افکندم و درپی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

۶ - ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

۷ - خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت . .. و کذلک سوّلت لی نفسی

<تسویل> به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱،۳،۹،۱۰

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ

لـک فی الحیـاه. ..> نفرین موسـی(ع) در حق سامری باشـد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسـمی خاصـی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۹ - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلی إلهک الذی ظلت علیه عاکفًا

<إلهک> علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

۱۰ - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاکفًا

<ظلت>، تخفیف یـافته <ظللت> (مـداومت داشتی) است. <عکوف> به معنـای ملازم چیزی بودن و سرکشـی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت علیه عاکفاً>; یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

قطع رابطه با سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱

۱ - موسـی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زنـدگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فـا در <فـاذهب> علاـوه بر ترتب فرمـان رفتن بر محکومیت سـامری، بر فوریت آن نیز دلاـلت دارد. <مساس> مصـدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سـزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس

گیرنده ای با تو باشد.

کفران سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۱۴

۱۴ – سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی <نسی> به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول <منّ و سلوی> و نظایر آن خواهد بود.

کیفر دنیوی سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۶

۶ – سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . .. و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده>، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

کیفر سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۴

۴ – قطع رابطه با مردم و منزوی و مطرود جامعه شدن ، کیفری سزاوار برای سامری

قال فاذهب فإنّ لک . .. لامساس

لام در <لک> بر استحقاق سامری دلالت دارد و با توجه به <نبذتها> (در آیه قبل) می توان گفت: رانده شدن از جامعه،

کیفری مناسب برای گناه دور انداختن آثار رسالت از سوی سامری است.

گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۹

۹ - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلی إلهک الذی

ظلت علیه عاکفًا

<إلهک> علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

گوساله سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۶

۶ – سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان < اله > بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

مجسمه سازی سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۱،۴

۱ – سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<عجل>; یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلًا> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود; نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

۴ – سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا له خوار

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۵

۵ – سامری ، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها ، به ساختن گوساله و گمراه سازی

مردم پرداخت .

فنبذتها و کذلک سوّلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از <نبذتها> بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت. .. قبضت) باشد; یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را که از رسولان فراگرفته بودم به دور افکندم و درپی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

محافظت از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاکفًا

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عکوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت علیه عاکفاً>; یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

محاکمه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو

خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

منشأ علم سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۳

۳ - سامری ، به کمک علم و آگاهی خود ، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار گرفت .

بصرت . .. فقضیت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از <أثرالرسول> دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است; که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. <ال> در <الرسول> دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود; ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نساخت.

مواخذه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به

معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

موسی(ع) و گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلی إلهک . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ نسفًا

<تحریق> (مصدر <لنحرّقنّه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثمّ لننسفنّه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

مهارت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۴

۴ سازنده مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، ماهر در فن مجسمه سازی ، صنعتکار و هنرمند بود .

عجلا جسداً له خوار

اطلاق گوساله بر مجسمه آن که بیانگر این نکته است که مجسمه ساخته شده کاملاً شبیه گوساله بوده و نیز ساختن آن به گونه ای که صدای گاو از آن برآید، بیانگر این است که سازنده آن مجسمه هنرمند بوده و در صنعت مجسمه سازی مهارت کامل داشته

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۴

۴ – سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا له خوار

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

نابودی گوساله سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۱۳

۱۳ – موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان دراین اقدام مصمم بود .

لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه> گویای نکته یاد شده است.

نفرین بر سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۳

۳ – ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ لک فی الحیاه. ..> نفرین موسی(ع) در حق سامری باشد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

نقش سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۷ – ۸

۸ – سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده

جلودار بودن او در این قضیه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۵ – ۱

۱ – موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبك یسمریّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۱۰

۱۰ – سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاكفًا

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عکوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت علیه عاكفاً>; یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

نقش صدای گوساله سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۵

۵ – شنیده شدن صدای گوساله از تندیسِ دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یك از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

نقش گوساله سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۰ – ۲

۲ – گوساله سامری ، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود .

إنّما فتنتم به

هزینه گوساله سامری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه

- ۲۰ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را ، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

ما أخلفنا موعدك بملكنا و لكنّا حمّلنا أوزارًا

یکی از معانی ذکر شده برای <ملک>، <مملوک> است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم; بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

سایه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سایه

آثار انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

ارزش سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۱۲

۱۲– انقیاد و خضوع کامل سایه ها در

برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

استراحت در سایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۴ – ۴

۴ – بازگشتن موسی (ع) به سایه جهت استراحت ، پس از آب دادن گوسفندان دختران شعیب

ثمّ تولّی إلی الظلّ

استراحت در سایه درختان سدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۸ – ۳

۳ – استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

انقیاد سایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۶

۶ سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله یسجد من فی السموت . .. و ظللهم

<ظلال> (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

بی تأثیری سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر

برای آنان

فی سموم . .. و ظلّ ... لابارد و لاکریم

تشبیه به سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

تعقل در سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۳

۳- اندیشیدن در اهمیت سایه و عوامل سایه افکن و رهایی از تابش مداوم آفتاب ، از راه های خداشناسی است .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۰ - ۱

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

<ممدود>; یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت <ظلّ ممدود> را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

حرارت سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۱

۱ - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لابارد و لاکریم

<لابارد. ..> صفت برای <ظلّ> است.

خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری

آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هااز قوانین الهی است.

خضوع سایه در عصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هااز قوانین الهی است.

خضوع سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۸

۸– گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

خلقت سایه دار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل

- ۱۶ - ۸۱ - ۱

۱- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

خلقت موجودات سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱،۲

۱- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است :B۱. فعل <رأی> هرگاه به <إلی> وصل شود، متضمن معنای <نظر> است و <نظر> در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. ۲ مرجع ضمیر <یروا> در آیه، احتمال دارد <ناس> باشد. ۳ همزه استفهام، انکاری توبیخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

۲- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله

مرجع ضمیر <یروا> در این برداشت <مشرکان> می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

سایه ابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۲

۲ - خداوند ، با

سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

سایه ابر بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۷،۲۰،۲۶

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظلّلنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظلّلنا) به معنای سایه قرار دادن است.

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا . .. > بر جمله <ظلّلنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

سایه بانهای اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۲

۲ - نزول عذاب الهی بر مردم ایکه ، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند

.

فأخذهم عذاب یوم الظّله

ضمیر <هم>در <أخذهم> به <اصحاب الأیکه> باز می گردد. <أَخْذ> (مصدر <أخذ>) به معنای فرو گرفتن و <ظلّه> به معنای سایه بان است. اضافه <عذاب> به <یوم> به تقدیر <فی> می باشد; یعنی، <فأخذهم عذاب یوم الظّله; عذابی سخت آنان را در روز سایه بان فروگرفت>. نامیده شدن آن روز به <روز سایه بان> بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

سایه بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۲،۵،۶

۲ - خداوند ، با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۶ - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن < منّ > و < سلوی > از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

سایه در بهشت

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۶ – ۳

۳ – وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

سایه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۵،۸

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

۸ سایه آرام و دلپذیر ، جایگاهی ویژه در بهشت

و ندخلهم ظلا ظلیلا

تکرار <ندخلهم> حکایت از ویژگی ظلّ (سایه) در بهشت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۴ – ۱،۲

۱ – ابرار در بهشت ، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند .

و دانیه علیهم ظللها

۲ – بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظلالها>; یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۲ - بهشت ، داری سایه هایی

از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًٔا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و کأسًا دهاقًا

سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۳ - ۱

۱ - زندگی در سایه ای از دود سیاه ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران <یحموم> را به دود سیاه معنا کرده اند.

سجده سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۶

۶ سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله یسجد من فی السموت . .. و ظللهم

<ظلال> (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها

در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

گردش سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۵،۸

۵- پدیده های مادی و پیدایش و گردش سایه های آنها از راست و چپ ، از آیات خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

مورد سرزنش قرار دادن کسانی که به اشیاء و گردش سایه های آنان نظر عمیق نمی کنند، قطعاً به خاطر خود آنان نیست; بلکه از این جهت است که با نظر به آنها می توان به خداوند پی برد.

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

مراد از سایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۵ – ۷

۷ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ > فقال الظلّ ما بین طلوع الفجر إلی طلوع الشمس ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <. ..مدّ الظلّ> فرمود: مراد سایه بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است>.

منشأ امتداد سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۵ – ۳،۵

۳ پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ،

جای شگفتی دارد .

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در <ألم تر. ..> از نوع استفهام تعجبی باشد; چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب <مغنی اللبیب>) مطابق همین احتمال است.

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

منشأ توقف سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

منشأ حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴،۵

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت

خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

منشأ كاهش سايه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۵

۵ حركت سايه ها و كم و زياد شدن آنها ، برخاسته از مشيت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱،۲

۱ جريان مستمر كوتاه و بلند شدن سايه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشيت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

۲ كاهش اندك اندك امتداد سايه ها ، با مشيت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

منشأ گردش سايه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پديد آمدن اجسام سايه دار و گردش آن سايه ها ، به دست خداوند است .

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شىء يتفيّؤا ظلله عن اليمين و الشمائل

موجودات بى سايه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۶

۶- برخی موجودات و مخلوقات الهی ، فاقد سایه اند . *

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

برداشت فوق، بدان احتمال است که <من> در <ممّا خلق> برای جدا ساختن مخلوقات بی سایه از موجودات سایه دار باشد.

نشانه امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها

بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

نعمت امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۲- بهرهوری انسان از سایبان و سرپناه به وسیله اشیای مختلف ، از نعمت های الهی است .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

نعمت کاهش سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۶ – ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است; ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نقش امتداد سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۵ – ۱،۳

۱ امتداد و گسترانیدن سایه ها ، نمودی روشن از ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

۳ پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ، جای شگفتی دارد .

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در <ألم تر. ..> از نوع استفهام تعجبی باشد; چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب <مغنی اللبیب>) مطابق همین احتمال است.

ویژگیهای سایه های جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۴ – ۱

۱ – سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لابارد و لاکریم

<لابارد. ..> صفت

برای <ظلّ> است.

سایه ها

آثار انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

ارزش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

انقیاد سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۸

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن

الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

تعقل در سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۳

۳– اندیشیدن در اهمیت سایه و عوامل سایه افکن و رهایی از تابش مداوم آفتاب ، از راه های خداشناسی است .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

خضوع سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۸

۸– گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۱،۲

۱– دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است :B۱. فعل <رأی> هرگاه به <إلی> وصل شود، متضمن معنای <نظر> است و <نظر> در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. ۲ مرجع ضمیر <یروا> در آیه، احتمال دارد <ناس> باشد. ۳ همزه استفهام، انکاری توبیخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

۲– دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله

مرجع ضمیر <یروا> در این برداشت <مشرکان> می باشد که در آیات

قبل از آنان سخن به میان آمده است.

سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۵،۸

۵- پدیده های مادی و پیدایش و گردش سایه های آنها از راست و چپ ، از آیات خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

مورد سرزنش قرار دادن کسانی که به اشیاء و گردش سایه های آنان نظر عمیق نمی کنند، قطعاً به خاطر خود آنان نیست; بلکه از این جهت است که با نظر به آنها می توان به خداوند پی برد.

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

منشأ امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۳،۵

۳ پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ، جای شگفتی دارد .

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در <ألم تر. ..> از نوع استفهام تعجبی باشد؛

چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب <مغنی اللبیب>) مطابق همین احتمال است.

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۶ – ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

منشأ توقف سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۵ – ۴

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

منشأ حرکت سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۵ – ۴،۵

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۶ – ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

منشأ کاهش سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ –

۵ - ۴۵

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱،۲

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

۲ کاهش اندک امتداد سایه ها ، با مشیت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

منشأ گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيّؤا ظلله عن اليمين و الشمائل

نشانه امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلًا

نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

نعمت امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

- ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است; ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است; ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت کاهش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است; ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نقش امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۵ - ۴۵ - ۱،۳

۱ امتداد و گسترانیدن سایه ها ، نمودی روشن از ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

۳ پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ، جای شگفتی دارد .

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در <ألم تر. ..> از نوع استفهام تعجبی باشد; چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب <مغنی اللبیب>) مطابق همین احتمال است.

سبزیجات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار ذکر رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۴

۴ - توجّه به رویش گیاهان و سبزیجات ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أکفره . .. فأنبتنا فیها ... عنبًا و قضبًا

بنی اسرائیل و در خواست سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

خالق سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه

ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصـدر و جایگزین مصـدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رسانـدن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

منشأ رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۲

۲ - تولید سبزی های دست چین و ساقه های خوراکی ، در حقیقت مستند به خداوند است .

فأنبتنا فیها . .. قضبًا

<اقتضاب>; یعنی، چیدن و <قضب> گیاهی است که تر و تازه، چیده و خورده شود. (لسان العرب)

نعمت رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویانـدن تاک و سبزیجات ، با فرسـتادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداونـد و مقتضـی شـکر گزاری انسان از او است .

ما أکفره . .. فأنبتنا فیها ... عنبًا و قضبًا

برداشت یاد شده، با توجّه به این احتمال است که <کفر> در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد.

نقش سبزیجات خوشبو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فیها ... و الریحان

واژه <ریحان>، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحیط).

۳ - همه مظاهر طبیعت ، از ریاحین تا پوسته

حبوبات ، نشانی از طراح حسابگر هستی (خداوند) است .

الرحمن . .. و الحبّ ذوالعصف و الریحان

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از حاکمیت سنجش بر نظام هستی بود، ممکن است بیان این دقایق در این آیات، به منظور نمایاند آن حساب گری باشد.

نیاز به تنوع سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فیها فکهه و النخل ... و الحبّ ... الریحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است; می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

سبیل الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سبیل الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۳،۴،۱۶

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فئه . .. تقاتل فی سبیل اللّه

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل اللّه بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

۴ رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران ، در بدر

فئه تقاتل فی سبیل اللّه و اخری کافره

۱۶ جهاد و مبارزه در راه خدا ، زمینه جلب امداد های الهی

فئه تقاتل فی سبیل اللّه . .. و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

از اینکه

خداوند، مؤمنان مؤیّد و پیروز را توصیف کرد که جهادشان <فی سبیل اللّه> بود، معلوم می شود که <فی سبیل اللّه> بودن، زمینه جلب تأیید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۳

۳ دین اسلام ، < سبیل اللّه > است .

لم تصدّون عن سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۲، ۱،۲،۳،۴،۸،۱۰

۱ دنیامداران و خودمحوران ، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیاطلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه <فاء> در <فلیقاتل>، دلالت روشن بر این معنا دارد.

۲ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الیوه الدّنیا بالاخره

۳ آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

۴ تضاد جهاد در راه خدا با دنیاپرستی

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند

و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

۱۲ مجاهدان راه خدا هرگز مغلوب نیستند ، هر چند کشته شوند . *

فیقتل او یغلب

به کارگیری کلمه <یُقتل> به جای <یُغْلَب> (مغلوب شود) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۳،۴،۱۸

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه

۳ متخلفان از جهاد در راه خدا و رهایی مستضعفان ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

۴ جنگ برای رهایی مستضعفان موحد ، از مصادیق جهاد در راه خداست .

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

مراد از راه مستضـعفین، رهایی آنان است. بنابراین <المستضـعفین> عطف است بر <سبیل اللّه>; و این عطف، عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از <سبیل اللّه> باشد.

۱۸ استجابت دعای مستضعفان مکّه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لکم لا تقاتلون . .. الّذین یقولون ربّنا اخرجنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ ناسازگاری دنیاطلبی با حرکت در راه خدا

اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا . .. تبتغون عرض الحیوه الدّنیا

۱۸ غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیاطلبی می پرهیزند .

اذا ضربتم فی سبیل اللّه . .. و لا تقولوا ...

فعند اللّه مغانم کثیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۱،۴،۱۶

۱ نابرابری مرتبه و درجه مجاهدان در راه خدا با کسانی که علی رغم توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل اللّه

۴ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون فی سبیل اللّه باموالهم و انفسهم

۱۶ ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لایستوی القاعدون . .. و المجاهدون ... فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰۰ – ۲،۵،۸،۱۳

۲ رهایی از تنگنا ها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره ای برای هجرت در راه خدا

و من یهاجر فی سبیل اللّه یجد فی الارض مراغماً کثیراً وسعه

۵ وابستگی به خانه و سرزمین ، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

۸ مهاجرت به سوی پیامبر (ص) ، هجرت در راه خداست .

و من یهاجر فی سبیل اللّه . .. و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

۱۳ ایجاد روحیه امید به آینده و زندگی برتر معنوی و مادی ، از روش های قرآن در ایجاد انگیزه برای عمل

و من یهاجر . .. یجد مراغماً

کثیراً وسعه ... فقد وقع اجره علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۷

۷ یهودیان مردمانی بسیار منحرف و رویگردان از راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

کلمه <صداً> می تواند به معنای بازداری و نیز به معنای اعراض باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است، چنانچه برداشت پیش بر مبنای احتمال اول بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۶

۶ ایمان به پیامبر (ص) و قرآن ، راه خداست .

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه

با توجه به اینکه متعلق <کفروا> قرآن و پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <سبیل اللّه> ایمان به پیامبر(ص) و قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تعدد راه های گمراهی و باطل ، و یکتایی راه هدایت و حق

و یخرجهم من الظلمت إلی النور

برداشت فوق با توجه به جمع بودن <ظلمات> و مفرد بودن <نور> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۰،۱۴

۱۰ جهاد و مبارزه در راه خدا ، از وظایف مؤمنان

يأيها الذين ءامنوا . . و جهدوا فى سبيله

۱۴ فلاح و رستگاری در گرو تقواپیشگی ، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوك تا مقام قرب خداوند و پیكار در راه او

اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فى سبیله لعلكم تفلحون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۰،۲۱

۲۰ لزوم مبارزه در راه خدا و بی اعتنایی به سرزنش دشمنان ، در انجام وظایف و مسؤولیت های الهی

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

۲۱ راه خدا ، جهت و محور تلاش پیگیر مؤمنان

یجهدون فی سبیل اللّه

در برداشت فوق جهاد به معنای لغوی آن (تلاش و کوشش) گرفته شده است. نه خصوص نبرد. فعل مضارع (یجهدون) حکایت از تلاش مستمر و پیگیر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۸

۸ دستیابی به رحمت خداوند در آخرت ، در گرو گام نهادن در راه خدا و پیروی از دین او و ایمان به آخرت است .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله ... و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۲

۲ - < صراط مستقیم > همان راه خداوند است .

صرط مستقیم . صرط اللّه

آثار اعراض از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ - بیرون رفتن از مسیر خدا ، درپی دارنده عذاب شدید الهی

إنّ الذین یضلّون عن سبیل اللّه لهم عذاب شدید

آثار بدنمایانی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۲

۲ تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت ، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است .

الذین . .. یبغونها عوجًا و

هم بالأخره هم کفرون ... أَولئک الذين خسروا أنفسهم

آثار سلوک سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۰

۲۰ - توبه و پيمودن راه خدا (عمل به تعاليم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذين تابوا و اتّبعوا سبيلک و قهم عذاب الجحيم

آثار صدر از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۱

۱۱ ظلم و جلوگيری از راه خدا ، موجب عقوبت و کيفر الهی

فبظلم من الذين هادوا حرّمنا عليهم طيبت . .. و بصدّهم عن سبيل اللّه کثيراً

آثار ممانعت از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۱

۱ دروغ بستن به خدا وبازداری مردم از راه او ، موجب خسارت و تباه کردن سرمايه عمر است .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا . .. أُولئک الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳ - ۱۰

۱۰- ترجيح دادن همواره دنيا بر آخرت ، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعاليم الهی ، از نشانه های کفرپيشگی است .

ويل للكفرين . .. الذين يستحبّون الحيوه الدنيا على الأخره و يصدّون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱۱

۱۱- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی

است .

و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبيل الله و لكم عذاب عظيم

مقصود از <سبيل الله> دين خداست كه در آيات بسيارى از قرآن به همين عنوان آمده است.

ارزش سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۴

۴ - در راه خدا بودن ، معيار ارزش اعمال است .

و لاتقولوا لمن يقتل فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، امتياز جهاد اسلامى بر ديگر نبردها

فليقاتل فى سبيل اللّه . .. و من يقاتل فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۶

۶ در راه خدا بودن ، ملاك ارزش هجرت و جهاد در پيشگاه خداوند

هاجروا و جهدوا بأمولهم و أنفسهم فى سبيل اللّه

برداشت فوق با توجه به كلمه <فى سبيل اللّه> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، ملاك ارزش اعمال انسان ها در پيشگاه اوست .

جهدوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۷

۷ ارزش جهاد ، منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهد فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۴

۴ ارزش والای هجرت و جهاد منوط به این است که در

راه خدا باشد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۹

۹ ارزش جهاد منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهاد فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش انفاق

و لا ینفقونها فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۵

۵ ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۵،۶

۵ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّه

۶ راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسانهاست .

و جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۷

۷ در راه خدا و برای خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد

أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۲

۱۲ ارزشمندی تحمل رنج و سختی ، منوط به در راه خدا بودن آن است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۲ – ۱۱

۱۱ – در راه خدا بودن ، شرط ارزشمندی هجرت

و المهجرین فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲

۲ – در راه خدا بودن ، شرط باروری و ارزشمندی انفاق است .

و ما لکم ألاّتنفقوا فی سبیل اللّه

مطلب یاد شده، از قید <فی سبیل اللّه> استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ – راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسان ها است .

و تجهدون فی سبیل اللّه بأمولکم و أنفسکم

استهزای سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۱۲

۱۲ – از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ . .. و یتّخذها هزوًا

اعتدال سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۸ – ۷

۷ – راه خدا ، راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط و اعوجاج است .

لمن شاء منکم أن یستقیم

<استقامه> به معنای اعتدال و استواء است. (لسان العرب)

اعراض از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۵ – ۱

۱ اعراض کنندگان از راه خدا (دین و معارف الهی) از زمره ستمکارانند .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین یصدون عن

سبیل اللّه

<صدّ> مصدر <یصدّون> می تواند به معنای اعراض کردن باشد و می تواند به معنای مانع شدن و باز داشتن به کار رود. در صورت اول <یصدّون> فعلی لازم است و در صورت دوم فعلی است متعدی. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

افساد مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۳

۳- جلوگیری از رواج دین الهی ، فسادانگیزی است و سد کنندگان راه خدا مفسدند .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله . .. بما کانوا یفسدون

اهمیت تقویت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲،۱۶

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

اهمیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۴

۴ لزوم حركت در مسير خدا، هر چند خلاف رأى اكثريت مردم باشد.

و إن تطع أكثر . .. عن

سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۲

۱۲ ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

یقتلون فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۲ – ۱۲

۱۲ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر ، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التّئبون العبدون . .. و الناهون عن المنکر

برداشت فوق بدان احتمال است که <الحامدون السائحون . .. > از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۳۱

۳۱– ارزش هر ایثار و مبارزه ای ، به این است که در راه خدا و برای خدا باشد .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه

قید <فی سبیل اللّه>، بیانگر معنای بالا است.

بد نمایاندن سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۵ – ۳،۴،۷

۳ آنانکه در پی کج و ناهنجار جلوه دادن راه خدا هستند ، از گروه ظالمانند .

أن لعنه اللّه على الظالمين. الذين ... يبغونها عوجاً

بغی به معنای خواستن و جستجو کردن است. <ها> در <یبغونها> به تقدیر لام می باشد و عوجا (کجی و انحراف)، مفعول به است بنابراین <الذین یبغونها عوجاً> یعنی: آنانکه در جستجوی کجی برای دین الهی هستند حال یا در لابلای معارف دینی در جستجوی مواردی هستند که آنها را

نکـاتی انحرافی بنمایانند و یـا اینکه با تحریف حقایق دین، آنها را به مسائلی انحرافی تبـدیل می کننـد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۴ آنـانکه در پی ناهنجـار کردن و منحرف ساختن راه خداینـد ، از زمره سـتمکارانند و در قیامت مورد لعنت خـدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

۷ اعراض کننـدگان از راه خـدا ، بازدارندگان مردم از پیوسـتن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند ، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً

بدنمایانی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۳

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا

تحسین ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۷

۷ سرمستی ، ریاکاری و بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق <أعملهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری . .. است.

ترک سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۷

۷ – پیمودن هر راهی به جز

راه خدا ، گمراهی است .

لیضلّ عن سبیل اللّه

تشویق به سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۱

۲۱ - تشویق خطاکاران به توبه و پیمودن راه درست از سوی خداوند

فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

تنزیه سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۵

۵ راه خدا (احکام و معارف الهی) از هرگونه کجی ، ناهنجاری و انحراف منزه است .

و یبغونها عوجًا

حرکت در سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۴

۴ در راه خدا بودنِ عمل ، ملاک ارزش آن

و قاتلوا فی سبیل اللّه

حُسن فرجام سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۸

۱۸- راه خداوند ، راهی است روشن و دارای فرجامی مشخص و بدون سردرگمی

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور . .. إلی صرط العزیز الحمید

عبارت <إلی صراط العزیز> بدل از <إلی النور> است. تسمیه راه خدا به <نور> و راه غیر آن به <ظلمات> نشان می دهد که راه خداوند روشن و مشخص است; در حالی که راههای غیر آن، آمیخته با سردرگمی است.

حقانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۸

۱۸ - راه خدا ، راهی است برپایه حق .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه

فرمان حق مداری به داوود(ع) در

داوری و سپس توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس، به خاطر ضرر گمراه شدن از راه خدا، حاکی از این نکته است که راه خدا راهی است برپایه حق.

دعوت به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱،۲،۳،۹

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه>; یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

۲- رشد و کمال پیامبر (ص) در پرتو ربوبیت الهی ، مقتضی دعوت دیگران به راه خداست .

ادع إلی سبیل ربّک

واژه <ربّ> که در لغت به معنای تربیت است (مفردات راغب) می تواند اشاره به این جهت داشته باشد که: بهره‌وری پیامبر(ص) از ربوبیت خدا، مقتضی آن است که آن حضرت دیگران را نیز از ربوبیت خدا بهره مند سازد.

۳- تبلیغ دین و دعوت دیگران به راه خدا ، تکلیفی الهی بر همگان

ادع إلی سبیل ربّک

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از مخاطب اصلی آیه; یعنی، پیامبراکرم(ص) است.

۹- انسان برای گرایش به راه خدا ، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <و جادلهم> با بیان دیگر و امری مجزّا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۳

۳ - انتخاب راه خدا و هدف قرار دادن قرب او ، دعوت الهی از تمام مردم

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

تعبیر <إلی ربّه مأباً> به قرینه <للطاغین مأباً> در آیات پیشین دعوت به اعراض از فرجام طغیانگران (جهنم) و برگزیدن قرب خداوند به عنوان مقصد نهایی است. حرف <إلی> در <إلی ربّه> دلالت می کند که مقصد نهایی، راهی است که سمت و جهت آن به سوی خداوند باشد. این تعبیر کنایه از قرب به خداوند است; نه وصول به آن ذات اقدس; زیرا در آن صورت به حرف <إلی> نیازی نبود.

رد عذر معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۲

۲ - اخطار های الهی درباره عذاب ، از میان برنده هرگونه عذر در ترک راه خدا

إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

جملاتی نظیر <إنّا أنذرناکم> که پس از هشدار به عذاب گفته شود خبر از تحقق انذار نیست; زیرا مخاطب به آن آگاه است; بلکه در مقام اظهار برائت و قطع عذر مخاطب است. ذکر این جمله پس از <من شاء اتّخذ...> در آیه قبل - گویای معذور نبودن کسی است که سیر زندگانی خود را، به سوی خدا قرار نمی دهد.

زمینه گرایش به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۹

۹- انسان برای گرایش به راه خدا ، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

برداشت

فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <و جادلهم> با بیان دیگر و امری مجزّا آمده است.

زمینه ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۲

۲ دنیاطلبی ، زمینه ساز مبارزه با دین الهی و بازداشتن مردم از راه خداست .

اشتروا بأیت اللّه ثمناً قلیلا فصدوا عن سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۲

۲ - دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا

<ذلک> می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

زیان ایثار در غیر سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۷

۷ ایثار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

زیانکاری اخروی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه

خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم . .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند; ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

سبیل الله و شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۸

۸ تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتل

سبیل الله و طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۸

۸ تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتل

سختی سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۸

۱۸ پیروی از پیامبر (ص) و حرکت در راه خدا ، به دنبال دارنده سختی ها و مرارتها

ما کان . .. أن یتخلفوا عن رسول اللّه ... ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا م

شمرده شدن سختیها و رنجها در آیه و ترغیب مؤمنان به تحمل آنها، بیانگر این حقیقت است که حرکت در راه دین

دربردارنده رنج و زحمت

می باشد و ایمان واقعی، مستلزم تحمل آن است.

سدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۱،۴،۱۱

۱ توبیخ اهل کتاب ، به لحاظ ممانعت مؤمنان از راه خدا

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل اللّه

۴ ضرورت اعتراض و برخورد با کسانی که مانع راه خدا گشته و مؤمنان را ازآن بازمی دارند .

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل اللّه

۱۱ آگاهی عالمان اهل کتاب ، به زشتی عمل خود (بازداشتن مؤمنان از راه خدا)

و انتم شهداء

برخی برآنند که مورد شهادت همان بازداشتن از راه خداست.

شرک و سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ناسازگاری راه شرک با راه خدا

و جعل للّه أندادًا لیضلّ عن سبیله

شیطنت مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۷

۷ - بازدارندگان انسان از راه حق و سدکنندگان مسیر هدایت ، شیطان اند .

نقيّض له شيطنًا . .. و إنّهم ليصدّونهم

صد از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۹،۱۷،۲۵

۹ در نظر خداوند ، جلوگيرى از راه خدا و كفر به او ، گناهى بزرگتر از جنگيدن در ماه هاى حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل اللّه و كفر به . .. اكبر

بنابراينكه <صد عن سبيل اللّه>، مبتدا و <اكبر>، خبر

آن باشد.

۱۷ مشرکان مکه ، مردمانی کفرپیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله

۲۵ کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عنداللّه و الف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۶،۸،۹

۶ تلاش مداوم و پیگیری یهود در جهت بازداری انسان ها از راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که <کثیراً> صفت برای مفعول مطلق (صدّاً) محذوف باشد ; بر این مبنا مفعول به کلمه ای همانند <الناس> در تقدیر است، یعنی <و بصدّهم الناس عن سبیل اللّه صدّاً کثیراً>.

۸ یهود عامل انحراف بسیاری از مردمان و مانع آنان از پیوستن به راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

بدان احتمال که <کثیراً>، مفعول به به <صدهم> باشد، یعنی <بصدهم کثیراً من الناس عن سبیل اللّه>، گفتنی است که در این صورت کلمه <صدّ> متعدی و به معنای بازداشتن خواهد بود.

۹ انحراف عمیق یهود از راه خدا و بازداری مردمان از پیوستن به آن ، موجب تحریم نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

ظاهراً کلمه <بصدهم> عطف بر <بظلم> است، یعنی <بظلم من الذین هادوا و بصدهم حرمنا علیهم>. گفتنی است که تکرار باء در <بصدهم> اشاره به این دارد که بازداری آنان از راه خدا نیز می

توانست نقش مستقلی در تحریم داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

عطف جمله <صدوا . ..> بر جمله <کفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا . ..> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند ; و مراد از <سبیل اللّه> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

۴ بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا نشانه کفر است . *

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه

در برداشت فوق جمله <و صدوا> به منزله تفسیر و تبیین جمله <کفروا> گرفته شده است ; یعنی بازداری از راه خدا کفرپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر>، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

۳ کافران ستم پیشه و مانعان راه خدا ، موفق به ایمان و توبه نخواهند شد .

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم

بدیهی است که کفرپیشگان در هر مرتبه ای از کفر باشند چنانچه اهل ایمان گردند سزاوار آمرزش و هدایت الهی هستند ; بنابراین مراد از جمله <لم یکن . ..> این است که آنان موفق به ایمان نخواهند شد و در نتیجه آنان را نخواهد آمرزید.

ظلم بدنمایانی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۴

۴ آنان که در پی ناهنجار نشان دادن راه خدا هستند ، ستمکارند .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین ... یبغونها عوجًا

<یبغونها عوجاً>; یعنی ، در جست و جوی انحراف برای راه خدا هستند. جست و جوی انحراف برای راه خدا ، گاهی به ایجاد انحراف در آن است و گاهی منحرف جلوه دادن آن می باشد. برداشت یاد شده ناظر به دومین شیوه است.

ظلم صدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۸

۱۸ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، رباخواری و به ناحق خوردن مال مردم

، موجب گرایش آدمی به کفر

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

مراد از <للکفرین منهم> همان یهودیانی هستند که مرتکب گناهان ذکر شده در این آیه و آیه قبل بودند، بنابراین صفات یاد شده کفر است و یا موجب کفر خواهد شد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۴

۴ بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا ظلم است .

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه . .. إنّ الذین کفروا و ظلموا

مراد از ظلم به قرینه آیه قبل بازداشتن دیگران از راه خداست.

ظلم مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱

۱ کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا (دین و معارف الهی) بازدارند ، از زمره ستمکاران اند .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

فعل <یصدون> به معنای باز می دارند و نیز به معنای اعراض می کنند، آمده است. برداشت فوق براساس معنای اول است.

ظلم معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۲

۲ اعراض کنندگان از راه خدا ، از ستمکاران اند .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

عذاب اخروی ممانعت از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۱۱

۱۱- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی

) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است .

و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

مقصود از <سبیل الله> دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

عذاب دنیوی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۵

۵ مانعان راه خدا و آنان که به خدا دروغ می بندند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا . .. أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض

جمله <أُولئک لم یکونوا . ..> کنایه از تهدید به عذاب است و <فی الأرض> می تواند دلیل بر دنیوی بودن آن عذاب باشد.

عذاب دنیوی منحرف کنندگان سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۴

۴ کافران به قیامت و آنان که برای منحرف نشان دادن راه خدا تلاش می کنند ، در خطر گرفتارشدن به عذاب های دنیوی اند .

الذین . .. یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون. أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأ

عذاب مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۱

۱- کافران سد کننده راه خدا ، دارای عذابی بس فزون تر از دیگر کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدنهم عذابًا فوق العذاب

عذاب مضاعف مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که

مردم را از پیوستن به راه خدا باز می دارند ، به عذابی دو چندان گرفتار خواهند شد .

الذین یصدون . .. یضعف لهم العذاب

عوامل دوری از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۳ – ۱۲،۱۰

۱۰ پیروی از قوانین غیر الهی موجب دور ماندن از راه خدا و نرسیدن به مقام قرب او می شود.

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله

۱۲ تفرقه جوامع موجب دور شدن و فاصله گرفتن آنان از راه خداست.

و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله

<عن> برای مجاوزه است و مقتضای آن در جمله های مانند <فتفرق بکم عن سبیله>، این است که مفعول <کم> به سبب فعل <تفرق> از مجرور <سبیله> فاصله گرفته و دور شده است.

عوامل ممانعت از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۸ – ۱۱

۱۱ – زیبا جلوه دادن بدکاری ها ، از جمله عوامل بازدارنده از راه خدا است .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

فرصت سلوک سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۱ – ۳

۳ – لحظه مرگ ، لحظه پایان فرصت برای حرکت در راه خدا است .

ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته

حرف <ثمّ> برای ترتیب زمانی است و دلالت می کند که با فرا رسیدن مرگ، فرصت حرکت در راه خدا سپری شده است.

کیفر استهزاگران سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۱۴ - ۶ - ۳۱

۱۴ - کیفر مسخره کنندگان راه خدا ، عذابی ذلت بار است .

یتّخذها هزوًا أُولئک لهم عذاب مهین

کیفر صدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

گمراهی از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - هواپرستی ، موجب گمراهی و دوری از راه خدا است .

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه

گمراهی مانعان سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۶

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا أُ

مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۵ – ۷

۷ اعراض کننـدگان از راه خـدا ، بازدارندگان مردم از پیوسـتن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند ، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳ – ۲

–۲

کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۸

۸- نقض کنندگان سوگند ، بازدارندگان مردم از راه خدایند .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً . ..بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۴

۴ - تلاش منافقان ، برای بازداشتن مردم از راه خدا

فصدّوا عن سبیل اللّه

<صدّ> در صورتی که متعدی استعمال شود، به معنای منع و بازداشتن خواهد بود. بنابراین <فصدّوا عن سبیل اللّه>; یعنی، <منعوا الناس عن سبیل اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۵،۷

۵ - تلاش منافقان ، برای ممانعت و بازداشتن مردم از گرویدن به راه خدا و آیین او

فصدّوا عن سبیل اللّه

<صدّ> در صورتی که متعدی استعمال شود، به معنای <منع کردن> خواهد بود. برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است.

۷ - هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتّخذوا أيمنهم جنّه فصدّوا عن سبيل اللّه

مراد از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ -

نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹- < عن أبی عبدالله (ع) قال : و الله نحن السبیل الذی أمرکم الله باتّباعه ، قوله < و جادلهم بالتی هی أحسن > یعنی بالقرآن ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: به خدا سوگند! آن راهی که خدا شما را به پیروی از آن امر فرموده ما هستیم و مقصود از سخن خدا <و جادلهم بالتی هی أحسن> قرآن است>.

معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۷

۷ اعراض کنندگان از راه خدا ، بازدارندگان مردم از پیوستن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند ، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً

ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۲،۴

۲ کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا باز دارند ، ستمکارند .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که <یصدون> از <صدّ> به معنای بازداشتن باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا کلمه ای همانند <الناس> مفعول آن خواهد بود که به خاطر وضوحش در کلام نیامده است.

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر

اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۲،۳،۴،۵،۱۴

۲ کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا بازمی داشتند .

و لا تقعدوا بکل صرط توعدون و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به

<ایعاد> مصدر <توعدون> به معنای تهدید کردن و به شکنجه و أمثال آن ترساندن است. <من ءامن> مربوط به فعل <توعدون> و <تصدون> است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی است <متنازع فیه>. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <به> به <اللّه> برگردانده شده است.

۳ شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازندارند .

و لا تقعدوا بکل صرط توعدون و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به

۴ کافران قوم شعیب در تلاش مستمر برای بد جلوه دادن راه خدا

و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به و تبغونها عوجاً

۵ تهدید اهل ایمان و ساختن چهره ای ناپسند از راه خدا ، از روش های دشمنان دین برای مبارزه با پیامبران و ادیان الهی

و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به و تبغونها عوجاً

۱۴ سد کنندگان راه خدا و ترسیم کنندگان چهره ای ناپسند از دین ، مردمی فسادگر و در خطر گرفتاری به سرنوشتی شوم هستند .

تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به و تبغونها عوجاً . .. و أنظروا کیف

کان عقبه المفسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۵،۶،۷

۵ کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و یصدون عن سبیل اللّه

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و اللّه بمایعملون محیط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹ – ۶

۶ شرک پیشگان صدر اسلام ، به خاطر تأمین و حفظ منافعِ مادی خود ، مردم را از گرویدن به اسلام و سلوک راه خدا باز می داشتند .

اشتروا بأیت اللّه ثمناً قلیلا فصدوا عن سبیله

آیه فوق به قرینه آیات قبل درباره مشرکان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۴ – ۷،۸

۷ بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) عوامل انحراف مردم و بازدارنده آنان از راه خدا بودند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان . .. و یصدون عن سبیل اللّه

۸ تلاش احبار و راهبان ، در بازداشتن مردم از راه خدا ، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

ليأكلون أمول الناس بالبطل و يصدون عن سبيل اللّه

با توجه به ارتباط و پیوستگی <یصدون>

با <يأكلون> برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا . .. أُولئك لم يكونوا معجزين

ماضی بودن معنای جمله <أُولئك لم يكونوا . ..> (آنان هیچ گاه ازحاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۹

۹- سست کردن ایمان مردم با سوء استفاده از مقدسات دین ، < صد عن سبيل الله > است .

و لاتتخذوا أيمنكم دخلًا . .. و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبيل الله

از اینکه خداوند از حنث سوگند و فریب کاری، به سد راه خدا تعبیر کرد (بما صددتّم عن سبيل الله)، استفاده می شود که سست کردن ایمان مردم با حنث سوگند و فریب کاری، مصداق بارز سد راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۵

۵ - جلوگیری از ورود حاجیان به مسجدالحرام ، نمونه آشکار بازداشتن مردم از راه خدا

و يصدّون عن سبيل اللّه و المسجد الحرام

مراد از <سبيل اللّه> همان طور که گفته شد عبادت و پرستش خدای یگانه است. بنابراین و با توجه به این که زیارت مسجدالحرام از سوی مؤمنان و انجام مراسم ویژه آن (طواف، سعی و...) از

مصـداق های عبادت خـدا محسوب می شود، ذکر آن بعـد از <سبیل اللّه>، می توانـد بـدان معنا باشـد که جلوگیری از ورود زائران به مسجدالحرام، از مصادیق بارز ممانعت از راه خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱ – ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۳

۳– عداوت و مبارزه با پیامبراکرم (ص) ، مصداق کفر و پیشگیری از راه خداوند

کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه و شاقّوا الرسول

عطف <شاقّوا الرسول> بر <الذین کفروا و صدّوا. ..> ممکن است عطف تفسیری باشد.

ممانعت قوم ثمود از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۸ – ۱۰

۱۰ – شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

ممانعت قوم عاد از سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان ، قوم عاد و ثمود

را ، از راه خدا بازداشت .

و زيّن لهم الشيطن أعملهم فصدّهم عن السبيل

موارد سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۲

۲ - ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و قتلوا فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۳

۳ - ارزش انفاق و تأمين هزينه هاى جهاد ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و أنفقوا فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۵

۵ احكام خداوند، سبيل الله است.

هو أعلم من يضل عن سبيله . .. فكلوا مما ذكر اسم الله عليه

جمله <فكلوا . ..> جواب شرط محذوف است. يعنى إن انتهيتم عن اتباع المضلين ... فكلوا. و چون در آيه شريفه سخن از <إضلال عن سبيل الله> بود، اقتضاى تفريع آن است كه مضمون آن سبيل الله باشد، و چون سبيل الله اختصاصى به احكام ذبيحه ندارد، به همه احكام تعميم يافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دين ، از مصاديق < سبيل اللّه > است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم

سیاق آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق <سبیل اللّه> جهاد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ -

۲- معارف و قوانین ادیان آسمانی ، مظهر < سبیل الله > است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۶

۶ - توحید و یکتاپرستی ، راه خدا و اسلام ، فراخوان مردم به پیمودن این راه و ترک آیین های شرک

و من الناس من یجدل فی اللّه . .. لیضلّ عن سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۵

۵ - پرستش خدای یگانه ، راه خداوند

و هدوا إلی صرط الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳۰

۳۰- جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل اللّه> نامیده است.

موانع سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ درخواست از خداوند برای نابودی ثروت ها و امکاناتی که سد راه خدا می باشد ، امری پسندیده است .

لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۹ – ۹

۹ دروغ بستن به خدا ، موجب بازداری مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است .

و من أظلم ممن افتری . .. و هم

بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سيقول لكَ المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا . .. يقولون بألسنتهم

برداشت بالاـ بر این اساس است که اعراب در بیان <شغلتنا أموالنا و أهلونا> صادق به شمار آیند; ولی در گفتن <فاستغفرلنا> که حاکی از ندامت درونی آنان است کاذب باشند.

موانع سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۷

۱۷ - پیروی از هوای نفس ، ناسازگار با حرکت در مسیر خدا و مانعی بزرگ و خطری جدی بر سر راه کمال آدمی

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه

موانع ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ توجه به احاطه علمی خداوند بر کردار آدمی ، عامل اجتناب وی از سرمستی و ریاکاری و جلوگیری از راه خدا

و لاتکونوا . .. و اللّه بمایعملون محیط

نعمت سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۶

۶ - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أکفره . .. ثمّ السبیل یسّره

چنانچه کفر در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد; آیات پس از آن از جمله این آیه درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی

آنها، موجب نفرین خداوند است.

نقش سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۶

۱۶ - ارزش هجرت و جهاد ، به انجام گرفتن آن در راه خدا و برای خشنودی او است .

إن کنتم خرجتم جهدًا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی

تعبیر <خرجتم>، چنانچه بیانگر هجرت مسلمانان از مکه به مدینه باشد، عنوان <جهاد> نیز بر آن انطباق می یابد.

نورانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۵

۵- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

أخرج قومک من الظلمت إلی النور

از آن جایی که هدف پیامبران و از جمله موسی(ع) هدایت مردم بوده است؛ احتمالاً مراد از خارج کردن مردم از ظلمت، نجات از کفر و بردن آنان به سوی نور، هدایت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۱ – ۷

۷ – کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

من الظلمت إلی النور

از این قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است; استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

وحدت سبیل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- راه خدا ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

برداشت فوق با توجه به استعمال <ظلمات> به صورت جمع و <نور> به صورت مفرد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۷

۷ - کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

من الظلمت إلی النور

از این قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است; استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

وضوح سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۸

۱۸- راه خداوند ، راهی است روشن و دارای فرجامی مشخص و بدون سردرگمی

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور . .. إلی صرط العزیز الحمید

عبارت <إلی صراط العزیز> بدل از <إلی النور> است. تسمیه راه خدا به <نور> و راه غیر آن به <ظلمات> نشان می دهد که راه خداوند روشن و مشخص است; در حالی که راههای غیر آن، آمیخته با سردرگمی است.

ویژگی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۵

۵ راه خدا (دین و معارف الهی) بدور از هر گونه انحراف و ناهنجاری

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

ویژگیهای سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۱

۱۱- راه خدا و اسلام ، سازگار با

عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

هدایت به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۱

۱ - پیامبراکرم (ص) ، هادی و رهنمای انسان ها به راه خداوند است .

و إنّک لتهدی إلی صرط مستقیم . صرط اللّه

<صراط اللّه> بدل از <صراط مستقیم> در آیه قبل است; یعنی، <و إنّک لتهدی إلی صراط اللّه>.

هماهنگی سبیل الله با عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۱

۱۱- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

هماهنگی سبیل الله با علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۱

۱۱- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

سپاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سپاه

آمادگی نظامی سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

آمادگی نظامی سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۱

۱ - آماده باش کامل سپاه فرعون پیش از پیوستن مردم شهر ها به آنان برای تعقیب بنی اسرائیل

و إنّا لجمیع حذرون

<حِذْر> در قرآن به معنای ابزار جنگ (شمشیر،

زره و. ..) آمده است; مانند<خذوا حذركم>. بنابراين <حاذرون> به كسانى گفته مى شود كه داراى سلاح كافى و در حال آماده باش كامل باشند.

اظهار محبت به سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۶

۶ - اظهار محبت و تشويق نيرو هاى مسلح ، پس از رژه رفتن آنها ، از سوى فرماندهان و رهبران ، امرى پسنديده و شايسته است .

ردّوها علىّ فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

اغواگرى سپاه ابليس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۳

۳ - نقش ابليس و سپاهيانش ، در گمراهى و شركورزى آدميان

فكبكبوا فيها هم و الغاون . و جنود إبليس أجمعون

به دوزخ افكنده شدن ابليس و سپاهيانش به همراه مشركان و معبودهايشان، بيانگر مطلب ياد شده است.

اهميت نظم در سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۵،۶

۵ - اهتمام شديد سليمان (ع) به برقرارى نظم و انضباط كامل در سپاه خويش

أم كان من الغائبين . .. أو لأاْذبحنّه

۶ - اهميت نظم و انضباط در نيرو هاى نظامى

أم كان من الغائبين . لأعذّبنّه عذابًا شديدًا أو لأاْذبحنّه

بی شماری سپاه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۲۰

۲۰ – خداوند ، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد; یعنی، بر

اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

پیروزی سپاه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۳ – ۱،۲

۱ – پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

۲ – پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

پیروزی سپاه طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۴،۵،۲۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندك طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

فهزموهم باذن اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

تشبیه به سپاه آماده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۵ – ۲

۲ – مشرکان چونان سپاهی آماده به خدمت ، پشتیبانِ معبود های خویشند .

و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مشرکان و ضمیر <لهم> به معبودها باز گردد.

تشویق سپاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۳ – ۶

۶ – اظهار محبت و تشویق نیرو های مسلح ، پس از رژه

رفتن آنها ، از سوی فرماندهان و رهبران ، امری پسندیده و شایسته است .

ردّوها علیّ فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

تعداد سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را ، کسی جز خدا نمی داند .

و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو

مقصود از <جنود> مطابق نظر مفسران فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

تعلیم سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

تنوع سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۸

۸- ابلیس ، دارای لشکریانی سواره و پیاده و همکارانی فراوان و گوناگون

و أجلب علیهم بخیلك و رجلك

<خیل> اسم جمع اسب است و مراد از آن، لشکر سواره نظام می باشد و <رجل> اسم جمع رجال است و مراد از آن پیاده

نظام می باشد.

حرکت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۲

۲ - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و.. . می باشد.

حرکت سریع سپاه در شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۳ – ۲

۲ – هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحًا

خطای سپاه فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸ – ۴

۴ – فرعون ، هامان و سپاهیانشان مردمی خطاپیشه

إنّ فرعون و همن و جنودهما کانوا خطئین

دعای سپاه طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۰ – ۱

۱ صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لمّا برزوا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۵

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

سان دیدن از سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۴

۴ - سان دیدن از نیرو های مسلح ، امری پسندیده و شایسته برای فرماندهان و رهبران

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۴

۴ - رژه رفتن نیرو های مسلح و سان دیدن فرماندهان و رهبران از آنها ، امری پسندیده و شایسته است .

ردّوها علیّ فطفق مسحًا بالسوق

و الأعناق

سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۲،۵

۲ - ابلیس ، دارای سپاهی گسترده است .

و جنود إبلیس أجمعون

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قال : [فی حدیث طویل] جنود إبلیس ذریته من الشیاطین ;

از امام باقر(ع) روایت شده که [ضمن یک حدیث طولانی]فرمود: <جنود> ابلیس فرزندان او از شیطان ها هستند>.

سپاه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۷

۷ سپاه اسلام ، همواره مستظهر و پشتگرم به نصرت و امداد های الهی

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره . .. و أنزل جنوداً لم تروها

سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لمّا بروزا الجالوت و جنوده . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۳،۴

۳ - پیامبران و پیروان آنان ، لشکریان خدا هستند .

لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

۴ - لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، برخوردار از جایگاه بلند در پیشگاه خداوند

و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از اضافه <جند> (لشکر) به <نا> (خدا) استفاده

می شود.

سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۴،۶

۴ - هدهد ، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسلیمن جنوده. .. فقال ما لی لاأری الهدهد

۶ - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لی لاأری الهدهد أم كان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۷

۷ - مسؤولیت مهم هدهد در سپاه سلیمان (ع)

أم كان من الغائبین . لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا أو لأاْذبحنّه

احتمال می رود در نظر گرفتن مجازات سخت برای تخلف هدهد، از آن جهت باشد که وی دارای مسؤولیتی مهم بود و نمی بایست پست خود را ترک می کرد.

سپاه سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای

به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سپاه شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۷ – ۷

۷ – شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بک من همزت الشیطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۰ – ۲،۵

۲ – منافقان ، ابراز دست شیطان و تحت تأثیر القائات او

ألم تر إلی الذین نهوا عن النجوی . .. إنّما النجوی من الشیطن

۵ – شیطان ، از راه نجوا های منافقان ، درصدد اندوهگین کردن مؤمنان بود .

إنّما النجوی من الشیطن لیحزن الذین ءامنوا

سپاه طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۹ – ۶،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۲۱،۳۲،۳۳،۳۴

۶ طالوت ، لشکریان بسیج شده را تا قبل از موفقیّت آنان در آزمایش ، به خود نسبت نمی داد .

فلمّا فصل طالوت بالجنود

آنگاه که طالوت، لشکریان را نیازموده بود، از آنان تعبیر به <الجنود> شد، نه <جنوده> یعنی نه آنان را به خود منتسب می دانست و نه از خود نفی می کرد. و آنگاه که سخن از آزمایش به میان آمد، نسبت به آنان که در آزمایش موفق می شوند، گفت: <فانّه منّی>.

۹ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۰ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به

وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم یطعمه فانّه منّی

۱۱ کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ; گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فلیس منّی و من لم یطعمه فانّه منّی ألاّ من اغترف غرفةً بیده

کلمه <الاّ> استثنای از <فمن شرب> است; بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُشتی از آب برگرفتند. حکم گروه اوّل و دوّم روشن است ; ولی گروه سوّم چون آب را چشیده اند، <منّی> صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، <لیس منی> نیز صدق نمی کند.

۱۲ طالوت با آزمایش الهی ، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۴ بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوَزَه

۱۷ اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن ، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلمّا جاوزه هو و الّذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده

۱۸ تنها اقلیّتی که در آزمایش تشنگی موفّق شدند ، همراه طالوت از نهر گذشتند .

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوزه هو و الذین امنوا معه

۲۱ معتقدان به لقای خداوند (روز رستاخیز

) در لشکر طالوت ، امیدوارکنندگان دل های نگران

قال الّذین یظنّون انّهم ملاقوا اللّه کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیرهً

۳۲ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الّا من اغترف غرفه بیده . .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الذین اغترفوا: <لا طاقه لنا الیوم بجالوت> ... .

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

۳۳ همراهان طالوت تا آخرین مرحله پیکار ، همانهایی بودند که حتّی یک کف از آب ننوشیدند .

فشربوا منه الّا قلیلا . .. قال الذین یظنون

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الّذین لم یغترفوا: <کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن اللّه>.

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

۳۴ عده ای از یاران طالوت که از آب نهر ننوشیدند ، سیصد و سیزده نفر بودند .

فشربوا منه الّا قلیلا

امام باقر (ع): . .. فشربوا منه الّا ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

سپاه غیبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۵،۹

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار

شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیانش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

۲ فرعون و سپاهیانش ، با خارج شدن بنی اسرائیل از دریا ، با کبر و نخوت و با سرعت به سوی آن گذرگاه تاختند .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جمله <فأتبعهم . .. > عطف بر جمله <جاوزنا> است و <فای عاطفه> برای ترتیب بدون تراخی است. عرب به کسی که راه رفتنش همراه با کبر و نخوت باشد می گوید: <بغی فی مشیته> و <عدو> نیز به معنای دویدن است.

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۲

۲ - تشویق مردم از سوی مأموران فرعون ، به تسریع در پیوستن به سپاه وی

و إنّا لجمیع حذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۱

۱ - قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلمّا ترءا الجمعان . .. فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر

از عبارت <أن اضرب بعصاك البحر>

معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس; زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۶

۶- لشگر فرعون ، در تعقیب بنی اسرائیل پس از عبور آنان از نیل

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

تعقیب، از واژه <جند> استفاده شده است.

سپاه فرعون در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - اقدام فرعون و سپاهیانش ، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

و أزلفنا ثَمّ الأخرین

<ازلاف> (مصدر <أزلفنا>); یعنی، به پیشروی وادار کردن و <ثَمّ> ظرف مکان و معادل <آن جا> و <الأخرین> مفعول برای <أزلفنا> است; یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که <ثَمّ> اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

۲ - دخالت اراده الهی در وادار کردن فرعونیان به پیشروی در بستر دریا

و أزلفنا ثَمّ الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۲

۲ - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمّ أغرقنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۴

۴ - افکنده شدن فرعون و لشکریانش در دریا ، با حقارت و ذلت و

به اراده الهى

فنبذنهم فى اليمّ

واژه <فنبذناهم> اشعار به فروافكندن همراه با ذلت و حقارت دارد; زيرا <نبذ> اختصاصاً در دور ريختن اشيايى به كار مى رود كه فاقد ارزش است. در اين جا گفته مى شود: <نبذته نبذ النعل الخَلِق> (آن را چون كفش كهنه دور انداختم).

سپاه مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۰ - ۳

۳ - مشركان ، معتقد به بهره مند بودن از سپاهى قدرت مند و نيرويى شكست ناپذير معنوى همچون معبودان ادعايى در برابر ديگر قدرت ها

أمّن هذا الذى هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن

سپاه مشركان قريش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشركان مكه مجهز به سلاح هاى جنگى و داراى برترى نظامى نسبت به مسلمانان

و تودون أن غير ذات الشوكه تكون لكم

عدم تمايل مسلمانان به رويارويى با سپاه شرك و نيز جمله <كانما يساقون إلى الموت> در آيه قبل دلالت بر اين دارد كه مشركان در جنگ بدر از نيروى نظامى برترى برخوردار بودند.

سلطه سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۲

۲ - سرزمين مصر تحت سلطه نفس گير سپاهيان سركش فرعون

و استکبر هو و جنوده فی الأرض

شکست سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۵۸،۲۴

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

۸

هزیمت و شکست سپاه جالوت ، پس از کشته شدن وی *

فهزموهم باذن اللّه و قتل داودُ جالوت

بنابر اینکه <واو> در <و قَتل . .. > حالیّه باشد; به تقدیر <قد>.

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

فهزموهم باذن اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

عجز سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۸

۸- قوای نظام فرعونی ، محکوم به نابودی و ناتوان از پایداری در برابر اراده الهی

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

عظمت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۲

۲ - تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

فراوانی سپاه احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۲

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتكم جنود . .. إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است; زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

فرمانده سپاه فرعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۳

۳ - در تعقیب بنی اسرائیل ، فرعون خود رهبری سپاهیانش را به عهده داشت .

فأتبعهم فرعون بجنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۶

۶ - قرار داشتن سپاهیان حکومت فرعون ، تحت فرماندهی وی و هامان

فرعون و همن و جنودهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۶

۶ - قرار داشتن سپاهیان حکومت فرعون ، تحت فرماندهی وی و هامان

إنّ فرعون و همن و جنودهما

قدرت سپاه احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

قدرت سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۷ – ۴

۴ – ارتش سلیمان (ع) ، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

قدرت سپاه فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۱ – ۴

۴ – ناتوانی مشهود بنی اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

قلت سپاه

دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱،۲،۳،۴،۱۰

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

۲ رؤیا های پیامبر (ص) درباره تعداد اندک نفرات دشمن ، رؤیایی القا شده از سوی خداوند

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

۴ ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (ص) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بدر و نیز اینکه هر فرماندهی پیش از اقدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر(ص) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

۱۰ رؤیای پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

محمد(ص) و سپاه احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۵

۵ – پیامبراکرم (ص) ، مسلمانان مدینه را ، از وقوع غزوه احزاب و تشکیل احزاب متّحد خبر داده بود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسول

مسلمانان مدینه و سپاه احزاب صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱،۲،۶،۹،۱۰

۱ – مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متّحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

۲ – مسلمانان مدینه ، پیشاپیش ، از رویارویی شان با احزاب متّحد ، با خبر بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

۶ – آنچه مسلمانان مدینه ، در رویارویی با احزاب متّحد مشاهده کردند ، بر ایمان شان به راه خود و تسلیم بودن شان افزود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم الاّ إیمنًا و تسلیمًا

فاعل <زاد> مصدر فعل <رأی> است. بنابراین، استفاده می شود که مشاهده دشمنان، بر ایمان مسلمانان افزوده است.

۹ – مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای

جهاد باشد.

۱۰ – توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

مسؤولیت سپاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۰ – ۶

۶ – ارتشیان و نظامیان ، چون دیگر اقشار جامعه ، مسؤول رفتار خویش انـد و نمی توانند خود را چشم بسـته در اختیار رهبران سیاسی خود هرچند کافر و باطل قرار دهند .

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

تصریح به نابودی نظامیان فرعون در کنار وی با آن که آنان در تحت فرمان او بودند می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مصونیت از پایمالی سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۴

۴ – دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیانش

ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

<لا> در <لایحطمنّکم> ناهیه است. <حَطْم> (مصـدر <یحطمنّ>) در اصل به معنای شکسـتن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهـای <ادخلوا> و <لا‌یحطمنّکم> که به صورت امر و نهی آمـده بیـانگر نوعی ریـاست است; به ویژه اگر تنکیر <نمله> برای تفخیم باشد.

نظم سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۴

۴ - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه

سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۵

۵ - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم کان من الغائبین . .. أو لأأذبحنّه

نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد; یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

ویژگیهای سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۹

۹- ابلیس ، دارای نیروهایی سریع عمل کننده و عاملهایی کند و خزنده

و أجلب علیهم بخیلك و رجلك

ویژگیهای سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۴

۴ - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

ویژگیهای سپاه فرعون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۰ – ۳

۳ – ارتش و سپاه فرعون ، متشکل از چند لشکر

و جنوده

برداشت یاد شده، از جمع آمدن واژه <جنود> (لشکریان) به دست می آید.

هجوم به وسط سپاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۵ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعًا

<جمع>، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است بازمی گردد.

۲ – آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعًا

هلاکت سپاه فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۴ – ۸

۸– قوای نظام فرعونی ، محکوم به نابودی و ناتوان از پایداری در برابر اراده الهی

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

سپاه اسلام

{سپاه اسلام}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۱۹

۱۹ ارتش آزادیبخش اسلام ، مددی الهی برای رهایی مستضعفان موحّد

و ما لکم لا تقاتلون . .. و اجعل لنا من لدنک نصیراً

سپاه اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۷

۷ سپاه اسلام ، همواره

مستظهر و پشتگرم به نصرت و امداد های الهی

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره . .. و أنزل جنوداً لم تروها

سپاه غیبی

{سپاه غیبی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ نصرت خداوند به پیامبر (ص) ، به وسیله آرامش بخشیدن به آن حضرت (در غار) و نیز تأیید او با سپاه غیبی (فرشتگان)

فقد نصره اللّه . .. فأنزل اللّه سکینته علیه و أیّده بجنود لم تروها

سپاه غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۵،۹

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

ستارگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ستارگان

ابراهیم(ع) و ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۸ – ۲

۲ – حضرت ابراهیم (ع) ، به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر ، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگریست .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد; نه کنایه از به تفکر فرورفتن.

ابزار شناخت ستاره طارق

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۲ – ۲

۲ – ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژ گی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

خطاب در <ما أدراك> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست; بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

اختفای ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۱

۱ – سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

حرف <لا> در <لاأُقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لاأُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خنّس> جمع <خانس> است و مصدر آن <خنوس>; یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَس>; یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۶ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه)

خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

استفاده از ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۶

۶- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سخّر لکم . .. الشمس ... و النجوم مسخّرت بأمره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ <سخّر لکم> را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ <مسخّرات بأمره> را بدون لفظ <لکم> آورد، مطلب فوق به دست می آید.

افول ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۶

۶ ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

<افول> به معنی پنهان شدن است.

انقیاد ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

انهدام ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۲ – ۱،۳

۱ – تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب

انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الكواكب انتثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۲

۲ - دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر <قبر> و زیر و رو شدن خاك آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه <القبور> به دلیل داشتن <ال> استغراق همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر انسان ها که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد سخنی نگفته است.

اهمیت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۷

۷ - < روی أنّ هارون الرشید أنفذ إلی موسی بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الکاظم . . . واللّه تبارک و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم . . . ;

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم(ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: .. خدای تبارك و تعالی <نجوم> (ستارگان) را مدح فرموده و به <مواقع النجوم> قسم یاد کرده است...>.

اهمیت ستاره شناسی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۳

۳ - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <لو تعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لو تعلمون احوال مواقع النجوم>.

اهمیت نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۲

۲ - ستارگان و نظام حاکم بر آنها ، پدیده ای عظیم و شایان مطالعه و اندیشه

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند به ستارگان و تصریح بر عظمت این سوگند، بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۳

۳ - آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

و السماء و الطارق

سوگند خداوند; بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

بازگشت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۲

۲ – سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

برخی از اهل لغت و تفسیر <خُنّس> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار

حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخنّس . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

پراکندگی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الکواکب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

تأثیرپذیری ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲ - ۲

۲ - درخشندگی ستارگان ، قابل زوال و در معرض بروز موانع و تأثیرپذیری از عواملی تیرگی آفرین

و إذا النجوم انکدرت

تاریخ ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۶ – ۴

۴ – مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۶ – ۴

۴ – وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یهمن

ابن لی صرحًا

تاریکی ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۱،۴

۱ – در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

کدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد <کدوره> را <انکدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۴ – < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < و إذا النجوم انکدرت > قال : انکدرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <و إذا النجوم انکدرت> فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و تاریک خواهند شد>.

تسخیر ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲ – ۳،۵،۷

۳– ستارگان (ثوابت و سیارات) به فرمان خداوند رام و مسخر شده اند .

و النجوم مسخّرت بأمره

<نجم> به معنای ستاره است. لازم به ذکر است که <نجم> به کلیه اجرام درخشنده آسمان گفته می شود چه ثابت باشند چه سیار; و چه از خود نور داشته باشند و یا نور آنها اکتسابی باشد.

۵– مسخر شدن ستارگان به فرمان و تدبیر خداوند ، نمونه ای از قدرت عظیم او بر تحقق بخشیدن به فرمان های خود است .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه . .. و النجوم مسخّرت بأمره

در آیه <أتی أمر الله> خبر از آمدن امر الهی و تحقق وعده های او داده شده و در این جا

تسخیر ستارگان به عنوان نمونه ای از آن امر یادآوری گردیده است تا نشان دهد خداوندی که ستارگان را رام خویش قرار داده است، قدرت بر تحقق وعده های خود را دارد.

۷- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سخّر لکم الّیل و النهار و الشمس و القمر . .. إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶ – ۳

۳ – سراسر هستی ، از اوج ستارگان تا درختان روییده بر زمین ، مقهور اراده و قوانین الهی

و النجم و الشجر یسجدان

در صورتی که مراد از <النجم> ستارگان باشد نه گیاهان بی ساقه مطلب بالا استفاده می شود.

تشبیه ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۶ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

تشبیه طلوع ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۶ – ۳

۳ – بعضی از اختران در طلوع ، حرکت و غروب خود ، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده

و با حرکت به سمت مخفیگاه خود ، ناپدید شوند .

بالخنّس . الجوار الکنّس

توصیف ستارگان با وصف <کُنّس> که از اوصاف آهوان است تشبیه بدیع و استعاره است.

تشبیه غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۳

۳ - بعضی از اختران در طلوع ، حرکت و غروب خود ، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده و با حرکت به سمت مخفیگاه خود ، ناپدید شوند .

بالخنّس . الجوار الکنّس

توصیف ستارگان با وصف <کُنّس> که از اوصاف آهوان است تشبیه بدیع و استعاره است.

تعبیر رؤیای سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک

تعقل در ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۳

۳ مطالعه در کیهان و مدارا و موقعیت ستارگان، راهی برای درک توحید و خداشناسی است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها

تفکر در ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۱

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از دعوت شدن از سوی قومش برای خروج از شهر به تفکر عمیق در این باره پرداخت .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱

<فاء> در <فنظر> عاطفه و جمله <فنظر. ..> عطف بر جمله مقدر است و تقدیر آن چنین است: <قال قومه اُخرج معنا فنظر...>. ۲ جمله <فنظر نظره فی النجوم>، ضرب المثلی است برای کسی که می خواهد به تفکر بپردازد. ازاین رو به آسمان می نگرد تا اشیا و موجودات پیرامونش، او را از تفکر درست باز ندارد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۲

۲ - ستارگان و نظام حاکم بر آنها ، پدیده ای عظیم و شایان مطالعه و اندیشه

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند به ستارگان و تصریح بر عظمت این سوگند، بیانگر مطلب یاد شده است.

تکامل ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۷

۷ - جهان طبیعت (ستارگان و . . .) دارای روندی رو به رشد و کمال

بربّ المشرق و المغرب

<ربّ> به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا بیانگر روند رو به رشد و تکامل است.

جایگاه ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶ - ۸

۸ - از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان به اهل زمین ، با ستارگان آراسته شده است . *

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بزینه الکواکب

<الدنیا> صفت برای <السماء> است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که تنها نزدیک ترین

آسمان، به زیور ستارگان آراسته شده است; نه همه آسمان ها.

حاکم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۲

۲ - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الکواکب انتثرت

حرکت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۲

۲- ستارگان ، در مدار و قرارگاههایی معین در حال حرکتند .

و لقد جعلنا فی السّماء بروجًا و زینّها للنظرین

<برج> به منزلگاه و قرارگاه معنا شده است و منزلگاه به جایی اطلاق می شود که وارد شونده ای بر آن وجود داشته باشد و مراد از آن در این آیه، می تواند ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۳

۳- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أنّ السموت والأرض . .. والشمس والقمر کلّ فی فلک یسبحون

لفظ <کلّ> مضاف به مضاف الیه محذوف مانند (<ها> و. ..) است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

خاموشی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۱

۱ - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنـای از بین رفتن اثر شـیء است و هرگاه این واژه در مورد سـتارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن

نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

خلقت ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۴،۹،۱۰

۴ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجًا

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارك الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارك الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرك و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۳ – ۷

۷ – ناتوانی غیرخدا از پدید آوردن علایم راهنما (چون ستارگان) و عوامل نویدبخش و رحمت آفرین (چون باد و باران) به گستردگی پهنه زمین

أمّن یهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر . .. أءله مع اللّه

از ارتبـاط <من یهـدی> بـا <أءله مع اللّه> اسـتفاده می شود که تنهـا خداونـد، قـادر به ایجـاد عواملی است که انسـان را در ظلمت های شب در سراسر

زمین (خشکی و دریا) هدایت کند و باران رحمت را در پی بادهای مژده دهنده به دورترین نقاط برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلک ربّ العلمین . .. فقضهنّ سبع سموت

راهیابی با ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۲،۳

۲- ستارگان ، دارای نقشی بسیار مهم در راهیابی مسافران

و علمت و بالنجم هم یهتدون

ذکر خاص <نجم> پس از عام (علامات) با اینکه نجم بی شک از جمله آنهاست، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

۳- < قال رسول الله (ص) : < و بالنجم هم یهتدون > قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و بالنجم هم یهتدون> فرمود: آن ستاره جُدی است; زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی]بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..>.

رد ربوبیت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۶

۶ ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

<افول>

به معنی پنهان شدن است.

زمینه انهدام ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۲ – ۴

۴ – فروپاشی ساختار آسمان ، زمینه به هم ریختن نظم ستارگان *

إذا السماء انفطرت . و إذا الکواکب انتثرت

ترتیب ذکری دو حادثه، ممکن است ناظر به ترتیب حقیقی آنها باشد.

زوال درخشندگی ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۲

۲ – درخشندگی ستارگان ، قابل زوال و در معرض بروز موانع و تأثیرپذیری از عواملی تیرگی آفرین

و إذا النجوم انکدرت

زیبایی ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۸

۸ – ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بمصبیح

زیبایی طلوع ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵ – ۹

۹ - جلوه زیبای طلوع پیوسته ستارگان در شب ، نشان ربوبیت یگانه خداوند است .

ربّ المشرق

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> طلوع خورشید و نیز طلوع ستارگان در شب باشد; نه خصوص طلوع خورشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۶

۶ - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

بربّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد; نه خصوص خورشید.

زیبایی غروب ستارگان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۰ – ۶

۶ – جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

بربّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد; نه خصوص خورشید.

ستارگان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۴

۴ – < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < و إذا النجوم انکدرت > قال : انکدرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <و إذا النجوم انکدرت> فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و تاریک خواهند شد>.

ستارگان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۸ – ۱

۱ – بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۱،۳

۱ - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

کدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد <کدوره> را <انکدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار

گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۳ – ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرودآمدن است. (قاموس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۲ – ۱،۳

۱ – تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الکواکب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ – متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الکواکب انتثرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۳ – ۲

۲ – ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء . .. و إذا الکواکب ... و إذا البحار فجّرت

ستارگان و نیازهای انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۹ – ۵

۵ – بی تأثیری ستارگان ، در نیازمندی و بی نیازی انسان *

و أنّه هو أغنى و أقنى . و أنّه هو ربّ الشعرى

ارتباط این آیه با آیه قبل، می تواند بیانگر این معنا باشد که در میان عرب جاهلی، این اعتقاد وجود داشت که ستاره <شعری>، دارای تأثیر در فقر و غنای انسان ها است و قرآن درصدد نفی این اعتقاد می باشد.

ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۵

۵ - < عن أبی

هریره عن النبیّ (ص) فی قوله < و من شرّ غاسق إذا وقب > قال : النجم هو الغاسق و هو الثریا ;

ابوهریره از پیامبر(ص)، درباره سخن خداوند <و من شرّ غاسق إذا وقب> روایت کرده که فرمود: ستاره <نجم> (پروین)، همان چیزی است که <غاسق> است [یعنی، هنگام تاریکی شدید شب، رؤیت می شود] و [نام دیگر] آن ثریا است>.

ستاره جدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۳

۳- < قال رسول الله (ص) : < و بالنجم هم یهتدون > قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و بالنجم هم یهتدون> فرمود: آن ستاره جُدی است; زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی]بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..>.

ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ

بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأَقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلااُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره شناسی در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۶ – ۴

۴ – مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

ستاره عطارد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۶

۶ – < عن الأصْبَغ بن نُبـاته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلااُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره مریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۶

۶ – < عن الأصْبَغ بن نُبـاته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصـبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره مشتری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده ستارگان بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که

یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده ستارگان در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سقوط ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲ - ۳

۳ - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرودآمدن است. (قاموس)

سوگند به ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است; یعنی، <اقسم بکلّ نجم إذا هوی>. <هُوِیّ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۶ – ۷

۷ – < روی أنّ هارون الرشید أنفذ إلی موسی بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الکاظم . . . واللّه تبارک و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم . . . ;

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم(ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: . .. خدای تبارک و تعالی <نجوم> (ستارگان) را مدح فرموده و به <مواقع النجوم> قسم یاد کرده است...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۱،۲

۱ – سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

حرف <لا> در <لاأُقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لاأُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خنّس> جمع <خانس> است و مصدر آن <خنوس>; یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَس>; یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

۲ – سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

برخی از

اهل لغت و تفسیر <خُنّس> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخنّس . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱ - ۳

۳ - سوگند

خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق <برج> بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . .. إن کلّ نفس لمّا علیها حافظ

سوگند به مغرب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند به محل افول و غروب ستارگان

فلاأُقسم بموقع النجوم

<موقع> (مفرد <مواقع>) می تواند اسم مکان و به دو معنا آمده است: محل استقرار و محل سقوط، برداشت بالا

بر پایه معنای دوم است.

سوگند به مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۳،۵

۳ - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلاأُقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مواقع> به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

۵ - < عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ : < فلاأُقسم بمواقع النجوم > قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزّوجلّ <فلاأُقسم بمواقع النجوم> سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۱،۳

۱ - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلاأُقسم بموقع النجوم . و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

۳ - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <لو تعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لو تعلمون احوال مواقع النجوم>.

شعور ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه

جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شکافتن ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۳ – ۲

۲ – ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء . .. و إذا الکواکب ... و إذا البحار فجّرت

شگفتی وضوح ستارگان در شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱ – ۳

۳ – آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

و السماء و الطارق

سوگند خداوند; بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

طلوع ستاره زحل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۳ – ۴

۴ – < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبدالله (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبدالله (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبدالله (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أمیرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال الله عزّوجلّ فی کتابه فقال له

الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

عظمت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۴

۴ - ستارگان ، آفریده هایی با عظمت

فلاأُقسم بالخنّس

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

عظمت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له

أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أميرالمؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذى قال اللّه عزّوجلّ فى كتابه فقال له اليمانى : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعه فى السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء فى السماء الدنيا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روايت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم كه مردى از اهل يمن خدمت ايشان رسيد . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بين ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد يمنى گفت: ستاره نحسى است. امام صادق(ع) فرمود: بس كن و اين را مگو; زيرا زحل ستاره اميرالمؤمنين و ستاره اوصيا است و آن همان <نجم ثاقب> است كه خداى عزّوجلّ در كتابش ذكر كرده است. آن مرد يمنى گفت: مراد از ثاقب چيست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]مى شكافد تا به نزديك ترين آسمان برسد و از آن جهت است كه خداى عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شكافنده) ناميده است>.

عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۱

۱ - عظمت ستاره < طارق > ، فراتر از حد بيان است .

و ما أدريك ما الطارق

علم خدا به تابش ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۴ - ۹

۹ - آگاهى خداوند ، به هر آنچه از آسمان به زمين نازل مى شود (باران

، فرشتگان ، تابش خورشید ، ماه ، ستارگان و . . .) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود (بخار آب ، فرشتگان ، اعمال مردمان و . . .)

یعلم . .. و ما ینزّل من السّماء و ما یعرج فیها

غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است; یعنی، <اقسم بکلّ نجم إذا هوی>. <هُوِیّ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

۲ - غروب ستارگان ، نمودی از قدرت و تدبیر آفریدگار جهان

و النجم إذا هوی

از آن جا که سوگند، به چیزی یاد می شود که دارای اهمیت و پیامدار معنایی باشد می توان گفت که سوگند الهی به غروب ستارگان، برای توجه دادن بشر به تنظیم گر نظام آنها است.

فلسفه خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

فلک ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۰ – ۴

۴ – تمامی ستارگان به سرعت در مداری در حرکت اند .

و کلّ فی فلک یسبحون

مضاف الیه <کلّ> در

تقدیر است و تنوین آن عوض از آن شیء مقدر می باشد. جمع آمدن <یسبحون> قرینه است بر این که مقصود، خورشید و ماه نیست; بلکه <کواکب> (ستارگان) می باشد.

فواصل ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۲

۲ - ستارگان آسمان ، دارای مکانی معین و فاصله های ثابت و تغییرناپذیر

فلاأُقسم بموقع النجوم

در صورتی که <موقع> (مفرد <مواقع>) اسم مکان (محل استقرار) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

فواید ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۶

۶- < فی المجمع فی قوله : < زینّاها للناظرین > بالکواکب النیره عن أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان درباره آیه: <زینّاها للناظرین> از امام صادق(ع) چنین روایت شده است: به وسیله ستارگان نورانی [زینت می دهیم]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۲،۳

۲- ستارگان ، دارای نقشی بسیار مهم در راهیابی مسافران

و علمت و بالنجم هم یهتدون

ذکر خاص <نجم> پس از عام (علامات) با اینکه نجم بی شک از جمله آنهاست، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

۳- < قال رسول الله (ص) : < و بالنجم هم یهتدون > قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خـدا(ص) در باره سـخن خدا <و بالنجم هم یهتدون> فرمود: آن سـتاره جُدی است; زیرا آن سـتاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی]بر آن بنا شده و به

وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السّماء ذات الحبک

<حبیکه> و <حباک> (مفردهای <حُبُک>) در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

گردش ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۴

۴ - تمامی ستارگان به سرعت در مداری در حرکت اند .

و کلّ فی فلک یسبحون

مضاف الیه <کلّ> در تقدیر است و تنوین آن عوض از آن شیء مقدر می باشد. جمع آمدن <یسبحون> قرینه است بر این که مقصود، خورشید و ماه نیست; بلکه <کواکب> (ستارگان) می باشد.

محمد(ص) و ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در شناخت ستارگان ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الطارق

مدارهای ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۲،۳

۲ ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد ; زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

۳ مطالعه در کیهان و مدارا و موقعیت ستارگان، راهی برای درک توحید و خداشناسی است.

و هو الذی جعل

لکم النجوم لتهتدوا بها

مراد از ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أمیرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال اللّه عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

مراد از

نجم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۸

۸ - < عن أبی الحسن الرضا (ع) . . . قال : النجم رسول اللّه (ص) و قد سمّاه اللّه فی غیر موضع ، فقال : < و النجم إذا هوی > . . . .

از امام رضا(ع) روایت شده. .. که فرمود: مراد از <نجم> رسول خدا(ص) است و خداوند رسول خود را در مواردی [از قرآن] نجم نامیده و فرموده است: و النجم إذا هوی>... .

مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۳

۳ خداوند ، در آسمان ها برج ها و منزلگاه هایی برای ستارگان قرار داد .

الذی جعل فی السماء بروجًا

<بروج> (جمع <برج>) به معنای قصرها است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه مطابق دیدگاه بیشتر مفسران و اهل لغت می تواند دو چیز باشد: ۱ منازل و قرارگاه های معین برای ستارگان و کواکب. ۲- خود کواکب و ستارگان. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۲

۲ - ستارگان آسمان ، دارای مکانی معین و فاصله های ثابت و تغییرناپذیر

فلاأُقسم بموقع النجوم

در صورتی که <موقع> (مفرد <مواقع>) اسم مکان (محل استقرار) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۱ – ۱

۱ – آسمان ، دارای باران های پیاپی و فائده های مداوم و

جایگاه ظهور مکرر ستارگان

و السماء ذات الرجع

<رَجْع> به معنای بازگرداندن و <رجوع> به معنای بازگشتن است (مفردات راغب). <ذات الرجع> وصفی است که بر ثبوت و تداوم دلالت دارد و مراد از آن می تواند بازگشت دادن بخارهای متصاعد به صورت باران باشد. گفته <مقاییس اللغه> که <رَجْع> را به معنای <باران> دانسته است این احتمال را تأیید می کند. برخی از مفسران، آن را بر تمام فایده های آسمانی، ظهور مکرر ستارگان در شب ها، تأثیر حوادث آسمانی در پیدایش مکرر فصول سال، تطبیق داده اند.

موجبات تسخیر ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۴

۴- امر خداوند ، موجب مسخر و رام شدن ستارگان است .

و النجوم مسخّرت بأمره

<باء> در <بأمره> سببیه است و نشان می دهد که علت رام و مسخر بودن ستارگان امر الهی است.

نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۲

۲ ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد ; زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۲

۲ - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الکواکب انتثرت

نعمت ستارگان

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۱۱

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. قمرًا منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶ – ۹

۹ – ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بزینه الکواکب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۸

۸ – ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بمصبیح

نقش ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۷ – ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۱۲

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله تبارک و تعالی : < تبارك الذی جعل فی السماء بروجاً فالبروج الکواکب ;

امام باقر(ع) در باره سخن خدا <. ..جعل فی السماء بروجاً> فرمود: برج های آسمان، ستارگان است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۳ –

۶ - ستارگان راهنما ، باد های بشارت بخش و باران های رحمت آفرین ، نشانه های روشن توحید و پوچی و بطلان شرک

أمّن یهدیکم . .. أءله مع اللّه

مفـاد جمله <أءله مع اللّه> با توجه به صـدر آیه این است که: با وجود این نشانه ها که بیانگر نقش اراده خـدا در حیات بشـر است مجالی برای روی آوردن به غیرخدا نمی ماند; زیرا اصولاً کسی جز او نقشی در تدبیر نظام هستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶ - ۴،۵

۴ - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بزینه الکواکب

۵ - هنرنمایی شگفت انگیز خدا در زیباسازی آسمان به وسیله ستارگان

إنّا زیّنّا السماء الدنیا بزینه الکواکب

برداشت یاد شده از تنکیرِ <زینه> که بر تفخیم و تعجیب دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷ - ۲

۲ - ستارگان ، حافظان آسمان نزدیک از نفوذ شیطان ها

بزینه الکواکب . و حفظًا من کلّ شیطن

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که نصبِ <حفظا> به سـبب عطف بر <بزینه> باشد (از نوع عطف بر معنا که در کلام عرب بسـیار است). بر این اساس، تقدیر آیه چنین می شود: <إنا خلقنا الکواکب زینه للسـماء و حفظا لها> (ما ستارگان را برای زینت آسـمان و نیز برای محفوظ مانـدن آن از نفوذ شـیطان آفریـدیم). بنـابراین پیـام آیه شـریفه ماننـد آیه پنجم سوره ملک خواهد بود: <و لقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین>.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۶،۷

۶ - ستارگان ، زینت بخش آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین)

و زیّنا السّماء الدّنیا بمصبیح

۷ - ستارگان ، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زیّنا السّماء الدّنیا بمصبیح

<مصباح> (مفرد <مصابیح>) به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۵

۵ - بی تأثیری ستارگان ، در نیازمندی و بی نیازی انسان *

و أنّه هو أغنی و أقنی . و أنّه هو ربّ الشعری

ارتباط این آیه با آیه قبل، می تواند بیانگر این معنا باشد که در میان عرب جاهلی، این اعتقاد وجود داشت که ستاره <شعری>، دارای تأثیر در فقر و غنای انسان ها است و قرآن درصدد نفی این اعتقاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۴

۴ - < روی عن أبی جعفر و أبی عبداللّه علیهما السلام أنّ مواقع النجوم رجومها للشیاطین فکان المشرکون یقسمون بها . . . ;

از امام باقر و صادق(علیهماالسلام) روایت شده که <مواقع نجوم> رجم شیاطین است که به وسیله ستارگان انجام می شود و مشرکان به آن قسم یاد می کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۴،۷،۹

۴ - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إنّا زيّنّا السماء الدنيا بمصبيح

۷ – از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان ها به اهل زمین ، مزیّن به ستارگان است

* .

إنّا زيّنّا السماء الدنيا بمصبيح

<الدنيا>، صفت برای <السماء>است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که نزدیک ترین آسمان نه همه آسمان ها به زیور ستارگان آراسته شده است.

۹ - ستارگان پرفروغ ، مایه طرد شیطان ها و حفظ آسمان نزدیک از نفوذ آنها است .

و جعلنها رجومًا للشیطین

نورانیت ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . .. النجم الثاقب

از ستارگانی که <النجم الثاقب> توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر <ثریا> (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون <النجم> هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است; پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

نورانیت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبدالله (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبدالله (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبدالله (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أمیرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال الله عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ

مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

نورانیت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

نورانیت ستاره کیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور

آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . .. النجم الثاقب

از ستارگانی که <النجم الثاقب> توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر <ثریا> (پروین) تطبیق داده و گفته انـد: چون <النجم> هرگـاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است; پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

ویژگیهای ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الکواکب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۲ - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الکواکب انتثرت

ویژگیهای ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

خطاب در <ما أدراك> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست; بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۳ – ۱

۱ – < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل

و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ستاره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ستاره

آثار تعقل در مدار ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۳

۳ - تفکر در ساختار و مدار ستاره < شعری > ، زمینه ساز راهیابی به قدرت و ربوبیت عالی خداوند *

و أنّه هو ربّ الشعری

به میان آوردن نام <شعری> احتمالاً نه از آن جهت است که عرب جاهلی عقیده شرک آلود درباره آن داشته اند; بلکه از آن جهت است که خداوند بشر را به اهمیت این ستاره و همانند آن توجه داده و انسان را به مطالعه فضا فراخواند.

ابراهیم(ع) و ستاره پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۶

۶ ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

<افول> به معنی پنهان شدن است.

ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريك ما الطارق

خطاب در <ما أدراك> در اين موارد، مخصوص شخص پيامبر(ص) نيست; بلكه روى سخن با هر مخاطبى است كه اين سخن را دريافت كند.

اهميت ستاره شعرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۲

- ۲

اهمیت ستاره < شعری > ، در فرهنگ عرب عصر نزول قرآن

و أنّه هو ربّ الشعری

با توجه به این که خداوند، از میان همه ستارگان، به <شعری> اشاره کرده است، می توان نتیجه گرفت که عرب عصر نزول قرآن، نسبت به این ستاره آگاهی و اعتقاد خاصی داشته اند.

اهمیت ستاره شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۶ – ۳

۳ – درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <لو تعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لو تعلمون احوال مواقع النجوم>.

تاریخ ستاره پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۶ – ۱

۱ ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

رءا کوکبا قال هذا ربی

تاریخ ستاره شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۶ – ۴

۴ – مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

تظاهر ابراهیم(ع) به ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الّیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <کذلک نری . .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

زیباترین ستاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۴

۴ - < عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمّی الطارق لأنّه یطرق نوره سماءً سماءً إلی سبع سماوات ثمّ یطرق راجعاً حتّی یرجع إلی مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای <طارق> سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا <طارق> نامیده شده; چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد>.

ستاره امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع)

: . . .فما زحل عنـدكم فى النجوم ؟ فقال اليمانى : نجم نحس ، فقال له أبوعبـدالله (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أميرالمؤمنين (ع) و هو نجم الأوصـياء (ع) و هو النجم الثـاقب الـذى قـال الله عزّوجـلّ فى كتابه فقال له اليمانى : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعه فى السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء فى السماء الدنيا فمن ثَمّ سمّاه الله عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روايت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم كه مردى از اهل يمن خدمت ايشان رسيد . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقـام زحل در بين سـتارگان نزد شـما چگونه است؟ آن مرد يمنى گفت: سـتاره نحسـى است. امام صادق(ع) فرمود: بس كن و اين را مگو; زيرا زحل سـتاره اميرالمؤمنين و سـتاره اوصـيا است و آن همان <نجم ثاقب> است كه خداى عزّوجلّ در كتابش ذكر كرده است. آن مرد يمنى گفت: مراد از ثاقب چيست؟ حضـرت فرمود: طلوع آن در آسـمان هفتم است. آن با نورش [آسـمان ها را]مى شكافد تا به نزديك ترين آسمان برسد و از آن جهت است كه خداى عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شكافنده) ناميده است>.

ستاره اوصيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : كنت عنـد أبى عبـدالله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبوعبدالله (ع) : . . .فما زحل عندكم فى النجوم

؟ فقال اليمانى : نجم نحس ، فقال له أبوعبـداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أميرالمؤمنين (ع) و هو نجم الأوصـياء (ع) و هو النجم الثاقب الـذى قال اللّه عزّوجلّ فى كتابه فقال له اليمانى : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعه فى السـماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء فى السماء الدنيا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روايت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم كه مردى از اهل يمن خدمت ايشان رسيد . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقـام زحل در بين سـتارگان نزد شـما چگونه است؟ آن مرد يمنى گفت: سـتاره نحسـى است. امام صادق(ع) فرمود: بس كن و اين را مگو; زيرا زحل سـتاره اميرالمؤمنين و سـتاره اوصـيا است و آن همان <نجم ثاقب> است كه خداى عزّوجلّ در كتابش ذكر كرده است. آن مرد يمنى گفت: مراد از ثاقب چيست؟ حضـرت فرمود: طلوع آن در آسـمان هفتم است. آن با نورش [آسـمان ها را]مى شكافد تا به نزديك ترين آسمان برسد و از آن جهت است كه خداى عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شكافنده) ناميده است>.

ستاره پرستى در دوران ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱

۱ ستاره پرستى از آيينهاى رايج در بين مردم زمان ابراهيم

رءا كوكبا قال هذا ربى

ستاره پرستى قوم ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲،۳

۲ ابراهيم(ع) با تظاهر به ستاره پرستى و

استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الّیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <کذلک نری . .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

۳ قوم ابراهیم ستارگان را <رب> و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

رءا کوکبا قال هذا ربی

ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۵

۵ - < عن أبی هریره عن النبیّ (ص) فی قوله < و من شرّ غاسق إذا وقب > قال : النجم هو الغاسق و هو الثریا ;

ابوهریره از پیامبر(ص)، درباره سخن خداوند <و من شرّ غاسق إذا وقب> روایت کرده که فرمود: ستاره <نجم> (پروین)، همان چیزی است که <غاسق> است [یعنی، هنگام تاریکی شدید شب، رؤیت می شود] و [نام دیگر] آن ثریا است>.

ستاره جدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۳

۳- < قال رسول الله (ص) : < و بالنجم هم یهتدون > قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و بالنجم هم یهتدون> فرمود: آن ستاره جُدی است; زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی]بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند.

..>.

ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره شناسی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۴

۴ - < عن الکاظم (ع) . . .قد قال اللّه تعالی فی حق ابراهیم (ع) : . . . < فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم > فلو لم یکن عالماً بعلم النجوم ما نظر فیها و ما قال : < إنّی سقیم > . . . ;

از امام کاظم(ع) روایت شده . ..که خداوند متعال در حق ابراهیم(ع) فرموده: ...<فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم> اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند

و نمی گفت: <إنّی سقیم>...>.

ستاره شناسی در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

ستاره شناسی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۴

۴ - مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

ستاره مشتری

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۶

۶ - < عن الأصْبَغ بن نُباته عن علی (ع) فی قوله < فلاأُقسم بالخنّس > قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتری و بهرام و الزهره . . . ;

از اصبغ بن نباته از علی(ع) درباره <فلاأُقسم بالخنّس> روایت شده که[خُنّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره>.

سوگند به بلندترین ستاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق . .. النجم الثاقب

<نجم ثاقب>; یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۷

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر).

آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سو گند به ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سو گند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سو گند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سو گند به ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سو گند خداوند به سیاره های زحل

، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱ – ۲

۲ – سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره طارق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱ – ۲

۲ – سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه

به نقـل <لسـان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانـده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

سوگند به ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

سوگند به ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

طلوع ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عنـد أبی عبـداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . .
.فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم

أميرالمؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال اللّه عزّوجلّ فی كتابه فقال له اليمانی : فما يعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنيا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روايت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم كه مردی از اهل يمن خدمت ايشان رسيد . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بين ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد يمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس كن و اين را مگو; زيرا زحل ستاره اميرالمؤمنين و ستاره اوصيا است و آن همان <نجم ثاقب> است كه خدای عزّوجلّ در كتابش ذكر كرده است. آن مرد يمنی گفت: مراد از ثاقب چيست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شكافد تا به نزديك ترين آسمان برسد و از آن جهت است كه خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شكافنده) ناميده است>.

عظمت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبی عبداللّه (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . . .فما زحل عندكم فی النجوم ؟ فقال اليمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أميرالمؤمنين (ع) و هو نجم

الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال اللّه عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۱

۱ - عظمت ستاره < طارق > ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما الطارق

غروب ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۷

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

مراد از

ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عنـد أبی عبـداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أمیرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الـذی قـال اللّه عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقـام زحل در بین سـتارگان نزد شـما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: سـتاره نحسـی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسـمان هفتم است. آن با نورش [آسـمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

نورانیت ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . .. النجم الثاقب

از ستارگانی که <النجم الثاقب> توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر <ثریا> (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون <النجم> هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است; پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

نورانیت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن أبان بن تغلب قال : کنت عند أبی عبداللّه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبوعبداللّه (ع) : . . .فما زحل عندکم فی النجوم ؟ فقال الیمانی : نجم نحس ، فقال له أبوعبداللّه (ع) : مه لاتقولنّ هذا فإنّه نجم أمیرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال اللّه عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی : فما یعنی بالثاقب قال : إنّ مطلعه فی السماء السابعه و إنّه ثقب بضوئه حتّی أضاء فی السماء الدنیا فمن ثَمّ سمّاه اللّه عزّوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . .. امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع)

فرمود: بس کن و این را مگو; زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان <نجم ثاقب> است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را]می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را <نجم ثاقب> (ستاره شکافنده) نامیده است>.

نورانیت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

نورانیت ستاره کیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۳

۳ - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . .. النجم الثاقب

از ستارگانی که <النجم الثاقب> توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر <ثریا> (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون <النجم> هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است; پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

ویژگیهای ستاره طارق

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

خطاب در <ما أدراك> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست; بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ستاره پرستی

تاریخ ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱

۱ ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

رءا کوکبا قال هذا ربی

تظاهر ابراهیم(ع) به ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الّیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <کذلک نری . .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک

بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

ستاره پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱

۱ ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

رءا کوکبا قال هذا ربی

ستاره پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲،۳

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الّیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <کذلک نری . .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

۳ قوم ابراهیم ستارگان را <رب> و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

رءا کوکبا قال هذا ربی

ستاره ثریا

سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۷

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام

وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

غروب ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۷

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

ستاره شعری

آثار تعقل در مدار ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۳

۳ - تفکر در ساختار و مدار ستاره < شعری > ، زمینه ساز راهیابی به قدرت و ربوبیت عالی خداوند *

و أنّه هو ربّ الشعری

به میان آوردن نام <شعری> احتمالاً نه از آن جهت است که عرب جاهلی عقیده شرک آلود درباره آن داشته اند; بلکه از آن جهت است که خداوند بشر را به اهمیت این ستاره و همانند آن توجه داده و انسان را به مطالعه فضا فراخواند.

اهمیت ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۲

۲ - اهمیت ستاره <

شعری > ، در فرهنگ عرب عصر نزول قرآن

و أنّه هو ربّ الشعری

با توجه به این که خداوند، از میان همه ستارگان، به <شعری> اشاره کرده است، می توان نتیجه گرفت که عرب عصر نزول قرآن، نسبت به این ستاره آگاهی و اعتقاد خاصی داشته اند.

ستاره شناسی

اهمیت ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۳

۳ - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <لو تعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لو تعلمون احوال مواقع النجوم>.

تاریخ ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۴

۴ - مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

ستاره شناسی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۴

۴ - < عن الکاظم (ع) . . .قد قال اللّه تعالی فی حق ابراهیم (ع) : . . . < فنظر نظره فی النجوم . فقال

إنّی سقیم > فلو لم یکن عالماً بعلم النجوم ما نظر فیها و ما قال : < إنّی سقیم > . . . ;

از امام کاظم(ع) روایت شده . ..که خداوند متعال در حق ابراهیم(ع) فرموده: ...<فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم> اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند و نمی گفت: <إنّی سقیم>...>.

ستاره شناسی در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

ستاره شناسی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۴

۴ - مردم صدراسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری <لو> شرطیه که برای انتفای شرط و جزا است بیانگر مطلب بالا است.

ستایش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ستایش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۹

۹ انتظار ستایش و تشویق در برابر انجام اعمال نیک ، ناپسند نیست . *

لا تحسبنّ الّذین . .. و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

با توجّه به مفهوم جمله <یحبّون . .. > (در برابر آنچه انجام نداده اند، خواهان ستایش هستند)، می توان به دست آورد که در صورت انجام کار نیک، توقع ستایش و تشویق ناپسند نباشد.

ستایش ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۱،۱۳

۱۱ عذاب دردناك الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الّذین یفرحون . .. و یحبّون ... بمفازه ... و لهم عذاب الیم

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

ستایش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۹

۹ انتظار ستایش و تشویق در برابر انجام اعمال نیک ، ناپسند نیست . *

لا تحسبنّ الّذین . .. و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

با توجّه به مفهوم جمله <یحبّون . .. > (در برابر آنچه انجام نداده اند، خواهان ستایش هستند)، می توان به دست آورد که در صورت انجام کار نیک، توقع ستایش و تشویق ناپسند نباشد.

ستایش کنندگان خدا

{ستایش کنندگان خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱،۲،۷

۱ غرش آسمان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اوست .

و یسبّح الرعد بحمده

<رعد> به صدایی که از ابرها شنیده می شود اطلاق می گردد که در فارسی به آن تندر و یا غرش آسمان می گویند.

۲ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبّح . .. و الملئکه

<الملائکه> عطف بر <الرعد> است ; یعنی: <یسبح الملائکه بحمده من خیفته>.

۷ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا اورا تسبیح می کنند .

و یسبّح الرعد بحمده

<باء> در <بحمده> می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای

استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

ستر عورت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر مردان واجب و کشف آن حرام است .

قل للمؤمنین . .. یحفظوا فروجهم

<فرج> و <فرجه> در اصل به معنای شکاف میان دو شیء است; ولی در اصطلاح متعارف به معنای عورت و شرمگاه می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر زنان واجب و کشف آن ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

اهمیت ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۹

۹ آدمی ذاتاً برخوردار از حیا و شرمسار از مکشوف بودن شرمگاه خویش

بدت لهما سوءتهما و طفقا یخصفان علیهما

ستر عورت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۸

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ينزع عنهما لباسهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۱ – ۸،۱۳،۲۳

۸ – عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد

که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

۲۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < بدت لهما سوأتهما > قال : کانت سوأتهما لاتبدو لهما ; یعنی ، کانت داخله ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <بدت لهما سوأتهما> روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان]بود>.

ستر عورت با برگ درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ - آدم و حوا درپی مکشوف شدن عورت هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبدت لهما سوءتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

<طفقا>; یعنی، آغاز کردند و <خصف> هرگاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود; یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

ستر عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های

شیطان

ینزع عنهما لباسهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۸،۱۳،۲۳

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأکلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

۲۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < بدت لهما سوأتهما > قال : کانت سوأتهما لاتبدو لهما ; یعنی ، کانت داخله ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <بدت لهما سوأتهما> روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان]بود>.

وجوب ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر زنان واجب و کشف آن ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

سجده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

- ۳۴ - ۱،۲،۴

۱- فرمان خداوند به ابلیس برای خروج از آسمان ، در پی تمرد وی از دستور سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

برداشت فوق، مبتنی بر دو احتمال است:B۱. مرجع ضـمیر <منها> <سماوات> باشد، اگرچه در کلام ذکر نشده است. ۲. به قرینه اینکه ابلیس از زمره ملائکه بوده و جایگاه آنان هم در آسمانهاست.

۲- خداوند ، در پی تمرد ابلیس از فرمان خدا ، او را از زمره فرشتگان بیرون راند .

قال فاخرج منها

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضـمیر <منها> همان گونه که مفسـران احتمال داده انـد <زمره الملائکه> باشد.

۴- تکبر ابلیس و تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع) ، عامل سقوط او از درگاه الهی

فقعوا له سجدین . فسجد ... إلاّ إبلیس أبی ... قال لم أکن لأسجد لبشر ... قال فاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۴

۴- ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

فسجد الملئکه کلّهم . .. إلاّ إبلیس أبی ... قال فاخرج منها فإنک رجیم ... قال ربّ

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند،

ابلیس را با فرمان سجده بر آدم(ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن در نظر ابلیس نوعی گمراهی تلقی گردید.

آثار ترک سجده بر آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۵ – ۱

۱– ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۹ – ۴

۴– ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

فسجد الملئکه کلّهم . .. إلاّ إبلیس أبی ... قال فاخرج منها فإنک رجیم ... قال ربّ

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند، ابلیس را با فرمان سجده بر آدم(ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن در نظر ابلیس نوعی گمراهی تلقی گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۷ – ۱،۲

۱ – فرمان خداوند به خروج ابلیس از صف ملائکه ، در پی تمرد او از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

در این که مرجع ضمیر <منها> چیست و مقصود

از آن چه می باشد; میان مفسران بحث و گفت و گو درگرفته است. برخی آن را صف فرشتگان دانسته اند; چون ابلیس پیش از آن با فرشتگان بود و به همراه آنان مکلف به سجده بر آدم شده بود. برخی دیگر آن را منزلت و مقامی دانسته اند که ابلیس و فرشتگان در آن قرار داشتند; یعنی، منزلت و مقام مقربان درگاه الهی. گفتنی است که در این باره تعبیر <هبوط> در سوره دیگری (قال فاهبط منها) به کار رفته و مؤید همین دیدگاه است.

۲ - ابلیس ، در پی سرپیچی از فرمان سجده بر آدم (ع) از جایگاه مقربان و منزلت والای خویش رانده شد و سقوط کرد .

قال فاخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۱

۱ - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

و إنّ علیك لعنتی إلی یوم الدین

آثار سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۸

۸ رابطه سجده با طهارت از آلودگی ها *

و طهّرك . .. و اسجدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ صالح شدن انسان ها ، در گرو استواری در اطاعت خدا ، تلاوت آیات الهی به هنگام شب و سجده به درگاه او

امه قائمه . .. و هم یسجدون ... و اولئك من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

- ۷ - ۲۰۶ - ۸

۸ تقرب به خدا در گرو پرستش او و منزه دانستن وی از هر عیب و نقص و سجده خالصانه به درگاه اوست .

و لاتکن من الغفلین. إن الذین عند ربک ... و له یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۶

۶ - سجده کردن و به رو درافتادن در خاک ، نمود بارز ایمان مؤمنان است .

إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بها خرّوا سجّدًا

<خَرَّ> در لغت به معنای <افتادن همراه با صدا> است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۳

۳ - استغفار ، سجده ، توبه و انابه ، از زمینه های آمرزش الهی

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب . فغفرنا له ذلک

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نوید خداوند به آمرزش داوود(ع) پس از استغفار، سجده، انابه و توبه او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ - سجده ، اصلی ترین نماد و نمود عبودیت

لاتسجدوا . .. واسجدوا ... إن کنتم إیّاه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۶،۱۹

۱۶- رکوع و سجود (نماز) ، عالی ترین جلوه نیایش و عبودیت خلق در برابر خدا

تریهم رکّعًا سجّدًا

از این که رکوع و سجود به عنوان ارکان نماز، از میان همه عبادات، اختصاص به ذکر یافته است; ویژگی و اهمیّت آن استفاده می شود.

۱۹- نقش اساسی

ركوع و سجود (نماز) ، در جلب فضل و خشنودى خداوند

تريهم ركّعًا سجّدًا يبتغون فضلاً من اللّه و رضونًا

<يبتغون. ..> مترتب بر <ركعّاً سجداً> است; يعنى، مؤمنان با ركوع و سجود خويش، جوياى فضل و خشنودى خدايند.

آثار سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - علق - ٩۶ - ١٩ - ١١،١۴،١٩

١١ - سجده به پيشگاه خداوند ، نشان سرپيچى از فرمان غير او است .

لاتطعه و اسجد

دستور سجده، بر نهى از اطاعت عطف گرفته شده است تا جلوه مطيع نبودن را بيان كرده باشد.

١۴ - سجده ، كارآمدترين وسيله براى تقرب به پيشگاه خداوند

و اسجد و اقترب

١٩ - < عن الوَشّاء قال سمعت الرضا (ع) يقول : أقرب ما يكون العبد من اللّه عزّوجلّ و هو ساجد و ذلك قوله عزّوجلّ < واسجد و اقترب > ;

از وشاء روايت شده كه گفت: از امام رضا(ع) شنيدم كه مى فرمود: نزديك ترين حالت بنده به خداوند عزّوجلّ، حالت سجده او است و اين سخن خداوند عزّوجلّ است كه فرمود: <واسجد و اقترب>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - حج - ٢٢ - ١٨ - ١٠

١٠ - كرامت انسانى ، در گرو گرايش به توحيد ربوبى و سجود و انقياد در برابر خدا

و كثير حقّ عليه العذاب و من يهن اللّه فما له من مكرم

آثار سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ – سجده های نماز ، محرک اصلی مخالفان به جلوگیری از اقامه آن

ینهی . عبدًا إذا

صلّی ... لاتطعه و اسجد

آثار سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۳

۳- سجده ملائکه بر آدم (ع) ، پیام دار کرامت و فضیلت او بر آنان بود .

اسجدوا لأدم فسجدوا . .. قال أرءیتك هذا الذی کرّمت علیّ

آداب سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ - لزوم اعتراف به ربوبیت خداوند به هنگام سجده

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

ابلیس و سجده بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۳،۴،۹

۳ - ابلیس نیز همانند فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجدوا إلا إبلیس أبی

۴ - ابلیس از فرمان خدا سرپیچی کرد و بر آدم سجده ننمود .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبلیس أبی

<اِبا> (مصدر اَبی) به معنای امتناع کردن است.

۹ - تکبر و خود بزرگ بینی ابلیس ، مایه امتناع او از سجده بر آدم (ع) شد .

فسجدوا إلا إبليس أبی و استکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۱ – ۱،۳

۱– ابلیس ، از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرپیچی کرد و حاضر نشد در ردیف دیگر سجده کنندگان بر او قرار گیرد .

إلاّ إبلیس أبی أن یکون مع السجدین

۳– ابلیس چونان فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون . إلاّ

إبليس أبى أن يكون مع السجدين

اجتناب از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۲،۷

۲ مشركان صدراسلام ، از سجده در برابر خداى رحمان ، امتناع مى كردند .

و إذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن

۷ مشركان صدراسلام ، به دليل اين كه پيامبر (ص) آنان را به سجده در برابر خداى رحمان فرمان داد ، از سجده امتناع كردند .

قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا

برداشت فوق، مبتنى بر اين نكته است كه <ما> در <لما تأمرنا> مصدريه و <لام> تعليليه باشد; يعنى، آيا به خاطر فرمان تو ما سجده كنيم؟ هرگز چنين نخواهيم كرد! گفتنى است همزه در <أنسجد> استفهاميه و براى انكار و امتناع است.

احكام سجده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ جواز سجده بر غير خدا ، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در اديان پيشين

و خرّوا له سجّدًا

منزّه بودن يعقوب و يوسف(ع) از شرك و پرستش غير خدا و مبارزه آنان با چنين عقيده و مرامى كه آيات بسيارى گوياى آن است مى رساند كه سجده خاندان يوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده ; بلكه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- جواز سجده و خضوع در برابر غير خدا با اذن الهى

فقعوا له سجدين

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۱ – ۵

۵- سجده برای غیر خدا ، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است . *

قلنا . .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۵

۱۵- < علی بن محمد . . . قال : سئل أبوعبدالله (ع) عمّن بجبهته عله لایقدر علی السجود علیها قال : یضع ذقنه علی الأرض ان الله عزّوجلّ یقول : < و یخرّون للأذقان سجداً > ;

علی بن محمد . .. گفت: از امام صادق(ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد; زیرا خداوند می فرماید: و یخرّون للأذقان سجّداً>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۷

۷ – آفرینش ملائکه و ابلیس ، بر آفرینش انسان ها مقدم بود .

للملئکه اسجدوا . .. إلاّإبلیس أبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ – < عن سماعه قال : سألته عن الرکوع و السجود هل نزل فی القرآن فقال : نعم قول اللّه عزّوجلّ < یاأیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا > فقلت : فکیف حدّ الرکوع و السجود ؟ فقال : أمّا ما یجزیک من الرکوع فثلاث تسبیحات تقول : سبحان

اللّه سبحان اللّه ثلاثاً . . . ;

سماعه می گوید: از امام(ع) پرسیدم: آیا در باره رکوع و سجود در قرآن چیزی نازل شده است؟ فرمود: آری! خداوند عزّوجلّ می فرماید: <یاأیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا> به آن حضرت گفتم: حدّ رکوع و سجود چیست؟ فرمود: آن مقدار ذکری که در رکوع برای تو کافی است، سه دفعه تسبیحات است. می گویی: سبحان اللّه سبحان اللّه تا سه دفعه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا ، با اذن الهی

فإذا سوّیته . .. فقعوا له سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۷

۷ - سجده برای غیر خدا ، ممنوع و مورد نهی صریح خداوند است .

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

اذکار سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - < عن سماعه قال : سألته عن الرکوع و السجود هل نزل فی القرآن فقال : نعم قول اللّه عزّوجلّ < یاأیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا > فقلت : فکیف حدّ الرکوع و السجود ؟ فقال : أمّا ما یجزیک من الرکوع فثلاث تسبیحات تقول : سبحان اللّه سبحان اللّه ثلاثاً . . . ;

سماعه می گوید: از امام(ع) پرسیدم: آیا در باره رکوع و سجود در قرآن چیزی نازل شده است؟ فرمود: آری! خداوند عزّوجلّ می فرماید: <یاأیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا> به آن حضرت گفتم: حدّ رکوع و سجود چیست؟

فرمود: آن مقدار ذکری که در رکوع برای تو کافی است، سه دفعه تسبیحات است. می گویی: سبحان اللّه سبحان اللّه تا سه دفعه>.

ارزش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۶،۷

۶ اطاعت خداوند ، خواندن آیات الهی به هنگام شب و در حال سجده ، ملاک ارزشمندی انسانها

لیسوا سوآءً من اهل الکتب امّه قائمه . .. و هم یسجدون

۷ ارزش والای اطاعت و بندگی خدا ، تلاوت آیات الهی (قرآن و . . .) به هنگام شب و در حال سجده به درگاه وی

یتلون ءایت اللّه ءاناء الّیل و هم یسجدون

بنابر اینکه جمله <و هم یسجدون>، حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

<سجده> در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اعضای سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۸ - ۷

۷ - < عن حَمّاد بن عیسی قال : قال لی أبوعبداللّه (ع) . . . سبعهٌ منها فرضٌ یسجد علیها و هی الّتی ذکرها اللّه فی کتابه فقال : < و أنّ المساجد للّه فلاتدعوا مع اللّه أحداً > و هی الجَبْهَه و الکَفّان و الرُّکْبَتان و الإبْهامان ;

از حماد بن عیسی

روایت شـده که گفت: امام صادق(ع) به من فرمود: هفت موضع [از بـدن] است که فرض شـده که سـجده بر آنها قرار گیرد و آن همان مواضـعی است که خداونـد در کتاب خود ذکر کرده و فرموده است: <و أنّ المساجـد للّه فلاتدعوا مع اللّه أحداً> و آن مواضع پیشانی، کف دستان، سر زانوها، و انگشتِ شست [پاها]است>.

انگیزه ترک سجده ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۲ – ۲

۲– خداوند ، در پی سرپیچی ابلیس از فرمان سجده بر آدم (ع) ، از انگیزه نافرمانی او جویا شد و وی را مورد بازخواست قرار داد .

قال یإبلیس ما لک ألاّ تکون مع السجدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۳ – ۱،۳،۴

۱– ابلیس ، در پی جویا شدن خداوند از انگیزه تمردش ، جواب داد : هرگز بر انسانی که از گِلی خشکیده ، بد بو و متغیر خلق شده است ، سجده نخواهد کرد .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

۳– ابلیس ، در تمرد خود از فرمـان خداونـد برای سـجده بر آدم (ع) ، تنهـا مـاده جسـمانی او را ملاک قرار داد و وجود روح الهی را در او نادیده گرفت .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

۴– ابلیس ، با توجه به ماده اوّلیه خلقت انسان ، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

تعبیر <لم أکن لأسجد>

به جای <لا أسجد> یا <لست أسجد>، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

اهمیت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ - مهیّا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق <تطهیر> - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیّا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ تلاوت آیات خدا و سجده به درگاه او ، قیام به امر خداوند است .

امه قائمه یتلون . .. و هم یسجدون

بنابر اینکه <یتلون . .. >، تفسیر <قائمه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۸،۱۳

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امّت شایسته و صالح

امه قائمه . .. و اولئك من الصالحین

۱۳ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات او ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، حبل الهی است . *

ضربت علیهم الذّلّه .

.. الّا بحبل من اللّه ... ليسوا سواءً من اهل الكتب ... يؤمن

به نظر می رسد صفات مذکور، بیانگر <حبل اللّه> است; چون دارندگان این صفات، قطعاً از ذلت به دور هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الكتب امّه قائمه . .. و ما يفعلوا من خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۶ - ۶

۶ پرستش خدا ، به زبان آوردن اسما و صفاتی که حاکی از تنزیه او باشد و نیز سجده کردن به آستان او ، از مصادیق ذکر و یاد خداوند است .

و اذكر ربك . .. إن الذين عند ربك ... و له يسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر ، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التّئبون العبدون . .. و الناهون عن المنكر

برداشت فوق بدان احتمال است که <الحامدون السائحون . .. > از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

– اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

<سجده> در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۱

۱ – فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سجده برای او در پاسی از شب

و من الّیل فاسجد له

<من> در <من اللیل>، برای تبعیض است؛ یعنی، بخشی از شب.

اهمیت سجده بر آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۴ – ۸

۸ – تکلیف سجده کردن فرشتگان بر آدم ، تکلیفی بس مهم و بزرگ در پیشگاه خداوند

فقعوا له سجدین . فسجد الملئکه ... إلاّ إبلیس استکبر و کان من الکفرین

از این که ابلیس، به خاطر سرپیچی از سجده بر آدم، از سوی خداوند کافر شمرده شد، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت سجده بر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۰ – ۹،۱۲

۹ سجده در برابر خدای رحمان ، تکلیفی مهم و دارای جایگاه ویژه در میان دیگر تکالیف الهی

و إذا قیل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا

اختصاص به ذکر یافتن صفت رحمان از میان دیگر اوصاف خداوند، به هنگام فرمان سجده در برابر او، می تواند گویای

برداشت یاد شده باشد.

۱۲ سجده در برابر خدای رحمان ، مظهر

یگانه پرستی و روح ادیان توحیدی است .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن . .. و زادهم نفورًا

قرار گرفتن فرمان سجده بر خدای رحمان در ردیف سلسله آیات مربوط به محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند، می تواند مطلب یاد شده را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - لزوم سجده به پیشگاه خداوند و تلاش برای تقرّب به درگاه او

و اسجد و اقترب

آیه شریفه گرچه خطاب به پیامبر(ص) است; ولی از کاربرد تعبیر <عبداً> (در آیه قبل) به جای نام مخصوص آن حضرت، تعمیم مفاد آن به همه مردم استفاده می شود.

اهمیت سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۸

۸- سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدین

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۴

۴ سجده ، رکن اصلی و روح نماز است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

تقدیم سجده بر قیام در حالی که در نماز

قیام بر سجده مقدم است می تواند برای بیان اهمیت سجده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۹ – ۴

۴ – سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تقلّبک فی السجدین

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

پاداش سجده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۷ – ۵

۵ – پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

تاریخ سجده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۰ – ۵

۵ به خاک افتادن و سجده کردن ، از دیرباز جلوه بارز بندگی ، پرستش و تسلیم بوده است .

و ألقی السحره سجدین

ظاهراً مراد از <سجده> پیشانی بر خاک ساییدن است. بنابراین کلمه <سجدین> بیانگر این است که اظهار خضوع با پیشانی بر خاک نهادن (سجده) سابقه طولانی داشته و آیه بعد <ءامنا برب العلمین> دلالت می کند که این عمل برای اظهار

بندگی بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۱۵

۱۵ – پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی دربرابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فأُلقی السحره سجّدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۶ – ۳

۳ – سجده ، جلوه بارز بندگی ، پرستش و تسلیم در میان ملت ها در طول تاریخ

فأُلقی السحره سجدین

ترک سجده ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۲ – ۳

۳- گفت و گوی مستقیم و بدون واسطه خداوند با ابلیس ، در پی تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال یإبلیس ما لک ألاّ تکون مع السجدین

ترک سجده بر آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۱ – ۹،۱۰

۹ ابلیس از سجده کردن بر آدم(ع) سرباز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا إبلیس

۱۰ روحیه ابلیس ناسازگار با سجده کردن بر آدم(ع) و خاضع شدن در برابر او

إلا إبليس لم يكن من السجدين

جمله <فسجدوا إلاـ إبليس> به روشنی می رساند که ابلیس بر آدم(ع) سجده نکرد بنابراین جمله <لم یکن . ..> اشاره به حقیقتی دیگر دارد و آن اینکه سجده نکردن وی مقطعی و به خاطر شرایط خاصی نبود بلکه نهاد وی از این عمل گریزان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۶

۶ تکبر و خود

برتربینی ابلیس، عامل تمرد وی از اطاعت فرمان خداوند (سجده بر آدم(ع))

قال أنا خير منه خلقتنى من نار و خلقته من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۶

۶ محاوره و گفتگوی مستقیم خداوند با ابلیس، در داستان تمرد وی از سجده بر آدم(ع)

قال ما منعك . .. قال أخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۱

۱- خداوند ، به خاطر تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع) ، او را مورد سرزنش قرار داد .

قال يإبليس ما لك ألّا تكون مع السجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۱،۳

۱- ابلیس ، در پی جویا شدن خداوند از انگیزه تمردش ، جواب داد : هرگز بر انسانی که از گِلی خشکیده ، بد بو و متغیر خلق شده است ، سجده نخواهد کرد .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

۳- ابلیس ، در تمرد خود از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) ، تنها ماده جسمانی او را ملاک قرار داد و وجود روح الهی را در او نادیده گرفت .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۳،۱۱

۳- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلّا إبلیس

۱۱- خودبرتربینی ابلیس

و پست تر و کم ارزش تر دیدن جنس آدم (ع) ، ریشه عصیان و نافرمانی وی از فرمان خداوند بر سجده بر آدم (ع)

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس قال ءأسجد لمن خلقت طینًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۹،۲۳

۹- ابلیس ، از اطاعت خدا در سجده برای آدم ، سرپیچی کرد .

فسجدوا إلاّ إبلیس . .. فقسق عن أمر ربّه

<فسق> به معنای خروج از محدوده شریعت است (مفردات راغب).

۲۳- تمرد شیطان از سجده بر آدم ، نمایانگر عداوت او با آدمیان است .

فسجدوا إلاّ إبلیس . .. و هم لکم عدوٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۴

۴ - ابلیس ، همچون فرشتگان ، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود .

للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّإبلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۴

۴ - امتناع ابلیس از سجده در برابر آدم ، نشانگر دشمنی او با آدم و دیگرانسان ها است .

إلاّإبلیس أبی . فقلنا یَادم إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

معرفی ابلیس پس از امتناع از سجده، به عنوان دشمن <آدم و حوا> نشانگر آن است که ترک سجده، علامت این دشمنی بوده است و دشمن شدن او با حوا، گویای این است که ابلیس پس از ماجرای سجده بر آدم، با جنس انسان، خصومت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ – ص – ٣٨ –

۲ – ۷۴

۲ – سرپیچی ابلیس ، از فرمان خداوند به سجده برای آدم (ع)

فسجد الملئکه . .. إلاّإبلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۵ – ۱

۱ – سرزنش ابلیس از سوی خداوند ، به خاطر نافرمانی از سجده بر آدم (ع)

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام توبیخ ابلیس و محکومیت عمل او است.

تشویق به سجده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶ – ۴

۴ – تشویق انسان ها از سوی خداوند ، به سجده و فرمانبری از قوانین الهی ، همچون دیگر موجودات طبیعت

و النجم و الشجر یسجدان

ذکر سجده و فرمانبری ستارگان و گیاهان برای خداوند، می تواند به منظور تشویق و برانگیختن بشر به پیروی از قوانین الهی و خضوع در برابر آن، ادا شده باشد.

تعبیر رؤیای سجده خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إنی رأیت أحد عشر کوکبا . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک

تعبیر رؤیای سجده ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إنی رأیت

أحد عشر كوكبا . .. كذلك يجتبيك ربک و يعلمک

تعبير رؤياى سجده ماه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶ - ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشيد براى انسان در رؤيا ، نشان برگزيده شدن و دستيابى او به علم و دانش است .

إنى رأيت أحد عشر كوكبا . .. كذلك يجتبيك ربک و يعلمک

جايز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- جواز سجده و خضوع در برابر غير خدا با اذن الهى

فقعوا له سجدين

جواز سجده بر غير خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۷

۷ - آفرينش ملائكه و ابليس ، بر آفرينش انسان ها مقدم بود .

للملئكه اسجدوا . .. إلّاإبليس أبى

حرمت سجده بر غير خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۸ - ۵

۵ - سجده و عبادت براى غير خدا ، شرک و حرام است .

و أنّ المسجد للّه فلاتدعوا مع اللّه أحدًا

حقیقت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - سجده به خودی خود و فی نفسه ، حاکی از پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

در نتیجه سجده کردن فی نفسه عبادت و پرستش محسوب نمی شود؛ بلکه سجده ای عبادت و پرستش محسوب می شود که سجده کننده مسجود را رب خویش بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ – ۱۵

۱۵– سجده ، مظهر بزرگداشت و تعظیم

فقعوا له سجدین

از اینکه خداونـد، برای بزرگداشت انسان و تبیین موقعیت برتر او در میان سایر موجودات، به فرشـتگان فرمان داد تا در برابر او به سـجده بیفتنـد بـا اینکه امکـان تکریم به صورت دیگری وجود داشت حکایت از این نکته می کنـد که سـجده، رمز و مظهر تعظیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۶ – ۴

۴ – سجده ، مظهر حق پرستی و خضوع در برابر خداوند

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده از آن جا است که نخستین واکنش مثبت ساحران پس از پی بردن به آیت الهی و معجزه موسی، سجده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۲ – ۱۳

۱۳ – سجده ، نماد و مظهر بزرگداشت و تکریم

فقعوا له سجدین

از این که خداونـد برای بزرگداشت انسان و تبیین جایگاه برتر او در میان سایر موجودات، به فرشـتگان فرمان داد تا در برابر او به سـجده بیفتنـد با آن که امکان تکریم به صورت دیگر وجود داشت می رساند که سـجده، رمز و مظهر تعظیم و بزرگداشـت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۷

۲۷- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، <سجده> اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ -

۳

۳ - سجده ، نمود بارز کرنش در برابر خداوند و اظهار عبودیت و بندگی در پیشگاه او

فاسجدوا للّه و اعبدوا

با توجه به این که سجده، خود نوعی عبادت است، اختصاص به ذکر یافتن آن نشانگر مطلب بالا است.

درک سجده موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۶

۶ - سجود و خضوع تمامی پدیده های جهان در برابر خدا ، امری قابل درک برای انسان ها

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض

همزه در <ألم تر> برای استفهام توبیخی است: <رؤیت> (مصدر <تری>) به معنای دانستن و به اصطلاح از افعال قلوب است; یعنی، <آیا ندانستی که. ..>. توبیخ خداوند بیانگر مطلب یاد شده است; چه این که سجود و خضوع موجودات اگر قابل درک نبود، خداوند انسان ها را توبیخ نمی کرد.

دعوت به سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ; ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

رکنیت سجده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۳

۳ – سجده ، رکن مهم

و من الّیل فاسجد له

اطلاق <سجده> بر <نماز> ، از باب اطلاق جز بر کل است و این می رساند که این جزء، از اجزای مهم نماز است.

زمان سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۰ - ۴

۴- < عن الصادق (ع) . . . قال : . . . فأوّل من بادر بالسجود جبرائیل و میکائیل ثمّ عزرائیل ثمّ إسرافیل ثمّ الملائکه المقربون و کان السجود لأدم یوم الجمعه عند الزوال فبقیت الملائکه فی سجودها إلی العصر . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند; سپس عزرائیل و بعد اسرافیل; سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند>.

زمینه سجده بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۶

۶ - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

زمینه سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۴

۴ - توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی ، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر

آفریدگار آن

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

سجده آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۱

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳ سجده های بسیار ابراهیم (ع) ، موجب بر گزیده شدن وی ، از سوی خداوند ، به عنوان خلیل

و اتخذ اللّه إبرهیم خلیلا

امام صادق(ع) در مورد

علت برگزیده شدن حضرت ابراهیم(ع) به عنوان خلیل، از سوی خداوند فرمود: لکثره سجوده علی الارض.

علل الشرایع، ص ۳۴، ح ۱، ب ۳۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۴، ح ۵۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده اکراهی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۲،۹

۲ گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعًا و کرهًا

<طوع> و <کره> مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعین) و (کارهین) می باشد. <طائع> به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و <کاره> به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . . > أما من یسجد من أهل السموات طوعاً فالملائکه . . . و من یسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فی الإسلام . . . و أما من یسجد کرهاً فمن أجبر علی الإسلام . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . ..> روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند ... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخانواده اسلامی) متولد شده اند ... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند ...>.

سجده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱۵

۱۵– پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیّن . .. و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و

سجده بر آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۱ – ۴،۶

۴ خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۶ وجود فاصله زمانی میان صورت دهی به منشأ انسانها و فرمان سجده بر آدم(ع)

ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۲ – ۱،۲

۱ ابلیس، مورد سرزنش و بازپرسی خداوند به سبب تمرد از سجده بر آدم

قال ما منعک ألا تسجد

در توجیه وجود کلمه <لا> در <ألاتسجد> چند نظر وجود دارد: برخی گفته اند <لا> زایده و برای تأکید است. و برخی دیگر گفته اند <منعک> متضمن معنای <دعاک> است که در این صورت لا نافیه خواهد بود. یعنی چه چیز تو را واداشت که سجده نکنی.

۲ ابلیس، همچون فرشتگان، مورد خطاب خداوند در فرمان سجده بر آدم بود.

ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. ما منعک ألا تسجد إذ أمرتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۱ – ۶

۶- شگفتی انکارآمیز ابلیس از فرمان الهی به سجده وی بر موجودی آفریده از گِل

قال ءأسجد لمن خلقت طینًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف –

۱۸ - ۵۰ - ۲،۸

۲- خداوند ، به همه فرشتگان فرمان داد تاآدم را سجده کنند .

و إذ قلنا للملئكه اسجدوا لأدم

<ال> در <الملائکه> برای استغراق است; یعنی: <همه ملائکه>.

۸- ابلیس نیز مانند فرشتگان ، مأمور سجده برای آدم بود .

فسجدوا إلاّ إبلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۲،۳،۸

۲ - فرشتگان ، به فرمان خداوند ، موظف به سجده برای آدم و خضوع در برابراو شدند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۳ - تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف <فا> بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

۸ - آدم (ع) ، دارای مقام و جایگاهی برتر از ملائکه

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۷

۷ - فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۳ – ۱،۲

۱ – با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فقعوا له سجدین . فسجد الملئکه کلّهم

۲ – هم زمان و دسته جمعی بودن سجده ملائکه در برابر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون

مقصود از <أجمعون> به خاطر آمدن <کلّهم> دفعی و دسته

جمعی بودن عمل سجده است; یعنی، <کلّهم> ناظر به سجده همگانی و بدون استثنای فرشتگان و <أجمعون> اشاره به دسته جمعی و دفعی بودن آن سجده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۱

۱ - ابلیس چونان فرشتگان ، مکلف و موظف به سجده برای آدم (ع)

فقعوا له سجدین . فسجد الملئکه ... إلاّ إبلیس

سجده بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۸

۸ - دمیده شدن روح الهی در انسان ، موجب شایستگی وی برای مسجود فرشتگان بودن

خلق بشرًا من طین . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرمان خداوند به سجده بر آدم(ع)، پس از دمیده شدن روح الهی در او صادر گردید و این می رساند که آنچه موجب شایستگی آدم برای سجده شد، روح الهی وی بود; نه جسم و کالبدش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۳ - ۳

۳ - تجلی بزرگداشت انسان ، در سجده فرشتگان بر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون

سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۷

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام ، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ –

۱۵ - ۱،۲،۶،۹

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

۲ گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعًا و کرهًا

<طوع> و <کره> مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعین) و (کارهین) می باشد. <طائع> به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و <کاره> به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

۶ سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله یسجد من فی السموت . .. و ظللهم

<ظلال> (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . . > أما من یسجد من أهل السموات طوعاً فالملائکه . . . و من یسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فی الإسلام . . . و أما من یسجد کرهاً فمن أجبر علی الإسلام . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . ..> روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند ... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت

سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخانواده اسلامی) متولد شده اند ... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۳

۳- مطلوبیت تسبیح پروردگار همراه با خضوع و سجده برای او ، با مشاهده آیات بحقّ او

إذا یتلی علیهم یخرّون للأذقان سجّدًا . و یقولون سبحن ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱،۱۰

۱ مشرکان صدراسلام ، به سجده در برابر خدای رحمان ، مأمور شده بودند .

و إذا قیل لهم اسجدوا للرحمن

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۸

۸ – سجده

و کرنش ، تنها در برابر آفریدگار هستی روا است .

واسجدوا للّه الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۳

۳ - سرپیچی از سجده و عبادت آفریدگار جهان ، نمونه بارز استکبار است .

و اسجدوا للّه . .. فإن استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - فرمان الهی ، به سجده و سرنهادن خلق ، به درگاه بندگی و عبادت او

فاسجدوا للّه و اعبدوا

۲ - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث تعجبون ... فاسجدوا للّه و اعبدوا

<فای تفریع> در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۸ - ۴

۴ - عبادت و سجده ، اختصاص به خدا دارد و تنها او شایسته آن است .

و أنّ المسجد للّه فلاتدعوا مع اللّه أحدًا

اختصاص یافتن محل های سجده و عبادت به خداوند، بیانگر آن است که خود سجده و عبادت، به او اختصاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۱

۱ – فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سجده برای او در پاسی از شب

و من الّیل فاسجد له

<من> در <من اللیل>، برای تبعیض است؛ یعنی، بخشی از شب.

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۹ – ۸

۸ – سجده به درگاه خداوند ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

و اسجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۸،۱۱

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

۱۱- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أو لم یروا . .. من شیء ... سجّدًا لله و هم دخرون

<داخر> در لغت به معنای ذلیل است و جمله <و هم داخرون> حال برای <ظلال> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۹ – ۱،۴

۱- تمامی جنبندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۷ – ۱۳

۱۳ – < عن أبی عبد اللّه (ع) . . . و فرض علی الوجه السجود له باللیل والنهار فی مواقیت الصلاه فقال : < یاأیها الذین آمنوا

ارکعوا و اسجدوا . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. خداوند، سجده

برای خود را در شب و روز به هنگام اوقات نماز، بر صورت واجب گردانید و فرمود: <یاأیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا...>».

سجده بر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۲

۲ - سجده در برابر خورشید ، شیوه پرستش مردم سبا

یسجدون للشمس

سجده بر غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۱۲

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۱۲ جواز سجده بر غیر خدا ، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خرّوا له سجّدًا

منزّه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی که آیات بسیاری گویای آن است می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده ; بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا با اذن الهی

فقعوا له سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۱ – ۵

۵– سجده برای غیر خدا ، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است . *

قلنا . .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۲ – ۱۲

۱۲ – جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا ، با اذن الهی

فإذا سوّیته . .. فقعوا له سجدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۷

۷ – سجده برای غیر خدا ، ممنوع و مورد نهی صریح خداوند است .

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

سجده برگزیدگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱۵،۱۹

۱۵– پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیّن . .. و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و

۱۹– گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۳ – ۱۱

۱۱ اطاعت خداوند ، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او ، از اصول رفتاری مشترک بین ادیان الهی

من اهل الکتب

امه قائمه یتلون . .. و هم یسجدون

سجده بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۵

۱۵- < علی بن محمـد . . . قال : سـئل أبوعبدالله (ع) عمّن بجبهته عله لایقدر علی السـجود علیها قال : یضع ذقنه علی الأرض ان الله عزّوجلّ یقول : < و یخرّون للأذقان سجداً > ;

علی بن محمد . .. گفت: از امام صادق(ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد; زیرا خداوند می فرماید: و یخرّون للأذقان سجّداً>.

سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقی السحره سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السـحره> و یا بـدل اشـتمال برای <القی السـحره ... > باشـد. بر این دو مبنـا آیه مورد بحث دلالـت می کنـد که ساحران به هنگام سـجده به درگاه خـدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند

اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فأُلقی السحره سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۲

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فأُلقی السحره سجدین

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <أُلقی> بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

سجده جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ جواز سجده بر غیر خدا ، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خرّوا له سجّدًا

منزّه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی که آیات بسیاری گویای آن است می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده ; بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۵

۵- سجده برای غیر خدا ، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است . *

قلنا . .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

سجده جنبندگان

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۹ – ۱،۴

۱- تمامی جنبندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۸ – ۱

۱ – سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۸ – ۱

۱ – سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده خورشید بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی

رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده خورشید در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعًا

مقصود از <خرّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران

سجده است.

سجده در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ وجود سجده و رکوع (نماز) در ادیان گذشته

و اسجدی و ارکعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۱۲

۱۲ جواز سجده بر غیر خدا ، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خرّوا له سجّدًا

منزّه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی که آیات بسیاری گویای آن است می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده ; بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۳ – ۱۱

۱۱ اطاعت خداوند ، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او ، از اصول رفتاری مشترک بین ادیان الهی

من اهل الکتب امه قائمه یتلون . .. و هم یسجدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۰ – ۱۲

۱۲ سجده در برابر خدای رحمان ، مظهر یگانه پرستی و روح ادیان توحیدی است .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن . .. و زادهم نفورًا

قرار گرفتن فرمان سجده بر خدای رحمان در ردیف سلسله آیات مربوط به محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند، می تواند مطلب یاد شده را برساند.

سجده در برابر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۷

۴۷- قاطعیت با کافران و رأفت با مؤمنان و رکوع و سجود در برابر خداوند ، نمود های آشکار عمل صالح

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم تریهم رکّعًا سجّدًا . .. وعد اللّه الذین ءامنوا و

سجده در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

سجده در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲

۲۲ - رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الرکع السجود

سجده در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۴

۴ - سجده و قیام ، دو رکن عبادت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر اجزا و ارکان عبادت، برداشت بالا به دست می آید.

سجده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۵،۶

۵ - >

عن أبی الحسن (ع) فی قوله عزّوجلّ : < یوم یکشف عن ساق > قال : حجابٌ من نور یُکْشَف ، فیقع المؤمنون سُجَّداً و تُدمَج أصلابُ المنافقین فلایستطیعون السجود ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز]پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند>.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله عزّوجلّ : . . . < و یدعون إلی السجود فلایستطیعون > قال : أُفحِم القومُ و دخلتْهم الهیبهُ و شَخَصَتِ الأبصار ، و بلغتِ القلوبِ الحَناجِر ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و یدعون إلی السجود فلایستطیعون> فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرامی گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد>.

سجده در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - طواف ، قیام ، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهّر بیتی للطّائفین و القائمین و الرکّع السجود

ظاهر این است که مراد از <القائمین و الرکع السجود> نمازگزاران است; یعنی، <خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن>.

سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ رکوع و سجود ، از اجزای مهم نماز *

و اسجدی و

ارکعی

بنابراینکه مراد از رکوع و سجود، نماز باشد; و تعبیر از نماز به رکوع و سجود، دلالت بر اهمیّت این دو جزء دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۹

۹ رکوع و سجود ، از ارکان مهم نماز

الرکعون السجدون

نوع مفسران برآنند که مقصود از رکوع کنندگان و سجده کنندگان، نمازگزاران هستند ; بنابراین ذکر رکوع و سجده از میان دیگر واجبات نماز می تواند به خاطر اهمیت ویژه این دو فریضه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرّکّع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۹

۹ - سجده ، تجلّی گاه عبودیت انسان و نمای برجسته نماز

عبدًا إذا صلّی . .. و اسجد

سجده درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی

السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریـا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسـی ، ابراهیم ، اسـحق ، یعقوب ، موسـی ، هـارون ، اسـماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگـام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۶

۶ سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله یسجد من فی السموت . .. و ظللهم

<ظلال> (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

سجده ستارگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۸ – ۱

۱ – سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من

فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده ستارگان بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده ستارگان در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن

را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۵،۲۸

۲۵– آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

۲۸– اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سجده علمای اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۲

۱۲– با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یخرّون للأذقان سجّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أُوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خرّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

سجده عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱۶

۱۶– زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أَولئك . .. إذا تتلى عليهم ءايت الرحمن خرّوا سجّدًا و بكيًّا

سجده كوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١١ – حج – ٢٢ –

۱ - ۱۸

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده مادر یوسف بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر

أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده ماه بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده ماه در رؤیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی

سجدين

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. التّئبون ... و الحفظون لحدود اللّه

سجده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، موظّف به ادامه تسبیح پروردگار در پی هر سجده (نماز)

فسبّحه و أدبر السجود

سجده مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱

۱ مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع (نماز) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقنتی لربّک و اسجدی و ارکعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹

- ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده مقربان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۶ – ۵

۵ مقربان درگاه خداوند همواره و خالصانه بر آستان او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . .. له یسجدون

تقدیم <له> بر <یسجدون> دلالت بر حصر و حکایت از خلوص دارد.

سجده ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۶ – ۹

۹ فرشتگان همواره با تواضع در برابر خدا وی را عبادت می کنند و او را منزه می دانند و تنها بر درگاه او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . .. و له یسجدون

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از <الذین عند ربک> فرشتگان هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۹

۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . . > أما من یسجد من أهل السموات طوعاً فالملائکه . . . و من یسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فی الإسلام . . . و أما من یسجد کرهاً فمن أجبر علی الإسلام . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . ..> روایت

شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند ... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخانواده اسلامی) متولد شده اند ... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۴

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۳

۳ - تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف <فا> بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۸

۸ - دمیده شدن روح الهی در انسان ، موجب شایستگی وی برای مسجود فرشتگان بودن

خلق بشرًا من طین . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرمان خداوند به سجده بر آدم(ع)، پس از دمیده شدن روح الهی در او صادر گردید و این می رساند که آنچه موجب شایستگی آدم برای سجده شد، روح الهی وی بود; نه جسم و کالبدش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص

- ۳۸ - ۷۳ - ۱،۳

۱ - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فقعوا له سجدین . فسجد الملئکه کلّهم

۳ - تجلی بزرگداشت انسان ، در سجده فرشتگان بر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون

سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱،۲،۶،۱۶،۲۰،۲۱،۲۲

۱ - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علّم ءادم الأسماء کلها . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۲ - همه فرشتگان پس از فرمان خدا ، بر آدم (ع) سجده کردند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا

۶ - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه . .. و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

۲۰ < عن علی بن الحسین (ع) فی قوله : < اسجدوا لآدم فسجدوا > .

. . إنها كانت عصابه من الملائكه و هم الذين كانوا حول العرش . . . و هم الذين أمروا بالسجود . . . ;

از امام سجاد (ع) درباره سخن خداوند <اسجدوا لآدم فسجدوا> روايت شده كه فرمود: آنان (مأموران به سجده) گروهى از ملائكه بودند كه در اطراف عرش الهى بودند . .. و همانها بودند كه مأمور به سجده شدند ...>.

۲۱ أمير المؤمنين (ع) فرموده اند : < أول بقعه عبدالله على ها ظهر الكوفه لما أمر الله أن يسجدوا لآدم ، سجدوا على ظهر الكوفه ;

اولين مكان مقدسى كه در آن عبادت خداوند واقع شد سرزمين كوفه بود، آن هنگام كه خداوند ملائكه را مأمور سجده بر آدم كرد آنها بر آدم(ع) در سرزمين كوفه سجده كردند>.

۲۲ پيامبر خدا (ص) فرموده اند : < . . . ان الله تبارك و تعالى خلق آدم فأودعنا صلبه ، و أمر الملائكه بالسجود له تعظيماً لنا و اكراماً ، و كان سجودهم لله عز و جل عبوديه و لآدم اكراماً و طاعه لكوننا فى صلبه . . . ;

خداوند تبارك و تعالى آدم را آفريد پس ما را در صلب او قرار داد و امر نمود به ملائكه كه به خاطر بزرگداشت و كرامت ما به آدم سجده كنند و سجود ملائكه عبادت بود براى خداوند و احترام و اطاعت بود نسبت به آدم(ع); زيرا، ما در صلب او بوديم . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲

۲ - سكونت آدم (ع) و همسرش در

بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئكه اسجدوا لأدم . .. و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرينش او

و إذ قال ربّك للملئكه . .. فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحی فقعوا له سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۰ - ۱،۲

۱- در پی فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، همه آنان بی استثنا در برابر او به سجده افتادند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملئكه كلّهم أجمعون

۲- فرشتگان در برابر فرمان الهِی سجده بر آدم (ع) ، بی چون و چرا آن را اجرا كردند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملئكه كلّهم أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱،۲،۳،۱۴

۱- ماجرای سجده ملائكه در برابر آدم و نافرمانی ابليس ، شايسته ياد و يادآوری است

و إذ قلنا للملئكه اسجدوا لأدم فسجدوا إلّا إبليس

برداشت فوق، مبتنی بر اين نكته است كه <إذ> متعلق به <اذكر> و يا <اذكروا> مقدّر باشد.

۲- فرمان خداوند به سجده همه فرشتگان بر آدم (ع)

قلنا للملئكه اسجدوا لأدم

۳- همه فرشتگان جز ابليس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت كردند .

قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلّا إبلیس

۱۴- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان

الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی <سجده> است که به معنای <خضوع> و <تذلل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱،۷

۱- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرّد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<إذ> ظرف برای فعل مقدر مانند <اُذکر> است; یعنی: <یاد کن زمانی را که . ..>. فرمان خداوند به پیامبر(ص) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

۷- همه فرشتگان ، بی چون و چرا و بی درنگ ، از فرمان الهی به سجده در برابر آدم ، اطاعت کردند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا

حرف فاء در <فسجدوا> بر تعقیب بدون مهلت دلالت دارد; یعنی، فرمان سجده به دون تأخیر انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۴،۷،۱۲

۴ خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۷ همه فرشتگان پس از فرمان خدا، بر آدم(ع) سجده کردند.

قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا

۱۲ سجده فرشتگان بر آدم(ع) به منزله سجده آنان بر همه انسانها نبود.

و لقد خلقنکم . .. ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

سیر طبیعی آیه اقتضا می کرد که پس از <ثم صورناکم> گفته شود <ثم أمرنا الملائکه

بالسجود لکم> این تغییر سیاق یعنی تبدیل عام (کم) به خاص (آدم) می تواند اشاره به این داشته باشد که آفرینش مبدأ انسانها به منزله آفرینش همگان بود ولی سجده ملائکه به منشأ و مبدأ انسانها سجده به همگان نبوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۱

۱ – داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا

<إذ> مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل <اذکر> (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

سجده ملائکه بر انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ – ۱۲

۱۲– دمیده شدنِ روحی الهی در انسان ، موجب شایستگی او برای مسجود فرشتگان شدن

و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

دستور خداوند به سجده ملائکه در برابر آدم(ع)، پس از خلقت کامل با دمیده شدن روح در او، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۶

۶– انسان ها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایستگی برای سجده ملائکه بر ایشان هستند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۱ – ۱۳

۱۳ انسانها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایسته شدن برای سجده ملائکه بر ایشان.

لقد مكنكم فى الأرض . .. و لقد خلقنكم ... ثم قلنا للملئكه

اسجدوا لأدم

آیه قبل دلالت می کند که مطالب عنوان شده در آیه مورد بحث که از جمله آنها سجده فرشتگان بر آدم(ع) است از نعمتهای الهی برای همه انسانهاست. در حالی که نه سجده بر آدم به منزله سجده بر همگان است و نه سجده بر او نعمت برای دیگران، بنابراین، می توان گفت جمله <قلنا للملائکه ...> پس از <خلقناکم> اشاره به این دارد که خداوند در همه انسانها این زمینه را ایجاد کرده است که بتوانند مسجود ملائکه بشوند.

سجده موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۱،۲،۳،۹

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

۲ گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعًا و کرهًا

<طوع> و <کره> مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعین) و (کارهین) می باشد. <طائع> به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و <کاره> به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

۳ موجودات آسمان ها و زمین برای غیر خدا خاضع نبوده و به غیر او سجده نمی کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

تقدیم <لله> بر <یسجد> حاکی از حصر است. بنابراین <لله یسجد ...> ; یعنی ، برای خداوند سجده

می کنند و به غیر او سجده نمی برند.

۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . . > أما من یسجد من أهل السموات طوعاً فالملائکه . . . و من یسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فی الإسلام . . . و أما من یسجد کرهاً فمن أجبر علی الإسلام . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . ..> روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند ... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخانواده اسلامی) متولد شده اند ... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۱

۱۱- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أو لم یروا . .. من شیء ... سجّدًا لله و هم دخرون

<داخر> در لغت به معنای ذلیل است و جمله <و هم داخرون> حال برای <ظلال> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم

تر أنّ اللّه يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معناى اظهار خضوع و انقياد است.

سجده موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۹

۹ < عن أبى جعفر (ع) فى قوله : < و لله يسجد من فى السموات و الأرض طوعاً و كرهاً . . . > أما من يسجد من أهل السموات طوعاً فالملائكه . . . و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فى الإسلام . . . و أما من يسجد كرهاً فمن أجبر على الإسلام . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <و لله يسجد من فى السموات و الأرض طوعاً و كرهاً . ..> روايت شده: اما كسانى از اهل آسمانها كه از روى رغبت سجده مى كنند فرشتگان هستند ... و اما كسانى كه از اهل زمين با ميل و رغبت سجده مى كنند، آنانند كه در اسلام (محيطوخانواده اسلامى) متولد شده اند ... و اما آنان كه از روى اجبار سجده مى كنند، كسانى اند كه به پذيرش اسلام مجبور شده اند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقياد) اهل آسمان و زمين و نيز خورشيد ، ماه ، ستارگان ، كوه ها ، درختان و جنبندگان براى خدا

ألم تر أنّ اللّه يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>)

به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱۶

۱۶– زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۲ – ۸

۸ پایداری بر رکوع و سجده و امر به معروف و نهی از منکر ، از ویژگی های مؤمنان راستین

الرکعون السجدون الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۹ – ۲

۲ – عبادت شبانه با سجده و قیام ، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی ، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا یحذر الأخره و یرجوا رحمه ربّه

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل که درباره انسان های کافر بود درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۱۴

۱۴– روحیه نیایش و حالت رکوع و سجود ، متجلی و مشهود در زندگی مؤمنان واقعی

تریهم رکّعًا سجّدًا

سجده مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۵،۱۹

۱۵- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیّن . .. و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۵

۵ - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

یدعون إلی السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

سجده هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولئك الذین أنعم اللّه علیهم . .. إذا تتلی علیهم

ءايت الرحمن خرّوا سجّدًا و ب

<إذا تتلى> خبر اول و يا خبر بعد از خبر براى <أُولئك> است; يعنى آنان اين چنين هستند كه هنگام استماع آيات به سجده افتاده و گريه مى كنند.

سجده هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ - سجود و به خاك افتادن هنگام شنيدن آيات قرآن ، رفتارى شايسته و مطلوب است . *

و إذا قرىء عليهم القرءان لايسجدون

كلمه <سجود> در برداشت ياد شده، به معناى اصطلاحى آن گرفته شده است. اين آيه هر چند از آياتى نيست كه سجده واجب دارند; ولى مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنيدن هر يك از آيات قرآن و يا خصوص آياتى است كه در آن فرمان سجود آمده است.

سجده يحيى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زكريا ، يحيى ، مريم (س) ، عيسى ، ابراهيم ، اسحق ، يعقوب ، موسى ، هارون ، اسماعيل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنيدن آيات الهى به سجده مى افتادند و در حال سجود اشك مى ريختند .

أُولئك . .. إذا تتلى عليهم ءايت الرحمن خرّوا سجّدًا و بكيًّا

سجده يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زكريا ، يحيى ، مريم (س) ، عيسى ، ابراهيم ، اسحق ، يعقوب ، موسى ، هارون ، اسماعيل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنيدن آيات الهى به

سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سجده یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًّا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

عوامل ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۶

۶- تکبر ناشی از احساس برتری نژادی ، عامل اصلی تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع)

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

عوامل سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۸ – ۹

۹- ربوبیت خداوند ، شایسته تسبیح ، حمد ، سجده و فروتنی انسان به

پیشگاه او

فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدین

فضیلت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲۰

۲۰- سجده و گریه در حال سجود ، حالتی مطلوب و دارای فضیلت است .

إذا تتلی علیهم . .. خرّوا سجّدًا و بکیًّا

<بکیّاً> جمع است و مانند <سجّداً> حال مقدّره است; یعنی افراد یاد شده با شنیدن آیات الهی، خود را برای سجود و گریه به زمین می افکنند.

فضیلت طول سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۴۷

۴۷ - < عن بُرَید العجلیّ قال : قلت لأبی جعفر (ع) أیّهما أفضل فی الصلاه کثرهُ القراءه أو طول اللَّبث فی الرّکوع و السجود ؟ قال : فقال : کثرهُ اللَّبث فی الرّکوع و السجود فی الصلاه أفضل أما تسمع لقول اللّه تعالی : < فاقرءوا ما تیسّر منه و أقیموا الصلاه > إنّما عنی بإقامه الصلاه طول اللَّبث فی الرّکوع و السّجود . . . ;

بُرَید عجلی گوید: به امام باقر(ع) گفتم: آیا کثرت قرائت (قرآن) در نماز برتر است یا کثرت درنگ در رکوع و سجود؟ فرمود: طولانی کردن رکوع و سجود در نماز، برتر است. آیا سخن خدای تعالی را نشنیده ای که می فرماید: <فاقرءوا ما تیسّر منه و أقیموا الصلاه>؟ همانا خدا از اقامه نماز، طولانی کردن رکوع و سجود آن را قصد کرده است>.

فضیلت گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲۰

۲۰- سجده و گریه در حال سجود ،

حالتی مطلوب و دارای فضیلت است .

إذا تتلی علیهم . .. خرّوا سجّدًا و بکیًا

<بکیّاً> جمع است و مانند <سجّداً> حال مقدّره است; یعنی افراد یاد شده با شنیدن آیات الهی، خود را برای سجود و گریه به زمین می افکنند.

فلسفه سجده برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ < از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

فلسفه سجده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ < از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

کیفیت سجده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۳ - ۲

۲ - هم زمان و دسته جمعی بودن سجده ملائکه در برابر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون

مقصود از <أجمعون>

به خاطر آمدن <کلّهم> دفعی و دسته جمعی بودن عمل سجده است; یعنی، <کلّهم> ناظر به سجده همگانی و بدون استثنای فرشتگان و <أجمعون> اشاره به دسته جمعی و دفعی بودن آن سجده است.

گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

مدت سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۰ - ۴

۴- < عن الصادق (ع) . . . قال : . . . فأوّل من بادر بالسجود جبرائیل و میکائیل ثمّ عزرائیل ثمّ إسرافیل ثمّ الملائکه المقربون و کان السجود لأدم یوم الجمعه عند الزوال فبقیت الملائکه فی سجودها إلی العصر . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند; سپس عزرائیل و بعد اسرافیل; سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند>.

معرضان از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - طغیان گران ، از سجده برای خداوند ، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی . .. ینهی . عبدًا إذا صلّی ... و اسجد

مکان سجده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۲۵

۲۵ – از علی (ع) روایت شده که : < انه اراد جمیع الارض لقول النبی (ص) جعلت لی الارض مسجداً . . . ;

مراد از مساجد اللّه در آیه فوق، تمامی زمین است; به خاطر سخن پیامبر که فرمود: زمین برای من جایگاه سجده قرار داده شد . .. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۱۸

۱۸ – خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه – به قرینه طواف، رکوع و سجود – یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف – که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و . .. است – می باشد.

موانع سجده بر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۵ – ۱

۱ – انحراف آفرینی و اغواگری شیطان ، به منظور بازداشتن انسان ها از سجده به درگاه خدای یگانه

و زیّن لهم الشیطن . .. ألّایسجدوا للّه

<ألّایسجدوا> می تواند به تأویل مصدر و عطف بیان یا بدل برای <أعمالهم> در آیه پیش باشد. و هم چنین می تواند به تقدیر لام تعلیل و مفعولٌ له برای <زیّن> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال

دوم است; یعنی، <زیّن لهم الشیطان ضلالتهم لئلایسجدوا للّه; شیطان گمراهی و انحراف را در دیدگاه آنان زیبا جلوه داد، بدان منظور که آنان برای خدا سجده نکنند>.

ناهیان از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - طغیان گران ، از سجده برای خداوند ، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی . .. ینهی . عبدًا إذا صلّی ... و اسجد

نقش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ - پیشانی بر خاك نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی دربرابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فأُلقی السحره سجّدًا

سحرگاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سحرگاه

آثار استغفار در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۴

۴ - استغفار در سحرگاهان ، از عوامل رهیابی به بهشت

إنّ المتقین فی جنّت . .. و بالأسحار هم یستغفرون

ارزش سحرگاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۴ – ۵

۵ – سحرگاهان ، لحظاتی مبارک ، برای صالحان *

نجّینهم بسحر

تصریح به <سحر> و تعیین زمان نجات خاندان لوط، ممکن است بیانگر مطلب یاد شده باشد.

استغفار در سحرگاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۸ – ۱،۲،۶

۱ – طلب آمرزش از خداوند در سحرگاهان ، شیوه محسنان تقواپیشه

کانوا قلیلاً من الیل ما یهجعون . و بالأسحار هم یستغفرون

۲ – سحرگاهان ، بهترین و مناسب

ترین زمان برای راز و نیاز با خداوند و طلب آمرزش از او

و بالأسحار هم یستغفرون

۶ - < قال أبوعبداللّه (ع) کانوا یستغفرون اللّه فی الوتر سبعین مرّه فی السحر ;

امام صادق(ع) درباره <و بالأسحار هم یستغفرون> فرمودند: آنان در نماز وتر به هنگام سحر، هفتاد بار استغفار می کنند.

اهمیت سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۲

۲ - پدیده سحر ، از پدیده های عظیم و بااهمیت برای زندگی بشر

و الّیل إذ أدبر

تسبیح در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به تسبیح پروردگار ، در بخشی از شب (سحرگاهان)

و من الّیل فسبّحه

<من> در <من الّیل> تبعیضیه است; یعنی، بخشی از شب (سحرگاهان).

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

حمد در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین

برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

سوگند به سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الّیل إذ أدبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغازِ سحر است.

عظمت سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۲

۲ - پدیده سحر ، از پدیده های عظیم و بااهمیت برای زندگی بشر

و الّیل إذ أدبر

نجات در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

سخاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار سخاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - غنا و ثروت همراه با جود و بخشش ، شایسته ستایش و مدح است .

و اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۴

۴ - انفاق ، پرهیز از ثروت اندوزی ، تزکیه خواهی ، سخاوت مندی و اخلاص ، از نشانه

های تقواپیشگی است .

أعطی و اتّقی

فعل <اتّقی> در مقابل فعل <استغنی> (در آیات بعد)، قرار گرفته و نقطه مقابل استغنا (ثروت اندوزی) را <تقوا> نامیده است. از طرف دیگر عطف <اتّقی> بر <أعطی> که با عطف تفسیری یا سبب بر مسبب و یا عکس آن سازگار است انفاق را نشانه تقوا قرار داده است. آیات آخر سوره که از عنوان <من أعطی و اتّقی> با نامی دیگر (الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی ...) یاد کرده مصادیق دیگر تقوا را بر شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۳

۳ - سخاوت مندی ، انفاق و تقواپیشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فأمّا من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۶

۶ - سخاوت مندی ، انفاق ، تقواپیشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فأمّا من أعطی . .. فسنیسّره للیسری

آثار سخاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۹

۹ - خداوند ، دارای جود و بخشش ستایش آفرین

و اللّه هو الغنّی الحمید

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فرد غنی آن گاه ستایش

می شود که جود و بخشش داشته باشد; و گرنه شایسته ستایش نخواهد بود و خداوند این چنین است.

آثار وسعت سخاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۷

۷ - جود و فیض گسترده خداوند ، مایه آمرزش گناه مؤمنان و دوست داشتن آنان است .

هو الغفور الودود . .. المجید

تداوم سخاوت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۳

۳ - سخاوت مندی و انفاق گری مداوم ، از ویژگی های با تقواترین افراد است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

تداوم، از مضارع بودن فعل <یؤتی> استفاده شده است.

توصیه به سخاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۲

۲ - سخاوت مندی ، انفاق و تقواپیشگی ، توصیه خداوند به تمام مردم

فأمّا من أعطی و اتّقی

ذکر پاداش نیک برای این گروه (در آیات بعد)، ترغیب مردم به اعطای مال و تقوا است.

سخاوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۶ – ۸

۸ – سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

سخاوت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۵ – ۵

۵ – خداوند ، دارای مقامی رفیع ، کرداری شریف ، جود و بخششی گسترده است .

المجید

<مجید>; یعنی، <رفیع>، و <کریم> و <دارای کارهای شرافتمندانه> (قاموس) توصیف خداوند به آن به خاطر گسترده بودن فیض و فراوان بودن

بخشش او است. (مفردات)

سخاوت ساره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۲۶ – ۸

۸ – سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

سخاوت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۷ – ۷

۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . و کان لوط إبن خاله ابراهیم و کانت إمرأه ابراهیم ساره اُخت لوط و کان لوط و ابراهیم نبیین مرسلین منذرین و کان لوط رجلاً سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذّرهم قومه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۰ – ۸

۸– < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلاً سخیاًکریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند،

پـذیرایی می کرد و آنـان را از قوم خود برحـذر می داشت.[امـام بـاقر(ع)] فرمود: هنگـامی که قوم لوط این میهمـان پـذیری را دیدنـد، به آن حضـرت گفتنـد: ما تو را از پـذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

سخاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۹

۹ - < عن أبی عبـدالله (ع) : . . .کـان فیما خاطب الله تعالی به نبیّه (ص) أن قال له : یامحمّـد < إنّک لعلی خلق عظیم > . قال : السخاء و حُسن الخُلق ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. از جمله مطالب موجود که در ضـمن خطابات خدای تعالی با پیامبر خود، این است که به آن حضرت فرمود: ای محمّد (إنّک لعلی خلق عظیم) امام فرمود: [خلق عظیم]سخاوتمندی و خوش خلقی است>.

سخاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱،۱۸

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

سخاوتمندان

{سخاوتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل -

۹۲ - ۵ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، انفاقگر و اهل جود و تقوایند .

فأمّا من أعطی و اتّقی

مراد از <إعطاء> به قرینه مقابله با <بخل> (در آیات بعد) انفاق مال و جود و کرم است.

پاداش سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۴

۴ - وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواپیشگان

من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

تزکیه سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۱

۱ - اهل سخاوت و انفاق که با گذشت از ثروت خویش ، به تزکیه نفس می پردازند ، با تقواترین مردم اند .

الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

جمله <یتزکّی> حال است و فعل <زکا>; یعنی، نمو کرد و صالح شد و نیز به خالص هر چیز و آنچه به منظور پاک کردن ثروت پرداخته می شود، زکات گفته می شود (قاموس). بنابراین باب تفعّل آن که بر تکلّف دلالت دارد، یا به معنای با زحمت خود را رشد دادن و شایسته ساختن است و یا مراد از آن پرداختن زکات مال با جدیّت تمام است. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

تقوای سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۱

۱ – اهل سخاوت و انفاق که با گذشت از ثروت خویش ، به تزکیه نفس می پردازند ، با تقواترین مردم اند .

الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

جمله <یتزکّی> حال است

و فعل <زکا>; یعنی، نمو کرد و صالح شد و نیز به خالص هر چیز و آنچه به منظور پاک کردن ثروت پرداخته می شود، زکات گفته می شود (قاموس). بنابراین باب تفعّل آن که بر تکلّف دلالت دارد، یا به معنای با زحمت خود را رشد دادن و شایسته ساختن است و یا مراد از آن پرداختن زکات مال با جدیّت تمام است. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

زمینه عمل صالح سخاوتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۷ – ۱

۱ – خداوند ، اهل سخاوت و تقوا و تصدیق کنندگان پاداش های موعود را ، برای انجام دادن کار های خیر ، آماده و توانا می سازد .

فسنیسّره للیسری

فعل <یسّر>; یعنی، آسان ساخت (قاموس) و توفیق داد (صحاح). <یسری> وصف برای موصوف محذوفی از قبیل <الطریقه>، <الشریعه> و یا نظایر آن و به معنای سهل تر و آسان تر است. تغییر عبارت از <سنیسّر له الیسری> به <سنیسّره للیسری> بیانگر آن است که خداوند، وعده ایجاد تحولاتی را در درون شخص می دهد تا با سهولت، پذیرای آسان ترین شریعت ها گردد.

سختدلان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سختدلان

اغواپذیری سختدلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۳ – ۱

۱ – حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلک . .. ألقی الشیطن فی أُمنیّته ... لیجعل ...

و القاسیه قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان درآیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است; یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ دلان قرار دهد.

زمینه گمراهی سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۱

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلک . .. ألقی الشیطن فی أُمنیّته ... لیجعل ... و القاسیه قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله

فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان درآیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است; یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ دلان قرار دهد.

ظلم سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۴

۴ - بیمار دلان و افراد سنگ دل ، مردمانی ظالم و بی دادگر

للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

مراد از <ستمگران> افراد بیمار دل و قسی القلب است و <شقاق> به معنای مخالفت و ستیزه جویی می باشد. <بعید> صفت <شقاق> و به معنای دور و دراز است; یعنی، این گروه ستمگر، در ستیزجویی دور و درازی با حق هستند; مقصود این که فاصله میان آنها و حق، چنان زیاد است که نباید هیچ گونه امیدی به دست برداشتن آنها از مخالفت و ستیزه جویی با آن داشت. در واقع، این توصیه ای است به پیامبر(ص) که از آنها قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد.

یأس از ایمان سختدلان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

سختگیری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سختگیری

آثار اجتناب از سختگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۴

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۴

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۴ تشویق

خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

اهمیت سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

پاداش اجتناب از سختگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

سختگیری با مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۶

۲۶ لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا

سختگیری بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم

غلظه

سختگیری بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۴

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار . .. و اغلظ علیهم

۴ لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۶

۲۶ لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶،۱۰

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در

جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا . .. و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه ، مأمور سختگیری و برخورد بدون مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا(ص) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

سختگیری بر مشرکان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵ – ۵

۵ کشتن ، اسیر گرفتن ، محاصره نمودن و کمین زدن ، شیوه های بیان شده از سوی خداوند برای ایجاد فشار بر مشرکان صدر اسلام ، در سراسر جزیره العرب

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم . .. و اقعدوا لهم کل مرصد

سختگیری بر مطلقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۶ – ۱۷

۱۷ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : لایضارّ الرجل امرأته إذا طلّقها فیضیّق علیها حتّی تنتقل قبل أن تنقضی عدّتها ، فإنّ اللّه

عزّوجلّ قد نهى عن ذلك فقال : < و لاتضارّوهنّ لتضيّقوا عليهنّ > ;

از امام

صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلّقه خود ضرر برساند و او را[از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تـا [مجبور شود] قبل از تمام شـدن عـدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابـد; زیرا خداونـد از این کار نهی کرده و فرموده است: و لاتضارّوهنّ لتضیّقوا علیهنّ>.

سختگیری بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۴

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار . .. و اغلظ علیهم

۴ لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه ، مأمور سختگیری و برخورد بدون مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا(ص) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب

جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق . .. إنّ بطش ربّک لشدید

حرف <إنّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

سختگیری فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۳ – ۹

۹ فرعون دارای طبعی خسیس و سختگیر در اعطای مال و منال به خدمتگزاران خویش

قالوا إن لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۱ – ۲

۲ – فرعون ، دارای طبعی خسیس و سخت گیر در اعطای مال و منال به خدمتگذاران و حامیان خود

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

شرط ساحران مبنی بر دریافت مزد و پاداش از فرعون، در مقابل دفاع از او، می تواند به خاطر مشاهده روح خسّت و تنگ نظری در وجود وی باشد.

سختگیری نگهبانان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۱۱،۱۳

۱۱ – فرشتگانِ نگهبان و گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

۱۳ – برخورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

علیها ملئکه غلاظ شداد لایعصون اللّه ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

فلسفه

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۵

۵ - سخت گیری بر کافران ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت پیشبرد اهداف رسالت پیامبر (ص) است .

ربّک

سختی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سختی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الّذین . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۷

۷ رنج ها و شکست های جامعه ایمانی ، وسیله آزمایشی برای معلوم نمودن صف مؤمنان استوار از غیر ایشان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن اللّه و لیعلم المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۲،۱۱،۱۷

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح .

.. اجر عظیم

۱۱ ارزش والای ثبات بر ایمان و پذیرش دعوت خدا و رسول (ص) ، پس از تحمّل شدائد و مشکلات

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین. الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم ا

۱۷ اهمیّت و ارزش اطاعت از فرامین الهی به هنگام گرفتاری در شدائد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ لزوم تمجید و تقدیر از مؤمنان واقعی و یادآوری فعالیت های ایشان در شرایط سخت

المؤمنین. الّذین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵ آزار های اهل کتاب و مشرکان نسبت به مسلمانان ، از مهمترین موارد آزمایش و امتحان مؤمنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم و لتسمعنّ من الّذین اوتوا الکتب من قبلکم و من الّذین

جمله <و لتسمعنّ . .. >، می تواند توضیح یکی از موارد امتحان مالی و جانی باشد ; چرا که تهمتها و سخنان ناروا، جانها را می گزد و تبلیغات سوء علیه انفاق می

تواند موجب ازدیاد بخل شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۳۲

۳۲ ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعده بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزاردیده و رنج کشیده

فالّذین هاجروا . .. لاکفّرنّ عنهم سیّئاتهم و لادخلنّهم جنّات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۱،۳،۵،۶،۱۴،۱۶،۱۸

۱ مؤمنان ، موظّف به صبر در برابر مشکلات

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا

۳ مؤمنان ، موظّف به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان سرسخت و ستیزه جو

یا ایّها الّذین امنوا . .. صابروا

<صابروا> از باب مفاعله، دلالت بر مقاومت طرفینی دارد و این معنا غالبا بین دو خصم تصوّر می شود.

۵ مؤمنان ، موظّفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا>، برای متعدّی کردن <صَبَرَ> به کار رفته باشد ; بنابراین <صابروا>، یعنی دیگران را به صبر وادارید.

۶ صبر در برابر مشکلات ، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکری <اصبروا> بر <صابروا>، می تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردی صبور نباشید، نمی توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است

.

يا ايّها الّذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۶ ايمان ،

زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

آثار ابتلا به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۵،۷،۸،۹،۱۱

۵ بیداری فطرت توحیدی انسان در تنگناها و سختیها

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّه . .. أغیر اللّه تدعون

گر چه در آیه دو مورد عذاب و مرگ ذکر گردیده، ولی روشن است که اینها نمونه هایی از شداید و سختیهاست که آدمی با آن روبرو می شود.

۷ آشکار شدن بطلان هر گونه شرک و گرایش به غیر خدا به هنگام عذاب و مرگ و دیگر سختیها

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّه أو أتیکم الساعه أغیر اللّه تدعون

۸ توجه نکردن به معبودی غیر از خدا به هنگام مشکلات، دلیل پوچی تمامی معبودهای دروغین

قل أرءیتکم . .. إن کنتم صدقین

۹ اگر مشرکان از صداقت بهره مند باشند، بر گرایش خویش به هنگام سختیها، به خدای یگانه اقرار می کنند.

قل أرءیتکم . .. أغیر اللّه تدعون إن کنتم صدقین

۱۱ اگر مشرکان در ادعاهای پوچ و

شرک آمیز خود صادق هستند، باید به هنگام سختی متوجه معبودهای خود شوند.

أغیر اللّه تدعون إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱،۲

۱ گرایش همه انسانها، حتی مشرکان، در سختیها و شداید به خدای یگانه

بل إیاه تدعون

۲ آدمی به هنگام روبرو شدن با شداید، خداوند یگانه را خالصانه به یاری می طلبد.

إن أتیکم عذاب اللّه . .. بل إیاه تدعون

خلوص در دعا مستفاد از اضراب <بل> و ضمیر مفعولی <ایاه> است که بر عامل خویش مقدم شده است و در نتیجه معنای حصر دارد. یعنی فقط او را می خوانید، که تعبیر مصطلح آن <خلوص> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۵،۶،۸

۵ نقش سختیها و کاستیها در سازندگی و تربیت انسان

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

۶ مشکلات و سختیها، زمینه توجه به خدا و تضرع و دعا به درگاه او

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

۸ سختیها و کاستیها، زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسانها

بل إیاه تدعون . .. فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۲،۴

۲ تضرع نکردن مردم به درگاه خداوند، حتی در شداید و سختیها، امری شگفت و سزاوار سرزنش

فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا

۴ سنگدلی، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتی در شداید و سختیها

فلولا . .. و لکن قست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲،۱۱،۹،۸،۳

۳

آدمی به هنگام گرفتاری و دشواریها و بن بستها، ناخودآگاه خداوند یگانه را به استمداد می طلبد.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیه

در آیه شریفه روی سخن با مشرکان است و زمانی که مشرک در آن شرایط ویژه فقط خداوند را می خواند، روشن است که معبودهای خیالی از ذهن او دور شده و فطرت توحیدی بر همه پندارهای موهوم غلبه یافته است.

۸ شداید و سختیها زمینه ای برای بیداری فطرت توحیدی انسان و توجه او به خداوند

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیه

۹ آدمی در شداید با خداوند یگانه پیمان می بندد که در صورت نجات سپاسگزار او باشد.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفیه لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

۱۲ آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۱

۱ برخی از امت های گذشته حتی پس از پیدایش سختی های بیدارکننده همچنان بر کفرپیشگی و بی تقوایی خویش اصرار ورزیدند .

لعلهم یضرعون. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۳ – ۷

۷- گرفتار شدن به مشکلات و ناگواری ها ، بیدار کننده فطرت توحیدی انسانهاست .

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون

فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۷ – ۳،۴

۳- انسان ها در گرداب های خطرآفرین ، نه تنها متوجه خداوند می شوند ; بلکه او را یگانه قدرتی می دانند که توان نجات آنان را از مرگ حتمی دارد .

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

۴- در لحظه های دشوار ، کارآمد نبودن قدرت های غیر الهی برملا می شود و از اسباب ظاهری قطع امید می گردد .

و إذا مسّکم . .. ضلّ من تدعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۸

۸ – احساس خطر شدید و یأس از عوامل نجات دهنده مادی ، زمینه توجه انسان به خدا و دعا به درگاه او است .

و إذا غشیهم موج کالظّلل دعوا اللّه مخلصین له الدین

آثار امتحان با سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۸ – ۱۱

۱۱ – ابتلا به مصائب و سختی ها ، زمینه ساز توبه و بازگشت انسان ها به سوی حق

و أخذنهم بالعذاب لعلّهم یرجعون

آثار تحمل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۱۲

۱۲ تحقق اهداف و رسالت انبیا و پیمودن راه حق، مستلزم تحمل مشکلات است.

قد نعلم إنه ليحزنك الذی يقولون . .. لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا ... حتی أتهم نصر

آثار تحمل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۱ – ۴۸

۴ – توبه و رويكرد به دين و تحمل سختی های

آن ، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . .. قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون . إنّا نطمع أ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران پس از ایمان به خدا و پذیرش شکنجه های فرعون، نسبت به غفران و آمرزش الهی اظهار امیدواری کردند.

۸ - تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

قالوا لاضیر . .. إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند; بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

آثار ذکر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۳

۳ به یاد داشتن برهه های دشوار زندگی، مانع غفلت از یاد خدا

فلما نسوا ما ذکروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۴

۴ یادآوری دوران سختی ، دارای نقش سازنده در تربیت انسان

و اذکروا إذ أنتم

آثار رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۳

۳ انسان ، پس از گذر از محنت ها و دستیابی به موهبت های دنیوی ، به شادمانی بسیار ، تکبر و فخرفروشی مبتلا خواهد شد .

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

جمله <إنه لفرح فخور> جمله مستأنفه است و بیانگر بازتاب معنایی است که از <لیقولنّ . ..> استفاده

می شود; یعنی ، انسان می پنـدارد که مشـکلات بر او روی نخواهـد آورد; در نتیجه بی انـدازه شادمان می شود و فخرفروشـی می کند.

آثار سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۹،۱۷

۹ شدّت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان ، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند .

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه>، دلالـت بر تردیـد آنان نسبت به یاری خـدا نـدارد; بلکه شـدت مصائب و تـداوم آن موجب شـد که خواهان تعجیل آن باشند; و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

۱۷ نقش سختی ها و مصائب ، در ساخته شدن و رُشد انسانها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم

ورود به بهشت، کمال است و سختیها، در رسیدن به آن نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۸،۳۹،۴۰

۳۸ حوادث ایّام جنگ ، سـختی ها و مصـیبت های در راه خـدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیّت و پالایش درون آنان از خواسته های دنیایی و مادّی

یظنّون باللّه غیر الحقّ . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم و لیمحّص ما فی قلوبکم

<لیمحّص> از مادّه تمحیص به معنای خالص سازی از عیبها و نقصـهاست و این جمله بیانگر هـدفی دیگر از اهداف شکسـت در نبرد احد است.

۳۹ پالایشِ درونی اهل ایمان و سازندگی آنان

، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

و لیمحّص ما فی قلوبکم

۴۰ خلوص و پاکیز گی درون ، در گرو حضور آدمی در هنگامه های دشوار

و لیمحّص ما فی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۱

۱۱ شکست ها و سختی ها ، زمینه ساز پراکند گی جامعه از پیرامون رهبران خود ، و مدارای ایشان با آنان از میان برنده آن زمینه هاست . *

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

با توجّه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، که شکست نبرد احد و مشکلات ناشی از آن را مطرح ساخت، می توان نتیجه گرفت که شکست و مشکلات آن نبرد، زمینه پراکند گی مسلمانان را از پیرامون رسول خدا (ص) فراهم ساخت و آنچه در این میان مانع از گسیختن مردم از پیرامون پیامبر (ص) شد، خُلق خوش و مدارای آن حضرت با مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۲

۲ هنگامه های دشوار (شکست ها ، رنج ها و مصیبت ها) ، ابزاری برای شناسایی جناح منافقان و سست ایمانان ، از مؤمنان واقعی و استوار

و ما اصابکم . .. و لیعلم الّذین نافقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۰

۲۰ دشواری عمل ، موجب ازدیاد ارزش و پاداش آن در پیشگاه خداوند

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

چنانچه <الذین استجابوا> مبتدا

باشد، جمله <من بعد ما اصابهم القرح>، که مستلزم دشواری حرکت برای جهاد است ، از شرایط وعده به اجر عظیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۴

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا . .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۶

۶ سختی امتثال پاره ای از احکام ، مانعی برای تشریع آن احکام

لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم . .. عفا اللّه عنها

چنانچه مراد از اشیاء مورد عفو، احکام الهی باشد مقصود از ناراحتی مکلفان دشواری انجام آنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۴،۵

۴ شداید و سختی ها زمینه ساز توجه آدمی به وابستگی عوامل طبیعی به اراده و مشیت خداوند است .

أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون

۵ بلا ها و سختی ها (شرور) زمینه ساز بازگشت انسان ها به خداوند و تضرع به درگاه اوست .

أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳،۴

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی،

به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۳،۴،۵

۳ گرفتاری ها و مصایب ، مایه بیداری و تجلی فطرت توحیدی انسان

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

۴ آدمیان ، به هنگام گرفتاری و رنج ، اهل دعا شده و در هر حالتی خدا را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً

۵ انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج فراگیر ، به ناتوانی خود و قدرت و یاری خداوند اذعان می کنند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۳،۱۴،۱۶،۱۷

۱۳ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من کل مکان . .. دعوا اللّه مخلصین له الدین

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من ال

۱۶ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا

أنهم أحيط بهم دعوا اللّه مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من ال

۱۷ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطا ها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا اللّه . .. لنكوننّ من الشكرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۴

۴ رنج و سختی ، نمی تواند مجوز ارتکاب گناه باشد .

رب السجن أحب إلىّ مما يدعوننى إليه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۸

۸- عمل همراه با سختی ، مرارت ، صبر و مقاومت ، دارای ارزش برتر

و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۷ – ۲

۲- تنگنا های زندگی و لحظه های خطرآفرین که هیچ امیدی به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد انسان

و إذا مسّكم الضرّ . .. ضلّ من تدعون إلاّ إيّاه

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی برای نجات و رهایی نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۶

۶- انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

تعبیر از گرفتار شدن

به شرّ و سختی به <مسّه الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۴ – ۱

۱- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه . .. هنالک الولیه للّه الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالک> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۶ – ۳

۳- گرفتاری ها و شداید ، عامل تنبّه و اعتراف انسان ها به حق

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۶

۱۶- گرفتاری ها و مشکلات ، زمینه ساز روی آوردن انسان به خداوند

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلّا أنت سبحنک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۳ – ۱،۳،۶،۸

۱ – مواجه شدن با سختی ها و ناملایمات ، موجب توجّه انسان ها به خدا و دعا به پیشگاه او است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم منیبین إلیه

<ضرّ> در لغت، به معنای <بدحالی روحی و یا بدنی> است (مفردات راغب).

۳ - توجّه و رویکرد به خدا ، به هنگام مواجه شدن

با سختی ها و دشواری ها ، دلیل سرشت توحیدی آدمیان است .

فطرت اللّه الّتی فطر الناس علیها . .. و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

۶ – سختی ها و ناملایمات ، بروزدهنده هویّت اصلی نهاد انسان است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

۸ – بطلان شرک و ناکارامدی عقیده به آن ، به هنگام مواجهه با سختی ها بروز می کند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

بنابراین که مراد از <الناس> مشرکان باشد، روی آوردن آنان به خداوند، برای نجات خویش از ناملایمات نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۱،۸،۱۳

۱ – انسان ها ، به هنگام برخورداری از اندک رحمتی ، شادمان ، به هنگام مواجهه با کمی ناگواری ، مأیوس و ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. یقنطون

<قنوط> در لغت، به معنای <یأس از خیر> است (مفردات راغب). <ذوق> به معنای <چشیدن و خوردن بسیار کم> استعمال می شود. کاربرد <أذقنا> به جای هر واژه دیگر، می تواند به منظور یاد شده باشد. لازم به ذکر است که تنوین <رحمه> و< سیّئه> تنکیر و برای قِلّت است.

۸ – ناکامی ها و برخورداری ها ، عواملی مؤثر در ایجاد روحیه امید و یأس درانسان ها است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه. .. إذا هم یقنطون

۱۳ – ناامید شدن از رحمت خدا ، به هنگام ابتلا به سختی ها ، به رغم مشاهده رحمت او ، امری غیر منتظره است .

و إذا أذقنا الناس رحمه .

.. و إن تصبهم سيّئه ... إذا هم يقنطون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۲،۴

۲ – شدید شدن مشکلات و گرفتاری ها ، زمینه بروز فطرت گرایش به خدا در انسان ها است .

و إذا غشیهم موج کالظّلل دعوا اللّه مخلصین

۴ – تنگنا ها و دشواری ها ، دارای نقشی سازنده در زندگی انسان دارند .

و إذا غشیهم موج کالظّلل دعوا اللّه مخلصین له الدین . ..فمنهم مقتصد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۱ – ۵

۵ – مؤمنان هم در سختی ها و شداید ، دچار تزلزل و اضطراب می شوند .

هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۶

۶ – دشواری ها و سختی ها ، شخصیت نهفته انسان را بروز می دهد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۳،۵،۱۹

۳ – گرفتاری ها و مصیبت ها ، مایه بیداری و تجلی فطرت توحیدی انسان

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه

۵ – انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منيبًا إليه

۱۹ – حالت < رفاه و خوشی > و < سختی و محرومیت > ، عرصه بروز و ظهور شخصیت و باطن انسان ها

و إذا مسّ

الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه ... و جعل للّه أنداداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۹ – ۴

۴ – سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها (شرور)

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۱ – ۵،۶،۷،۱۰

۵ – انسان به هنگام گرفتاری ، رو به سوی خدا می آورد و اصرار و التماس می کند .

و إذا مسّه الشرّ فذو دعاء عریض

۶ – انسان ، موجودی کم ظرفیت در ملایمات و ناملایمات

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض . .. و إذا مسّه الشرّ فذو دعاء عریض

۷ – کبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامی به هنگام مصیبت و بلا ، امری نکوهیده و ناپسند

و إذا أنعمنا . .. و إذا مسّه الشرّ

۱۰ – رفاه مندی و تنگنا های زندگی ، دو میدان برای بروز و ظهور خصلت های آدمی و آفات روحی او

و إذا أنعمنا . .. و إذا مسّه الشرّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۱۳

۱۳ – کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

از نکره آمدن <سیّئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۰

۹ - خداگرایی انسان ، به هنگام سختی ها و شداید و خداگریزی وی در شرایط رفاه و آسایش

و أخذنهم بالعذاب . .. ادع لنا ربّک ... إنّنا لمهتدون . فلمّا کشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۳

۳ - نگرانی ابراهیم (ع) و همراهانش ، از آسیب پذیری ایمانشان در کوران مشکلات *

ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا

در صورتی که <فتنه> به معنای <مفتوناً و معذّباً> باشد; از سیاق آیات استفاده می شود که نگرانی ابراهیم(ع) و همراهانش، در نهایت متوجه ثبات بر توحید و برائت از مشرکان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۹

۹ - خداوند ، برای مؤمنان پس از هر دشواری ، آسانی مقرر فرموده است .

سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

آثار سختی بر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۹

۹ تنگ شدن عرصه زندگی بر متخلفان جنگ تبوک ، زمینه التجای آنان به خداوند

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

آثار سختی تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۱۰

۱۰– آیات جهاد و تکالیف دشوار دین ، زمینه ساز شناسایی منافقان و سست ایمان ها

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد

- ۴۷ - ۲۱ - ۹

۹- لحظه عمل به تکالیف دشوار دین ، لحظه جدا شدن صف صادقان از مدعیان صداقت

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لكان خيرًا لهم

از آیه شریفه استفاده می شود که پس از قطعیت یافتن فرمان های الهی به تکالیف دشواری چون جهاد، صادقان راستین از مدعیان دروغین صداقت متمایز می شوند و بدین جهت خداوند فرموده است: <فلو صدقوا اللّه لكان خيراً لهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۷ - ۷

۷- ظهور مکنونات انسان ، در جریان تکالیف شاق

إن يسئلكموها . .. و يخرج أضغنكم

آثار سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۵

۵ جنگ های سخت و پرمشقت ، عرصه های جدا شدن مؤمنان راستین از غیر ایشان

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

آثار سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ شرایط سخت جهاد ، میدان امتحان و تمایز مراتب معنوی مؤمنان

اتبعوه فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمـای مشـقت آمیز و به دور از منـافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسـلمانان صـدر اسـلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۷

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود .

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار سختی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۷ – ۳

۳ – سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یومًا یجعل الولدن شیبًا

آثار سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۵ – ۱۳

۱۳ مشکلات و اضطرار ، زمینه امداد های ویژه غیبی برای مؤمنان صابر و تقواپیشه

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم

جمله <و یأتوکم من فورهم هذا>، می تواند اشاره به موارد اضطرار باشد و شرطی برای امداد خداوند به وسیله فرشتگانی که به نفع مسلمانان به پیکار برخیزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۱ – ۲

۲ عنایت خداوند به پاکیزه و خالص کردن اهل ایمان ، با قرار دادن ایشان در هنگامه های دشوار

و تلک الایّام نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

آثار صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

آثار نجات

از سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۵

۵ آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا . .. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۷ – ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۳ – ۱۱،۱۲

۱۱ – گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سختی ها ، ناسپاسی می کنند و شرک میورزند .

و إذا مسّ الناس ضرّ . .. ثمّ إذا أذاقهم ... إذا فریق منهم بربّهم یشرکون

۱۲ – برخی از مشرکان ، به رغم رویکرد به خدا ، به هنگام ابتلا به ناملایمات و سختی ها ، به محض احساس رهایی از آن و دست یابی به اندک آسایش ، شرک ربوبی پیدا می کنند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم بربّهم

تعبیر <أذاق> که به معنای <چشاند> است و معمولا، برای <خوردن کم> به کار می رود به جای <برخوردار کردن> و <عطا کردن> و امثال آنها و نیز تنوین تنکیر <رحمه> که دلالت بر قِلّت می کند، حکایت از دست

یابی به رفاه اندک دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۱۶

۱۶ – رهایی از گرفتاری و برخورداری از نعمت آسودگی ، زمینه شرکورزی و مؤثر دانستن غیر خدا در وضعیت خویش

إذا خوّله نعمه منه . .. و جعل للّه أندادًا

آداب برخورد با سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۶ – ۳،۶

۳ – صابران کسانی هستند که به هنگام مواجه شدن با مشکلات ، تسلیم قضای الهی بوده و همه شؤون خویش را از خدا دانسته و آن را ابراز می کنند .

و بشر الصبرین. الذین ... قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

۶ – استرجاع ، شعار مؤمنان صبور به هنگام مواجه شدن با مصیبت ها و سختیهاست .

و بشر الصبرین. الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

<استرجاع> گفتنِ < إنا للّه و إنا إلیه رجعون> است.

آرامش در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۰ – ۱۳

۱۳ آرامش روحی در سختی ها ، نعمتی الهی و رمز موفقیت و پیروزی است .

فقد نصره اللّه . .. فأنزل اللّه سکینته علیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۴

۱۴ - نزول اطمینان و آرامش بر قلب مؤمنان در بحران ها ، نمودی از حاکمیت خداوند بر قوای جهان

أنزل السکینه . .. و للّه جنود السموت و الأرض

بیان <للّه جنود. ..> در پی <أنزل السکینه> می تواند بیانگر این نکته

باشد که با وجود حاکمیت خداوند بر قوای جهان، اطمینان بخشیدن به قلب مؤمنان، امری سهل و آسان است.

ابتلا به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلاـ به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا . .. حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۶،۸

۶ - پندار مبتلا نشدن به سختی ، به صرف ایمان آوردن ، پنداری باطل است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

<فتن> به دو معنای <اختبار و آزمون> و <گرفتاری در شدت و سختی> آمده است (مفردات راغب). برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۸ - گرفتار شدن مؤمنان به سختی ها ، سنّتی الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳ - ۲،۴

۲ – مؤمنان پیشین (ادیان دیگر) نیز به رغم داشتن ایمان ، مبتلا به سختی ها و شداید شدند .

و لقد فتنّا الذین من قبلهم

<فتن> به معنای <اختبار و آزمون>

و نیز <شدت و سختی> آمده است (مفردات راغب) برداشت بالا، بنابر معنای دوم است.

۴ - ابتلای مؤمنان به سختی ها ، سنت الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. و لقد فتنّاالذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - برخی از مشرکان ، به رغم رویکرد به خدا ، به هنگام ابتلا به ناملایمات و سختی ها ، به محض احساس رهایی از آن و دست یابی به اندک آسایش ، شرک ربوبی پیدا می کنند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم بربّهم

تعبیر <أذاق> که به معنای <چشاند> است و معمولا، برای <خوردن کم> به کار می رود به جای <برخوردار کردن> و <عطا کردن> و امثال آنها و نیز تنوین تنکیر <رحمه> که دلالت بر قِلّت می کند، حکایت از دست یابی به رفاه اندک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۴

۱۴ - صبر بر مشکلات و داشتن روحیه ای امیدوار ، به هنگام مبتلا شدن به دشواری ها ، امری ارزشمند و پسندیده است .

و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

از مذمت شدن کسانی که با مبتلا شدن به ناگواری ها، ناامید می شوند، استفاده می شود که حفظ روحیه امیدواری، در چنین حالتی مطلوب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۷ - ۳،۷

۳ - هیچ قدرتی توان

ندارد از تصمیم خداوند درباره گرفتار کردن کسی به بدی و رنج ، جلوگیری کند .

من یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا

۷ - در صورت گرفتار شدن انسان به بدی و رنج که سر منشأ آن خداوند است هیچ کمکی وجود ندارد تا او را از آن وضعیت نجات دهد .

من ذا الذی یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا. .. و لایجدون لهم من دون اللّه ولیّ

اجتناب از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۴،۵

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

۵ نعمت شمردن دوری از مصائب و مشکلات جنگ ، بینشی ناپسند

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

احساس مصونیت از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۲

۲ احساس مصونیت از ابتلا به سختی ها ومحنتها ، از حالت های انسان به هنگام رفاه و آسایش

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته لیقولنّ ذهب السیئات عنّی

<لئن أذقناه . ..> دلالت بر برطرف شدن سختیها دارد. از این رو جمله <ذهب السیئات عنّی> (رنجها از من دور شد) که انسان به خاطر گفتن و اعتقاد به آن مذمت شده است مفهومی دیگر دارد و آن پندار عدم ابتلای دوباره به رنجها و ناملایمات است.

اراده قوی در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۴

لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – صبر و شکیبایی بر مشکلات ، امری اساسی و نیازمند اراده ای محکم است .

و اصبر علی ما أصابک إنّ ذلک من عزم الأُمور

<عَزْم> در لغت به معنای <تصمیم قطعی قلب بر انجام دادن کار> است. (مفردات راغب) چنین معنایی، حکایت از اراده محکم می کند.

ارتداد هنگام سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۱ – ۹

۹ – پایبندی به دین به خاطر سود مادی و ر ها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی دنیا و آخرت

و إن أصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الأخره

ارزش امیدواری در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۱۴

۱۴ – صبر بر مشکلات و داشتن روحیه ای امیدوار ، به هنگام مبتلا شدن به دشواری ها ، امری ارزشمند و پسندیده است .

و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

از مذمت شدن کسانی که با مبتلا شدن به ناگواری ها، ناامید می شوند، استفاده می شود که حفظ روحیه امیدواری، در چنین حالتی مطلوب است.

ارزش تحمل سختی در راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۲

۱۲ ارزشمندی تحمل رنج و سختی ، منوط به در راه خدا بودن آن است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه

ارزش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۸

۸ – تحمل دشواری ها در راه دین ، محفوظ در نزد خدا و مایه ارجمندی

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اگر رنج ها تأثیری در سرنوشت انسان و تقرّب وی به خدا نداشت، خود زیانی انکارناپذیر بود.

استعاذه در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۳ – ۵

۵ – ربوبیّت خداوند ، متقضی پناه جستن به او در خطرات و سختی ها است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

استغاثه در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۹ – ۷

۷ استغاثه به درگاه الهی برای رهایی از تنگنا ها و مشکلات ، رهنمود و توصیه خداوند به انسانها

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

یادآوری استغاثه مجاهدان بدر و تصریح به اجابت آن می تواند برای توصیه این نکته باشد که ای انسانها در تنگناها و بحرانهای زندگی رو به خدا آورید و از او یاری طلبید تا شما را رهایی بخشد.

استقامت در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۵،۲۱

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۲۱ مقاومت در برابر مصائب و مشکلات ، زمینه برخورداری از نصرت الهی

ام حسبتم ان تدخلوا . ..

متی نصر اللّه الا انّ نصر اللّه قریب

انبیا و مؤمنان پس از تحمّل مشکلات، منتظر نصرت الهی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۰

۱۰ آرامش خاطر ، موجب استقامت آدمی در مشکلات و درگیریها

ان یاتیکم التّابوت فیه سکینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۳

۳ دستیابی به صراط مستقیم ، در سایه جانبازی ، هجرت ، فداکاری و تحمل مشکلات در راه خدا *

و لو انّا کتبنا . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون به> همان هجرت و جهاد باشد که در آیه ۶۶ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۶

۶ ضرورت آماده سازی مجاهدان برای تحمل رنج ها و خسارت های ناشی از نبرد با دشمنان

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من اللّه ما لایرجون

هدف از بیان امتیازات نیروهای مجاهد (ترجون من اللّه) و نیز تبیین رنجهای دشمنان به هنگامه نبرد، این است که اهل ایمان را برای نبرد آماده سازد و به آنان روحیه رویارویی با دشمنان را القا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۲

۲ مؤمنان وظیفه دار استعانت از خدا و پیشه سازی صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه ایمان

استعینوا باللّه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

- ۱۱ - ۵

۵- حاملان رسالت الهی ، برای انجام رسالت خویش لازم است مشکلات و ناملایمات آن را تحمل کنند .

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

از اینکه خداوند، به جای پاسخ گویی مستقیم به برخوردهای مشرکان، به نوع برخورد مردم با پیامبران گذشته می پردازد، احتمالاً به این خاطر است که گوشزد کند که رسالت مداری دارای چنین مشکلاتی است و باید آن را تحمل کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۸

۸ - اطمینان و تزلزل ناپذیری در بحران ها ، از صفات ضروری رهبر جامعه ایمانی

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون . قال کلاّإنّ معی ربّی سیهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۴

۴ - ذکر و یاد مستمر خداوند ، نیروآفرین و مقاومت بخش در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر$ . .. و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

. .. و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

استقامت در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۵

۵ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، از ویژگی های لازم برای رهبران الهی

ألم نشرح لک صدرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۴

۴ - سختی ها ، هرگز نباید رهبران الهی را از توجّه به سهولت ها و امکانات موجود و دلگرم بودن به آنها باز دارد . *

فإنّ مع العسر یسرًا

کلمه <مع>، دلالت دارد که وجود <یسر عظیم>

هم زمان با وجود <عسر> است; نه بعد از آن. و مراد از آن می تواند هم زمانی <عسر> با مقدّمات <یسر> باشد. و ممکن است در صدد بیان این حقیقت خارجی باشد که: هر گاه مشکلاتی پدیدار شد، توجّه به آن ذهن شما را به خود مشغول نسازد; بلکه به سهولت ها و امکانات فراوانی که در کنار آن، برای شما وجود دارد نیز توجّه داشته باشید. برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۷

۷ ضرورت استقامت مؤمنان در جهاد و هنگامه شدائد و سختیها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

استمداد در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۴

۱۴ دعا به درگاه خداوند و درخواست یاری از وی به هنگام مواجه شدن با مشکلات راه ایمان ، از خصلت های مؤمنان راستین است .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

اطاعت در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۷

۱۷ اهمیّت و ارزش اطاعت از فرامین الهی به هنگام گرفتاری در شدائد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۵

۵ لزوم اطاعت و پیروی از رهنمود های پیامبر (ص) و عمل بر طبق موازین شرع ، در سخت ترین شرایط

لقد تاب

اللّه علی النبی . .. اتبعوه فی ساعه العسره

اقسام سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۳ – ۱۵

۱۵ بلا ها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

رسول خدا(ص) درباره < من یعمل سوءاً یجز به> در آیه فوق فرمود: اما تبتلون فی اموالکم و انفسکم و ذراریکم؟ قالوا: بلی قال: هذا مما . .. یمحو به السیئات.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۶.

التجا در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۶

۶ – ربوبیت الهی ، پناهگاه مردان خدا در تنگناها

ربّ نجّنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۱ – ۵

۵ – انسان به هنگام گرفتاری ، رو به سوی خدا می آورد و اصرار و التماس می کند .

و إذا مسّه الشرّ فذو دعاء عریض

امتحان با سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۷،۱۸

۷ آزمایش مردم با مصائب و مشکلات ، از سنت های الهی برای کلیّه امّتها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء و ال

۱۸ نفی تبعیض میان امت های مؤمن ، در جریان سنّت آزمایش و امتحان و ابتلای به سختی ها و مصائب

ام حسبتم . ..

مثل الذین خلوا من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الّذین . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۷

۷ رنج ها و شکست های جامعه ایمانی ، وسیله آزمایشی برای معلوم نمودن صف مؤمنان استوار از غیر ایشان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن اللّه و لیعلم المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵ آزار های اهل کتاب و مشرکان نسبت به مسلمانان ، از مهمترین موارد آزمایش و امتحان مؤمنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم و لتسمعنّ من الّذین اوتوا الکتب من قبلکم و من الّذین

جمله <و لتسمعنّ . .. >، می تواند توضیح یکی از موارد امتحان مالی و جانی باشد ; چرا که تهمتها و سخنان ناروا، جانها را می گزد و تبلیغات سوء علیه انفاق می تواند موجب ازدیاد بخل

شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۱ – ۱۳،۱۴

۱۳ انسان با سختی ها و نعمت ها و تفضلات الهی ، مورد آزمایش خداوند قرار می گیرد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

۱۴ آزمون انسان ها با سختی ها ، برخاسته از مقام ربوبی خدا و در جهت رشد و تربیت آنان

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۱ – ۵

۵ – فقر و ناملایمات ، ابزار آزمون الهی

و إن أصابته فتنه انقلب علی وجهه

<فتنه> از <فَتْن> مشتق است و <فتن> به معنای ذوب کردن طلا و نقره به منظور سنجش ایار آن است. <فتنه> نیز به هر چیزی که ابزاری برای آزمون باشد، گفته می شود. بنابراین تسمیه ناملایمات، فقر و تنگدستی به <فتنه>، می تواند بیاگر مطلب فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۷ – ۴،۵،۷

۴ – مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طئرکم عند اللّه بل أنتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم. ..>; یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد; بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم

قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

۵ – مصیبت ها و مشکلات زندگی انسان ، وسیله ای برای آزمایش او

قالوا اطّیّرنا بک . .. بل أنتم قوم تفتنون

۷ – امکان مبتلا شدن مردم به سختی ها برای آزمایش آنان ، پس از روی کار آمدن رهبران الهی

قالوا اطّیّرنا بک . .. بل أنتم قوم تفتنون

با توجه به اشتقاق <تفتنون> از <فتنه> (به معنای آزمایش) از آیه استفاده می شود که پس از آمدن صالح(ع)، ثمودیان به مشکلات جدیدی مبتلا شدند و آن را ناشی از وجود صالح(ع) می شمردند، با این که آنها از ناحیه خدا و برای آزمایش آنان بود.

امداد در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۴ – ۲

۲– تنها ، خداوند ، قادر بر یاری رساندن در بحبوحه قطع همه اسباب ظاهری است .

هنالک الولیه للّه الحقّ

اهل لغت، تفاوتی را بین معنای <وِلایت> و <وَلایت> ذکر کرده اند و آن این که <وَلایت> به معنای نصرت است و <وِلایت> به معنای سرپرستی و تدبیر. گرچه برخی مفسران این تفاوت را انکار کرده اند، (ر.ک: المیزان) ولی با توجه به موارد مشابه در آیات دیگر و نیز آیه قبل که سخن از نصرت است، به نظر می رسد این معنا در این مورد، اقرب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۴ – ۲

۲ – مؤمنان ، نیازمند امداد الهی در بحران ها و سختی ها ، برای پایداری و استقامت

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

امیدواری در سختی

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ - به هنگام گرفتاری و مشکلات هر چند شدید و طاقت فرسا باشد نباید از رحمت الهی مأیوس شد .

إذ نادی ربّه . .. و وهبنا له أهله ... رحمه منّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۸

۸ ضرورت امید داشتن به رحمت خدا ، در پی بروز مشکلات و از دست رفتن امکانات

ثم نزعنها منه إنّه لیئوس کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۱

۱ - لزوم امید بستن به خداوند ، در دشواری ها ، تنگدستی ها و ناملایمات زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه فی الدنیا و الأخره فلیمدد بسبب إلی السماء

<من> در این آیه شرطیه و متضمن معنای <إن> است و ضمیر در <لن ینصره اللّه> به <من> بازمی گردد. از آیات پیشین (آیه ۱۱ ۱۴) دانسته شد که سود و زیان و کامیابی و ناکامی و بالاخره دنیا و آخرت افراد، تنها در دست خدا می باشد او است که به یکی عطا می کند و از دیگری بازمی ستاند. آیه یاد شده ادامه همان آیات است. در این آیه خداوند می فرماید: اگر فردی (کسی که از شدت گرفتاری سینه اش از خشم لبریز است) گمان کند که خدا در دنیا و آخرت دست کسی را نخواهد گرفت، این کس باید طنابی به آسمان بکشد و به آن جا صعود کند. آن گاه همه آسمان را بپیماید تا ببیند آیا کسی پیدا

می شود که گره از کار او بگشاید و خشم ناشی از محرومیتش را فرو نشاند؟ و یا این که این شخص ریسمانی به بالا بکشد و خود را حلق آویز کند و آن گاه بنگرد که آیا این ترفند و نیرنگش، آنچه را که موجب خشم او شده، از بین می برد؟ مقصود از این مطلب این است که: هر کس امیدش را از خدا قطع کند، باید از غیر خدا نیز مأیوس باشد؛ زیرا در همه هستی به جز او موجودی نیست که بی اذن او گره از کار کسی باز کند.

انبیا در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۲۰

۲۰ استفاده انبیا از راه های عادی و طبیعی ، در رویارویی با مشکلات

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

پیامبران همانند مردم به مقاومت و صبر در برابر مشکلات می پرداختند و دست به معجزه و کارهای خارق العاده نمی زدند.

انسان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۹،۱۱

۹ آدمی در شداید با خداوند یگانه پیمان می بندد که در صورت نجات سپاسگزار او باشد.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفیه لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ - انسان ، گرفتار

تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها و إن تصبهم سيّئه . ..فإنّ الإنسن كفور

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند; گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است; ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می کند.

انسان ها در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱،۴،۵

۱ نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت های سخت و جانکاه

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

<ضرّ> به معنای مطلق آسیب است، ولی در این جا با توجه به <ال> که به اصطلاح اهل ادب <ال> کمالیه است به معنای آسیب سخت و جانکاه می باشد.

۴ آدمیان ، به هنگام گرفتاری و رنج ، اهل دعا شده و در هر حالتی خدا را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً

۵ انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج فراگیر ، به ناتوانی خود و قدرت و یاری خداوند اذعان می کنند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۹

۹- انسان ها به هنگام گرفتار آمدن به گرداب حوادث مرگ آفرین ، هیچ کارساز و پشتیبانی جز خداوند برای نجات خویش نمی یابند .

ثمّ لاتجدوا لكم وكيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۹ – ۴،۵

۴ – انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

۵ – انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۹ – ۵

۵ – ضعف و ناتوانی آدمی در برخورد با مشکلات

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

از کاربرد واژه <مسّ> و آمدن صیغه مبالغه <یؤُس> و <قنوط> استفاده می شود که انسان با اندك گرفتاری، احساس ضعف و ناتوانی کرده و دچار یأس و ناامیدی می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۱ – ۵

۵ – انسان به هنگام گرفتاری ، رو به سوی خدا می آورد و اصرار و التماس می کند .

و إذا مسّه الشرّ فذو دعاء عریض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۰ – ۱،۲

۱ – انسان هنگام مبتلا شدن به شرّ و بدی ، بسیار بی صبر و ناشکیبا است .

إذا مسّه الشرّ جزوعًا

<جزع> ضد صبر است; یعنی، بی صبری و ناشکیبایی (العین و قاموس المحیط).

۲ - بی صبری و ناشکیبایی در برابر بدی ها و شرور ، از ویژگی های انسان است .

إذا مسّه الشرّ جزوعًا

انسان ها هنگام رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴

۵- انسان ها در برخورد با آسایش و رفع ناگواری ها ، یکسان نیستند .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم بربّهم یشرکون

انسان های مبتلا به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۲

۲ - انسان های گرفتار در سختی ها و تنگنا ها ، مرجع خود را ، خداوند می دانند و برای نجات خویش ، به او روی می آورند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم منیبین إلیه

<إنابه> مصدر <منیب> به معنای <رجوع مکرّر در مکرّر> است (مفردات راغب).

انسان هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۳

۳- انسان ها به محض احساس ضعف و دچار شدن به رنج و زحمت ، با تضرع و التماس به درگاه خداوند روی می آورند .

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون

<ضرّ> به معنای کسالت روحی و بدنی و کمبود اقتصادی است و <تجئرون> (از مصدر جؤار) به معنای زیادت در تضرع آمده است.

اولیاء الله و سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۲ - ۱،۲

۱ اولیای خدا ، کسانی هستند که حوادث ناگوار روزگار در دیدگاه آنان ، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند .

ألا إن أولياء اللّه لا خوف عليهم

<خوف> ; يعنى، انتظار وقوع امر ناخوشايندى را داشتن (مفردات راغب). برداشت فوق بر اين اساس است كه: چون زندگى در دنيا بيوقوع حوادث ناگوار خصوصاً براى بندگان مقرب خدا ممكن نيست، پس نفى خوف از آنان، قهراً

به این معناست که حوادث دنیوی در ذائقه آنان، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند.

۲ اولیای خدا ، کسانی هستند که هر آنچه حوادث روزگار از کفشان برباید ، غمی به دل راه نداده و غبار اندوه بر چهره شان نمی نشیند .

ألا إن أولياء اللّه . .. و لا هم يحزنون

اهمیت ذکر سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۲

۲ ضرورت به یاد داشتن برهه های دشوار زندگی

فأخذنهم بالبأساء و الضراء . .. فلما نسوا ما ذكروا به

مراد از <ما ذکروا>، به قرینه آیه قبل، همان سختیها و خسارتهایی است که برای متذکر شدن به مردم وارد می شود و لحن توبیخ گونه آیه بیانگر مطلب فوق است.

اهمیت رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۶ – ۳

۳ – آسانی هایِ مقارن سختی ها ، مهم تر و افزون تر از آنها است .

فإنّ مع العسر يسرًا . إنّ مع العسر يسرًا

معرفه آوردن <العسر>، نشانگر آن است که مراد، همان <العسر> در آیه قبل است و چون <یسراً> نکره است، مفادی مغایر با <یسراً> در آیه قبل دارد. بنابراین مفاد دو آیه این است که برای هر <عسر>، دو <آسانی مهم> وجود دارد. با توجّه به این که دوبار ذکر کردن یک کلمه در این موارد، بر تکثیر دلالت دارد؛ می توان فهمید که هر سختی، به همراه خود آسانی های فراوانی یکی پس از دیگری به ارمغان می آورد.

اهمیت صبر در سختی

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۵ – ۱۲

۱۲ – مؤمنانی که بر دشواری ها و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیاوردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إلّا الذین صبروا

اهمیت نجات از سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۲ – ۴

۴ جواز استمداد از کافران برای رهایی از مشکلات و تنگنا ها *

اذکرنی عند ربک

ظاهر این است که هم بنـد یوسف(ع) هنگام آزاد شدن از زندان موحد نشده و اظهار ایمان نکرده بود، و گرنه قرآن از آن یاد می کرد. بنابراین وی به هنگامی که یوسف(ع) از او تقاضا کرد ، کافر بود.

ایمان در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۱۱

۱۱ ارزش والای ثبات بر ایمان و پذیرش دعوت خدا و رسول (ص) ، پس از تحمّل شدائد و مشکلات

انّ اللّه لا يضيع اجر المؤمنين. الّذين استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم ا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۹

۹ آشكار شدن حقيقت ايمان

مؤمنان ، در شرایط سختی و دشواری

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۱

۱- بـا وجود روی آوردن متضـرعانه انسان ها به خداونـد در هنگام گرفتاری ، با برطرف شـدن مشـکلات ، گروهی از او روی گردان شده و شرک میورزند .

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون . ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منهم بربّهم ی

با سختی امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۳،۱۴

۱۳ - انسان در رهگذر سختی ها و نیز نعمت ها و تفضلات الهی ، مورد آزمایش خداوند است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

۱۴ - آزمون انسان ها با سختی ها و نیز نعمت ها و آسایش ها برخاسته از مقام ربوبی خدا و در جهت رشد و تربیت آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> - که به معنای مربی و مدیر است - استفاده می شود.

پاداش تحمل سختی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۴،۲۰،۱۱،۱۰

۱۰ تحمل هر سختی (تشنگی ، رنج ، گرسنگی و تعرض و ضربه زدن به دشمن) در راه خدا ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. فی سبیل اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

۱۱ تحمل کمترین دشواری در راه خدا ، دارای پاداشی نزد او

ذلک بأنهم

لا یصیبهم ظمأ و . .. فی سبیل اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

از تنکیر <ظمأ>، <نصب> و . .. تقلیل استفاده می شود.

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. و لا ینالون من عدو نیلا إلا کتب لهم به عمل صلح إن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ینالون من عدو نیلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پاداش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. أُولئک أصحب الجنّه ... و وصّینا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است; پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان

بهره مند ساخته است.

پاداش صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . من صبر کرهاً . . . نصیبه ما قال اللّه عز و جل : < و بشر الصابرین > ای بالجنه و المغفره . . . ;

. .. کسی که در مشکلات صبر کند پاداش وی همان بهشت و مغفرت الهی است که در سخن خدای عز و جل <و بشر الصابرین> به آن بشارت داده شده است ... >.

تحلیل نادرست سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶،۷،۸،۱۱

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلاـ به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا . .. حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۱۱ انکار رسالت انبیا با توجیه پیدایش سختی های بیدارکننده به

عواملی بی هدف ، موجب گرفتار شدن به عذاب الهی است .

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء فأخذنهم بغته

تحمل سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر والصلوه . .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه

تحمل سختی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۵،۲۲

۱۵ دفاع از جان پیامبر (ص) و تحمل سختی در راه اطاعت از آن حضرت ، حرکت در راه خدا و عمل صالح است .

و لا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و . .. فی سبیل اللّه ... إلا

۲۲ جان فشانی و تحمل هر گونه سختی (تشنگی ، گرسنگی و حرارت های جبهه جنگ) در راه خدا ، از نشانه ها و اوصاف محسنان است .

لا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ . .. فی سبیل اللّه ... إن اللّ

تحمل سختی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۲

۲۲ جان فشانی و تحمل هر گونه سختی (تشنگی ، گرسنگی و حرارت های جبهه جنگ) در راه خدا ، از نشانه ها و اوصاف محسنان است .

لا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلك

بأنهم لا يصيبهم ظمأ . .. فی سبيل اللّه ... إن اللّ

ترس از سختی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۱۴

۱۴ مصلحت انديشی و ترس از پيشامد های ناگوار ، بهانه بيماردلان برای دوستی با يهود و نصارا

يقولون نخشی ان تصيبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخيدن) است ; که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ; چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهايی نظير قحطی، خشکسالی و ديگر حوادث تلخ می شود.

تسبيح خدا در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۹

۹ – انسان در شرايط سخت ، برای کسب تحمل بيشتر ، به تسبيح و ياد خدا نيازمند است .

فاصبر علی ما يقولون و سبّح بحمد ربّک

توصيه به تسبيح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبيح در توانمند شدن بر صبر است.

تسهيل سختی برای محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۵

۵ – خداوند ، پيامبر (ص) را به تداوم همراه بودن سختی ها با آسانی ها ، مطمئن ساخت .

فإنّ مع العسر يسرًا

آيه شريفه با بيان قانون کلّی <همراه بودن سختی ها با آسانی ها> پس از ذکر نمونه هايی از آن در زندگی پيامبر(ص) آن حضرت را به کلی بودن و استمرار اين وضعيت، نويد می دهد.

تسهیل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۳

۳ – مشکلات و

سختی ها ، زوال پذیراند و به سرعت تبدیل به آسانی خواهند شد .

فإنّ مع العسر یسرًا

مفاد این آیه را می توان نظیر آیه <سیجعل اللّه بعد عسر یسراً> (طلاق، آیه ۷) دانست; زیرا از دو عنوان <عسر> و <یسر> که نقیض یکدیگراند همواره تنها یکی صادق است; بنابراین تحقّق هر دو در یک موضوع، نمی تواند مراد باشد; بلکه یا نزدیک بودن <یسر> و ظهور مقدّمات آن مراد است و یا به وجود اموری آسان در کنار کارهای سخت نظر دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

تضرع در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۴

۴ گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء و الضراء . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه <سنستدرجهم من حیث لا یعلمون> (اعراف / ۱۸۲). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا علیهم) تا آن زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۴

۴ سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا . .. تضرعوا و لکن قست قلوبهم ... فقطع دابر القوم الذین ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال

آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان <ظالمان> یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۳

۳- انسان ها به محض احساس ضعف و دچار شدن به رنج و زحمت ، با تضرع و التماس به درگاه خداوند روی می آورند .

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون

<ضرّ> به معنای کسالت روحی و بدنی و کمبود اقتصادی است و <تجئرون> (از مصدر جؤار) به معنای زیادت در تضرع آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۳،۷

۳- دعا و تضرع انسان های گرفتار در وضعیت های ناگوار ، مورد اجابت خداوند قرار می گیرد . *

إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون . ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم

احتمال دارد رفع ناگواری از گرفتارانی که ملتمسانه به درگاه خداوند دعا می کنند، ناشی از دعای آنان باشد.

۷- نجات یافتگانِ از ناگواری ها که به شرک روی می آورند با وجود التماس به درگاه خداوند به هنگام گرفتاری توحید ربوبی را قبول نداشته و عوامل دیگری را در نجات خود دخیل می دانند .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم بربّهم یشرکون

<بربّهم> متعلق به فعل <یشرکون> است. ذکر <ربّ> به جای مطلق آوردن کلام و یا ذکر سایر موارد توحید، حکایت از شرک ربوبی آنان می کند و خود همین می تواند قرینه باشد که روی آوردن به شرک ربوبی، احتمال دارد ناشی از

عقیده به تأثیر عوامل دیگر باشد.

توحید در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - رویکرد به خداوند و اجتناب از شرک ، در وضعیّت آسایش ، مانند وضعیت سختی و ناگواری امری بایسته و لازم است .

و إذا مسّ الناس ضرّ . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشرکون

از آن جایی که آیه، درصدد سرزنش کسانی است که به هنگام مواجهه با سختی ها، به خداوند روی می آورند، اما همین که از آن می رهند، شرک میورزند، نکته یاد شده به دست می آید.

توکل در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۰ - ۳

۳ - شنوایی و علم گسترده و بی همتای الهی ، مقتضی توکل کردن بر او در تنگناها

و توکّل علی العزیز الرحیم . .. إنّه هو السمیع العلیم

<إنّه هو السمیع. ..> می تواند تعلیل برای امر به توکل باشد; یعنی، بر او توکل کن; زیرا او شنوای راز و نیازهای شما و دانا به چگونگی برداشتن تنگناها است.

جنیان سلیمان(ع) و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

حفظ مسلمانان مدینه از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، مسلمانان را از سختی جنگی که احزاب متّحد درصدد ایجاد آن بودند نگه داشت .

و

کفی اللّه المؤمنین القتال

<کفی> در آیه متعدی به دو مفعول و به معنای <حسب> است; یعنی: <خداوند کفایت کرد مؤمنان را در جنگ>. با توجه به آیه نُه همین سوره، مراد از <کفایت خدا برای جنگ مؤمنان>، فرستادن طوفان و سپاهیان نامریی برای درهم کوبیدن سپاه دشمن است.

خدا شناسی در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ طوفانی شدن دریا و احساس خطر غرق شدن کشتی ، از مقطعهایی که انسان به خدا و نیایش خالصانه به درگاه او روی می آورد .

و جاءهم الموج من کل مکان و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه مخلصین له الدین

خدا و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۶

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود; طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

خطر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۱

۱۱ - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما كان يدعوا إليه من قبل

درخواست تسهيل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۶

۱ -

۱ - موسی (ع) خواهان توفیق و هموار شدن او در راه انجام رسالت خویش بود .

و یسّر لی أمری

درخواست نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۳

۳- ایوب (ع) با صدای بلند و رسا ، برای خود دعا کرد و از خداوند خواستار نجات و بهبود خود از انواع ناگواری ها ، ناراحتی های جسمانی و فقر شد .

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب).

دعا در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱،۴،۱۰

۱ - نیایش خالصانه انسان با خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه

<ضرّ> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

۴ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیبًا إلیه

<إنابه> (مصدر <منیباً>) به معنای رجوع است و <منیباً إلیه>; یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

۱۰ - انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و تنها به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱،۴،۵

۱ - نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام

گرفتاری ها و مصیبت ها

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

<ضرّ> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

۴ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

۵ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱،۶

۱ نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت های سخت و جانکاه

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

<ضرّ> به معنای مطلق آسیب است، ولی در این جا با توجه به <ال> که به اصطلاح اهل ادب <ال> کمالیه است به معنای آسیب سخت و جانکاه می باشد.

۶ نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصایب ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

روی سخن در این سوره با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلیلهای روشن توحید ربوبی و پوچی اندیشه شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۳

۳- دعا و تضرع انسان های گرفتار در وضعیت های ناگوار ، مورد اجابت خداوند قرار می گیرد . *

إذا مسّكم الضرّ فإليه تجئرون . ثمّ إذا كشف الضرّ عنكم

احتمال دارد رفع ناگواری از گرفتارانی که ملتمسانه به درگاه خداوند دعا می کنند، ناشی

از دعای آنان باشد.

دعا در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۴

۴ - دعا به درگاه پروردگار ، نقطه امید پیامبران در اوج مشکلات

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

دعا هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۴۸

۴- شایسته بودن روی آوری انسان به درگاه پروردگار ، به هنگام رنج و گرفتاری

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

۸- ربوبیت الهی ، مقتضی روی آوری انسان به درگاه او به هنگام رنج و نیاز

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

ذاکران خدا در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ کسانی که در گرفتاری ها به یاد خدا بوده و در رفاه و آسایش از او غافل می شوند ، مردمی مسرف هستند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما کشفنا عنه ضرّه ... لم یدعنا ... کذلک زیّن

ذکر خدا در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۴

۴ توجه دادن مردم به امدادهای خداوند در دشواریها و تنگناهای هولناک زندگی، روشی در تبلیغ و دعوت به توحید

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیه

<قل> فرمانی است به پیامبر(ص) برای بیان مضمون آیه از این دستور چنین بر می آید که این سبک احتجاج باید به عنوان محوری در تبلیغ مورد توجه قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۴

۴ لزوم روی آوردن به درگاه خدا در سختی و آسایش

ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما کشفنا عنه ضرّه مرّ کأن لم یدعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۸

۸- توجه انسان ها به خداوند ، به هنگام دچار شدن به مشکلات ، از دلایل وجود خداوند

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون

اگر چه در آیات قبل از شریک قرار دادن برای خداوند نهی شده بود و در آیه بعد نیز از شرک انسانهای رهیده از مشکلات سخن به میان آمده است و سیاق این آیات در زمینه توحید است; اما با همه این اوصاف، به دلالت اقتضایی می توان استفاده کرد که: وجود خداوند از این طریق نیز قابل اثبات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت ، برای کسب تحمل بیشتر ، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است .

فاصبر علی ما یقولون و سبّح بحمد ربّک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۱۵

۱۵ – رویکرد به خدا

در بلا ها و اعراض از او پس از نجات ، دغلکاری و ناسپاسی است .

فلمّا نجّیهم إلی البرّ . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختّار کفور

ذکر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۸

۸ ضرورت توجّه به آگاهی گسترده خداوند ، در بحرانیترین هنگامه ها

و قاتلوا فی سبیل اللّه و اعلموا انّ اللّه سمیع علیم

ظاهر این است که ضرورت توجه به علم الهی در آیه، همراه با جهاد مطرح باشد: <قاتلوا . .. و اعلموا>. یعنی آنگاه که به نبرد مشغولید، متوجه باشید که خداوند، <سمیع> و <علیم> است.

ذکر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۵

۵ استدراج نتیجه فراموش کردن خداوند، پس از توجه به او در سختیها و شداید

أغیر اللّه تدعون . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

ذکر سختی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۵

۵ - توجه به همراه بودن زندگانی با سختی ها ، مایه پی بردن انسان به ضعف خویش در برابر خداوند

فی کبد . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۱،۲،۷

۱ – سختی ها ، همواره با آسانی هایی شگفت همراه است .

فإنّ مع العسر يسرًا

<العسر>، اسم جنس معرفه بوده و بر هر نوع سختی قابل تطبیق است. <یسراً> اسم جنس نکره

است و بر تفخیم و شگفتی دلالت دارد.

۲ - شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر (ص) و بلندآوازگی آن حضرت ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

ألم نشرح . .. و وضعنا... و رفعنا... فإنّ مع العسر یسرًا

جمله <فإنّ. ..> بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن <عسر> با <یسر> است. حرف <فاء>، بیان قانون را بر کاشف آن، تفریع کرده است; یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت; زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.

۷ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی اند .

فإنّ مع العسر یسرًا

مراد از <معیّت>، ممکن است سبب بودن <عسر> برای پیدایش <یسر> باشد. این نکته را نیز می تواند برساند که هر سختی در درون خود، سازندگی هایی دارد و تجربه هایی پدید می آورد که با توجّه به آنها، نباید از مواجه شدن با سختی ها هراسی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۱

۱ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی ها است .

انّ مع العسر یسرًا

راه تسهیل سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۰

۱۰ آرامش خاطر ، موجب استقامت آدمی در مشکلات و درگیریها

ان یاتیکم التّابوت فیه سکینه

راههای تسهیل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۵

۱۵ توکّل و اتکا به خداوندِ حامی مؤمنان ، عامل تقویت کننده بنیه

روحی آنان در شرایط دشوار

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّه ولیّهما و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جمله <و علی اللّه . .. > پس از جمله <اذ همّت ... ان تفشلا>، رهنمودی به عامل از بین برنده سستی در هنگامه های دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۳

۳ ایمانِ آدمی تبدیل کننده رنج ها و شکست ها به عوامل سازنده و خالص کننده

و تلک الایّام نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

مؤمنین به خاطر ایمانشان در هنگامه های فشار، به جای خردشدن، از آن عوامل برای رشد و ساخته شدن و خلوص خود کمک می گیرند.

رفاه پس از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶۸

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلاـ به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا . .. حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۹

۹- بهرهوری انسان از مواهب الهی و رفع سختی های او ، مطلوب خداوند است .

و الأنعم خلقها لکم . ..لکم فیها دفءٌ و منفع ...

و تحمل أثقالكم ... إن ربّكم لر

رفع سختی از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۳۱،۳۴

۳۱ - اختصاص احکام ویژه ای برای ازدواج پیامبر (ص) ، به منظور رفع مشقت و حرج از آن حضرت است .

إنّا أحللنا لك أزوجك . .. و ما ملكت يمينك ... لكيلا يكون عليك حرج

۳۴ - تشریع احکامی اختصاصی برای پیامبر (ص) به منظور رفع حرج از آن حضرت ، برخاسته از آمرزندگی و رحمت خداوند است .

لكيلا يكون عليك حرج و كان اللّه غفورًا رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۴

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است .

لكيلا يكون عليك حرج . .. ترجی من تشاء منهنّ

رفع سختی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۳

۳ - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لايمسّنا فيها نصب و لايمسّنا فيها لغوب

<نصب> به معنای تعب و رنج و <لغوب> به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

روش برخورد با سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۸ – ۵

۵- در تنگنا ها و زمینه های سقوط

در ورطه خلاف عفت ، باید به خداوند پناه برد .

قالت إنّی أعوذ بالرحمن منک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ - لازم است که مؤمنان ، برای مواجهه با سختی های راه ایمان ، همواره آماده باشند .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. و لقد فتنّا الذین من قبلهم

روش تسهیل سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۳،۹

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، طریق های موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات

و استعینوا بالصبر و الصلوه

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۳

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، دو طریق کارساز برای موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات راه ایمان

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر والصلوه .

.. و لاتقولوا لمن يقتل فی سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۶،۷

۶ - پيشه ساختن صبر و برپايی نماز ، دو وسيله كارساز برای تحمل ترس ها ، گرسنگی ها ، زيان های مالی و جانی و كمبود های به وجود آمده برای سالكان راه ايمان

يأيها الذين ءامنوا استعينوا بالصبر والصلوه . .. و لنبلونكم بشیء من الخوف ... و ا

۷ - ارائه راه هدايت به همراه بيان مشكلات آن و نيز ارائه طريق موفقيت بر آنها ، از روش های قرآن است .

يأيها الذين ءامنوا . .. لنبلونكم بشیء من الخوف ... و بشر الصبرين

خداوند در اين بخش از آيات علاوه بر ارائه راه هدايت - كه همان ايمان به رسالت و . .. می باشد - مشكلات سلوك در اين راه را نيز بر شمرده و برای فايق آمدن بر آنها، استعانت از نماز و صبر را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۴

۴ - باور به مالكيت خدا و بازگشت به او ، آسان كننده تحمل مصيبت ها و مشكلات

الذين إذا أصبتهم مصيبه قالوا إنا للّه و إنا إليه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۴

۱۴ - اهل ايمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نيز روی آوری مشكلات و ناهنجاری ها ، بايد صبور و پايدار باشند .

و الصبرين فی البأساء و الضراء

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۸،۱۰،۱۱،۲۰

۸ توجه به سختی ها و مصائب گذشتگان ، تسلّی بخش مؤمنان در تحمل مشکلات

ام حسبتم ان تدخلوا الجنه و لما یأتکم مثل الذین

۱۰ ایمان و امید پیامبران و مؤمنان به نصرت الهی و امداد های غیبی ، به هنگام مواجهه با مصائب و مشکلات جنگ

حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه> که سؤال از وقت یاری خداست، بیانگر این معناست که آنان به اصل یاری خدا به هنگام رویارویی با دشمنان، ایمان داشتند و به آن دل بسته بودند.

۱۱ خداوند ، تنها امید در گرفتاری ها و مشکلات

متی نصر اللّه الا انّ نصر اللّه قریب

۲۰ استفاده انبیا از راه های عادی و طبیعی ، در رویارویی با مشکلات

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

پیامبران همانند مردم به مقاومت و صبر در برابر مشکلات می پرداختند و دست به معجزه و کارهای خارق العاده نمی زدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۴ – ۳

۳ خواب از عوامل آرام بخش انسان های اندوهگین و حاضر در کوران مشکلات

ثمّ انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

بنابر اینکه <امنةً> مفعول له برای <نعاساً> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۷ – ۱۱

۱۱ ایمان به مقدّر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و اللّه یحیی و یمیت

. .. و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من اللّه و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: ۱ مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاصّ خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۱

۱۱ شکست ها و سختی ها ، زمینه ساز پراکندگی جامعه از پیرامون رهبران خود ، و مدارای ایشان با آنان از میان برنده آن زمینه هاست . *

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

با توجّه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، که شکست نبرد احد و مشکلات ناشی از آن را مطرح ساخت، می توان نتیجه گرفت که شکست و مشکلات آن نبرد، زمینه پراکندگی مسلمانان را از پیرامون رسول خدا (ص) فراهم ساخت و آنچه در این میان مانع از گسیختن مردم از پیرامون پیامبر (ص) شد، خُلق خوش و مدارای آن حضرت با مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص) ، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون . .. و لئن قتلتم فی سبیل اللّه ... لقد منّ

اللّه علی المؤمنی

با توجّه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناك شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچك شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۹،۱۰

۹ توکّل و اعتماد به خداوند ، موجب نهراسیدن از هجوم دشمن

فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

۱۰ لزوم توکّل به خداوند در مقابله با دشمنان مهاجم

و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

بر شمردن صفات پسندیده مجاهدان حقیقی و تمجید آنان از سوی خداوند، برای ترغیب دیگر مؤمنان به داشتن و تحصیل چنین حالات و صفات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۶

۶ توکّل همراه با عمل ، موجب تبدیل مشکلات سخت به نعمت و فضل الهی

و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل. فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم یمسسهم سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۹

۹ اطلاع و آگاهی از مشکلات آینده ، آسان کننده تحمل آن

و لتسمعنّ

من الّذين اوتوا الكتب من قبلكم و من الّذين اشركوا اذًى كثيراً

هـدف از آگـاه كردن مسـلمانان به آزار و اذيّت مخالفان پيش از وقوع آن، براى آماده سازى آنان است تا با برخورد ناگهانى تاب و تحمّل خويش را از دست ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۲

۲ پايبندى به مقررات الهى در ازدواج و روابط جنسى ، زمينه سبكبارى و دور ماندن جوامع از مشقت ها و رنجهاست .

يريد اللّه ان يخفّف عنكم

بيـان خواست الهى به سـبكبارى انسانهـا پس از تبيين احكـام و مقررات ازدواج، اشـاره به اين است كه دورى جوامع بشـرى از رنجها و مشقتها در گرو پيروى از آن احكام است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۲،۳

۲- توصـيه خداونـد به پيـامبر (ص) به اسـتمداد از يـاد پروردگـار و عبـادت و نمـاز در مشـكلات و ناراحتى هاى برخاسـته از رسالت خويش و مخالفت هاى دشمنان

و لقد نعلم أنک يضيق صدرک بما يقولون . فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدين

برداشت فوق از <فاء> در <فسبّح> كه براى تفريع اين جمله به آيه قبل است اسـتفاده گرديـده است; بدين معنا كه توصـيه خداونـد به تسبيـح و تحميـد. .. پس از اعلام آگاهى او از دلتنگى و انـدوه پيامبر(ص) بيانگر تأثير اين عبادات در رفع انـدوه و نگرانى است.

۳- رهبران الهى و زمامـداران جـامعه اسـلامى ، نيازمنـد به اسـتمداد از پروردگـار بـا ذكر و نماز و عبادت ، در برابر مشـكلات رسالت خويش

و لقد نعلم أنک يضيق

صدرک . .. فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳ – ۱۴

۱۴ – اطلاع یافتن از گرفتاری مؤمنان پیشین به سختی ها ، زمینه ساز تحمل سختی ها ، از سوی مؤمنان بعدی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. و لقد فتنّا الذین من قبلهم

یادآوری ابتلای مؤمنان دوران های پیشین به سختی ها، پس از اعلام باطل بودن پندار عدم گرفتاری مؤمنان به آنها، می تواند به منظور هموارسازی سختی های پیش آمده برای مؤمنان بعدی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳ – ۳

۳ – توکل بر خدا ، مشکلات را بر انسان هموار می کند و آدمی ، با توکل ، می تواند بر آنها پیروز شود .

و لاتطع الکفرین . .. و توکّل علی اللّه

سفارش به توکل، پس از نهی از اطاعت کافران و منافقان و توصیه به تبعیت از تعالیم وحی، می تواند به این منظور باشد که آن نهی و امر، مشکلاتی را در پی دارد که می توان آنها را با توکل برطرف کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۳ – ۸

۸ – تحمل پذیر شدن مشکلات ، در نتیجه توجه انسان به تاریخ و مشکلات دیگران

ما یقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل من قبلک

زمینه اطاعت در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۳

۲۳ ایمان و آگاهی

به پاداش الهی ، زمینه عدم تخلف از وظایف دشوار دینی

ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسنین

زمینه تحمل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۰ – ۲

۲ – ایجاد انگیزه و روحیه در مؤمنان ، برای تحمل مشکلات ، با تشویق های مادی

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها

زمینه تسهیل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۱۶

۱۶ نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز رهایی از مشکلات

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۱ – ۷

۷- آگاهی از رخداد های تاریخی ، هموار کننده مشکلات و سهولت بخش سختیها

و لقد أرسلنا من قبلک فی شیع الأولین . و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۶ - ۶

۶ - دعا برای آسان شدن امور زندگانی ، امری مطلوب است .

و یسّر لی أمری

مراد از <أمری> می تواند همه امور زندگانی باشد.

زمینه رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ -

۸- خداوند با آفرینش دام ها ، زمینه های آسایش و رفع مشقت های آدمیان را فراهم ساخته است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و تحمل أثقالکم ... إن ربّکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۳

۳ - نقش دعای خالصانه در حل مشکلات و رفع گرفتاری ها

أمّن یجیب المضطّر إذا دعاه و یکشف السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۷

۷ - نیایش به درگاه خداوند ، عامل جلب رحمت او و برطرف کننده گرفتاری ها است .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا

<تخویل> (مصدر <خول>) به معنای اعطا و بخشش است و مقصود از جمله <ثمّ إذا خوّلناه نعمه منّا> رفع گرفتاری و اعطای نعمت آسودگی است که پس از دعا و نیایش بندگان به درگاه الهی تحقق می پذیرد.

زمینه سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ جهل ، زمینه ساز روی آوری زیان ها و مشکلات در زندگانی آدمی است .

لو کنت أعلم الغیب . .. ما مسنی السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۸

۱۸ پیروی از پیامبر (ص) و حرکت در راه خدا ، به دنبال دارنده سختی ها و مرارتها

ما کان . .. أن یتخلفوا عن رسول اللّه ... ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا م

شمرده شدن سختیها و رنجها در آیه و

ترغیب مؤمنان به تحمل آنها، بیانگر این حقیقت است که حرکت در راه دین دربردارنده رنج و زحمت می باشد و ایمان واقعی، مستلزم تحمل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۰

۲۰- نقش خود انسان ، در ابتلا به کیفر الهی و مشکلات زندگی

إذ ذهب مغضبًا . .. سبحنك إنّی كنت من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۵

۵ - انسان من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو است .

إن أنت إلّا نذیر

از این که پیامبر(ص) به عنوان منذر و اخطارگر معرفی شده است، به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که پیامبر(ص) درباره آنها اخطار و هشدار می دهد و اگر انسان از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرد و به ایشان ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۳

۳ - انسان من های ایمان ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم

از این که خداوند قرآن را وسیله انذار

و اخطار قرار داده است، به دست می آیـد که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب های بسـیاری وجود دارد که پیامبر(ص) به آنان اخطار و انذار کرده است و اگر انسان از رهنمودهای قرآن بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۶

۶ - انسانِ من های تعالیم دین و پیامبراسلام ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

از انذار کردن رسول اکرم(ص) به دست می آید که بر سـر راه انسان ها، خطرها، آسـیب ها و دشواری های بسـیاری است که پیـامبر(ص) به آنـان انـذار و اخطـار می کنـد و اگر انسان از رهنمودهای اسـلام و پیامبر(ص) بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۳

۳ - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

قل إنّما أنا منذر

از این که خداونـد پیـامبر(ص) را منـذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۴

۴ - انسان ، من های

ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رو به رو خواهد شد .

إنّما أنا نذیر

از این که خداوند پیامبراسلام(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۷

۷ - تحمیل آرا و تمایلات سطحی مردم ، به رهبری الهی (پیامبر (ص)) ، مایه مشقت و زیان حتمی خود آنان

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۷

۷ - خطا ها و لغزش ها ، زمینه ابتلای مؤمنان به رنج ها و سلطه کافران است . *

ربّنا لاتجعلنا فتنه . .. و اغفرلنا

ارتباط <واغفر لنا> با <لاتجعلنا فتنه. ..>، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل <فتنه> (مفتون و معذّب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای <لاتجعلنا...>، طلب آمرزش شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختنِ آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلّف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنیسّره للیسری . .. فسنیسّره للعسری ... إنّ علینا للهدی

جمله <إنّ علینا للهدی>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است; یعنی،

چون هـدایت را بر خویش لازم شـمرده ایم، برای هر یـک از آن دو دسـته فرجـام مناسب برخوردشان با هـدایت را فراهم می سازیم.

زمینه صبر در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۵

۵ – آگاهی از سنت های الهی و فلسفه آن ، زمینه ساز صبر و تحمل بیشتر درسختی ها و نگرانی ها

و لولا کلمه . .. فاصبر علی ما یقولون

زمینه نجات از سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۹ – ۹

۹ – توکل بر خداوند ، رهاننده انسان از تنگنای توطئه های دشمنان

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون . .. فتوکّل علی اللّه

سیاق آیات، نشانگر ارتباط معنوی این آیه با <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۳ – ۹

۹ – دعا به پیشگاه خداوند ، زمینه نجات از ناملایمات و سختی ها است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه

اِعطای رحمت به بندگان گرفتار در ناملایمات، در پی دعای آنان برای نجات از آن وضعیّت، احتمال دارد به خاطر دعا و تأثیر آن باشد.

زمینه نجات از سختی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۲ – ۱۷

۱۷ – < عن ابن عباس قال : قال رسول اللّه (ص) فی قوله < و من یتّق اللّه یجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنیا و من غمرات الموت و من شدائد یوم القیامه ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من یتّق اللّه یجعل له مخرجاً> فرمود:[خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد>.

زوال پذیری سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۳

۳ – مشکلات و سختی ها ، زوال پذیراند و به سرعت تبدیل به آسانی خواهند شد .

فإنّ مع العسر یسرًا

مفاد این آیه را می توان نظیر آیه <سیجعل اللّه بعد عسر یسراً> (طلاق، آیه ۷) دانست; زیرا از دو عنوان <عسر> و <یسر> که نقیض یکدیگراند همواره تنها یکی صادق است; بنابراین تحقّق هر دو در یک موضوع، نمی تواند مراد باشد; بلکه یا نزدیک بودن <یسر> و ظهور مقدّمات آن مراد است و یا به وجود اموری آسان در کنار کارهای سخت نظر دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

سازندگی سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۷ – ۹

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . .. و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جمله <و ما کان قولهم . .. >،

می رسانـد که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشـمن، تنها به یاد خدا هسـتند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

سختی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

سختی اجتناب از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، تـوبه ، عفو کریمـانه ، پـذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنـگ گیری ، شـرک ، زنـا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، تـوبه ، عفو کریمـانه ، پـذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنـگ گیری ، شـرک ، زنـا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی اجتناب ازسخن باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی احتضار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۸

۸ – به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه هنگام مرگ

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که این دسته از آیات، مربوط به لحظات مرگ باشد; نه روز قیامت.

سختی احتضار منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۵ – ۱۲،۱۶

۱۲ جان کندن سخت منافقان ، به هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم

<زهوق> (مصدر تزهق) به معنای خارج شدن همراه با دشواری است. (مجمع البیان، ذیل آیه)

۱۶ جان کندن دشوار و حسرت بار

منافقان و کفر نهایی آنان ، پیامد کثرت مال و اولاد و نمودی از عذاب الهی

فلا تعجبک أمولهم . .. یرید اللّه لیعذبهم بها ... و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۱،۱۵

۱۱ جان کندن سخت منافقان به هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم

<زهوق> به معنای خارج شدن همراه با دشواری است.

۱۵ کثرت مال و اولاد منافقان نمودی از عذاب الهی و زمینه ساز جان کندن دشوار و حسرت بار آنان

أن یعذبهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

با توجه به اینکه <تزهق أنفسهم> می تواند عطف تفسیری برای <أن یعذبهم> باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

سختی اذیتهای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۷

۷- اذیت ، آزار و تجاوزات دشمنان دین ، بسیار شدید و تحمل آنها امری دشوار برای پیامبر (ص) بود .

و اصبر و ما صبرک إلاّ بالله

از اینکه خداوند فرموده است: صبر تو ای پیامبر! تنها به توفیق الهی است، مطلب فوق به دست می آید.

سختی استقامت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - استقامت و پایداری در مسیر دین ، امری دشوار و نیازمند به تأیید الهی است .

فاستمسک . .. إنّک علی صرط مستقیم

از لحن آیه شریفه که برای دلداری و تقویت روحیه پیامبر(ص) است، مطلب بالا برداشت می شود.

سختی استهزای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

- ۸۳ - ۳۴ - ۴

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

سختی استیذان خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۵

۱۵ - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

سختی استیذان کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک باآنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّافون علیکم. ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است; یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

سختی اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۶

توحید در عبادت و اطاعت خداوند ، امری دشوار و نیازمند صبر و تحمل است .

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سميًّا

<اصطبار>; یعنی، برای چیزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کارگیری صبر برای عبادت، گویای مشکلات و موانعی است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نیازمند بهره گرفتن از صبر است.

سختی افشاگری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۲۰

۲۰ بازگو شدن تخلف های دنیوی انسان در آخرت ، امری دشوار و ناخوشایند برای اوست .

فینبئکم بما کنتم تعملون

تهدید خداوند به این امر، نشان دهنده ناخشنودی انسان از آن است.

سختی اندازه گیری روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۶

۶ - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) میسّر و آسان نبود .

علم أن لن تحصوه

سختی اندازه گیری شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۶

۶ - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) میسّر و آسان نبود .

علم أن لن تحصوه

سختی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۴ – ۲،۳

۲ – انسان موجودی فرو رفته در سختی و رنج

لقد خلقنا الإنسن فی کبد

<کبد> به معنای مشقت است. (مفردات راغب)

۳ – خداوند ، با سوگند به شهر مکه

و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أُقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۶

۶ - آمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، نشان برخوردار نبودن او از برترین قدرت

الإنسن فی کبد . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

ارتباط این آیه با آیه قبل، گویای آن است که بیان دشواری های زندگانی انسان، برای اثبات مقهور بودن وی و بی پایه بودن خود برتربینی او است.

سختی بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۴،۵

۴ - دوران بارداری مادر ، دورانی سخت و مایه ضعف و ناتوانی برای وی است .

حملته أُمّه وهنًا علی وهن

<وهناً> مفعول برای فعل محذوف و در موضع حال است. لازم به ذکر است که <وَهْن > به معنای ضعف جسمانی است (مفردات راغب).

۵ - تحمل ناتوانی های روز افزون ، از سوی مادر ، در دوران بارداری ، در پی دارنده حقوقی بر گردن فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن

<وهناً علی وهن> دلالت بر افزایش ضعف و ناتوانی مادر در دوران بارداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۸،۱۲

۸- دشواری های دوران بارداری و زایمان ، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه

كرهًا و وضعته كرهًا

برداشت بالاـ با توجه به دو نكته زير است: الف) <كره> به معناى مشقت و دشوارى است. ب) تعبير <حملته اُمّه> در واقع، بيانگر فلسفه <وصّينا الإنسان...> است.

۱۲- احسان به مادر ، پاسخى بايسته به سى ماه رنج و تلاش وى در رشد و تربيت فرزند

و وصّينا الإنسن بولديه إحسنًا . .. و حمله و فصله ثلثون شهرًا

تذكر خداوند، به سى ماه رنج مادر به پاى فرزند، از مراحل نخستين تكوّن و شكل گيرى و رشد او در پى سفارش به احسان نسبت به والدين مطلب بالا را مى رساند.

سختى بدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۲

۲ - راه نيک و بد ، هر دو برجسته و آشكار و پيمودن هر يک ، داراى دشوارى هايى خاص است .

و هدينه النجدين

قرار داشتن راه خير و شر در ارتفاعات، كنايه از آشكار بودن آن براى همگان و نيز صعب العبور بودن آن است. دشوارى راه خير، ممكن است به لحاظ ويژگى هاى خود آن و دشوارى راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

سختى پيشگامى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۳

۳ - پيشتاز شدن در راه خداوند ، امرى سخت و دشوار است و در طول تاريخ تنها دسته اى اندک از عهده آن بر آمده اند .

و السبقون . .. ثلّه من الأوّلين

پيشتازان امت هاى پيشين، گرچه در مقايسه با پيشتازان بعد داراى تعداد زيادترى هستند; لكن تعداد آنان نسبت به مردم ديگر اندک است و اين

می رساند که رسیدن به مرتبه پیشتازی، بسی دشوار و سخت می باشد.

سختی تأمین نیاز های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۳

۳ - دشواری تأمین نیاز های اولیه انسان (غذا ، پوشاک ، آب و مسکن) در بیرون بهشت ، از هشدار های خداوند به آدم (ع)

فتشقی . إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری . و إنّک ... لاتضحی

<أنّک> عطف بر <ألاّتجوع> است و جمله <إنّ لک. ..> تفسیر برای <فتشقی> می باشد. نفی گرسنگی، برهنگی، آفتاب زدگی و تشنگی، به منظور اشاره به سختی هایی است که آدم(ع) در صورت اخراج از بهشت به آن گرفتار می شد.

سختی تبعید بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۹

۹ - شکست و تبعید یهود بنی نضیر ، امری دشوار و دور از انتظار برای مسلمانان

ما ظننتم أن یخرجوا

سختی تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۴

۴ - وظیفه تزکیه و پاکسازی دیگران از آلودگی های معنوی ، تکلیفی سنگین و نیازمند برخورداری از کمالاتی ویژه است .

و ما علیک ألاّ یزّکّی

نفی تکلیف از مخاطب، در مورد تزکیه کافرانی که در مجلس پیامبر(ص) حضور داشتند، بیانگر آن است که وی در مقامی نبود که این تکلیف از او ساخته باشد و خداوند، از چنین افرادی انجام دادن آن را نخواسته است.

سختی تبلیغ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷

- ۲ - ۴

۴ تبلیغ قرآن، مسؤولیتی سنگین و نیازمند تحمل فراوان و سعه صدر

کتب أنزل إلیک فلا یکن فی صدرک حرج منه

جمله <فلاـ یکن . ..>، که در صـدد پیشگیری از ملالـت خـاطر پیـامبر(ص) است، بیـانگر آن است که تبلیغ قرآن مشـکلات فراوانی به همراه خواهد داشت که جز با تحمل و سعه صدر نمی توان به آن پرداخت.

سختی تربیت فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۱۲

۱۲– احسان به مادر ، پاسخی بایسته به سی ماه رنج و تلاش وی در رشد و تربیت فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا . .. و حمله و فصله ثلثون شهرًا

تذکر خداوند، به سـی ماه رنج مادر به پای فرزند، از مراحل نخستین تکوّن و شـکل گیری و رشد او در پی سـفارش به احسان نسبت به والدین مطلب بالا را می رساند.

سختی ترک شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۳ – ۲۲

۲۲ – ترک شرک و پذیرش توحید ، امری گران و دشوار برای مشرکان

کبر علی المشرکین ما تدعوهم إلیه

سختی تعبیر رؤیای آشفته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۴ – ۵

۵ تعبیر خواب های چند رشته و درهم و برهم ، امری مشکل و درخور دانشی ویژه است .

و ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها ،

موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرّمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرّمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

سختی تواضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۶

۶- توحید در عبادت و اطاعت خداوند ، امری دشوار و نیازمند صبر و تحمل است .

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمیًّا

<اصطبار>; یعنی، برای چیزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کارگیری صبر برای عبادت، گویای مشکلات و موانعی

است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نیازمند بهره

گرفتن از صبر است.

سختی تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی جدایی از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۲۱

۲۱ - جدا شدن از پیامبر (ص) و دور شدن از همسایگی آن حضرت ، امری بس سخت و شدیدتر از هر ناگواری بود .

ثمّ لایجاورونک فیها إلّا قلیلاً

عطف <لایجاورون> با <ثمّ> که برای ترتیب است به این نکته اشاره دارد که پیامبر(ص) بر آنان چیره خواهد شد و آنان، پس از آن، این موقعیت را از دست خواهند داد. لازم به ذکر است که تعبیر به <لایجاورونک> به جای هر واژه دیگری که بیان کننده آوارگی باشد، نیز به برداشت بالا کمک می کند.

سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص) ، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون . .. و لئن قتلتم فی سبیل اللّه ... لقد منّ اللّه علی المؤمنی

با توجّه به

ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۴،۵

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

۵ نعمت شمردن دوری از مصائب و مشکلات جنگ ، بینشی ناپسند

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۴،۱۶

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا . .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

۱۶ دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکونوا تألمون . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <حکیماً>، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبتهای اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۲

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح .

.. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

سختی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۴

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سختی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۱ – ۴

۴ – محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند ، سخت و اندوه بار خواهد

بود .

حسابًا یسیرًا . .. مسرورًا ... فسوف یدعوا ثبورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

سختی حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است; هر چند هر دو هم زمان باشند.

سختی حسابرسی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

سختی حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و یخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

سختی حسابرسی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۸

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الذین لم یستجیبوا له . .. أُولئك

لهم سوء الحساب

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ; یعنی: <الحساب السوء>.

سختی حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی حمل کلیدهای گنج قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۵

۵ - حمل کلید صندوق های گنج قارون ، کاری دشوار بود حتی برای جماعتی نیرومند .

إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

سختی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین

) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۴

۴ - آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند; آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و <أءذا مِتنا و كنّا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون>، (آیه ۱۶ همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر

و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی در اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۳

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خداو حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

سختی در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

إذا مسّ الناس ضرّ . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... فتمتّعوا

سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۴

۴- سنخیت های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار ، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود .

ثمّ لننزعنّ . .. أیّهم أشدّ علی الرحمن عتیًّا

جداکردن پیشتازان و سردمداران استکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۱ – ۵

۵ – تقواپیشگان ، از هر بدی و رنجی در قیامت در امان خواهند بود .

الذین اتّقوا . .. لایمسّهم السوء

سختی ذبح اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷

- ۱۰۶ - ۳

۳ - تکلیف ابراهیم (ع) به ذبح فرزندش اسماعیل ، محنت و رنجی آشکار برای ایشان بود .

إنّ هذا لهو البلؤا المبین

یکی از معانی و کاربرهای <بلاء>، محنت و رنج است و برداشت یاد شده با توجه به همین معنا و کاربرد می باشد.

سختی ذبح فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ - ذبح شدن به دست پدر ، امری بس سخت و شایسته صبر و شکیبایی در نظر اسماعیل

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

سختی رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان کذّبوک . .. و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

از مصادیق مورد نظر برای <و انّما توفّون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

سختی رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۵

۵ پیامبر (ص) ، نیازمند به تقویت روحی و امداد الهی در انجام مسؤولیت خطیر پیامبری

كذلك لنثبّت به فؤادك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۱،۳

۱ - تحمّل سنگينى رسالت ، بدون امداد هاى الهى ، براى پيامبر (ص) سخت و كمرشكن بود .

الذى أنقض ظهرك

<نَقض>

(به فتح <نون>) نقطه مقابل ابرام (استحکام) و به معنای از هم گسستن بندهای ساختمان، یا ریسمان و یا گره ها است. از صدایی که هم زمان با از هم گسیختگی چیزی به وجود می آید، به <انتقاض> تعبیر می شود. [ازاین رو] به صدای مفصل ها <نقیض> می گویند (مفردات). <نِقض> (به کسر <نون>) به معنای شتری است که رنج سفر آن را لاغر کرده باشد (العین). جمله <الذی أنقض ظهرك>، یا به این معنا است که پشت تو را سنگین کرد تا آن را <لاغر> ساخت و یا این که آن را سنگین کرد، تا صدای شکستن و از هم گسستن آن به گوش رسید. (قاموس)

۳ - تلاش طاقت فرسای پیامبر (ص) ، در انجام دادن رسالت های الهی ، آن حضرت را بی رمق ساخته ، توان او را به تحلیل برده بود .

الذی أنقض ظهرك

سختی رسالت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۶ - ۲

۲ - موسی (ع) به دشواری های رسالت خویش و مشکلات ارشاد و هدایت فرعون آگاه بود .

و یسّر لی أمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۵

۵ - دشواری رسالت موسی ، در مبارزه با فرعون

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون

رسالت هارون به همراه موسی(ع)، می تواند بدان جهت باشد که بار مسؤولیت موسی در مبارزه با فرعون و اشراف پیرامون او، بسیار سنگین بود و برای سبک تر شدن آن، خداوند هارون را نیز به همراه او مبعوث کرد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۳ – ۶

۶ – یادآوری رسالت دشوار موسی (ع) تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر آزار مشرکان بود .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من لقائه

احتمال دارد مرجع ضمیر در <لقائه> آزار و اذیتی باشد که از فحوای کلام، به دلیل طرح رسالت موسی(ع)، برمی آید. در این صورت، آیه درصدد دلداری و تسلی دادن به پیامبر(ص) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۶ – ۹

۹ – رسالت موسی (ع) ، رسالتی دشوار و نیازمند آیات ، دلایل و تأیید های متعدد

بایتنا

سختی رسوایی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۷ – ۶

۶ – رسوایی و شرمساری در روز رستاخیز ، سخت ترین حالات روحی انسان در آن روز

و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که حضرت ابراهیم(ع) از میان انواع نگرانی ها و حالات ناخوشایند روحی در قیامت، تنها رسوایی و شرمساری را مطرح ساخت، می توان به مطلب یاد شده دست یافت.

سختی رسوم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۲ – ۷

۷ – خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رهانید .

و وضعنا عنك وزرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۵

۵ - آداب و رسوم عصر جاهلی برای پیامبر (ص) ، کوبنده ، آزاردهنده و کمرشکن بود

.

الذی أنقض ظهرک

در آیه قبل، برای <وزر>، مصادیقی احتمالی ذکر شد که از جمله آنها، آداب و رسوم دوران جاهلیت بود. این احتمالات، گرچه شاهدی قوی ندارد; ولی ممکن است هدف از مطلق آوردن کلمه <وزر>، تعمیم آن به تمام مصادیق احتمالی باشد.

سختی رنج های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۵

۵ - رنج کافران و منکران هدایت های الهی در آخرت ، سرآمد تمام رنج های دیگران در دنیا است .

الأشقی

<أشقی>، اسم تفضیل است و در این که مراد برتری شقاوت در مقایسه با چه کسی است; گفته های چندی ابراز شده است; از جمله این که <أشقی> تعبیری دیگر از <کافر> است. چه آن که تمام سختی های مردم در دنیا (از قبیل فقر و مرض و...) در برابر سختی و شقاوت حاصل از کفر، اندک است.

سختی زایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۸

۸- دشواری های دوران بارداری و زایمان ، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا

برداشت بالاـ با توجه به دو نکته زیر است: الف) <کره> به معنای مشقت و دشواری است. ب) تعبیر <حملته أُمّه> در واقع، بیانگر فلسفه <وصّینا الإنسان...> است.

سختی زنجیر عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۲ – ۲

۲ – به بند کشیده شدن با زنجیر های بلند ، عذابی سخت تر از آتش دوزخ

ثمّ الجحیم صلّوه . ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا

فاسلکوه

مطلب یاد شده از <ثمّ> در <ثمّ فی سلسله> که برای تراخی رتبی است استفاده می شود.

سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محشور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، ازجلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

سختی زندگی آدم(ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، زندگی آدم (ع) را در بیرون بهشت ، زندگی سخت و رنج آوری توصیف کرد و او را از ابتلای به آن برحذر داشت .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

<شقاوه> به معنای سختی و عسر است (قاموس). در آیات بعد، تلویحاً نمونه هایی از آن سختی ها، بازگو شده است.

سختی زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند

برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

سختی زندگی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنکًا و نحشر یوم القیمه أعمی . .. و کذلک نجزی من أسرف

اسراف; یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلک> در <کذلک> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

سختی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۸

۱۸ پیروی از پیامبر (ص) و حرکت در راه خدا ، به دنبال دارنده سختی ها و مرارتها

ما کان . .. أن یتخلفوا عن رسول اللّه ... ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا م

شمرده شدن سختیها و رنجها در آیه و ترغیب مؤمنان به تحمل آنها، بیانگر این حقیقت است که حرکت در راه دین دربردارنده رنج و زحمت می باشد و ایمان واقعی، مستلزم تحمل آن است.

سختی شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۹

۹ - شکست و تبعید یهود بنی نضیر ، امری دشوار و دور از انتظار برای مسلمانان

ما ظننتم أن یخرجوا

سختی شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۷،۲۰

۱۷ - فرعون ، عذاب و شکنجه از ناحیه خود را ، شدیدتر از عذاب موعود موسی (ع) اعلام کرد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا

موسی(ع) آغاز صحنه مبارزه گفته بود: <ویلکم. .. فیسحتکم بعذاب>. فرعون نیز در برابر آن سخن، چنین وعده داد که عذاب او شدیدتر از عذابی است که موسی(ع) وعده داده است.

۲۰ - فرعون ، درک سنگین تربودن شکنجه هایش از عذاب موعود موسی (ع) را ، تنها در صورت چشیدن آن امکان پذیر دانست .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا

سختی عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۷

۷ قرار گرفتن در زمره بندگان خالص خدا (عبادالرحمان) و همچون آنان به مرتبه عالی کمال و رشد رسیدن ، کاری دشوار و نیازمند صبر و شکیبایی است .

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

سختی عبور وحی از آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۴

۴ - تحمل عبور وحی ، امری سخت و دشوار بر آسمان ها

تکاد السموت یتفطّرن من فوقهنّ

این که آسمان ها هنگام نزول وحی در آستانه فرو پاشی قرار می گیرند، حاکی از سختی و دشواری تحمل عبور وحی برای

آنها است.

سختی عذاب اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۴ – ۲

۲ عذاب های اخروی در مقایسه با عذاب های دنیوی ، سخت تر

و سهمگین تر است .

و لعذاب الأخره أشق

<أشق> اسم تفضیل از مصدر <شقّ> است و <شقّ> به معنای سخت و دشوار بودن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - عذاب قیامت ، سخت ، طاقت فرسا و فضاحت بار است .

و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

پشیمان شدن از گذشته با مشاهده عذاب، نشانگر این است که عذاب مشاهده شده، عذابی سخت و آبروریز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۱،۷

۱ - ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضراند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا کنند .

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لَافتدوا به من سوء العذاب یوم

۷ - عذاب مشرکان و ستمگران در قیامت ، بسیار بزرگ و فراتر از تصورشان است .

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

<إحتساب> (مصدر <یحتسبون>) مبالغه در حساب و به معنای <ظن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - عذاب های اخروی ، سخت تر و ذلت بارتر از کیفر های دنیوی خداوند است .

و لعذاب الأخره أخزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - عذاب الهی در جهان آخرت ، بسی سخت و شدید است .

و فی الأخره عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰

- ۱۴ - ۳

۳ - عذاب الهی در آخرت ، برای مجرمان بس طاقت فرسا و غیر قابل تحمّل است .

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه . .. و من فی الأرض جمیعًا ثمّ ینجیه

حاضر شدن مجرمان به فدا کردن همه خویشان و خلایق برای نجات خود از عذاب، گویای برداشت یاد شده است.

سختی عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب اخروی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - عذاب اخروی قوم عاد ، سخت تر و ذلت بارتر از عذاب دنیوی آنان

لنذیقهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا و لعذاب الأخره أخزی

سختی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصـیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشاینـد گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصـیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد

و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱۲

۱۲ عذاب استیصال ، عذابی شکننده و ذلتبار است .

کشفنا عنهم عذاب الخزی

سختی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۹

۹ - عذاب جهنم ، عذابی سخت و غیر قابل تحمل است .

فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

سختی عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

سختی عذاب شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرك و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

سختی عذاب ظالمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۲

۲ - عذاب ستمگران در قیامت ، بسیار سخت و غیر قابل تحمل برای آنان

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لأفتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

فدا کردن دو برابر ثروت های موجود در کره زمین برای نجات خود از عذاب الهی، بیانگر مطلب یاد شده است.

سختی عذاب ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

سختی عذاب قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- روز نزول عذاب بر قوم عاد ، روزی بس سخت و دشوار

أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

سختی عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۷

۷ عذاب نازل شده بر قوم لوط ، عذابی سخت و سهمگین

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها

اضافه کلمه <أمر> به ضمیر متکلم <نا> برای رساندن عظمت و بزرگی عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۴

۴ - عذاب فرو آمده بر قوم لوط ، بسی مرگبار و جانگزا بود .

فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۲

۲ - عذاب قوم لوط ، عذابی سخت و کوبنده

بود .

إنّا منزلون على أهل هذه القريه رجزًا من السماء

نكره آورده شدن <رجزاً> بيان كننده بزرگى عذاب نازل شده بر قوم لوط است.

سختى عذاب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهى ، كيفرى حتمى براى كافران حق ستيز

فلنذيقنّ الذين كفروا عذابًا شديدًا

لام و نون تأكيد در <لنذيقنّ>، حاكى از حتمى بودن عذاب و كيفر مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، با سخت گيرى و اقتدار ، كافران را گرفتار خواهد ساخت .

إنّ بطش ربّك لشديد

سختى عذابهاى جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۵

۵- عذاب و مجازات دوزخ ، سخت ، سوزان و رنج آور

من عذاب الحميم

اضافه <عذاب> به <الحميم>، از قبيل اضافه بيانيه است.

سختى عذابهاى خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ - فرعون ، عذاب و شکنجه از ناحیه خود را ، شدیدتر از عذاب موعود موسی (ع) اعلام کرد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا

موسی(ع) آغاز صحنه مبارزه گفته بود: <ویلکم. .. فیسحتکم بعذاب>. فرعون نیز در برابر آن سخن، چنین وعده داد که عذاب او شدیدتر از عذابی است که موسی(ع) وعده داده است.

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار) را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع

) ، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

<عذاباً> تمیز برای <أشدّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقی> است; یعنی، <و أبقی عذاباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۶

۶ - عذاب الهی ، بس سخت و شکننده است .

جعل فتنه الناس کعذاب اللّه

سختی عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۸

۸- گذشت از دشمن و نادیده گرفتن اذیت و آزارش ، امری دشوار و نیازمند شکیبایی است .

و إن عاقبتم فعاقبوا . .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرك ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۵

۵ - عملی ساختن قتل ناقه صالح ، امری دشوار برای قوم ثمود

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

از این که قوم ثمود، برای عملی ساختن توطئه خویش، به فرد خاصی مراجعه کردند; استفاده می شود که آنان یا بیم داشتند که شخصاً وارد عمل شوند و یا توان جسمی آن کار را نداشتند.

سختی عمل خیر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۴

۴ سختی و دشواری عمل نیک ، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و پاداش است .

لقد تاب اللّه علی النبی . .. اتبعوه فی ساعه العسره

سختی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۱

۱ - انجام دادن بعضی از کار های نیک ، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه های صعب العبور است .

فلااقتحم العقبه

<اقتحام>; یعنی، بین کاری سخت و هولناک قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرایی بزرگ بیفکند، گفته می شود: <إقْتَحَمَ> (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، <عقبه> نامیده می شود (مفردات) و نیز <عقبه> به مسیر صعب العبوری گفته می شود که از آن بر کوه بالا روند (قاموس). این راه از آن جهت <عقبه> نامیده می شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

سختی غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، مسلمانان را از سختی جنگی که احزاب متّحد درصدد ایجاد آن بودند نگه داشت .

و کفی اللّه المؤمنین القتال

<کفی> در آیه متعدی به دو مفعول و به معنای <حسب> است; یعنی: <خداوند کفایت کرد مؤمنان را در جنگ>. با توجه به آیه نُه همین سوره، مراد از <کفایت خدا برای جنگ مؤمنان>، فرستادن طوفان و سپاهیان

نامریی برای درهم کوبیدن سپاه دشمن است.

سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است؛ یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۲

۲ جنگ تبوک ، دارای شرایطی دشوار و پرمشقت .

اتبعوه فی ساعه العسره

مراد از <ساعه العسره> به قرینه فرازهای قبل و بعد می تواند غزوه تبوک باشد.

سختی غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۷

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

سختی فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

سختی فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

– محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۱۵

۱۵– بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیویِ کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذّت جویی های آنان را ارزش نپندارند; زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

سختی فهم آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۱۵

۱۵ – بهره‌وری از آیات الهی برای کسانی میسر است که در سختی فهم آنها ، صبر پیشه کنند .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار

این که در این آیه، آیات متعدد ماجرای اهل سبأ، برای صبرپیشگان و شکرگزاران دانسته شده است; می تواند بیانگر این نکته باشد که قبول آیت بودن آنها، نیاز به فهم و معرفتی درخور دارد. به تناسب ذکر صفت صبر، استفاده می شود که فهم و قبول آیات خداوندی، احتیاج به صبر دارد.

سختی فهم قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳ – ۲

۲ – شناخت ژرفای حقیقت و عظمت قیامت ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما الحاقّه

سختی قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی درنظر فرعون

و

قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

سختی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۳

۳- قیامت ، روزی سخت و هلاکت بار برای کفرورزان به عیسی (ع) و گفته های او

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<ویل>، یعنی عذاب و هلاکت (لسان العرب). هلاکت بار بودن قیامت کنایه از شدت عذاب است، در حدی که اگر در قیامت نیز مرگ وجود می داشت گرفتاران به عذاب، زنده نمی ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لینذر . .. یوم هم برزون لایخفی علی اللّه منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بس سخت و دشوار برای ستمگران

من عذاب یوم ألیم

بنابراین که <ألیم> صفت <یوم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدار ها و اتمام حجت

ذلک یوم الوعید

تعبیر <وعید> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۶

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلایق

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه

بار .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یومًا عبوسًا قمطریرًا

<عبوس>; یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطریر> نیز به معنای شدید است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۵

۵ - قیامت ، روزی بس سنگین و دشوار

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

سختی کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۴

۱۴- یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سختی کیفر اخروی ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات –

۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

سختی کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

سختی کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۳

۳ - وزر و عقوبت روی گردانی از قرآن در روز قیامت ، باری ناگوار و مشقت بار بر دوش اعراض کنندگان ، خواهد بود .

وزرًا . .. و ساء لهم یوم القیمه حملًا

سختی کیفر حق ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰

- ۵ - ۱۲

۱۲ – عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵ – ۱۲

۱۲ – عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر در معبود راستین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳ – ۱۰

۱۰ – عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . .. لا إله إلّا هو

سختی کیفر فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۶ – ۲

۲ – مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذًا وبيلًا

<وبيل> به معنای وخيم و سنگين است (مصباح المنير).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، فرعون را به سختی كيفر داد .

ألم تر كيف فعل ربّك . .. و فرعون

سختی كيفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۱

۱ -

خداوند ، قوم ثمود را به سختی کیفر داد .

کیف فعل ربّک بعاد . .. و ثمود

قوم ثمود، امت حضرت صالح(ع) بودند که بر اثر مخالفت با تعالیم او عقوبت شدند.

سختی کیفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، قوم عاد را به سختی کیفر داد .

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

قوم عاد، امت هود(ع) بودند که بر اثر نافرمانی خداوند عقوبت شدند. عبارت <کیف فعل>، حاکی از شدت عقوبت آنان است.

سختی مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۶

۶ مبارزه با جریان کفر و شرک ، کاری است سخت که تلاش گسترده و طاقت فرسایی را می طلبد .

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

شده باشد.

سختی مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۶

۶ مبارزه با جریان کفر و شرک ، کاری است سخت که تلاش گسترده و طاقت فرسایی را می طلبد .

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

شده باشد.

سختی محافظت از عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۷

۷ - رهایی از آثار سوء هم نشینی با کافران و بدکاران و حفظ عقاید دینی با داشتن ارتباط با آنان ، امری مشکل ولی ممکن است .

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

هم نشینی با کافران، انسان را تا آستانه هلاکت می برد; ولی در عین حال عده ای از

مردم خود را از آثار هلاکت بار آن نجات می هند و در نتیجه تهشتی می شوند. از این مطلب می توان استفاده کرد که رهایی از مشکل هم نشینی با کافران و بدکاران هر چند مشکل است; ولی محال نیست و امری ممکن می باشد.

سختی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۵

۲۵- < عن أبی جعفر (ع) قال : الخلق الذی یکبر فی صدورکم الموت ;

از امام باقر(ع) [در بیان آیه فوق] روایت شده است: مراد از موجودی که در سینه هایتان سنگینی می کند، مرگ است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۸

۸ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه هنگام مرگ

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که این دسته از آیات، مربوط به لحظات مرگ باشد; نه روز قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۱

۱ مرگ ، همراه با سختی و اضطراب و مایه بیهوشی و از خود بی خودی انسان

و جاءت سکره الموت

با توجه به معنای <سکره> و کاربرد آن برای مرگ، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۹ - ۲

۲ - آمیخته شدن و جمع شدن مشکلات و سختی های دنیا و آخرت ، در لحظه مرگ برای محتضر

و التفّت الساق بالساق

کلمه <ساق> (در زبان عرب) گاهی استعاره

از شدت و وخامت اوضاع است. بر این اساس مفسـران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه جمع شدن مشکلات فراق از دنیا با مشـکلات آخرت است. و یا ترک اهل و عیال، مال و مقام از یک سو و روبه رو شدن با مشکل جدایی از دوستان و رفتن به دار غربت از جانب دیگر است.

سختی مرگ سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱

۱- سست ایمان های همدل با کافران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فکیف إذا توفّتهم الملئکه

سختی مرگ ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

سختی مرگ فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

سختی مرگ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱

۱- سست ایمان های همدل با کافران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فکیف إذا توفّتهم الملئکه

سختی مر گ همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- از دست دادن خانواده (زن و

فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

سختی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکّرات آن ، دور نگه می دارند .

و یتجنّبها

باب تفعّل که فعل <یتجنّب> از آن باب است بر تکلّف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است که تـذکرات قرآنی، با فطرت انسـان هـا ملایـمت و مناسـبت کامـل دارد; به گونه ای که مخالفـان، بایـد برای دور مانـدن از تـأثیرات آن، خود را به زحمت اندازند.

سختی مقام رضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۱

۲۱ - مقام رضا ، موقعیتی رفیع و ارزش مند و وصول به آن دشوار است .

فاصبر . .. و سبّح بحمد ربّک ... لعلّک ترضی

مسبوق شدن <ترضی> به حرف ترجی <لعلّ> و نیز برنامه ذکر شده در آیه برای هر شبانه روز، از موقعیت والای مقام رضا و دشوارِ رسیدن به آن حکایت دارد.

سختی نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۴

۴ - رسالت و پیامبری ، مسؤولیتی بس سنگین و خطیر

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که اجر و پاداش ها، در قبال مسؤلیت ها است و به هر میزان که مسؤولیت سنگین تر و پرزحمت تر باشد، اجر و پاداش آن نیز بزرگ تر و

بیشتر خواهد بود. بنابراین اجر بزرگ، نشانگر مسؤولیت بزرگ و خطیر است.

سختی نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- نوید الهی به پیامبر (ص) در شرایط سخت رسالت ، درباره جهانی شدن پیام و قوانین مکتب آن حضرت

هو الذی أرسل رسوله بالهدی . .. لیظهره

بـا توجه به این که آیه شریفه در شرایطی بر پیامبر(ص) نازل شده که مشرکان مکه، مانع ورود مسلمانان به مسجد الحرام بودند؛ برداشت بالا قابل استفاده است.

سختی نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۲

۲ - راه نیک و بد ، هر دو برجسته و آشکار و پیمودن هر یک ، دارای دشواری هایی خاص است .

و هدینه النجدین

قرار داشتن راه خیر و شر در ارتفاعات، کنایه از آشکار بودن آن برای همگان و نیز صعب العبور بودن آن است. دشواری راه خیر، ممکن است به لحاظ ویژگی های خود آن و دشواری راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

سختی و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۴

۴ رنج و سختی ، نمی تواند مجوز ارتکاب گناه باشد .

رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

سختی ها جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب

خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهمـا>، در عین اعتراض به گروههایی که قصـد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خـدا (ص) را داشـتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

سختی ها در راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۴

۴ مصـیبت هـا و مشـکلات ، آنگـاه که در راه خـدا باشـد ، هرگز مردان الهی را به ضـعف و ناتوانی و تسـلیم در برابر دشـمنان نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

سختی هجرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۱۹،۲۱

۱۹ – هجرت در راه دین ، پیام دار مشکلات و زحمات بسیار و نیازمند به صبر و تحمل آنها است .

و أرض اللّه وسعه إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

یاد کردن از اجر و پاداش صابران، پس از ذکر مسأله هجرت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۲۱ – تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض اللّه وسعه إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

سختی هدایت فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۵ – ۲

۲ – موسی (ع) متوجه سنگینی بار مسؤولیت رسالت و دشواری های ارشاد و هدایت فرعون بود .

اذهب . .. قال ربّ اشرح لی صدری

درخواست شرح صدر موسی(ع)

از خداونـد، پس از نصب به رسـالت و فرمان حرکت به سوی فرعون، نشان از توجه کامل آن حضـرت به مشـکلات و موانع و نیازهای روحی لازم برای طی این راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۶ - ۲

۲ - موسی (ع) به دشواری های رسالت خویش و مشکلات ارشاد و هدایت فرعون آگاه بود .

و یسّر لی أمری

شرک خدا هنگام رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شـرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکراست به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <لیکفروا> کفران نعمت است.

شرک هنگام رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۴ – ۱،۴

۱– بـا وجود روی آوردن متضـرعانه انسان ها به خداونـد در هنگام گرفتاری ، با برطرف شـدن مشـکلات ، گروهی از او روی گردان شده و شرک میورزند .

ثمّ إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجئرون . ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منهم

بربّهم ی

۴- شـرک ربوبی انسان های رهیده از ناگواری در حالی که ناگواری ها ، آنان را به سوی خداوند سوق داده بود امری خلاف انتظار و شگفت آور است .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم بربّهم یشرکون

استعمال <إذا> ی فجائیه در مقام که در امور ناگهانی و خلاف انتظار کاربرد دارد می توانـد به دلیل یاد شـده باشـد. اضافه شدن <ربّ> به ضمیر <هم> نیز می تواند مؤیدی برای برداشت فوق باشد.

شکر هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملایمات زندگی

و إنّا إذا أذقنا . .. فإنّ الإنسن کفور

صبر بر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۴

۴ - مؤمنان راستین ، شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بشّر المخبتین . .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - عبادت و شب زنده داری ، نیروبخش و مقاومت آفرین ، در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر لحکم ربّک . .. و من الّیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های

خدا

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۵

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

<الذین . .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۸

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶،۱۴،۲۶،۲۸

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل اساسی دین

لیس البر أن تولوا وجوهکم . .. و لکن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرین فی ال

۱۴ - اهل ایمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نیز روی آوری مشکلات و ناهنجاری ها ، باید صبور و پایدار باشند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء

۲۶ – برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها

و شداید از ویژگی های نیکان

و لکن البر من . .. أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۸ - انجام وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئک الذین صدقوا

در برداشت فوق <أولئک> اشاره به صفاتی است که از جمله <و ءاتی المال . .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۲،۵،۱۵

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۱۵ لزوم تحمّل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۲

۲ مؤمنان وظیفه دار استعانت از خدا و پیشه سازی صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه ایمان

استعینوا باللّه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸،۹

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

۹ باور به

همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۵ – ۲

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم کما أُمرت . .. واصبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۰،۲۶

۱۰ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و حوادث تلخ ، خصلتی زیباست .

فصبر جمیل

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد. احتمال دیگر در ترکیب <فصبر

جمیل> این است که <صبر> خبر برای مبتدایی محذوف و جمیل صفت برای <صبر> باشد ; یعنی، [امری] صبر جمیل و یا [صبری] صبر جمیل و یا ... .

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل . .. إنه هو

العليم الحكيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۲ – ۲

۲- صبر در برابر ناملايمات ، داراى ثمرات دنيوى و اخروى است .

لنبوّئنّهم فى الدنيا . .. و لأجر الأخره أكبر ... الذين صبروا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – مؤمنان راستين ، محكم و بردبار در هنگامه هاى سخت و دشوار زندگى

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۱۴

۱۴ – صبر بر مشكلات و داشتن روحيه اى اميدوار ، به هنگام مبتلا شدن به دشوارى ها ، امرى ارزشمند و پسنديده است .

و إن تصبهم سيّئه . .. إذا هم يقنطون

از مذمت شدن كسانى كه با مبتلا شدن به ناگوارى ها، نااميد مى شوند، استفاده مى شود كه حفظ روحيه اميدوارى، در چنين حالتى مطلوب است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶۰ – ۵

۵ – لزوم صبر و شكيبايى در برابر تلاش ها و تبليغات سوء

و لئن جئتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا. .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – صبر و شکیبایی بر مشکلات ، امری اساسی و نیازمند اراده ای محکم است .

و اصبر علی ما أصابک إنّ ذلک من عزم الأُمور

<عَزْم> در لغت به معنای <تصمیم قطعی قلب بر انجام دادن کار> است. (مفردات راغب) چنین معنایی، حکایت از

اراده محکم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳ - تدبر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا أیوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

ابتلای ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - منافات نداشتن دعا و درخواست از خداوند برای رفع گرفتاری با مقام صبر و شکیبایی

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن . .. إنّا وجدنه صابرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، ایوب(ع) را که درخواست رفع گرفتاری از خود را داشت به صبور و شکیبا بودن توصیف و ستایش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

فاصبر

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا . .. فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر. ..> تفریع بر جمله <إنّا لننصر رسلنا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) مکلف به استقامت و پایداری دربرابر مشکلات و دشواری های دعوت

فادع و استقم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۶

۶ - صبر بر ناگواری ها ، عبادت در برابر پروردگار و ایمان به قیامت ، تکلیف تمامی مؤمنان

فاصبر . .. و سبّح ... و استمع یوم یناد المناد

هر چند واژه های <اصبر>، <سبّح> و <استمع> ظاهراً خطاب به پیامبر(ص) است; ولی در حقیقت تکلیفی است برای همگان و پیامبر(ص) از آن جهت که الگوی امت است، به تنهایی مخاطب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۸

۸ - ایمان به کارساز بودن خداوند و توکّل به او ، هموارکننده راه صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی ها است .

فاتّخذه وکیلاً . و اصبر ... و اهجرهم هجرًا جمیلاً

<واصبر> عطف بر <فاتّخذوه وکیلاً> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که اتکال به خدا، موجب تقویت روح صبر و مقاومت در انسان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۵ – ۷

۷ – نماز

و ارتباط با خدا ، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر . .. و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱،۳،۵،۶،۱۴،۱۶،۱۸

۱ مؤمنان ، موظّف به صبر در برابر مشکلات

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا

۳ مؤمنان ، موظّف به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان سرسخت و ستیزه جو

یا ایّها الّذین امنوا . .. صابروا

<صابروا> از باب مفاعله، دلالت بر مقاومت طرفینی دارد و این معنا غالبا بین دو خصم تصوّر می شود.

۵ مؤمنان ، موظّفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا>، برای متعدّی کردن <صَبَرَ> به کار رفته باشد ; بنابراین <صابروا>، یعنی دیگران را به صبر وادارید.

۶ صبر در برابر مشکلات ، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکری <اصبروا> بر <صابروا>، می تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردی صبور نباشید، نمی توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

يا ايّها الّذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب

قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

صبر در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲،۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۵ ناشکیبایی در برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کایّن من نبیّ قاتل . .. فما وهنوا ... و اللّه یحبّ الصّابرین

عذاب با سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - < عن أبی ادریس الخولانی (رض) قال : سألت عباده بن الصامت (رض) عن قول اللّه : < و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر > فقال : سألت رسول اللّه (ص) عنها ، فقال : هی المصائب و الأسقام و الأنصاب ، عذاب للمسرف فی الدنیا ، دون عذاب الأخره . . . ;

ابوادریس خولانی گوید: از عباده بن صامت(رض) از این سخن خدا: <و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر> پرسیدم. گفت: از رسول خدا(ص) پرسیدم، فرمود: عذاب نزدیک

تر، مصیبت ها و بیماری ها و رنج ها است. [آن]، عذابی دنیایی است برای مسرف، نه این که عذاب آخرت باشد>.

عمل صالح در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۵

۵ ضرورت انجام کار های نیک ، به هنگام رفاه و آسایش و نیز در زمان گرفتار شدن به محنت و رنج

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و

عوامل ابتلا به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۳

۳ گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فأخذنهم بالبأساء و الضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله <فأخذناهم> نتیجه تکذیب آنان است ; یعنی: <فکذبوا فأخذناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ جوامع تکذیب کننده پیامبران الهی در خطر گرفتار شدن به کمبود ها و مشکلات زندگی

و لو أن أهل القری ءامنوا . .. و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکسبون

از مصادیق مورد نظر برای <فأخذنهم . .. > به دلیل آیه ۹۴، گرفتار شدن تکذیب کنندگان انبیا به کمبودها و مشکلات است.

عوامل استقامت در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۴ – ۸

۸ توکل بر خداوند ، مایه پایداری در دشواریهاست .

علی خوف من فرعون و ملإیهم

أن يفتنهم . .. فعليه توكلوا

عوامل تحمل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۸

۸ – تنها دل های محکم و مطمئن ، قادر بر انجام کار های سخت و مخاطره آمیز

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

اقدام مادر موسی به انداختن فرزند خویش در آب نیل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۷

۷ – عقیده به معاد ، عاملی نیرومند در پایبندی انسان به ارزش ها و تحمل دشواری های ناشی از تعهد به آنها

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

عوامل تسهیل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۱ – ۱۲

۱۲ توکل بر خدا ، کارساز برای رفع مشکلات

و توکّل علی اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۱ – ۵

۵ توجه زنان و مردان به مالکیت مطلق خداوند ، برطرف کننده نگرانی آنان از کمبود ها و نیاز ها در صورت طلاق

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۶۸

۶ دعا از اسباب برطرف شدن عذابها و دشواریها

إن أتیکم عذاب اللّه . .. فیکشف ما تدعون إلیه

۸ استجابت دعا و برطرف شدن عذاب و سختی منوط به مشیت الهی است.

بل إیاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

إن شاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۴

۴ بیان نقش اختصاصی خداوند در برهه های حساس و بحرانهای زندگی برای مردم، از وظایف پیامبر(ص) و مبلغان دین است.

قل من ینجیکم . .. قل الله ینجیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۸ – ۱۱

۱۱ علم ، زمینه ساز رفاه و آسایش و دور ماندن از ضرر ها و سختیها

لو کنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۹ – ۷

۷ استغاثه به درگاه الهی برای رهایی از تنگنا ها و مشکلات ، رهنمود و توصیه خداوند به انسانها

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

یادآوری استغاثه مجاهدان بدر و تصریح به اجابت آن می تواند برای توصیه این نکته باشد که ای انسانها در تنگناها و بحرانهای زندگی رو به خدا آورید و از او یاری طلبید تا شما را رهایی بخشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۱۲

۱۲– عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت ، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت . .. إلّا بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

<فا> در <فاصـفح> تفریع است و جمله <فاصـفح . ..> را بر جمله <و ما خلقنا السموات ... إلاّ بالحق و إن الساعه لأتیه> عطف کرده

است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریـده شدن جهان اقتضا دارد تا انسانِ حق طلبی همچون رسول الله(ص) در مسـیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۹ – ۵

۵ – نقش نماز و راز و نیاز شبانه با خدا ، در فائق آمدن بر دشواریها

و توکّل علی العزیز . .. حین تقوم ... فی السجدین

عوامل رفع سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۴ – ۲

۲ – پیروی از هدایت های الهی و به یاد خدابودن ، موجب تسهیل زندگی وبرطرف شدن تنگنا های آن است .

من اتبع هدای . .. لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا

عوامل رفع سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۹

۹ – دعا ، عامل رفع مشکلات و رنج های طاقت فرسا و باعث جلب رحمت و لطف الهی

إذ نادی ربّه . .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

عوامل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۲ – ۱،۲،۷

۱ ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت . .. فكيف اذا اصابتهم مصيبه بما قدّمت

با توجه به آيه پيش، از مصاديق مورد نظر براى <ما قدمت ايديهم> مراجعه به طاغوت براى داورى است.

۲

برخی مصائب و مشکلات ، پیامد نافرمانی از خدا و رسول است .

فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

ظاهراً مراد از <مصیبت>، مشکلات دنیوی است، نه اخروی ; به دلیل <ثمّ جاؤک>.

۷ زیر پا گذاشتن مقررات شرعی و گرایش به طاغوت ، از عوامل ابتلای جوامع به مشکلات و گرفتاریها

و اذا قیل لهم . .. فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

<یفتنوک> ای: یوقعوک فی بلیه و شده . .. (مفردات راغب) یعنی مبادا تو را با منصرف کردن از احکام الهی در عذاب و ناراحتی قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱۱

۱۱- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است .

و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

مقصود از <سبیل الله> دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۸

۸- تکذیب رسولان و رهبران الهی ، ظلم بوده و موجب عذاب و مشکلات دنیوی است .

رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب و هم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸

۸- نقش عملکرد ظالمانه و دائمی خود انسان ها ، در ابتلا به دشواریها

و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل مضارع <یظلمون> به ضمیمه فعل <کانوا> که برای تأکید مضمون <یظلمون> آمده است دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۷

۱۷ - سرپیچی از هدایت های الهی ، عامل گمراهی انسان و گرفتارآمدن او به رنج و سختی است .

فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی

<شقاوت> به معنای سختی و دشواری است (قاموس) و به قرینه آیه بعد، مراد تنگناها و فشارهای زندگی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - دچار شدن مشرکان به ناگواری ، محصول دستاورد خود آنان است .

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۲

۲ - دور شدن از آیین اسلام ، جز سختی و مشقّت ، دستاوردی نخواهد داشت .

فسنیسّره للیسری . .. فسنیسّره للعسری

بنابر یک احتمال، مراد از <یسری> در آیات پیشین، شریعت اسلام است. در آن صورت، مصداق <عسری> نقطه مقابل آن; یعنی، دور شدن از اسلام خواهد بود.

عوامل سختی احتضار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۱۰،۱۱

۱۰ افترازنندگان به خداوند هنگام احتضار در حالتی بسیار سخت قرار می گیرند.

و من أظلم ممن افتری . .. و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

۱۱

مدعیان دروغین وحی و کسانی که مدعی آوردن مانندی برای قرآن هستند به هنگام احتضار حالتی بس دشوار دارند.

أوحی إلیّ و لم یوح إلیه شیء و من قال . .. و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

عوامل سختی تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۸ – ۷

۷ – موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل نسازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۱ – ۸

۸ – قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

عوامل سختی حسابرسی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۱ – ۹،۱۰

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون . .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت

است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

عوامل سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۶

۶ کفر ، عامل سختی و تنگنایی در جهان آخرت

کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

عوامل سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱،۳،۱۰

۱ - روی گردانی از هدایت های الهی و یاد او ، موجب گرفتاری انسان به زندگی سخت و پر از تنگناها

من اتبع هدای . .. و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا

<معیشه> یا مصدر میمی است و یا به معنای <ما یعاش به> است؛ یعنی، آنچه که گذران زندگی با آن صورت می گیرد. <ضنک> به معنای تنگی و سختی است (لسان العرب).

۳ - زندگی دنیوی ، بدون درنظر داشتن هدایت های الهی و بینش های آن ، معیشتی تنگ و محدود است .

و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا

همان طور که در آیات دیگر، خداوند زندگی دنیا را <متاع قلیل> دانسته، ممکن است در این آیه نیز زندگی بدون هدایت را <معیشت تنگ> معرفی کرده باشد؛ یعنی، دنیا در هر حد و اندازه و به هر مقدار، اگر خالی از هدایت باشد، چیزی جز <معیشت تنگ> نخواهد بود؛ چرا که زندگی بی هدف و بدون اعتقاد به آخرت تکراری، خسته کننده و زحمتی به هدر رفته است.

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له

معیشه ضنکًا و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل سختی عذاب اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۲

۲ - عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

آمدن ماده <کسب> به جای ماده <فعل>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

عوامل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۷،۸

۷ قطع دوستی مسلمانان با دشمنان دین ، دربردارنده ناگواریها

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا

توصیه به صبر و تقوا پس از دستور به قطع رابطه با دشمنان دین، اشاره به این حقیقت دارد.

۸ صبر و پایداری در برابر ناگواری های ناشی از قطع رابطه دوستی با دشمنان دین ، عامل مصون ماندن جامعه ایمانی از کید و خیانت آنان

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا و تتقوا لایضرّکم کیدهم شیئاً

در برداشت فوق، متعلق <تتقوا> به قرینه صدر آیه، پرهیز از دوستی با دشمنان گرفته شده است.

عوامل نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۲۳

۲۳ - روزه ، موجب نیل انسان ها به معیشتی سهل و راحت و رهایی یافتن از تنگنا های دنیا و آخرت

*

يريد اللّه بكم اليسر و لايريد بكم العسر

برداشت فوق بر اين اساس است كه <يريد اللّه> ناظر به وجوب روزه باشد. بر اين اساس جمله <يريداللّه> اشاره به اين دارد كه: خداوند روزه را بر شما واجب كرد تا بر اثر آن به معيشتى سهل نايل شويد و به مشكلات گرفتار نگرديد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدميان از مهلكه ها و از هرگونه اندوه و سختى است.

قل من ينجيكم . .. قل الله ينجيكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۲ - ۷۸

۷ نيايش خالصانه به درگاه خدا ، عامل جلب رحمت او و مايه رفع گرفتاريهاست .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما كشفنا عنه ضرّه

تفريع جمله <لما كشفنا> بر <دعانا> بيانگر برداشت فوق است.

۸ رهايى انسان از گرفتارى ها و مصايب ، در گرو مشيت خدا و بسته به لطف و رحمت اوست .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما كشفنا عنه ضرّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۸

۸ - رهايى انسان از گرفتارى ها و مصيبت ها ، در گرو مشيت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منيبًا إليه ثمّ إذا خوّله نعمه منه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۸

۸ - دعا به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در

رهایی انسان از مشکلات و سختی ها

ادع لنا ربّک . .. فلمّا کشفنا عنهم العذاب

فرعونیان و منشأ سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۲

۲ فرعونیان ، رفاه ها و آسایش ها را ناشی از میمنت خویش ، و سختی ها و ناراحتی ها را برخاسته از بدشگونی موسی (ع) و پیروانش می دانستند .

قالوا لنا هذه . .. یطیروا بموسی و من معه

فلسفه ابتلا به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۴،۶

۴ تضرع، هدف خداوند از گرفتار ساختن مردم به سختیها و کاستیها

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

<تضرع> به معنای تذلل و خضوع است. (لسان العرب).

۶ مشکلات و سختیها، زمینه توجه به خدا و تضرع و دعا به درگاه او

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

فلسفه ابتلای به سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۶

۶ گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه و بی تقوا به سختی ها و محنت ها برای روی آوردن آنان به خداوند از سنت های الهی است .

و ما أرسلنا . .. أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم يضرعون

فلسفه سختى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱۶

۱۶ دشوارى ها و سختى هاى پيش آمده براى اهل ايمان به هنگام نبرد با دشمنان ، داراى حكمت و مصلحت

ان تكونوا تألمون . .. و كان اللّه عليماً حكيماً

توصيف خداوند به <حكيماً>، پس

از بیان علم خداوند به دردها و مصیبتهای اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ بلا ها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

رسول خدا(ص) درباره < من یعمل سوءاً یجز به> در آیه فوق فرمود: اما تبتلون فی اموالکم و انفسکم و ذراریکم؟ قالوا: بلی قال: هذا مما . .. یمحو به السیئات.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۳

۳ دست کشیدن از انحراف های عقیدتی ، پذیرش دعوت پیامبران و روی آوری به خدا ، فلسفه بلا ها و مشکلات

و لقد أخذنا . .. لعلهم یذّکّرون

با توجه به آیات قبل که سخن از ربوبیت خدا و رسالت موسی(ع) بود، معلوم می شود متعلق <یذکرون> همان توحید ربوبی و پیامبری موسی(ع) و رسالتهای اوست.

فلسفه سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و

علی الذین هادوا حرّمنا

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی برای یهودیان، این مطلب را می رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم ببغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

فلسفه سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱۱،۱۰،۸،۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلیگرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

۱۱ انکار رسالت انبیا با توجیه پیدایش سختی های بیدارکننده به عواملی بی هدف ، موجب گرفتار شدن به عذاب الهی است .

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء فأخذنهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸

- ۵،۷

۵ سختی ها و آسایش ها ، اموری هدفدار و زمینه آزمون انسان ها از سوی خداوند است .

و بلونهم بالحسنت و السیئات

۷ تغییر و تحول در زندگی انسان ها ، با روی آوری سختی ها و آسایش ها ، امری هشداردهنده و زمینه ساز روی آوری آنان به صواب و صلاح است .

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۷

۷- ابتلای اشخاص به انواع رنج ها ، گرفتاری ها و ناگواری ها ، دلیل بدی و فساد آنان نیست .

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیامبری چون ایوب(ع) نیز با داشتن منزلتی والا نزد خداوند، به رنج و مصیبت مبتلا شده بود.

فلسفه شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۵

۵ - هدف رهیدگان از ناگواری ها ، از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجات شان است .

إذا مسّ الناس ضرّ . .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشرکون . لیکفروا

<لام> در <لیکفروا> لامِ عاقبت است و مفید این نکته است که آنان، مشرک شدند تا سرانجام کفران نعمت کنند.

قانونمندی رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۲

۲ – جدایی ناپذیر بودن سختی ها از آسانی ، قانونی فراگیر است .

إنّ مع العسر یسرًا

تکرار نشدن <فاء> در این آیه که تأکید

آیه قبل است محتوای آن را به غیر پیامبر(ص) نیز ارتباط داده است.

کافران و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

کافران هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند ; بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

کفران در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ – شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا ... من

بعده یکفرون

کفران کنندگان در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

مبلغان هنگام سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۹ – ۵

۵- مبلّغان و دعوت کنندگان به توحید و معارف الهی ، در شرایط حساس و خطیر از لطف و امداد خداوند برخوردار خواهند شد .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

نقل داستان نجات ابراهیم از آتش، می تواند به منظور دلداری به پیامبراسلام(ص) و مؤمنانی باشد که در شرایط دشوار مکه زندگی می کردند. همچنین برای بیان این نکته باشد که چنین امدادی، شامل حال تمامی یکتاپرستان و مبلغان دین توحیدی می شود.

مرفهان هنگام سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

مشرکان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۵

۵ مشرکان نیز در مخاطرات سخت زندگی، فروتنانه و پنهانی از خداوند یگانه استمداد می طلبند.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیه

خطاب آیه متوجه مشرکان است و صحت احتجاج متوقف بر آن است که چنین حالتی برای آنان نیز در شرایط سخت

پديدار گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۱۲ – ۶

۶ نيايش خالصانه شرك پيشگان به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتارى ها و مصايب ، دليلى روشن بر پوچى انديشه شرك و حقانيت توحيد ربوبى

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

روى سخن در اين سوره با مشركان مكه است و آيه شريفه در مقام بيان يكى از دليلهاى روشن توحيد ربوبى و پوچى انديشه شرك است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۹ – ۶

۶ – نيايش شرك پيشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتارى و مصيبت ها ، دليلى روشن بر پوچى انديشه شرك و حقانيت عقيده توحيدى

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

برداشت ياد شده از آن جا است كه مخاطبان آيه شريفه، مشركان مكه هستند و اين آيه، در مقام بيان يكى از دلايل روشن بر اثبات توحيد الهى و پوچى انديشه شرك است.

مشركان هنگام رفع سختى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۴ – ۷

۷– نجات يافتگانِ از ناگوارى ها كه به شرك روى مى آورند با وجود التماس به درگاه خداوند به هنگام گرفتارى توحيد ربوبى را قبول نداشته و عوامل ديگرى را در نجات خود دخيل مى دانند .

ثمّ إذا كشف الضرّ عنكم إذا فريق منكم بربّهم يشركون

<بربّهم> متعلق به فعل <يشركون> است. ذكر <ربّ> به جاى مطلق آوردن كلام و يا ذكر ساير موارد توحيد، حكايت از

شرك ربوبى آنان مى كند و خود همين مى تواند قرينه باشد كه روى آوردن

به شرک ربوبی، احتمال دارد ناشی از عقیده به تأثیر عوامل دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۲

۲- هدف رهیدگان از ناگواری ها از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجاتشان است .

ثمّ إذا مسّكم الضرّ . .. ليكفروا بما ءاتينهم

لام <لیکفروا> احتمال دارد به معنای <کی> باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آنان شرک ورزیدند تا اثبات کنند که نجاتشان از جانب خداوند نبوده است. در این برداشت مراد از <ما ءاتیناهم> رفع ناگواری و معنای <یکفروا> همان پوشاندن و انکار کردن است.

مشرکان هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۷

۷- نجات یافتگانِ از ناگواری ها که به شرک روی می آورند با وجود التماس به درگاه خداوند به هنگام گرفتاری توحید ربوبی را قبول نداشته و عوامل دیگری را در نجات خود دخیل می دانند .

ثمّ إذا كشف الضرّ عنكم إذا فريق منكم بربّهم يشركون

<بربّهم> متعلق به فعل <یشرکون> است. ذکر <ربّ> به جای مطلق آوردن کلام و یا ذکر سایر موارد توحید، حکایت از شرک ربوبی آنان می کند و خود همین می تواند قرینه باشد که روی آوردن به شرک ربوبی، احتمال دارد ناشی از عقیده به تأثیر عوامل دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۶

۶ - نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتاری و مصیبت ها ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

و

إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منيبًا إليه

روی سخن در این سوره، با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

مصلحت در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۸

۸ رنج ها و شکست ها ، دارای مصلحتهایی پنهان از چشم ظاهربینان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان . .. و لیعلم المؤمنین

مصونیت از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۱

۱- تقواپیشگان در آخرت ، برخوردار از امنیت کامل و ایمن از هرگونه سختی و بلا

إنّ المتّقین فی مقام أمین

منافقان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۴،۵

۴ دوگانگی برخورد منافقان با پیامبر (ص) و رهبران الهی ، به هنگام سختی ها و آسایشها

فکیف اذا . .. ثمّ جاؤک یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً

منافقان تا قبل از گرفتاری، از پیامبر (ص) اعراض کرده و به طاغوتها می گرایند، و آنگاه که به مشکلات برخورند، از پیامبر (ص) عذرخواهی می کنند.

۵ منافقان به هنگام رسوایی و یا رنج های ناشی از عملکردشان ، به پیامبر (ص) روی می آوردند و عذرخواهی می کنند .

فکیف . .. ثمّ جاؤک یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً

مراد از <مصیبه>، معنایی است که شامل رسوایی نیز می شود ; به دلیل عذرخواهی منافقان که با جمله <ان اردنا> آن را اظهار می داشتند.

منافقان مدینه در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۱۱،۱۴

۱۱ – توجه زیاد منافقان مدینه ، به پیامبر (ص) هنگام سختی و جنگ ، به منظور دریافت نظر نهایی آن حضرت

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک

فعل مضارع <ینظرون> حکایت از تکرار نگاه می کند. اصل نگاه به آن حضرت هم، به قرینه مقام که وضعیت دشواری و سختی است برای جلب نظر آن حضرت برای اِعلام آتش بس و یا آزاد کردن آنان از جنگ است.

۱۴ – منافقان مدینه ، در سختی و آسایش ، به مسلمانان ، بخل میورزیدند .

و لایأتون البأس إلّا قلیلاً . أشحّه علیکم ... فإذا ذهب الخوف سلقوکم بألسنه حداد

منشأ ابتلا به سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۱ – ۷

۷ بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی ها و ناخوشایندیها

ألا إنما طئرهم عند اللّه و لکن أکثرهم لایعلمون

منشأ تأثیر سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۸

۸ – تأثیر سختی ها در پیدایش آسودگی ، وابسته به خداوند است .

ألم نشرح . .. و وضعنا ... و رفعنا ... فإنّ مع العسر یسرًا

آیات پیشین در حقیقت مصادیق این آیه را بیان کرده است. استناد آنها به خداوند، بیانگر آن است که همراه ساختن <عسر> و <یسر>، کار او است.

منشأ تسهیل سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۳ - آسان کردن مسیر کار های بزرگ و سخت و توفیق انجام آن ، به دست خداوند است .

و یسّر لی أمری

منشأ تسهیل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۵

۵- تنها پروردگار جهان ، پناهگاه انسان ، در سختی ها و دشواری های زندگی است .

و إنّی عذت بربّی و ربّکم

منشأ رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۲۸

۲- رفع مشکلات و ناگواری ها از انسان ها ، به دست خداوند است .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم

۸- رفع گرفتاری از انسان های گرفتار به وسیله خداوند ، از طریق اسباب و علل ظاهری است . *

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم بربّهم یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- اجابت دعا و رفع گرفتاری ها ، جلوه ای از رحمت بی کران الهی است .

و أنت أرحم الرحمین . فاستجبنا له ... رحمه من عندنا

منشأ سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۸

۸ جوامع انسانی ، خود ، عاملی برای مصیبت ها و رنج های خویش هستند .

قل هو من عند انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۲

۲ مصایب و مشکلات ، از جانب خدا و به سبب اعمال خود انسان است .

قل کلّ من عند اللّه . ..

و ما اصابک من سیّئه فمن نفسک

از اینکه در آیه قبل رسیدن خوبیها و ناگواریها از ناحیه خداوند دانسته شده و در این آیه عامل سیئات را خود انسان شمرده است، معلوم می شود که اعمال انسان باعث می شود که خداوند حادثه ای ناگوار را برای او ایجاد کند ; بنابراین این حوادث ناگوار از یکسو به خدا و از سوی دیگر به خود انسان منتسب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۴

۴ - دشواری ها و ناملایمات زندگی ، پیامد عمل خود انسان ، و برخورداری از رحمت ، از ناحیه خداوند است .

أذقنا الناس رحمه . .. و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۷ - ۷

۷ - در صورت گرفتار شدن انسان به بدی و رنج که سر منشأ آن خداوند است هیچ کمکی وجود ندارد تا او را از آن وضعیت نجات دهد .

من ذا الذی یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا. .. و لایجدون لهم من دون اللّه ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۱

۱ - تمامی گرفتاری ها و مشکلات زندگی آدمیان ، نتیجه عملکرد و دستاورد خود آنان است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ - < نعمت ها > برخاسته از لطف و رحمت الهی و < مصائب

و سختی ها > نتیجه عملکرد خود آدمی است .

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه . .. و إن تصبهم سيّئه بما قدّمت أيديهم

منشأ سختی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختنِ آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلّف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنيسّره لليسرى . .. فسنيسّره للعسرى ... إنّ علينا للهدى

جمله <إنّ علينا للهدى>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است; یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردشان با هدایت را فراهم می سازیم.

موسی(ع) در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۷

۷ - آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إنّی ءانست نارًا سئاتيكم. .. لعلّكم تصطلون

مؤمنان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۰

۱۰ ایمان و امید پیامبران و مؤمنان به نصرت الهی و امداد های غیبی ، به هنگام مواجهه با مصائب و مشکلات جنگ

حتی يقول الرسول و الذين امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه> که سؤال از وقت یاری خداست، بیانگر این معناست که آنان به اصل یاری خدا به هنگام رویارویی با

دشمنان، ایمان داشتند و به آن دل بسته بودند.

آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۴ – ۱۵

۱۵ لزوم تمجید و تقدیر از مؤمنان واقعی و یادآوری فعالیت های ایشان در شرایط سخت

المؤمنین. الّذین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۹

۹ آشکار شدن حقیقت ایمان مؤمنان ، در شرایط سختی و دشواری

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۱ – ۵

۵ – مؤمنان هم در سختی ها و شداید ، دچار تزلزل و اضطراب می شوند .

هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا

مؤمنان و تحمل سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۸

۸ مؤمنان صادق و راستین ، برای تحمل سختی های جنگ و کاستن دشواری ها از پیامبر (ص) پیشقدم بودند .

و کونوا مع الصدقین . .. و لا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه

مؤمنان و سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۱ – ۶

۶ مؤمنان راستین ، همه مقدرات الهی ، حتی سختی ها ، را در جهت منافع و مصالح خویش می دانند .

قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لنا هو مولینا

به کارگیری <لام> انتفاع (لنا) برای عموم رخدادها (خوشیها و ناخوشیها) بیانگر برداشت فوق است.

مؤمنان هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۴

۴ - مؤمنان راستین ،

شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بشّر المخبتین . .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند ; بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

ناپایداری سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۵

۵ ناپایداری مشکلات و ناملایمات و نیز رفاه ها و آسایش ها در زندگی آدمیان

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته

<ضراء> به معنای سختی و رنج است. به کارگیری واژه <مسّ> (لمس کردن و تماس گرفتن) برای گرفتار شدن به سختیها اشاره به این نکته دارد که: رنجها و سختیها معمولاً دایمی و پایدار نیستند و تعبیر <چشاندن> در مورد اعطای نعمتها، حاکی از زودگذری آنهاست.

نجات از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۵

۵ - لزوم حمد و ستایش خدا و سپاس گزاری به درگاه او ، پس از رهایی از مشکلات

فإذا استویت . .. فقل الحمد للّه الذی نجّنا من القوم الظلمین

با توجه به این که ستایش خدا، پس از رهایی از مشکلات، به منظور سپاس گزاری به درگاه او انجام می گیرد، گفتن <الحمد للّه> (ستایش از

آن خدا است) دربردارنده شکر و سپاس گزاری نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۴،۱۹

۴ - مشرکان نیز ، برای نجات خود از سختی ها و ناملایمات ، به خداوند روی می آورند و به درگاه او دعا می کنند .

المشرکین . .. و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم

<ال> در <الناس> می تواند عهد باشد و مراد از آن، مشرکانی باشد که در آیات قبل از آنها سخن گفته شده است.

۱۹ - توجّه به عوامل غیر الهی ، در نجات از ناملایمات ، عامل روی آوردن به شرک است .

إذا فریق منهم بربّهم یشرکون

احتمال دارد مراد از <یشرکون> این باشد که آنان، عامل نجات خویش را از سختی ها، عوامل مادی تلقی می کنند و به جای این که سر منشأ همه امور را، خداوند بدانند، عوامل ظاهری را نجات بخش می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نجات انسان ها از تنگنا ها و ناملایمات ، از نعمت های الهی است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه . .. لیکفروا بما ءاتینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۰،۱۲،۱۷

۱۰ - نجات دهنده انسان ها از شداید و گرفتاری های سخت ، خداوند است .

و إذا غشیهم موج . .. فلمّا نجّیهم إلی البرّ

۱۲ - گروهی از مردم ، در برابر نعمت نجات از بلا ها و خطر های مرگ آفرین ، ناسپاس اند .

فلمّا نجّیهم إلی البرّ فمنهم

مقتصد و ما یجحد بأیتنا إلاّ . ..کفور

۱۷ – نجات از بلا های خطرناک و مرگ آفرین در پی دعا ، از آیه های توحید خداوند است .

دعوا اللّه مخلصین . .. فلمّا نجّیهم ... و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختّار کفور

نجات یافتگان از سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۹

۹ – برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

و إذا غشیهم موج . .. دعوا اللّه ... فلمّا نجّیهم إلی البرّ فمنهم مقتصد

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

نشانه های سختی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۳ – ۲

۲ – تلاش بی حاصل و رنج و زحمت بیهوده ، نمونه ای از گرفتاری های قیامت برای برخی از مردم

حدیث الغشیه . .. عامله ناصبه

نعمت رفع سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۵ – ۳

۳– برطرف ساختن گرفتاری ها و ناگواری ها ، از نعمت ها و عطیه های خداوند است .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم . .. بما ءاتینهم

نعمت صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۸

۸ - آرامش روحی و شکیبایی در بحران ها ، نعمتی الهی است .

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

تعبیر <سکینه> و انتساب آن به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

نقش

سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۴،۷

۴ - سختی ها ، هرگز نباید رهبران الهی را از توجّه به سهولت ها و امکانات موجود و دلگرم بودن به آنها باز دارد . *

فإنّ مع العسر یسرًا

کلمه <مع>، دلالت دارد که وجود <یسر عظیم> هم زمان با وجود <عسر> است; نه بعد از آن. و مراد از آن می تواند هم زمانی <عسر> با مقدّمات <یسر> باشد. و ممکن است در صدد بیان این حقیقت خارجی باشد که: هر گاه مشکلاتی پدیدار شد، توجّه به آن ذهن شما را به خود مشغول نسازد; بلکه به سهولت ها و امکانات فراوانی که در کنار آن، برای شما وجود دارد نیز توجّه داشته باشید. برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

۷ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی اند .

فإنّ مع العسر یسرًا

مراد از <معیّت>، ممکن است سبب بودن <عسر> برای پیدایش <یسر> باشد. این نکته را نیز می توانند برسانند که هر سختی در درون خود، سازندگی هایی دارد و تجربه هایی پدید می آورد که با توجّه به آنها، نباید از مواجه شدن با سختی ها هراسی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۱،۴

۱ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی ها است .

انّ مع العسر یسرًا

۴ - < عن جعفربن محمد (ع) . . . انّ إمرأه استَعْدَتْ علی زوجها أنّه لا یُنفِق علیها و کان زوجها معسراً فأبی علی (ع) أن یَحبِسه فقال : < إنّ مع

العسر یسراً > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است: زنی علیه شوهر خود اقـامه دعوی کرد که نفقه او را نمی دهـد. شوهر این زن تنگدسـت بود; پس حضرت علی(ع) از زندانی کردن شوهر خودداری ورزید، آن گاه فرمود: <إنّ مع العسر یسراً>.

یأس در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۶۸

۶- انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به <مسّه الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . و إذا أنعمنا ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند وموردنکوهش

لایسئم الإنسن من دعاء الخیر و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷ - ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد

ضرّاء مسّته ليقولنّ ه

سختی ها

{سختی ها}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱۸

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

۸ ناسازگاری ایمان آدمی با تن دادن او به سستی و اندوه در هنگامه های دشوار و رویارویی با دشمن

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

در براشت فوق، جمله <و لا تهنوا و لا تحزنوا>، به منزله جواب شرط <ان کنتم . .. > گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲

۲ سختی و جراحت های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب حزن و یا سستی در پیکار با آنان گردد .

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۴

۴ جهاد و پایداری در هنگامه های دشوار آن ، محکِ آزمونِ اهل ایمان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

نصب <یعلم> به <اَن> مقدّر، دلالت می کند که <واو> در <و یعلم الصّابرین> واو جمع است. یعنی: محک آزمون اهل ایمان، جهادِ همراه صبر و پایداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۳

پیکار اهل ایمان با دشمنان دین و پایداری در هنگامه های دشوار ، سپاسگزاری از نعمت های الهی است .

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و سنجزی الشّاکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۴،۱۰

۴ مصیبت ها و مشکلات ، آنگاه که در راه خدا باشد ، هرگز مردان الهی را به ضعف و ناتوانی و تسلیم در برابر دشمنان نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

۱۰ بسیاری از انبیای الهی و یاوران ایشان ، در سراسر تاریخ ، با مصائب و دشواری های فراوان درگیر بودند .

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. لما اصابهم

آثار تحمل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۱ – ۴،۸

۴ – توبه و رویکرد به دین و تحمل سختی های آن ، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . .. قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون . إنّا نطمع أ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران پس از ایمان به خدا و پذیرش شکنجه های فرعون، نسبت به غفران و آمرزش الهی اظهار امیدواری کردند.

۸ – تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

قالوا لاضیر . .. إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در

آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند; بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

آثار سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳ مشکلات و اضطرار ، زمینه امداد های ویژه غیبی برای مؤمنان صابر و تقواپیشه

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم

جمله <و یأتوکم من فورهم هذا>، می تواند اشاره به موارد اضطرار باشد و شرطی برای امداد خداوند به وسیله فرشتگانی که به نفع مسلمانان به پیکار برخیزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۲

۲ عنایت خداوند به پاکیزه و خالص کردن اهل ایمان ، با قرار دادن ایشان در هنگامه های دشوار

و تلك الايّام نداولها بين النّاس . .. و ليمحّص اللّه الّذين امنوا

ارزش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۸

۸ - تحمل دشواری ها در راه دین ، محفوظ در نزد خدا و مایه ارجمندی

قالوا لاضير إنّا إلى ربّنا منقلبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اگر رنج ها تأثیری در سرنوشت انسان و تقرّب وی به خدا نداشت، خود زیانی انکارناپذیر بود.

استقامت در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۷

۷ ضرورت استقامت مؤمنان در جهاد و هنگامه شدائد و سختیها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۵

۵ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، از ویژگی های لازم برای رهبران الهی

ألم نشرح لک صدرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۴

۴ - سختی ها ، هرگز نباید رهبران الهی را از توجّه به سهولت ها و امکانات موجود و دلگرم بودن به آنها باز دارد . *

فإنّ مع العسر یسرًا

کلمه <مع>، دلالت دارد که وجود <یسر عظیم> هم زمان با وجود <عسر> است; نه بعد از آن. و مراد از آن می تواند هم زمانی <عسر> با مقدّمات <یسر> باشد. و ممکن است در صدد بیان این حقیقت خارجی باشد که: هر گاه مشکلاتی پدیدار شد، توجّه به آن ذهن شما را به خود مشغول نسازد; بلکه به سهولت ها و امکانات فراوانی که در کنار آن، برای شما وجود دارد نیز توجّه داشته باشید. برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

اولیاء الله و سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۲ - ۱،۲

۱ اولیای خدا ، کسانی هستند که حوادث ناگوار روزگار در دیدگاه آنان ، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند .

ألا إن أولیاء اللّه لا خوف علیهم

<خوف> ; یعنی، انتظار وقوع امر ناخوشایندی را داشتن (مفردات راغب). برداشت فوق بر این اساس است که: چون زندگی در دنیا بیوقوع حوادث ناگوار خصوصاً برای بندگان مقرب خدا ممکن نیست، پس نفی خوف از آنان، قهراً به این معناست که حوادث دنیوی در

ذائقه آنان، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند.

۲ اولیای خدا ، کسانی هستند که هر آنچه حوادث روزگار از کفشان برباید ، غمی به دل راه نداده و غبار اندوه بر چهره شان نمی نشیند .

ألا إن أولیاء اللّه . .. و لا هم یحزنون

اهمیت رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۳

۳ - آسانی هایِ مقارن سختی ها ، مهم تر و افزون تر از آنها است .

فإنّ مع العسر یسرًا . إنّ مع العسر یسرًا

معرفه آوردن <العسر>، نشانگر آن است که مراد، همان <العسر> در آیه قبل است و چون <یسراً> نکره است، مفادی مغایر با <یسراً> در آیه قبل دارد. بنابراین مفاد دو آیه این است که برای هر <عسر>، دو <آسانی مهم> وجود دارد. با توجّه به این که دوبار ذکر کردن یک کلمه در این موارد، بر تکثیر دلالت دارد; می توان فهمید که هر سختی، به همراه خود آسانی های فراوانی یکی پس از دیگری به ارمغان می آورد.

پاداش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. أُولئک أصحب الجنّه ... و وصّینا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر

رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است; پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

تسهیل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۳

۳ - مشکلات و سختی ها ، زوال پذیراند و به سرعت تبدیل به آسانی خواهند شد .

فإنّ مع العسر یسرًا

مفاد این آیه را می توان نظیر آیه <سیجعل اللّه بعد عسر یسراً> (طلاق، آیه ۷) دانست; زیرا از دو عنوان <عسر> و <یسر> که نقیض یکدیگرانـد همواره تنهـا یکی صـادق است; بنـابراین تحقّق هر دو در یـک موضوع، نمی توانـد مراد باشـد; بلکه یا نزدیک بودن <یسـر> و ظهور مقدّمات آن مراد است و یا به وجود اموری آسان در کنار کارهای سـخت نظر دارد. برداشـت یاد شده براساس احتمال نخست است.

دعا در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۴

۴ - دعا به درگاه پروردگار ، نقطه امید پیامبران در اوج مشکلات

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۱،۲،۷

۱ - سختی ها ، همواره با آسانی هایی شگفت همراه است .

فإنّ مع العسر یسرًا

<العسر>، اسم جنس معرفه بوده و بر هر نوع سختى قابل تطبيق

است. <یسراً> اسم جنس نکره است و بر تفخیم و شگفتی دلالت دارد.

۲ - شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر (ص) و بلندآوازگی آن حضرت ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

ألم نشرح . .. و وضعنا... و رفعنا... فإنّ مع العسر یسرًا

جمله <فإنّ. ..> بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن <عسر> با <یسر> است. حرف <فاء>، بیان قانون را بر کاشف آن، تفریع کرده است; یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت; زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.

۷ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی اند .

فإنّ مع العسر یسرًا

مراد از <معیّت>، ممکن است سبب بودن <عسر> برای پیدایش <یسر> باشد. این نکته را نیز می تواند برساند که هر سختی در درون خود، سازندگی هایی دارد و تجربه هایی پدید می آورد که با توجّه به آنها، نباید از مواجه شدن با سختی ها هراسی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۱

۱ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی ها است .

انّ مع العسر یسرًا

راههای تسهیل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۵

۱۵ توکّل و اتکا به خداوندِ حامی مؤمنان ، عامل تقویت کننده بنیه روحی آنان در شرایط دشوار

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّه ولیّهما و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جمله <و علی اللّه . .. > پس از جمله <اذ همّت ...

ان تفشلا>، رهنمودی به عامل از بین برنده سستی در هنگامه های دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۳

۳ ایمانِ آدمی تبدیل کننده رنج ها و شکست ها به عوامل سازنده و خالص کننده

و تلك الایّام نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

مؤمنین به خاطر ایمانشان در هنگامه های فشار، به جای خردشدن، از آن عوامل برای رشد و ساخته شدن و خلوص خود کمک می گیرند.

زوال پذیری سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۳

۳ - مشکلات و سختی ها ، زوال پذیراند و به سرعت تبدیل به آسانی خواهند شد .

فإنّ مع العسر یسرًا

مفاد این آیه را می توان نظیر آیه <سیجعل اللّه بعد عسر یسراً> (طلاق، آیه ۷) دانست; زیرا از دو عنوان <عسر> و <یسر> که نقیض یکدیگرانـد همواره تنهـا یکی صـادق است; بنـابراین تحقّق هر دو در یـک موضوع، نمی توانـد مراد باشـد; بلکه یا نزدیک بودن <یسـر> و ظهور مقدّمات آن مراد است و یا به وجود اموری آسان در کنار کارهای سـخت نظر دارد. برداشـت یاد شده براساس احتمال نخست است.

سازندگی سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۹

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . .. و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جمله <و ما کان قولهم . .. >، می رساند که مجاهدان

راه خدا به هنگام درگیری با دشـمن، تنها به یاد خدا هسـتند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشـغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

سختی ها جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهمـا>، در عین اعتراض به گروههایی که قصـد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خـدا (ص) را داشـتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

سختی ها در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۴

۴ مصـیبت هـا و مشـکلات ، آنگـاه که در راه خـدا باشـد ، هرگز مردان الهی را به ضـعف و ناتوانی و تسـلیم در برابر دشـمنان نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

صبر در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲،۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۵ ناشکیبایی در برابر

هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کایّن من نبیّ قاتل . .. فما وهنوا ... و اللّه یحبّ الصّابرین

عوامل تحمل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۷

۷ – عقیده به معاد ، عاملی نیرومند در پایبندی انسان به ارزش ها و تحمل دشواری های ناشی از تعهد به آنها

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۸

۸ – تنها دل های محکم و مطمئن ، قادر بر انجام کار های سخت و مخاطره آمیز

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

اقدام مادر موسی به انداختن فرزند خویش در آب نیل، بیانگر مطلب یاد شده است.

عوامل رفع سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۹

۹ – دعا ، عامل رفع مشکلات و رنج های طاقت فرسا و باعث جلب رحمت و لطف الهی

إذ نادی ربّه . .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

عوامل سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۰ – ۷۸

۷ قطع دوستی مسلمانان با دشمنان دین ، دربردارنده ناگواریها

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا

توصیه به صبر و تقوا پس از دستور به قطع رابطه با دشمنان دین، اشاره به این حقیقت دارد.

۸ صبر و پایداری در برابر ناگواری های ناشی از قطع رابطه

دوستی با دشمنان دین ، عامل مصون ماندن جامعه ایمانی از کید و خیانت آنان

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا و تتقوا لایضرّکم کیدهم شیئاً

در برداشت فوق، متعلق <تتقوا> به قرینه صدر آیه، پرهیز از دوستی با دشمنان گرفته شده است.

فلسفه سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱۱،۱۰،۸،۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلیگرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

۱۱ انکار رسالت انبیا با توجیه پیدایش سختی های بیدارکننده به عواملی بی هدف ، موجب گرفتار شدن به عذاب الهی است .

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء فأخذنهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۷،۵

۵ سختی ها و آسایش ها ، اموری هدفدار و زمینه آزمون انسان ها از سوی خداوند است .

و بلونهم بالحسنت و السیئات

۷ تغییر و تحول در

زندگی انسان ها ، با روی آوری سختی ها و آسایش ها ، امری هشداردهنده و زمینه ساز روی آوری آنان به صواب و صلاح است .

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۷

۷- ابتلای اشخاص به انواع رنج ها ، گرفتاری ها و ناگواری ها ، دلیل بدی و فساد آنان نیست .

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیامبری چون ایوب(ع) نیز با داشتن منزلتی والا نزد خداوند، به رنج و مصیبت مبتلا شده بود.

قانونمندی رابطه سختی ها با آسانی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۲

۲ - جدایی ناپذیر بودن سختی ها از آسانی ، قانونی فراگیر است .

إنّ مع العسر یسرًا

تکرار نشدن <فاء> در این آیه که تأکید آیه قبل است محتوای آن را به غیر پیامبر(ص) نیز ارتباط داده است.

منشأ تأثیر سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۸

۸ - تأثیر سختی ها در پیدایش آسودگی ، وابسته به خداوند است .

ألم نشرح . .. و وضعنا ... و رفعنا ... فإنّ مع العسر یسرًا

آیات پیشین در حقیقت مصادیق این آیه را بیان کرده است. استناد آنها به خداوند، بیانگر آن است که همراه ساختن <عسر>

و <یسر>، کار او است.

منشأ تسهیل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ -

۵ - ۲۰

۵- تنها پروردگار جهان ، پناهگاه انسان ، در سختی ها و دشواری های زندگی است .

و إنّی عذت بربّی و ربّکم

ناپایداری سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۵

۵ ناپایداری مشکلات و ناملایمات و نیز رفاه ها و آسایش ها در زندگی آدمیان

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته

<ضراء> به معنای سختی و رنج است. به کارگیری واژه <مسّ> (لمس کردن و تماس گرفتن) برای گرفتار شدن به سختیها اشاره به این نکته دارد که: رنجها و سختیها معمولاً دایمی و پایدار نیستند و تعبیر <چشاندن> در مورد اعطای نعمتها، حاکی از زودگذری آنهاست.

نقش سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۴،۷

۴ - سختی ها ، هرگز نباید رهبران الهی را از توجّه به سهولت ها و امکانات موجود و دلگرم بودن به آنها باز دارد . *

فإنّ مع العسر یسرًا

کلمه <مع>، دلالت دارد که وجود <یسر عظیم> هم زمان با وجود <عسر> است; نه بعد از آن. و مراد از آن می تواند هم زمانی <عسر> با مقدّمات <یسر> باشد. و ممکن است در صدد بیان این حقیقت خارجی باشد که: هر گاه مشکلاتی پدیدار شد، توجّه به آن ذهن شما را به خود مشغول نسازد; بلکه به سهولت ها و امکانات فراوانی که در کنار آن، برای شما وجود دارد نیز توجّه داشته باشید. برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

۷ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی اند .

فإنّ مع العسر یسرًا

مراد از <معیّت>،

ممکن است سبب بودن <عسر> برای پیدایش <یسر> باشد. این نکته را نیز می تواند برساند که هر سختی در درون خود، سازندگی هایی دارد و تجربه هایی پدید می آورد که با توجّه به آنها، نباید از مواجه شدن با سختی ها هراسی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۶ - ۱،۴

۱ - سختی ها ، زمینه ساز آسانی ها است .

انّ مع العسر یسرًا

۴ - < عن جعفربن محمد (ع) . . . انّ إمرأه استَعْدَتْ علی زوجها أنّه لا يُنفِق علیها و کان زوجها معسراً فأبی علی (ع) أن یَحبِسه فقال : < إنّ مع العسر یسراً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: زنی علیه شوهر خود اقامه دعوی کرد که نفقه او را نمی دهد. شوهر این زن تنگدست بود; پس حضرت علی(ع) از زندانی کردن شوهر خودداری ورزید، آن گاه فرمود: <إنّ مع العسر یسراً>.

سخن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سخن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۸

۸ ادب حضرت مریم (ع) ، در مقابل تکلّم با خداوند

قالت ربّ . .. و لم یمسسنی بشر

از آمیزش، تعبیر به ملاقات و مسّ شده است.

آثار استواری در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۱ - ۴

۴ - تقواپیشگی و درست و استوارگویی ، دارای فایده ای است که به صاحبان آنها برمی گردد .

اتّقوا اللّه و قولوا قولاً سديدًا . يصلح لكم ... و يغفر لكم

آثار استهزا

با سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۱ – ۴

۴ – طعن زنندگان به مردم با سخن یا اشاره ، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنّم

ویل لکلّ همزه لمزه

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه>; یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه>; یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

آثار اعراض از بهترین سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۲۱

۲۱ – گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها ، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم . .. الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

آثار اعراض از سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳ – ۱

۱ –

دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

<الذین> در آیه فوق عطف بر <الذین> در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای <المؤمنون> می باشد. <لغو> به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. <ال> در <اللغو>، <ال> جنس و مفید استغراق است. بنابراین <اللغو> شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

آثار انتخاب بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، از هدایت الهی برخوردارند .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه أُولئک الذین هدیهم اللّه

آثار تنوع در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۲

۲- تنوع و گوناگونی سخن ، دارای نقشی بس مؤثر در تأثیرپذیری انسان از آن

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا

از اینکه خداوند می فرماید: <ما آیات خود را برای تنبه مشرکان، متنوع و گوناگون بیان کردیم> می توان استفاده کرد که چنین بیانی، دارای نقشی بس مؤثر است.

آثار سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۱،۱۳،۱۷

۱۱ گفتار آدمی ، از جمله ابزار شناخت وضعیت درونی وی

قد بدت البغضاء من افواههم

از اینکه قصد اظهار نهان خویش را نداشتند، ولی از لابلای گفتارشان آشکار می گردد، برداشت فوق به دست می آید.

۱۳ کینه های نهانی و

قلبی بیگانگان نسبت به مؤمنان ، شدیدتر و عمیقتر از آن چیزی است که از لابلای گفتارشان آشکار می گردد .

قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر

۱۷ ضرورت بررسی گفتار و منویّات درونی بیگانگان (کافران) ، برای شناسایی توطئه های آنان علیه جامعه اسلامی

لا تتخدوا بطانه من دونکم لا یألونکم خبالا ودّوا ما عنتّم قد بدت البغضاء من افواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۲

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - گفتار ها ، دارای نقشی بسیار مؤثر در سرنوشت انسان و کسب رضایت و یا سخط خداوند

لاتنفع الشفعه . .. و رضی له قولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۷

۷- گفتار و موضع گیری های انسان در رابطه با دین ، دارای تأثیر عمیق بر روح و ایمان وی *

ذلک بأنّهم قالوا للذین کرهوا ما نزّل اللّه سنطیعکم فی بعض الأمر

از این که به زبان آوردن همدلی و هماهنگی با کافران، عامل ارتداد و یا عامل تسلّط شیطان بر انسان معرفی شده، می توان نتیجه گرفت که هرگونه سخن و موضع گیری انسان علیه دین، دارای آثار جدی بر روح و ایمان او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۶

۶- روحیات و خصلت های درونی انسان ، دارای ظهوری آشکار در سبک گفتار وی

و لتعرفنّهم فی لحن القول

خداوند با تأکید بیان کرده است

که: می توان منافقان را از شکل و محتوای سخنشان شناخت، از این سخن معلوم می شود که منافق، با تمام تلاش برای پنهان داشتن اسرار خود، ناخود آگاه سرّ درونش بر شیوه گفتارش تأثیر می گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۸ - ۲

۲ سخنان آدمی ، همانند سایر اعمال او ، مسؤولیت آفرین و مورد محاسبه

ما یلفظ من قول إلّا لدیه رقیب عتید

در آیه قبل، مسأله محاسبه و ضبط اعمال به صورت مطلق مطرح گردیده است و اکنون دراین آیه، ضبط و محاسبه گفتار، به انسان یادآوری شده است.

آثار سخن پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲- به کارگیری کلمات نیک و رفتار شایسته ، مانع نفوذ شیطان و از بین برنده زمینه های اختلاف و خصومت است . *

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

بنابر اینکه امر الهی به گفتار نیک، به منظور پیشگیری از نفوذ شیطان باشد، این برداشت به دست می آید.

آثار سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفّت بار الهی

فلاتطع المکذّبین . .. کلّ حلّاف مهین ... عتلّ بعد ذلک زنیم ... سنسمه علی الخرطوم

آثار سخن لغو

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۴

۴ - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

آثار سخن موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱

۱ - برخی از فرعونیان در پی سخنان موسی (ع) ، به آن حضرت گرایش پیداکرده ، و موجب بروز تنش در میان فرعونیان گردیدند .

فتنزعوا . .. قالوا إن هذن لسحرن

فاعل <قالوا> به قرینه <فأجمعوا کیدکم> (در آیه بعد) گروهی از فرعونیان بودند که با گروهی دیگر از خودشان به گفت وگو پرداختند. آیه قبل نیز به این معنا تصریح دارد که در میان فرعونیان مشاجره ای پدید آمد. این مشاجره در باره موسی(ع) بوده و فاعل <قالوا> سعی در توجیه گروه دوم داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۲

۲ - اختلاف و تشتت فرعونیان پس از سخنان موسی (ع) ، خطری جدی و زمینه ساز تضعیف جبهه آنان ، در میدان مقابله بود .

ویلکم . .. قالوا ... فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

آیات یاد شده، جملگی نشانگر تلاش جدی فرعونیان برای حفظ اتحاد خود در برابر موسی(ع) است و از زاویه دیگر، حکایت از خطری دارد که به خاطر بروز اختلاف، آنان را تهدید می کرده است.

آثار سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۳

- ۹،۱۱

۹- سخنان ناشایست و مشاجرات مردم ، بستر مناسب برای شیطنت ، فریب و فسادانگیزی شیطان

یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

۱۱- خارج شدن از جاده صواب در گفتار ، پیامد وسوسه ها و تلاش های شیطان است .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

سفارش به گفتار پسندیده و نیکو، و سپس تعلیل به <إن الشیطان ینزغ . ..> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

آثار فصاحت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قیافه زیبا و کلام شیوا ، در جذب و جلب افراد

و إذا رأیتهم تعجبک أجسامهم و إن یقولوا تسمع لقولهم

آثار نرمی سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۸

۸ - گفتار همراه با ملاطفت و مهر در تبلیغ ، زمینه بیشتری برای تأثیر است .

فقولا له قولاً لیّنًا لعلّه یتذکّر أو یخشی

<لعلّ> در کلام خداوند، به معنای امیدواری او نیست; بلکه مراد این است که هر شخصی که آن شیوه گفت وگو را ببیند، امیدوار خواهد شد.

آثار نرمی سخن موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۴ – ۲

۲ – سخنان نرم موسی و هارون (ع) ، زمینه ای مناسب برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فقولا له قولاً ليّنًا لعلّه يتذكّر أو يخشى

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی

ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعلّه...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و یالااقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

آثار نرمی سخن هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۴ – ۲

۲ – سخنان نرم موسی و هارون (ع) ، زمینه ای مناسب برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فقولا له قولاً لیّنًا لعلّه یتذکّر أو یخشی

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعلّه...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و یالااقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

آداب سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۲۶

۲۶ – جابر از امام باقر (ع) درباره < و قولوا للناس حسناً > روایت نموده که فرموده است : < قولوا للناس أحسن ما تحبون أن یقال لکم . . . ;

بهتر از آن گونه که می خواهید با شما سخن گفته شود با مردم سخن گوئید . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۲ – ۱۲

۱۲ حُسن رعایت عفّت کلام

و یسئلونک عن المحیض

از تصریح

نکردن قرآن به کلماتی که خلاف عفت است (مثل عدم آمیزش که از آن تعبیر به اعتزال کرده و یا فرج که از آن تعبیر به محیض در جمله دوّم و نیز در <من حیث امرکم اللّه> کرده)، حسن رعایت عفت کلام استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۵

۵ رعایت عفّت کلام ، از آداب بیان احکام

ما لم تمسّوهنّ

با توجه به اینکه از آمیزش جنسی به <مسّ> (تماس گرفتن) تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۴،۵

۴ ادب زکریا در مقام تکلّم با خداوند

و قد بلغنی الکبر

جمله <و قد بلغنی الکبر>، کنایه از ناتوانی بر آمیزش جنسی است.

۵ لزوم رعایت ادب در گفتار با خداوند

و قد بلغنی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ لزوم برخورد نیک و گفتار صواب و متین با یتیمان

و لیقولوا قولا سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۷

۷ پرهیز از صراحت گویی در بیان مسائل جنسی ، امری نیکو و پسندیده

و قد افضی بعضکم الی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱،۲،۴

۱- پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ این پیام به بندگان که آنان باید بهترین گفتار را برای گفتن برگزینند .

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

۲- مؤمنان ، موظف به انتخاب بهترین

شیوه ها در گفتار و برخوردشان با مشرکان و کافران

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر شأن نزولی است که در آن آمده است: مؤمنان در برابر اهانت و آزارهای مشرکان، تصمیم به برخورد شدید گرفتند (مجمع البیان ج،۶ ص ۵) و خداوند پیامبر(ص) را موظف فرمود که به آنان اعلام کند: بهترین گفتار را انتخاب کنید.

۴- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر(ص) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: <شما بهترین را بگویید>. از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۷

۷- کسانی که گفتن < إن شاء اللّه > را فراموش کنند ، باید گرچه با تعبیری دیگر ذکر خدا را به زبان آورند .

إلّا أن یشاء اللّه واذکّر ربّک إذا نسیت

متعلق نسیان ، به قرینه <إلّا إن یشاء اللّه> ، می تواند گفتنِ <إن شاء اللّه> باشد. جمله <اذکر ربّک> مطلق است، بنابراین، برای تدارک <إن شاء اللّه> انتخاب هر لفظی که نشانِ توجه به خداوند و حاکمیّت اراده او باشد، ثمربخش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۳

۳ - معرفی خود به مخاطب در آغاز گفت وگو ، از آداب مکالمه و هم صحبت شدن با دیگران است .

یموسی . .. إنّنی أنا اللّه

خداوند با ندای <یا موسی>

به او فهمانـد که نـام وی را می دانـد، آن گـاه در نخستین سـخنان خود با موسـی(ع)، خود را به او معرفی کرد تا گفت و گو با شناخت طرفین ادامه یابد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۲۰

۲۰ – سلام در پایان سخن ، شعار موسی و هارون (ع) *

والسلم علی من اتبع الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۱۱

۱۱ < فی مجمع البیـان فی قوله تعـالی : < و إذا مرّوا بـاللغو مرّوا کرامـاً > . . . و قیل هم الـذین إذا أرادوا ذکر الفرج کنوا عنه عن أبی جعفر (ع) ;

امام باقر(ع) در باره سـخن خداونـد <و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً> فرمود: آنان کسانی اند که به هنگام نام بردن از عورت، با کنایه از آن نام می برند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۰ – ۵

۵ – نام خداوند ، بهترین سرآغاز هر سخن و نامه و هر کار و برنامه

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم. .. و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحیم

با توجه به این که سـلیمان(ع) به عنوان پیامبر، نامه اش را با نام خدا آغاز کرده و خداوند آن را به عنوان یک ارزش یاد نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۵ – ۵

۵ – رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ،

امری ستوده و مورد توصیه خداوند

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۴،۸،۱۱

۴ – کاستن از طنین صدا ، از سفارش های لقمان به پسر خویش است .

و اغضض من صوتک

۸ – تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن ، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است . *

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

آیه، می توانـد به واقعیت خارجی اشاره داشـته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سـر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

۱۱ – تعالیم دین ، حتی ساده ترین رفتار اخلاقی را مانند کیفیت راه رفتن و سخن گفتن دربردارد .

ینبیّ . .. و لاتصعّر خدّک للناس ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۲۳

۲۳ – شایسته است که به هنگام سخن گفتن از مسایل جنسی ، به کنایه سخن گفته شود و ادب کلام ، مراعات گردد .

فلمّا قضی زید منها وطرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱ – ۱

۱ مؤمنان ، مورد نهی الهی از سبقت جستن بر خدا و رسول ، در گفتار و رفتار

یأیّها الذین ءامنوا لاتقدّموا بین یدی اللّه و رسوله

آرایش سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ آرایش و پیرایش گفته ها و نوشته

ها و تبلیغات دارای نقشی مؤثر

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول

ابلاغ سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

<فتح> به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام مراد از آن معنای سوم است.

اجتناب از استماع سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۴

۴ - پرهیز از گوش دادن به سخنان یاوه و دروغین ، حالتی پسندیده است .

لایسمعون فیها لغوًا

اجتناب از خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

اجتناب از سخن باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۲

۲ قرآن ، فراخوان اهل کتاب به خودداری از گفتار باطل درباره خداوند

یاهل الکتب . .. لاتقولوا علی اللّه الا الحق

اجتناب از سخن بی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۳ – ۲

۲ – لزوم پرهیز أکید انسان مؤمن

، از گفتن چیزی که قصد انجام دادن آن را ندارد و یا نمی تواند آن را انجام دهد .

کبر مقتًا عند اللّه أن تقولوا ما لاتفعلون

اجتناب از سخن بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۸

۸- لزوم مواظبت بر گفته ها و پرهیز از اظهار نظر های بی برهان

سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب

تهدید به عذاب در مورد ادعاهای بی جا، دلیل مسؤولیت آوربودن سخن و لزوم مراقبت انسان بر گفته های خود و پرهیز از عواقب ناگوارِ ادعاهای بی دلیل است.

اجتناب از سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۲

۲ - لزوم پرهیز از زراندوزی ، سخن چینی و تمسخر مردم

همزه لمزه . الذی جمع مالاً ... کلّا

اجتناب از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - همسران پیامبر ، به بر زبان جاری ساختن سخنانی درخور شأن شان و به دور از هرگونه خواسته و یا سخن بیهوده ، موظف بودند .

و قلن قولاً معروفًا

احتمال دارد که مراد از <قول معروف> به قرینه <إن کنتنّ تردن الحیاه الدنیا> خواسته ها و سخنانی باشد که در شأن

همسری پیامبر نبوده و پرهیز از سخن گفتن باطل و پوچ باشد.

اجتناب از سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۶

۶ ضرورت پرهیز از هرگونه سخن نابحق درباره خداوند

و لاتقولوا علی اللّه الا الحق

اجتناب

از سخن ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۰

۲۰ ضایع نساختن اموال یتیمان، عدالت در داد و ستد، پرهیز از سخنان نابحق و پایبند بودن به پیمانهای الهی، از توصیه های خداوند به انسانها

و لاتقربوا مال الیتیم . .. ذلکم وصیکم به

ادب در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۴

۱۴ لزوم برخورد شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با سفیهان

و قولوا لهم قولا معروفاً

در برداشت فوق کلمه <قولاً> به معنای کنایی آن، یعنی مطلق معاشرت (سخن و رفتار)، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۴

۴ لزوم رعایت ادب در گفتار

و قولوا لهم قولا معروفاً

<قول معروف>، به معنای گفتاری است که در شرع و عرفِ مردم پسندیده باشد، که از آن به گفتار مؤدبانه تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۶،۲۷

۲۶ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء احد منكم من الغائط او لمستم النساء

۲۷ یاد کردن از مسائل جنسی و مانند آن ، باید با زبان کنایه و در لفافه باشد .

او جاء احد منكم من الغائط او لمستم النسساء

ادب سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۲

۲۲ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء أحد

منکم من الغائط او لمستم النساء

<غائط> به معنای گودال است و آمدن از گودال، کنایه از خروج بول و مدفوع است و <المس> به معنای تماس، کنایه از جماع و نزدیکی است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که درباره <او لامستم النساء> فرمود: هو الجماع و لکن اللّه ستیر یحب الستر فلم یسم کما تسمون.

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

ارزش سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۵

۵ ارزشمندی سخن نیک با مردم و پرده پوشی اسرار آنان در برخورد های اجتماعی

قول معروف و مغفره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۷

۷- ارزش سخن ، به ریشه داشتن آن در علم و آگاهی است .

ما لهم به من علم . .. کبرت کلمه تخرج من أفوههم

استماع بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۷

۱۷ - گوش سپردن به سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، نشانه عقل سلیم و خرد ناب است .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

استماع سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱،۱۴

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ بشارت الهی به بندگانی که به سخنان دیگران گوش فرا می دهند و آن گاه از بهترین آنها پیروی می کنند .

فبشّر عباد . الذین یستمعون القول

فیتّبعون أحسنه

۱۴ - شنیدن سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، تنها راه مطمئن و خردورزانه برای دستیابی به حقایق الهی

الذین یستمعون القول . .. أُولئک الذین هدیهم اللّه و أُولئک هم أُولوا الألبب

استماع سخن حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۸

۱۸ حرمت گوش سپردن به سخنان حرام و شنودن آنچه موجب غضب خداوند است .

و قد نزل علیکم فی الکتب أن إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها

امام صادق(ع): . .. و فرض علی السمع ان یتنزه عن الاستماع الی ما حرم اللّه ... و الاصغاء الی ما اسخط اللّه عز و جل فقال فی ذلک: و قد نزل علیکم فی الکتب ان اذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم ... .

کافی، ج ۲، ص ۳۵، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۲۵.

استماع سخن زیردستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - لزوم گوش فرا دادن به سخنان زیردستان و مأموران ، در باره مشکلات ونارسایی هایشان و دلجویی کردن از آنان با اطمینان دادن به رفع آنها

قال ربّ إنّی أخاف أن یکذّبون . .. و لهم علیّ ذنب... قال کلّا فاذهبا بایتنا إنّ

استماع سخن کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۷

۷ لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخداد ها و دریافت ها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إنى رأيت

استواری در سخن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۰ – ۴،۵،۶

۴ – مؤمنان ، موظف اند که در گفتار خود ، سخن ، درست و استوار بگویند .

و قولوا قولاً سدیدًا

۵ – اجتناب از اتهام به پیامبر (ص) و ادای سخنی آزار دهنده بر آن حضرت ، استوارگویی است .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی فبرّأه اللّه . .. و قولوا قولاً سدیدًا

۶ – استوارگویی در سخن ، از مصداق های تقوا است .

اتّقوا اللّه و قولوا قولاً سدیدًا

بنابراین که ذکر <قولوا. ..> پس از دعوت به تقوا، ذکر خاص پس از عام باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

اعتدال در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۵

۵ – توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

اعراض از سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳ – ۳

۳ – اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۵،۶،۱۰

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا

باللغو مرّوا کرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۱۰ < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . و فرض علی السمع أن یتنزه عن الإستماع إلی ما حرّم اللّه . . . فقال فی ذلک : . . . و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . ..[خداوند] بر گوش فرض نموده که از شنیدن آنچه حرام گردیده، پرهیز کند... پس در این باره فرموده است:... <و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً...>.

امتحان با سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۹،۱۰

۹- اقرار ها و سخنان انسان ، مورد آزمون الهی در صحنه عمل (جهاد و صبر)

و نبلوا أخبارکم

از جمله مصادیقِ <أخبار> اقرارها، ادعاها و سخنانی است که مردم در مقام اظهار ایمان و بندگی بر زبان جاری می کنند و از درون خویش خبر می دهند.

۱۰- اعمال مؤمنان ، چونان سخنان و اقرار های آنان ، مورد آزمون الهی است . *

و نبلوا أخبارکم

کلمه <أخبار> می تواند به معنای اعمال مؤمنان باشد که معمولاً ـ در منظر دید همگان قرار می گیرد. در این صورت از ارتباط <نبلوا أخبارکم> با صدر آیه، استفاده می شود که اولاً مدعیان ایمان، آزمایش می شوند تا اهل عمل و صبر شناخته شوند و ثانیاً اهل عمل و جهاد و صبر نیز آزمایش می شوند تا مراتب خلوص و ارزش هر عمل مشخص گردد.

امتناع از سخن

خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۹ – ۱۳

۱۳ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <الذین کذبوا بایاتنا صم و بکم> یقول: <صم> عن الهدی و <بکم> لایتکلمون بخیر <فی الظلمات> یعنی ظلمات الکفر . .. .

از امام باقر(ع) درباره آیه <الذین کذبوا بایاتنا . ..> روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از (شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر ... .

انتخاب بهترین سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۷،۱۰،۱۴،۱۷

۷ – لزوم جست وجو و نقد و بررسی سخنان و گزینش بهترین آنها

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

۱۰ – انتخاب بهترین عقیده و برترین سخن در باب تعالیم دینی ، از ویژگی های مؤمنان و خردمندان است .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در توصیف مؤمنان و خردمندان می باشد (که در ذیل آیه از آن یاد شده است).

۱۴ – شنیدن سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، تنها راه مطمئن و خردورزانه برای دستیابی به حقایق الهی

الذین یستمعون القول . .. أُولئک الذین هدیهم اللّه و أُولئک هم أُولوا الألبب

۱۷ – گوش سپردن به سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، نشانه عقل سلیم و خرد ناب است .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱

۱ - عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه

، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقواپیشگان

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه . .. الذین یستمعون القول .

<الـذین اتّقوا ربّهم> بیـان تفصـیلی برای آن دسـته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصـیف شـده انـد; یعنی، <الـذین اجتنبوا الطاغوت. .. الذین یستمعون القول...>.

اولین سخن خدا با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۸

۸ - بیان تسبیح و تنزیه خداوند ، در نخستین مکالمه او با موسی

نودی . .. و سبحن اللّه ربّ العلمین

اولین سخن موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - اقرار به یگایگی پروردگار هستی و اعلام پیامبری خویش ، نخستین سخن موسی (ع) در برابر فرعون و فرعونیان

فقال إنّی رسول ربّ العلمین

اهمیت اجتناب از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۳

۳ - لزوم پرهیز از گفتن سخن های یاوه و زشت

لایسمعون فیها لغوًا

توصیف بهشتیان به خصلت های نیک، ترغیب به کسب آن صفات در دنیا است.

اهمیت اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۲

۲- پرهیز از هرگونه سخن لغو و بیهوده ، لازم است .

لایسمعون فیها لغوًا

اوصاف بهشتیان علاوه بر جنبه توصیفی، می تواند حاوی توصیه ها و نکته هایی; از جمله زشتی سخن بیهوده و کار لغو و ضرورت پرهیز از آن باشد.

اهمیت تحلیل سخن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۷

۷ - لزوم جست وجو و نقد و بررسی سخنان و گزینش بهترین آنها

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

اهمیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۸ - ۳

۳ گفتار آدمی ، دارای اهمیّتی ویژه در مقایسه با سایر اعمال وی

ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید

از اختصاص به ذکر یافتن <ما یلفظ. ..>، اهمیت و ویژگی گفتار استفاده می شود.

اهمیت سخن پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۴

۴- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر(ص) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: <شما بهترین را بگویید>. از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

اهمیت مراقبت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱ – لزوم مراقبت دقیق انسان بر گفته های خویش و پرهیز از سخنانی که موجب سخط خداوند است .

و رضی له قولاً

برهان در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۹ – ۹

۹– ادعا و سخن در باره معارف دینی و آثار مثبت و منفی آن ، باید مستند به علم و حجت باشد .

کفر بأیتنا و قال . .. سنکتب ما یقول و نمدّ له من

العذاب مدًّا

بهترین سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۳ – ۱،۲

۱– پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ این پیام به بندگان که آنان باید بهترین گفتار را برای گفتن برگزینند .

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

۲– مؤمنان ، موظف به انتخاب بهترین شیوه ها در گفتار و برخوردشان با مشرکان و کافران

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر شأن نزولی است که در آن آمده است: مؤمنان در برابر اهانت و آزارهای مشرکان، تصمیم به برخورد شدید گرفتند (مجمع البیان ج،۶ ص ۵) و خداوند پیامبر(ص) را موظف فرمود که به آنان اعلام کند: بهترین گفتار را انتخاب کنید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۳

۳– سفارش به انتخاب بهترین و شایسته ترین گفتار ها ، برخاسته از علم همه جانبه خداوند به احوال انسانهاست .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن . .. ربّکم أعلم بکم

ذکر <ربّکم أعلم بکم>، پس از توصیه به گزینش بهترین سخن در گفتار به منزله تعلیل است; یعنی، چون خداوند به احوال انسانها آگاه است، چنین توصیه ای می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۹،۱۸

۹ – اسلام ، برترین عقیده و بهترین سخن در باب دین

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

مقصود از سـخن در آیه شـریفه و گزینش بهترین سخنان، آن سخنی است که درباره مسائل دینی است. بنابراین مصداق اصلی و مورد نظر بهترین سخن، مکتب اسلام خواهد بود که دین منتخب

قرآن است.

۱۸ - بهترین و برترین سخن ، نشانه حقانیت آن و الزام آور برای انسان

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئك هم أُولوا الألبب

توصیه خداوند به اهل ایمان مبنی برگزیدن و پیروی کردن بهترین سخن، بیانگر این حقیقت است که هرگاه مؤمنان به چنین سخنی دست یافتند، برای آنان حجت و الزام آور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۲

۲ - قرآن ، حاوی بهترین سخن درباره دین و هدایت مردمان

اللّه نزّل أحسن الحدیث

مقصود از <أحسن الحدیث> قرآن کریم است و چون موضوع کتاب های آسمانی، دین و هدایت مردمان می باشد، قهراً بهترین بودن قرآن در رابطه با موضوع خودش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحدیث . .. لعلّهم یتذکّرون . قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۱

۱ - سخنی که در راستای دعوت مردم به سوی خداوند ایراد شود ، بهترین و زیباترین گفتار است .

و من أحسن قولاً ممّن دعا إلی اللّه

بهشتیان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۱

۱– در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده . .. لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، کلام و یا هر

چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث به قرینه <استماع> مراد از <لغو> کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۵،۶،۷

۵ - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است .

لایسمعون فیها لغوًا

۶ - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذّابًا

<کذّاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذّاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود; زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

۷ - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأسًا دهاقًا . لایسمعون فیها لغوًا و لا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

بی عدالتی در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ بی عدالتی در سخن گفتن از محرمات الهی است.

تعالوا أتل ما حرم ربکم . .. و إذا قلتم فاعدلوا

پاداش اجتناب از سخن باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ،

حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئك یجزون الغرفه

پیروی از بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ بشارت الهی به بندگانی که به سخنان دیگران گوش فرا می دهند و آن گاه از بهترین آنها پیروی می کنند .

فبشّر عباد . الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

تحریف سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱،۳،۴

۱ عالمان یهود ، تحریف کننده حقایق و سخنها

من الذین هادوا یحرّفون الکلم عن مواضعه

<کلم> (جمع کلمه) به معنای سخن است که به مناسبت مورد، حقایقی است که تحریف آن در گمراه ساختن مسلمانان مؤثر بوده است.

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها ، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . .. من الذین هادوا یحرّفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

۴ تحریف و تحلیل ناصواب گفته ها ، نمونه ای از دشمنی یهود با مسلمانان

و اللّه اعلم باعدائکم . .. یحرّفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون . .. > پس از بیان دشمنی یهود، به منزله دلیل

و نشانه ای برای اثبات عداوت عالمان یهود نسبت به مسلمانان است.

ترک سخن بی علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۲ – ۱۰

۱۰– ارشاد مردم به ترک اظهارنظر های بی پایه در باره حقایق و احاله علم آن به خداوند ، وظیفه ای است برعهده رهبران الهی .

سیقولون . .. قل ربّی أعلم بعدتهم

تشویق به استماع سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۵ – ۴

۴ – برانگیختن مخاطب ، به دقت در گفتار و تشویق او به شنیدن گزارش ، روشی مطلوب در شیوه اطلاع رسانی است .

هل ءاتیک حدیث موسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱ – ۴

۴ – برانگیختن مخاطب به دقت در گفتار و تشویق او به شنیدن گزارش ، روشی مطلوب در شیوه اطلاع رسانی است .

هل أتیک

تشویق به تعقل در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱ – ۴

۴ – برانگیختن مخاطب به دقت در گفتار و تشویق او به شنیدن گزارش ، روشی مطلوب در شیوه اطلاع رسانی است .

هل أتیک

تشویق به سخن پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۹

۹- ترغیب مشرکان از سوی خدا ، به ر ها کردن شیوه های خصمانه و انتخاب بهترین سخنان در برخورد با پیامبر (ص) و قرآن

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن . .. إن یشأ یرحمکم أو إن

یشأ یعذّبکم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <عبادی> در آیه قبل و مخاطب در این آیه، مشرکان باشند و خداوند از آنان خواسته است که در برخورد با پیامبر(ص) و مؤمنان، بهترین سخنان را برگزینند و از خصومت با آنان دست بردارند.

تعقل در سخن دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۶

۶ - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذّب بالصدق إذ جاءه

توصیه به سخن پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۳

۳- سفارش به انتخاب بهترین و شایسته ترین گفتار ها ، برخاسته از علم همه جانبه خداوند به احوال انسانهاست .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن . .. ربّکم أعلم بکم

ذکر <ربّکم أعلم بکم>، پس از توصیه به گزینش بهترین سخن در گفتار به منزله تعلیل است; یعنی، چون خداوند به احوال انسانها آگاه است، چنین توصیه ای می کند.

ثبت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۲

۲- گفته ها و ادعا های ناروای آدمیان ، به فرمان خداوند نوشته و ثبت می گردد .

کلاّ سنکتب ما یقول

<سنکتب ما یقول> به قرینه حرف <سین> در <سنکتب> و مضارع بودن <یقول>، مربوط به گفتار ناروایی است که در

آینـده از شـخص کافر صادر می شود; ولی از دخیل نبودن زمان آینـده در اسـتحقاق مجازات، می توان فهمیـد که ثبت گفتار گذشته او نیز مورد نظر

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ – گفته ها و باور های انسان ، مورد ثبت و ضبط قرار می گیرد .

ستکتب شهدتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۸ – ۵

۵ < عن أبی عبداللّه (ع) قال : إنّ المؤمنین إذا اعتنقا غمرتهما الرحمه . . . فإذا أقبلا علی المسائله قالت الملائکه بعضها لبعض تنحّوا عنهما فإنّ لهما سرّاً و قد ستر اللّه علیهما . قال اسحاق : فقلت : جعلت فداک فلایکتب علیهما لفظهما و قد قال اللّه عزّوجلّ : < ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید . . . > ؟ قال یا اسحاق إنّ اللّه تبارک و تعالی إنّما أمر الملائکه أن تعتزل عن المؤمنین إذا التقیا إجلالاً لهما . . . و یحفظه علیهما عالم السرّ و أخفی . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هر گاه دو نفر مؤمن معانقه کردند، رحمت خدا آنان را فرا می گیرد و هر گاه برای گفتوگو روبه رو شدند، فرشتگان بعضی به بعضی دیگر می گویند: از نزد آن دو کنار بروید; زیرا آن دو سرّی دارند که خداوند آن را مستور داشته است. اسحاق بن عمار می گوید: به امام (ع) گفتم: فدایت شوم پس لفظ آنان نوشته نمی شود با این که خداوند فرموده است: <ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید...>؟ امام فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرشتگان را امر فرموده که از مؤمنان هنگام ملاقات با یکدیگر (که

جز رضای خدا منظور نبوده)، از نزد آنان کنار روند و این امر برای تجلیل از مؤمنان است...; ولی الفاظ آنان را [خود خداوند] که عالم نهان و نهان تر [از اسرار]است، محفوظ می دارد...>.

جذابیت سخن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۶

۶ - گیرایی و جذابیت شدید سخنان پیامبر اسلام و دعوت او برای مردم

و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر

شاعر دانستن پیامبراسلام(ص)، گویای جذابیت سخنان آن حضرت است.

حجیت سخن اهل خبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۵

۱۵- اعتبار و حجیت سخن اهل خبره و اظهار نظر عالمان دینی

فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

برداشت یاد شده از لازمه فرمان خداوند مبنی بر رجوع به عالمان در مسائلی که شناخته شده نیست، استفاده می شود; زیرا الزام رجوع به دانشمندان بدون حجت و معتبر بودن اظهار نظر آنان، لغو خواهد بود و این از ساحت مقدس خدای حکیم به دور است.

حجیت سخن علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱،۵

۵- بهره مندی پیامبران از وحی ، وجه امتیاز و تفاوت آنان با سایر بشر

و ما أرسلنا قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم

۱- تمامی رسولان الهی ، از نوع بشر و جنس مرد بودند .

و ما أرسلنا قبلك إلاّ رجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۵

۵ - اعتبار و حجیت سخن و اظهار نظر متخصصان دینی و عالمان به کتاب

های آسمانی

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

حرمت اطاعت از سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۵

۵ - اطاعت و اجابت خواسته های سخن چینان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

حرمت سخن ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ بی عدالتی در سخن گفتن از محرمات الهی است.

تعالوا أتل ما حرم ربکم . .. و إذا قلتم فاعدلوا

حسابرسی سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۸ - ۲

۲ سخنان آدمی ، همانند سایر اعمال او ، مسؤولیت آفرین و مورد محاسبه

ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید

در آیه قبل، مسأله محاسبه و ضبط اعمال به صورت مطلق مطرح گردیده است و اکنون دراین آیه، ضبط و محاسبه گفتار، به انسان یادآوری شده است.

حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع

ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

خشونت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۸

۸ – تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن ، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است . *

و اغضض من صوتك إنّ أنكر الأصوت لصوت الحمير

آیه، می توانـد به واقعیت خارجی اشاره داشـته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سـر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

خیانت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۸ – ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ يبيتون ما لايرضى من القول

<اذ يبيتون>، حـاکی از انـدیشه خیـانت و گناه است. و جمله <ما لايرضـى>، تصـریح به ناخشـنودی خداونـد و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

دقت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۵ – ۱۱

۱۱ – لزوم دقّت در گفتار و پرهیز از ارائه تحلیل های نادرست

فيقول

رد خواسته های سخن چینان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۱ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سخن چینان

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

روش برخورد با سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۵،۶

۵ بندگان خالص

خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

روش سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۳ - ۶

۶- دین ، دارای برنامه و آموزه هایی برای شیوه سخن گفتن و تصمیم گیری انسان است .

و لاتقولنّ لشاْیء إنّی فاعل ذلک غدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۹

۹- ادعا و سخن در باره معارف دینی و آثار مثبت و منفی آن ، باید مستند به علم و حجت باشد .

کفر بأیتنا و قال . .. سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب مدًّا

زمینه اجتناب از سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۴

۴- توجه به علم و نظارت همه جانبه الهی به احوال آدمی ، برانگیزاننده وی به پرهیز از گفتار ناشایست

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن . .. ربّکم أعلم بکم

یادآوری علم همه جانبه خداوند به احوال آدمیان، پس از توصیه به گزینش بهترین گفتار، می تواند به این منظور باشد که توجه به این توصیه، بازدارنده انسان از گفتار ناشایست خواهد بود.

زمینه استماع سخن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۴

۴ - سخنان زیبا و

جذاب منافقان ، هر شنونده ای را به شنیدن آن وا می داشت .

و إن یقولوا تسمع لقولهم

خطاب در <تسمع>، عام است و اختصاص به شنونده خاصی ندارد.

زمینه استواری در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۰ – ۷

۷ – قرار گرفتن در صفوف مؤمنان ، مقتضی تقوا و استوارگویی است .

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا اللّه و قولوا قولاً سدیدًا

تکرار خطاب <یاأیّهاالذین آمنوا> می تواند به منظور تشویق و ترغیب ایمان آورندگان به اجرای فرمان به تقوا و استوارگویی باشد.

زمینه بی تأثیری سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳ – ۶

۶ – از دست دادن بردباری در برابر مخالفان ، زمینه ساز فروهشتن گفتار بایسته و مؤثر با آنان

إنّی أخاف أن یکذّبون . و یضیق صدری و لاینطلق لسانی

تقدم <أخاف أن یکذّبون> بر <یضیق صدری> و تقدم این بر <لاینطلق لسانی> می تواند حاکی از تقدم عینی و تأثیر تکذیب در ضیق صدر و نیز تأثیر این در عدم انطلاق زبان باشد.

زمینه دقت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۵ – ۴

۴ – برانگیختن مخاطب ، به دقت در گفتار و تشویق او به شنیدن گزارش ، روشی مطلوب در شیوه اطلاع رسانی است .

هل ءاتیک حدیث موسی

زمینه سخن بیجای دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، درپی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء

دشمنان و مخالفان دین

و اصبر علی ما یقولون

زمینه سخن ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۴

۱۴ حفظ منافع خویشان و یا دفع ضرر از آنان نباید آدمی را به ناحق گویی وادارد.

و إذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی

اسم <کان> ضمیری است که به <المقول له> و مانند آن، که از <إذا قلتم> به دست می آید، برمی گردد; یعنی هر چند آن کسی که سخن درباره او گفته می شود، خویشاوند گوینده باشد.

زمینه فهم سخن علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - تنها صبرپیشگان ، زمینه دار فهم و دریافت سخنان اهل معرفت اند .

و قال الذین أُوتوا العلم . .. و لایلقّیها إلاّالصبرون

ضمیر <یلقّاها> به سخنان فرزانگان بازمی گردد; یعنی، <و لایلقّی هذه المقاله إلاّالصابرون>.

زیباترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۱

۱ - سخنی که در راستای دعوت مردم به سوی خداوند ایراد شود ، بهترین و زیباترین گفتار است .

و من أحسن قولاً ممّن دعا إلی اللّه

سختی اجتناب ازسخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی

الأرض هونًا . .. و الذين لايشهدون الزور ... أَول

سخن آشکار انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۳

۳– احاطه علمی به گفتار نهان و آشکار آدمیان ، در انحصار خداوند است .

إن أدری . .. إنّه یعلم الجهر من القول

جمله <إنّه. ..> تعلیل برای عدم آگاهی پیامبر(ص) از زمان وقوع عذاب است و این حکایت از انحصار علم برای خدا دارد.

سخن آشکار کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۱

۱– خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

سخن آشکار مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۱

۱– خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

سخن از امورجنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۲۳

۲۳ – شایسته است که به هنگام سخن گفتن از مسایل جنسی ، به کنایه سخن گفته شود و ادب کلام ، مراعات گردد .

فلمّا قضی زید منها وطرًا

سخن انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴ – ۱

۱– آگاهی پروردگار به تمامی سخنان اهل زمین و آسمان

قال ربّی یعلم القول فی السماء والأرض

سخن انسان ها

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۱

۱ - خداوند ، به آنچه که آدمی می گوید و اظهار می کند ، آگاه است .

و إن تجهر بالقول فإنّه یعلم السرّ و أخفی

جمله <فإنّه یعلم. ..> جانشین جواب شرط <إن تجهر> است و معنای آیه این است که اگر سخن آشکار کنی [خدا می داند]، زیرا که او سرّ و مخفی تر از آن را می داند. دراین موارد، بیان علت از تصریح به جواب شرط بی نیاز می کند.

سخن اهل آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۱

۱- آگاهی پروردگار به تمامی سخنان اهل زمین و آسمان

قال ربّی یعلم القول فی السماء والأرض

سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۴،۲۶

۲۴ دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتری علی الله کذبا أو قال . .. بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

۲۶ استکبار زمینه سخن ناحق گفتن درباره خداوند است.

بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق و کنتم عن ءایته تستکبرون

سخن بی علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷ – ۱۲

۱۲ ضرورت پرهیز از گفتار ها و ادعا های مبتنی بر ظن و گمان *

ما لهم به من علم الا اتباع الظن

جمله <ان الذین . .. الا اتباع الظن> دارای لحنی است مذمت آمیز نسبت به کسانی که باورهایشان مبنی

بر ظن و گمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۲ – ۸

۸– سخن های نسنجیده بر زبان آوردن و اظهار نظر بدون شناخت و بررسی ، امری نکوهیده و ناروا است .

سیقولون . .. رجمًا بالغیب

سخن بی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۶ – ۱،۲

۱ – گفتار بدون عمل ، از ویژگی های شاعران گزافه گوی منحرف

و الشعراء . .. فی کلّ واد یهیمون . و أنّهم یقولون ما لایفعلون

۲ – زشتی دوگانگی و تضاد گفتار انسان با رفتار وی

و أنّهم یقولون ما لایفعلون

سخن بیجا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۸ – ۳

۳ – گفتگو درباره تغییر قبله و تعیین آن ، امری نابجاست .

و لکل وجهه هو مولّیها

هدف از تذکر این حقیقت که خداوند تعیین کننده قبله است – پس از بیان مخالفت اهل کتاب و تبلیغات آنان علیه تغییر قبله که طبعاً مشاجراتی را با مسلمانان در پی داشت – رساندن این معناست که: برای معتقدان به خدا شایسته نیست درباره تغییر و تعیین قبله به مشاجره بپردازند; زیرا خداوند تعیین کننده قبله است.

سخن بیجا درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۳

۳ - سخن نسنجیده و نابجا درباره خداوند ، نشانه سفاهت و کم خردی است .

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

<شطط>به سخن ظالمانه و به دور از حق گفته می شود. (مفردات راغب)

سخن بیجای دشمنان

محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، در دوره نخست رسالت خویش ، با گفته های نابجا و تبلیغات سوء دشمنان روبه رو بود .

و اصبر علی ما یقولون

سخن پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۴،۶

۴ - با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

<حسناً> مصدر است به معنای وصف (حَسَناً = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد; یعنی: <قولوا للناس قولا حسناً; با مردم سخن نیکو بگویید>. در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

۶ - گفتار نیک و معاشرت نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملتهای دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال است.

سخن پسندیده در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلاً سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلاّ قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

سخن پسندیده زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۶ – ۷

۷ – گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطیّبت للطیّبین و الطیّبون للطّیبت

سخن پسندیده مردان عفیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۶ – ۷

۷ – گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطیّبت للطیّبین و الطیّبون للطّیبت

سخن پسندیده مؤمنان اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۴ – ۶

۶ – تمجید خداوند از ایمان آوردگان از اهل کتاب به خاطر رفتار ، گفتار نیک آنان در مقابل گفتار و کردار بد دیگران

و یدروءن بالحسنه السیّئه

<حسنه> و <سیّئه> به معنای <بدی> و <نیکی> است و <ال> در آن دو برای جنس است. بنابراین مراد از <الحسنه> مطلق نیکی (رفتار و گفتار نیک) است و مراد از <السیئه> مطلق بدی (گفتار و کردار بد) می باشد.

سخن پنهان انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۳

۳– احاطه علمی به گفتار نهان و آشکار آدمیان ، در انحصار خداوند است .

إن أدری . .. إنّه يعلم الجهر من القول

جمله <إنّه. ..> تعليل برای عدم آگاهی پيامبر(ص) از زمان وقوع عذاب است و اين حكايت از انحصار علم برای خدا دارد.

سخن پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۰ - ۲

۲

خداوند ، به راز دل ها و سخنان ابراز نشده داناست .

سواء منكم من أسرّ القول

<اسرار> به معناى پنهان ساختن است. پنهان كردن سخن مى تواند به معناى ابراز نكردن و تلفّظ نكردن باشد و مى تواند به معناى در ملأ عام نگفتن و در خفا بيان داشتن باشد. برداشت فوق ناظر به معناى اول است.

سخن جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ - بى پايه و اساس خواندن اديان الهى ، سخنى برخاسته از جهل است .

كذلك قال الذين لايعلمون مثل قولهم

توصيف مشركان به بى دانشى، پس از بيان ادعاى آنان (بى اساس بودن دين يهود و نصارا) اشاره به اين حقيقت دارد كه: بى پايه شمردن اديان الهى، ريشه در جهل و نادانى دارد.

سخن جاهلانه درباره دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲۰

۲۰ سخن ناآگاهانه درباره دين تجاوزگرى است.

فكلوا . .. إن ربك هو أعلم بالمعتدين

سخن جنون آميز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - هشدار دادن به مردم از عذابى كه در پيش رو دارند ، در نگاه مردم مكه سخن جنون آميز تلقى مى شد .

ثمّ تتفكّروا ما بصاحبكم من جِنّه إن هو إلاّ نذير لكم بين يدى عذاب شديد

سخن چینان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۳

۳ – عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان

مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

سخن چینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

سخن چینی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

سخن چینی همسر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۶

۶ - همسر ابولهب ، زنی سخن چین و آتش بیار نزاع های مردم و تحریک کننده آنان به مخالفت با اسلام بود .

حمّاله الحطب

از آن جا که ابولهب، فردی ثروتمند و متشخص بود، ممکن است گفته شود که: توصیف همسر او به <حمّاله الحطب>، به معنای کنایی آن است که دعواها را شعلهور می ساخت.

سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۵،۹

۵ - هیچ کس در آخرت جز به اذن خداوند توان سخن گفتن ندارد .

لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

ضمیر فاعلی <لایتکلمون> اگر مخصوص روح و ملائکه باشد، دیگران به طریق اولی از سخن گفتن عاجزاند و اگر به فاعل <لایملکون منه خطاباً> نیز نظر داشته

باشد، همه موجودات را به صراحت شامل می شود.

۹ - رخصت یافتن از جانب خداوند برای سخن گفتن در قیامت ، نشانگر برخورداری از رحمت گسترده او است .

من أذن له الرحمن

سخن درباره قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۳

۳ - گفتگو درباره تغییر قبله و تعیین آن ، امری نابجاست .

و لکل وجهه هو مولّیها

هدف از تذکر این حقیقت که خداوند تعیین کننده قبله است - پس از بیان مخالفت اهل کتاب و تبلیغات آنان علیه تغییر قبله که طبعاً مشاجراتی را با مسلمانان در پی داشت - رساندن این معناست که: برای معتقدان به خدا شایسته نیست درباره تغییر و تعیین قبله به مشاجره بپردازند؛ زیرا خداوند تعیین کننده قبله است.

سخن رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۶

۶ - لزوم هماهنگی بین گفتار و کردار رهبران جامعه

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر علیها

سخن زیبای منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۶

۶ - منافقان ، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان ، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار ، خشک و بی روح اند .

کأنّهم خشب مسنّده

سخن عادلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۳،۵

۳ – نسبت دادن فرزند به پدرش ونه مرد دیگر ، عادلانه ترین کلام در پیش گاه خداوند است .

ادعوهم لأباءهم هو أقسط عند اللّه

۵ – کار و نظر عادلانه ، مطلوب خداوند

است .

هو أقسط عند اللّه

سخن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و کم أرسلنا . .. و لئن سألتهم من خلق ... لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

خداونـد در این آیه می فرمایـد: اگر از مشـرکان و دین نابـاوران سؤال شود که آفریـدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

سخن مربیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۶

۶ - لزوم هماهنگی بین گفتار و کردار رهبران جامعه

وأمر أهلک بالصلوه واصطبر علیها

سخن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ گفتار و کردار مریم (ع) هماهنگ با یکدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

<صدیق> به کسـی گفته می شود که سـخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با کردارش ثابت کند. (این

معنا را راغب از برخی اهل لغت نقل کرده است).

سخن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۲

۲- ملائکه ، بهره مند از نطق و کلام

لایسبقونه بالقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند به تمامی گفتار و

کردار ملائکه و گذشته و حال آنان آگاه است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

سخن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۹

۹ - چهره جدی و مصمم منافقان ، در مقام سخن و فاقد واقعیت در مرحله عمل

الذین نافقوا یقولون . .. لنخرجنّ ... و اللّه یشهد إنّهم لکذبون

تأکیدهای مکرر در <لنخرجنّ> و <لننصرنّکم>، چهره قاطع منافقان را در مرحله سخن می نمایانند و گواهی خداوند به سخن کذب آنان، عمل نکردن آنان را بیان می کند.

سخن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۳

۳- لزوم هماهنگی گفتار و کردارِ مؤمنان ، در راستای طاعت خداوند *

طاعه و قول معروف

در صورتی که <طاعه و قول معروف> مبتدا برای خبر محذوف باشد; از مجزا آمدن <طاعه> و <قول معروف> استفاده می شود که آنچه خداوند از انسان می خواهد، صرف طاعت عملی نیست; بلکه باید سخن انسان همراه با عمل وی، نیک و پسندیده باشد و در ضمنِ طاعت، اظهار ناراحتی نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- اعمال مؤمنان ، چونان سخنان و اقرار های آنان ، مورد آزمون الهی است . *

و نبلوا أخبارکم

کلمه <أخبـار> می توانـد به معنـای اعمـال مؤمنـان باشـد که معمولاً ـ در منظر دیـد همگـان قرار می گیرد. در این صورت از ارتباط <نبلوا أخبارکم> با صـدر آیه، اسـتفاده می شود که اولاً مدعیان ایمان، آزمایش می شوند تا اهل عمل و صبر شـناخته شوند و

ثانیاً اهل عمل و جهاد و صبر نیز آزمایش می شوند تا مراتب خلوص و ارزش هر عمل مشخص گردد.

سخن مؤمنان درباره محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۰ – ۸

۸ – در مقاطعی ، سخنانی از مؤمنان درباره پیامبر (ص) صادر می شد که زیبنده نبود . *

یأیّها الذین ءامنوا لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی . .. اتّقوا اللّه و قولوا قولاً

تکرار خطاب <یا أیّها الذین آمنوا> در دو آیه، به منظور تشویق مؤمنان به پرهیز از اذیت پیامبر(ص) و نیز گفتن سخنانی استوار و حق، اشعار دارد به این که آنان، گاهی سخنانی بیهوده درباره پیامبر(ص) می گفته اند.

سخن ناپسند زنان پلید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۶ – ۴

۴ – گفتار و سخن ناپسند و خباثت آلود ، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدسرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند .

الخبیثت للخبیثین و الخبیثون للخبیثت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <الخبیثات> و <الطیّبات> صفت برای موصوف محذوف <الکلم> باشد; یعنی، <الخبیثات من الکلم للخبیثین من الرجال و. ..>. گفتنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إنّ الذین یرمون المحصنات ...) و نیز ذیل آیه (أُولئک مبرّءون ممّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

سخن ناپسند کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۵ – ۱

۱ – خداوند ، آگاه به گفتار ناروای مشرکان و کافران

عليه دين

نحن أعلم بما يقولون

سخن ناپسند مردان پليد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۴

۴ - گفتار و سخن ناپسند و خباثت آلود ، تنها شايسته مردان و زنان خبيث (بدسرشت و بدكردار) است و از آنان سر مى زند .

الخبيثت للخبيثين و الخبيثون للخبيثت

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه <الخبيثات> و <الطيّبات> صفت براى موصوف محذوف <الكلم> باشد; يعنى، <الخبيثات من الكلم للخبيثين من الرجال و. ..>. گفتنى است سه آيه اخير كه در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاكدامن است (إنّ الذين يرمون المحصنات ...) و نيز ذيل آيه (أُولئك مبرّءون ممّا يقولون لهم) مؤيد همين برداشت است.

سخن ناپسند مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به گفتار نارواى مشركان و كافران عليه دين

نحن أعلم بما يقولون

سرزنش استماع سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲

۲ - سخن فاقد حسن و خوبى ، شايسته استماع و گوش سپردن نيست .

الذين يستمعون القول فيتّبعون أحسنه

به کار رفتن تعبیر <أحسن> (بهترین)، می تواند گویای این حقیقت باشد که سخنانی شایسته شنیدن است که در آنها حسنی وجود داشته باشد. در این صورت می توان از میان آنها، احسن و بهترین را برگزید و از آن پیروی کرد.

سرزنش سخن بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۲ - ۵،۶

- ۵

خداوند ، آن دسته از مؤمنان صدراسلام را که به گفته های خود عمل نمی کردند ، مورد سرزنش و نکوهش قرار داد .

یأیّها الذین ءامنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون

۶ - < عن رسول اللّه (ص) قال : . . .یابن مسعود : لاتکن ممّن یشدّد علی الناس و یخفّف عن نفسه ، یقول اللّه تعالی < لِمَ تقولون ما لاتفعلون > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . ..ای پسر مسعود! از کسانی مباش که [کار را] بر مردم سخت می گیرند و بر خود آسان. خدای تعالی می فرماید: لِمَ تقولون ما لاتفعلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۳ - ۱

۱ - گفتار های بدون عمل ، بس ناپسند و نفرت انگیز در نزد خداوند

کبر مقتًا عند اللّه أن تقولوا ما لاتفعلون

<مقت>، به معنای بغض و کینه شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. کبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه یحبّ ... کأنّهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش سخن بی منطق

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۸

۸- سخن های نسنجیده بر زبان آوردن و اظهار نظر بدون شناخت و بررسی ، امری نکوهیده و ناروا است .

سیقولون . .. رجمًا بالغیب

سرزنش سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۶

۶ - سخن چینی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ. .. مشّاء بنمیم

سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، صاحبان عقل سلیم و خرداند .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

<لُبّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل سلیم و خرد ناب است. گفتنی است تعریف دو جزء مبتدا (أُولئک) و خبر (هُم) مفید حصر است.

شاعران مؤمن و سخن بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

شرایط استماع سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲

۲ - سخن فاقد حسن و خوبی ، شایسته استماع و گوش سپردن نیست .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

به کار رفتن تعبیر <أحسن> (بهترین)، می تواند گویای این حقیقت باشد که سخنانی شایسته شنیدن است که در آنها حسنی وجود داشته باشد.

در این صورت می توان از میان آنها، احسن و بهترین را برگزید و از آن پیروی کرد.

شرایط تأثیر سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءی إلّا فرارًا

شرایط تأثیر سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ - رضایت خداوند ، شرط ثمربخشی گفتار انسان ها در قیامت

و رضی له قولاً

صبر بر سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۱

۱ - سعه صدر ، صبر و خویشتن داری در برابر سخنان ناشایست ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اصبر علی ما یقولون

صبر در اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم

کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

عدالت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۳

۳ توحید عبادی ، نفی شرک و ردّ حاکمیّت غیر خداوند ، گفتاری عادلانه و منصفانه

تعالوا الی کلمه سواء بیننا

. .. و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

<سواء>، به معنی <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۲

۲ نیکی به پدر و مادر، عدالت در داد و ستد، پایبند بودن به پیمانهای الهی و به عدل سخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

و بالولدین إحسناً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

عذاب سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۱

۱ - کسانی که درباره دیگران سخن چینی و بدگویی کرده ، آنان را با کنایه و اشاره مسخره می کنند ، گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ویل لکلّ همزه لمزه

<هُمَزَه>، به معنای شخصی است که با چشم و پلک و ابرو، به دیگران اشاره کرده و برای رساندن شرّ به آنان، سعایت و سخن چینی کند (قاموس). این وزن برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که آن کار به صورت عادت درآمده است. (مجمع البیان)

عفت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۲

۱۲ حُسن رعایت عفّت کلام

و یسئلونک عن المحیض

از تصریح نکردن قرآن به کلماتی که خلاف عفت است (مثل عدم آمیزش که از آن تعبیر به اعتزال کرده و یا فرج که از آن تعبیر به محیض در جمله دوّم و نیز در <من حیث امرکم اللّه> کرده)، حسن رعایت عفت کلام استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲

۵ رعایت عفّت کلام ، از آداب بیان احکام

ما لم تمسّوهنّ

با توجه به اینکه از آمیزش جنسی به <مسّ> (تماس گرفتن) تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ < فی مجمع البیان فی قوله تعالی : < و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً > . . . و قیل هم الذین إذا أرادوا ذکر الفرج کنوا عنه عن أبی جعفر (ع) ;

امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً> فرمود: آنان کسانی اند که به هنگام نام بردن از عورت، با کنایه از آن نام می برند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۹

۹ - باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

علم به سخن ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۰ - ۱

۱ خداوند به همه سخن ها پنهان و آشکارش آگاه است .

سواء منکم من أسرّ القول و من جهر به

آیه قبل گویای این است که آیه فوق درباره علم خداوند بحث می کند. بنابراین <سواء منکم ...> ; یعنی: <سواء منکم فی علمه>.

معانی الأخبار، ص۱۴۶، ح۱; تفسیربرهان، ج۲، ص۲۸۳، ح۶.

عمل به سخن خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۷

۷ - لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های

خود

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر عليها

وظیفه صبر شدید بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

عمل به محتوای سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۳

۳ - استماع سخنان و برگزیدن آنها ، باید به منظور عمل به مقتضیات آنها باشد ; نه برای صرف دانایی ، سرگرمی فکری و . . . .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

خداوند پس از طرح مسأله استماع سخنان، مسأله اتباع و پیروی کردن از بهترین آنها را یادآور شده است. این مطلب می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

عوامل اتقان سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۱

۱ - زبان عربی ، برخوردار از جاذبه و اتقان

و لو نزّلنه علی بعض الأعجمین

<أعجمین> می تواند جمع <أعجم> و یا جمع <أعجمی> باشد. در صورت دوم اصل آن <أعجمیین> است که یاء نسبت حذف گردیده است. به هر حال <اعجم> به کسی گفته می شود که در زبانش عُجمه (ابهام و گنگی) باشد (مفردات راغب) و این حکایت از اتقان، روشنی و گویایی و در نتیجه جاذبه زبان عربی دارد.

عوامل جذابیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۸ – ۱

۱ – زبان عربی ، برخوردار از جاذبه و اتقان

و لو نزّلنه علی بعض الأعجمین

<أعجمین> می توانـد جمـع <أعجم> و یـا جمـع <أعجمی> باشـد. در صورت دوم اصـل آن <أعجمیین> است که یـاء نسبت حذف گردیده است. به هر حال <اعجم> به کسی گفته می شود

که در زبـانش عُجمه (ابهام و گنگی) باشـد (مفردات راغب) و این حکایت از اتقان، روشـنی و گویایی و در نتیجه جاذبه زبان عربی دارد.

فریاد در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۸

۸ - تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن ، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است . *

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

آیه، می توانـد به واقعیت خارجی اشاره داشـته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سـر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

فلسفه استماع سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۴

۴ - عمل ، فلسفه هرگونه گفت وگو های علمی و نظریه پردازی ها است .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

کنایه در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۷

۲۷ یاد کردن از مسائل جنسی و مانند آن ، باید با زبان کنایه و در لفافه باشد .

او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النسساء

کیفر سخن بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۹ – ۴

۴- گفته ها و ادعا های بی اساس در مورد کفر و ایمان و آثار آنها ، دارای عقوبت و عذاب

سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب

گواه حقانیت سخن خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ أَوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء

لحن سخن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۴،۵

۴- تأکید خداوند ، بر توانایی پیامبر (ص) به شناخت منافقان از آهنگ سخنشان

و لتعرفنّهم فی لحن القول

از جمله معانی <لحن القول>، آهنگ سخن است.

۵- امکان شناسایی منافقان و بیماردلان از لحن گفتار آنان

و لتعرفنّهم فی لحن القول

محدوده حجیت سخن علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۵

۱۵- نظر عالمان در محدوده علمشان ، معتبر و قابل اعتماد است .

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

ارجاع ناآگاهان به اهل ذکر و عالمان، جهت کسب اطلاعاتی در زمینه انبیا و حقیقت پیامبری، حاکی از آن است که قول آنان دارای اعتبار است.

مراد از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳ – ۶،۷

۶ – < عن أميرالمؤمنين (ع) : كلّ قول ليس للّه فيه ذكر فلغو . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است: هر سخنى كه در آن ياد و ذكر خدا نباشد، لغو است. ..>.

۷ – < روى عن أبى عبداللّه (ع) انه قال : هو < اللغو > أن يتقوّل الرجل عليك بالباطل أو يأتيك بما ليس فيك فتعرض عنه للّه ، و فى روايه آخرى أنّه الغناء و الملاهى ;

از امام صادق(ع)

روایت شده است که فرمود: <لغو> این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که <لغو> غنا و لهویات است.

مراقبت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۸

۸- لزوم مواظبت بر گفته ها و پرهیز از اظهار نظر های بی برهان

سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب

تهدید به عذاب در مورد ادعاهای بی جا، دلیل مسؤولیت آوربودن سخن و لزوم مراقبت انسان بر گفته های خود و پرهیز از عواقب ناگوارِ ادعاهای بی دلیل است.

مسؤول سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۷

۷- مسؤولیت انسان ، در برابر گفته ها و ادعا های خود

کلاّ سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب مدًّا

خبر از نوشته شدن حتمی گفته ها (سنکتب. ..) و به دنبال آن بحث از عذاب الهی، حاکی از حسابرسی و مواخذه آن گفته ها و گویای مسؤولیت انسان در برابر آنها است.

مکر در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ يبيتون>، حاكی از انديشه خيانت و گناه است. و جمله <ما لايرضی>، تصريح به ناخشنودی خداوند و نكوهش از چنين پندار و انديشه ای دارد.

ملاك ارزيابی سخن

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۶

۶ – محتوای سخن ، ملاک ارزیابی و داوری است ، نه گوینده آن .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

از این که خداوند فرمود: از بهترین سخن پیروی کنید نه از بهترین گوینده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

ملاک حقانیت سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴ – ۱۷

۱۷ – گفتار ها و اظهار نظر ها ، وقتی متقن و پذیرفتنی است که مطابق با واقع و حق باشد .

ذلکم قولکم بأفوهکم و اللّه یقول الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۴

۴ – باید قسط و عدالت ، ملاک اظهار نظر و سخن گفتن باشد .

ادعوهم لأباءهم هو أقسط عند اللّه

ملاک سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۷

۷ لزوم محور قرار دادن حق ، در عقاید و گفتار

و لاتقولوا علی اللّه الا الحق

ملاک سخن باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۲

۲– سخن های ناسازگار با تعالیم الهی ، باطل و مردود است .

و قل الحقّ من ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۴ – ۳

۳ – سخنان ناسازگار با سخن خدا ، سخنی باطل و به دور از حقیقت است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که وقتی

تمامی سخنان خداوند بدون استثنا حقِ خالص است، قهراً دیگر سخنان باطل خواهد بود.

ملاک قبول سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۸

۸ - تنها سخنان ، اندیشه ها و عقاید پسندیده و درست ، به سوی خدا صعود کرده و مورد پذیرش او قرار می گیرد .

إلیه یصعد الکلم الطیّب

طبق نظر مفسران، مقصود از صعود کلام طیّب به سوی خداوند، قبول شدن و اجر داشتن آن در پیشگاه خداوند است؛ گو این که کلام غیر طیّب، شایسته صعود به بالا و به پیشگاه خداوند نیست.

ممنوعیت اطاعت از سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۵

۵ - اطاعت و اجابت خواسته های سخن چینان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

ممنوعیّت سخن بدون علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲- < عن موسی بن جعفر (ع) . . . قال علی بن الحسین (ع) : . . . و لیس لک أن تتکلم بما شئت لأن الله تعالی قال : < و لاتقف ما لیس لک به علم > . . . ;

امام موسی بن جعفر(ع) . .. از امام سجاد(ع) روایت کرده است که فرمود: تو حق نداری هر چه می خواهی بگویی; چون خداوند متعال فرمود: و لاتقف ما لیس لک به علم...>.

منشأ سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳

۵ - ۳ -

۵ - هوای نفس ، منشأ اصلی سخنان باطل و القای مفاهیم گمراه کننده

و ما ینطق عن الهوی

از این که <الهوی> به خصوص نفی گشته و عوامل دیگر یاد نشده است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ سخن روح(اسم خاص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۴

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لایتکلّمون إلّا من أذن له الرحمن

منشأ سخن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۳

۳- فرشتگان ، هرگز از خود سخنی نگفته و هرچه می گویند از ناحیه خداوند است .

لایسبقونه بالقول

جمله <لایسبقونه بالقول> (در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند) ممکن است کنایه از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۴

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لایتکلّمون إلّا من أذن له الرحمن

موانع سخن بی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۲ – ۴

۴ – ایمان راستین و قوی ، ناسازگار با گفتار های فاقد پشتوانه عملی

یأیّها الذین ءامنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون

موانع سخن ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۳ – ۱۵

۱۵– توجه انسان به عداوت های دیرینه و شگرد های شیطان ، بازدارنده وی

از گفتار ناشایست و نزاع و دشمنی

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم إن الشیطن کان للإنسن عدو

تعلیل <إن الشیطان کان للإنسان عدوا . ..> برای <إن الشیطان ینزغ بینهم> به منزله هشداری به انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۹

۹ - توجه به آگاهی خداوند ، حتی از پوشیده ترین افکار و گفتار ، بازدارنده انسان از زبان گشودن به گفتار نارو است . *

و إن تجهر بالقول فإنّه یعلم السرّ و أخفی

جمله <فإنّه یعلم. ..> تهدید به پوشیده نماندن هیچ فکر و گفته ای از خداوند است. تفریع این تهدید بر <إن تجهر بالقول> گویای این است که مراد از <القول> گفتاری است که نه تنها به زبان آوردن آن نارو است، بلکه حتی اندیشه نیز باید از محتوای آن پاک باشد.

مؤمنان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۳

۳- مؤمنان ، در دنیا از سخنان بیهوده مردم در آزارند .

لایسمعون فیها لغوًا

بیان تمام آنچه در بهشت انجام نمی گیرد نه ممکن است و نه مفید; ولی طرح بعضی از آن امور، مژده ای است به مؤمنان که آنچه در دنیا شما را آزار می داد، آن جا وجود ندارد.

ناپسندی خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۷

۷ - خشونت و درشتی در سخن گفتن با مردم ، عملی بسیار زشت است .

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

در آیه،

به جای کاربرد تشبیه، از استعاره استفاده شده است. آوردن استعاره به جای تشبیه، برای مبالغه در مذمت و بیان ناهنجاری و مستهجن بودن آن است.

ناهماهنگی با سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۳

۳ - سخنان ناسازگار با سخن خدا ، سخنی باطل و به دور از حقیقت است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که وقتی تمامی سخنان خداوند بدون استثنا حقِ خالص است، قهراً دیگر سخنان باطل خواهد بود.

نرمی در سخن با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۱

۱ نرمش در گفتار و رعایت ادب در محضر رسول خدا (ص) ، نشانه توفیق یافتگان در آزمون تقوا

إنّ الذین یغضّون . .. أولئک الذین امتحن اللّه قلوبهم للتقوی

نرمی سخن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۲

۲- حضرت ابراهیم (ع) با وجود برخورد خشن و تهدید های آزر ، با او گفتاری ملایم و برخوردی مهربانانه داشت .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

نرمی سخن در انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۸ – ۴

۴ – انذار نیز می تواند در قالب گفتاری نرم و به دور از خشونت بیان گردد .

فقولا له قولاً ليّنًا . .. أنّ العذاب على من كذّب

خداوند در آیات گذشته، موسی و هارون(ع) را به اتخاذ روشی ملایم و گفتاری نرم توصیه نمود،

و سپس پیام هایی از جمله انذار را به آنان القا کرد. از این رو باید گفت نرمی گفتار به معنای ترک انذار نیست; بلکه با لحن ملایم و مناسب نیز می توان انذار کرد.

نرمی سخن در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۷،۸

۷ - لزوم نرمش در گفتار و در پیش گرفتن روش های ملاطفت آمیز در تبلیغ دین ، حتی در مورد سرکش ترین مردم

فقولا له قولاً ليّنًا

۸ - گفتار همراه با ملاطفت و مهر در تبلیغ ، زمینه بیشتری برای تأثیر است .

فقولا له قولاً ليّنًا لعلّه يتذكّر أو يخشى

<لعلّ> در کلام خداوند، به معنای امیدواری او نیست; بلکه مراد این است که هر شخصی که آن شیوه گفت وگو را ببیند، امیدوار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲۲

۲۲ - بیان صریح و قاطع مبانی دعوت به دین ، با نرمش در گفتار تنافی ندارد .

فقولا له قولاً ليّنًا . .. إنّا رسولا ربّك فأرسل ... و لاتعذّبهم ... والسلم على

خداوند در آیات پیشین، موسی و هارون(ع) را به گفتاری نرم با فرعون فرمان داد. دراین آیات نیز آنچه را باید بگویند مطرح کرد. گفتنی است که در مجموعه پیام ها برای فرعون، عقاید اساسی و بشارت و انذار وجود دارد. بنابراین مراد از نرمی گفتار، حذف آرمان ها و سانسور عقاید نیست; بلکه شیوه بیان و برخورد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ -

$۱۱ - نرمش در گفتار ، حتی با سرکشان ، از شیوه های پسندیده در تبلیغ و ارشاد مردم

فقل هل لك إلى أن تزكّى

فقل هل لك إلى أن تزكّى

طرح استفهام در آغاز سخن، نوعی نرمش در لحن کلام است.

نرمی سخن موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۱

۱ - موسی و هارون (ع) ، موظف به نرمش در گفتار و پرهیز از درشتگویی در گفت و گو با فرعون

فقولا له قولاً ليّنًا

<لین> نقطه مقابل خشن بودن است (مفردات راغب) و <لین> صفت مشبهه است; یعنی، نرم و لطیف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳ - انذار فرعون از عذاب ، با لحنی ملایم و پس از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم على من . .. العذاب على من كذّب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

نرمی سخن هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۱

۱ - موسی و هارون (ع) ، موظف به نرمش در گفتار و پرهیز از درشتگویی در گفت و گو با فرعون

فقولا له قولاً ليّنًا

<لین> نقطه مقابل خشن بودن است (مفردات راغب) و <لین> صفت مشبهه است; یعنی، نرم و لطیف.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳ - انذار فرعون از عذاب ، با لحنی ملایم و پس از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم علی من . .. العذاب علی من کذّب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

نزول بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱

۱ - خداوند ، بهترین سخن را برای مردم نازل فرموده است .

اللّه نزّل أحسن الحدیث

نشانه های حجیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ - بهترین و برترین سخن ، نشانه حقانیت آن و الزام آور برای انسان

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

توصیه خداوند به اهل ایمان مبنی بر گزیدن و پیروی کردن بهترین سخن، بیانگر این حقیقت است که هرگاه مؤمنان به چنین سخنی دست یافتند، برای آنان حجت و الزام آور خواهد بود.

نشانه های حقانیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ – بهترین و برترین سخن ، نشانه حقانیت آن و الزام آور برای انسان

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئك هم أُولوا الألبب

توصیه خداوند به اهل ایمان مبنی بر گزیدن و پیروی کردن

بهترین سخن، بیانگر این حقیقت است که هرگاه مؤمنان به چنین سخنی دست یافتند، برای آنان حجت و الزام آور خواهد بود.

نعمت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمـان به آیـات الهی ، سـفارش یکـدیگر به اسـتقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدسـتان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لسانًا و شفتین . و هدینه النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

<الـذین آمنوا> گرچه مطلق است; ولی مصـداق بـارز آنها به قرینه <و الـذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعـد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشـین که بعضـی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهـد که مراد از <مرحمه>، ترّحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسـکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشـین که نعمت هـای الهی را برشـمرده گویـای برداشت یـاد شـده است; زیرا <بینـایی و بصـیرت>، زمینه سـاز <ایمان> و <داشـتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

نفرت از استماع سخن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ - خداوند ، بیزار و خشمگین از سخن گفتن دوزخیان با او

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا فیها و لاتکلّمون

نفی سخن لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۱

۱ -

تقواپیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، بی فایـده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سـخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر <فیها> به <مفازاً> برمی گردد; به این اعتبار که مراد از آن <جنّه> (بهشت) باشد.

نقش سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۶

۶ سخن آدمی می تواند نشان دهنده مرتبت و شخصیت او باشد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۳

۳ - کلام ، ابزار پیامبران برای مبارزه با منحرفان و سرکشان بوده است .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۸

۸ - بروز شخصیت خوب و بد انسان ها ، در لابه لای گفتار و سخن آنان

الخبیثت للخبیثین و الطیّبون للطّیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۷

۷ - نزول قرآن ، به صورت گفتار بوده است .

إنّه لقول

نقش سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۴

۴ - سخنان خداوند ، معيار شناخت حق از باطل است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

تصريح به اين حقيقت كه سخنان خداوند سراسر حق است، مى تواند براى به دست دادن معيارى براى شناخت

حق از باطل باشد که بیشتر انسان ها از شناخت آن بدون رهنمود الهی ناتوان اند.

نقش سوگند در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۱۰

۱۰ – سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(ص) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

نهی از سخن بدون علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۱۰

۱۰– < عن أبی جعفر (ع) : . . . بعث الله محمـداً و . . . أنزل علیه فی سوره بنی اسـرائیل بمکه . . . و أنزل نهیاً عن أشـیاء حذّر علیها و لم یغلّظ فیها و لم یتواعد علیها و قال : . . . < و لاتقف ما لیس لک به علم إن السـمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئك کان عنه مسئولاً . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است:. .. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ...[که در آن آیات]از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است، ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و به مرتکبین آنها وعیـد عذاب نداده است و فرمود: ... <و لاتقف ما لیس لک به علم ان السـمع و البصـر و الفؤاد کلّ أُولئك کان عنه مسئولاً...>...>.

ویژگیهای سخن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۳

۳ - کلمات و سخنان پیامبر (ص) ، سراسر ، حکمت است .

و اذکرن ما یتلی . .. و الحکمه

هدف از استماع سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۳

۳ - استماع سخنان و برگزیدن آنها ، باید به منظور عمل به مقتضیات آنها باشد ; نه برای صرف دانایی ، سرگرمی فکری و . . . .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

خداوند پس از طرح مسأله استماع سخنان، مسأله اتباع و پیروی کردن از بهترین آنها را یادآور شده است. این مطلب می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

هماهنگی سخن با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۶

۶ - لزوم هماهنگی بین گفتار و کردار رهبران جامعه

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < إنّما یخشی اللّه من عباده العلماء > قال یعنی بالعلماء من صدّق فعله قوله

، و من لم يصدّق فعله قوله فليس بعالم ;

از امـام صادق(ع) درباره سـخن خداونـد عزّوجلّ <إنّما يخشـى اللّه من عباده العلماء> روايت شـده كه فرمود: مقصود از علما كسانى اند كه فعل آنان قولشان را تصديق كند و كسى كه كارهاى او، سخنانش را تصديق نكند، عالم نيست>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

– فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۳

۳- لزوم هماهنگی گفتار و کردارِ مؤمنان ، در راستای طاعت خداوند *

طاعه و قول معروف

در صورتی که <طاعه و قول معروف> مبتدا برای خبر محذوف باشد; از مجزا آمدن <طاعه> و <قول معروف> استفاده می شود که آنچه خداوند از انسان می خواهد، صرف طاعت عملی نیست; بلکه باید سخن انسان همراه با عمل وی، نیک و پسندیده باشد و در ضمنِ طاعت، اظهار ناراحتی نکند.

هماهنگی سخن و عمل محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۶ – ۳

۳ – هماهنگی عمیق گفتار و کردار پیامبر (ص) ، نمود اصالت پیام های آن حضرت

و أنّهم یقولون ما لایفعلون

خداوند تبارک و تعالی در مذمت شاعران، سرگردانی و دوگانگی گفتار و رفتار آنان را مطرح ساخته است; تا انسان ها در پیام وحی و سخنان و کردار پیامبر(ص) بیندیشند و از هماهنگی گفتار و کردار آن حضرت، به واقعیت و اصالت آن پیام پی برده و دریابند که قرآن وحی آسمانی است، نه بافته هایی شعرگونه و وهمی.

هماهنگی سخن و فعل خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۸ – ۸

۸ – اتحاد و هم سانی قضا و تقدیر خداوند ، با قول و فعل او

فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

سخنان

آثار استماع سخنان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۷ – ۲

۲– دلدادگان به وحی و سخنان رسول (ص) ، برخوردار

از عنایت ویژه خداوند در ره یابی به حق

و منهم من یستمع إلیک . .. و الذین اهتدوا زادهم هدًی

<والذین اهتدوا> معرف چهره هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر(ص) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می شود.

آثار سخنان باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۳

۳ - گفتار ناروای کافران علیه دین ، مایه رنج و اذیت پیامبر (ص)

فاصبر علی ما یقولون

آثار سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۴

۴- تأثیر دوگانه قرآن و سخنان پیامبر (ص) ، بر هدایت پذیران و هواپرستان

یستمع إلیک . .. طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم . و الذین اهتدوا زادهم هدًی

با توجه به پیوستگی این آیه با آیه قبل چنین استفاده می شود که سخنان پیامبر(ص) و پیام وحی در درون هواپرستان مرده دل جای نمی گیرد و می گویند: <ماذا قال. ..> ولی در دل حق پذیران تأثیر کرده و بر هدایت و تقوای آنان می افزاید.

استماع سخنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۴

۴ ضرورت گوش سپاری به سخنان پیامبران و پرهیز از تکذیب آیات الهی

رسل منکم یقصون علیکم ءایتی فمن اتقی

تقوای مورد نظر در جمله <فمن اتقی>، به قرینه آیه بعد، پرهیز از تکذیب انبیا و آیات الهی است.

استماع سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۹ - ضرورت گوش سپاری به سخنان پیامبر (ص) و رعایت سکوت به هنگام سخن گفتن آن حضرت

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا و اسمعوا

<سمع> (شنیدن) می تواند به معنای گوش دادن باشد و نیز می تواند به معنای فرمانبرداری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱،۲

۱ تنها کسانی به دعوت خدا و رسول او پاسخ می دهند که به سخنان پیامبر(ص) گوش فرادهند و آن را دریابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون

۲ لزوم گوش فرادادن به سخن پیامبر(ص) و درک آن، برای هدایت یافتن

إنما یستجیب الذین یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱

۱- حضور برخی از کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی و سخنان آن حضرت

و منهم من یستمع إلیک

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین نامشان به میان آمده است (والذین کفروا یتمتّعون).

استهزای سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳

۳- استهزای کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حتّی إذا خرجوا من عندك قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

پرسش <ماذا قال آنفاً> از روی توهین و استهزا بوده است.

پاسخ به سخنان نادرست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۸

۸ - صاحبان علم و ایمان ، در قیامت

، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم .

تصدیق سخنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۱۲،۱۶

۱۲ لزوم احترام و خوش بینی نسبت به مؤمنان و تصدیق سخنان آنان

قل أذن خیر لکم . .. و یؤمن للمؤمنین

۱۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . ان اللّه عز و جل یقول فی کتابه : < یؤمن باللّه و یؤمن للمؤمنین > یقول : یصدّق اللّه و یصدّق للمؤمنین . . . ;

. .. خدای عز و جل در کتاب خود می فرماید: <یؤمن باللّه و یؤمن للمؤمنین> و مراد این است که [رسول خدا گفته های] خدا و مؤمنان را تصدیق می کند>.

حقانیت سخنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۳

۳ سخنان رسولان الهی درباره خداوند و هر آنچه به وی نسبت می دهند ، سراسر حق و حقیقت است .

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

رهبران دینی و استماع سخنان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۹

۹ گوش فرادادن به سخنان همه طیف های جامعه و داشتن سعه صدر در برابر آنان ، خصلتی شایسته و بایسته برای رهبران و مسؤولان جامعه اسلامی

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

سخنان بيجای اهل مدين

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۲ – ۱۰

۱۰ سیطره خداوند بر رفتارها ، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او ، پاسخ شعیب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

و إنا لنریک فینا ضعیفًا . .. قال یقوم أرهطی أعزّ علیکم من الله... إن ربی بما ت

سخنان گمراهگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۹

۹ – سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

سخنان لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۹

۹ – سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

سخنان محتضر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۰ – ۴

۴ – < عن أبی جعفر (ع) محمّد بن علیّ الباقر (ع) أنّه سُئِل عن قول اللّه عزّوجلّ : < و قیل من راق > قال : ذاک قولُ ابن آدم إذا حضره الموتُ قال : هل مِن طبیب ، هل من راق ، قال : < و ظنّ أنّه الفراق > یعنی فراق الأهل و الأحِبّه ، عند ذلک قال : < و التفّت الساق بالساق > قال : التفّت الدنیا بالآخره قال : < إلی ربّک یومئذ المساق > إلی ربّ العالمین یومئذ

المصير **;**

از امام

باقر(ع) روایت شده که از آن حضرت درباره سخن خدای عزّوجلّ: <و قیل من راق> سؤال شد، فرمود: این سخن فرزند آدم است که وقتی مرگش فرا رسد، گوید: آیا طبیبی هست؟ آیا شفادهنده ای هست؟ مقصود از [جدایی در آیه <و ظنّ أنّه الفراق>]جدایی از اهل، عیال و دوستان است. از این جا است که خداوند می فرماید: <و التفّت الساق بالساق>; یعنی، دنیا به آخرت پیچیده است و نیز فرمود: <إلی ربّک یومئذ المساق>; یعنی، در این روز بازگشت همه به سوی پروردگار عالمیان است>.

سخنان ناپسند منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۱،۲

۱ منافقان ، در صورت بازخواست از عملکرد و سخنان ناروایشان ، به دروغ آن را شوخی و سرگرمی می نمایانند .

یقولون هو أذن . .. و لئن سألتهم لیقولن إنما کنا نخوض و نلعب

۲ توجیه گری نسبت به مواضع و سخنان ناروای خویش ، شیوه اهل نفاق است .

لیقولن إنما کنا نخوض و نلعب

صبر بر سخنان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

علم خدا به سخنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به گفتار ناروای مشرکان و کافران علیه دین

نحن أعلم بما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ -

۵ - ۱۳

۵ - آگاهی کامل خداوند به راز دل ها و ضمیر آدمیان ، دلیل احاطه کامل او بر تمامی گفته ها و توطئه های نهان و آشکار کافران است .

و أسرّوا قولکم أو اجهروا به إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم. ..>، در مقام تعلیل برای عبارت <و أسرّوا قولکم أو اجهروا> است.

فهم سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱،۲

۱ تنها کسانی به دعوت خدا و رسول او پاسخ می دهند که به سخنان پیامبر(ص) گوش فرادهند و آن را دریابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون

۲ لزوم گوش فرادادن به سخن پیامبر(ص) و درک آن، برای هدایت یافتن

إنما یستجیب الذین یسمعون

کافران و سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱،۳،۴

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما یستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سرّی می پرداختند .

نحن أعلم بما يستمعون به . .. و إذ هم نحوی إذ يقول

<إذ هم نجوی> و إذ يقول الظالمون> بدل <إذ يستمعون إليك> است. با توجه به اين نكته، معنای آيه چنين می

شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت وگوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت وگوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

محمد(ص) و استماع سخنان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۳

۴ سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (ص) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

۵ گوش فرادادن به سخنان گوناگون مردم ، با شکیبایی و سعه صدر کامل ، از خصلت های پیامبر اکرم (ص)

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

۶ ستایش خداوند از پیامبر (ص) به خاطر سعه صدر و گوش فرادادن او به همه سخنان مردم

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

۷ پیامبر (ص) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان باطل و بیهوده

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه <أذن> به <خیر> اضافه حقیقی باشد ; نه از باب

اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر(ص) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

۸ گوش فرادادن پیامبر (ص) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه <أذن> به <خیر>، از باب اضافه موصوف به صفت باشد ; یعنی، پیامبر(ص) شنوایِ خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

۱۰ پیامبر (ص) گر چه به همه سخنان از تمامی طیف ها ، گوش فرامی داد ; ولی در مرحله تصدیق و پذیرش ، تنها سخنان خدا و مؤمنان را باور داشت .

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم یؤمن باللّه و یؤمن للمؤمنین

برداشت فوق بر این اساس است که اضافه <أذن> به <خیر> اضافه حقیقیه باشد ; بدین معنا که پیامبر(ص) تنها شنوای سخنان نیک است و به هر سخنی ترتیب اثر نمی دهد، بلکه تنها سخنان خدا (وحی) و سخنانِ مؤمنان راستین را باور می کند.

۱۱ ترتیب اثر دادن پیامبر (ص) ، تنها به سخنانی بود که در جهت منافع مؤمنان باشد .

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم . .. و یؤمن للمؤمنین

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للمؤمنین>، که برای افاده منفعت است، استفاده می شود.

۱۳ سعه صدر پیامبر (ص) در گوش دادن به سخنان مردم ، مایه رحمت برای مؤمنان

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم . .. و رحمه للذین ءامنوا منکم

محمد(ص) و سخنان باطل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۷

۷ پیامبر (ص) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان باطل و بیهوده

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه <أذن> به <خیر> اضافه حقیقی باشد ; نه از باب اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر(ص) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

منشأ سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۱

۱ - سخنان و پیام های پیامبر (ص) ، تنها نشأت یافته ، از مبدأ وحی

و ما ینطق عن الهوی . إن هو إلاّ وحی یوحی

موانع درک سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

سخن چینان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سخن چینان

حرمت اطاعت از سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۵

۵ - اطاعت و اجابت خواسته های سخن چینان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

رد خواسته های سخن

چینان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۱ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سخن چینان

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

سخن چینان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۳

۳ – عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

عذاب سخن چینان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۱ – ۱

۱ – کسانی که درباره دیگران سخن چینی و بدگویی کرده ، آنان را با کنایه و اشاره مسخره می کنند ، گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ویل لکلّ همزه لمزه

<هُمَزَه>، به معنای شخصی است که با چشم و پلک و ابرو، به دیگران اشاره کرده و برای رساندن شرّ به آنان، سعایت و سخن چینی کند (قاموس). این وزن برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که آن کار به صورت عادت درآمده است. (مجمع البیان)

ممنوعیت اطاعت از سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۵

۵ - اطاعت و اجابت خواسته های سخن چینان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

سخن چینی

آثار سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفّت بار الهی

فلاتطع المکذّبین . .. کلّ حلّاف مهین ... عتلّ بعد ذلك زنیم ... سنسمه علی الخرطوم

اجتناب از سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۲

۲ - لزوم پرهیز از زراندوزی ، سخن چینی و تمسخر مردم

همزه لمزه . الذی جمع مالاً ... کلّا

سخن چینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

سخن چینی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

سخن چینی همسر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۶

۶ - همسر ابولهب ، زنی سخن چین و آتش بیار نزاع های مردم و تحریک کننده آنان به مخالفت با اسلام بود .

حمّاله الحطب

از آن جا که ابولهب، فردی ثروتمند و متشخص بود، ممکن است گفته شود که: توصیف همسر او به <حمّاله الحطب>، به

معنای کنایی آن است که دعواها را شعلهور می ساخت.

سرزنش سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۶

۶ - سخن چینی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ. .. مشّاء بنمیم

سدره المنتهی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آیات خدا در سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، شاهد آیات و نشانه های برتر الهی در کنار < سدره المنتهی >

لقد رأی من ءایت ربّه الکبری

پوشش سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أُخری . إذ یغشی السدره مایغشی

جبرئیل در سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار < سدره المنتهی > مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزله أُخری . عند سدره المنتهی

۳ - < سئل عبداللّه بن مسعود ، < و لقد رآه نزله اُخری قال : قال رسول اللّه رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزله اُخری> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۲

- ۲

تأثیر حضور جبرئیل بر < سدره المنتهی > ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره مایغشی

بـه کـار رفتـن واژه <إذ> نشـان می دهـد که <سـدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشـش نبـوده; بلکه به هنگـام حضـور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۷ - ۲

۲ - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص) ، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ماطغی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ماکذب الفؤاد ما رأی> دیده دل است; و نه چشم سر.

سدره المنتهی هنگام نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أُخری . إذ یغشی السدره مایغشی

محمد(ص) در سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار < سدره المنتهی > مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزله أُخری . عند سدره المنتهی

۳ - < سئل عبداللّه بن مسعود ، < و لقد رآه نزله أُخری قال : قال رسول اللّه رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزله اُخری> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود:

جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أُخری . إذ یغشی السدره مایغشی

۲ - تأثیر حضور جبرئیل بر < سدره المنتهی > ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره مایغشی

بـه کـار رفتـن واژه <إذ> نشـان می دهـد که <سـدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشـش نبـوده; بلکه به هنگـام حضـور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۷ - ۲

۲ - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص) ، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ماطغی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ماکذب الفؤاد ما رأی> دیده دل است; و نه چشم سر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۸ - ۱،۳،۴

۱ - پیامبر (ص) ، شاهد آیات و نشانه های برتر الهی در کنار < سدره المنتهی >

لقد رأی من ءایت ربّه الکبری

۳ - مشاهده آثار بزرگ ربوبی خداوند ، آخرین دستاورد پیامبر (ص) در کنار < سدره المنتهی >

لقد رأی من ءایت ربّه الکبری

۴ - پیامبر (ص) ، با عظمت وجودی ، تنها شاهد برخی از آیات الهی در < سدره المنتهی

>

لقد رأی من ءایت ربّه الکبری

با توجه به آمدن <من> تبعیضیه، مطلب بالا استفاده می شود.

مکان سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۲

۲ - < سدره المنتهی > ، در مکانی فروتر از افق اعلی (مقام جبرئیل) قرار دارد .

ثمّ دنا فتدلّی . .. و لقد رءاه نزله أُخری . عند سدره المنتهی

به کار رفتن واژه <نزله> از ماده <نزول> (فرود آمدن) نشانگر آن است که جایگاه اصلی جبرئیل (افق اعلی) بسی فراتر از جایگاه <سدره المنتهی> قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۵ - ۱

۱ - < جنه المأوی > ، در مجاورت < سدره المنتهی > قرار دارد .

عند سدره المنتهی . عندها جنّه المأوی

ضمیر <عندها> به <سدره المنتهی> بازمی گردد.

سدسازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سد سازی

سد سازی با آهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۶ - ۲

۲- آهن ، نقشی اصلی و مهم ، در بنای سد ذوالقرنین داشت .

ءاتونی زبر الحدید حتّی إذا ساوی بین الصدفین

گرچه در مصالح ساختمانی سدّ، از مس نیز استفاده شده، ولی از <حتی إذا ساوی . ..> دانسته می شود که تمام فضای بین دو کوه، ابتدا، از آهن پاره ها آکنده شد و مس ذوب شده، تنها، برای پیوند آن قطعات به کار رفت.

صنعت سد سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۴

۴ - مردم سبا ، از صنعت سدسازی برخوردار

بودند و با آن ، آب ذخیره می کردند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم

سرزمین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرزمین

آبادانی سرزمین قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - مردم سبا در مقطعی از تاریخ ، از سرزمینی آباد برخوردار بودند ، و خطاهایشان نیز از سوی خداوند بخشوده می شد .

و لقد کان سبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال . .. بلده طیبه و ربّ غفور

آبادانی سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمیِ فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أکثر ممّا عمروها

<إثاره> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

آزاد سازی سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۵

۵ - ضرورت باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن ایشان از آن جا

و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

آیات خدا در سرزمین سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۲

۲ - وجود دو باغ در بخش راست و چپ شهر سبا ، نشانه ای از نشانه های خدا بود .

و لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن

يمين و شمال

احترام سرزمين طوى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸،۹

۸ - وادى طوى در كناره كوه طور ، سرزمينى پاك و منزه و شايسته احترام است .

إنّك بالواد المقدّس طوًى

<سرزمين مقدس>، يعنى سرزمينى كه طهارت معنوى دارد (مفردات راغب).

۹ - ورود با كفش در سرزمين طوى (پايين كوه طور) ، جايز نيست .

فاخلع نعليك إنّك بالواد المقدّس طوًى

تعليل بودن <إنّك بالواد المقدّس> حكم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرايت مى دهد.

اختيار مردم مغرب سرزمين ذوالقرنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشينان غرب سرزمين ذوالقرنين ، براى ايمان و عمل صالح و ترك ستم كارى ، از زمينه مساعدى برخودار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

اخراج دشمنان از سرزمين هاى اسلامى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۵

۵ - ضرورت باز پس گيرى سرزمين هاى اسلامى از دست دشمنان دين و بيرون راندن ايشان از آن جا

و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

ادعای مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۱

۱ - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن <أرض> به ضمیر متکلم <نا> برمی آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آنِ خود می دانستند و برای دیگران

حقی در آن قائل نبودند.

ارزش سرزمین ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۱ – ۶

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

استحکام سرزمین قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۷ – ۳

۳ – استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم ذات العماد

استمداد مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۷

۷- آسیب پذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین . .. تجعل بیننا و بینهم سدًّا

اشراف فرعون و سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

اقرار مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۴

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

با این

که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

امکانات مادی مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لکَ خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

امنیت در سرزمین قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۷

۷ - منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سباییان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . .. ءامنین

انبیا در سرزمین خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم من أرضنا. .. فأوحی إلیهم ... و لنسکننّکم الأر

اولین نبی سرزمین مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۸

۸ - رسول خدا (ص) ، نخستین پیامبر مبعوث شده در سرزمین

مکه

لتنذر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلك

مراد از <قوماً> مردم سرزمین مکه است و <ما> در <ما أتاهم> نافیه می باشد; یعنی، مردمی که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده ای مبعوث نشده است.

اهل مکه و سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۲

۲ شهر قوم لوط نه چندان دور از شهر مکه و قابل دسترسی برای مردم آن جا

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

اهمیت دفاع از سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۲

۲ ملاك وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

اهمیت سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۶

۶ - اهمیت سرزمین سبا و مسائل آن برای سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

تحقیق و بررسی درباره سبا و مسائل آن، نشانگر اهمیت این موضوع در نظر سلیمان است.

اهمیت هجرت از سرزمین شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۸

۸ - مهاجرت از محیط شرك و آلوده

به گناه ، به محیطی پاک و سالم ، هجرت به سوی خداوند است .

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

ایمان ظالمان مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

ایمان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

بادیه نشینی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۱،۳

۱- ذوالقرنین ، در سفر دوم خویش ، به آخرین نقطه خشکی در سمت مشرق رسید و با مردمی بدوی و عاری از تمدن روبه رو شد .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

ضمیر <دونها> به <الشمس> بازمی گردد و مفاد جمله <لم نجعل. ..> این است که مردم آن سرزمین، جز خورشید، پوششی نداشتند; یعنی، هیچ بنا و ساختمانی که سایبان آنان باشد و هیچ پوشاکی که بدنشان

را به پوشاند، در بین آنان مشاهده نمی شد، لذا از آنان، تعبیر به اقوامی بدوی شده است.

۳- ذوالقرنین ، در شرق سرزمین خویش ، با مردمی ساکن بیابانی کویری و بدون گیاه مواجه شد . *

لم نجعل لهم من دونها سترًا

از واژه <لم نجعل> این احتمال جان می گیرد که بی پناهی در برابر تابش آفتاب، معلول اموری بود که به <جعل> الهی مربوط می شود، مانند کویری بودن سرزمین که از امور طبیعی است.

بارش سنگ بر سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

باغهای سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - در سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

۲ - وجود دو باغ در بخش راست و چپ شهر سبا ، نشانه ای از نشانه های خدا بود .

و لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

باغهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان

، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

برهنگی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۲

۲- ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها ستَرًا

بنی اسرائیل در سرزمین شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴،۹

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاك فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴)

برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

بنی اسرائیل در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۲

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ،

غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاك فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

بنی اسرائیل در سرزمین مقدّس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۲،۳

۲ سکنی گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، تقدیری از جانب خداوند

الارض المقدسه التی کتب اللّه لکم

۳ سکونت قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، حقی برای ایشان از جانب خداوند

التی کتب اللّه لکم

بی خانمانی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۲

۲- ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها ستراً

بی نظیری سرزمین ارم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

پاکی سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸

۸ - وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاک و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

تاریخ سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

تاریخ سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۴

۴ آثار و بقایایی از شهر ویران شده قوم لوط ، تا عصر بعثت پیامبر (ص) بر جای مانده بود .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

تاریخ سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۳ – ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

تاریخ سرزمین مصر

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۶ – ۲

۲ مصر ، سرزمین کفر بود .

من القوم الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۶ – ۱۰

۱۰ – حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می توانـد بـدین معنا باشـد که: فرعون و اشـراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصـر فرمان می راندنـد و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسـی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

تشکل مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۶

۶– ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیّت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

تفاوت سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱

۱ زمین متشکل از قطعه ها و سرزمین های گوناگون چیده شده کنار یکدیگر

و فی الأرض قطع متجورت

<قطع> (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسمتهاست. <تجاور> (مصدر متجاورات) به معنای در

جوار و نزدیک یکدیگر بودن است. توصیف سرزمینها به قطعه ها و بخشها می توانـد به اعتبار اختلاف و تفاوت آنها باشـد. بنـابراین مراد از <قطع متجـاورات> این است که: منـاطق زمین علی رغم نزدیـک بودن و متصل بودن به یکـدیگر، مختلف و گوناگونند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱ – ۱۳

۱۳– سرزمین ها در تقدس و ارجمندی ، متفاوتند .

من المسجدالحرام إلی المسجدالأقصا الذی برکنا حوله

تمجید خداوند از سرزمین <مسجدالأقصا> نمایانگر تفاوت آن سرزمین با دیگر سرزمینهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۶ – ۵

۵ – سرزمین ها ، از نظر تقدس و اهمیت با یکدیگر متفاوت اند .

بالواد المقدّس طوًی

تقدس سرزمین طوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲ – ۹

۹ – ورود با کفش در سرزمین طوی (پایین کوه طور) ، جایز نیست .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

تعلیل بودن <إنّک بالواد المقدّس> حکم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرایت می دهد.

تمدن در سرزمین سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۳ – ۳

۳ – شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

تمدن در مغرب سرزمین

ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۱۲

۱۲– وجود تمدن در غرب سرزمین ذی القرنین

وجد عندها قومًا . .. إمّا أن تعذّب

ظلم و ایمان و عمل صالح و مجازات که آیات بعد در باره ساحل نشینان یاد کرده است از مشخصات جوامع متمدن است.

تمدن مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۴،۵

۴– تمدن منطقه شمال زمین در عهد ذوالقرنین ، ضعیف بوده است .

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

چنان چه مراد از یأجوج و مأجوج، همان مغول و تاتار باشند، آیه در توصیف ساکنان شمال سرزمین ذی القرنین خواهد بود.

۵– مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبـان هـا، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشـینان عصـر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

تمدن مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۰ – ۵

۵– در عصر ذوالقرنین ، مردم ساکن غرب سرزمین او ، متمدن تر و پیشرفته تر از مردم ساکن در شرق سرزمین وی بودند .

بلغ مغرب الشمس . .. وجد عندها قومًا ... تطلع على قوم لم نجعل لهم من دونها سترًا

تمدن مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۰ – ۵

۵- در عصر ذوالقرنین ، مردم ساکن غرب سرزمین

او ، متمدن تر و پیشرفته تر از مردم ساکن در شرق سرزمین وی بودند .

بلغ مغرب الشمس . .. وجد عندها قومًا ... تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترًا

تملک سرزمین یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

جادوگران در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس -

۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جادوگری در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت موسی (ع)

یأتوک بکل سحر علیم

جعاله مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۹

۹- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

جغرافیای سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۳

۳ محل سکونت قوم لوط ، دارای دو بخش مرتفع (دامنه کوه) و پست (زمین هموار) بود .

جعلنا علیها سافلها

جمله <جعلنا عالیها سافلها> را می توان دو گونه معنا کرد: ۱. قسمت بالای دیار قوم لوط را پایین آوردیم؛ یعنی زیر و رو کردیم؛ ۲. خانه هایی که در محل مرتفع قرار داشت، بر قسمتهایی که پایین قرار داشت، فرو ریختیم. برداشت فوق، مبتنی بر

احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۵

۵ دیار قوم لوط

، در فاصله ای نه چندان دور از سرزمین مکه قرار داشت .

و ما هی من الظلمین ببعید

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که ضمیر <هی> به قریه یا قریه های قوم لوط باز گردد و مقصود از <الظالمین> مشرکان و کافران مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۷

۷ شهر مدین ، در نزدیکی دیار قوم لوط قرار داشت .

و ما قوم لوط منکم ببعید

جغرافیای سرزمین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۳

۳ سرزمینی که نوح و قومش در آن سکونت داشتند ، منطقه ای کوهستانی بود .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

نکره آوردن <جبل> نشانگر آن است که پسر نوح ، کوه مخصوصی را در نظر نداشت; بلکه تصمیمش بر آن بود که کوه مناسبی را برگزیند. بنابراین در اطراف وی کوههای متعددی وجود داشت و این نشانه کوهستانی بودن آن منطقه است.

جهل مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

چشمه های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

حاصلخیزی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۷ - ۲

۲ - سرزمین ثمودیان ، سرزمینی حاصلخیز با منابع آبی سرشار

فی جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و <عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارهااست و آن حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین ثمودیان دارد.

حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمين . قوم فرعون

<قوم شـخص> به کسـانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جـد با او مشترک باشـند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته

است.

حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

حکومت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعونی و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض . .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن إخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

خانه های مرتفع سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۲

۲ - < اِرم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۸ – ۱

۱ – ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خطر گرگ در سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف

کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

درخت سدر در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۷

۷ - در پی از بین رفتن باغ های دل نواز قوم سبا با سیل بنیان کن ، مقدار ناچیزی درخت سدر در جای آنها رویید .

و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أُکل خمط و أثل و شیء من سدر قلیل

درخت گز در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۶

۶ - دو باغ دل نواز قوم سبا ، در پی جاری شدن سیل به باغ هایی از درختانی با میوه های ناگوار و گز تبدیل شدند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أکل خمط و أثل

<خمط> در لغت به درختی گفته می شود که خار ندارد و نیز گفته شده که درخت گز است (مفردات راغب) هم چنین به معنای میوه ترش مزه یک درخت آمده است (عمده الحفاظ). <أثل> به درخت شوره گز گفته می شود.

دره های سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۴ - ۳

۳- سرزمین قوم عاد ، دارای دره ها و پستی و بلندی ها *

مستقبل أودیتهم

<أودیه> (جمع <وادی>) به معنای دره ها است.

دفاع مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۵

۵- قوم درگیر با یأجوج و

مأجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّی إذا بلغ بین السدّین . .. إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

دین درمغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۸ – ۱۱

۱۱– دین الهی ، با تلاش ذوالقرنین ، تا آخرین نقطه سرزمین او ، گسترش یافت .

و أمّا من ءامن

زبان مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۵

۵– مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درك همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

زبان مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۳

۳– مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شمالی تعبیر <لایکادون. ..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

زبان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۳

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها،

در بـاره گروه شـمالی تعبیر <لایکـادون. ..> صورت گرفته است، ولی در بـاره آن دو قوم دیگر، چنین مشـکلی مطرح نشـده است.

زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۸

۸ - مطلوبیت زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

زندگی در سرزمین های کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۶

۶ - مناطق مرتفع زمین ، دارای ارزش برتر برای زیست

و ءاوینهما إلی ربوه

برداشت فوق، بدان احتمال است که <ربوه> به ارزش مناطق مرتفع اشاره داشته باشد، نه صرف یک گزارش تاریخی.

سپاه سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۱

۱ - قوم عاد ، دارای سرزمینی به نام < ارم >

إرم ذات العماد

کلمه <إرم>، بـدل اشـتمال برای <عاد> است; زیرا تخریب آن با عذاب الهی، عقوبتی بود که بر قوم عاد وارد شد. بنابراین مفاد آیه شریفه این است که: <آیا ندیدی خداوند با عاد چه کرد؟ آیا ندیدی با ارم

چه کرد؟>

سرزمین ارم در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

سرزمین با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۳

۳ سرزمینی که خداوند پس از هلاکت فرعونیان در اختیار بنی اسرائیل قرار داد ، سرزمینی پربرکت و بسیار حاصلخیز بود .

مشرق الأرض و مغربها التی برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲،۴

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۴- هجرتگاه ابراهیم و لوط (ع) (شام فلسطین) ، برای تمام مردم جهان با برکت است .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها للعلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات است. مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک می باشد. گفتنی است نوع مفسران برآنند که مقصود از سرزمین مبارک، شام (فلسطین) است.

سرزمین بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پرنعمت و

دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه <رغداً> (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر <منها> می باشد که به دلیل <کلوا> مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

سرزمین خبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۹

۹ متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لایحب المعتدین. و لاتفسدوا ... و الذی خبث

سرزمین سبأ در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۲

۲ - مملکت سبا در عهد سلیمان ، دارای نیروی دفاعی و امکانات جنگی قوی و نیز رزم آوران سلحشور و بی باک

قالوا نحن أُولوا قوّه و أُولوا بأس شدید

<قوه> به معنای نیرو و نکره آمدنش بیانگر عظمت و گستردگی آن است. بنابراین <نحن أُولوا قوّه>; یعنی، ما از نیرویی

بسیار گسترده و عظیم برخورداریم. <بأس> به معنای شجاعت و دلاوری است. بنابراین <بأس شدید> برابر با سلحشوری و بی باکی است.

سرزمین سدوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

- ۲۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قـال : و أمّا القریه < التی أمطرت مطر السوء > فهی سـدوم قریه قوم لوط أمطراللّه علیهم حجاره من سجیل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده است که فرمود: و اما قریه ای که خداوند، باران <سوء> را بر آنان باراند، <سدوم>; یعنی، قریه قوم لوط بود که خدا بارانی از سنگ <سجیل> بر آنان بارید (سجیل معرّب سنگ گل است)>.

سرزمین سراندیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۵

۲۵ < عن أمیر المؤمنین (ع) (فی حدیث طویل) و فیه سأله عن أکرم واد علی وجه الأرض فقال واد یقال له < سـراندیب > سقط فیه آدم من السماء ;

از امیر المؤمنین (ع) در ضمن <حدیثی طولانی> از شریف ترین مکانهای روی زمین سؤال شد، آن حضرت فرمود: آن مکان <سراندیب>]سری لانکا، لغت نامه دهخدا[است که آدم (ع) از آسمان به آن جا نازل شد>.

سرزمین سری لانکا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۵

۲۵ < عن أمیر المؤمنین (ع) (فی حدیث طویل) و فیه سأله عن أکرم واد علی وجه الأرض فقال واد یقال له < سـراندیب > سقط فیه آدم من السماء ;

از امیر المؤمنین (ع) در ضمن <حدیثی طولانی> از شریف ترین مکانهای روی زمین سؤال شد، آن حضرت فرمود: آن مکان <سراندیب>]سری لانکا، لغت نامه دهخدا[است که آدم (ع) از

آسمان به آن جا نازل شد>.

سرزمین فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳،۱۴

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها . .. یأخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك یأخدوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و یأخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

سرزمین فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۲،۳،۵،۶

۲ خداوند با نابودسازی فرعونیان ، تمام سرزمین آنان را ، از شرق تا غرب ، در اختیار بنی اسرائیل قرار داد .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشرق الأرض و مغربها

۳ سرزمینی که خداوند پس از هلاکت فرعونیان در اختیار بنی اسرائیل قرار داد ، سرزمینی پربرکت و بسیار حاصلخیز بود .

مشرق الأرض و مغربها التی برکنا فیها

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ،

تحقق یافت .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

<کلمه> به معنای سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۶

۶- قوم عاد (ساکنان سرزمین احقاف) ، گرفتار انحراف و گناه

إذ أنذر قومه بالأحقاف

انذار در جایی صورت می گیرد که انحرافی وجود داشته باشد; چنان که از ادامه آیه، گرفتاری آنان به شرک استفاده می شود. <أحقاف> سرزمینی در جنوب جزیره العرب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۱

۱ - قوم عاد ، دارای سرزمینی به نام < ارم >

إرم ذات العماد

کلمه <إرم>، بدل اشتمال برای <عاد> است; زیرا تخریب آن با عذاب الهی، عقوبتی بود که بر قوم عاد وارد شد. بنابراین مفاد آیه شریفه این است که: <آیا ندیدی خداوند با عاد چه کرد؟ آیا ندیدی با ارم چه کرد؟>

سرزمین قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : و أمّا القریه < التی أمطرت مطر السوء

> فهی سدوم قریه قوم لوط أمطرالله علیهم حجاره من سجیل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: و اما قریه ای که خداوند، باران <سوء> را بر آنان باراند، <سدوم>; یعنی، قریه قوم لوط بود که خدا بارانی از سنگ <سجیل> بر آنان بارید (سجیل معرّب سنگ گل است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۳

۳ - قوم لوط ، در شهر ها و سرزمین های گوناگون می زیستند .

و المؤتفکت

مطلب یاد شده، از جمع آمدن <المؤتفکات> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۷

۷- شهر قوم لوط ، علی رغم زیر و رو شدن و زیر باران کلوخ قرار گرفتن ، کاملاً منهدم نشد و سالیان درازی آثار آن باقی ماند .

فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل . .. و إنهما لبإمام مبین

سرزمین قوم لوط در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۷ - ۱

۱ - دیار نابود شده قوم لوط در صدراسلام ، در مسیر رفت و آمد کاروان ها به شام قرار داشت .

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین

مفسران بر این دیدگاه متفق اند که دیار مخروبه قوم لوط، در مسیر رفت و آمد از حجاز به شام قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۱

۱ – عبور مردم عصر بعثت بر دیار نابود شده شهر قوم

لوط ، در مسیر رفت و آمد شبانه روزی شان به شام

و إنّكم لتمرّون عليهم مصبحين . و باللّيل أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۶ - ۱،۲

۱- آثار شهر ویران شده قوم لوط ، تا عصر پیامبراسلام (ص) به جا مانده بود .

و إنها لبسبيل مقيم

<مقیم> به معنای <ثابت> است و <سبیل مقیم> یعنی جاده دایر و مرجع ضمیر <إنها> شهر عذاب شده قوم لوط است. بنابراین معنای آیه شریفه چنین می شود: بقایا و آثار شهر قوم لوط در مسیر جاده برای عابران آن راه، قابل مشاهده است.

۲- آثار شهر ویران شده قوم لوط در کنار جاده ای دایر ، قرار داشته و برای هر رهگذر و بیننده ای در عصر پیامبراسلام (ص) قابل مشاهده بود .

فأخذتهم الصيحه . .. فجعلنا عليها سافلها ... إن فى ذلك لأيت ... و إنها لبسبيل م

سرزمین قوم لوط و مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۵

۵ دیار قوم لوط ، در فاصله ای نه چندان دور از سرزمین مکه قرار داشت .

و ما هى من الظلمين ببعيد

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که ضمیر <هی> به قریه یا قریه های قوم لوط باز گردد و مقصود از <الظالمین> مشرکان و کافران مکه باشد.

سرزمین کنعان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۳

۳ سرزمین کنعان ، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع)

*

و جاء إخوه يوسف

بعيد به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد ; زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف(ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

سرزمین کوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۲۱

۲۱ أمیر المؤمنین (ع) فرموده اند : < أول بقعه عبداللّه علی ها ظهر الکوفه لما أمر اللّه أن یسجدوا لآدم ، سجدوا علی ظهر الکوفه ;

اولین مکان مقدسی که در آن عبادت خداوند واقع شد سرزمین کوفه بود، آن هنگام که خداوند ملائکه را مأمور سجده بر آدم کرد آنها بر آدم(ع) در سرزمین کوفه سجده کردند>.

سرزمین کوهستانی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۳

۳ سرزمینی که نوح و قومش در آن سکونت داشتند ، منطقه ای کوهستانی بود .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

نکره آوردن <جبل> نشانگر آن است که پسر نوح ، کوه مخصوصی

را در نظر نـداشت; بلکه تصـمیمش بر آن بـود که کوه منـاسبی را برگزینـد. بنـابراین در اطراف وی کوههـای متعـددی وجود داشت و این نشانه کوهستانی بودن آن منطقه است.

سرزمین مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۲

۲ - قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه <علی> برای اسـتعلا بـه کـار می رود. بنـابراین <علی واد النمـل> بیـانگر ایـن نکتـه اسـت کـه منطقـه اطراف سـرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

سرزمین موصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . فنزل نوح بالموصل من السفینه مع الثمانین . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...>.

سرزمین های با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱ – ۱۲

۱۲– مسجدالاقصی در سرزمینی ، سرشار از خیر و برکت واقع شده است .

إلی المسجدالأقصا الذی برکنا حوله

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۳

۳- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلی الأرض التی برکنا فیها

سرزمین های صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۵

۵ - امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به عنوان غنایم

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

سرزمین های موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، روانه کننده آب به سرزمین های خشک جهت رویاندن گیاهان است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا

<جرز> به جایی کویر مانند گفته می شود که ریشه گیاه، در آن قطع شده و از بین رفته باشد (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <زرع > مصدر به معنای مفعول است.

سرزمین یمن در دوران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۴،۷

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره و قدّرنا فیها السیر

مراد از تقـدیر سـیر در آیه بالاـ این است که در بین راه، منزل گـاه هـایی وجود داشت و یـا قریه هـا و شـهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان

بود.

۷ – منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سباییان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . .. ءامنین

سرسبزی سرزمین اصحاب ایکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۸ – ۲

۲- محل سکونت مردم < ایکه > محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

و إن کان أصحب الأیکه لظلمین

<ایکه> در لغت به معنای درخت پر شاخ و برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است; یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به <اصحاب الأیکه> ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

سرسبزی سرزمین قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۴ – ۲

۲ – سرزمین عاد ، سرزمینی حاصلخیز و سرسبز با منابع آبی سرشار

و جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و نیز<عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارها است و این امر حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین عادیان دارد.

سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۱،۳

۱ – رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سمت چپ سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱

۱ - در

سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

سمت راست سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱

۱ - در سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

شکایت مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱،۱۲

۱- مردم شمال ، از طوایفی فسادانگیز به نام یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین شکایت بردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

مفسران و مؤرخان، با استفاده از ادله مختلف و برخی متون باستانی، این را مسلم گرفته اند که مراد از یأجوج و مأجوج، همان قبایل مغول و تاتار هستند.

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هـذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند

و آنـان در زمین فساد می کننـد. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیـدن میوه هایمان فرامی رسـد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کـوه) به مـا حملهور شـده و از میوه هـای مـا و زراعت هـای مـا آن قـدر می چراننـد که هیـچ چیز از را بـاقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

ظالمان سرزمین مقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۲،۳

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

۳ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۴،۸

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

ظلم مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۷

۷– ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا

القرنين إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

عبرت از واژگونی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۵

۵ - واژگونی شهر های قوم لوط ، مهم ترین فراز تاریخ عبرت آموز قوم لوط است .

و جاء فرعون و من قبله و المؤتفکت بالخاطئه

تعبیر <مؤتفکات> درباره قوم لوط، به جای نام بردن از آنان همچون نام فرعون، مطلب یاد شده به دست می آید.

عجز مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۸

۸- همجواران یأجوج و مأجوج ، خود از ایجاد سدّی محکم و غیرقابل نفوذ در برابر هجوم آن متجاوزان ، ناتوان بودند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

عجز مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۹

۹- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

عذاب بر سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۵

۵- سرزمین قوم لوط ، محل نزول عذاب الهی بر آنان

إلّا امرأته إنها لمن الغبرین

<غابر> (مفرد غابرین) در لغت به معنای باقی و بازمانده است و

مقصود از بازماندگان، عموم مردم لوط به استثنای آل لوط است که در شهر ماندند و عذاب الهی آنان را فرا گرفت.

عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۸

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱

۱- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

عمل صالح مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

عوامل اختناق در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ خودکامگی و سلطه مداری فرعون ، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود .

فما ءامن . .. إلا ذريه ... على خوف من فرعون و ملإيهم أن يفتنهم و إن فرعون لعال ف

فاصله منزلگاههای سرزمین سبا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره و قدّرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا، این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

فتح سرزمین مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن ، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۵،۱۱

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <اذهب . ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است،

به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۵ – ۲،۵

۲ ناامیدی موسی (ع) از حرکت بنی اسرائیل و مبارزه با جباران برای ورود به سرزمین مقدس

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۵ هارون ، همانند موسی (ع) ، مأمور بسیج بنی اسرائیل برای فتح سرزمین مقدس

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

آیه بیست و سوم (و قال رجلان . ..) بیانگر آن است که آن دو مرد نیز همانند هارون مطیع موسی(ع) بودند و این حقیقت با تفسیر جمله <لااملك الا ـ نفسی و اخی> به اینکه تنها اختیاردار خود و برادرم هستم و در میان بنی اسرائیل تنها هارون فرمانبردار من است، سازگار نیست. بنابراین باید گفت <اخی> مبتدایی است با حذف خبر (و اخی لایملك الانفسه) و نام بردن از خود و برادرش به این دلیل است که بسیج بنی اسرائیل بر عهده هارون نیز بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۶ – ۲

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخل ابداً . .. فانها محرمه علیهم

جمله <فانها محرمه . ..>، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی(ع) است، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فافرق بیننا ...) باشد.

فرعون در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت

- ۲۹ - ۳۹ - ۷

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

فلسفه معجزه موسی(ع) در سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۱ - ۵

۵ - نمایاندن معجزه به موسی (ع) در وادی طوی و به دور از چشم مردم ، به خاطر تجربه و آمادگی بیشتر او برای ارائه معجزه در حضور مردم بود . *

ألقها . .. خذها و لاتخف

قارون در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۷

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

قحطی در سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و

جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

قداست سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزمین ها ، از نظر تقدس و اهمیت با یکدیگر متفاوت اند .

بالواد المقدّس طوًی

کاخهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم

گری و کفر آنان بوده است.

کفش کَنی در سرزمین طوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲ – ۹

۹ – ورود با کفش در سرزمین طوی (پایین کوه طور) ، جایز نیست .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

تعلیل بودن <إنّک بالواد المقدّس> حکم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرایت می دهد.

کم فهمی مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۲

۲– مواجه شدن ذوالقرنین در سومین پیشروی خود با مردمی کم بهره از درک و فهم لغات بیگانه و ناتوان از شناخت سریع آن

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

مراد از کُند فهمی ساکنان کوهستان در شناخت زبان دیگران این است که مفاهمه ذی القرنین با آنان دشوار بوده است.

کیفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۸

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

گرمسیری سرزمین قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۲

۲ – سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

گسترش سرزمین های اسلامی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

مفسّران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

گنج های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۵

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد

که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

لوط(ع) در سرزمین سدوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۲ – ۶

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قریتکم

خداونـد پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شـعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشـد. این مطلب می توانـد اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط بـا اضـافه آن به <کم> می توانـد بیـانگر این باشـد که لوط از مهـاجران به آن دیـار بوده است و آن دیار بنابر گفته مفسـران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

مالکیت سرزمین اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۳ – ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آنِ آنهاست .

لنخرجنّکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدیـد به اخراج کردند، احساس قدرت اسـتفاده می شود و از اینکه <أرض> (سـرزمین) را به خود اضافه کردند; به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

مالکیت سرزمین انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۳ – ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آنِ آنهاست .

لنخرجنّكم من أرضنا

از اينكه

آنـان، پیامبران را تهدیـد به اخراج کردنـد، احساس قـدرت اسـتفاده می شود و از اینکه <أرض> (سـرزمین) را به خود اضافه کردند; به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۶

۶ - فرعونیان (قبطیان) سرزمین مصر را از آن خود می دانستند .

یخرجاکم من أرضکم

محرومیت از نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از انـدوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشـکوه فرعونیان دارد.

مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۴

۱۴- ذوالقرنین ، آسیب دیـدگان از یأجوج و مأجوج را به رحمت و اراده خداونـد توجّه داد و آنان را از اعتماد مطلق به سد ، بازداشت .

هذا رحمه من ربّی فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

مردم شمال سرزمین ذوالقرنین و سدسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۲

۱۲- < عن أميرالمؤمنين (ع) : إنّ ذاالقرنين . . . وجد . . . قوماً لايكادون يفقهون قولاً قالوا : يا ذاالقرنين ! إنّ يأجوج و مأجوج خلف هذين الجبلين و هم يفسدون

فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۴

۴- شیوه ذوالقرنین در برخورد با مردم شرق و غرب ، یک سان بوده است . *

وجدها تطلع علی قوم . .. کذلک

<کذلک> می تواند صفت برای <قوم> در آیه قبل باشد و اشاره به <قوماً> در آیات قبل; یعنی، ذوالقرنین، همانگونه که قوم ساکن مغرب را یافت و در باره آنان تصمیم گرفت، در باره شرقی ها نیز همان سان رفتار کرد.

مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۳

-۳

ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۴

۴- شیوه ذوالقرنین در برخورد با مردم شرق و غرب ، یک سان بوده است . *

وجدها تطلع علی قوم . .. کذلک

<کذلک> می تواند صفت برای <قوم> در آیه قبل باشد و اشاره به <قوماً> در آیات قبل; یعنی، ذوالقرنین، همانگونه که قوم ساکن مغرب را یافت و در باره آنان تصمیم گرفت، در باره شرقی ها نیز همان سان رفتار کرد.

مشکلات مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

ملائکه در سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۱

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا

ملائکه عذاب در سرزمین قوم

لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم . .. و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا

منزلگاههای سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱،۳

۱ - مردم سبا ، از خداوند خواستار طولانی شدن بین منزل گاه های سفرشان شدند .

و قدّرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و أیّامًا . .. فقالوا ربّنا بعد بین أسفارن

۳ - سباییان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

منشأ برکت سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۵،۶

۵- برکت یافتن هر سرزمین ، درگرو خواست و عنایت خدا است .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

منشأ تفاوت سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۶

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

موسی(ع) در سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۳،۴

۳ - حضرت

موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان ، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال . .. إنّی ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود(لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . *

فقال لأهله امکثوا أنّی ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۱،۵

۱ - خداوند ، موسی (ع) را به پیامبری برگزید و در وادی طوی او را از انتخاب شدن به رسالت ، آگاه ساخت .

و أنا اخترتک فاستمع لما یوحی

به قرینه <لما یوحی>، اختیار شدن موسی(ع) به معنای گزینش او برای پیامبری و تحمل وحی الهی است.

۵ - سخن خداوند با موسی (ع) در وادی طوی (پای کوه طور) ، به صورت وحی بوده است .

فاستمع لما یوحی

جمله <إنّنی أنا اللّه> (در آیه بعد) بدل برای <ما یوحی> است. بنابراین آنچه در پایین کوه طور با موسی(ع) گفته شده بود، وحی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سرلوحه وحی الهی به موسی

(ع) در وادی طوی بود .

إنّنی أنا اللّه لا إله إلاّ أنا

۲ – خداوند در سرزمین طوی (پایین کوه طور) به موسی (ع) فهماند که خطاب را مستقیماً از < اللّه > دریافت می کند و کلام او را می شنود .

إنّنی أنا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۲ – ۱

۱ – خداوند ، در وادی طوی به موسی (ع) فرمان داد که با گذاردن دست در زیر بغل و بیرون آوردن آن ، با معجزه ای دیگر آشنا شود .

واضمم یدک إلی جناحک . .. ءایه أُخری

<جناح> در معانی <دست>، <بازو>، <زیر بغل> و <پهلو> به کار می رود (قاموس). فعل <تخرج> قرینه است براین که مراد از <جناح> در آیه <زیر بغل> است، زیرا بر دور شدن دست از بازو و پهلو خروج صادق نیست.

موسی(ع) در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۲

۲– حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

موسی(ع) و سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۲

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر

هدایت ; بلکه برای برگرداندن آنان از سنّت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

موقعیت جغرافیایی سرزمین اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۸ - ۲

۲- محل سکونت مردم < ایکه > محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

و إن کان أصحب الأیکه لظلمین

<ایکه> در لغت به معنای درخت پر شاخ و برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است; یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به <اصحاب الأیکه> ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

موقعیت جغرافیایی سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - در فاصله بین سرزمین سبا و سرزمین شام ، مراکز و اماکنی نزدیک به هم وجود داشت که از یکدیگر قابل مشاهده بودند .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره

مراد از <القری التی بارکنا فیها> طبق گفته نوع مفسران، سرزمین شام است. گفتنی است که مراد از <قرًی ظاهره> مراکزی نزدیک به هم است که امکان مشاهده محلی از محل دیگر وجود داشته است.

۲ - اتصال سرزمین سباییان به سرزمین شامات از طریق وجود شهر ها و روستا ها نعمتی برای آنان بود .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان . .. و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فی

آیه در ادامه قصه قوم سبأ و ذکر نعمت هایی است که خداوند به آنان اعطا

کرده بود و از آنان خواسته بود که در قبال آنها شکرگزاری کنند.

موقعیت جغرافیایی سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸

۸ - وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاک و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۲

۲ - سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود ، به مکه ، نزدیک بود و اهل مکه ، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبیّن لکم من مسکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۴

۴- اصحاب حجر (قوم ثمود) مردمی نیرومند و سخت کوش بودند و در مناطق کوهستانی زندگی می کردند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود ، به مکه ، نزدیک بود و اهل

مکه ، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبیّن لکم من مسکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۴ - ۳

۳- سرزمین قوم عاد ، دارای دره ها و پستی و بلندی ها *

مستقبل أودیتهم

<أودیه> (جمع <وادی>) به معنای دره ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۲

۲- سرزمین هلاک شده قوم عاد ، دارای فاصله جغرافیایی با شهر مکه *

و لقد أهلکنا ما حولکم من القری

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <ماحولکم> در این آیه، این مفهوم را برساند که سرزمین <عاد> نزدیک به مکه نبود; در حالی که سرزمین های هلاک شده دیگری وجود داشته که به مکه نزدیک تر بوده است.

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۲

۲ شهر قوم لوط نه چندان دور از شهر مکه و قابل دسترسی برای مردم آن جا

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۷ - ۱،۳

۱ – دیار نابود شده قوم لوط در صدراسلام ، در مسیر رفت و آمد کاروان ها به شام قرار داشت .

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین

مفسران بر این دیدگاه متفق اند که دیار مخروبه قوم لوط، در مسیر رفت و آمد از حجاز به شام قرار داشت.

۳ – مسیر گذر از دیار قوم لوط ، نقطه ای مشرف بر

آن ناحیه بوده است .

و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین

از به کار رفتن <علی> که برای استعلا است به جای <با>، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۱

۱ - عبور مردم عصر بعثت بر دیار نابود شده شهر قوم لوط ، در مسیر رفت و آمد شبانه روزی شان به شام

و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین . و باللّیل أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۴

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلی الفلک المشحون

موقعیت جغرافیایی سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۷

۷ مصر و کنعان ، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه یوسف

موقعیت جغرافیایی سرزمین مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۷

۷ شهر مدین ، در نزدیکی دیار قوم لوط قرار داشت .

و ما قوم لوط منکم ببعید

موقعیت جوّی سرزمین قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۲

۲ – سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

موقعیت جویّ سرزمین

کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۷

۷ مصر و کنعان ، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه یوسف

نابودی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، سرزمین ثمودیان را با خاک یکسان کرد .

فسوّیها

ضمیر <فسوّاها> ممکن است به <زمین> برگردانده شود که از سیاق آیه به دست می آید. <تسویه سرزمین>; یعنی، ویران کردن بناها و هموار ساختن پستی و بلندی های آن. در احتمالی دیگر ضمیر به <ثمود> برمی گردد; ولی مفاد آیه، برابری ثمودیان در عذاب نبوده; بلکه یعنی، <سوّاهم بالأرض> (آنها را با زمین مساوی ساخت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۸ - ۱

۱ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در دیار ایشان شد .

کأن لم یغنوا فیها

<غِنیً> (مصدر لم یغنوا) به معنای اقامت کردن و سکنی گزیدن است. ضمیر در <فیها> به <دیار> در آیه قبل برمی گردد و جمله <کأن لم یغنوا فیها>; یعنی، گویا قوم ثمود در دیارشان اقامت نکرده بودند و این کنایه از بین رفتن دیار آنان است.

نزدیکی سرزمین قوم ثمود به مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۸ – ۵

۵ – منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود ، به مکه ، نزدیک بود و اهل مکه ، آن جا را می شناختند .

و عادًا

و ثمودًا و قد تبيّن لكم من مسكنهم

نزديكى سرزمين قوم عاد به مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زيستى دو قوم عاد و ثمود ، به مكه ، نزديك بود و اهل مكه ، آن جا را مى شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبيّن لكم من مسكنهم

نزديكى منزلگاههاى سرزمين سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۱

۱ - در فاصله بين سرزمين سبا و سرزمين شام ، مراكز و اماكنى نزديك به هم وجود داشت كه از يكديگر قابل مشاهده بودند .

و جعلنا بينهم و بين القرى التى بركنا فيها قرًى ظهره

مراد از <القرى التى باركنا فيها> طبق گفته نوع مفسران، سرزمين شام است. گفتنى است كه مراد از <قرًى ظاهره> مراكزى نزديك به هم است كه امكان مشاهده محلى از محل ديگر وجود داشته است.

نعمت سرزمين آباد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - داشتن سرزمينى آباد و دل پذير ، امرى مطلوب و پسنديده است .

بلده طيبه

نعمتهاى سرزمين سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۵ – ۶

۶ – سرزمین سبا ، سرزمینی بس دل نواز برای اهل آن بود .

بلده طیبه

<بلده> مبتدا است و خبر آن (لکم) به خاطر آسانی تلفظ حذف شده است.

نعمتهای سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۷ –

۲ - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت های سرزمین مصر بود .

فأخرجنهم من جنّت و عیون

اسناد فعل <إخراج> به ضمیر <نا> بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

وارثان سرزمین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۴

۴ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد .

فنجّینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا

وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه

(۲۱).

واژگونی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۱،۶

۱ خداوند ، با زیر و رو کردن دیار قوم لوط ، آنان را به عذاب استیصال گرفتار ساخت .

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها

مراد از ضمیر در <عالیها>، <سافلها> و <علیها> قریه و یا قریه هایی است که قوم لوط در آنها زندگی می کردند. عالی و سافل هر چیز به معنای بالاترین و پایین ترین قسمت آن است (لسان العرب).

۶ زیر و زبر کردن دیار قوم لوط و بارش سنگ بر آنان ، عذابی برخاسته از امر خداوند

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیها حجاره

مراد از <أمرنا> عذاب الهی است. تعبیر کردن از <عذاب> به <أمر> برای رساندن این معناست که: عذاب نازل شده ، برخاسته از امر و فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۴

۴ - شهر های قوم لوط ، براثر عذاب الهی واژگون شد .

و المؤتفکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۷

۱- خداوند ، شهر قوم لوط را در پی صدایی وحشتناک ، زیر و رو و واژگون کرد .

فأخذتهم الصیحه . .. فجعلنا علیها سافلها

۲- قوم لوط ، هم زمان با زیر و رو شدن شهرشان ، دچار بارش کلوخهایی از سنگ و گِل (سجّیل) شدند .

فجعلنا عليها سافلها و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل

<سجيل> در لغت به معنای شیئی است که از سنگ و گِل مخلوط باشد و

برخی از اهل لغت آن را <لفظی فارسی> و معرب <سنگ گِل> دانسته اند.

۳- عمل لواط و همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه مشرقین .

۷- زیر و رو شدن شهر و دیار قوم لوط و هلاکت آنان ، مصداق و مظهر عذاب دردناک الهی

نبّیء عبادی . .. و أن عذابی هو العذاب الألیم ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلنا علیه

وعده تملک سرزمین های ناشناخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۳

۳ – وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

ویرانی سرزمین قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات

دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۱

۱ - بارش بارانی از سنگ گِل (سجیل) بر قوم لوط ، پس از هلاکت آنان و ویرانی کامل دیارشان

ثمّ دمّرنا الأخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

<إمطار> (مصدر <أمطرنا>) به معنای بارانیدن است. <مطرًا> مفعول <أمطرنا> و تنکیر آن تنکیر تنویع است; یعنی، <بر روی آنان نوعی باران فرو ریختیم>. در سوره حجر (آیه ۷۴) نوع باران را بیان کرده است: <فجعلنا عالیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجیل; شهرشان را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هایی از سجیل (سنگ گِل) فرو ریختیم>.

ویژگیهای سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۲

۲ - < اِرم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

ویژگیهای سرزمین بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱،۲

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی خوش آب و هوا و واجد همه شرایط مناسب زندگی ، اسکان داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و

روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

ویژگیهای سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۶،۱۲

۶ - سرزمین سبا ، سرزمینی بس دل نواز برای اهل آن بود .

بلده طیبه

<بلده> مبتدا است و خبر آن (لکم) به خاطر آسانی تلفظ حذف شده است.

۱۲ - مردم سبا در مقطعی از تاریخ ، از سرزمینی آباد برخوردار بودند ، و خطاهایشان نیز از سوی خداوند بخشوده می شد .

و لقد کان سبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال . .. بلده طیبه و ربّ غفور

ویژگیهای سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۷ - ۲

۲ - سرزمین ثمودیان ، سرزمینی حاصلخیز با منابع آبی سرشار

فی جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و <عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارهااست و آن حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین ثمودیان دارد.

ویژگیهای سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ - سرزمین عاد ، سرزمینی حاصلخیز و سرسبز با منابع آبی سرشار

و جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و نیز<عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارها است و این امر حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین عادیان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن

، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم ذات العماد

هامان در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۹ – ۷

۷ – قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

هجرت از سرزمین شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۹ – ۶

۶ – ابراهیم (ع) ، افراد مؤمن و موحد را ، به هجرت از سرزمین شرک تشویق می کرد .

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی

اعلام ابراهیم(ع) به هجرت خود از سرزمین شرک، ممکن است به این جهت باشد که افراد اندکی که ایمان آورده و موحد شده اند، همانند او هجرت کنند.

هجرت از سرزمین قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۱ – ۴

۴ – نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجّینه و أهله . .. ثمّ دمّرنا الأخرین

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) مرادف <إهلاك>

و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است; یعنی، <سپس دیگران را هلاک گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد; بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لايلتفت منكم أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱،۳

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

هجرت از سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۶،۷

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۲

۲ - موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۴

۴ - گریز بنی اسرائیل از مصر ، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۳

۳ - فرمان خداوند به حرکت شبانه بنی اسرائیل ، طرحی برای بیرون

کشاندن فرعونیان از سرزمینشان

أن أسر بعبادی . .. فأخرجنهم من جنّت و عیون

هجرت به سرزمین با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۶

۶- هجرت از محیط آلوده و بلاد کفر و شرک به سرزمین پاک و برکت خیز امری است بایسته و سزاوار .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

هجرت به مشرق سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۲

۲ - خط سیر بنی اسرائیل ، از مصر به سمت مشرق بود . *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مشرقین> چنان که برخی از مفسران گفته اند به معنای <قاصدین جهه الشرق> باشد.

هدهد و سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۵

۵ - هدهد ، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین < سبا > برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبإ بنبإ یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود; یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

سرزمین حجر

{سرزمین حجر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱،۲

۱ قوم ثمود پس از انقراض قوم عاد تشکل یافته و در سرزمین حجر به تمدن رسیدند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

<ال> در <الأرض> عهد ذهنی است و اشاره به سرزمینی است که قوم ثمود در آن

ساکن بودند که بین حجاز و شام قرار گرفته است.

۲ خلافت قوم ثمود در زمین و سکونت گزیدن آنان در سرزمین حجر ، نعمتی الهی بر آنان

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

سرزمین شام

{سرزمین شام}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۱ – ۱۳،۱۴

۱۳ بنی اسرائیل ، مأمور داخل شدن به سرزمین مقدس شام

ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یعنی الشام . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

۱۴ ورود بنی اسرائیل به شام ، پس از توبه و رضایت خداوند از ایشان ، در پایان چهل سال سرگردانی

یقوم ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) روایت شده که بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: . .. ثم دخلوها بعد اربعین سنه ... و ما کان خروجهم من مصر و دخولهم الشام الا من بعد توبتهم و رضاء اللّه عنهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

سرزمین مصر

{سرزمین مصر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ سرزمین مصر ، جایگاه سرگردانی قوم موسی بمدت چهل سال

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در مورد سرگردانی قوم موسی روایت شده: . .. فتاهوا فی الارض اربعین سنه فی مصر و فیا فیها ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

یأتوک بکل سحر علیم

فعل <یأتوک> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرین یأتوک بکل ساحر علیم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

ادعای مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۱

۱ - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن <أرض> به ضمیر متکلم <نا> برمی آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آنِ خود می دانستند و برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

اشراف فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

باغهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۷ – ۴

۴ – دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

بنی اسرائیل در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۲

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

تاریخ سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۲

۲ مصر ، سرزمین کفر بود .

من القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰

- حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می توانـد بـدین معنا باشـد که: فرعون و اشـراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصـر فرمان می رانندنـد و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسـی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جادوگران در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جادوگری در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت موسی (ع)

یأتوك بكل سحر علیم

چشمه های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

حکومت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعونی و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض . .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن إخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

سرزمین مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

عوامل اختناق در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۳ – ۱۲

۱۲ خودکامگی و سلطه مداری فرعون ، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود .

فما ءامن . .. إلا ذریه ... علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم و إن فرعون لعال ف

فرعون در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۹ – ۷

۷ – قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

فرعون و سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

قارون در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۹ – ۷

۷ – قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

کاخهای سرزمین مصر

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

گنج های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۵

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۶

۶ - فرعونیان (قبطیان) سرزمین مصر را از آن خود می دانستند .

یخرجاکم من أرضکم

محرومیت از نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

موسی(ع) در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۲

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

موسی(ع) و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۲

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ; بلکه برای برگرداندن آنان از سنّت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۲،۴

۲ - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت های سرزمین مصر بود .

فأخرجنهم من جنّت و عیون

اسناد فعل <إخراج> به ضمیر <نا> بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - دیار فرعونیان

، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

هامان در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۷

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

هجرت از سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۶،۷

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند

خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتك من القوم الكافرين> به معنای (ما را از كافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۲

۲ - موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۴

۴ - گریز بنی اسرائیل از مصر ، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۳

۳ - فرمان خداوند به حرکت شبانه بنی اسرائیل ، طرحی برای بیرون کشاندن فرعونیان از سرزمینشان

أن أسر بعبادی . .. فأخرجنهم من جنّت و عیون

هجرت به مشرق سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۲

- خط سیر بنی اسرائیل ، از مصر به سمت مشرق بود . *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مشرقین> چنان که برخی از مفسران گفته اند به معنای <قاصدین جهه الشرق> باشد.

سرزمین مقدس

{سرزمین مقدس}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱،۵،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳

۱ ورود به سرزمین مقدس و تصرف آن ، فرمان موسی (ع) به قوم خویش

یقوم ادخلوا الارض المقدسه

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه اللّه . .. یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی(ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

۹ خطر بروز برخورد و جنگ با ساکنان سرزمین مقدس به هنگام ورود قوم موسی (ع) به آن

ادخلوا . .. و لاترتدوا علی ادبارکم

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

۱۲ تقدیر الهی به سکنا گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، مشروط به جهاد و مبارزه آنان بود .

التی کتب اللّه لکم . .. و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

از مصادیق خسران (فتنقلبوا خسرین)، محرومیت قوم موسی(ع) از ورود به

سرزمین مقدس است. بنابراین سکونت آنان در سرزمین مقدس در صورتی مقدر خواهد بود که در برابر دشمن مقاومت کنند.

۱۳ بنی اسرائیل ، مأمور داخل شدن به سرزمین مقدس شام

ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یعنی الشام . ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۱،۴،۵

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

۴ عصر موسی (ع) مصادف با حضور مردمانی قدرتمند و زورگو در سرزمین مقدس

ان فیها قوماً جبارین

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه و درگیری ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فانا دخلون

آیه و سیاق آن، حکایت از تخطئه اندیشه قوم موسی(ع) (فتح سرزمین قدس بدون مبارزه) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱،۳،۱۲،۲۴،۲۵

۱ یورش به سرزمین مقدس از دروازه آن ، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

۳ یاران موسی (ع) و وفاداران به او برای نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، جمعی اندک و ناچیز

ان فيها قوماً جبارين . .. قال رجلان من الذين يخافون

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به

سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذین یخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون>، <جبارین> باشد.

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی (ع) (یوشع و کالب) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجلان . .. ان کنتم مؤمنین

۲۵ دعوت یوشع بن نون و کالب بن یافنا (عموزاده های حضرت موسی (ع)) ، از بنی اسرائیل برای ورود به سرزمین مقدس

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: احدهما یوشع بن نون و الاخر کالب بن یافنا قال: و هما ابنا عمه . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۶۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۶، ح ۱۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۲،۴

۲ هراس قوم موسی (ع) (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱،۵،۶

۱ قوم موسی (ع) ، محروم از تصرف سرزمین مقدس به مدت چهل سال

قال فانها محرمه عليهم اربعين سنه

مراد از <محرمه>، حرمت تكوينى است نه حرمت تشريحى.

۵ زمان سرپیچی قوم موسى (ع) از فرمان وى ، سرآغاز

سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنّا لن ندخلها . .. اربعین سنه یتیهون فی الارض

۶ ترک جهاد از سوی نیرو های کارآمد بنی اسرائیل ، موجب گرفتاری همه مردم آن قوم به سرگردانی و محرومیت از تسلط بر سرزمین مقدس

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

برداشت فوق مبتنی بر امری مسلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی ; حتی زنان و کودکان و پیران، به سرگردانی گرفتار آمده و از ورود به سرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

بنی اسرائیل در سرزمین مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمکّن لهم فی الأرض

<تمکین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمکّن لهم فی الأرض>; یعنی، <نجعل لهم مکاناًیستقرون فیه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التی کتب اللّه لکم)، (مائده، آیه ۲۱).

ظالمان سرزمین مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۲،۳

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

۳ خروج جباران از

سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۴۸

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

فتح سرزمین مقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۴،۱۵

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن ، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۵،۱۱

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد

از <اذهب . ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۲،۵

۲ ناامیدی موسی (ع) از حرکت بنی اسرائیل و مبارزه با جباران برای ورود به سرزمین مقدس

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۵ هارون ، همانند موسی (ع) ، مأمور بسیج بنی اسرائیل برای فتح سرزمین مقدس

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

آیه بیست و سوم (و قال رجلان . ..) بیانگر آن است که آن دو مرد نیز همانند هارون مطیع موسی(ع) بودند و این حقیقت با تفسیر جمله <لااملك الا ـ نفسی و اخی> به اینکه تنها اختیاردار خود و برادرم هستم و در میان بنی اسرائیل تنها هارون فرمانبردار من است، سازگار نیست. بنابراین باید گفت <اخی> مبتدایی است با حذف خبر (و اخی لایملك الانفسه) و نام بردن از خود و برادرش به این دلیل است که بسیج بنی اسرائیل بر عهده هارون نیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۲

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخل ابداً . .. فانها محرمه علیهم

جمله <فانها محرمه . ..>، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی(ع) است، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فافرق بیننا ...)

باشد.

سرزمین ها

آبادانی سرزمین قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - مردم سبا در مقطعی از تاریخ ، از سرزمینی آباد برخوردار بودند ، و خطاهایشان نیز از سوی خداوند بخشوده می شد .

و لقد کان سبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال . .. بلده طیبه و ربّ غفور

آبادانی سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمیِ فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أکثر ممّا عمروها

<إثاره> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

آیات خدا در سرزمین سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۲

۲ - وجود دو باغ در بخش راست و چپ شهر سبا ، نشانه ای از نشانه های خدا بود .

و لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

احترام سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸،۹

۸ - وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاك و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

۹ - ورود با کفش در

سرزمین طوی (پایین کوه طور) ، جایز نیست .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

تعلیل بودن <إنّک بالواد المقدّس> حکم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرایت می دهد.

اختیار مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخودار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ادعای مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۱

۱ - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن <أرض> به ضمیر متکلم <نا> برمی آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آنِ خود می دانستند و برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

ارزش سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۶

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

استحکام سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم ذات العماد

استمداد مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۷

۷- آسیب پـذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سـدّی در میانه دو رشـته کوه بلنـد در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین . .. تجعل بیننا و بینهم سدًّا

اقرار مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۴

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

با این که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهـد و دیـدن قـدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدنـد که او، کسـی است که می توانـد سـدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشـمنان برای آنان برپا کنـد و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

امکانات مادی مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

امنیت در سرزمین قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۷

۷ – منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سباییان ،

در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . .. ءامنین

اولین نبی سرزمین مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۸

۸ - رسول خدا (ص) ، نخستین پیامبر مبعوث شده در سرزمین مکه

لتنذر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلك

مراد از <قوماً> مردم سرزمین مکه است و <ما> در <ما أتاهم> نافیه می باشد; یعنی، مردمی که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده ای مبعوث نشده است.

اهمیت دفاع از سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۲

۲ ملاك وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

اهمیت سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۶

۶ - اهمیت سرزمین سبا و مسائل آن برای سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

تحقيق و بررسی درباره سبا و مسائل آن، نشانگر اهمیت این موضوع در نظر سلیمان است.

ایمان ظالمان مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان

از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

ایمان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

بادیه نشینی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۱،۳

۱- ذوالقرنین ، در سفر دوم خویش ، به آخرین نقطه خشکی در سمت مشرق رسید و با مردمی بدوی و عاری از تمدن روبه رو شد .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

ضمیر <دونها> به <الشمس> بازمی گردد و مفاد جمله <لم نجعل. ..> این است که مردم آن سرزمین، جز خورشید، پوششی نداشتند; یعنی، هیچ بنا و ساختمانی که سایبان آنان باشد و هیچ پوشاکی که بدنشان را به پوشاند، در بین آنان مشاهده نمی شد، لذا از آنان، تعبیر به اقوامی بدوی شده است.

۳- ذوالقرنین ، در شرق سرزمین خویش ، با مردمی ساکن بیابانی کویری و بدون گیاه مواجه شد . *

لم نجعل لهم من دونها سترًا

از واژه <لم نجعل> این احتمال جان می گیرد که بی پناهی در برابر

تابش آفتاب، معلول اموری بود که به <جعل> الهی مربوط می شود، مانند کویری بودن سرزمین که از امور طبیعی است.

بارش سنگ بر سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

باغهای سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - در سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

۲ - وجود دو باغ در بخش راست و چپ شهر سبا ، نشانه ای از نشانه های خدا بود .

و لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

باغهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

برهنگی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۰ – ۲

۲– ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها

ستزًا

بنی اسرائیل در سرزمین مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمکّن لهم فی الأرض

<تمکین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمکّن لهم فی الأرض>; یعنی، <نجعل لهم مکاناًیستقرون فیه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التی کتب اللّه لکم)، (مائده، آیه ۲۱).

بی خانمانی مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۲

۲- ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها ستزًا

بی نظیری سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

پاکی سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸

۸ - وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاك و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

تاریخ سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ -

۳ – ۲۳

۳ – شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

تاریخ سرزمین قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۴

۴ آثار و بقایایی از شهر ویران شده قوم لوط ، تا عصر بعثت پیامبر (ص) بر جای مانده بود .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

تاریخ سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۳ – ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

تاریخ سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۶ – ۲

۲ مصر ، سرزمین کفر بود .

من القوم الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۶ – ۱۰

۱۰ – حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر

*

و كانوا قومًا عالين

جمله <كانوا قوماً عالين> می توانـد بـدين معنا باشـد كه: فرعون و اشـراف حكومت او، بدان جهت كه از دير زمانی بر مصـر فرمان می راندنـد و به آن خو گرفته بودند و پذيرش دعوت موسـی، آنان را ناچار به فرمان پذيری ی كرد، از پذيرش آن خود داری می كردند.

تشكل مردم مغرب سرزمين ذوالقرنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۶

۶- ذوالقرنين ، در آخرين نقطه خشكی ، در غرب سرزمين خويش ، با مردمی دارای تشكّل و قوميّت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عين حمئه و وجد عندها قومًا

تفاوت سرزمين ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱

۱ زمين متشكل از قطعه ها و سرزمين های گوناگون چيده شده كنار يكديگر

و فی الأرض قطع متجورت

<قطع> (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسـمتهاست. <تجاور> (مصـدر متجاورات) به معنای در جوار و نزديک يكديگر بودن اسـت. توصـيف سـرزمينها بـه قطعـه هـا و بخشـها می توانـد بـه اعتبـار اختلاـف و تفـاوت آنهـا باشـد. بنـابراين مراد از <قطع متجاورات> اين است كه: مناطق زمين علی رغم نزديک بودن و متصل بودن به يكديگر، مختلف و گوناگونند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۱۳

۱۳- سرزمين ها در تقدس و ارجمندی ، متفاوتند .

من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا الذى بركنا حوله

تمجيد خداوند از سرزمين <مسجدالأقصا> نمايانگر تفاوت آن سرزمين با ديگر سرزمينهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹

۵ - سرزمین ها ، از نظر تقدس و اهمیت با یکدیگر متفاوت اند .

بالواد المقدّس طوًی

تقدس سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۹

۹ - ورود با کفش در سرزمین طوی (پایین کوه طور) ، جایز نیست .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

تعلیل بودن <إنّک بالواد المقدّس> حکم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرایت می دهد.

تمدن در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

تمدن در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۲

۱۲- وجود تمدن در غرب سرزمین ذی القرنین

وجد عندها قومًا . .. إمّا أن تعذّب

ظلم و ایمان و عمل صالح و مجازات که آیات بعد در باره ساحل نشینان یاد کرده است از مشخصات جوامع متمدن است.

تمدن مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۴،۵

۴- تمدن منطقه شمال زمین در عهد ذوالقرنین ، ضعیف بوده است .

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

چنان چه مراد از یأجوج

و مأجوج، همان مغول و تاتار باشند، آیه در توصیف ساکنان شمال سرزمین ذی القرنین خواهد بود.

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

تمدن مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۵

۵- در عصر ذوالقرنین ، مردم ساکن غرب سرزمین او ، متمدن تر و پیشرفته تر از مردم ساکن در شرق سرزمین وی بودند .

بلغ مغرب الشمس . .. وجد عندها قومًا ... تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترًا

تمدن مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۵

۵- در عصر ذوالقرنین ، مردم ساکن غرب سرزمین او ، متمدن تر و پیشرفته تر از مردم ساکن در شرق سرزمین وی بودند .

بلغ مغرب الشمس . .. وجد عندها قومًا ... تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترًا

تملک سرزمین یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان

مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۳ – وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّك آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

جادوگران در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۹ – ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جعاله مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۹

۹– قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لك خرجًا علی

أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا

جغرافیای سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۳

۳ محل سکونت قوم لوط ، دارای دو بخش مرتفع (دامنه کوه) و پست (زمین هموار) بود .

جعلنا علیها سافلها

جمله <جعلنا عالیها سافلها> را می توان دو گونه معنا کرد: ۱. قسمت بالای دیار قوم لوط را پایین آوردیم؛ یعنی زیر و رو کردیم؛ ۲. خانه هایی که در محل مرتفع قرار داشت، بر قسمتهایی که پایین قرار داشت، فرو ریختیم. برداشت فوق، مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۵

۵ دیار قوم لوط ، در فاصله ای نه چندان دور از سرزمین مکه قرار داشت .

و ما هی من الظلمین ببعید

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که ضمیر <هی> به قریه یا قریه های قوم لوط باز گردد و مقصود از <الظالمین> مشرکان و کافران مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۷

۷ شهر مدین ، در نزدیکی دیار قوم لوط قرار داشت .

و ما قوم لوط منکم ببعید

جهل مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۱۰

۱۰– مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لكَ خرجًا على أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا

چشمه های سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

حاصلخیزی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۷ - ۲

۲ - سرزمین ثمودیان ، سرزمینی حاصلخیز با منابع آبی سرشار

فی جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و <عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارهااست و آن حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین ثمودیان دارد.

حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می توانـد بـدین معنا باشـد که: فرعون و اشـراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصـر فرمان می راندنـد و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسـی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می

شـود که از نزدیکـان وی بـوده و در یـک جـد بـا او مشـترک باشـند. بنـابراین، از تعـبیر <قـوم فرعـون> اسـتفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۹ – ۱

۱– ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

خانه های مرتفع سرزمین ارم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۷ – ۲

۲ – < اِرم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۸ – ۱

۱ – ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خطر گرگ در سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

درخت سدر در سرزمین سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۶ – ۷

۷ – در پی از بین رفتن باغ

های دل نواز قوم سبا با سیل بنیان کن ، مقدار ناچیزی درخت سدر در جای آنها رویید .

و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أُکل خمط و أثل و شیء من سدر قلیل

درخت گز در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۶

۶ - دو باغ دل نواز قوم سبا ، در پی جاری شدن سیل به باغ هایی از درختانی با میوه های ناگوار و گز تبدیل شدند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أکل خمط و أثل

<خمط> در لغت به درختی گفته می شود که خار ندارد و نیز گفته شده که درخت گز است (مفردات راغب) هم چنین به معنای میوه ترش مزه یک درخت آمده است (عمده الحفاظ). <أثل> به درخت شوره گز گفته می شود.

دره های سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۴ - ۳

۳- سرزمین قوم عاد ، دارای دره ها و پستی و بلندی ها *

مستقبل أودیتهم

<أودیه> (جمع <وادی>) به معنای دره ها است.

دفاع مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۵

۵- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّی إذا بلغ بین السدّین . .. إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

دین درمغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- دین الهی

، با تلاش ذوالقرنین ، تا آخرین نقطه سرزمین او ، گسترش یافت .

و أمّا من ءامن

زبان مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۵

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبـان هـا، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

زبان مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۳

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین بـا آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شـمالی تعبیر <لایکادون. ..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

زبان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۳ – ۳

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین بـا آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شـمالی تعبیر <لایکادون. ..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۸

۸ - مطلوبیت زندگی در

سرزمین های خوش آب و هوا

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

زندگی در سرزمین های کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۶

۶ - مناطق مرتفع زمین ، دارای ارزش برتر برای زیست

و ءاوینهما إلی ربوه

برداشت فوق، بدان احتمال است که <ربوه> به ارزش مناطق مرتفع اشاره داشته باشد، نه صرف یک گزارش تاریخی.

سپاه سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۱

۱ - قوم عاد ، دارای سرزمینی به نام < ارم >

إرم ذات العماد

کلمه <إرم>، بـدل اشـتمال برای <عاد> است; زیرا تخریب آن با عذاب الهی، عقوبتی بود که بر قوم عاد وارد شد. بنابراین مفاد آیه شریفه این است که: <آیا ندیدی خداوند با عاد چه کرد؟ آیا ندیدی با ارم چه کرد؟>

سرزمین ارم در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

سرزمین با برکت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۱ – ۲،۴

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۴- هجرتگاه ابراهیم و لوط (ع) (شام فلسطین) ، برای تمام مردم جهان با برکت است .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها للعلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات است. مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک می باشد. گفتنی است نوع مفسران برآنند که مقصود از سرزمین مبارک، شام (فلسطین) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۷ – ۳

۳ سرزمینی که خداوند پس از هلاکت فرعونیان در اختیار بنی اسرائیل قرار داد ، سرزمینی پربرکت و بسیار حاصلخیز بود .

مشرق الأرض و مغربها التی برکنا فیها

سرزمین سبأ در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۳ – ۳

۳ – شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳

۲ –

۲ – مملکت سبا در عهد سلیمان ، دارای نیروی دفاعی و امکانات جنگی قوی و نیز رزم آوران سلحشور و بی باک

قالوا نحن أُولوا قوّه و أُولوا بأس شدید

<قوه> به معنای نیرو و نکره آمدنش بیانگر عظمت و گستردگی آن است. بنابراین <نحن أُولوا قوّه>; یعنی، ما از نیرویی بسیار گسترده و عظیم برخورداریم. <بأس> به معنای شجاعت و دلاوری است. بنابراین <بأس شدید> برابر با سلحشوری و بی باکی است.

سرزمین سدوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : و أمّا القریه < التی أمطرت مطر السوء > فهی سدوم قریه قوم لوط أمطرالّله علیهم حجاره من سجیل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: و اما قریه ای که خداوند، باران <سوء> را بر آنان باراند، <سدوم>; یعنی، قریه قوم لوط بود که خدا بارانی از سنگ <سجیل> بر آنان بارید (سجیل معرّب سنگ گل است)>.

سرزمین سراندیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۶ – ۲۵

۲۵ < عن أمیر المؤمنین (ع) (فی حدیث طویل) و فیه سأله عن أکرم واد علی وجه الأرض فقال واد یقال له < سراندیب > سقط فیه آدم من السماء ;

از امیر المؤمنین (ع) در ضمن <حدیثی طولانی> از شریف ترین مکانهای روی زمین سؤال شد، آن حضرت فرمود: آن مکان <سراندیب>]سری لانکا، لغت نامه دهخدا[است که آدم (ع) از آسمان به آن جا نازل شد>.

سرزمین سری لانکا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۵

۲۵ < عن أمير المؤمنين (ع) (فی حديث طويل) و فيه سأله عن أكرم واد على وجه الأرض فقال واد يقال له < سرانديب > سقط فيه آدم من السماء ;

از امیر المؤمنین (ع) در ضمن <حدیثی طولانی> از شریف ترین مکانهای روی زمین سؤال شد، آن حضرت فرمود: آن مکان <سراندیب>]سری لانکا، لغت نامه دهخدا[است که آدم (ع) از آسمان به آن جا نازل شد>.

سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۶

۶- قوم عاد (ساکنان سرزمین احقاف) ، گرفتار انحراف و گناه

إذ أنذر قومه بالأحقاف

انذار در جایی صورت می گیرد که انحرافی وجود داشته باشد; چنان که از ادامه آیه، گرفتاری آنان به شرک استفاده می شود. <أحقاف> سرزمینی در جنوب جزیره العرب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۱

۱ - قوم عاد ، دارای سرزمینی به نام < ارم >

إرم ذات العماد

کلمه <إرم>، بدل اشتمال برای <عاد> است; زیرا تخریب آن با عذاب الهی، عقوبتی بود که بر قوم عاد وارد شد. بنابراین مفاد آیه شریفه این است که: <آیا ندیدی خداوند با عاد چه کرد؟ آیا ندیدی با ارم چه کرد؟>

سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع)

قال : و أمّا القریه < التی أمطرت مطر السوء > فهی سدوم قریه قوم لوط أمطراللّه علیهم حجاره من سجیل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده است که فرمود: و اما قریه ای که خداوند، باران <سوء> را بر آنان باراند، <سدوم>; یعنی، قریه قوم لوط بود که خدا بارانی از سنگ <سجیل> بر آنان بارید (سجیل معرّب سنگ گل است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۳

۳ - قوم لوط ، در شهر ها و سرزمین های گوناگون می زیستند .

و المؤتفکت

مطلب یاد شده، از جمع آمدن <المؤتفکات> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۷

۷- شـهر قوم لوط ، علی رغم زیر و رو شـدن و زیر باران کلوخ قرار گرفتن ، کاملاً منهـدم نشـد و سالیان درازی آثار آن باقی ماند .

فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل . .. و إنهما لبإمام مبین

سرزمین قوم لوط در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۷ - ۱

۱ - دیار نابود شده قوم لوط در صدراسلام ، در مسیر رفت و آمد کاروان ها به شام قرار داشت .

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین

مفسران بر این دیدگاه متفق اند که دیار مخروبه قوم لوط، در مسیر رفت و آمد از حجاز به شام قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۱

١ -

عبور مردم عصر بعثت بر دیار نابود شده شهر قوم لوط ، در مسیر رفت و آمد شبانه روزی شان به شام

و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین . و بالّیل أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۶ - ۱،۲

۱- آثار شهر ویران شده قوم لوط ، تا عصر پیامبراسلام (ص) به جا مانده بود .

و إنها لبسبیل مقیم

<مقیم> به معنای <ثابت> است و <سبیل مقیم> یعنی جاده دایر و مرجع ضمیر <إنها> شهر عذاب شده قوم لوط است. بنابراین معنای آیه شریفه چنین می شود: بقایا و آثار شهر قوم لوط در مسیر جاده برای عابران آن راه، قابل مشاهده است.

۲- آثار شهر ویران شده قوم لوط در کنار جاده ای دایر ، قرار داشته و برای هر رهگذر و بیننده ای در عصر پیامبراسلام (ص) قابل مشاهده بود .

فأخذتهم الصیحه . .. فجعلنا علیها سافلها ... إن فی ذلک لأیت ... و إنها لبسبیل م

سرزمین قوم لوط و مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۵

۵ دیار قوم لوط ، در فاصله ای نه چندان دور از سرزمین مکه قرار داشت .

و ما هی من الظلمین ببعید

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که ضمیر <هی> به قریه یا قریه های قوم لوط باز گردد و مقصود از <الظالمین> مشرکان و کافران مکه باشد.

سرزمین کنعان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۳

۳ سرزمین کنعان ، خارج

از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع) *

و جاء إخوه یوسف

بعید به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد ; زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف(ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

سرزمین کوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۲۱

۲۱ أمیر المؤمنین (ع) فرموده اند : < أول بقعه عبداللّه علی ها ظهر الکوفه لما أمر اللّه أن یسجدوا لآدم ، سجدوا علی ظهر الکوفه ;

اولین مکان مقدسی که در آن عبادت خداوند واقع شد سرزمین کوفه بود، آن هنگام که خداوند ملائکه را مأمور سجده بر آدم کرد آنها بر آدم(ع) در سرزمین کوفه سجده کردند>.

سرزمین مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون

سبع سنين دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۲

۲ - قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه <علی> برای استعلا به کار می رود. بنابراین <علی واد النمل> بیانگر این نکته است که منطقه اطراف سرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

سرزمین موصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . فنزل نوح بالموصل من السفینه مع الثمانین . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...>.

سرزمین های با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۱۲

۱۲- مسجدالاقصی در سرزمینی ، سرشار از خیر و برکت واقع شده است .

إلی المسجدالأقصا الذی برکنا حوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۳

۳- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلی الأرض التی برکنا فیها

سرزمین های صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۵

۵ - امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به

عنوان غنایم

و أورثكم . .. و أرضًا لم تطئوها

سرزمین های موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، روانه کننده آب به سرزمین های خشک جهت رویاندن گیاهان است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا

<جرز> به جایی کویر مانند گفته می شود که ریشه گیاه، در آن قطع شده و از بین رفته باشد (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <زرع > مصدر به معنای مفعول است.

سرزمین یمن در دوران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۴،۷

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره و قدّرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالاـ این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

۷ - منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سباییان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . .. ءامنین

سرسبزی سرزمین اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۸ - ۲

۲- محل سکونت مردم < ایکه > محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

و إن کان أصحب الأیکه لظلمین

<ایکه> در لغت به معنای درخت پر شاخ و

برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است; یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به <اصحاب الأیکه> ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

سرسبزی سرزمین قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ - سرزمین عاد ، سرزمینی حاصلخیز و سرسبز با منابع آبی سرشار

و جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و نیز<عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارها است و این امر حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین عادیان دارد.

سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سمت چپ سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱

۱ - در سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

سمت راست سرزمین سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۵ – ۱

۱ – در سمت راست و چپ شهر سبا ، دو باغ بزرگ وجود داشت .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان عن یمین و شمال

شکایت مردم شمال سرزمین

ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱،۱۲

۱- مردم شمال ، از طوایفی فسادانگیز به نام یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین شکایت بردند .

قالوا يذا القرنين إنّ يأجوج و مأجوج مفسدون

مفسـران و موّرخان، با استفاده از ادله مختلف و برخی متون باستانی، این را مسلم گرفته اند که مراد از یأجوج و مأجوج، همان قبایل مغول و تاتار هستند.

۱۲- < عن أميرالمؤمنين (ع) : إنّ ذاالقرنين . . . وجد . . . قوماً لايكادون يفقهون قولاً قالوا : يا ذاالقرنين ! إنّ يأجوج و مأجوج خلف هـذين الجبلين و هم يفسدون فى الأرض إذا كان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علينا من هذين السدّين ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّى لايبقون من ها شيئاً < فهل نجعل لك خرجاً > نؤديه إليك فى كلّ عام < على أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سـخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانـا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه انـد و آنان در زمین فساد می کننـد. زمانی که فصل برداشت زراعت هـای ما و چیـدن میوه هایمان فرامی رسـد، آنان، از پشت این دو سـدّ (دو کوه) به ما حملهور شـده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قـدر می چراننـد که هیـچ چیز از را باقی نمی گذارنـد. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار

سازی؟>.

ظلم مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

عبرت از واژگونی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۵

۵ - واژگونی شهر های قوم لوط ، مهم ترین فراز تاریخ عبرت آموز قوم لوط است .

و جاء فرعون و من قبله و المؤتفکت بالخاطئه

تعبیر <مؤتفکات> درباره قوم لوط، به جای نام بردن از آنان همچون نام فرعون، مطلب یاد شده به دست می آید.

عجز مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۸

۸- همجواران یأجوج و مأجوج ، خود از ایجاد سدّی محکم و غیرقابل نفوذ در برابر هجوم آن متجاوزان ، ناتوان بودند .

فهل نجعل لکَ خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

عجز مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۹

۹- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۸

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۷ – ۱

۱– ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

عمل صالح مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۸ – ۱۰

۱۰– ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخودار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

عوامل اختناق در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۳ – ۱۲

۱۲ خودکامگی و سلطه مداری فرعون ، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود .

فما ءامن . .. إلا ذریه ... علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم و إن فرعون لعال ف

فاصله منزلگاههای سرزمین سبا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۸ – ۴

۴ – بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره و

قدّرنا فيها السير

مراد از تقدیر سیر در آیه بالاـ این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

قحطی در سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

قداست سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزمین ها ، از نظر تقدس و اهمیت با یکدیگر متفاوت اند .

بالواد المقدّس طوًی

کاخهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش

، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از انـدوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنـان مستحق کیفر بوده انـد و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

کفش کَنی در سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۹

۹ - ورود با کفش در سرزمین طوی (پایین کوه طور) ، جایز نیست .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

تعلیل بودن <إنّک بالواد المقدّس> حکم <اخلع> را به همه انسان ها و در همه زمان ها سرایت می دهد.

کم فهمی مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۲

۲- مواجه شدن ذوالقرنین در سومین پیشروی خود با مردمی کم بهره از درک و فهم لغات بیگانه و ناتوان از شناخت سریع آن

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

مراد از کُند فهمی ساکنان کوهستان در شناخت زبان دیگران این است که مفاهمه ذی القرنین با آنان دشوار بوده است.

کیفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف –

۱۸ - ۸۶ - ۸

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

گرمسیری سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۲

۲ - سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

گنج های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّت و . .. و کنوز و مقام کریم

<کنوز> (جمع <کنز>) عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت <مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۶

۶ - فرعونیان (قبطیان) سرزمین مصر را از آن خود می دانستند .

يخرجاكم من أرضكم

محروميت از نعمتهاى سرزمين مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۱

۱ - محروم گشتن فرعونيان از گنج ها و كاخ هاى باشكوه خويش ، به تدبير و طرح الهى

فأخرجنهم من جنّت و . .. و كنوز و مقام كريم

<كنوز> (جمع <كنز>) عبارت از اندوخته هاى مالى است. عبارت

<مقام کریم> نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۸ – ۱۴

۱۴– ذوالقرنین ، آسیب دیدگان از یأجوج و مأجوج را به رحمت و اراده خداوند توجّه داد و آنان را از اعتماد مطلق به سد ، بازداشت .

هذا رحمه من ربّی فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

مردم شمال سرزمین ذوالقرنین و سدسازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۱۲

۱۲– < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند.

آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۴

۴- شیوه ذوالقرنین در برخورد با مردم شرق و غرب ، یک سان بوده است . *

وجدها تطلع علی قوم . .. کذلک

<کذلک> می تواند صفت برای <قوم> در آیه قبل باشد و اشاره به <قوماً> در آیات قبل; یعنی، ذوالقرنین، همانگونه که قوم ساکن مغرب را یافت و در باره آنان تصمیم گرفت، در باره شرقی ها نیز همان سان رفتار کرد.

مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۳

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخودار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۴

۴- شیوه ذوالقرنین در برخورد با مردم شرق و غرب ، یک سان بوده است . *

وجدها تطلع على قوم . .. کذلک

<کذلک> می تواند صفت برای <قوم> در آیه قبل باشد و اشاره به <قوماً> در آیات قبل; یعنی، ذوالقرنین، همانگونه که قوم ساکن مغرب را

یافت و در باره آنان تصمیم گرفت، در باره شرقی ها نیز همان سان رفتار کرد.

مشکلات مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمـده ترین مشـکل مردم نواحی شـمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

ملائکه عذاب در سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم . .. و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا

منزلگاههای سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱،۳

۱ - مردم سبا ، از خداوند خواستار طولانی شدن بین منزل گاه های سفرشان شدند .

و قدّرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و أیّامًا . .. فقالوا ربّنا بعد بین أسفارن

۳ - سباییان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

منشأ برکت سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۵،۶

۵- برکت یافتن هر سرزمین ، درگرو خواست و عنایت خدا است .

إلى الأرض التی برکنا فیها

۶- تفاوت سرزمین ها از

جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

منشأ تفاوت سرزمین ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۶

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

موقعیت جغرافیایی سرزمین اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۸ - ۲

۲- محل سکونت مردم < ایکه > محلی سرسبز و برخوردار از درختان بسیار

و إن کان أصحب الأیکه لظلمین

<ایکه> در لغت به معنای درخت پر شاخ و برگ است و در این آیه مقصود از آن اسم جنس است; یعنی، درختان بسیار. گفتنی است نام گذاری مردم شعیب به <اصحاب الأیکه> ممکن است به منظور نکته یاد شده باشد.

موقعیت جغرافیایی سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - در فاصله بین سرزمین سبا و سرزمین شام ، مراکز و اماکنی نزدیک به هم وجود داشت که از یکدیگر قابل مشاهده بودند .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره

مراد از <القری التی بارکنا فیها> طبق گفته نوع مفسران، سرزمین شام است. گفتنی است که مراد از <قرًی ظاهره> مراکزی

نزدیک به هم است که امکان مشاهده محلی از محل دیگر وجود داشته است.

۲ – اتصال سرزمین سباییان به سرزمین شامات از طریق وجود شهر ها و روستا ها نعمتی برای آنان بود .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان . .. و جعلنا بینهم و بین القری

التی برکنا فی

آیه در ادامه قصه قوم سبأ و ذکر نعمت هایی است که خداوند به آنان اعطا کرده بود و از آنان خواسته بود که در قبال آنها شکرگزاری کنند.

موقعیت جغرافیایی سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸

۸ - وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاک و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۲

۲ - سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود ، به مکه ، نزدیک بود و اهل مکه ، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبیّن لکم من مسکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۴

۴- اصحاب حجر (قوم ثمود) مردمی نیرومند و سخت کوش بودند و در مناطق کوهستانی زندگی می کردند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۸

۵ - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود ، به مکه ، نزدیک بود و اهل مکه ، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبیّن لکم من مسکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۴ - ۳

۳- سرزمین قوم عاد ، دارای دره ها و پستی و بلندی ها *

مستقبل أودیتهم

<أودیه> (جمع <وادی>) به معنای دره ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۲

۲- سرزمین هلاک شده قوم عاد ، دارای فاصله جغرافیایی با شهر مکه *

و لقد أهلکنا ما حولکم من القری

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <ماحولکم> در این آیه، این مفهوم را برساند که سرزمین <عاد> نزدیک به مکه نبود; در حالی که سرزمین های هلاک شده دیگری وجود داشته که به مکه نزدیک تر بوده است.

موقعیت جغرافیایی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۲

۲ شهر قوم لوط نه چندان دور از شهر مکه و قابل دسترسی برای مردم آن جا

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۷ – ۱،۳

۱ – دیار نابود شده قوم لوط در صدراسلام ، در مسیر رفت و آمد کاروان ها به شام قرار داشت .

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّکم لتمرّون علیهم مصبحین

مفسران بر این دیدگاه متفق اند که دیار مخروبه قوم لوط، در مسیر رفت و آمد

از حجاز به شام قرار داشت.

۳ – مسیر گذر از دیار قوم لوط ، نقطه ای مشرف بر آن ناحیه بوده است .

و إنّكم لتمرّون عليهم مصبحين

از به کار رفتن <علی> که برای استعلا است به جای <با>، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۸ – ۱

۱ – عبور مردم عصر بعثت بر دیار نابود شده شهر قوم لوط ، در مسیر رفت و آمد شبانه روزی شان به شام

و إنّكم لتمرّون عليهم مصبحين . و باللّيل أفلاتعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۰ – ۴

۴ – محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلى الفلك المشحون

موقعیت جغرافیایی سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۷

۷ مصر و کنعان ، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه يوسف

موقعیت جغرافیایی سرزمین مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۹ – ۷

۷ شهر مدین ، در نزدیکی دیار قوم لوط قرار داشت .

و ما قوم لوط منکم ببعید

موقعیت جوّی سرزمین قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۲

۲ – سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعها هضیم . و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی

از گرمسیر بودن آن و تعبیر <و تنحتون من الجبال> بیانگر کوهستانی بودن آن است.

موقعیت جویّ سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۷

۷ مصر و کنعان ، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه یوسف

نابودی سرزمین قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، سرزمین ثمودیان را با خاک یکسان کرد .

فسوّیها

ضمیر <فسوّاها> ممکن است به <زمین> برگردانده شود که از سیاق آیه به دست می آید. <تسویه سرزمین>; یعنی، ویران کردن بناها و هموار ساختن پستی و بلندی های آن. در احتمالی دیگر ضمیر به <ثمود> برمی گردد; ولی مفاد آیه، برابری ثمودیان در عذاب نبوده; بلکه یعنی، <سوّاهم بالأرض> (آنها را با زمین مساوی ساخت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۸ - ۱

۱ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در دیار ایشان شد .

کأن لم یغنوا فیها

<غِنیً> (مصدر لم یغنوا) به معنای اقامت کردن و سکنی گزیدن است. ضمیر در <فیها> به <دیار> در آیه قبل برمی گردد و جمله <کأن لم یغنوا فیها>; یعنی، گویا قوم ثمود در دیارشان اقامت نکرده بودند و این کنایه از بین رفتن دیار آنان است.

نزدیکی سرزمین قوم ثمود به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زیستی دو قوم عاد و

ثمود ، به مكه ، نزديك بود و اهل مكه ، آن جا را مى شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبيّن لكم من مسكنهم

نزديكى سرزمين قوم عاد به مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۵

۵ - منطقه زيستى دو قوم عاد و ثمود ، به مكه ، نزديك بود و اهل مكه ، آن جا را مى شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبيّن لكم من مسكنهم

نزديكى منزلگاههاى سرزمين سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۱

۱ - در فاصله بين سرزمين سبا و سرزمين شام ، مراكز و اماكنى نزديك به هم وجود داشت كه از يكديگر قابل مشاهده بودند .

و جعلنا بينهم و بين القرى التى بركنا فيها قرًى ظهره

مراد از <القرى التى باركنا فيها> طبق گفته نوع مفسران، سرزمين شام است. گفتنى است كه مراد از <قرًى ظاهره> مراكزى نزديك به هم است كه امكان مشاهده محلى از محل ديگر وجود داشته است.

نعمتهاى سرزمين سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۶

۶ - سرزمين سبا ، سرزمينى بس دل نواز براى اهل آن بود .

بلده طيبه

<بلده> مبتدا است و خبر آن (لكم) به خاطر آسانى تلفظ حذف شده است.

نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۲،۴

۲ - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت

های سرزمین مصر بود .

فأخرجنهم من جنّت و عیون

اسناد فعل <إخراج> به ضمیر <نا> بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

وارثان سرزمین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۴

۴ خداونـد ، حضـرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، جانشـین غرق شدگان و وارث سـرزمین آنان قرار داد .

فنجّینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا

وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقـدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

واژگونی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ - ۸۲ - ۱،۶

۱ خداوند ، با زیر و رو کردن دیار قوم لوط ، آنان را به عذاب استیصال گرفتار ساخت .

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها

مراد از ضمیر در <عالیها>، <سافلها> و <علیها> قریه و یا قریه هایی است که قوم لوط در آنها زندگی می کردند. عالی و سافل هر چیز به معنای بالاترین و پایین ترین قسمت آن است (لسان العرب).

۶ زیر و زبر کردن دیار قوم لوط و بارش سنگ بر آنان ، عذابی برخاسته از امر خداوند

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیها حجاره

مراد از <أمرنا> عذاب الهی است. تعبیر کردن از <عذاب> به <أمر> برای رساندن این معناست که: عذاب نازل شده ، برخاسته از امر و فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۴

۴ - شهر های قوم لوط ، براثر عذاب الهی واژگون شد .

و المؤتفکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۷

۱- خداوند ، شهر قوم لوط را در پی صدایی وحشتناک ، زیر و رو و واژگون کرد .

فأخذتهم الصیحه . .. فجعلنا علیها سافلها

۲- قوم لوط ، هم زمان با زیر و رو شدن شهرشان ، دچار بارش کلوخهایی از سنگ و گِل (سجّیل) شدند .

فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل

<سجیل> در لغت به معنای شیئی است که از سنگ و گِل مخلوط باشد و برخی از اهل لغت آن را <لفظی فارسی> و معرب <سنگ گِل> دانسته اند.

۳- عمل لواط و

همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه مشرقین .

۷- زیر و رو شدن شهر و دیار قوم لوط و هلاکت آنان ، مصداق و مظهر عذاب دردناک الهی

نبّیء عبادی . .. و أن عذابی هو العذاب الألیم ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلنا علیه

وعده تملک سرزمین های ناشناخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

ویرانی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل

و کلوخ بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۳ – ۱

۱ – بارش بارانی از سنگ گِل (سجیل) بر قوم لوط ، پس از هلاکت آنان و ویرانی کامل دیارشان

ثمّ دمّرنا الأخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

<إمطار> (مصدر <أمطرنا>) به معنای بارانیدن است. <مطرًا> مفعول <أمطرنا> و تنکیر آن تنکیر تنویع است؛ یعنی، <بر روی آنان نوعی باران فرو ریختیم>. در سوره حجر (آیه ۷۴) نوع باران را بیان کرده است: <فجعلنا عالیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجیل؛ شهرشان را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هایی از سجیل (سنگ گِل) فرو ریختیم>.

ویژگیهای سرزمین ارم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۷ – ۲

۲ – < اِرم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

ویژگیهای سرزمین بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۳ – ۱،۲

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی خوش آب و هوا و واجد همه شرایط مناسب زندگی ، اسکان داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و

مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی

إسرءيل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطيبت

ويژگيهای سرزمين سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۶،۱۲

۶ - سرزمين سبا ، سرزمينى بس دل نواز براى اهل آن بود .

بلده طيبه

<بلده> مبتدا است و خبر آن (لكم) به خاطر آسانى تلفظ حذف شده است.

۱۲ - مردم سبا در مقطعى از تاريخ ، از سرزمينى آباد برخوردار بودند ، و خطاهايشان نيز از سوى خداوند بخشوده مى شد .

و لقد كان سبإ فى مسكنهم ءايه جنّتان عن يمين و شمال . .. بلده طيبه و ربّ غفور

ويژگيهای سرزمين قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۷ - ۲

۲ - سرزمين ثموديان ، سرزمينى حاصلخيز با منابع آبى سرشار

فى جنّت و عيون

نكره آمدن <جنّات> و <عيون>، نشان دهنده كثرت باغ ها و چشمه سارهااست و آن حكايت از حاصلخيزى و سرسبزى سرزمين ثموديان دارد.

ويژگيهای سرزمين قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ - سرزمين عاد ، سرزمينى حاصلخيز و سرسبز با منابع آبى سرشار

و جنّت و عیون

نکره آمدن <جنّات> و نیز<عیون>، نشان دهنده کثرت باغ ها و چشمه سارها است و این امر حکایت از حاصلخیزی و سرسبزی سرزمین عادیان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم

ذات العماد

هجرت از سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجّینه و أهله . .. ثمّ دمّرنا الأخرین

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) مرادف <إهلاک> و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است; یعنی، <سپس دیگران را هلاک گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در

صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به

هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱،۳

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

هجرت از سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۶،۷

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۲

۲ - موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

أن أرسل معنا بنی إسرءيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی خداوند به موسی (

ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۵ – ۴

۴ – گریز بنی اسرائیل از مصر ، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۷ – ۳

۳ – فرمان خداوند به حرکت شبانه بنی اسرائیل ، طرحی برای بیرون کشاندن فرعونیان از سرزمینشان

أن أسر بعبادی . .. فأخرجنهم من جنّت و عیون

هجرت به سرزمین با برکت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۱ – ۶

۶– هجرت از محیط آلوده و بلاد کفر و شرک به سرزمین پاک و برکت خیز امری است بایسته و سزاوار .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

هجرت به مشرق سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۰ – ۲

۲ – خط سیر بنی اسرائیل ، از مصر به سمت مشرق بود . *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مشرقین> چنان که برخی از مفسران گفته اند به معنای <قاصدین جهه الشرق> باشد.

سرزمین های اسلامی

آزاد سازی سرزمین های اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره –

۲ - ۱۹۱ - ۵

۵ - ضرورت باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن ایشان از آن جا

و أخرجوهم من حیث أخرجوکم

اخراج دشمنان از سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۵

۵ - ضرورت باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن ایشان از آن جا

و أخرجوهم من حیث أخرجوکم

اهمیت دفاع از سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۲

۲ ملاک وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

گسترش سرزمین های اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

مفسّـِران در تفسـیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاسـتن از نواحی آن، میراندن و هلاك کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته

اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

سرزمین های خشک

{سرزمین های خشک}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند باد های نویددهنده باران را به حرکت می آورد و ابر ها را به سرزمین های خشک گسیل می دارد .

و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته . .. سقنه لبلد میت

سرزنش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرزنش

آثار سرزنش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

دلایل سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به . .. و استکبرتم

دلایل سرزنش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۴

۴- سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به سبب روی گرانی از درگاه او و توجه به عناصری عاجز و ناتوان

من أضلّ ممّن یدعوا من دون اللّه من لا یستجیب له إلی یوم القیمه و هم عن دعائهم غ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به . .. و استکبرتم

رد سرزنش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۳

۳ - سرزنش نشدن پیامبر (ص) ، بر روی گردانی از کافران لجوج

فتولّ عنهم فما أنت بملوم

زمینه سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۲

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ; چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیرورت است; یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

سرزنش آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما . .. و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

سرزنش آرزوی ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۵

۵ ناپسندی آرزو های پوچ و شیطانی

و لامنینهم

سرزنش آزر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۲ – ۲

۲- حضرت

ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر <تماثیل> (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در <ما هذه...> به قرینه مقام توبیخی است.

سرزنش آمیزش در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶ – ۴

۴ – ارضای غرایز جنسی حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فإنّهم غیر ملومین

تعبیر <غیر ملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریض به اندیشه رهبانانی باشد که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

سرزنش ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۲ – ۱

۱ ابلیس، مورد سرزنش و بازپرسی خداوند به سبب تمرد از سجده بر آدم

قال ما منعک ألا تسجد

در توجیه وجود کلمه <لا> در <ألاتسجد> چند نظر وجود دارد: برخی گفته اند <لا> زایده و برای تأکید است. و برخی دیگر گفته اند <منعک> متضمن معنای <دعاک> است که در این صورت لا نافیه خواهد بود. یعنی چه چیز تو را واداشت که سجده نکنی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۸ – ۱

۱ خداوند، ابلیس را با تحقیر و

سرزنش و به گونه ای ننگ آور و ذلتبار از جایگاه رفیعش اخراج کرد.

قال أخرج منها مذءوما مدحورا

<مدحور> به معنای رانده شده با خواری و ذلت است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۱

۱- خداوند ، به خاطر تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع) ، او را مورد سرزنش قرار داد .

قال یإبلیس ما لک ألّا تکون مع السجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۱

۱ - سرزنش ابلیس از سوی خداوند ، به خاطر نافرمانی از سجده بر آدم (ع)

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام توبیخ ابلیس و محکومیت عمل او است.

سرزنش اتکا به غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۷

۷ - کسانی که به غیرخدا اتکا کنند و از غیر او یاری بطلبند ، مورد سرزنش خداوند هستند .

و اتّخذوا من دون اللّه ءالهه لعلّهم ینصرون

سرزنش اتکا به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳ - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . .. فأمّا من ... استغنی

مراد از <استغنی> به قرینه جمله <صدّق بالحسنی> در آیات پیشین ممکن است استغنای از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان

این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

سرزنش اجتناب از عبرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲

۲ - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آنها ، مورد توبیخ خداوند است .

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

سرزنش احترام به علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

سرزنش احترام به علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

سرزنش احساس امنیت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۳

۳- احساس امنیت مشرکان توطئه گر علیه پیامبر (ص) ، مورد سرزنش خداوند است .

أفأمن الذين مكروا السيّئات

همزه <أفأمن> براى استفهام توبيخى است.

سرزنش اختلاف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ ستيز عالمان حسود با يكديگر ، نشان بى دينى و تسليم نبودن آنان در برابر خداست .

انّ الدين عنداللّه

الاسلام و ما اختلف الذین . .. بغیاً بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۲ – ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبریِ صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۸

۸ – اختلاف و تفرقه با انگیزه زیاده خواهی و تجاوزگری ، نکوهیده و مورد تهدید خداوند

فما اختلفوا إلّا من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القی

ذکر <إنّ ربّک. ..> در پی یادآوری اختلافات آگاهانه و تجاوزگرانه بنی اسرائیل می تواند هشداری برای تمامی جوامع تفرقه گرا و تجاوزپیشه باشد.

سرزنش اختلاف افکنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۱

۳۱ – جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجه و ما هم بضارین . .. إلا باذن اللّه

سرزنش اختلاف دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۸ – ۸

۸ اختلافات دینی و مذهبی ، امری ناروا و نکوهیده است .

و لو شاء ربک لجعل الناس أَمه وحده و لایزالون مختلفین

سرزنش اخروی جنیان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی موردبازخواست و توبیخ

قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

سرزنش اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

استفهام در <أین ما کنتم. ..> توبیخی است.

سرزنش اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۹

۹- دنیاطلبان در آخرت ، مورد نکوهش واقع شده و از رحمت خداوند محروم و مطرود خواهند شد .

من کان یرید العاجله . .. ثمّ جعلنا له جهنّم یصلها مذمومًا مدحورًا

سرزنش اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲،۱۳

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

سرزنش اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۵

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیّت رقّت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا. .. و لاهم یستعتبون

<إستعتاب> مصدر <یستعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - ظالمان ، مورد سرزنش و تحقیر در قیامت

و قیل للظلمین ذوقوا ما کنتم تکسبون

تعبیر <بچشید. ..> برای سرزنش و تحقیر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم

سرزنش اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۲

۲ مردمان غافل از آخرت ، مورد توبیخ الهی در صحنه قیامت

لقد کنت فی غفله من هذا

سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

استفهام در <أین ما کنتم. ..> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، مورد ملامت و سرزنش به خاطر استکبار در برابر آیات الهی

و أمّا الذین کفروا أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۰ – ۲،۱۱

۲– سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار أذهبتم طیّبتکم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱– عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۸ – ۴

۴ – سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

سرزنش اخروی گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۰ – ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی موردبازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذین ءامنوا إنّ

الخسرين الذين خسروا أنفسهم

سرزنش اخروى مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن مشركان در قيامت ، به خاطر پرستش غيرخدا

و قيل لهم أين ما كنتم تعبدون

استفهام در <أين ما كنتم. ..> متضمن معناى توبيخ و ملامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۵ - ۲

۲ - سرزنش و استهزا ، از عذاب هاى روحى منكران معاد و مشركان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لكم لاتناصرون

برداشت ياد شده از <ما>ى استفهاميه در <ما لكم> كه درصدد توبيخ و تهكم است به دست مى آيد.

سرزنش اخروى مكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآميز مأموران الهى نسبت به تكذيب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتى كنتم بها تكذّبون

جمله <هذه النار. ..>، مى تواند گفتار الهى و يا سخن مأموران خداوند (همانان كه تكذيب گران را به عنف و قهر به سوى دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پايه احتمال دوم است.

سرزنش اخروى مكذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۵،۶

۵ - منکران معاد ، به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت ، مورد سرزنش قرار خواهند گرفت .

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

جمله <هذا یوم الفصل> در مقام توبیخ و تقریع است.

۶ - سرزنش شدن ، نخستین عذاب روحی منکران

معاد به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

برداشت یاد شده از آن جا است که پیش از طرح هرگونه عذابی برای منکران معاد، آنان مورد سرزنش الهی قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۵ - ۲

۲ - سرزنش و استهزا ، از عذاب های روحی منکران معاد و مشرکان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لکم لاتناصرون

برداشت یاد شده از <ما>ی استفهامیه در <ما لکم> که درصدد توبیخ و تهکم است به دست می آید.

سرزنش اذیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۵،۶،۱۰

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیّت ، تعدّی به حدود الهی و ظلم است .

تلک حدود اللّه فلا تعتدوها و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون . .. و لا تمس

۶ رجوع مرد به زن مُطلّقه با قصد آزار ، ظلم به خویشتن است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه

۱۰ رجوع مرد به زن مُطلّقه به قصد آزار ، مسخره گرفتن آیات الهی است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً . .. و لا تتّخذوا ایات اللّه هُزُواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۱۲،۱۰،۱

۱ ارزش و برتری گفتار پسندیده و عفو و گذشت ، نسبت به بخششی که آزار به دنبال دارد .

قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذیً

۱۰ نباید پس از انفاق ،

با گفتاری ناصواب و یا آشکار ساختن فقر نیازمندان ، آنان را آزُرد .

قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذیً

۱۲ غنای الهی ، کفایت کننده نیاز محرومان از انفاق های همراه با آزار و اذیّت

و اللّه غنیّ حلیم

بکارگیری صفت <غنی> بیانگر این است که نیازی به انفاق همراه با آزار محرومان نیست و خداوند با غنای خود روزی آنان را خواهد داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۴ – ۱۱

۱۱ انفاق های آمیخته با ریا و همراه با منّت و اذیّت ، نوعی کفر است .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اللّه لا یهدی القوم الکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۲ – ۳

۳ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) برای رفع نگرانی و ناراحتی وی از انفاق آلوده به ریا و منّت و آزار برخی از مسلمانان

لیس علیک هدیهم

سرزنش اذیت همسایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۴ – ۱۲

۱۲– < قال النبی (ص) قال : من آذی جاره طمعاً فی مسکنه ورثه الله داره و هو قوله < و قال الذین کفروا . . . فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظالمین . و لنسکننّکم الأرض من بعدهم > ;

رسول خدا(ص) فرمود: هر کس همسایه خود را، به طمع گرفتن خانه اش اذیت کند، خداوند خانه خودش را نصیب همسایه خواهد کرد و این سخن خداوند است: <قال الذین کفروا . .. فأوحی إلیهم ربّهم ...>.

سرزنش اذیت یتیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۸

۸ - ریاکاری شخص نمازگزار ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدعّ الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجّهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم . .. و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین ... و یمنعون الماعون

با آن که تعبیر <فویل للمصلّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند; ولی حرف <فاء> و تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۳

۳- روی گردانی از دین ، پس از گرایش و تمایل به آن ، عملی ارتجاعی و مورد نکوهش

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم من بعد. .. الشیطن سوّل لهم

سرزنش ارضای غریزه جنسی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۴

۴ - ارضای غرایز جنسی حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فإنّهم غیر ملومین

تعبیر <غیر ملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریض به اندیشه رهبانانی باشد که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

سرزنش استغفار برای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۲۰

۲۰ - استغفار مؤمنان برای مشرکان ، حتی با وجود پیوند خویشاوندی ، امری نکوهیده است . *

قد کانت لکم أسوه حسنه فی إبرهیم . .. إلاّ قول إبرهیم لأبیه لأستغفرنّ لک

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلاّ قوم إبراهیم> استثنا از <اُسوه حسنه> باشد.

سرزنش استغنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۳

۳ ناروایی احساس و ابراز غنا و بی نیازی ، در برابر خدا

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

سرزنش استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ - خود بزرگ بینی از خصلت های نکوهیده و شیطانی

أبی و استکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۲

۲- پیدایش روحیه استکباری با برخوردار شدن از امکانات مادی و نعمت های الهی ، امری مذموم و مورد نکوهش خداوند

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

سرزنش استماع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

– مائده – ۵ – ۴۱ – ۲۰

۲۰ ناپسندی گوش سپاری به گفتار دروغ و دروغ بستن بر دیگران

سمعون للکذب

<للکذب> یا مفعول به است برای <سمعون> و یا مفعول له. برداشت فوق بر اساس هر دو احتمال می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۲ – ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

سرزنش استماع سخن ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۲

۲ – سخن فاقد حسن و خوبی ، شایسته استماع و گوش سپردن نیست .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

به کار رفتن تعبیر <أحسن> (بهترین)، می تواند گویای این حقیقت باشد که سخنانی شایسته شنیدن است که در آنها حسنی وجود داشته باشد. در این صورت می توان از میان آنها، احسن و بهترین را برگزید و از آن پیروی کرد.

سرزنش استماع شایعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۲ – ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

سرزنش استمداد از غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۷

۷ - کسانی که به غیرخدا اتکا کنند و از غیر او یاری بطلبند ، مورد سرزنش خداوند هستند .

و اتّخذوا من دون اللّه

ءالهه لعلّهم ينصرون

سرزنش استهزا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۹

۹ نکوهش تمسخر مؤمنان

و يسخرون من الذين امنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۸

۸ - موضع گیری عجولانه و مسخره آمیز در برابر مسائل ، امری نکوهیده و ناپسند

و لمّا ضرب ابن مريم مثلًا إذا قومك منه يصدّون

با توجه به واژه <إذا> استفاده می شود که مشرکان بدون تأمل و تعقل در برابر داستان عیسی(ع)، موضع گیری می کردند و خداوند این را مورد سرزنش قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۴

۴ - وسیله تمسخر قرار دادن مشخصات جسمی و اخلاقی هر قوم ، کاری نکوهیده و مورد نهی الهی است . *

لايسخر قوم من قوم

احتمال می رود واژه <قوماً>، اشاره به عیب جویی های گروهی باشد که معمولاً طایفه ای برای طایفه دیگر، شهری برای شهر دیگر و نژادی برای نژاد دیگر معمول می دارند.

سرزنش اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۱۴

۱۴ اسراف (زیاده روی در مصرف یا انفاق) کاری حرام و نکوهیده است.

و لاتسرفوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف

- ۷ - ۳۱ - ۴

۴ جواز بهره گیری از خوردنیها و نوشیدنیها تا آنجا که به اسراف نینجامد.

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ - ساختن آثار بی ثمر ، خارج از نیاز و صرفاً بازیگرانه ، مورد نکوهش در بینش دین و رهبران الهی

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۹

۹ - اسراف و استفاده بی رویه از نعمت های الهی ، امری ناشایست *

أن کنتم قومًا مسرفین

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از اسراف، اسراف مصطلح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۷

۷- برتری جویی و اسراف ، از پدیده های منفی و مورد نکوهش در زندگی انسان ها

إنّه کان عالیًا من المسرفین

سرزنش اسناد جاهلانه به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ نسبت دادن چیزی به خداوند ، بدون دلیل قاطع و بی اطلاع از درستی و نادرستی آن ، امری ناپسند و مورد نکوهش

خداوند است .

قالوا اتخذ اللّه ولداً . .. إن عندكم من سلطن بهذا أتقولون على اللّه ما لا تعلمون

سرزنش اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱

۱ ناخشنودی خداوند از سخنی که افشا کننده بدی ها و زشتی های دیگران باشد .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول

إلاّ من ظلم

در برداشت فوق، <من القول>، بیان برای <الجهر> گرفته شده است و با توجه به استثنای <الا من ظلم> معلوم می شود مراد، افشای بدیهای دیگران است.

سرزنش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۱

۱ حضرت موسی (ع) ، فرعون و سران حکومتش را ، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قال موسی أتقولون للحق لما جاءکم أسحر هذا

سرزنش اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۶

۶ - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توبیخ و سرزنش است.

سرزنش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۵

۵ نوح (ع) ، اشراف و سران قومش را ، به خاطر توجه نکردن به پیامد های طرد مؤمنان توبیخ کرد .

أفلاتذکّرون

استفهام در <أفلاتذکّرون> استفهام توبیخی است.

سرزنش اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۲

۲ - ایجادکنندگان کوره آدم سوزی (اصحاب اخدود) ، مورد نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او

قتل أصحب الأُخدود

فعل <قتل>، برای نفرین به کار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است; زیرا معنای حقیقی نفرین درباره خداوند تصور ندارد.

سرزنش

اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۶

۶ - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در <ألم> برای استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۱

۱ - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

سرزنش اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۵

۵ - اصحاب ایکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعیب ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

سرزنش اصرار بر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۳

۳- پافشاری بر عقاید باطل و فاقد مبانی علمی ، امری نکوهیده و مورد سرزنش خداوند

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۳

۳ - جدل و پافشاری بر عقاید باطل و فاقد مبانی علمی ، امری است نکوهیده در پیشگاه خداوند .

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم

سرزنش

اضرار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۲ – ۱۵

۱۵ لزوم پرهیز از اضرار به دیگران

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

<دین و وصیّت> با تمام اهمیتی که به آن داده شده، آنجا که به ضرر دیگران تمام شود، فاقد اعتبار است و باید از آن پرهیز شود. بنابراین در غیر وصیّت و دین نیز به طریق اولی پرهیز از آن ضروری است.

سرزنش اضلال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۹ – ۶۸

۶ تلاش برای گمراه کردن دیگران ، افزودن بر گمراهی خود است .

ودّت . .. لو یضلّونکم و ما یضلّون الاّ انفسهم

۸ کسانی که در جهت گمراه نمودن دیگرانند ، از افزودن بر گمراهی خود بی خبرند .

و ما یضلّون الاّ انفسهم

سرزنش اطاعت از دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۰ – ۱۱

۱۱ – اطاعت از دشمن ، امری است مذموم و ناپسند .

ألم أعهد إلیکم . .. إنّه لکم عدوٌّ مبین

سرزنش اطاعت از شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۲ – ۸

۸ خوردن روزی خداوند و پیروی کردن از شیطان، کاری است ناشایست و نکوهیده.

کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

سرزنش اطاعت از هواپرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۳۱

۳۱- آرا و پیشنهاد های هواپرستان ، بی ارزش ، و اطاعت از آن ناروا

است .

و لاتطع من . .. اتبع هويه

سرزنش اطمينان به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ - غرور و اطمينان به سرنوشت نيك اخروى ، امرى نكوهيده است .

و لئن رجعت إلى ربّى إنّ لى عنده للحسنى

سرزنش اطمينان به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۸

۸- مؤمنان ، نبايد به ايمان خويش مغرور بوده و به سعادت ابدى خود مطمئن باشند .

ربّكم أعلم بكم إن يشأ يرحمكم أو إن يشأ يعذّبكم

بنابراينكه خطاب <ربّكم> مؤمنان باشند ممكن است تعريضى باشد به مؤمنان كه مبادا تصور كنند با داشتن ايمان، سعادتشان قطعى است و بر اين اساس با ساير بندگان خدا تندى كنند. صدر آيه <ربّكم أعلم بكم> (خداوند آگاهترين به وضعيت شماست) مى تواند به اين معناى از آيه كمك نمايد.

سرزنش اعراض از آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - سطحى نگرى و بى تفاوتى انسان نسبت به مظاهر وجود و طبيعت ، مورد نكوهش خداوند

و هو الذى يحى . .. أفلاتعقلون

سرزنش اعراض از ايمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۳

۳- عدم گرایش مردم به ایمان ، با مشاهده هدایت الهی ، امری شگفت و مورد نکوهش خداوند است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی

سرزنش اعراض از توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

– ۱۰ – ۳۲ – ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم اللّه ربکم الحق . .. فأنی تصرفون

سرزنش اعراض از عتق برده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۳ – ۴

۴ – حذف آزادسازی بندگان از فهرست کمک های مالی به جامعه ، شیوه ای مطرود در نظام انفاق های خداپسند

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. فلااقتحم العقبه ... فکّ رقبه

سرزنش اعراض از فقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۲۳

۲۳– خداوند پیامبر (ص) را از پذیرش پیشنهاد رفاه مندان در خصوص گسستن از طبقه محروم و عطف توجه به طبقه اشراف ، برحذر داشت .

و لاتطع من أغفلنا قلبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۶ – ۸

۸ – ریاکاری شخص نمازگزار ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدعّ الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

سرزنش اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۴

۴ مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی ، عملی است که مورد شکوه پیامبر (

ص) در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت .

و قال الرسول یربِّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

سرزنش اغواگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۷

۷- فریب دیگران با ظاهرسازی ، امری شیطانی و مذموم

فزیّن لهم الشیطن أعملهم

سرزنش افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۰

۲۰ ناپسندی گوش سپاری به گفتار دروغ و دروغ بستن بر دیگران

سمعون للکذب

<للکذب> یا مفعول به است برای <سمعون> و یا مفعول له. برداشت فوق بر اساس هر دو احتمال می باشد.

سرزنش افراط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۳

۳ افراط و زیاده روی در هر کاری حتی در امور خیریه چون بخشش امری مذموم و ناپسند

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

سرزنش افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۴

۴ تکبر ، فخرفروشی و شادمانی مفرط بر اثر رسیدن به رفاه و آسایش ، رذایلی ناپسند و نکوهیده

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

آیه بعد (إلاّ الذین . ..) گویای این است که هدف قرآن از بیان خصلتهای یاد شده برای انسان (یؤوس ،کفور و ...) مجرد اخبار از چنین صفاتی برای او نیست; بلکه در مقام مذمت و نکوهش از انسانی است که چنین حالاتی را داراست.

سرزنش افساد در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

سرزنش افشاگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱

۱ ناخشنودی خداوند از سخنی که افشا کننده بدی ها و زشتی های دیگران باشد .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

در برداشت فوق، <من القول>، بیان برای <الجهر> گرفته شده است و با توجه به استثنای <الا من ظلم> معلوم می شود مراد، افشای بدیهای دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۸

۸ - < عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال الحسنه التقیه و السیّئه الإذاعه . و قوله عزّوجلّ < ادفع بالتی هی أحسن السیّئه > قال : التی هی أحسن التقیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: <حسنه> تقیه است و <سیئه> شایع کردن [اسرار] است. [در باره]قول خدای عزّوجلّ نیز <ادفع بالتی هی أحسن السیّئه> فرمود: آنکه احسن است، همان تقیه می باشد ...>.

سرزنش اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۵

۵ سرزنش شدن اقوام پیشین ، به خاطر عدم ایمان به موقع و ثمربخش

فلولا كانت قريه ءامنت فنفعها إيمنها

<لولا> به معناى <هلّا> است كه براى ملامت بر گذشته و ترغيب بر آينده است (لسان العرب).

سرزنش اكثريت مشركان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۷

۱۷ - اکثر مشرکان ، به خاطر نیندیشیدن ، مورد سرزنش خداوندند .

و لئن سألتهم من نزّل من السماء ماء . .. بل أکثرهم لایعقلون

<بل> اضراب، به جهت انتقال از حمد خدا برای تمام بودن حجت وحدانیت او، برای مذمت مشرکان است.

سرزنش انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ گناه و انحراف آگاهانه ، دارای زشتی و پلیدی فزونتر

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

قید <من بعد . ..>، بیانگر این است که مذمت و تقبیح عملکرد اهل کتاب، بدان جهت است که ارتداد و کفرشان پس از آگاهی و اتمام حجت بوده است.

سرزنش اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۳ - ۱

۱ - انسان ، به خاطر چیزی که از دست می دهد ، نباید ناراحت و غمگین شود .

لکیلاتأسوا علی ما فاتکم

سرزنش اهانت به مهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۶

۶- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و ممنوع است .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۸

۸- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و به دور از تقواپیشگی

قال إن هؤلاء ضیفی . .. و اتقوا الله و لاتخزون

سرزنش اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- یس - ۳۶ - ۱۹ - ۲،۳

۲ - مردم انطاکیه ، به دلیل شوم دانستن تذکّرات پیامبران شان ، مورد سرزنش ایشان قرار گرفتند .

قالوا طئرکم معکم أئن ذکّرتم

۳ - مردم انطاکیه ، به جهت تهدید کردن پیامبران شان به سنگسار شدن و شکنجه ، مورد سرزنش ایشان قرار گرفتند .

قالوا طئرکم معکم أئن ذکّرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۸

۸ - مردم انطاکیه به علت کفر به خدا و انکار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) قرار گرفتند .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

بیشتر مفسران برآنند که آیه شریفه، در مقام تعریض و سرزنش مردم کافر انطاکیه می باشد و آمدن آن در قالب <و ما لی لا أعبد> به جای <و ما لکم لاتعبدون> برای تأکید بیشتر است. گفتنی است آمدن جمله <ترجعون> به صیغه مخاطب، مؤید این حقیقت است.

سرزنش اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱،۴

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

۴ نکوهش و سرزنش اهل کتاب به خاطر رضایتشان نسبت به اعمال ناروای علمای خود (گمراه ساختن دیگران) *

ودّت

طائفه من اهل الکتاب لو یضلونکم . .. لم تکفرون بایات اللّه

بـا توجه به اینکه سـرزنش نسـبت به همه اهل کتاب است، و گمراه ساختن دیگران مخصوص عالمان آنان است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۱

۱ توبیخ اهل کتاب ، به لحاظ ممانعت مؤمنان از راه خدا

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۲

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر انتقاد آنان از ایمان مؤمنان به خدا ، قرآن و کتب آسمانی

قل یأهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و ما أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۲

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر برخورد منافقانه آنان با اهل ایمان

و

إذا جاءوكم قالوا ءامنا و قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ نکوهش شدید خداوند از اهل کتاب ، بخاطر آلودگی آنان به گناه ، ستمگری و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۷

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

سرزنش اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۳

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او ، توبیخ و سرزنش کرد .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

استفهام در جمله <أرهطی . ..> انکار توبیخی است.

سرزنش بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۱

۱ - نکوهش اعراب (بادیه نشینان) از سوی خداوند ، به سبب تلاش برای مؤمن نمایاندن خویش ; علی رغم آگاهی خداوند به ایمان یا بی ایمانی آنان

قالت الأعراب ءامنّا . .. قل أتعلّمون اللّه بدينكم و اللّه يعلم

سرزنش باغدار متكبر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۳۹ – ۱

۱– بى توجهى رفاه مند مغرور به نقش اساسى مشيّت خدا در امور ، مورد سرزنش

مرد مؤمن قرار گرفت .

و لولا . .. قلت ما شاء اللّه

سرزنش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم اللّه ربکم الحق . .. فأنی تصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحیاکم . .. إنّ الإنسن لکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۱

۱۱ - پرستش بت به جای عبادت نیکوترین آفریدگار ، عملی نابخردانه و سرزنش آمیز

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

سرزنش بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۵،۱۷،۲۵

۵ توجّه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعت بخلورزی

و لا يحسبنّ الّذين يبخلون بما اتيهم اللّه من فضله

تـذكّر خداوند به اينكه داراييهاى شـما، فضـلى از جانب اوست (بما آتيهم اللّه من فضـله)، براى اين هدف است كه انفاق را بر آدمى آسان كند و زشتى بخل را بر او آشكار سازد.

۱۷ حرمت بخلورزى و نكوهش شديد خداوند از بخيلان

و لا يحسبنّ . .. سيطوّقون ما بخلوا به يوم القيمه

۲۵ توجّه به خارج شدن تمام دارايى ها از دست انسان ،

مایه شناخت زشتی بخل و ترک انفاق

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. و للّه میراث السّموات و الارض

جمله <و للّه میراث السّموات . .. >، بیانگر این نکته است که اموال از دست شما خارج و به خدا باز خواهد گشت. بنابراین چرا انفاق نمی کنید و خود را از ثواب و پاداش انفاق محروم می سازید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱- بخل از انفاق ، به خاطر ترس از فقر و تهی دستی ، امری مذموم و نکوهیده است .

لو أنتم تملکون . .. لأمسکتم خشیه الإنفاق

از اینکه آیه در مقام مذمت و توبیخ انسانها و یا مشرکان به خاطر داشتن روحیه خست و بخل است; نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۶

۶- بخل از انفاق در راه خدا ، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّه فمنکم من یبخل

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۴

۴ - بخلورزی و توصیه مردم به آن ، امری بس ناپسند و نکوهیده

و اللّه لایحبّ . .. الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۴

۴ - مانع خیر شدن و بخل ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

جلد - نام سوره - سوره

- آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۸ - ۲

۲ - حالت بخلورزى و ثروت اندوزى ، ناپسند و نقطه مقابل تقوا است .

فأمّا من أعطى و اتّقى . .. و أمّا من بخل و استغنى

صاحب <العين> گفته است: فعل <استغنى>، به معناى <به ثروت رسيد> است. براساس اين معنا، <استغناء>; يعنى، ثروت اندوزى و باب استفعال بودن آن، بر مبالغه در ثروت مندى دلالت دارد.

سرزنش بخل در صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۶

۶ بخل ورزيدن از پرداخت صدقات پس از برخوردارى از مال و فضل الهى ، خصلتى است منفى و منافقانه .

فلما ءاتيهم من فضله بخلوا به

سرزنش بخيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۷

۱۷ حرمت بخلورزى و نكوهش شديد خداوند از بخيلان

و لا يحسبنّ . .. سيطوّقون ما بخلوا به يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۷

۷ بخيلان ، مورد نكوهش و مذمت خداوند هستند .

فاذاً لا يؤتون النّاس نقيراً

سرزنش بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۶

۶- بخل از انفاق در راه خدا ، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّه فمنکم من یبخل

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱

- < و روی أنّه سُئِلَ النبیُّ (ص) عن < العتلّ الزنیم > فقال : هو الشدیدُ الخُلق ، الشحیح ، الأکول ، الشروب ، الواجد للطّعام و الشّراب ، الظلوم للنّاس ، الرحیب الجوف ;

روایت شده که از پیامبر(ص) درباره معنای <عتلّ زنیم> سؤال شد فرمود: او تندخو، بخیل، پرخور و پرنوش است; همواره دارای خوراکی و نوشیدنی است بسیار به مردم ستم می کند و شکم بزرگ است (به آسانی شکمش از غذا پر نمی شود)>.

سرزنش بداخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - قلم - ۶٨ - ١٣ - ٣،٨،١١

٣ - درشت خویی و بدخلقی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. عتلّ

٨ - درشت خویی و بی تباری ، صفتی بس زشت و بسیار ناپسند ، در مقایسه با دیگر اوصاف زشت و ناخوشایند

و لاتطع کلّ حلاّف مهین . .. عتلّ بعد ذلک زنیم

بعدیت در این آیه (بعد ذلک) رتبی است و بیانگر این نکته است که اوصاف <عتلّ> و <زنیم> از اوصاف پیشین (همچون حلاّف، مهین، همّاز و. ..) زشت تر و ناپسندتر است. گفتنی است در برداشت بالا عبارت <بعد ذلک> متعلق به <عتلّ> دانسته شده است.

١١ - < و روی أنّه سُئِلَ النبیُّ (ص) عن < العتلّ الزنیم > فقال : هو الشدیدُ الخُلق ، الشحیح ، الأکول ، الشروب ، الواجد للطّعام و الشّراب ، الظلوم للنّاس ، الرحیب الجوف ;

روایت شده که از پیامبر(ص) درباره معنای <عتلّ زنیم> سؤال شد فرمود: او تندخو، بخیل، پرخور و پرنوش است; همواره دارای خوراکی و نوشیدنی است بسیار به

مردم ستم می کند و شکم بزرگ است (به آسانی شکمش از غذا پر نمی شود)>.

سرزنش بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انتساب حکمی به خداوند بدون یقین به صدور آن از جانب او، امری نکوهیده و ناپسند

أتقولون علی الله ما لا تعلمون

سرزنش بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۲

۲ تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم . .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله <من حرم . ..> استفهام انکار توبیخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

سرزنش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۱

۲۱ یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان ، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون

سرزنش بدگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱،۲،۱۰

۱ ناخشنودی خداوند از سخنی که افشا کننده بدی ها و زشتی های دیگران باشد .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلّا من ظلم

در برداشت فوق، <من القول>، بیان برای <الجهر> گرفته شده است و با توجه به استثنای <الا من ظلم> معلوم می شود مراد، افشای بدیهای دیگران است.

۲ ناخشنودی خداوند از بدزبانی

و زشت گویی مردم نسبت به یکدیگر

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

برداشت فوق بر این اساس است که <من القول> قید برای <السوء> باشد که با توجه به استثنای <الا من ظلم>، معلوم می شود مراد از <سوء من القول>، سخنان ناروایی است که درباره دیگری گفته شود.

۱۰ خداوند ، شنوای سخنانی که بدی ها و زشتی های مردم را آشکار می کند و موجب هتک حرمت آنان گردد .

لایحب اللّه الجهر بالسوء . .. و کان اللّه سمیعاً علیماً

سرزنش برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم . .. و من قبل ما فرّطتم فی یوسف

سرزنش برتری طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۷

۷- برتری جویی و اسراف ، از پدیده های منفی و مورد نکوهش در زندگی انسان ها

إنّه کان عالیًا من المسرفین

سرزنش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۳

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت ، از سوی منکران آن

يقول أءنّک لمن المصدّقين

در برداشت ياد شده، استفهام <أءنّک> استفهام توبيخى دانسته شده است.

سرزنش بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنى اسرائيل در صورت كفر به قرآن ، نكوهيده ترين و ناشايسته ترين كافران در

پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لا ـتکونوا . ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان; ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <و لا ـتکونوا ...>; یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ - موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر ، سرزنش کرد .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توبیخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - بنی اسرائیل مورد توبیخ و سرزنش خدا ، به خاطر تبعیض در برخورد و عمل به دین (عمل کردن به برخی از دستورات تورات و وانهادن برخی دیگر)

أفتؤمنون ببعض الکتب و تکفرون ببعض

مراد از ایمان و کفر در <أفتؤمنون> و <تکفرون> عمل کردن و وانهادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۴

۴ موسی (ع) پس از حضور در میان قوم منحرف خویش ، با نکوهیده خواندن شیوه آنان در غیاب وی ، ایشان را بشدّت

توبیخ کرد .

قال بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربک یقضی ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۶

۶- موسی (ع) قوم خود را به دلیل عبرت نگرفتن از سرگذشت پیشینیان ، سرزنش کرد .

ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم یعدکم . .. أفطال ... أم أردتّم ... قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله <ما أخلفنا> و نیز <حمّلنا>، جملگی توجیهات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توبیخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

استفهام در <أفلایرون> برای انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

- ۱

موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

سرزنش بنی امیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۲

۲۲- < عن علی (ع) قال : إن رسول الله (ص) أخذته نعسه و هو علی منبره ، فرأی فی منامه رجالاً ـ ینزون علی منبره نزوه القرده ، یردّون الناس علی أعقابهم القهقری فاستوی رسول الله (ص) جالساً و الحزن یعرف فی وجهه فأتاه جبرئیل بهذه الأیه < و ما جعلنا الرؤیا التی أریناک إلاّ فتنه للناس و الشجره الملعونه فی القرآن . . . > یعنی بنی أمیه . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است که فرمود: همانا رسول خدا(ص) بر منبر بود که لحظه ای خواب چشم او را ربود، پس در خواب دید مردانی را که چون بوزینگان بر منبر آن حضرت می جهند و مردم را به روش گذشتگانشان (دوران جاهلیت) باز می گردانند. پس پیامبر(ص) در حالی که نشسته بود به خود آمد و آثار حزن و اندوه در چهره اش نمایان شد. پس جبرئیل این آیه را برای حضرت آورد: <و ما جعلنا الرؤیا التی أریناك إلاّ فتنه للناس و الشجره الملعونه فی القرآن ...>; یعنی، بنی امیه...>.

سرزنش بی ادبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۲

۲ نکوهش خداوند ، نسبت

به افراد دور از ادب در برخورد با پیامبر (ص)

إنّ الذین . .. أکثرهم لایعقلون

سرزنش بی ادبی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۲

۲ نکوهش خداوند ، نسبت به افراد دور از ادب در برخورد با پیامبر (ص)

إنّ الذین . .. أکثرهم لایعقلون

سرزنش بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۷

۷ - بی اعتنایی رفاه مندان به یتیمان ، به دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی های دیگران است .

فأکرمه و نعّمه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

سرزنش بی تفاوتی رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۵

۵ - بی تفاوتی و سکوت مسؤولان در برابر انحراف و گمراهی مردم ، سزاوار توبیخ و بازخواست است .

ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا . .. أفعصیت أمری

سرزنش بی رغبتی در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۹

۹ مذمت خداوند از کسالت در نماز و انفاقِ بدون میل و رغبت

لایأتون الصلوه إلا و هم کسالی و لاینفقون إلا و هم کرهون

سرزنش بی مبالاتی در سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۳

۳ - عادت به سوگند یاد کردن و بی مبالاتی در این امر ، عملی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ حلّاف

برداشت یاد شده، به سبب این نکته

است که آیه شریفه، در مقام مذمت و محکومیت است.

سرزنش بی نیازی از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳ - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . .. فأمّا من ... استغنی

مراد از <استغنی> به قرینه جمله <صدّق بالحسنی> در آیات پیشین ممکن است استغنای از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

سرزنش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

سرزنش پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز اللّه ، مورد سرزنش قرار داد .

أئفکًا ءالهه دون اللّه تریدون

استفهام در <أئفکا> متضمن معنای توبیخ است و <إله> مفرد <ءالهه> به معنای معبود می باشد.

سرزنش پرخوری

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۳ – ۱۱

۱۱ – < و روى أنّه سُئِلَ النبىُّ (ص) عن < العتلّ الزنيم > فقال : هو الشديدُ الخُلق ، الشحيح ، الأكول ، الشروب ، الواجد للطّعام و الشّراب ، الظلوم للنّاس ، الرحيب الجوف ;

روايت

شـده که از پیـامبر(ص) دربـاره معنای <عتلّ زنیم> سؤال شـد فرمود: او تنـدخو، بخیل، پرخور و پرنوش است; همواره دارای خوراکی و نوشیدنی است بسیار به مردم ستم می کند و شکم بزرگ است (به آسانی شکمش از غذا پر نمی شود)>.

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شـیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کنـد که آنان به جای سـرزنش او باید خود را به سـبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۲

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إلیکم ینبی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنش پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۳،۵

۳ - طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگـام خوش آمـد گفتن به میهمـان گفته می شود و <لاـ مرحباً> ضـد آن است; یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۵ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود

.

لامرحبًا بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إنّهم صالوا النار> که تعلیل برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۱

۱ - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

سرزنش پیروی از ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - نکوهش مضاعف هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، در شرایط وضوح و تجلی حقیقت

إن یتّبعون . .. و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

ضمیمه شدن ذیل آیه شریفه، می تواند بیانگر این باشد که هواپرستی و متابعت مشرکان از حدس و گمان در شرایط وضوح حقیقت، دارای زشتی فزون تری است.

سرزنش تأخیر نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- < فی المجمع قیل : أضاعوها بتأخیرها عن مواقیت ها من غیر أن ترکوها أصلاً . . . و هو المروی عن أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان آمده است که: گفته شده [معنای آیه این است]: نماز را ضایع می کردند به این که آن را از اوقات مقررش به تأخیر می انداختند; نه این که به طور کلی آن را ترک کردند و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

سرزنش تارکان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳

- ۳۳ - ۲

۲ - سرزنش الهی ، نسبت به دریغ کنندگان از انفاق

أفرءیت الذی تولّی

احتمـال دارد که مراد از <تولّی> به قرینه آیـات بعـد اعراض و روی گردانی از انفـاق باشـد. برداشت یـاد شـده بر این اساس است.

سرزنش تباهی عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - بهره نجسـتن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت شـناخت دین و عمل به تعالیم آسمانی ، محکوم و مورد سرزنش و بازخواست خداوند

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر

سرزنش تبذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۲،۶

۲- به هدر دادن امکانات ، کاری شیطانی است .

إن المبذّرین کانوا إخون الشیطین

۶- تبذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذّرین . .. لربّه کفورًا

سرزنش تبعیت از ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۳

۳ پیروی از ظن و گمان امری است نکوهیده و ممنوع .

و ما یتبع أکثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ پیروی از ظن و تخمین در امور اعتقادی ، مذموم و ممنوع است .

إن یتبعون إلا الظن و إن هم إلا یخرصون

سرزنش تبعیت از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۹

۹ پیروی از غیر خدا ، امری

نکوهیده و ممنوع است .

قل اللّه یهدی للحق أفمن یهدی إلی الحق أن یتبع أمن لایهدّی إلا أن یهدی

سرزنش تبعیض در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۳

۳ - ترجیح اشراف بر دیگران در تبلیغ دین و برخورد دو گانه تبعیض آمیز در معاشرت با مردم ، مذموم است .

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی ... فأنت عنه تلهّی

سرزنش تبعیض در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - بسنده کردن به بخشی از فرمان های خداوند و به کار نبستن تمام آن ، رفتاری نکوهیده در پیشگاه خداوند

لمّا یقض ما أمره

<لمّایقض> (به پایان نرساند)، گویای توبیخ کسانی است که در انجام دادن فرمان های خداوند، سنگ تمام نمی گذارند.

سرزنش تبعیض نژادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۳

۱۳- ارزش گذاری بر اساس نژاد و عنصر مادی ، شیوه ای شیطانی است .

ءأسجد لمن خلقت طینًا

سرزنش تجاوزگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۸

۸ - اختلاف و تفرقه با انگیزه زیاده خواهی و تجاوزگری ، نکوهیده و مورد تهدید خداوند

فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القی

ذکر <إنّ ربّـِك. ..> در پی یادآوری اختلافات آگاهانه و تجاوزگرانه بنی اسرائیل می تواند هشداری برای تمامی جوامع تفرقه گرا و تجاوزپیشه باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۷

۷ – تجاوزگری ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. معتد

سرزنش تجاهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۱ – ۱۶

۱۶ – خودفریبی و تجاهل در برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب . .. کأنهم لایعلمون

سرزنش تحریم حلال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۲

۲ تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم . .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله <من حرم . ..> استفهام انکار توبیخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱ – ۶

۶ – محروم ساختن خویش از مباحات و حلال های الهی ، برای جلب رضایت دیگران ، عملی ناپسند و شایسته سرزنش

لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک تبتغی مرضات أزوجک

سرزنش تحقیر دیگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۴ – ۷

۷- تحقیر دیگران از سوی ثروت مندان و دارایی های خود را به رخ آنان کشیدن ، کاری مذموم و ناپسند است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۱

۱ – خود بزرگ بینی و تحقیر دیگران ،

صفتی نکوهیده در نزد خداوند

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم . ..ثانی عطفه

<ثَنی> (مصـدر <ثانی>) به معنای پیچانـدن و برگردانـدن و <عطف> به معنای پهلو است. پیچانـدن پهلو، کنایه از تکبر و تحقیر دیگران است.

سرزنش تحقیر فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۷

۳۷- پنـدار مزیّت هـای بی جـا برای خود و ناهنجار دیـدن سـیمای بی نوایان ، از ویژگی های رهبران نالایق و مایه بی ارزشـی رهنمود های آنان است .

و لاتطع من . .. کان أمره فرطًا

سرزنش تحقیر مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۵

۳۵- تحقیر تهیدستان خداخواه و فرومایه دیدن موضع طبقاتی آنان ، بینشی ضد الهی و بیرون از حدِّ اعتدال است .

و لاتطع من . .. کان أمره فرطًا

سرزنش تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

سرزنش تحمیل ذلت بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

سرزنش ترجیح اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۳

۳ - ترجیح اشراف بر دیگران در تبلیغ دین و برخورد دو گانه تبعیض آمیز در معاشرت با مردم ، مذموم است .

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی ... فأنت عنه تلهّی

سرزنش ترجیح دنیا بر آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یادِ نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح . .. إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخره خیر و أبقی) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح. ..> به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

سرزنش ترجیح رضایت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۶

۶ توبیخ منافقان از سوی خداوند ، به خاطر ترجیح دادن رضایت مردم بر رضای خدا و رسول (ص)

يحلفون باللّه لكم ليرضوكم و اللّه و رسوله أحق أن يرضوه

سرزنش ترجيح مرفهان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۲۴

۲۴- فکر اولویّت ثروت مندان بر تهیدستان در کسب هدایت ، اندیشه ای سخیف و بافته قلب غافلان از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

سرزنش ترس از غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۲ – ۸

۸- ترس از غیر خداوند ، امری نکوهیده و مذموم است .

أفغیر الله تتقون

<تقوا> در اصل به معنای حفظ خود از چیزی است که مایه نگرانی و ترس باشد و به معنای خودِ ترس نیز آمده است. برداشت فوق، بر اساس معنای دوم است.

سرزنش ترس از فقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۰ – ۱۱

۱۱- بخل از انفاق ، به خاطر ترس از فقر و تهی دستی ، امری مذموم و نکوهیده است .

لو أنتم تملکون . .. لأمسکتم خشیه الإنفاق

از اینکه آیه در مقام مذمت و توبیخ انسانها و یا مشرکان به خاطر داشتن روحیه خست و بخل است; نکته فوق قابل استفاده است.

سرزنش ترشرویی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲ – ۴

۴ - آگاه نشدن شخص از اظهار انزجار و ناراحتی دیگران ، مجوّز چنین رفتاری با وی نیست و از زشتی آن نمی کاهد .

عبس و تولّی . أن جاءه الأعمی

با آن که فرد نابینا، گرفتگی چهره را مشاهده نمی کرد; ولی آیه شریفه آن رفتار را نکوهیده خوانده و فاعل آن را مذمت کرده است.

سرزنش ترک احسان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۴

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

سرزنش ترک امداد بهفقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۶

۶ - خودداری از ترویج فرهنگ یاری رسانی به نیازمندان ، نکوهیده و مایه دوری انسان از خداوند است .

فذلک الذی . .. و لایحضّ علی طعام المسکین

<ذلک>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود.

سرزنش ترک انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۱،۱۳،۱۵،۱۶،۱۷

۱۱ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد ترک انفاق

انفقوا . .. من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیه

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم . .. و الکافرون هم الظالمون

۱۵ ترک کنندگان انفاق ، در واقع منکر خدادادی بودن امکانات و داراییهایشان هستند .

انفقوا ممّا رزقناکم . .. و الکافرون هم الظّالمون

متعلّق کفر در <الکافرون> می تواند معارفی باشد که در آیه به آنها اشاره رفته است. از جمله باور داشتن این حقیقت که

داراییهای آدمی، داده خداوند است; و انکار این معنا خود از موانع انفاق خواهد شد.

۱۶ ترک کنندگان انفاق ، در واقع منکر قیامتند .

انفقوا . .. و الکافرون هم الظّالمون

مراد از <کفر> به قرینه طرح مسأله قیامت در آیه ، می تواند کفر به

قیامت و یا ویژگیهای آن همانند <لا بیع . .. > باشد.

۱۷ محرومیّت از بهره های اخروی ، تاوان ستمی است که ترک کنندگان انفاق ، خود بر خویشتن روا داشته اند .

انفقوا ممّا رزقناکم من قبل . .. و الکافرون هم الظّالمون

خداوند با بیان اینکه در قیامت تجارتی نیست، در واقع به ترک کنندگان انفاق هشدار می دهد که از مواهب آخرت بی نصیبند که در نتیجه بر خود ستم کرده و به مقتضای حصر در جمله <و الکافرون . .. >، این ستمکاری را از ناحیه خود آنان شمرده است، نه از ناحیه خداوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۸ – ۵،۱۴

۵ خودداری از انفاق ، زمینه گرایش جامعه به زشتیها

الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

گویا جمله <یأمرکم بالفحشاء>، توضیح و تفسیر جمله <یعدکم الفقر> است. یعنی شما را از انفاق بازمی دارد و در نتیجه، شما را به فحشا می کشاند. (از یک سو صفت بخل را در انسان رشد می دهد و از سوی دیگر عده ای در فقر و فلاکت خواهند ماند که نتیجه ای جز خیانت و جنایت در جامعه نخواهد داشت.)

۱۴ انفاق نکردن و نیز انفاق از اموال خبیث (غیر مرغوب) ، از مصادیق فحشا و زشتی

انفقوا من طیّبات ما کسبتم . .. الشّیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

جمله <یأمرکم بالفحشاء>، تفسیری از وسوسه شیطان، مبنی بر ترک انفاق و نیز انفاق از مال خبیث است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۰ – ۶

۶

ترک انفاق و یا انفاق را به ریا و منّت و آزار آلودن و نیز انفاق کردن از خبایث و عمل نکردن به نذر ، ستمگری است .

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی . . انفقوا من طیّبات ... و ما للظالمین من انصا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۲۵

۲۵ توجّه به خارج شدن تمام دارایی ها از دست انسان ، مایه شناخت زشتی بخل و ترک انفاق

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. و للّه میراث السّموات و الارض

جمله <و للّه میراث السّـموات . .. >، بیانگر این نکته است که اموال از دست شما خارج و به خدا باز خواهد گشت. بنابراین چرا انفاق نمی کنید و خود را از ثواب و پاداش انفاق محروم می سازید؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۴ – ۱

۱ – قطع انفاق به دیگران ، پس از اقدام به آن ، امری مذموم و نکوهیده است .

أفرءیت . .. و أعطی قلیلاً و أکدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۵ – ۳

۳ – ترک انفاق به بهانه پاکی و بی گناهی ، فاقد هر گونه پشتوانه واقعی *

فلاتزکّوا أنفسکم . .. و أعطی قلیلاً و أکدی . أعنده علم الغیب فهو یری

جمله <أفرأیت. ..> پس از تخطئه خودستایی، می تواند ناظر بدان باشد که ترک کنندگان انفاق، چون خویشتن را پاک می شمردند، از انفاق سرباز می زدند و خداوند در آیه <أعنده...> باور آنان را

تخطئه می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۳

۳ – خودداری از انفاق در راه خداوند ، امری بس نکوهیده و ملامت بار در بینش الهی

و ما لکم ألّاتنفقوا فی سبیل اللّه

استفهام در <ما لکم. ..> علاوه بر توبیخی بودن، متضمن تعجب نیز هست. سرزنش مؤمنان از سوی خداوند، به خاطر خودداری آنان از انفاق و اظهار شگفتی از این عمل آنها، بیانگر شدت ناروایی آن می باشد.

سرزنش ترک تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۸ – ۷

۷ برخی از عالمان اهل کتاب علی رغم ترک وظیفه ، تظاهر به انجام آن داشته و خواهان ستایش در برابر آن عمل ادعایی بودند .

و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

سرزنش ترک تکلیف سخت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۱ – ۴

۴ – خودداری انسان از پذیرش وظیفه سنگین ، با وجود توانایی های لازم در او ، نکوهیده و خلاف انتظار است .

ألم نجعل . .. فلااقتحم العقبه

حرف <فاء> در <فلااقتحم. ..>، تفریع بر آیات پیشین است و مفاد این مجموعه آیات، توبیخ کسانی است که با دارا بودن چشم و زبان و هدایت، از انجام دادن کارهای سخت امتناع ورزیده اند.

سرزنش ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که

مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۹ – ۱

۱ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را ، در صورت امتناع ورزیدن از شرکت در جنگ و جهاد ، تهدید به عذابی دردناک کرد .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً

سرزنش ترک دعا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۲ – ۱

۱ – نکوهش اهل شرک ، به خاطر ترک نیایش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پیش بت ها

یدعوا من دون اللّه ما لایضرّه و ما لاینفعه

سرزنش ترک مطالعه تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۹ – ۲

۲ – کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آنها ، مورد توبیخ خداوند است .

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

سرزنش ترک نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۲

۲ – نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهو و ر ها کردن پیامبر

(ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

سرزنش ترک هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

- ۱۰۰ - ۴

۴ احتمال سرگردانی و گرفتار شدن به تنگنا ها ، دلیل گروهی از مسلمانان برای ترک هجرت

و من يهاجر . .. يجد فى الارض مراغماً كثيراً وسعه

سرزنش تضییع پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۹

۹- ضایع ساختن اجر و مزد نیکوکاران ، امری نکوهیده و ناپسند است .

إنّا لانضيع أجر من أحسن عملاً

سرزنش تظاهر به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۱

۱ - نکوهش اعراب (بادیه نشینان) از سوی خداوند ، به سبب تلاش برای مؤمن نمایاندن خویش ; علی رغم آگاهی خداوند به ایمان یا بی ایمانی آنان

قالت الأعراب ءامنّا . .. قل أتعلّمون اللّه بدينكم و اللّه يعلم

سرزنش تعصب های جاهلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۴

۴ - تعصب مبتنی بر جهالت ، امری نکوهیده است ; و نه پافشاری بر ارزش های عالمانه ، منطقی و راستین .

إذ جعل الذين كفروا فى قلوبهم الحميّه حميّه الجهليّه

برداشت بالاـ بر این اساس است که <حميّه الجهليّه> قيد احترازی باشد; یعنی، تعصب و غیرت بر دو گونه است: ۱ پافشاری بر مسائل علمی و منطقی، ۲ تعصب جاهلانه که مشرکان نوع اخیر را داشته اند.

سرزنش تعطیلی مسجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۱۱

۱۱ – تعطیلی مساجد و حضور نیافتن در آنها ، به انگیزه یاد نکردن نام خدا ، امری

نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه أن یذکر فیها اسمه

سرزنش تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ خداوند ، گردنفرازان فخرفروش را دوست ندارد .

انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

<مختال> از ماده <خیال> به کسی گفته می شود که بر اساس خیالات و اوهامش، خود را شخصیّتی بزرگ می داند و به کبر و غرور مبتلا می گردد. و <فخور> به کسی گفته می شود که زیاد به خود افتخار می کند.

۱۷ گردنفرازی و فخرفروشی از خصلت های نکوهیده

انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

۱۸ خداوند کسانی را که با تکبر و فخرفروشی با خویشان و همسایگان خویش برخورد می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً . .. انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۴

۴ تکبر ، فخرفروشی و شادمانی مفرط بر اثر رسیدن به رفاه و آسایش ، رذایلی ناپسند و نکوهیده

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

آیه بعد (إلاّ الذین . ..) گویای این است که هدف قرآن از بیان خصلتهای یاد شده برای انسان (یؤوس ،کفور و ...) مجرد اخبار از چنین صفاتی برای او نیست; بلکه در مقام مذمت و نکوهش از انسانی است که چنین حالاتی را داراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۲

۲ – افتخار به بذل و بخشش ها و خودنمایی

در تأمین نیازمندی های مالی جامعه ، مذموم و مورد نکوهش خداوند است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا

در آیه شریفه مورد مصرف اموال مشخص نشده است; ولی به قرینه آیات بعد (فکّ رقبه أو إطعام . ..) می توان گفت: مراد هزینه کردن آن، در مصارف عمومی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۲

۲ – تفاخر بر دیگران و رقابت با یکدیگر در مقام و ثروت ، نکوهیده و ناروا است .

ألهیکم التکاثر

سرزنش تفاخر به ثروت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۴ – ۷

۷– تحقیر دیگران از سوی ثروت مندان و دارایی های خود را به رخ آنان کشیدن ، کاری مذموم و ناپسند است .

أنا أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا

سرزنش تفاخر به جمعیت مردگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۸

۸ – < قال علیّ (ع) بعد تلاوه < ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر > یا له مراماً ما أبعدَه و زَوْراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . . أفبمصارع أباءهم یفخرون أم بعدید الهلکی یتکاثرون . . . و لَان یکونوا عِبَراً أحقّ من أن یکونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه <ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافلی و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود]مباهات می کنند؟ . .. به راستی

اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباهات و افتخار باشند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

سرزنش تفاخر به قبر نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۸

۸ - < قال عليّ (ع) بعد تلاوه < ألهيكم التكاثر حتّى زرتم المقابر > يا له مراماً ما أبعدَه و زَوْراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . . أفبمصارع أباءهم يفخرون أم بعديد الهلكى يتكاثرون . . . و لَان يكونوا عِبَراً أحقّ من أن يكونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه <ألهيكم التكاثر حتّى زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافلی و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود]مباهات می کنند؟ . .. به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباهات و افتخار باشند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

سرزنش تفکر طبقاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۴،۳۵

۲۴- فکر اولویّت ثروت مندان بر تهیدستان در کسب هدایت ، اندیشه ای سخیف و بافته قلب غافلان از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

۳۵- تحقیر تهیدستان خداخواه و فرومایه دیدن موضع طبقاتی آنان ، بینشی ضد الهی و بیرون از حدِّ اعتدال است .

و لاتطع من . ..

كان أمره فرطًا

سرزنش تكبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ گردنفرازی و فخرفروشی از خصلت های نكوهيده

انّ اللّه لا يحبّ من كان مختالا فخوراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۴

۴ تكبر ، فخرفروشی و شادمانی مفرط بر اثر رسيدن به رفاه و آسايش ، رذايلی ناپسند و نكوهيده

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

آيه بعد (إلاّـ الذين . ..) گويای اين است كه هدف قرآن از بيان خصلتهای ياد شده برای انسان (يؤوس ،كفور و ...) مجرد اخبار از چنين صفاتی برای او نيست; بلكه در مقام مذمت و نكوهش از انسانی است كه چنين حالاتی را داراست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۷

۳۷- پندار مزيّت های بی جا برای خود و ناهنجار ديدن سيمای بی نوايان ، از ويژگی های رهبران نالايق و مايه بی ارزشی رهنمود های آنان است .

و لاتطع من . .. كان أمره فرطًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۸

۸- عجب و غرور و فريفتگی در برابر اَعمال خويش ، امری نكوهيده و زيانبار است .

الأخسرين أعملاً. .. و هم يحسبون أنّهم يحسنون صنعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱

۱ - خود بزرگ بینی و تحقیر دیگران ، صفتی نکوهیده در نزد خداوند

و من الناس من یجدل فی

اللّه بغير علم . ..ثانى عطفه

<ثَنى> (مصـدر <ثانى>) به معناى پيچانـدن و برگردانـدن و <عطف> به معناى پهلو است. پيچانـدن پهلو، كنايه از تكبر و تحقير ديگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - غرور و سرمستى ، امرى مذموم در بينش الهى

إذ قال له قومه لاتفرح إنّ اللّه لايحبّ الفرحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۹

۹ - تكبر و خودبرتربينى ، زمينه حق گريزى و صفتى بس زشت و ناپسند

إلاّ إبليس استكبر و كان من الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ - غرور و اطمينان به سرنوشت نيك اخروى ، امرى نكوهيده است .

و لئن رجعت إلى ربّى إنّ لى عنده للحسنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۷

۷ - كبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامى به هنگام مصيبت و بلا ، امرى نكوهيده و ناپسند

و إذا أنعمنا . .. و إذا مسّه الشرّ

سرزنش تكدّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۳ - ۱۰

۱۰ ناپسندی تکدّی و اصرار بر گدایی

لا یسئلون النّاس الحافاً

سرزنش تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۴

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأتیهم من ءایه . .. فقد کذّبوا بالحق

مراد

از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیبتر آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۵

۵ - انکار آیات ونشانه های الهی ، در عین روشن و قابل شناخت بودن آنها ، عملی است در خور سرزنش و تقبیح .

فأیّ ءایت اللّه تنکرون

استفهام (أیّ) برای توبیخ است.

سرزنش تکذیب پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲ - پاداش های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و کذّب بالحسنی

معنای کلمه <الحسنی> (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

سرزنش تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۲

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف

سرزنش تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، شگفت آور و نکوهیده است .

أرءیت إن کذّب و تولّی

تکرار <أرءیت>، تأکید بر شگفتی و توبیخ است.

سرزنش تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

- ۵ - ۲،۴

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأتیهم من ءایه . .. فقد کذّبوا بالحق

مراد از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیبتر آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۴

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

سرزنش تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم أوّل مرّه بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <کما خلقناکم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۴

۴ - انکار معاد ، به رغم اعتقاد به خالقیت خداوند ، موضع گیری نابخردانه و شایسته سرزنش

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

سرزنش در آیه شریفه، متوجه کسانی است که با وجود اعتقاد به خالقیت خداوند، در برابر موضوع معاد موضع گیری

ناباورانه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۴

۴ - انکار معاد ، با وجود هشدار های قرآن ، نکوهیده ، شگفت آور و فاقد برهان است .

فما لهم لایؤمنون

<ما> اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجّب همراه با توبیخ است. تغییر سیاق کلام از خطاب در <لترکبنّ> به غایب در <لهم>، بر نکوهش افزوده است.

سرزنش تملّق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ عذاب دردناك الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الّذین یفرحون . .. و یحبّون ... بمفازه ... و لهم عذاب الیم

سرزنش تنبلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۲،۴

۲ سستی و ترس دو گروه از مسلمانان شرکت کننده در جنگ احد ، مورد ملامت خداوند

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّه ولیّهما

<فشل> به معنای ضعف به همراه ترس است. (مفردات راغب).

۴ تهدید خداوند نسبت به عناصر سست بنیاد در جبهه پیکار مسلمانان با دشمنان

و اللّه سمیع علیم. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، متعلّق به دو صفت <سمیع> و <علیم> باشد. یعنی خداوند، سخنان پنهانی آنان را که تصمیم به کوتاهی در نبرد داشتند، می شنید و از اندیشه آنان، آگاه بود. و تذکر شنوایی و دانایی خداوند در موارد تخلف و گناه، دلالت بر تهدید نسبت به متخلّفین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۹

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۹

۹ سستی ، کرنش و زبونیِ اهل ایمان در برابر دشمنان دین ، ناپسند است .

فما وهنوا . .. و ما ضعفوا و ما استکانوا

صفات شمرده شده برای مردان الهی پس از واقعه احد، تعریض به مسلمانانی است که در آن نبرد، سستی و ضعف به خود راه دادند. از این رو صفات یاد شده، زیبنده مؤمنان واقعی و مردان الهی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبریِ صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به کسانی که از شرکت در نبرد سستی می کنند و یا دیگران را از آن بازمی دارند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ

سرزنش تندخویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

– ۱۵۹ – ۸

۸ ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

سرزنش توطئه علیه اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۵ – ۱

۱ – برقراری رابطه دوستی و همدستی با دیگر پیروان ادیان علیه اسلام و مسلمین ، کاری زشت و در پی دارنده عذاب سخت الهی

الذین تولّوا قومًا . .. لهم عذابًا شدیدًا إنّهم ساء ما کانوا یعملون

سرزنش توطئه علیه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۵ – ۵

۵– هرگونه تلاشی برای بازداشتن پیامبر (ص) از هدف خویش ، زشت است .

أفأمن الذین مکروا السیّئات

<مکر> در لغت به معنای بازداشتن شخص از هدفش است و <السیّئات> مفعولٌ به برای <مکروا> می باشد و متضمن معنای فعلی متعدی مثل <عملوا> است.

سرزنش توطئه علیه مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۵ – ۱

۱ – برقراری رابطه دوستی و همدستی با دیگر پیروان ادیان علیه اسلام و مسلمین ، کاری زشت و در پی دارنده عذاب سخت الهی

الذین تولّوا قومًا . .. لهم عذابًا شدیدًا إنّهم ساء ما کانوا یعملون

سرزنش تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۲ - ۲

۲ متهم ساختن افراد بی گناه ، دروغی بهت آور و گناهی آشکار است .

و من یکسب . .. ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتناً و اثماً

مبیناً

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . .. فاما اذا قلت ما لیس فیه فذلک قول اللّه <فقد احتمل بهتاناً و اثما مبینا>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۲۷۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۶.

سرزنش تهمت به عفیفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴ – ۸

۸ – اتهام بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، بدترین نوع فسق است و نسبت دهندگان آن ، سرآمد فاسقان اند .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء . .. و أُولئک هم الفسقون

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الفاسقون> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است. منحصر کردن اهل فسق به نسبت دهندگان زنای بی دلیل به زنان پاکدامن، بیانگر برداشت یاد شده است.

سرزنش ثروت اندوزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۵ – ۴

۴ سرزنش خداوند از زراندوزان در دوزخ ، همراه با شکنجه کردن آنان به وسیله اندوخته هایشان

هذا ما کنزتم لأنفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون

سرزنش ثروت اندوزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۸ – ۲

۲ – حالت بخلورزی و ثروت اندوزی ، ناپسند و نقطه مقابل تقوا است .

فأمّا من أعطى و اتّقى . .. و أمّا من بخل و استغنى

صاحب <العین> گفته است: فعل <استغنى>، به معنای <به ثروت رسید> است. براساس این معنا، <استغناء>; یعنی، ثروت اندوزی و باب استفعال بودن آن، بر مبالغه در ثروت مندی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۲

۲ - تفاخر بر دیگران و رقابت با یکدیگر در مقام و ثروت ، نکوهیده و ناروا است .

ألهیکم التکاثر

سرزنش ثروتمندان متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۴،۶

۴ اغنیا و توانمندانِ روی گردان از جهاد در صدر اسلام ، مورد نکوهش و تحقیر خداوند قرار گرفتند .

إنما السبیل علی الذین . ... و هم أغنیاء رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

۶ نکوهش خداوند نسبت به ثروتمندانِ گریزان از جنگ ، در قبال دلجویی او از تهیدستان مشتاق جهاد

و لا علی الذین إذا . .. إنما السبیل علی الذین

سرزنش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت برآشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱

۱ – ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا . .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

<آمنتم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ

است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لکبیرکم> به موسی(ع) برمی گردد.

سرزنش جاه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۲

۲ - تفاخر بر دیگران و رقابت با یکدیگر در مقام و ثروت ، نکوهیده و ناروا است .

ألهیکم التکاثر

سرزنش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ جاهلان ، مورد سرزنش خداوند

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

سرزنش جزع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۷

۷ - کبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامی به هنگام مصیبت و بلا ، امری نکوهیده و ناپسند

و إذا أنعمنا . .. و إذا مسّه الشرّ

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء

ربّكما تكذّبان

تثنیه آمدن <كما> و <تكذّبان>، ممكن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. كلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

خداونـد در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمنـدی موجودات و فیاضـیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کـافران را مـورد سـرزنش قرار داده کـه چرا ایـن حقیقـت را در هسـتی نادیـده می گیرنـد. تثنیـه آمـدن <كمـا> و <تكذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سـرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <كما> و <تكذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلاّ بسلطن .

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیه قبـل، از اسـتفهام توبیخی در <فبـأیّ. ..> مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سـرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشـتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیـخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشـقّت السّـماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۲ - ۴۲ - ۵۵

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فيهما عينان تجريان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۳ – ۴

۴ – سرزنش كافران

و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیـخ کافران و تکـذیب گران جن و انس از سوی خداونـد ، به خاطر نادیـده انگاشـتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

- ۴

سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۳

۳ – توبيخ شدن كافران و تكذيب گران جن و انس از سوى خداوند ، به خاطر ناديده انگاشتن نعمت ها و جلوه هاى ربوبيت پروردگار خويش

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

سرزنش جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۹

۹ دوری از تمدن و دانش ، امری نکوهیده در بینش اسلام

الأعراب أشد . .. و أجدر ألّا یعلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إنی أعظك أن تکون من الجهلین

سرزنش جهل به علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۱

۱ - جهل و تردید درباره احاطه علمی خداوند به اشیا ، مورد نکوهش و سرزنش است .

ألم تر أنّ اللّه یعلم

استفهام در <ألم تر>، برای انکار توبیخی است. <تَرَ> از <رأی> (دانستن) مشتق است; یعنی، <ألم تعلم أنّ اللّه...>.

سرزنش جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند

و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم . .. تکذّبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۲

۲ - وجود عذاب های روحی (چون سرزنش) ، برای دوزخیان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

سرزنش حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

سرزنش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به

مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود; این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است; زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند; ولی آنان چنین نکردند.

سرزنش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونی و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های

حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۱

۱ - روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولّی

سرزنش حمایت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا . .. إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در <لاتفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا ... > استفاده شده، برگردانده شده است.

سرزنش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما . .. و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

سرزنش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۰،۱۳،۱۴

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جمله <اتقوا اللّه . ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از

<هل یستطیع ربک ...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۳ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر رعایت نکردن ادب در یادکردن از نام خدا

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه

رعایت ادب در مورد آیه این بود که حواریون به جای <ربک> (پروردگارت) بگویند: ربنا

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

سرزنش خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۳ – ۱

۱ نکوهش خداوند از افشاکنندگان اخباری که موجب احساس امنیت از هجوم دشمن و یا موجب ترس و وحشت از دشمن می شود . (اخبار امنیتی) .

و اذا جاءهم امر من الامن او الخوف اذاعوا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۸ – ۲،۵

۲ نکوهش مسلمانان صدر اسلام از سوی خداوند ، به جهت اختلافشان در روش برخورد با منافقان

فما لکم فی المنافقین فئتین

۵ طرفداری و شفاعت از منافقان ، مورد نکوهش الهی و مصداق شفاعت سیّئه

و من یشفع شفاعه سیّئه . .. فما لکم فی المنافقین فئتین

سرزنش خشونت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۱۶

۱۶– انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کار گیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

سرزنش خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۴ – ۲

۲– قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنّکم أنتم. ..) به ملامت هم پرداختند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ – اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۰ – ۱

۱

- باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

سرزنش خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۸

۸ ناپسندی خودستایی و ادعای رشدیافتگی و کمال

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

سرزنش خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خودکشی ، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه. .. فلیمدد بسبب الی السماء... هل یذهبنّ کیده ما یغ

سرزنش خودمحوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

سرزنش در تربیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۹

۱۹ ایجاد امید به دنبال توبیخ ، از روش های تربیتی و هدایتی قرآن

اعرض عنهم و عظهم . .. لوجدوا اللّه توّاباً رحیماً

سرزنش در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال>

در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سرزنش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۵

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیّت رقّت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا. .. و لاهم یستعتبون

<إستعتاب> مصدر <یستعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

سرزنش درخواست از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۱

۱ - نكوهش اهل شرك ، به خاطر ترك نيايش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پيش بت ها

يدعوا من دون اللّه ما

لایضرّه و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۳ - ۱

۱ - نکوهش اهل شرك ، به خاطر نیایش و عرض حاجت کردن به درگاه بت ها

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

سرزنش دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۳

۳- احساس امنیت مشرکان توطئه گر علیه پیامبر (ص) ، مورد سرزنش خداوند است .

أفأمن الذین مکروا السیّئات

همزه <أفأمن> برای استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۶

۶ - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر (ص) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تبّت یدا أبی لهب و تبّ

سرزنش دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۷

۷- جدال و مخاصمه ، صفتی بس مذموم و ناپسند برای انسان

فإذا هو خصیم مبین

آوردن <إذا> ی فجائیه می تواند نشان دهنده ناپسند بودن جدال و مخاصمه باشد، خصوصاً با توجه به اینکه انتظار از مخلوق، تسلیم بودن در مقابل خالق است و جدال و مخاصمه خلاف انتظار است.

سرزنش دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۲

۲ ناخشنودی خداوند از بدزبانی و زشت گویی مردم نسبت به یکدیگر

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

برداشت فوق بر این اساس است که <من القول> قید برای <السوء> باشد که با توجه به استثنای <الا من ظلم>، معلوم می شود مراد

از <سوء من القول>، سخنان ناروایی است که درباره دیگری گفته شود.

سرزنش دشنام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱

۱ - سرزنش رفاه زدگان از سوی خدا ، به خاطر یاوه سرایی های آنان علیه قرآن

مستکبرین به سمرًا تهجرون . أفلم یدّبّروا القول ... ءاباءهم الأوّلین

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است و ضمیر جمع در آن به <مترفین> باز می گردد. خداوند در این بخش از آیات، آنها را به خاطر اتهاماتی که به پیامبر(ص) و قرآن می زدند، مورد سرزنش قرار داده و با ارائه دلایل گوناگون، همه راه های عذرتراشی شان را سد کرده است. آیه فوق، در ردّ اتهامات آنان به قرآن است.

سرزنش دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۴

۴ - بخلورزی و توصیه مردم به آن ، امری بس ناپسند و نکوهیده

و اللّه لایحبّ . .. الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

سرزنش دنیاپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۴

۴ مذمّت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج ، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند .

فمن الناس من یقول ربّنا اتنا فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۵

۵ نکوهش فریفتگی و دلبستگی به زندگی دنیا

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

سرزنش دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص -

۲ – ۸۰ – ۲۸

۲ – دل باختگان دنیا ، سزاوار سرزنش و نکوهش اند .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم

سرزنش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۱

۱ – موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزانگان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان ثروت قارونی .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون . .. و قال الذین أُوت

سرزنش دنیاطلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۶ – ۹

۹ – علاقه به دنیا و آرزوی عمر طولانی به خاطر آن ، خویی ناپسند و نکوهیده است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه . .. یود أحدهم لو یعمر الف سنه

لحن آیه گویای مذمت یهود به خاطر علاقه به دنیا و درخواست عمر طولانی به خاطر آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۴ – ۱۰

۱۰ تهدید الهی نسبت به دنیاپرستی و دنیاپرستان

من کان یرید ثواب الدنیا . .. و کان اللّه سمیعاً بصیراً

تذکر این واقعیت که خداوند ناظر اعمال دنیاپرستان و شنوای گفتار آنهاست، در حقیقت تهدید آنان به مؤاخذه خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۲

۲ دنیا محوری و دوست داشتن آن، مرام و اندیشه ای کودکانه و نابخردانه است.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

با توجه به اینکه لعب و لهو کار کودکان و کسانی است که بلوغ

فکری ندارند، مقتضای تشبیه، وجود این ویژگیهادر دنیاپرستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۹

۹ دلخوش کردن به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، امری است ناپسند و مورد نکوهش خداوند .

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۹

۹ مذمت الهی از غرق شدن در لذایذ و بهره وری های مادی

فاستمتعوا بخلقهم . .. و خضتم کالذی خاضوا

با توجه به اینکه مراد از <خوض>، می تواند خوض در بهرهوریهای مادی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۰

۱۰

دنیا سرایی استناامن و آرمیدن در آن و گردش بر مدار آن ، نشانه ای است از کوته نظری .

إنما مثل الحیوه الدنیا . .. کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

غرض از تمثیل در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (و اللّه یدعوا إلی دارالسلام . ..) بیان این حقیقت است که: این سرا، سرایی است که در معرض انواع حوادث و رخدادهای مرگبار است و انسان نباید به چنین جایی بسنده کند و آن را وجهه همت خود قرار دهد. گفتنی است که از ذیل آیه (لقوم یتفکرون) استفاده می شود که اهل دنیا مردمانی فاقد فکر و اندیشه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ < عن علی بن الحسین (ع) [فی حدیث طویل] : . . . و لاترکنوا إلی الدنیا فإن الله عزوجل قال لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم : < و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار > و لاترکنوا إلی زهره الدنیا و ما فیها رکون من اتخذ ها دار قرار و منزل استیطان . . . ;

از امام سجاد(ع) [ضمن حدیثی طولانی] روایت شده است: . .. به دنیا تمایل و اطمینان نکنید; زیرا خداوند عزوجل به حضرت محمد(ص) فرمود: <ولاترکنوا ...> و به زیبایی دنیا و آنچه در دنیاست تمایل و اطمینان نکنید، بسان تمایل و اطمینان کسی که آن را خانه همیشگی و جای ماندن خود قرار داده است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ -

۶- چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده و ناپسند

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۶

۶- ترجیح دنیا بر آخرت و نه صرف تأمین نیاز های زندگی امری نکوهیده است .

فعلیهم غضب من الله . .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم أوّل مرّه بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <کما خلقناکم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۵

۵ - چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده ونارو است .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - تنها دنیامحوری ، امری نکوهیده و ناپسند است ; نه صرف برخورداری از نعمت های دنیایی .

يرزق من يشاء . .. من كان يرد حرث الدنيا ... و ما له فى الأخره من نصيب

همه بندگان از رزق دنيوى بهره مى برند

چه مؤمن و چه منکر ولی آنان که تمام همتشان دنیا باشد در آخرت بهره ای نخواهند داشت. پس آنچه مذموم است بهرهوری از دنیا نیست; بلکه دنیا محوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - دلخوشی به دنیا و مظاهر آن ، نکوهیده و ناروا است .

و إنّا إذا . .. فرح بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۲

۲- شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دلبستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلون و اللّه معكم و لن يتركم أعملكم . إنّما الحيوه الدنيالعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۶

۶ - متمرکز کردن علایق و گرایش ها در امور دنیوی ، امری نکوهیده ; و نه صرف بهرهوری از دنیا

فأعرض عن من . .. و لم يرد إلاّ الحيوه الدنيا

حصر در آیه شریفه، مفید مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۷

۷ - علاقه به دنیا و توجّه به آبادانی حیات دنیوی ، در صورت بی اعتنایی به امر آخرت و حیات اخروی ، مورد نکوهش و محکوم در نگاه وحی

إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يومًا ثقيلًا

برداشت یاد شده با

توجّه به این نکته است که آیه شریفه درصدد نکوهش و محکوم کردن کسانی است که تنها به دنیا دلبسته و آخرت را رها کرده اند.

سرزنش دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۱،۱۹

۱۱ سرزنش عالمان اهل کتاب از سوی خداوند به سبب نادیده گرفتن پیمان الهی و دین فروشی

فنبذوه ورآء ظهورهم و اشتروا به ثمناً قلیلا

۱۹ زشتی و بدی دستاورد دین فروشی

و اشتروا به ثمناً قلیلا فبئس ما یشترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۸

۱۸ توبیخ الهی نسبت به برخی از عالمان اهل کتاب ، به خاطر سوداگری آنان با آیات الهی

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر . .. یشترون الضلاله

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۱

۴۱ منافع به دست آمده از دین فروشی ، مصداقی بارز برای سحت

اکلون للسحت . .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

نهی خداوند از دین فروشی در قبال منافع دنیا، پس از توصیف عالمان یهود در آیات پیش به <اکلون للسحت>، بیانگر آن است که از مصادیق مورد نظر برای <سحت> (حرامی ننگ آور)، منافعی است که آنان از

دین فروشی به چنگ می آورند.

سرزنش رد پاسخ محققان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۵

۵ - از خود راندن اهل تحقیق و بی پاسخ گذاشتن سؤالات آنان ، نکوهیده و ناروا است .

و أمّا السائل فلاتنهر

<سائل>، کلمه ای است مطلق و بر پرسشگران و اهل تحقیق نیز قابل تطبیق است.

سرزنش رشوه خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

سرزنش رفاه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۷

۷ - بی اعتنایی رفاه مندان به یتیمان ، به دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی های دیگران است .

فأکرمه و نعّمه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

سرزنش رهبانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۴

۱۴ نکوهش زُهد افراطی

و تزوّدوا

بـا تـوجّه به شـأن نزول نقـل شـده در مجمع البیـان که عـده ای توشه خود را به دور می ریختنـد و آیه در مقابـل می فرمایـد: و تزوّدوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۴

۴ - رهانیت و سرکوب غرایز (همچون غریزه جنسی و . . .) ، مخالف تعالیم اسلام

إلّا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم . .. فمن ابتغی

وراء ذلک فأولئک هم العادون

سرزنش رهبران فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۶

۶- رهبران و سردمداران فاسد و اغواگر درخور سرزنش و کیفرند .

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

از اینکه خداوند در بیان سرنوشت شوم اقوام و ملتهای ناسپاس و کافر، رهبران آنها را مورد بحث قرار داد (أحلّوا قومهم . ..)، استفاده می شود که جرم آنان بیش از دیگر مردم بوده و سزاوار سرزنش و کیفری افزونترند.

سرزنش ریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۱

۱۱ انفاق های آمیخته با ریا و همراه با منّت و اذیّت ، نوعی کفر است .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اللّه لا یهدی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۲

۲ - افتخار به بذل و بخشش ها و خودنمایی در تأمین نیازمندی های مالی جامعه ، مذموم و مورد نکوهش خداوند است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا

در آیه شریفه مورد مصرف اموال مشخص نشده است; ولی به قرینه آیات بعد (فکّ رقبه أو إطعام . ..) می توان گفت: مراد هزینه کردن آن، در مصارف عمومی است.

سرزنش ریا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۶ – ۵،۸

۵ – خواندن نماز ، برای خودنمایی نزد مردم ، نکوهیده و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

فویل للمصلّین . .. الذین هم یراءون

۸ – ریاکاری شخص نمازگزار

، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدعّ الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

سرزنش ریاکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۱

۱ خداوند ، کسانی را که ریاکارانه انفاق می کنند ، دوست ندارد .

انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً . .. و الذین ینفقون اموالهم رئاء الناس

در برداشت فوق، <الذین ینفقون> بر <الذین یبخلون> عطف گرفته شده و بنابراین، توصیفی برای <مختال> و <فخور> است.

سرزنش زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۰ – ۷،۹

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ;

یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۲ – ۱،۱۱

۱ زلیخا ، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف ، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند .

قالت فذلکنّ الذی لمتننی فیه

۱۱ < عن علی بن الحسین : . . . فقالت لهنّ < فذلکنّ الذی لمتننی فیه > یعنی فی حبّه ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. همسر عزیز [باشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید ; یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید>.

سرزنش زنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۵ – ۵

۵ زنا و مساحقه ، عملی بسیار زشت

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

فاحشه در لغت به معنی عمل بسیار زشت است و در آیه فوق از زنا و مساحقه به فاحشه تعبیر شده است.

سرزنش زنازادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۳ – ۸،۱۲

۸ – درشت خویی و بی تباری ، صفتی بس زشت و بسیار ناپسند ، در مقایسه با دیگر اوصاف زشت و ناخوشایند

و لاتطع کلّ حلّاف مهین . .. عتلّ بعد ذلک زنیم

بعدیت در این آیه (بعد ذلک) رتبی است و بیانگر این نکته است که اوصاف <عتلّ> و <زنیم> از اوصاف پیشین (همچون حلّاف، مهین، همّاز و. ..) زشت تر و ناپسندتر است.

گفتنی است در برداشت بالا، عبارت <بعد ذلك> متعلق به <عتلّ> دانسته شده است.

۱۲ - < عن علیّ (ع) : هو الذی لا أصل له ;

از علی(ع) روایت شده که او (زنیم) کسی است که اصل و ریشه (نسب) ندارد>.

سرزنش زهد بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۱

۱۱- روزی های پاکیزه ، برای بهره برداری انسان آفریده شده است نه زهدورزی های بی مورد

و رزقنهم من الطیّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۳

۳ - رهبانیت (ترك دنیا و زهدورزی های بی جا) ، انحراف از سیره پیامبران الهی است .

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

با توجه به این که جمله <کلوا من الطّیّبات> بعد از یاد عیسی و مادرش، مطرح شده است، می تواند به اندیشه نادرست رهبانیت در مسیحیت، اشاره داشته باشد.

سرزنش سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴

۴- هر گونه سازش با خط کفر ، بیگانه با خط و راه پیامبراسلام (ص)

محمّد . .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

با استفاده از مفهوم آیه، برداشت بالا به دست می آید.

سرزنش سازش با متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۹ - ۶

۶ - برخورداری مؤمنان از روحیه عفو و گذشت ، نباید به مداهنه و سکوت در برابر متجاوزان منتهی شود .

و إذا ما غضبوا هم یغفرون . .. إذا أصابهم البغی

هم ينتصرون

از ارتباط دو آيه، استفاده مى شود كه عفو و مغفرت مؤمنان، در غير مورد ظلم و تجاوز است.

سرزنش سخن بى عمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۲ - ۵،۶

۵ - خداوند ، آن دسته از مؤمنان صدراسلام را كه به گفته هاى خود عمل نمى كردند ، مورد سرزنش و نكوهش قرار داد .

يأيّها الذين ءامنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون

۶ - < عن رسول اللّه (ص) قال : . . .يابن مسعود : لاتكن ممّن يشدّد على الناس و يخفّف عن نفسه ، يقول اللّه تعالى < لِمَ تقولون ما لاتفعلون > ;

از رسول خدا(ص) روايت شده كه فرمود: . ..اى پسر مسعود! از كسانى مباش كه [كار را] بر مردم سخت مى گيرند و بر خود آسان. خداى تعالى مى فرمايد: لِمَ تقولون ما لاتفعلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۳ - ۱

۱ - گفتار هاى بدون عمل ، بس ناپسند و نفرت انگيز در نزد خداوند

كبر مقتًا عند اللّه أن تقولوا ما لاتفعلون

<مقت>، به معناى بغض و كينه شديد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - كسانى كه شعار جهاد سر مى دهند ولى در عرصه پيكار يا شركت نمى كنند و يا در صورت شركت كردن از خود سستى نشان مى دهند و استقامت نمى كنند ، مورد خشم شديد خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. كبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه يحبّ ... كأنّهم بنين

موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش سخن بی منطق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۸

۸- سخن های نسنجیده بر زبان آوردن و اظهار نظر بدون شناخت و بررسی ، امری نکوهیده و ناروا است .

سیقولون . .. رجمًا بالغیب

سرزنش سخن چینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۶

۶ - سخن چینی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ. .. مشّاء بنمیم

سرزنش سرور برای امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۳ - ۲

۲ - انسان ، در برابر برخورداری ها و بهره مندی ها ، نباید شادمانی کند .

و لاتفرحوا بما ءاتیکم

سرزنش سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۴ – ۸

۸ – کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. کبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه یحبّ ... کأنّهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار

شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۹ – ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

سرزنش سستی در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۴ – ۹

۹ مذمت خداوند از کسالت در نماز و انفاقِ بدون میل و رغبت

لایأتون الصلوه إلا و هم کسالی و لاینفقون إلا و هم کرهون

سرزنش سطحی نگری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۰ – ۱۱

۱۱ – سطحی نگری و بی تفاوتی انسان نسبت به مظاهر وجود و طبیعت ، مورد نکوهش خداوند

و هو الذی یحی . .. أفلاتعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۱ – ۴

۴ – توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سرزنش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا

، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

سرزنش سوءظن به مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۲ – ۷

۷ – بدگمانی نسبت به مؤمنان ، امری ناپسند و مورد سرزنش خداوند

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفک مبین

سرزنش سوگند دروغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۴ – ۱۲

۱۲ – سوگند دروغ ، امری ناپسند و نکوهیده در بینش الهی

و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون

سرزنش سهم المال معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۶ – ۸

۸– اختصاص دادن بخشی از روزی خدادادی به معبود های باطل ، مورد نکوهش خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ

سرزنش شبهه افکنی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲ - ۴

۴ - < سؤال برانگیز > جلوه دادن حوادث جهان آخرت ، کاری ناشایست است .

عمّ یتساءلون . عن النبأ العظیم

سرزنش شبهه افکنی درباره محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۲

۲- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (

ص) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت . .. و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجا

<سیّئات> (جمع سیّئه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السیّئات> در آیه به قرینه <فأصابهم سیّئات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۵ – ۲

۲– شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (ص) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت . .. و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجا

<سیّئات> (جمع سیّئه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السیّئات> در آیه به قرینه <فأصابهم سیّئات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

سرزنش شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۰ – ۲۰

۲۰ شرک ورزی، علی رغم دلایل روشن توحید، امری شگفت انگیز است.

أتحجونی فی الله و قد هدین . . أفلا تتذکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٧ - يونس - ١٠ - ٣١ - ١۶

١۶

شرک پیشگی و انکار ربوبیت خدا علی رغم اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر بیوقفه خدا نسبت به امور جهان نشانه ای از وجود روحیه بی پروایی در انسان است .

قل من یرزقکم . .. فسیقولون اللّه فقل أفلاتتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۶ – ۶

۶ – شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحیاکم . .. إنّ الإنسن لکفور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۹ – ۳

۳ – شرکورزی ، علی رغم اعتقاد به حاکمیت فراگیر خدا بر سراسر هستی ، سزاوار نکوهش و سرزنش

قل فأنّی تسحرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۱ – ۷

۷ – روی آوردن به پرستش غیرخدا با وجود دلایل روشن بر یگانگی او در تدبیر ، امری شگفت و شایان توبیخ

أمّن جعل الأرض قرارًا . .. أءله مع اللّه

استفهام در <أءله. ..> دربردارنده توبیخ و سرزنش است.

سرزنش شرک افعالی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۱۱

۱۱ نکوهش و تحقیر کسانی که خداوند را محور همه حوادث عالم نمی دانند و آن را درک نمی کنند .

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

از مصاديق مورد نظر براى <حديثا>، خدامحورى حوادث عالم است.

سرزنش شرك در رازقيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ -

۷- سهیم دانستن معبود های باطل در روزی دهی ، مورد سرزنش خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ

سرزنش شک در علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۱

۱ - جهل و تردید درباره احاطه علمی خداوند به اشیا ، مورد نکوهش و سرزنش است .

ألم تر أنّ اللّه یعلم

استفهام در <ألم تر>، برای انکار توبیخی است. <ترَ> از <رأی> (دانستن) مشتق است; یعنی، <ألم تعلم أنّ اللّه...>.

سرزنش شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۲

۲- تردید انسان در معاد ، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم ، امری شگفت آور و سزاوار توبیخ است .

أوَلا یذکر الإنسن أنّا خلقنه من قبل و لم یک شیئًا

همزه در <أوَلاـ یذکر> برای انکار توبیخی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ <انسان> در این آیه با آن که آوردن ضمیر ممکن بود اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن ، دقت و تفکر است.

سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده

دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

سرزنش شکمبارگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۹

۹- هدف

قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذّت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

سرزنش شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ; نه غوطهور در لذّت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

سرزنش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

سرزنش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۷

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد . ..> استفهام توبیخی است.

سرزنش طرد مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

سرزنش طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - غرور و سرمستی ، امری مذموم در بینش الهی

إذ قال له قومه لاتفرح إنّ اللّه لایحبّ الفرحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۵

۵ - طغیان گری ، خصلتی ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

سرزنش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۱

۱ - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّغين . .. فذوقوا

سرزنش طمع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۲،۵،۶،۱۷

۲ لزوم خودداری از طمعورزی و آرزوی دستيابی به نعمت های خدادادی ديگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضكم علی بعض

۵ چشمداشت و آرزوی دستيابی به نعمت های ديگران ، زمينه ارتكاب گناه

ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه

نهی از آرزوی دستيابی

به نعمتهای دیگران، پس از ترغیب به اجتناب گناهان، می توانـد اشاره به ریشه برخی گناهان کبیره و ارشاد به راه مبارزه با آن باشد.

۶ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران ، زمینه حرامخواری و ناهنجاری های اقتصادی

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضکم علی بعض

نهی از آرزوی دستیـابی به نعمتهـای دیگران، پس از بیـان حکم تصـرفات نـاروا در اموال مردم، می توانـد بیانگر این باشـد که تملک اموال دیگران از راه باطل، ریشه در طمعورزی به نعمتهای دیگران دارد.

۱۷ آدمی باید کمبود های خویش را با تقاضای از خدا جبران کند ، نه با طمعورزی و دست اندازی به حقوق دیگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه . .. و سئلوا اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۸ – ۶

۶– چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده و ناپسند

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۵

۵ – چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده ونارو است .

و لاتمدّنّ عینیك إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

سرزنش ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۲ – ۸

۸ عقوبت و سرزنش کسانی که در حق آدمی ستم کرده اند پس از اعترافشان به گناه و توبه از آن ، به دور از شأن نیکوکاران است .

لاتثريب

علیکم الیوم

<الیوم> ظرف و متعلق به <تثریب> است و مراد از آن زمـانی است که برادران یوسف به خطای خویش اعتراف نموده و از گناه خود توبه کردند (و إن کنّا لخاطئین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۸

۸- سرزنش شدن ستمگران از جانب خداوند ، هنگام مهلت خواهی آنان در وقت نزول عذاب استیصال

یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. أو لم تکونوا أقسمتم من قبل ما لکم من زو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱

۱- سرزنش خداوند از ستمگرانی که از کیفر ستم پیشگان پیش از خود و مثل های الهی ، پند نگرفتند و درس نیاموختند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثا

سرزنش ظاهرسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۶ - ۹

۹ - تکلف و ظاهرسازی ، عملی ناپسند و مذموم

و ما أنا من المتکلّفین

سرزنش ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - < و روی أنّه سُئِلَ النبیُّ (ص) عن < العتـلّ الزنیم > فقـال : هو الشدیـدُ الخُلق ، الشـحیح ، الأکول ، الشـروب ، الواجد للطّعام و الشّراب ، الظلوم للنّاس ، الرحیب الجوف ;

روایت شـده که از پیـامبر(ص) درباره معنای <عتلّ زنیم> سؤال شـد فرمود: او تنـدخو، بخیل، پرخور و پرنوش است; همواره دارای خوراکی و نوشیدنی است بسیار به مردم ستم

می کند و شکم بزرگ است (به آسانی شکمش از غذا پر نمی شود)>.

سرزنش عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۷

۷ - روی آوردن به پرستش غیرخدا با وجود دلایل روشن بر یگانگی او در تدبیر ، امری شگفت و شایان توبیخ

أمّن جعل الأرض قرارًا . .. أءله مع اللّه

استفهام در <أءله. ..> دربردارنده توبیخ و سرزنش است.

سرزنش عبرت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱

۱- سرزنش خداوند از ستمگرانی که از کیفر ستم پیشگان پیش از خود و مثل های الهی ، پند نگرفتند و درس نیاموختند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثا

سرزنش عبرت ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۴

۴ پندناپذیری مردم از عاقبت شوم گذشتگان ، امری نابخردانه و شگفت آور

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم

همزه استفهام در <او لم یهد> برای تعجب است. یعنی عقل اقتضای پندپذیری دارد و از انسان مدعی عقل شگفت آور است که پند نگیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۸ – ۴

۴ – درس نگرفتن از تاریخ و هلاکت امت های پیشین ، امری سزاوار توبیخ و سرزنش

أفلم یهد لهم کم أهلکنا قبلهم

استفهام یاد شده در <أفلم. ..> برای انکار توبیخی است. فاعل <لم یهد> <اهلاک> است که از <کم أهلکنا> فهمیده

می شود و به دلیل متعدی شدن <لم یهد> به حرف لام، معنای تبیین نیز در آن تضمین شده و مفاد جمله این است که آیا نابود ساختن بسیاری ازامت های گذشته، برای مشرکان روشن نساخت که نباید مانند آنان عمل کنند؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۴

۴ - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آنها ، مورد سرزنش خداوند است .

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

استفهام در <أفلم یسیروا> برای توبیخ می باشد.

سرزنش عبرت ناپذیری از تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۴

۴ - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آن ، مورد سرزنش خداوند

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم

استفهام در <أَوَلم یسیروا . ..> برای توبیخ می باشد.

سرزنش عجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱

۱ ناپسندی عجب و شادمانی انسان از اعمال خویش

لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا . .. فلا تحسبنّهم بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۳

۳ - خودبزرگ بینی و افتخار به قدرت ، مذموم و مورد نکوهش خداوند

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

سرزنش عجله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۵

۵- شتاب و بی صبری در مورد

تحقق زودرس وعده های خداوند ، روا نیست .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۹

۹- عمل عجولانه و پیش از وقتِ مناسب هر چند آن عمل خیر باشد امری ناپسند و نکوهیده است .

خلق الإنسن من عجل . .. فلاتستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۸

۸ - موضع گیری عجولانه و مسخره آمیز در برابر مسائل ، امری نکوهیده و ناپسند

و لمّا ضرب ابن مریم مثلًا إذا قومک منه یصدّون

با توجه به واژه <إذا> استفاده می شود که مشرکان بدون تأمل و تعقل در برابر داستان عیسی(ع)، موضع گیری می کردند و خداوند این را مورد سرزنش قرار داده است.

سرزنش عدم تضرع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۲

۲ تضرع نکردن مردم به درگاه خداوند، حتی در شداید و سختیها، امری شگفت و سزاوار سرزنش

فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا

سرزنش عدم تعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۵

۵ اندیشه نکردن در قرآن ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

افلا یتدبّرون القران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۹،۱۱

۹ نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا . .. أفلا تعقلون

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا . .. و ما الحیوه الدنیا إلا ... أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۲۱

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه . .. أفلاتتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم یروا> استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره

کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

سرزنش عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

سرزنش عدم مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۴

۴ - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آن ، مورد سرزنش خداوند

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم

استفهام در <أَوَلم یسیروا . ..> برای توبیخ می باشد.

سرزنش عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲۱

۲۱ هشدار الهی نسبت به مُتخلّفین از دستورات الهی و احکام طلاق

و اذ طلّقتم . .. و اتقوا اللّه و اعلموا انّ اللّه بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۴

۱۴

بی پروایی از خداوند ، علی رغم یاد او در سوگند ها ، امری ناروا و به دور از انتظار

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به

سرزنش عصیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۴

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور < بیّنه > ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

سرزنش عصیان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۴

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور < بیّنه > ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

سرزنش عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهکما عن تلکما الشجره و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

سرزنش عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۲۱

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه . .. أفلاتتفکرون

سرزنش عقیده به رازقیت معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۶ – ۷

۷- سهیم دانستن معبود های

باطل در روزی دهی ، مورد سرزنش خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ

سرزنش علاقه به برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۸

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًّا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

سرزنش علاقه به تجارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

سرزنش علاقه به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

سرزنش علما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۲۹

۲۹ نکوهش

شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ، از سر تجاوز گری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

<بغی> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

سرزنش علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۱

۱۱ سرزنش عالمان اهل کتاب از سوی خداوند به سبب نادیده گرفتن پیمان الهی و دین فروشی

فنبذوه ورآء ظهورهم و اشتروا به ثمناً قلیلا

سرزنش علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۳

۳ - عالمان بنی اسرائیل ، مورد نکوهش و سرزنش خداوند به خاطر عمل نکردن به محتوای دعوت های خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

استفهام در <أتأمرون . ..> استفهام انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱

۱ - موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزانگان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان ثروت قارونی .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون . .. و قال الذین أُوت

سرزنش علمای بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۷

۷ - کسانی که دیگران را به کار های نیک دعوت کرده و خود به آن عمل نمی کنند ، @سزاوار توبیخ و سرزنش هستند .

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

سرزنش علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۳ – ۴

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

سرزنش علمای هواپرست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۳ – ۸

۸ – آگاهان و عالمان هواپرست ، مورد مذمت و نکوهش الهی

اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی علم

در صورتی که منظور از <علی علم>، دانش کسانی باشد که هوای خویش را به خدایی گرفته اند، از لحن توبیخی آیه مطلب بالاـ استفاده می شود و نوعی ارتباط میان این آیه با آیه <فما اختلفوا إلاّـ من بعد ما جائهم العلم> (جاثیه، آیه ۱۷) نمودار می گردد.

سرزنش علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۵ – ۲

۲ – نکوهش شدید عالمان یهود ، از سوی خداوند

مثل الذین حمّلوا التوریه ثمّ لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۳ – ۴

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیـخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

سرزنش

علیه خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۳ – ۵

۵- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

سرزنش عمل بیهوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۸ – ۴

۴ – ساختن آثار بی ثمر ، خارج از نیاز و صرفاً بازیگرانه ، مورد نکوهش در بینش دین و رهبران الهی

أتبنون بكلّ ريع ءايه تعبثون

سرزنش عهدشکنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۷ – ۴

۴ – نقض پیمان ، بویژه پس از تأکید بر آن ، امری ناپسند و نکوهیده است .

الذين ينقضون عهد اللّه من بعد ميثقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۳ – ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به کسانی که وفادار به پیمان های خود نیستند .

و لکل . .. و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم انّ اللّه کان علی کل شیء شهیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۰ – ۷

۷ – پیمان شکنی ، امری نکوهیده

فلمّا کشفنا عنهم العذاب إذا هم ینکثون

سرزنش عیب جویی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۱ – ۴

۴ – وسیله تمسخر قرار دادن مشخصات جسمی و اخلاقی هر قوم

، کاری نکوهیده و مورد نهی الهی است . *

لایسخر قوم من قوم

احتمال می رود واژه <قوماً>، اشاره به عیب جویی گروهی های گروهی باشد که معمولاً طایفه ای برای طایفه دیگر، شهری برای شهر دیگر و نژادی برای نژاد دیگر معمول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۳

۳ - عیب جویی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. همّاز

سرزنش غصب ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۲

۲ - تجاوز به حق ارث دیگران ، ناروا و نکوهیده است .

و تأکلون التراث أکلاً لمّا

سرزنش غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۷

۷ غفلت از یاد خدا ، امری نکوهیده و نارواست .

و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۸

۸- سرمستی و غفلت امری بس زشت و مذموم ، و روشن بینی صفتی بس والا و ارزشمند برای انسانها

لعمرك إنهم لفی سكرتهم يعمهون

سرزنش غفلت از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۷

۷ - علاقه به دنیا و توجّه به آبادانی حیات دنیوی ، در صورت بی اعتنایی به امر آخرت و حیات اخروی ، مورد نکوهش و محکوم در نگاه وحی

إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يومًا ثقيلاً

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که آیه شریفه درصدد نکوهش و محکوم

کردن کسانی است که تنها به دنیا دلبسته و آخرت را رها کرده اند.

سرزنش غفلت از ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۶

۱۶- غوطهوری در غفلت و هدایت نیافتن به ارزش ها ، با گذشت چهل سال از عمر انسان ، نکوهیده و توجیه ناپذیر است .

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی

خداونـد سن چهـل سـالگی را به عنوان مرحله کمـال و توجه به نعمت هـا و تلاش برای تزکیه معرفی کرده است. از این مطلب استفاده می شود که انسـان، تا قبل از رسـیدن به چهل سالگی به دلیل جوانی و خامی چه بسا گرفتار غفلت شود; ولی چون از چهل سالگی گذشت، دیگر مجالی برای توجیه نخواهد داشت.

سرزنش غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰ - غفلت از یاد خدا در جایگاه عبادت (مسجد و . . .) امری نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه أن یذکر فیها اسمه

عبـارت <أن یـذکر فیهـا اسـمه> بیـانگر این است که: دلیـل نـاروا بـودن و سـتمکار شـمردن بازدارنـدگان مردم از حضور در مساجـد، یاد نشـدن نام خداست. بنابراین جمله <من أظلم ...> شامل کسانی که در جایگاههای عبادت از یاد خدا غافلند نیز، می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و

مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۴

۴ - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی است .

و تضحکون و لاتبکون

سرزنش غفلت از فرجام اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۶

۶ - غفلت از فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شگفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

مفعول <أفلایعلم> یا محذوف است; یعنی: <أفلایعلم مآله؟> و یا کلمه <إذا> از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است; یعنی: <أفلایعلم وقت . .. تحصیل ما فی الصدور؟>. در این صورت مراد، توبیخ بر غفلت از حوادث آن زمان است.

سرزنش غفلت از فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۲

۲ - مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه ر ها کرده ، از مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

یقول أهلکت مالاً . .. فلااقتحم العقبه ... أو مسکینًا ذا متربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ – مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی

خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجّهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم . .. و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین ... و یمنعون الماعون

بـا آن که تعبیر <فویـل للمصـلّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکـذیب کردنـد; ولی حرف <فاء> و تغییر سـیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصـفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

سرزنش غفلت از محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

سرزنش غفلت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۲

۲ - مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه ر ها کرده ، از

مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

يقول أهلكت مالاً . .. فلااقتحم العقبه ... أو مسكيناً ذا متربه

سرزنش غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۷

۷ - لزوم شناخت ویژگی های معاد و غافل نبودن از خطر های آن

أفلايعلم

استفهام در آیه شریفه، <انکار تعجبی> است و بر اظهار شگفتی از جهل انسان، دلالت دارد.

سرزنش غفلت از نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۲

۲ - بی توجّهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عينين

استفهام در <ألم نجعل . ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل . .. و هدينه النجدين

سرزنش غفلت ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۵

۵ – بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجّهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

سرزنش فرزند عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱

۱– فرزندان گستاخ در برابر پدر و مادر ، مورد

نکوهش خداوند

و الذی قال لولدیه أُفّ لکما

لحن نکوهش آمیز این آیه و تهدید به عذاب و تعبیر (إنّهم کانوا خاسرین) در آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

سرزنش فرزند کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- فرزندکشی ، خطا و جنایتی بس بزرگ و عملی محکوم در طول اعصار و قرن های گذشته

إن قتلهم کان خطئًا کبیرًا

<خطئاً> در لغت به معنای عدول از جهت اصلی و حقیقی است و از جمله کاربردهای این واژه، جایی است که شخص تصمیم بر انجام کار نادرست می گیرد و آن را به انجام می رساند (مفردات راغب)

سرزنش فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۱

۱ حضرت موسی (ع) ، فرعون و سران حکومتش را ، به خاطر انکار معجزه ای که در حق بودن آن تردیدی نبود ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قال موسی أتقولون للحق لما جاءکم أسحر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۱ - ۱

۱ خداوند ، فرعون را به خاطر نافرمانی ها و فسادانگیزیهایش تا لحظه مرگ ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

حتی إذا أدرکه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذی . .. ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۷،۹

۷ - فرجام حق ناپذیری فرعون ، فرجامی ملامت بار

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

<ملیم> بر کسی اطلاق می شود، که سزاوار

سرزنش باشد.

۹ - سرزنش فرعون نسبت به خویش ، در واپسین لحظات زندگی کفرآلود خود *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

در صورتی که واژه <ملیم> به معنای ملامت کردن (متعدی) باشد، برداشت بالا ـ به دست می آید. یعنی: <و هو ملیم نفسه>.

سرزنش فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۹

۹ - کشتن موسی (ع) به صرف اعتقاد او به ربوبیت خداوند ، کاری نکوهیده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أتقتلون رجلًا أن یقول ربّی اللّه

از استفهام انکاری در جمله <أتقتلون رجلًا. ..> که در مقام تقبیح عمل فرعون می باشد برداشت یاد شده استفاده می شود.

سرزنش فرومایگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۶

۶ - فرومایگی و پستی ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ حلّاف مهین

سرزنش قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

سرزنش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - نکوهش قارون از سوی خدا ، به خاطر درس نگرفتن از فرجام شوم زراندوزان پیش از خود

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلك من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

سرزنش قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

سرزنش قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونی و هم لكم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونی و هم لكم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان

معتقدند ، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمات <أعمی> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال

باشد. برداشت فوق مبتنى بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱

۱- كافران به جهت پذيرش ولايت غير خدا ، مورد ملامت اويند .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادى من دونى أولياء

استفهام در آيه، براى انكار و توبيخ است؛ يعنى، گزينش غير خدا، به عنوان ولىّ، كارى نادرست و سزاوار توبيخ است. و مراد از <اتخاذ ولىّ> در آيه اطاعت معبودان و انتظار يارى از آن ها است.

سرزنش قتل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هيچ انسانى را به ناحق نمى كشند .

و لايقتلون النفس التى حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

سرزنش قتل موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۹،۱۵

۹ - كشتن موسى (ع) به صرف اعتقاد او به ربوبيت خداوند ، كارى نكوهيده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أتقتلون رجلاً أن يقول ربّى اللّه

از استفهام انكارى در جمله <أتقتلون رجلاً. ..> كه در مقام تقبيح عمل فرعون مى باشد برداشت ياد شده استفاده مى شود.

۱۵ - ناروا بودن قتل موسى (ع) ، در نظر مؤمن آل فرعون حتى در صورت دروغ گو بودن او

و إن يك كذبًا فعليه كذبه

سرزنش قساوت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۹ – ۸

۸ ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ،

در برخورد های اجتماعی

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

سرزنش قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوالله . .. ساء ما یحکمون

سرزنش قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

سرزنش قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ تخطئه پندار بیماردلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

سرزنش قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۲

۲- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر <تماثیل> (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در <ما هذه...> به قرینه مقام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ -

۲ - ۶۴

۲- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنّکم أنتم. ..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۱

۱- ابراهیم (ع) قومش را به خاطر عبادت غیر خدای یکتا ، مورد سرزنش قرار داد .

قال أفتعبدون من دون اللّه

همزه در <أفتعبدون> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۴

۴- ابراهیم (ع) قوم بت پرست خویش را به خاطر تعقل نکردن در باور ها و اندیشه های خود ، مورد سرزنش قرار داد .

أُفّ لکم . .. أفلاتعقلون

همزه در <أفلاتعقلون> برای استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۵ - ۱

۱ - اقدام ابراهیم (ع) به سرزنش قوم خود ، به خاطر پرستش کورکورانه بت ها

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

استفهام در <أفرءیتم> توبیخی است و مفاد آن این است که: چرا در باره آنچه می پرستید، اندیشه نمی کنید و صرفاً متکی

به تقلید کورکورانه از نیاکان خود هستید؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۶ – ۱

۱ – ابراهیم

(ع) ، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز اللّه ، مورد سرزنش قرار داد .

أئفكًا ءالهه دون اللّه تريدون

استفهام در <أئفكا> متضمن معنای توبیخ است و <إله> مفرد <ءالهه> به معنای معبود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۵ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما تنحتون

<نحت> (ماده <تنحتون>) به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

سرزنش قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر بی تقوایی شان سرزنش کرد .

إذ قال لقومه ألاتتّقون

همزه در <ألاتتّقون> برای استفهام انکارىِ توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱،۴

۱ - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر پرستش معبود های ساختگی و بت ها سرزنش کرد .

أتدعون بعلاً

<بعل> در زبان عرب جاهلی به معنای معبود و ربّ است; ولی بیشترین کاربرد آن در معنای بت است.

۴ - الیاس (ع) ، قوم خود را به جهت رها کردن پرستش بهترین آفریننده (خدا) سرزنش کرد .

و تذرون أحسن الخلقين

سرزنش قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ - ثموديان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بى تقوايى و گنه پيشگى

إذ قال لهم أخوهم صلح

ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> مى تواند براى توبيخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۵

۵ - سرزنش ثموديان از سوى صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بى توجهى به ناپايدار بودن امكانات دنيايى

أتتركون فى ما ههنا ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴ - سرزنش ثموديان از سوى صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل كوه ها و خوش گذرانى در آن

و تنحتون من الجبال بيوتًا فرهين

برداشت يادشده بدان احتمال است كه اين آيه به قرينه واقع شدن در حيز استفهام (استفهام در<أتتركون فى ما ههنا>) جمله استفهامى بوده و به تقدير <أو تنحتون. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۱

۱ - سرزنش ثموديان از سوى صالح (ع) ، به خاطر بدكردارى آنان

قال يقوم لم تستعجلون بالسيّئه قبل الحسنه

استفهام در <لم تستعجلون. ..> و <لولا تستغفرون> استفهام توبيخى است.

سرزنش قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۶

۶ – عادیان ، مورد سرزنش هود (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم هود ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۸ – ۳

۳ – سرزنش عادیان توسط هود (ع)

به خاطر ساختن بناهایی بی فایده و بازیگرانه

أتبنون بكلّ ريع ءايه تعبثون

استفهام در <أتبنون> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع) ، به خاطر احداث قصر ها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتّخذون مصانع لعلّكم تخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۰ - ۳

۳ - نکوهش قوم عاد از سوی هود (ع) ، به خاطر خشونت و زورگویی آنان

و إذا بطشتم جبّارين

سرزنش قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶،۸

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۱ – ۶

۶ – قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

استفهام در جمله<ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۵ – ۲

۲ – قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ

او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العلمین

استفهام در <أتأتون الذکران> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما خلق لکم ربّکم من أزوجکم

<وَذْر> (مصدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و واگذاشتن است. <من أزواجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>)به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و تجاوز است; یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه اید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۵

۵ - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطًا إذ قال . .. إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۹ – ۸،۱۰،۱۱

۸ – لوط (ع) ، قوم اش را به جهت ارتکاب عمل لواط و راهزنی و ارتکاب آشکار منکر ، سرزنش کرد .

أئنّکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم

المنكر

۱۰ – قوم لوط ، از سرزنش حضرت لوط (ع) و وعده وی به عذاب ، پندنگرفتند و او را استهزا کردند .

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

۱۱ – تنها پاسخ قوم لوط به لوط (ع) در برابر سرزنش و وعده عذاب ، درخواست نزول عذاب بود .

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

سرزنش قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۶ – ۶

۶ – قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۳ – ۴

۴ – سرزنش شدن قوم نوح ، به خاطر بی توجهی آنان نسبت به عظمت خداوند و روی آوردن به شرک و بت پرستی

ما لكم لاترجون للّه وقارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۵ – ۵

۵ – سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به خاطر نیندیشیدن درباره آفرینش جهان و جلوه های عظمت پروردگار

ألم تروا كيف خلق اللّه سبع سموت طباقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۶ – ۴

۴ – سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق اللّه . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

سرزنش

کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . .) سزاوار سرزنش هستند .

أو لم ینظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّه من شیء

استفهام در جمله <أو لم ینظروا . .. > انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۵

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۲ – ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی ، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود ، مورد سرزنش خدایند

.

و الله جعل لکم . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> – همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۱

۱- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا ، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

استفهام در آیه، برای انکار و توبیخ است; یعنی، گزینش غیر خدا، به عنوان ولیّ، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از <اتخاذ ولیّ> در آیه اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۰ – ۱۰

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) . . . انّ قول اللّه عزّوجلّ < کانتا رتقاً > یقول : کانت السماء رتقاً لاتنزل المطر و کانت الأرض رتقاً لاتنبت الحبّ . . . فتق السماء بالمطر والأرض بنبات الحبّ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. سخن خدای عزّوجلّ <کانتا رتقاً> بیان می کند که آسمان بسته بود و

باران نمی باریـد و زمین بسـته بود و گیاه نمی رویانیـد ... پس خداونـد آسـمان را با باریـدن باران و زمین را با رویانیـدن گیاه شکافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن ، مورد سرزنش خداوند قرار دارند .

أفأنتم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۴

۴ - سـرزنش کـافران از سوی خداونـد ، به خـاطر انکـار رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آگاهی آنان از شخصـیت ارزشـی و اخلاقی (صداقت ، امانت و . . .) آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۳

۳ - توبیـخ کـافران از سوی خداونـد ، به خـاطر نسـبت دادن جنون به پیـامبر (ص) ، علی رغم آشـنایی کاملشـان با شخصـیت خردمند آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۳

۳ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار پیامبر (ص) بدون هیچ عذر قابل قبولی

أفلم یدّبّروا القول . .. أم تسئلهم خرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۱

۱ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر بی فرجام شمردن زندگی دنیوی و انکار حیات اخروی

أفحسبتم أنّما

خلقنكم . .. لاترجعون

استفهام در آیه یاد شده، برای انکار توبیخی است و مراد از ضمیرهای خطاب، کافران و منکران معاد می باشد. <حِسبان> (مصدر <حسبتم>) به معنای پنداشتن و <عبث> به معنای بی هدف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كذّبوا . .. أَوَلم يرواإلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أَوَلم يروا. ..> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر تکذیب بی دلیل نشانه ها و آیات او

حتّى إذا جاءو قال أكذّبتم بايتى و لم تحيطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱

۱ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن حکمت های او در برقراری نظام شب و روز

ألم يروا أنّا جعلنا الّيل . .. و النهار مبصرًا

استفهام در این آیه، برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذين أوتوا العلم . .. فهذا يوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در

این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۷

۷ - کافران ، از سوی خدا به خاطر عبرت نگرفتن از هلاکت کافران پیشین ، توبیخ شدند .

أوَلم یهد لهم کم أهلکنا من قبلهم من القرون . .. أفلایسمعون

همزه <أفلایسمعون> تقریری و همراه با توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۹

۹ - کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أوَلم یروا أنّا نسوق . .. فنخرج ... تأکل منه... أفلایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۷ – ۱

۱ – خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده

است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۲

۲ - نکوهش کافران ، بر تعقل نکردن در سرنوشت هلاکت بار قوم لوط

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّکم لتمرّون علیهم ... أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۸،۹

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توبیخی می باشد.

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی

خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم . .. و ما لها من فروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن

و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین

نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداونـد در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمنـدی موجودات و فیاضـیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کـافران را مـورد سـرزنش قرار داده کـه چرا ایـن حقیقـت را در هسـتی نادیـده می گیرنـد. تثنیـه آمـدن <کمـا> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سـرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیه قبـل، از اسـتفهام توبیخی در <فبـأیّ. ..> مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ -

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۸ – ۲

۲ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۰ – ۱

۱ – سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۲ – ۲

۲ – توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۵ – ۲

۲ – توبیخ کافران و تکذیب

گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن

نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۷ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۹ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۱ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۳

۳ – توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس

از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۹ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۳ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۳

۳ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه -

۴ - ۷۰ - ۵۶

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءيتم الماء . .. فلولا تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قيل هذا الذى كنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قيل هذا الذى. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ; به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالِ الذين كفروا قبلك مهطعين

<ما> در <فمالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أكفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است; زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلينظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أكفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، با پرخاش به کافران و گنه

کاران ، آنان را به خاطر دلگرمی به دستاویز های پوچ و بی باکی شگفت آورشان در برابر کفر و گناه ، سرزنش کرده است .

یأیّها الإنسن ما غرّک

استفهام در <ما غرّك>، بر توبیخ همراه با تعجب دلالت دارد.

سرزنش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱

۱ - توبیخ و سرزنش کفرپیشگان و تکذیب کنندگان صدراسلام ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت اقوام هلاك شده پیشین و پند نیاموختن از آثار به جا مانده از شهر ها وسرزمین های متروك و ویران شده آنها

فکأیّن من قریه أهلکنها . .. أفلم یسیروا فی الأرض

استفهام در جمله <أ فلم یسیروا فی الأرض> استفهام توبیخی است و <سیر> (مصدر <یسیرون>) به معنای سیاحت و گردش می باشد. <ال> در <الأرض> عهد حضوری و <أرض> به معنای سرزمین است و ضمیر فاعل در <یسیرون> به مشرکان حق ستیز و تکذیب گر صدراسلام باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۲

۲ - کافران و مشرکانِ صدراسلام ، به دلیل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاکت بار کافران پیش از خود ، مورد سرزنش خدا قرار گرفتند .

ألم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون

سرزنش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم يروا كيف يبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم يروا> استفهام توبيخی

است.

سرزنش کامجویی از برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۷،۸

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًّا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

سرزنش کتمان تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

سرزنش کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تكتموا الحق

۵ - كتمان حقايق دينى از سوى عالمان دين ، بسى نكوهيده تر و ناپسنديده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تكتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> مى تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولى براى

آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

سرزنش کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

لحن جمله <إن فریقاً . ..> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

سرزنش کتمان علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۹

۱۹- < عن رسول الله (ص) قال : لاینبغی للعالم أن یسکت علی علمه ، و لاینبغی للجاهل أن یسکت علی جهله و قد قال الله : < فسئلوا أهل الذکر . . . > . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: سزاوار نیست که عالم بر علم خود سکوت کند و سزاوار نیست که جاهل بر جهل خود ساکت بماند، همانا خدا فرمود: فاسئلوا اهل الذکر. ..>.

سرزنش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳ - ۷۰ - ۵

۵ نکوهش کفرِ آگاهانه به آیات الهی

لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

سرزنش کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

تقدیم اهل کتاب بر مشرکان در توبیخ بر کفر، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

سرزنش کفر به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ، علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إنّ الذين ارتدّوا على أدبرهم . .. الشيطن سوّل لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الذين ارتدّوا. ..> اهل کتاب باشند; زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسمانی و وعده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقانیت اسلام و قرآن بوده اند.

سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۴

۴ مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۵ – ۱۰

۱۰ – سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هایش در روی زمین

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها. .. أفلایشکرون

استفهام در جمله <أفلایشکرون> انکاری است و این جمله درصدد تقبیح و توبیخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۳ – ۵

۵ – ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۲ – ۴

۴ – نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

استفهام در <أوَلم یعلموا. ..> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۶

۶ – کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لکنود

سرزنش کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۴ – ۱۶

۱۶– ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن

تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۸ – ۶

۶- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

و إن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إن الله لغفور رحیم

ذکر <إن الله لغفور> پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توبیخ است. عبارت <إن الله لغفور> بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۷ – ۶

۶- تبذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذّرین . .. لربّه کفورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷ – ۶

۶ – شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۶ – ۱۲

۱۲ – کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یأیّها الإنسن ما غرّک بربّک الکریم

سرزنش کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳

۱ - به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

سرزنش گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرك و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم اللّه ربکم الحق . .. فأنی تصرفون

سرزنش گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ < عن النبی (ص) قال : . . . و قال لقمان لإبنه : یا بنیّ . . . إن کنت صالحاً فابعد من الأشرار و السفهاء ، فربما أصابهم الله بعذاب فیصیبک معهم ، فقد أفصح الله سبحانه و تعالی بقوله : . . . و . . . و قال سبحانه : < و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار > . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: . .. لقمان به فرزندش گفت: ای پسرک من! ... اگر انسان شایسته ای هستی از اشرار و سبک مغزان دوری کن، چه بسا خداوند بر آنان عذابی بفرستد و تو را هم با آنان فرا گیرد ... خداوند در گفتار خود به روشنی فرموده: ... و ...<و لاترکنوا إلی الذین ...>...>.

سرزنش گرایش به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۲

۲ - روی آوردن به غیر خدا ، با وجود اعتقاد به

خالقیت یگانه او ، انحرافی آشکار و امری ملامت بار

و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

<إفک> (مصدر <یؤفکون>) به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

سرزنش گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۴

۴ گرایش به خصلت های کفرپیشگان ، امری نکوهیده برای اهل ایمان

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم

سرزنش گرایش مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنیا و اللّه یرید الأخره

سرزنش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۴

۴ - کسانی که از عبادت خدا سرباز زده و از صراط مستقیم منحرف شوند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم . .. و أن اعبدونی هذا صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۴

۴ - کسانی که بر اثر عدم تعقل و خردورزی به دست شیطان گمراه شدند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

و لقد أضلّ منکم جبلاًّ کثیرًا أفلم تکونوا تعقلون

برداشت یاد شده از استفهام انکاری در جمله <أفلم تکونوا تعقلون> که در مقام سرزنش است به دست می آید.

سرزنش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ گناه و انحراف آگاهانه ، دارای

زشتی و پلیدی فزونتر

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينت

قیـد <من بعـد . ..>، بیانگر این است که مـذمت و تقبیـح عملکرد اهل کتاب، بـدان جهت است که ارتداد و کفرشان پس از آگاهی و اتمام حجت بوده است.

سرزنش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۴

۴ سرزنش خلافکاران و مؤاخذه آنان باید همواره پس از اتمام حجّت باشد .

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله

بنابراینکه استفهام برای توبیخ بوده و مراد از تلاوت آیات و وجود رسول، اتمام حجّت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۴ - ۱

۱ - توبیخ مجرمان از سوی خدا به خاطر شتاب آنان در طلب نزول عذاب

أفبعذابنا یستعجلون

استفهام در <أفبعذابنا> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، با پرخاش به کافران و گنه کاران ، آنان را به خاطر دلگرمی به دستاویز های پوچ و بی باکی شگفت آورشان در برابر کفر و گناه ، سرزنش کرده است .

یأیّها الإنسن ما غرّک

استفهام در <ما غرّك>، بر توبیخ همراه با تعجب دلالت دارد.

سرزنش گناهکاران مسرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۵

۵ سرزنش خداوند نسبت به منافقان و آنان که به جای ندامت از تخلفات و گناهان خویش ، خشنود بودند .

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سرزنش لذت طلبی

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۹،۱۰

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذّت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ; نه غوطهور در لذّت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

سرزنش لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۶،۸

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۱ – ۶

۶ لواط ، عملی تجاوزکارانه و مرتکبان آن ، مردمانی متجاوز هستند .

بل أنتم قوم مسرفون

<اسراف> به معنای تجاوز کردن از حد میانه است.

سرزنش لوط(ع)

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۰ – ۱

۱– حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

سرزنش مال دوستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۵

۵ – عشق به ثروت ، مذموم است .

و تحبّون المال حبًّا جمًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۸ – ۳

۳ – علاقه شدید به ثروت ، مذموم است .

و إنّه لحبِّ الخیر لشدید

سرزنش مبارزه با خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۳ – ۱

۱ – سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر مبارزه آنان با یگانه معبود هستی

أم لهم إله غير اللّه

آیه شریفه در مقام توبیخ منکران پیامبر(ص) و دین است. به این که مگر کافران به خداوندی جز خدای یگانه دست یافته اند که با اتکا بر او، با دین الهی مبارزه می کنند.

سرزنش مبلغان

جلد – نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۴ – ۵

۵ – ملامت مبلغان دینی از سوی خداوند ، در صورت کوتاهی در هدایت خلق *

فما أنت بملوم

با توجه به مفهوم <فما أنت بملوم> روی گردانی رهبران الهی، از هدایت کافران، در همه جا مجاز نیست و در صورتی که بی اذن الهی ترک تکلیف کنند، مورد ملامت خواهند بود.

سرزنش مبلغان بی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۴ – ۶

۶ – کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، توبیخ کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس . .. و أنتم تتلون الکتب

چون جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> (در حالی که شما کتاب]تورات یا انجیل [را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

سرزنش متخلفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۳

۳ متخلفان از جهاد در راه خدا و رهایی مستضعفان ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

سرزنش متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به آنان که ، پس از صدور فرمان جنگ ، از شرکت در آن امتناع میورزند .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه اثّاقلتم إلی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۲

۲ توبیخ و تحقیر منافقان گریزان از جهاد ، از سوی خداوند

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

سرزنش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۵

۵ توبیخ خداوند نسبت به آنان که برای تخلف از جنگ تبوک ، حتی اجازه هم نگرفتند .

و جاء المعذّرون . .. و قعد الذین کذبوا

از تقابل <قعد . .. > با <جاء المعذّرون> استفاده می شود که: گروه دوم، متخلفانی هستند که بدون هیچ عذر و بهانه ای و بدون اجازه خواستن از شرکت در جنگ امتناع ورزیدند.

سرزنش متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۴

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا

سرزنش متکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ خداوند کسانی را که با تکبر و فخرفروشی با خویشان و همسایگان خویش برخورد می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدين احساناً . .. انّ اللّه لا يحبّ من كان مختالا فخوراً

سرزنش مجادله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۷

۷- جدال و مخاصمه ، صفتی بس مذموم و ناپسند برای انسان

فإذا هو خصيم مبين

آوردن <إذا> ی فجائيه می تواند نشان دهنده ناپسند بودن جدال و مخاصمه باشد، خصوصاً با توجه به

اینکه انتظار از مخلوق، تسلیم بودن در مقابل خالق است و جدال و مخاصمه خلاف انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۹

۹- جدل و اشکال تراشی ، در برابر آیات روشن قرآنی ، کاری است نکوهیده .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان . .. و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

موارد استعمال کلمه <جدل> گواه تمسک فراوان اهل جدل به باطل است با به هر نحو ممکن، با حق، مقابله کنند. بنابراین، ممکن است که آیه، به نوعِ مذمومِ جدل، نظر داشته باشد; یعنی، شیوه برخورد کافران با آیات قرآن را محکوم می کند.

سرزنش مجادله با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۹

۱۹- مناظره با جاهلان ، جز بحثی سطحی و کوتاه ، نکوهیده و ناروا است .

مایعلمهم إلاّ قلیل فلاتمار فیهم إلاّ مراءً ظهرًا

تفریع <لاتمار> بر جمله <مایعلمهم. ..> به وسیله حرف <فاء>، بیانگر نکته یاد شده است.

سرزنش مجادله با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۲

۲ - بحث و جدل مشرکان با پیامبر (ص) ، در عینی ترین حقایق مورد شهود آن حضرت ، امری نکوهیده و سرزنش بار

أفتمرونه علی مایری

استفهام در <أفتمارونه> برای توبیخ است.

سرزنش مجادله بی برهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۸ – ۵

۵ – مباحثات و مجادلات بی پایه و بی مبنا ، امری ناشایست و نکوهیده

ما ضربوه لک إلاّ جدلاً

لحن نکوهش

آمیز آیه شریفه، بیانگر مطلب بالا است.

سرزنش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۵

۵ اتکای افراطی برخی از پیکارگران احد به شخص پیامبر (ص) ، مورد نکوهش خداوند

افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

سرزنش محرومان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۶

۶ - محروم ماندگان از شنیدن و درک آیات الهی ، معاف از ملامت در روز قیامت

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

از مفهوم آیه، استفاده می شود: کسانی که از شنیدن آیات الهی دور مانده اند و آیات بر آنان تلاوت نشده است، مورد ملامت نیستند.

سرزنش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۳

۳ مخالفان پیامبر (ص) تأخیر نزول آیات را دستاویز و بهانه تکذیب رسالت وی قرار می دادند و وی را شماتت می کردند .

و إذا لم تأتهم بایه قالوا لو لا اجتبیتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱

۱ عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

سرزنش مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۳

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت

، از سوی منکران آن

یقول أءنّک لمن المصدّقین

در برداشت یاد شده، استفهام <أءنّک> استفهام توبیخی دانسته شده است.

سرزنش مدعیان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۲

۲ - مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه ر ها کرده ، از مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

یقول أهلکت مالاً . .. فلااقتحم العقبه ... أو مسکینًا ذا متربه

سرزنش مدعیان بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۲ - ۲

۲ - مدعیان بدون عمل ، شایسته نکوهش در بینش الهی

یأیّها الذین ءامنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون

سرزنش مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۱

۱۱ مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

سرزنش مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱

۱ - سرزنش رفاه زدگان از سوی خدا ، به خاطر یاوه سرایی های آنان علیه قرآن

مستکبرین به سمرًا تهجرون . أفلم یدّبّروا القول ... ءاباءهم الأوّلین

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است و ضمیر جمع در آن به <مترفین> باز می گردد. خداوند در این بخش از آیات، آنها را به خاطر اتهاماتی که به پیامبر(ص) و قرآن می زدند، مورد سرزنش قرار داده و با ارائه دلایل گوناگون، همه راه های عذرتراشی شان را سد کرده است. آیه فوق، در ردّ اتهامات آنان به

قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

استفهام در <أوَلم یعلموا. ..> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

سرزنش مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۲

۲ - نکوهش شرک پیشگان مرفه صدراسلام ، به خاطر پندار غلط آنان در ارزیابی موقعیت خویش در نزد خداوند

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین

سرزنش مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۱

۱- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدنِ بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

سرزنش مساحقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۵

۵ زنا و مساحقه ، عملی بسیار زشت

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

فاحشه در لغت به معنی عمل بسیار زشت است و در آیه فوق از زنا و مساحقه به فاحشه تعبیر شده است.

سرزنش مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۷

۷ توبیخ و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت ، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا کنّا مستضعفین فی الارض قالوا الم

تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها

سرزنش مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۴

۴ - مسلمانانی که در صدد درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

در اینکه مخاطب <أن تسئلوا> مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. <کما سئل موسی> تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: <کما سألتم موسی>. جمله <أم تریدون> (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: <در صدد درخواست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۱

۲۱ سرزنش مسلمانانی که از رویارویی با دشمنان در هراسند .

فلمّا کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون النّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۴

۴ مسلمانان فریب خورده و دلگرم به یاری یهود و نصارا ، مورد ملامت مؤمنان راستین پس از فتح و پیروزی

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ -

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

۱۱ تحقیر و سرزنش ، حربه مشرکان برای بازداشتن مردم از پیروی پیامبر (ص)

قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

سرزنش مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۴

۴ نکوهش خداوند از برخی مسلمانان صدر اسلام به سبب تحریم خوردن گوشت حیوانی که با نام خدا ذبح شده است.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به خاطر هراسشان از سطوت دشمن و خودداری از نبرد با آنان ملامت کرد .

أتخشونهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر (ص) و موضع گیری تردیدآمیز نسبت به شایعه < افک > و رد نکردن صریح آن ، مورد سرزنش قرار داد .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر تأثیرپذیری در برابر شایعه < افک > و عدم موضع گیری مناسب در برابر آن ، نکوهش کرد .

و لولا إذ سمعتموه قلتم . .. سبحنک هذا بهتن عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۴

۴ - اقدام نکوهیده برخی از مسلمانان ، به تحمیل آرای شخصی خود بر پیامبر (ص) *

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتّم

برداشت بالا بدان احتمال است که نکوهش مستفاد از آیه، نظر به جریان هایی داشته باشد که قبلاً صورت گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۴

۴ - نکوهش مسلمانان از سوی خداوند ، به خاطر صرف نظر کردن از ملاقات های محرمانه با پیامبراکرم (ص) و امتناع ورزیدن از پرداخت صدقه نجوا

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۲ – ۵

۵ – خداوند ، آن دسته از مؤمنان صدراسلام را

که به گفته های خود عمل نمی کردند ، مورد سرزنش و نکوهش قرار داد .

یأیّها الذین ءامنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۲

۲ - نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلاّ برای داد و ستد و یا تماشای لهو و ر ها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إليها و ترکوک قائمًا

سرزنش مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب (علمای یهود و نصارا) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم (ع) به یهودیّت و نصرانیّت

فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۸

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و یقول الذین ءامنوا اهولاء الذین اقسموا . .. انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۲

۲ مسیحیان به خاطر پافشاری به عقاید باطل خویش (الوهیت مسیح (ع) و تثلیث) مورد توبیخ خداوند

لقد كفر الذين قالوا إنّ اللّه هو المسيح . .. افلا يتوبون

إلى اللّه

استفهام توبیخی در <افلا یتوبون . ..> برای سرزنش مسیحیان بر ترک توبه و استغفار از عقاید کفرآمیز بکار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۲

۲ مسیحیان ، مورد نکوهش خداوند به خاطر پرستش غیر خدا

قل اتعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ توبیخ یهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغین فرزند بودن عزیر و مسیح برای خدا

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. أنی یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا مورد نکوهش خداوند ، به خاطر بی تفاوتی شان در برابر تذکار ها و رهنمود های تورات و انجیل

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل

مراد از <الذین اُوتوا الکتاب> پیروان موسی(ع) و عیسی(ع) است. برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا مانند یهود و نصارا شوند.

سرزنش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۲

۲ مسیحیان ، مورد نکوهش خداوند به خاطر پرستش

غير خدا

قل اتعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳ - ۲۰

۲۰ مشركان ، سزاوار ملامت و سرزنش هستند .

أفلا تذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشركان از سوى خداوند ، به خاطر انكار الهى بودن قرآن و رسالت پيامبر (ص) ، على رغم آشنايى كامل آنان با شخصيت پيش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء اللّه ما تلوته عليكم . .. فقد لبثت فيكم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۵

۱ حالت مشركان و كافران به قرآن ، همانند انسان كور و كر است .

مَثل الفريقين كالأعمى والأصمّ

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان كافران و مشركان نخواهند بود ، همان طور كه بينايان و شنوايان هم طراز كران و كوران نمى باشند .

هل يستويان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۶

۶- مشركان به خاطر ژرف انديشى نكردن در پديده هاى مادى ، مورد سرزنش خداوند قرار گرفتند .

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شیء يتفيّؤا ظلله عن اليمين و الشمائل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۲ – ۴

۴- مورد نکوهش واقع شدن ، و بی حامی گردیدن ، فرجام حتمی شرک است .

لاتجعل مع الله . .. فتقعد مذمومًا مخذولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۹ – ۱۲

۱۲– افکنده شدن مشرکان در دوزخ ، همراه با ملامت ، طرد و اهانت است .

فتلقی فی جهنّم ملومًا مدحورًا

<مدحوراً> به معنای <مطرود> است که در آن معنای اهانت و استخفاف اشراب شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۰ – ۶

۶– مشرکان ، به خاطر عقاید واهی درباره خدا و ملائکه ، مورد سرزنش و ملامت قرار گرفتند .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

استفهام در آیه، توبیخی است و دلالت بر سرزنش و ملامت مخاطبان (مشرکان) می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۲ – ۱

۱ – نکوهش اهل شرک ، به خاطر ترک نیایش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پیش بت ها

یدعوا من دون اللّه ما لایضرّه و ما لاینفعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۳ – ۱

۱ – نکوهش اهل شرک ، به خاطر نیایش و عرض حاجت کردن به درگاه بت ها

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۵ – ۳

۳ - گروندگان به شرک ، سزاوار نکوهش و سرزنش اند .

سیقولون للّه قل أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند به خاطر شریک گرفتن غیر ، برای او

أءله مع اللّه

استفهام در جمله یاد شده، دربردارنده توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۸

۸ - روی آورندگان به شرک ، علی رغم حل شدن مشکلاتشان به اراده خدا ، مردمی غفلت زده و مستحق نکوهش

أمّن یجیب المضطّر . .. قلیلاً ما تذکّرون

عبارت <قلیلاً ما تذکّرون> نکوهش از کسانی است که حقایق وحی را با همه روشنی درنمی یابند و با این که خداوند همواره گرفتاری هایشان را برطرف و مشکلاتشان را حل می کند، از او غافلند و به غیر او روی می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۹

۹ - نکوهش خداوند از مشرکان بهانه جو ، به خاطر انتخاب نابخردانه آنان (انتخاب زندگی دنیوی به بهانه از دست دادن سعادت اخروی)

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا . .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - سرزنش مشرکان از سوی خدا به خاطر حق ناشنوایی شان

من إله غیر اللّه یأتیکم بضیاء أفلاتسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۱۳

۱۳ – سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن نشانه های توحید در نظام

شب و روز

قل أرءيتم إن جعل اللّه عليكم النهار سرمدًا إلى يوم القيمه . .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۳

۳ - مشركان ، به خاطر ژرف ننگريستن درباره موجودات آسمان ها و زمين ، مورد سرزنش خداوندند .

ألم تروا أنّ اللّه سخّر لكم ما فى السموت و ما فى الأرض

احتمال دارد مخاطب <ألم تروا> مشركانى باشد كه در اين سوره و قبل از پرداختن به قصه لقمان (فأرونى ماذا خلق. ..) از آنها سخن گفته شده است. در اين صورت، استفهام <ألم...> توبيخى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۷

۱۷ - مشركان ، به دليل پند نگرفتن از مواعظ خداوند ، از سوى او سرزنش شدند .

أم يقولون . .. أفلاتتذكّرون

استفهام در <أفلا> توبيخى است و به قرينه نفى شفيع در آيه، مى تواند كه مشركان مورد خطاب آيه باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۱

۱ - سرزنش شدن مشركان ، به سبب بيدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقايق الهى

أفلاتذكّرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشركان و كافران معاند از سوى خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شكست

أفبعذابنا يستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۹ – ۱

۱ – سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به واسطه پذیرش ولایت غیر

او

أم اتّخذوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۲

۲- توبيخ مشركان از سوى خداوند ، به خاطر پرستش موجوداتى ناتوان و بى تأثير در سرنوشتشان

فلولا نصرهم الذين اتّخذوا من دون اللّه قربانًا ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ايمان گروهى از جنيان ، به مجرد شنيدن قرآن ، تعريضى به مشركان لجوج و حق ستيز است . *

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ

با توجه به اين كه آيات پيشين، تماماً هشدار به مشركان بود; اين آيه نيز در بردارنده تعريض و سرزنش براى آنان است; زيرا جنيان پيغام قرآن را شنيده و پذيرفتند; ولى آنان چنين نكردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمّت خداوند از كفر مشركان ، و جلوگيرى آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانى كردن

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام و الهدىَ معكوفًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۱

۱ - شرك پيشگان ، مورد توبيخ الهى ، به خاطر اعتقاد به وجود دخترانى براى خداوند

أم له البنت و لكم البنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۳ - ۱

۱ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر مبارزه آنان با یگانه معبود هستی

أم لهم إله غیر اللّه

آیه شریفه در مقام توبیخ منکران پیامبر(ص) و دین است. به این که مگر کافران به

خداوندی جز خدای یگانه دست یافته اند که با اتکا بر او، با دین الهی مبارزه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۴

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

سرزنش مشرکان بدعتگذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۹ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را که از پیش خود و بی اذن او ، بخشی از رزق حلال را بر خود حرام کرده بودند مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قل أرءیتم ما أنزل اللّه . .. فجعلتم منه حراماً و حللا قل ءاللّه أذن لکم

سرزنش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۷

۷ - نکوهش خداوند ، نسبت به باور های بی دلیل مشرکان جاهلی

و جعلوا الملئکه إنثًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - توبیخ عرب عصر بعثت ، از سوی خداوند بر ترک آیین نیاکان یکتاپرست خویش و روی آوردن به شرک

بل قالوا إنّا وجدنا ءاباءنا . .. و إذ قال إبرهیم ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

سرزنش مشرکان دوران جاهلیت

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۳ – ۴

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

سرزنش مشرکان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳ – ۲

۲– سرزنش گروهی از مشرکان عصر بعثت از سوی خدا ، به خاطر بحث و جدل جاهلانه آنان درباره خدا

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۱

۱ – نکوهش گروهی از مشرکان عصر بعثت از سوی خدا ، به خاطر بحث و جدل جاهلانه آنان در باره او

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۵ – ۲

۲ – نکوهش شرک پیشگان مرفه صدراسلام ، به خاطر پندار غلط آنان در ارزیابی موقعیت خویش در نزد خداوند

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۱ – ۲

۲ – کافران و مشرکانِ صدراسلام ، به دلیل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاکت بار کافران پیش از خود ، مورد سرزنش خدا

قرار گرفتند .

ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مشركان عرب ، مورد توبيخ و سرزنش

الهی به خاطر نیندیشیدن در کتاب آسمانی نازل شده به لغت ایشان

و إذ لم یهتدوا به . .. هذا کتب مصدّق لسانًا عربیًّا

لحن آیه شریفه، توبیخی است; زیرا مخاطب این استدلال کسانی اند که می گفتند: <لو کان خیراً ما سبقونا إلیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۱

۱ - مشرکان صدراسلام ، به خاطر اعتقادشان به دختر داشتن خداوند به رغم امتیاز و برتری پسر در نزد ایشان مورد توبیخ و سرزنش الهی

ألکم الذّکر و له الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۶

۶ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر بی اعتنایی آنان نسبت به قرآن ، جدی نگرفتن رهنمود های آن و برخورد استهزاآمیز با آن

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

استفهام در <أفبهذا الحدیث> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۸ - ۳

۳ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری مخالفت آمیزشان در برابر دعوت پیامبر (ص) و سرباز زدن از پذیرش ایمان به خدا

و ما لکم لاتؤمنون باللّه و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بربّکم

سرزنش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أمّن خلق السموت . .. أءله مع اللّه بل هم قوم يعدلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته

است که مخاطبان نخستین آیه، مشرکان مکه بوده انـد. گفتنی است که واژه <عدول> (مصدر <یعدلون>) به معنای میل و انحراف است; یعنی، <بل هم قوم عادتهم العدول عن طریق الحق و الإنحراف عنها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۵،۱۰

۵ - مشرکان مکه ، به خاطر ایمان به باطل ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا . .. أفبالبطل یؤمنون

۱۰ - مشرکان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمه اللّه یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۴ - ۱

۱- توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر روی گردانی از پیامبراکرم (ص) ، به رغم دلایل آشکار آن حضرت

و قد جاءهم رسول مبین . ثمّ تولّوا عنه و قالوا معلّم مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمـال در آیه وجود دارد که تـذکر قرآن به ایمـان فردی از بنی اسـرائیل; از آن جهت برای مشـرکان عرب سـرزنش بـار باشـد که بنی اسـرائیل در اصـل عرب نبودنـد و عوامـل نژادی و زبانی، مقتضـی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشونـد. با این وصف

برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۱

۱ - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّت و العزّی . و منوه الثالثه الأُخری

آیات پیشین به ضمیمه استفهام انکاری در <أرأیتم> اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر(ص) متکی به شهود بود; اما مشرکان در دعاوی خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

سرزنش مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

سرزنش معاشرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۹

۹ - تبیین فلسفه مذمومیت رفتار های اخلاقی ، برای تفهیم دقیق آن از شیوه های تربیتی قرآن کریم است .

و لاتصعّر خدّك للناس و لاتمش فی الأرض مرحًا إنّ اللّه لایحبّ كلّ مختال فخور

سرزنش معترض به عبدالله بن ام مکتوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۰ – ۲

۲ – خداوند ، با گوشزد کردن برخورد ناشایست فردی که از ابن ام

مکتوم اعراض کرده بود ، او را سرزنش کرد .

فأنت عنه تلهّی

سرزنش معرضان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۴

۴ آنان که با مشاهده نشانه های موجود در آسمان ها و زمین (هستی) به توحید و یکتایی خداوند پی نبرند ، سزاوار سرزنش و نکوهشند .

و کأیّن من ءایه فی السموت و الأرض یمرون علیها و هم عنها معرضون

لحن آیه شریفه گویای مذمت و سرزنش است.

سرزنش معرضان از انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۶

۶ - خداوند ، آن دسته از مسلمانان را که در رفع نیازمندی های جبهه و جنگ و انفاق در راه آن ، کوتاهی کردند ، مورد نکوهش سخت قرار داد .

و ما لکم ألّاتنفقوا فی سبیل اللّه

سرزنش معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۴

۴- سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به سبب روی گرانی از درگاه او و توجه به عناصری عاجز و ناتوان

من أضلّ ممّن یدعوا من دون اللّه من لا یستجیب له إلی یوم القیمه و هم عن دعائهم غ

سرزنش معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش کافران ، به خاطر روی گردانی آنان از قرآن

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

سرزنش معرضان از موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ -

۱ - ۶

۱ - کسانی که خود رااز پند و اندرز های الهی بی نیاز می پندارند ، شایسته بذل توجّه کامل از سوی ارشادگران و مبلّغان نیستند .

فأنت له تصدّی

متصدی کسی است که با کشیدن سر و سینه خود به بالا در صدد دیدن چیزی برآید (لسان العرب). این تعبیر حاکی از معطوف داشتن تمام توجّه و عنایت، به سوی همنشین خود است.

سرزنش مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون > . . . قال : لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لکن یعاتبهم بما صنعوا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون> فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده; بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . ..>.

سرزنش مقابله به مثل با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۶

۶ - مقابله به مثل کردن در برابر یاوه گویی جاهلان ، امری نکوهیده در بینش الهی و به دور از شأن مؤمنان

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

سرزنش مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبران ، مورد سرزنش و ملامت خداوند

فان كذّبوك . .. جاءو بالبيّنات و الزّبر

و الکتب المنیر

جمله <جاؤ بالبیّنات>، حال و یا صفت برای <رسل> است یعنی با اینکه انبیا دلایلی روشن برای رسالت خویش داشتند، امّا عده ای با آنان مخالفت کردند و این تعبیر، گویای مذمّت شدید از آنان است.

سرزنش مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۱

۱ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر بی فرجام شمردن زندگی دنیوی و انکار حیات اخروی

أفحسبتم أنّما خلقنکم . .. لاترجعون

استفهام در آیه یاد شده، برای انکار توبیخی است و مراد از ضمیرهای خطاب، کافران و منکران معاد می باشد. <حِسبان> (مصدر <حسبتم>) به معنای پنداشتن و <عبث> به معنای بی هدف است.

سرزنش مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر تکذیب بی دلیل نشانه ها و آیات او

حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم بایتی و لم تحیطوا بها علمًا

سرزنش مکذبان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۷ - ۸

۸ - کسانی که انفاق را اتلاف مال می پندارند ، گرفتار پنداری موهوم و مذموم اند .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . أیحسب أن لم یره أحد

سرزنش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کامل آنان با شخصیت پیش

از بعثت آن حضرت

قل لو شاء اللّه ما تلوته عليكم . .. فقد لبثت فيكم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن ، مورد سرزنش خداوند قرار دارند .

أفأنتم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۴

۴ - کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند ، شایسته سرزنش و نکوهش اند .

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

سرزنش مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمّل رنج آن

اصلوها

<صَلْیُ النار>; یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

سرزنش مكذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کامل آنان با شخصیت پیش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۸

۱۸ آنان که نبوّت پیامبر (ص)

را به خاطر بشر بودنش انکار می کنند ، سزاوار ملامتند .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۳

۳ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار پیامبر (ص) بدون هیچ عذر قابل قبولی

أفلم یدّبّروا القول . .. أم تسئلهم خرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۳

۳ - روی گردانان از رهنمود های پیامبر (ص) و کافران به آن ، در قیامت مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

إلاّ من تولّی و کفر . .. ثمّ إنّ علینا حسابهم

سرزنش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۸

۸ - مردم انطاکیه به علت کفر به خدا و انکار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) قرار گرفتند .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

بیشتر مفسران برآنند که آیه شریفه، در مقام تعریض و سرزنش مردم کافر انطاکیه می باشد و آمدن آن در قالب <و ما لی لا أعبد> به جای <و ما لکم لاتعبدون> برای تأکید بیشتر است. گفتنی است آمدن جمله <ترجعون> به صیغه مخاطب، مؤید این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۸

۸ - منکران معاد ، شایسته نکوهش و سرزنش اند .

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

در صورتی که مراد از <هذا الحديث> خبر قيامت

باشد; نکوهش الهی نسبت به منکران آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قیل هذا الذی. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۳

۳ - خداوند ، با توبیخ کسانی که به تفریحات خانوادگی سرگرم شده و معاد را بعید شمردند ، آنان را به مؤاخذه اخروی تهدید کرد .

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

خبر از آگاهی خداوند به کارها و خصلت های منکران معاد، تهدید آنان به مؤاخذه با تعبیری توبیخ آمیز است.

سرزنش مکذبان نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۴

۴ - تکذیب نعمت های تجلی یافته الهی در حرکت کشتی ها بر دریا ، مورد نکوهش خداوند

و له الجوار المنشات . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

سرزنش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ -

نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سرزنش مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سرزنش مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۴

۴- فریبکاری و خدعه با مردم ، عملی نکوهیده در بینش الهی

تتّخذون أیمنکم دخلًا بینکم

سرزنش مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ - خودفریبی و تجاهل در برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب . .. کأنهم لایعلمون

سرزنش ملامتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹،۲۳

۱۹ جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر ، ویژگی مؤمنان واقعی

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

۲۳ مؤمنان واقعی هرگز به خاطر سرزنش ملامتگران دست از جهاد و مبارزه بر نمی دارند .

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

سرزنش ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۴

۴ - مانع خیر شدن و بخل ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

سرزنش ممانعت از مبلغان تقوا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بازداشتن تبلیغ کنندگان تقوا ، از امر کردن مردم به آن ، شگفت آور و نکوهیده است .

أو أمر بالتّقوی

سرزنش منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - نسبت دادن اهل ایمان به فسق و نهادن القاب فاسقانه بر ایشان ، عملی زشت و ناروا

و لا تنابزوا بالألقب بئس الاسم الفسوق بعد الإیمن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <بئس الإسم . ..> در مقام بیان مراد از <الألقاب> باشد; یعنی، القاب زشت عبارت است از نسبت دادن عناوین فاسقانه به کسانی که مؤمن اند.

سرزنش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۶

۶ سرزنش شدن منافقان به خاطر ترک حمایت از پیکارگران احد ، علی رغم ادعای برادری با آنان

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا

جمله <وقعدوا> حالیّه است و اشاره دارد به اینکه منافقان با وجود ادعای برادری با مسلمانان از شرکت در جنگ و حمایت آنان سر باز زدند. گفتنی است که <لاخوانهم> در برداشت فوق به معنای برادران دینی گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۶

۶ توبیخ منافقان به جهت رویگردانی آنان از حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

رایت المنافقین یصدّون عنک صدوداً

در برداشت فوق <یصدّون> فعل لازم گرفته شده است ; بر این مبنا <صدّ> به معنی اعراض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه - ۹ - ۶۲ - ۶

۶ توبیخ منافقان از سوی خداوند ، به خاطر ترجیح دادن رضایت مردم بر رضای خدا و رسول (ص)

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم و اللّه و رسوله أحق أن یرضوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۵

۵ پیامبر (ص) مأمور توبیخ منافقان ، به خاطر بازیچه شمردن دین و استهزای ارزش های الهی

قل أباللّه و ءایته و رسوله کنتم تستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱

۱ نکوهش خداوند از منافقان ، به جهت عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

وعداللّه المنفقین . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۵

۵ سرزنش خداوند نسبت به منافقان و آنان که به جای ندامت از تخلفات و گناهان خویش ، خشنود بودند .

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۲

۲ توبیخ و تحقیر منافقان گریزان از جهاد ، از سوی خداوند

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

سرزنش منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹

۹ توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (ص) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من

فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۱

۱ ملامت خداوند نسبت به منافقان صدر اسلام ، به خاطر به خود نیامدن و متنبه نشدن از آزمون ها و ابتلائات الهی

أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام

سرزنش منافقان عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۱

۱ توبیخ منافقان پیمان شکن از سوی خداوند ، به خاطر بینش غلطشان درباره علم و آگاهی کامل خدا به نیات و عملکرد آدمیان

ألم یعلموا أن اللّه یعلم

سرزنش منت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۱

۱۱ انفاق های آمیخته با ریا و همراه با منّت و اذیّت ، نوعی کفر است .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اللّه لا یهدی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۳

۳ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) برای رفع نگرانی و ناراحتی وی از انفاق آلوده به ریا و منّت و آزار برخی از مسلمانان

لیس علیک هدیهم

سرزنش موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۳

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلکَ تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

- ۸۳ - ۴،۵

۴ - موسی (ع) ، به جهت پیشی گرفتن بر قوم خود در رسیدن به میقات ، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت .

و ما أعجلك عن قومك یموسی

۵ - پرسش خداوند از موسی (ع) درباره تعجیل در آمدن به کوه طور ، نخستین سخن او با وی نبود .

و ما أعجلك

حرف <واو> در <و ما أعجلك> برای عطف بر محذوف است; یعنی، پس از حضور موسی(ع) در کوه طور، سخن یا سخنانی به میان آمد، آن گاه این پرسش مطرح شد.

سرزنش موضعگیری عجولانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۸

۸ - موضع گیری عجولانه و مسخره آمیز در برابر مسائل ، امری نکوهیده و ناپسند

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً إذا قومك منه یصدّون

با توجه به واژه <إذا> استفاده می شود که مشرکان بدون تأمل و تعقل در برابر داستان عیسی(ع)، موضع گیری می کردند و خداوند این را مورد سرزنش قرار داده است.

سرزنش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۳

۱۳ بازخواست و سرزنش مؤمنانی که پس از اتحاد در پرتو دین ، به پراکندگی و تفرقه گراییدند .

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات . .. اکفرتم بعد ایم

ارتداد (اکفرتم . ..)، به قرینه آیه قبل، همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتّحاد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰

سرزنش مؤمنان به خاطر وجود یأس در میان آنان

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلثه الاف من الملئکه

لحن آیه با کلمه استفهام، دلالت بر توبیخ کسانی دارد که در نبردها و رویارویی با دشمنان دین، علی رغم وعده های الهی به امداد آنان، دچار دلهره و یأس می شوند و سستی میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۷

۷ زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا ، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه ادخلوا الجنه لا خوف علیکم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته ، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند .

و إذا رأوهم قالوا إنّ هؤلاء لضالّون

جمله <إذا رأوهم. ..>، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

سرزنش مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۳

۳ برخی از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حرکت به سوی جنگ بدر ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند .

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۵

۵ - مؤمنان بی تفاوت ، که دل هایشان با یاد خدا و تلاوت آیات او نرم و خاشع نمی شود ، مورد نکوهش خدا هستند .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

استفهام در <ألم یأن. ..> برای توبیخ و نکوهش است.

سرزنش مؤمنان عافیت طلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۸

۸ - عناصر عافیت طلب ، به خاطر تحمل نکردن آزار و اذیت های وارد شده ، سرزنش شده اند .

و من الناس من یقول ءامنّا باللّه فإذا أوذی فی اللّه جعل فتنه الناس کعذاب اللّه

سرزنش ناهیان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۲

۲ - نمازستیزان ، مورد تهدید و نکوهش خداوند

أرءیت الذی ینهی

سیاق آیه شریفه بر توبیخ و تهدید دلالت می کند.

سرزنش نشوز شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح عليهما ان يصلحا

سرزنش نشوز مرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۱ – ۳

۳ متارکه زنان و ترک همبستری با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<من دون النساء> حکایت از آن دارد که قوم لوط ازدواج با زنان و زناشویی با همسران

خویش را ترک کرده بودند. بنابراین نکوهشی که از استفهام توبیخی <أتأتون ... > استفاده می شود، دلالت بر ناروایی ترک ازدواج و متارکه زناشویی با همسران نیز دارد.

سرزنش نمازگزاران بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجّهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم . .. و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین ... و یمنعون الماعون

با آن که تعبیر <فویل للمصلّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند; ولی حرف <فاء> و تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش نهی از تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۷

۷ - احتمال تلاش نمازگزار برای تبلیغ تقوا ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أرءیت الذی ینهی . عبدًا إذا صلّی . أرءیت إن ... أمر بالتّقوی

سرزنش نهی از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۸

۸ - احتمال دست یابی نمازگزاران به هدایت ، نهی او را از نماز ، شگفت آورتر و نکوهیده تر می سازد .

أرءیت الذی ینهی . عبدًا إذا صلّی .

أرءيت إن كان على الهدى

سرزنش ولايت غيرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - سرزنش مشركان از سوى خداوند ، به واسطه پذيرش ولايت غير او

أم اتّخذوا من دونه أولياء

۲ - انتخاب غير خدا به عنوان ولى ، امرى شگفت انگيز و ملامت بار

أم اتّخذوا من دونه أولياء

سرزنش ولايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۹

۹ پذيرش ولايت كافران ، هرگز مايه عزت و سربلندى نخواهد شد .

أيبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جميعاً

سرزنش هتك آبرو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱۰

۱۰ خداوند ، شنواى سخنانى كه بدى ها و زشتى هاى مردم را آشكار مى كند و موجب هتك حرمت آنان گردد .

لايحب اللّه الجهر بالسوء . .. و كان اللّه سميعاً عليماً

سرزنش هدايت ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۱ – ۲

۲ – هدایت ستیزان ، مورد تهدید و نکوهش خداوند

أرءیت إن کان علی الهدی

سیاق آیه شریفه، بر تهدید و توبیخ دلالت دارد.

سرزنش هدایت ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۳ – ۱

۱ – روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولّی

سرزنش هدایت ناپذیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۱۶

۱۶- غوطهوری در غفلت و هدایت نیافتن

به ارزش ها ، با گذشت چهل سال از عمر انسان ، نکوهیده و توجیه ناپذیر است .

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی

خداونـد سن چهـل سـالگی را به عنوان مرحله کمـال و توجه به نعمت هـا و تلاش برای تزکیه معرفی کرده است. از این مطلب اسـتفاده می شود که انسـان، تا قبل از رسـیدن به چهل سالگی به دلیل جوانی و خامی چه بسا گرفتار غفلت شود; ولی چون از چهل سالگی گذشت، دیگر مجالی برای توجیه نخواهد داشت.

سرزنش هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۳

۳۳- پیروی از هوای نفس ، نکوهیده و نشانه غفلت از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هویه

جمله <اتبع هواه> می تواند عطف تفسیری برای <أغفلنا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - نکوهش مضاعف هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، در شرایط وضوح و تجلی حقیقت

إن یتّبعون . .. و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

ضمیمه شدن ذیل آیه شـریفه، می تواند بیانگر این باشد که هواپرستی و متابعت مشـرکان از حدس و گمان در شـرایط وضوح حقیقت، دارای زشتی فزون تری است.

سرزنش یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۸

۸ انسان ها نبایـد علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی

مأیوس باشند .

و

الذین عملوا السیئات . .. إن ربک من بعدها لغفور رحیم

کلمه <السیئات> جمع <سیئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۰

۱۰- دچار شدن به یأس و پوچی ، از خصلت های مذموم و ناپسند انسان و مورد نکوهش خداوند است .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

سرزنش یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۶

۶- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

اینکه خداوند یأس از رحمت خویش را عمل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

سرزنش یأس از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

سرزنش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع)

است.

سرزنش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶

۱۶ < عن النبی (ص) فی قوله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق یوسف (ع) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیّره بذلک إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلاـ و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند>.

سرزنش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۳

۳ - یهود مورد توبیخ و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۳

۳ - یهود ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در <أو کلما . ..> انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب (علمای یهود و نصارا) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم (ع) به یهودیّت و نصرانیّت

فلم تحاجّون فیما لیس

لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۴

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعا های واهی

الّذین قالوا انّ اللّه . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۵

۵ یهود ، مورد سرزنش خداوند به خاطر نسبت های ناروا به خداوند

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۳

۳ اگر یهودیان در حکومت بر هستی نقشی داشتند ، هیچ پشیزی به مردم نمی دادند .

ام لهم نصیب من الملک فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

کلمه <نقیراً> به معنای چیزی است که پرنده ای با منقار خویش برمی گیرد و کنایه از چیز حقیر و اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۸

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و یقول الذین ءامنوا اهولاء الذین اقسموا . .. انهم لمعکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ توبیخ یهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغین فرزند بودن عزیر و مسیح برای خدا

و قالت الیهود

عزیر ابن اللّه . .. أنی یؤفکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۱ – ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۲

۱۲ – یهود و نصارا مورد نکوهش خداوند ، به خاطر بی تفاوتی شان در برابر تذکار ها و رهنمود های تورات و انجیل

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل

مراد از <الذین اُوتوا الکتاب> پیروان موسی(ع) و عیسی(ع) است. برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا مانند یهود و نصارا شوند.

عوامل سرزنش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۶ – ۹

۹ – کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

لحن جمله <إن فریقاً . ..> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۱۴

۱۴– پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

عوامل سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

-۳

توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

عوامل سرزنش اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ، علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم . .. الشیطن سوّل لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الذین ارتدّوا. ..> اهل کتاب باشند؛ زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسمانی و وعده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقانیت اسلام و قرآن بوده اند.

عوامل سرزنش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خدا ، به خاطر استهزای آنان نسبت به بندگان مؤمن در دنیا

فاتّخذتموهم سخریًّا . .. و کنتم منهم تضحکون

<إتخاذ> (مصدر <اتّخذتم>) به معنای گرفتن و <سخری> به معنای استهزا و ریشخند است. <إنساء> (مصدر <أنسوا>) نیز به معنای فراموشاندن و از خاطر بردن است. ضمیرهای خطاب مربوط به کافران و ضمیرهای غیبت مربوط به مؤمنان می باشد.

عوامل سرزنش علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ – عالمـان دینی در صورت بی توجهی به تعـالیم کتـاب هـای آسـمانی ، سـزاوار توبیـخ و ملامـت بوده و در قیـامت بسـزای کردارشان خواهند رسید .

قالت الیهود . .. و

هم يتلون الكتب ... فاللّه يحكم بينهم يوم القيمه

عوامل سرزنش كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱- < عن أبى عبداللّه (ع) فى قوله تعالى : < الذين كانت أعينهم فى غطاء عن ذكرى و كانوا لايستطيعون سمعاً > قال : < . . . لم يعبهم بما صنع فى قلوبهم و لكن عابهم بما صنعوا > ;

از امام صادق(ع) درباره اين سخن خداوند <الذين كانت أعينهم فى غطاء عن ذكرى . ..> روايت شده كه فرمود: ... خداوند، (كافران را) به آنچه كه ذات اقدس او درباره دل ها و قلب هاشان انجام داده، نكوهش نكرده، بلكه به خاطر اَعمال خودشان نكوهش كرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۱

۱ - نكوهش كافران ، به خاطر باورنداشتن به قيامت و جدى نگرفتن تهديد هاى الهى

و تضحكون و لاتبكون

فلسفه سرزنش كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشركان و كفرپيشگان را به خاطر پافشارى بر كفر و ناباورى به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش كافران ، به خاطر روى گردانى آنان از قرآن

بل أتينهم بذكرهم فهم عن ذكرهم معرضون

فلسفه سرزنش مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۱ -

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

مستحقان سرزنش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۴

۴ آنان که با مشاهده نشانه های موجود در آسمان ها و زمین (هستی) به توحید و یکتایی خداوند پی نبرند ، سزاوار سرزنش و نکوهشند .

و کأیّن من ءایه فی السموت و الأرض یمرون علیها و هم عنها معرضون

لحن آیه شریفه گویای مذمت و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۷،۱۸

۱۷ آنان که در فرجام تکذیب کنندگان پیامبران نمی اندیشند و نیکویی سرای اخروی تقواپیشگان را درنمی یابند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

أفلم یسیروا . .. أفلاتعقلون

۱۸ آنان که نبوّت پیامبر (ص) را به خاطر بشر بودنش انکار می کنند ، سزاوار ملامتند .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۸

۸ - روی آورندگان به شرک ، علی رغم حل شدن مشکلاتشان به اراده خدا ، مردمی غفلت زده و مستحق نکوهش

أمّن یجیب المضطّر . .. قلیلاً ما تذکّرون

عبارت <قلیلاً ـ ما تـذکّرون> نکوهش از کسانی است که حقـایق وحی را با همه روشـنی درنمی یابنـد و با این که خـداوند همواره گرفتاری هایشان را برطرف و مشکلاتشان را حل می کند، از او غافلند و به غیر او روی می آورند.

ملاک استحقاق سرزنش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۹

۹ ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

موانع سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۳

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

یوسف(ع) و سرزنش برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۳،۴

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لاتثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ; یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لاتثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ; یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

سرگردانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرگردانی

آثار سرگردانی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۶

۶- سرمستی ، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون . .. لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله <لفی سکرتهم یعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

ازدیاد سرگردانی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۴،۵

۴ – طغیانگری و سرگردانی اهل نفاق ، همچنان رو به افزایش و فزونی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

<مَدّ> (مصدر <یَمُدّ>) به معنای افزودن و نیز به معنای مهلت دادن، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای اول، استفاده شده است.

۵ – افزایش تحیّر و طغیان اهل نفاق ، کیفری است از جانب خدا برای آنان

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

سرگردانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۱،۳

۱- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بنابراین مبناست که مخاطب جمله <لعمرك> به قرينه آيات ۴۹ و B۵۱ پيش از شروع داستان ابراهيم(ع) و لوط(ع) (نبّیء عبادی . .. و نبّئهم ...) پيامبراكرم(ص) باشد.

۳- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر

اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <لعمرك . ..> ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

سرگردانی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۵

۵ - نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز و خروج از قبرها

یخرجون من الأجداث کأنّهم جراد منتشر

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

سرگردانی اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۵

۵- حق ناپذیران ، در صحنه آخرت متحیر و سرگردان می شوند .

و من کان فی هذه أعمی . .. أضلّ سبیلاً

سرگردانی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغیر الحقّ . .. و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یق

سر گردانی اخروی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سر گردانی فاسقان در قیامت *

و اللّه لایهدی القوم الفسقین. یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی . ..> در آیه قبل باشد.

سر گردانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۱،۲

۱

- مجرمان ، در روز قیامت دچار سردرگمی و حیرت و گرفتار عذاب آتش برافروخته دوزخ

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

آیه شریفه به دلیل ارتباط با قبل و بعد که در زمینه قیامت است نظر به وخامت حال مجرمان در آن روز دارد. گفتنی است که در برداشت بالا <سعر>، جمع <سعیر> (آتش ملتهب) گرفته شده است.

۲ - مجرمان ، گرفتار سرگردانی و جنون در قیامت

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

<سعر> در صورتی که مفرد باشد، به معنای جنون می آید.

سرگردانی اخروی متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغیر الحقّ . .. و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یق

سرگردانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - < عن الباقر (ع) قال فی قوله تعالی < و ادخلوا الباب سجداً > ان ذلک حین فصل موسی من أرض التیه فدخلوا العمران . . . ;

از امام باقر(ع) درباره <و ادخلوا الباب سجداً> روایت شده که این دستور هنگامی بود که موسی (ع) از سرزمین <تیه> رهایی یافته و به سرزمین آبادی وارد گشته بودند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۳،۴،۵،۶،۱۷،۱۸،۱۹

۳ قوم موسی (ع) ، سرگردان در بیابان به مدت چهل سال

اربعین سنه یتیهون فی الارض

با توجه به اینکه جمله <یتیهون> حال برای

ضمیر در <علیهم> است، معلوم می شود که زمان سرگردانی آنان نیز چهل سال بوده است.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخلها . .. یتیهون فی الارض

۵ زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنّا لن ندخلها . .. اربعین سنه یتیهون فی الارض

۶ ترک جهاد از سوی نیرو های کارآمد بنی اسرائیل ، موجب گرفتاری همه مردم آن قوم به سرگردانی و محرومیت از تسلط بر سرزمین مقدس

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

برداشت فوق مبتنی بر امری مسلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی ; حتی زنان و کودکان و پیران، به سرگردانی گرفتار آمده و از ورود به سرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

۱۷ سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال ، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه . .. قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان یدخلوها حرمها اللّه علیهم فناهوا فی اربع فراسخ اربعین سنه . .. .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص ۲۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱.

۱۸ سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام

سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: . .. اذا کان العشاء و اخذوا فی الرحیل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال اللّه للارض دیری بهم فلایزالوا کذلک ... فاذا اصبحوا اذا ابنیتهم و منازلهم التی کانوا فیها بالامس ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۱۱۶.

۱۹ سرزمین مصر ، جایگاه سرگردانی قوم موسی بمدت چهل سال

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در مورد سرگردانی قوم موسی روایت شده: . .. فتاهوا فی الارض اربعین سنه فی مصر و فیا فیها ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

سرگردانی خانواده موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰ – ۱

۱ – موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إذ رءا نارًا . .. بقبس أو أجد علی النار هدًی

جمله <أجد علی النار هدًی> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۹ – ۹

۹ – تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

سرگردانی در بیابان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۱۹

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران له أصحب یدعونه إلی الهدی ائتنا

<فی الأرض> متعلق به <استهوی> است، و <استهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان ربوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب یدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

سرگردانی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۹ – ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت *

و اللّه لایهدی القوم الفسقین. یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی . ..> در آیه قبل باشد.

سر گردانی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ طغیانگران مبتلا به حیرت و سر گردانی هستند.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس -

۱۰ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ طغیان گران بی ایمان به جهان آخرت ، مردمانی سرگردان و محروم از هدایت الهی اند .

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

<عَمَه> (به معنای تحیر و سرگردانی) کنایه از محروم شدن از هدایتهای الهی است.

سرگردانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

سرگردانی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

سرگردانی مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۳،۱۹

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . .. و نرد ... کالذی استهوته الشیطین

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به

کار می برند. (لسان العرب).

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران له أصحب یدعونه إلی الهدی ائتنا

<فی الأرض> متعلق به <استهوی> است، و <استهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان ربوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب یدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

سرگردانی مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

سرگردانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۳۸

۳ - منافقان ، مردمانی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

<عَمَه> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است. <یعمهون> حال برای <هم> در <یمدّهم> می باشد. <فی طغیانهم> علاوه بر تعلقش به <یمدّهم> متعلق به <یعمهون> نیز می تواند باشد. بنابراین جمله چنین معنا می شود: خداوند بر طغیانگری منافقان، در حالی که در گمراهی و طغیان سرگردانند می افزاید.

۸ - مهلت دادن به منافقان در طغیانگری و سرگردانی ، استهزای خداوند نسبت به ایشان است .

اللّه یستهزئ بهم و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <یمدّهم . ..> تفسیر وبیان جمله <اللّه یستهزئ بهم> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

سرگردانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۱،۳

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إذ رءا نارًا . .. بقبس أو أجد علی النار هدًی

جمله <أجد علی النار هدًی> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان ، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال . .. إنّی ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود(لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد

على النار هدًى) به روشنى، دلالت بر مطلب ياد شده دارد.

عوامل سرگردانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۸

۸ رويگردانان از ولايت خداوند، در وادى ولايتهاى متعدد غير خدا سرگردان هستند.

و لاتتبعوا من دونه أولياء

بديهى است حرمت تبعيت از غير خداوند مشروط به اين نيست كه پيروى شونده متعدد باشد. بنابراين آوردن كلمه <أولياء> به صورت جمع مى تواند اشاره به اين باشد كه آدمى با دور شدن از ولايت خدا و قرآن همواره تحت سيطره حاكمانى متعدد قرار مى گيرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۴

۴ بى ايمانى ، موجب سرگردانى ، ترديد و اضطراب در زندگى است .

إنما يستئذنك الذين لايؤمنون . ... فهم فى ريبهم يترددون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۷

۷- آلودگى به فحشا و انحرافات جنسى ، مايه مستى و سرگردانى و از دست دادن انديشه صحيح

و اتقوا الله و لاتخزون . .. لعمرك إنهم لفى سكرتهم يعمهون

برداشت فوق با توجه به اين حقيقت است كه گناه و جرم اصلى قوم لوط، عادت آنان به فحشا و انحرافات جنسى بود. بنابراين عاملى كه موجب سرمستى و سرگردانى آنان شد، همين گناه و جرم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۹

۹ – بی اعتقادی به جهان آخرت ، مایه طغیان و سر گردانی انسان در زندگی دنیوی

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . ..و لو رحمنهم ...فی

طغینهم یعمهون

عوامل نجات از سرگردانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۴

۴ - ایمان و اعتقاد به پروردگار یگانه ، مایه رهایی انسان از وادی حیرت و سرگردانی در عقیده و عمل

ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون . .. إلاّ الذین ءامنوا

سرگرمی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرگرمی

اشتغال به سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۱

۱ جوامع تکذیب کننده رسولان الهی همواره در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی ، بویژه به هنگام اشتغال به سرگرمی ها و بازیچه های روزانه

أو أمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا ضحی و هم یلعبون

دین سازی با سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱،۲۵

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود قرار داده اند، کافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا . .. بما كانوا يكفرون

بنابراين كه <اتخذوا دينهم لعبا>، به معناى <اتخذوا اللعب دينا> باشد.

سر گرمى با آفرينش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۷ - ۳،۴

۳- توانايى بر آفريدن جهان كنونى براى بازيچه و سرگرمى خويش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هيچ موجودى قادر بر انجام اين كار نيست .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لَاتّخذنه من لدنّا

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته است كه <من لدنّا>، معناى <من

جهه قـدرتنا> را افاده کنـد (چنان که برخی از مفسـران بزرگ بر این نظرنـد). و یا این که <من لدنّا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سـرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خـدایان ادعایی مشـرکان و یا دیگر قدرت ها; پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است>. گفتنی است آمدن <لدنّا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

۴-اگر خداوند برفرض محال به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ; بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا إن كنّا فعلين

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <من لدنّا>به معنای <ممّا عندنا> باشد و یا معنای <ممّا یلیق بحضرتنا. ..> را افـاده کنـد; یعنی، بر فرض انتخـاب سـرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمـان است و مقرّب تر به مـا و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

سرگرمی با موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۷ - ۲

۲- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا إن كنّا فعلين

سرگرمی به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ -

۸ - هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سر گرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا . .. یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله <یمشون. ..> حال برای مفعول <أهلکنا> باشد.

سر گرمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

سر گرمی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱،۲،۵

۱ برخی مردم بازی و سر گرمیهای دنیا را به عنوان دین خود بر گزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲ گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سر گرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از <دینهم> می توانـد آیین الهی باشـد که برای آنـان نـازل گشـته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار

داده اند.

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا

را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین . ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

سرگرمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

أن یأتیهم بأسنا بیتا . .. ضحی و هم یلعبون. أفأمنوا مکر اللّه

سرگرمی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۹

۹- کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، سرگرم آرزو های واهی بودند .

ذرهم . .. و یلههم الأمل

سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

سرمایه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرمایه

اهمیت سرمایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۱

۱۱ ثروت باید برای رشد اقتصادی جامعه به کار گرفته شود .

اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

از اینکه خداوند مال را برای برپایی جامعه قرار داده و به همین جهت پرداخت آن را به سفیهان منع کرده، معلوم می شود که ثروتها باید در جهت رشد اقتصادی، که قوام جامعه به آن بستگی دارد،

به کار گرفته شود.

تباهی سرمایه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

تباهی سرمایه عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۷،۱۸،۱۹

۱۷ آنان که سرمایه جان را به خسارت از کف داده اند، منکر قیامت هستند.

لیجمعنکم إلی یوم القیمه . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون>، با توجه به جمله <لیجمعنکم إلی یوم القیامه> قیامت می تواند باشد.

۱۸ تباه کردن سرمایه وجودی خود زیانکاری و زمینه انکار معارف دین است.

لیجمعنکم إلی یوم القیمه . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل . .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجّه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۹

۹ منکران قرآن با بی اعتنایی به معارف آن ، تباه کننده سرمایه عر خویش هستند .

قد خسروا أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۸ – ۵،۷

۵ گمراه شدگان به دست خدا ، زیانکار و تباه کننده سرمایه عمر خویشند .

من یضلل فأولئک هم الخسرون

۷ تکذیب آیات الهی موجب زیان و ضایع کردن سرمایه عمر است .

من یضلل فأولئک هم الخسرون

از مصادیق مورد نظر برای گمراهان، به قرینه آیه قبل، تکذیب کنندگان آیات الهی هستند.

سرمایه اخروی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۹ – ۱

۱ – قلب سلیم ، تنها سرمایه ثمربخش برای انسان در قیامت

یوم لاینفع . .. إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

سرمایه انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۶ – ۱

۱ – سرای آخرت و نعمت های آن ، سرمایه انسان ها در قبال ایمان و عمل به کتاب های آسمانی است .

أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۲ – ۶

۶ عمل نیک ، سرمایه و مددکار دنیوی و اُخروی انسان

حبطت اعمالهم فی الدّنیا و الاخره و ما لهم من ناصرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۶ – ۷

۷ اموال و فرزندان (پشتوانه مالی و نیروی انسانی) ، مهمترین

سرمایه مادی بشر

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم

با وجود اینکه هیچ چیز توان کفایت از خدا را ندارد، نام بردن از مال و اولاد، دلالت بر ویژگی و اهمیت خاص آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۳

۳ ایمان به خداوند ، سرمایه سعادت بخشِ انسان

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

زیرا می فرماید برخی کفر را به بهای ایمان خریدند و از دست دادن این بها، موجب گرفتاری به عذاب است. لذا ایمان، سرمایه ای فرض شده که از دست دادن آن موجب عذاب دردناکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۴،۵،۲۳،۲۵

۴ داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسان ها ، فضل خداوند و از ملک اوست .

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

۵ توجّه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعت بخلورزی

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

تذکّر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتیهم اللّه من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

۲۳ دارایی های انسان از آن خداست و به او باز خواهد گشت .

بما اتیهم اللّه من فضله . .. و للّه میراث السّموات و الارض

۲۵ توجّه به خارج شدن تمام دارایی ها از دست انسان

، مایه شناخت زشتی بخل و ترک انفاق

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. و للّه میراث السّموات و الارض

جمله <و للّه میراث السّموات . .. >، بیانگر این نکته است که اموال از دست شما خارج و به خدا باز خواهد گشت. بنابراین چرا انفاق نمی کنید و خود را از ثواب و پاداش انفاق محروم می سازید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۵

۵- اَعمال آدمی ، در سرای دنیا ، دست مایه و سرمایه اصلی او است .

الأخسرین أعملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۵

۵- سعی و تلاش آدمی در دنیا ، سرمایه اصلی او است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا

سرمایه بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۲،۱۳

۱۲ دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله <سیطوّقون ما بخلوا . .. >، تفسیر کلمه <شرّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوّقون ... > مراد باشد.

سرمایه عمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۸ – ۶

۶

هدایت یافتگان عمر خویش را تباه نکرده و از آن بهره مند بوده اند .

من یهد اللّه فهو المهتدی

از جمله <فأولئک هم الخسرون> که درباره گمراهان بیان شد می توان فهمید که جمله ای مانند <و أولئک هم الرابحون برای هدایت یافتگان در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم

ناپایداری سرمایه گذاری مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۷

۷- سرمایه گذاری ها و هزینه های مادّی ، در معرض فنا و نابودی است .

و أُحیط بثمره فأصبح یقلّب کفّیه علی ما أنفق فیها

چنان چه داستان دو باغ، تمثیل و سمبلیک باشد، در این صورت، مرد ثروت مند مغرور، سمبل کسانی است که صِرفاً با اغراض مادّی و هدف دانستن دنیا و متاع های آن، به تلاش پرداخته، ولی در نهایت، بر زحمت و رنج خود تأسف می خورند; چرا که در فرجام کار، تمامی آن را بر باد رفته می یابند.

سرمایه گذاری

ناپایداری سرمایه گذاری مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۷

۷- سرمایه گذاری ها و هزینه های مادّی ، در معرض فنا و نابودی است .

و أَحيط بثمره فأصبح يقلّب كفّيه على ما أنفق فيها

چنان چه داستان دو باغ، تمثیل و سمبلیک باشد، در این صورت، مرد ثروت مند مغرور، سمبل کسانی است که صِرفاً با

اغراض مادّی و هدف دانستن دنیا و متاع های آن، به تلاش پرداخته، ولی در نهایت، بر زحمت و رنج خود تأسف می خورند؛ چرا که در فرجام کار، تمامی آن را بر باد رفته می یابند.

سرمستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۹

۹- سرمستی و غفلت ، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳ - ۵

۵- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن اقوام به عذاب الهی

إنهم لفی سکرتهم یعمهون . فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۶

۶ - سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إنّ قرون . .. فبغی ... لاتفرح ... و لاتبغ الفساد ... فخرج علی قومه فی زینته ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشـمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در

شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذّبوا بالکتب . .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۷

۷ - تکبر ، غرور و سرمستی ، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنّم خلدین فیها فبئس مثوَی المتکبّرین

توصیف کافران دوزخی به <متکبران>، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سر مستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۲،۳

۲ - گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنت و بی رحمی و آدم کشی ، درپی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

۳ - سرمستی ، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن < اصحاب شمال >

و أصحب الشمال . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

آثار سرمستی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۳

۳ - سرمستی و غرور ، عامل هلاکت جوامع پیشین

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

<بطر> (مصدر <بطرت>) به غرور و طغیان که آدمی بر اثر فراوانی نعمت دچار آن شود گفته می شود. بنابراین <بطرت

معیشتها>; یعنی، <طغت فی معیشتها> (در زندگی اش طغیان کرد). گفتنی است که عبارت <بطرت معیشتها> وصف و مفید تعلیل است; یعنی، جوامع گذشته بدان جهت به هلاکت رسیدند که گرفتار سرمستی و غرور بودند.

آثار سرمستی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند; این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

آثار سرمستی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۶

۶- سرمستی ، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون . .. لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله <لفی سکرتهم یعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳

۴- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن قوم لوط به عذاب الهی

إنهم لفی سکرتهم یعمهون . فأخذتهم الصیحه

آثار سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۱

۱ - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تمرحون

<با> در <بما کنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، درپی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتّبعوا أهواءهم . .. یقول الکفرون هذا یوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

آثار سرمستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۱

۱ - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در

قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تمرحون

<با> در <بما کنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای سرور و شادمانی

است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

آثار سرمستی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۵

۵ - غرور و سرمستی ، ریشه بهانه جویی های مشرکان عصر بعثت

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره بهانه جویی های مشرکان مکه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

اجتناب از سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۵،۶

۵ - لقمان به پسرش سفارش کرد که از سرمستی کردن در زمین ، پرهیز کند .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

۶ - انسان ، نباید حرکت خویش را براساس خوشی و سرمستی سامان دهد .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

بنابراین احتمال که <مرح> مفعولٌ له برای فعل <تمش> باشد، معنای یاد شده را می رساند.

راه رفتن با سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۴،۱۴

۴ - باید از راه رفتن به صورت سرمست و شادمانه افراطی ، پرهیز کرد .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

<مرح> در لغت به معنای <شدت خوش حالی> است و نصب آن، به خاطر حال بودن اش است.

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و لاتمش فی الأرض مرحاً >

أی بالعظمه ;

از امام باقر(ع) درباره آیه <و لاتمش فی الأرض مرحاً> روایت شده که: یعنی، با جلال و جبروت در زمین راه نرو>.

زمینه سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ - برخورداری از مال و ثروت فراوان ، زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و ءاتینه من الکنوز . .. إذ قال له قومه لاتفرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۹

۹ - غفلت از سرچشمه اصلی نعمت ها (خداوند) امری ناشایست و زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها

با توجه به تکرار ضمیر <نا>، می توان استفاده کرد که خداوند غفلت و فراموشی از مبدأ اصلی نعمت ها را، مورد سرزنش قرار داده است.

ساجدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

سرمستی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۱،۳

۱ - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران (انسان های بی رحم و آدم کش)

إنّهم کانوا قبل ذلک

مترفین

<مترف> (مفرد <مترفین>) در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا)؛ ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد؛ ج) جبار و ستمگر (قاموس المحیط).

۳ - سرمستی ، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن < اصحاب شمال >

و أصحب الشمال . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

سرمستی در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷ - ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضرّاء مسّته لیقولنّ ه

سرمستی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ - سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

<فارهین> می توانـد از مصـدر<فره> (نشاط و سرخوشـی) مشـتق شـده باشد. گفتنی است که <فارهین> بنابراین احتمال، صفت برای <بیوتاً> و به تقدیر <فارهین فیها> است؛ یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

سرمستی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۱،۳

۱- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و

روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفی سكرتهم يعمهون

برداشت فوق

بنـابراین مبنـاست که مخـاطب جمله <لعمرک> به قرینه آیات ۴۹ وB۵۱ پیش از شـروع داسـتان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (نبّیء عبادی . .. و نبّئهم ...) پیامبراکرم(ص) باشد.

۳- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <لعمرک . ..> ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُـمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

سرمستی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۳

۳ - فرا رسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون

عابدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحكون و لاتبكون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل رفع سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - کیفر دردناك الهی

، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون . فیقولوا هل نحن منظرون

موانع سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۲

۲ - توجه به انذار های الهی و واقعیت قیامت ، مایه نگرانی انسان و پرهیز از سرخوشی ها

أفمن هذا الحدیث تعجبون . و تضحکون و لاتبکون

لحن توبیخی آیه شریفه، می رساند که توجه به حقانیت معاد و مفاهیم وحی، مقتضی این است که آدمی، بر فرجام خویش گریان و اندوهناک باشد; نه سرمست و خندان.

مؤمنان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۳

۳ - مؤمنان راستین ، دور از سرمستی ، و گریان و اندوهناک در برابر انذار های الهی

و تضحکون و لاتبکون

از توبیخ کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان بر خلاف ایشان از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

ناپسندی سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷ - ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضرّاء مسّته لیقولنّ ه

سرمستان

عبرت ناپذيرى سرمستان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - ذاريات - ٥١ - ٣٧ - ٧

٧ - نشانه هاى عبرت آموز الهى بر پهنه زمين ، بى تأثير در مردمان غافل و سرمست *

ءايه للذين يخافون العذاب الأليم

اختصاص

یافتن <آیه> به <للذین یخافون. ..>، بیانگر این حقیقت است که اگر مایه های ابتدایی معرفت، در درون فرد وجود نداشته باشد و او در غفلت و سرخوشی فرو رفته باشد، از آیات الهی ره به مقصد و مقصود نخواهد برد.

محرومیت سرمستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ - انسان های مغرور و سرمست ، محروم از لطف و محبت خداوند

إنّ اللّه لایحبّ الفرحین

سرنوشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرنوشت

آثار مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۳

۳ - سیر در سرزمین ها و مطالعه در سرگذشت پیشینیان ، مایه عبرت و درس آموز است .

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

انبیا و سرنوشت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴

۴ وحی و اِخبار خداوند ، طریق آگاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد ءامن

انذار از سرنوشت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۱۲

۱۲– لزوم انذار و بیدارساختن مردم از غفلت درباره سرنوشت اخروی خویش

و أنذرهم . .. و هم فی غفله

اهمیت سرنوشت اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳ – ۲

۲ خداوند ، بیانگر سرگذشت پیشینیان برای پیامبر (ص)

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

<قصّ> (مصدر نقص) به معنای بیان کردن و بازگو

کردن است. <قَصَص> به معنای بیان کردن و نیز به معنای داستان و چیزی است که بازگو می شود.

اهمیت سرنوشت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبرهیم ربّ . .. اجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام

برادران یوسف و سرنوشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۴

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

تحقیق در سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ خداوند ، مردم را به تحقیق در سرگذشت عبرت انگیز اقوام و ملل پیشین ترغیب می کند .

لتکون لمن خلفک ءایه و إن کثیراً من الناس عن ءایتنا لغفلون

تذکر سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۵

۵ تـوجه دادن مردم بـه نعمت هـای الهی و سـرنوشت پیشـینیان ، از روش هـای تبلیغی صالـح (ع) برای گرایش دادن آنـان به پرستش خدای یگانه

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء . .. فاذکروا ءالاء اللّه

تعیین سرنوشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۶

۶- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از <الأمر> حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت <قضی الأمر> ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

تفکر در سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ واداشتن آدمی به تفکر در فرجام و سرنوشت خویش ، از اهداف داستان های قرآن است .

فاقصص القصص لعلهم یتفکرون

تقدیر سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۶

۶ انسان در تحقق سرنوشت خویش مؤثر است ; هر چند از سوی خداوند مقدّر شده باشد .

إذ یریکموهم إذالتقیتم . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

تمهیداتی از قبیل رؤیای پیامبر(ص)، کم جلوه دادن هر یک از دو سپاه در نظر دیگری و مانند آنها، که به منظور ترغیب طرفین به رویارویی است، نشان می دهد که تحقق جنگ بدر از اختیار طرفین خارج نبوده و امکان تخلف داشته است. جمله <و لو أریکهم کثیرا ... > در آیه قبل نیز این معنا را تأیید می کند. و اگر آن امر مقدر، یعنی تحقق جنگ بدر، از اختیار طرفین جنگ خارج بود، نیازی به این تمهیدات ترغیب کننده نداشت.

حاکم سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۳

۳ - لحظه

مرگ ، لحظه بروز ناتوانی کامل انسان و حاکمیت تام خداوند بر سرنوشت او

إلی ربّک یومئذ المساق

از آن جایی که قیامت روز حساب و مجازات است، سوق دادن انسان به درگاه خداوند در آن روز، می تواند نشانگر این حقیقت باشد که سرنوشت انسان ها (بهشتی یا جهنمی شدن آنان)، در آن تعیین خواهد شد.

ذکر سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۹

۹ توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان ، وادار کننده انسان به استقامت وپایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم کما أُمرت

برداشت فوق ، بر این اساس است که جمله <فاستقم . ..> بر داستان اقوام گذشته که در آیات پیشین از آن سخن رفته است تفریع شده باشد.

ذکر سرنوشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۹

۹ توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان ، وادار کننده انسان به استقامت وپایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم کما أُمرت

برداشت فوق ، بر این اساس است که جمله <فاستقم . ..> بر داستان اقوام گذشته که در آیات پیشین از آن سخن رفته است تفریع شده باشد.

سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۸ – ۱

۱ سرگذشت اقوام تکذیب کننده پیشین ، شاهد صدق این ادعاست که محکومان به عذاب استیصال ، توفیق ایمان آوردن را تا لحظه وقوع عذاب از دست خواهند داد .

إن الذین حقت

علیهم کلمت ربک لایؤمنون . .. فلولا کانت قریه ءامنت فنفعها إیمنها

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، جمله <فلولا کانت قریه آمنت>، می تواند جواب برای شرط مقدر باشد و تقدیر آن چنین می شود: <إن کنت فی شک من هذا فلولا کانت . ..>; یعنی، اگر در این مطلب (کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند تا لحظه وقوع عذاب، ایمان نخواهند آورد) تردید دارید، پس بگویید: چرا و به چه دلیل، اقوام تکذیب کننده پیشین تا لحظه وقوع عذاب ایمان نیاوردند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۱

۱- سرنوشت قوم < تبّع > و اقوام قبل از آن ، پیامدار عبرت و هشدار برای مشرکان مکه

أهم خیر أم قوم تبّع و الذین من قبلهم

سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۹

۹ توبه و استغفار دارای اهمیتی ویژه در نزد خداوند و دارای تأثیری بسزا در سرنوشت امتها

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۹

۹ - عملکرد انسان دارای نقشی بسزا در چگونگی تدبیر امور او از سوی خداوند

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۸

۱۸ – انسان و انتخاب او دارای نقشی بسزا در تحقق مقدرات الهی است

.

و ابتغوا ما كتب اللّه لكم

فرمان الهى به انسانها، مبنى بر اينكه در پى دست يافتن به مقدرات الهى باشند (و ابتغوا ما كتب اللّه لكم) گوياى اين است كه: تحقق برخى از آنچه كه خداوند براى انسان مقدر كرده، مشروط به انتخاب و عملكرد او نيز هست; يعنى، انسان در تحقق آنها نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۶

۱۶ - اعمال و رفتار آدمى سازنده حقيقت و ماهيت اوست .

و لكن البر من اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۷

۷ تأثير نحوه روابط زناشويى ، در سرنوشت نيك يا بد انسان

فاتوا حرثكم انى شئتم و قدّموا لانفسكم

به نظر مى رسد جمله <و قدّموا لانفسكم> به منزله تقييدى باشد براى اختيار و آزادى آدمى در آميزش ; يعنى زندگى زناشويى در سرنوشت آدمى مؤثّر است; پس آن روشى را برگزينيد كه فرجامى نيك داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳ تأثير گرايش هاى اعتقادى و رفتارى انسان ها ، در سرنوشت آنان

ضربت عليهم الذّلّه . .. ذلك بانّهم كانوا يكفرون ... ذلك بما عصوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۸

۱۸ سرنوشت اخروی انسان در گرو موضعگیری فکری و عملی وی در دنیا

فاما الذین ءامنوا . .. و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ - ۱۶ - ۴

۴ انسان ، زمینه ساز هدایت (سرنوشت) خویش

یهدی . .. من اتبع رضونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ انسان خود تعیین کننده سرنوشت و فرجام خویش

قدمت لهم انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۳

۳ گمراهی، سرنوشت گروهی از انسانهاست.

و فریقا حق علیهم الضلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۴

۱۴ عملکرد انسان ها در تعیین سرنوشت آنان به دست خدا دارای ارزشی بسزاست .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

نکته فوق با توجه به بیان سبب یاری خدا، یعنی <بما صبروا>، برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۰

۱۰ انسان در عین حاکمیت مشیت خدا بر وی ، در تعیین سرنوشت خویش دخیل است .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلی الأرض

جمله <و لو شئنا . .. > می رساند که سرنوشت انسان با مشیت الهی رقم می خورد. جمله <و لکنه ... > تعلیل برای مفهوم جمله قبل است و دلالت می کند که مشیت الهی در تعیین سرنوشت انسان، منوط به عملکرد خود آدمی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۹

۱۹ اختیار انسان و نقش خود وی در رقم زدن سرنوشت خویش

فما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم

یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ نقش اساسی برخی مواضع و عملکرد های نخستین انسان ، در عملکرد و مواضع آینده وی

لن تخرجوا معی . .. إنکم رضیتم بالقعود أول مرّه

تصریح به <أول مرّه> نقش داشتن عملکرد نخستین را در حرکتهای آینده انسان می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ سرنوشت خوب و بد انسان در آخرت ، بستگی به عملکرد او دارد .

و الذین کسبوا السیئات . .. أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۶

۶ خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۶

۶- < عن محمدبن مسلم عن أبی جعفر و أبی عبدالله (علیهماالسلام) عن قوله : < و کلّ إنسان ألزمناه طائره فی عنقه > قال : قدره الذی قدر علیه ;

محمدبن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام درباره سخن خدا <و کلّ إنسان ألزمناه طائره فی عنقه> روایت کرده است که فرمودند: کسی که می بایستی سرنوشت انسان را مقدر کند، تقدیر کرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۸

۸ - انسان

، خود تعیین کننده سرنوشت خویش است .

قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکفرین

سرنوشت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۹

۹ سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان ، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تنفروا یعذبکم . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

خداونـد، از یـک سو مؤمنـان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگر بی نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کنـد و این نشان دهنده سنت او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۶

۶ معاد (رستاخیز) سرنوشت حتمی تمامی انسانهاست .

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۴

۴ سرنوشت انسان (سعادت و شقاوت اخروی) در گرو اعمال و کردار اوست .

أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

سرنوشت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۸

۸ - انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زيّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زيّن له. ..> استفهام انکاری و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرینه مقام <فإنّ اللّه يضلّ

من یشاء> جمله ای مقدر مانند <کمن لیس کذلک> یا <کمن هداه> می باشد; یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

سرنوشت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱،۹

۱ ذلّتِ همیشگی اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

ضُربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت علیهم المسکنه

سرنوشت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۱

۱ - تبعید یهود بنی نضیر از مدینه ، سرنوشتی تعیین شده از سوی خداوند برای آنان

و لولا أن کتب اللّه علیهم الجلاء لعذّبهم فی الدنیا

سرنوشت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن

بینی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۹ – ۱۲

۱۲ – اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

سرنوشت خانواده ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۴

۱۴ – تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

سرنوشت خانواده گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۴

۱۴ – تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

سرنوشت شوم سنگدلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۲ – ۱۲

۱۲ – سنگدلان غافل از خدا ، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

واژه <ویل> برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

سرنوشت شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۶

۶ - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الذین کفروا . .. مأویهم النار و لبئس المصیر

سرنوشت شوم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۶

۱۶ - مشرکان ، دارای سرنوشتی سخت و ناگوار

و ویل للمشرکین

سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

سرنوشت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

سرنوشت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۹

۹- عیسی (ع) به برخی از حوادث آینده خویش آگاه بود .

والسلم علیّ . .. یوم أموت

سرنوشت غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

سرنوشت فاقدان بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۸ – ۸

۸ – انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت

و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زيّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زيّن له. ..> استفهام انکاری و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرینه مقام <فإنّ اللّه يضلّ من يشاء> جمله ای مقدر مانند <کمن لیس کذلك> یا <کمن هداه> می باشد; یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

سرنوشت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۲

۲ مسؤولیت اولیا ، نسبت به سرنوشت فرزندان خویش

وليخش الّذين لو تركوا من خلفهم ذريّه ضعافاً

نگرانی از آینده فرزندان و احساس مسؤولیت نسبت به آنان حالتی طبیعی برای انسان است که خداوند آن را تأیید کرده و مبنای حکم خویش به لزوم رعایت تقوا (فليتّقوا اللّه) قرار داده است.

سرنوشت قوم تبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۱،۴

۱- سرنوشت قوم < تبّع > و اقوام قبل از آن ، پیامدار عبرت و هشدار برای مشرکان مکه

أهم خير أم قوم تبّع و الذين من قبلهم

۴- آگاهی اهل مکه ، از سرگذشت هلاکت بار قوم تبّع

أهم خير أم قوم تبّع

از این که قرآن، قبلاً سخنی از قوم <تبّع> به میان نیاورده و در این جا به ذکر نام آن برای عبرت آموزی مشرکان مکه اکتفا کرده است، مطلب بالا قابل استفاده است.

سرنوشت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۸ – ۲

۲ آیات روشنگرِ سرنوشت دو طایفه

مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسودّ . .. تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

بنابراینکه <بالحق>، قید باشد برای آیات و <باء>، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۵،۱۰

۵ مالکیّت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل نداشتن حقّ تصمیمگیری رسول خدا (ص) ، در مورد سرنوشت کفّار

لیس لک من الامر شیء او یتوب علیهم . .. و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. لیس لک من الامر شیء ... و للّه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمّن هو قنت ءاناء الّيل ساجدًا و قائمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین

می شود: <أمّن هو قانت ءاناء الّیل... کمن هو عاص أو کافر; آیاکسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است>. بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن

و کافر وسرنوشت آنان در آينده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۹ – ۱۰

۱۰ – وجود اختلاف هاى اساسى ، ميان دو انسان مؤمن و كافر از نظر سرنوشت

ضرب اللّه مثلًا رجلًا . .. و رجلًا سلمًا لرجل هل يستويان مثلًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۹

۹ – اعتراف كافران و گنه كاران به نقش خود در تعيين سرنوشت خويش

أن تقول نفس يحسرتى على ما فرّطت . .. و إن كنت لمن السخرين ... لو أنّ لى كرّه ف

سرنوشت كوردلان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۹ – ۱

۱ – انسان جاهل و كوردل با انسان عالم و روشن بين ، از نظر شخصيت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نيستند .

و ما يستوى الأعمى و البصير

واژه <أعمى> و <بصير> در آيه شريفه، كنايه از كوردلى و روشن بينى است.

سرنوشت گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – شورى – ۴۲ – ۴۵ – ۱۴

۱۴ – تأثير منفى و زيانبار گمراهان و ستمكاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خويش

خسروا أنفسهم و أهليهم

سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت لمن السخرین ... لو أنّ لی کرّه ف

سرنوشت ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۴،۵،۶

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۵- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یادآورد .

ءاتنا غداءنا . .. قال أرءیت ... فإنّی نسیت الحوت

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

سرنوشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۵

۵ - تقواپیشگان ، از محسنان و دارای یک سرنوشت اند .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون . .. هنیًٔا بما کنتم تعملون . إنّا کذلک نجزی المحسنی

سرنوشت مجادله گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - توصیه خداوند به نگریستن و تأمل کردن در سرنوشت کسانی که درباره آیات الهی به جدال و ستیزه جویی برمی خیزند .

ألم تر إلی الذین یجدلون فی ءایت اللّه أنّی یصرفون

۲ – سرنوشت شوم مجادله گران و ستیزه جویان با آیات الهی ، درس آموز و عبرت انگیز است .

ألم تر إلی الذین یجدلون فی

ءايت اللّه أنّى يصرفون

سرنوشت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۵

۵ - تقواپيشگان ، از محسنان و داراى يک سرنوشت اند .

إنّ المتّقين فى ظلل و عيون . .. هنيئًا بما كنتم تعملون . إنّا كذلك نجزى المحسنى

سرنوشت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۷

۷ پيامبر اكرم(ص) هم اكنون شاهد سرنوشت ذلتبار مشركان در قيامت*

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

فعل <انظر> خطاب به پيامبر(ص) است. توجه به گزينش اين مخاطب ويژه، اين احتمال را كه پيامبر(ص) در دنيا نيز با چشم ملكوتى خود شاهد صحنه هاى قيامت هستند، تقويت مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۵

۵ - منافقان و مشركان ، داراى موضع واحد در قبال امانت الهى بودند و در نتيجه ، داراى سرنوشت يگانه اند .

إنّا عرضنا الأمانه . .. ليعذّب اللّه المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

سرنوشت مكذّبان آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۴

۴ همه مردم، حتی افترا زنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان آیات او، تا فرا رسیدن مرگشان به بهره مقدر خویش در دنیا خواهند رسید.

فمن أظلم . .. أولئك ينالهم نصيبهم من الكتب حتى إذا جاءتهم رسلنا

<الکتاب> مصدر و به معنای اسم مفعول است، یعنی مکتوب و مقدر. <من> برای ابتدای غایت است. یعنی آنچه از مقدرات الهی سهم کافران است،

به آنان خواهد رسید.

سرنوشت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۵

۵ - منافقان و مشرکان ، دارای موضع واحد در قبال امانت الهی بودند و در نتیجه ، دارای سرنوشت یگانه اند .

إنّا عرضنا الأمانه . .. لیعذّب اللّه المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

سرنوشت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۷

۷ معاد (رستاخیز) سرنوشت قطعی تمامی پدیده های جهان آفرینش

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

سرنوشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ آیات روشنگرِ سرنوشت دو طایفه مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسودّ . .. تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

بنابراینکه <بالحق>، قید باشد برای آیات و <باء>، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

ليقطع طرفاً من الّذين كفروا . .. ليس لك من الامر شىء ... و للّه ما فى السّموات و

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۹ – ۱۸

۱۸ تنها خداوند آگاه به سرنوشت مؤمنان در پايدارى آنان بر توحيد و يا بازگشتشان به كفر و شرك است .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء اللّه ربنا وسع ربنا

كل شيء علماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و يكسان نبودن مؤمنان و كافران ، از نظر شخصيت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و يكسان نبودن مؤمنان با كافران ، از نظر شخصيت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسى ميان دو انسان كافر و مؤمن ، از نظر شخصيت و سرنوشت

أمّن هو قنت ءاناء الّيل ساجدًا و قائمًا

<من> در آيه شريفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله اى محذوف است. تقدير كلام چنين مى شود: <أمّن هو قانت ءاناء الّيل... كمن هو عاص أو كافر; آياكسى كه شب زنده دار (مؤمن) است، مانند كسى است كه عاصى و يا كافر است>. بر اين اساس مى توان گفت: آيه شريفه، درصدد مقايسه ميان شخصيت دو انسان مؤمن و كافر و سرنوشت آنان در آينده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسى انسان مؤمن حق پذير و نرم دل با كافر حق ناپذير و سنگدل ، از نظر شخصيت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو على نور من ربّه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه

قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر وسرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف های اساسی ، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. و رجلاً سلمًا لرجل هل یستویان مثلاً

سرنوشت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱،۹

۱ ذلّتِ همیشگی اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

ضُربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت علیهم المسکنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

عبرت از سرنوشت اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۲ – ۸،۱۰

۸ سرگذشت اقوام پیشین ، از آیات و نشانه های خداوند و مایه های عبرت مردم

لتکون لمن خلفک ءایه و إن کثیراً من الناس عن ءایتنا لغفلون

۱۰ خداوند ، مردم را به تحقیق در سرگذشت عبرت انگیز اقوام و ملل پیشین ترغیب می کند .

لتکون لمن خلفک ءایه و إن کثیراً من الناس عن ءایتنا لغفلون

عبرت از سرنوشت امت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۱ – ۱

۱ داستان پیامبران و امت های ایشان حاوی پند و مایه عبرت است .

لقد کان فی قصصهم عبره

<قصص> به معنای داستان است. ضمیر در <قصصهم> به <رسل> و نیز امتهای ایشان که از <من نشاء> و <القوم المجرمین> در آیه قبل استفاده می شود برمی گردد.

عبرت از سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۶

۶ مطالعه سرنوشت پیشینیان ، تأثیری بسزا در پندگیری انسان دارد

.

إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد

عبرت از سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۳

۲۳ - سرنوشت شوم ستمگران در قیامت ، هشداری برای متجاوزان به حقوق مردم است .

ألا إنّ الظلمین فی عذاب مقیم

کلمه <ألا> که برای هشدار است رساننده مطلب بالا می باشد.

عبرت از سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۱

۱ - عبرت گرفتن از سرنوشت مجرمان گذشته تاریخ ، هشدار خداوند به منکران معاد

و قال الذین کفروا. .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین . قل سیروا فی الأرض فانظروا ك

عبرت از سرنوشت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۵ - ۶

۶ - سرنوشت شوم و هلاکت بار تکذیب کنندگان پیامبران در گذشته ، عبرت آموز برای دیگران

کذّب الذین من قبلهم فأتیهم العذاب من حیث لایشعرون

عوامل تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱۲

۱۲ انسان خود تعیین کننده سرنوشت و فرجام خویش

قدمت لهم انفسهم

عوامل موثر در سرنوشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۴ – ۵

۵– نقش سعی و تلاش خود انسان در دستیابی به پاداش الهی و سرنوشت خویش

فمن یعمل . .. فلاکفران لسعیه

عوامل مؤثر در سرنوشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۰ – ۹

۹ – عملکرد انسان دارای نقشی بسزا در

چگونگی تدبیر امور او از سوی خداوند

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۵

۵ - اعمال و رفتار آدمیان ، تعیین کننده فرجام آنان در سرای آخرت است .

بما قدمت أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۸

۱۸ - انسان و انتخاب او دارای نقشی بسزا در تحقق مقدرات الهی است .

و ابتغوا ما کتب اللّه لکم

فرمان الهی به انسانها، مبنی بر اینکه در پی دست یافتن به مقدرات الهی باشند (و ابتغوا ما کتب اللّه لکم) گویای این است که: تحقق برخی از آنچه که خداوند برای انسان مقدر کرده، مشروط به انتخاب و عملکرد او نیز هست؛ یعنی، انسان در تحقق آنها نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۶

۱۶ - اعمال و رفتار آدمی سازنده حقیقت و ماهیت اوست .

و لکن البر من اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ انسانها خود رقم زننده سرنوشت خویش هستند.

و کذلک نولی . .. بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۴

۱۴ عملکرد انسان ها در تعيين سرنوشت آنان به دست خدا داراى ارزشى بسزاست .

و تمت كلمت ربك الحسنى على بنى إسرءيل بما صبروا

نكته فوق با توجه به بيان سبب يارى خدا،

یعنی <بما صبروا>، برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۹

۹ توبه و استغفار دارای اهمیتی ویژه در نزد خداوند و دارای تأثیری بسزا در سرنوشت امتها

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۶

۶ انسان در تحقق سرنوشت خویش مؤثر است ; هر چند از سوی خداوند مقدّر شده باشد .

إذ یریکموهم إذالتقیتم . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

تمهیداتی از قبیل رؤیای پیامبر(ص)، کم جلوه دادن هر یک از دو سپاه در نظر دیگری و مانند آنها، که به منظور ترغیب طرفین به رویارویی است، نشان می دهد که تحقق جنگ بدر از اختیار طرفین خارج نبوده و امکان تخلف داشته است. جمله <و لو أریکهم کثیرا ... > در آیه قبل نیز این معنا را تأیید می کند. و اگر آن امر مقدر، یعنی تحقق جنگ بدر، از اختیار طرفین جنگ خارج بود، نیازی به این تمهیدات ترغیب کننده نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۹

۹ سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان ، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تنفروا یعذبکم . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

خداوند، از یک سو مؤمنان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگر بی نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کند و این نشان دهنده سنت

او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱۹

۱۹ اختیار انسان و نقش خود وی در رقم زدن سرنوشت خویش

فما كان اللّه ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۱۱

۱۱ نقش اساسی برخی مواضع و عملکرد های نخستین انسان ، در عملکرد و مواضع آینده وی

لن تخرجوا معى . .. إنكم رضيتم بالقعود أول مرّه

تصریح به <أول مرّه> نقش داشتن عملکرد نخستین را در حرکتهای آینده انسان می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸ – ۴

۴ سرنوشت انسان (سعادت و شقاوت اخروی) در گرو اعمال و کردار اوست .

أولئك مأويهم النار بما كانوا يكسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ سرنوشت خوب و بد انسان در آخرت ، بستگی به عملکرد او دارد .

و الذين كسبوا السيئات . .. أولئك أصحب النار هم فيها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۰ – ۲

۲ فرجام نیک و بد هر کس در عرصه محشر ، در گرو اعمال اوست .

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. هنالک تبلوا کل نفس ما أسلفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۵

۵ انسان موجودی آزاد ، مختار و

تعیین کننده سرنوشت خویش است .

و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۷

۷ نقش انسان در تعیین سرنوشت خویش

و لاتکونن من الذین کذبوا . .. فتکون من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۹،۸،۵

۵ نقش دعا در رقم خوردن سرنوشت آدمی

إلّا تصرف عنی کیدهنّ . .. فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

۸ نقش خداوند در سلوك و رفتار انسان و سرنوشت او

إلّا تصرف . .. فصرف عنه کیدهنّ

۹ خواست خود آدمی ، در رقم خوردن سرنوشت او از ناحیه خداوند ، نقشی بسزا دارد .

قال رب السجن أحب . .. فصرف عنه کیدهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۰،۸،۶

۶ خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

۸ انسان دارای نقشی بسزا در وضعیت اجتماعی و معیشتی و سرنوشت خویش

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

۱۰ جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خویش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحیه او

إن الله لايغير ما بقوم حتی يغيروا ما بأنفسهم

جمله <إن الله لايغير ما بقوم> تغيير دهنده و از ميان برنده را خدا می داند و عبارت <حتی يغيروا ما بأنفسهم> انسانها را در رقم زدن سرنوشت خويش دخيل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ -

حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۷

۷- عقیده و عمل انسان ، نقشی تعیین کننده در سرنوشت او دارد .

إلّا من اتبعک من الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم أجمعین . لها سبعه أبوب لکلّ باب من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۴

۴- انسان ، در برابر محیط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار ، مجبور نیست و در تعیین سرنوشت خویش مختار است .

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

خداوند، همسر لوط(ع) را به خاطر اینکه همنشین قوم بدکار لوط بود، عذاب کرد. این می رساند که همسر لوط(ع) در همنشینی و یا ترک آن آزاد بود و می توانست خود را از آلوده شدن نجات دهد و گرنه عذاب وی غیر معقول و به دور از اقتضای حکمت خداوند حکیم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۲

۱۲- عقیده و عمل ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت انسان

هل ینظرون إلّا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- عمل انسان ها ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت آنان

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

از آن جایی که آیه، گرفتار شدن به عذاب را معلول عمل سوء و نیز استهزای انبیا معرفی کرده است، به دست می آید که عملکرد خود انسانها در رقم زدن سرنوشت آنها مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۵

۱۵- عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت اوست .

فانظروا کیف کان عقبه المکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۵

۵- زمان ولادت ، مرگ و رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلم علیّ . .. یوم أُبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۵

۵- تقوا ، خصیصه ای ارزشمند و سرنوشت ساز

تلک الجنّه . .. من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۴

۴ - سرنوشت هر ملتی با عقاید و کردار خود آنان رقم می خورد ; نه با افکار و اعمال نیاکانشان .

قال فما بال القرون الأُولی . قال علمها عند ربّی

پاسخ موسی و هارون(ع) این بود که اقوام پیشین، آنچه انجام داده اند، نزد خداوند محفوظ است و خود می داند با آنان چه کند، فرجام آنها هر چه باشد، تأثیری در سرنوشت تو ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ رفتار و کردار خود انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

ءأنتم أضللتم . .. أم

هم ضلّوا السبیل ... و لکن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۳

۳ سرنوشت هر کسی به روز رستاخیز ، درگرو اعمال او خواهد بود .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۲

۲ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء بر عقیده و رفتار انسان و مؤثر در سرنوشت او

یویلتی لیتنی لم أتّخذ فلانًا خلیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۵

۵ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء در رفتار و عقیده انسان و مؤثر در سرنوشت او

یلیتنی لم أتّخذ فلانًا خلیلًا. لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۱،۱۲،۱۹

۱۱ تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است; زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

۱۲ تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر ، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

و الذين يقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين

۱۹ نقش مثبت و سازنده صلاح و نیکی همسر و فرزندان ،

در سرنوشت و سعادت انسان

ربّناهب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إمامًا

دعا برای همسر و فرزندان و مقدم داشتن آنان بر خود به هنگام دعا کردن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۳

۳ - دعا و التجا به درگاه خدا ، دارای تأثیر در سرنوشت انسان

ربّ نجّنی . .. فنجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۹ - ۴

۴ - انسان ها ، در ساختن سرنوشت شان ، نقش تعیین کننده دارند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۷

۷ - انسان ها ، در ساختن فرجام شان ، نقش تعیین کننده دارند .

یعذّب من یشاء . .. و الذین کفروا بأیت ... أولئک لهم عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۷

۷ - خود انسان ها ، در تعیین سرنوشتشان نقش آفرین اند .

فکذّبوه فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۷

۷ - انسان ها ، در سرنوشت و فرجام خود نقش آفرین اند .

فکذّبوه فأخذتهم الرجفه . .. و عادًا و ثمودًا و قد تبیّن لکم من مسکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۵

۵ - خود

انسان ها در سرنوشت شان ، نقش تعیین کننده دارند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۷

۷ - انسان ها ، در سرنوشت اخروی ، خود نقش اساسی دارند .

ذوقوا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۷

۲۷ - تصمیم و عمل انسان ها ، نقش تعیین کننده ای در سرنوشت آنان دارد .

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم . .. و لکن کانوا أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - گناهان ، در سرنوشت انسان ها ، تأثیر سوء دارند .

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم

بی شک، مراد از <ما قدّمت> به قرینه مقام، رفتار خوب و پسندیده نیست و بلکه گناهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ - عقیده و عمل انسان ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت او است .

سیروا . .. فانظروا

از دعوت به سیر و مطالعه در آثار گذشتگان، به دست می آید که انسان، با سیر و مطالعه، می تواند آینده خود را رقم بزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۲ - ۵

۵ - انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت خویش است .

و من یسلم وجهه إلی اللّه و هو محسن فقد استمسک بالعروه الوثقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - انسان ، دارای نقشی اساسی در سرنوشت و فرجام خویش است .

و من کفر فلایحزنک کفره . .. ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۷

۷ - انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسیتم . .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۹

۹ - انسان ها ، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان ، نقش دارند .

إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت . .. أجرًا ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ - انسان ها خود ، در سرنوشت اخروی شان ، نقش تعیین کننده دارند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۵

۵ - انسان ها خود ، در سرنوشت اخروی شان ، نقش اساسی دارند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار . .. و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا و کبراءنا فأضلّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار بوده و رفتار او تعیین کننده سرنوشت او است .

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا

برداشت یاد شده،

بـا توجه به این نکته است که <با> در <بماکسبوا> برای سببیت است; یعنی، اگر خدا آنان را به سبب رفتارشان مؤاخذه کند. .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مردم انطاکیه ، به تأثیر سوء وجود برخی از افراد در سرنوشت انسان ها اعتقاد داشتند .

قالوا إنّا تطیّرنا بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸،۹

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست; بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

۹ - بدی و نااهلی فرزندان ، تأثیری در سرنوشت پدران و مادران نداشته و از شخصیت و شرافت آنان نمی کاهد .

و برکنا علیه و علی إسحق و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که برخی از فرزندان ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) افرادی کافر و نااهل شدند; ولی در عین حال این دو

پیامبر از الطاف و برکات الهی به طور کامل برخوردار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۶

۶ - مجموعه عقاید و رفتار خود انسان ، تعیین کننده سرنوشت او است .

إذ نجّينه و أهله أجمعين . إلّا عجوزًا فى الغبرين

از این که همسر لوط از عذاب الهی نجات نیافت، می توان حقیقت یادشده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۷

۷ - نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بينه و بين الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - عمل (نیک کرداری و تبه کاری) ، عنصر تعیین کننده سرنوشت بشر

و عملوا الصلحت كالمفسدين . .. المتّقين كالفجّار

تصریح به عمل صالح و نیز عنوان <مفسدین>، <متقین> و <فجّار>، گویای این حقیقت است که آنچه سرنوشت بشر را رقم می زند، عمل صالح، فسادگری، تقواپیشگی و تبه کاری است; که همگی از سنخ عمل می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۴

۴ - سرنوشت انسان ، در گرو چگونگی رفتار خود او است .

فأصابهم سيّئات ماكسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۹

۹ - انسان ، مسؤول و سازنده سرنوشت خویش است .

یحسرتی علی ما فرّطت

. .. و إن كنت لمن السخرين

حرف <على> در جمله <على ما فرّطت> به معناى لام تعليل است و معناى جمله چنين مى باشد: واى به حال من به خاطر كوتاهى كردنم. .. . بنابراين همان گونه كه از ظاهر آيه به دست مى آيد، انسان تفريط خود در حق خدا و تمسخر كردن تعاليم قرآن را، سبب بدبختى و ندامت خود مى داند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف كافران و گنه كاران به نقش خود در تعيين سرنوشت خويش

أن تقول نفس يحسرتى على ما فرّطت . .. و إن كنت لمن السخرين ... لو أنّ لى كرّه ف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۸

۸ - انسان ، خود تعيين كننده سرنوشت خويش است .

قد جاءتك ءايتى فكذّبت بها و استكبرت و كنت من الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ - عمل ، رقم زننده سرنوشت اخروى انسان

نتبوّأ من الجنّه حيث نشاء فنعم أجر العملين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - سرنوشت انسان ، در گرو رفتار و كردار خود او است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۷ – ۱۲

۱۲ – انسان ، دارای اختیار و آزادی در انتخاب هدایت و گمراهی و تعیین سرنوشت خویش

فاستحبّوا العمی . .. فأخذتهم ... بما کانوا یکسبون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۳

۳ - معاشران و همدمان ، دارای نقشی اساسی در عقیده ، عمل و سرنوشت انسان

و قیّضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم و حقّ علیهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۴

۴ - انسان در انتخاب دین و تعیین سرنوشت خویش ، دارای اختیار است .

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر . و لو شاء اللّه ... یدخل من یشاء ... و الظلمون

از این که خداوند نخواسته همگان به اجبار آیین واحدی داشته باشند، می توان استفاده کرد که انتخاب آیین و سرنوشت، به اختیار انسان واگذار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - اراده الهی ، حاکم بر سرنوشت و مقدرات انسان

قل فمن یملک . .. إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۴

۴ – خواست و اراده خود انسان ، تعیین کننده سرنوشت او است .

یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

ضمیر فاعلی مستتر در <یشاء> در یک احتمال به <من> بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم –

۴ - ۳۲ - ۵۳

۴ - تأثیر ویرانگر و مخرب گناهان کبیره ، در فرجام و سرنوشت انسان

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی . الذین یجتنبون کبئر الإثم و الفوحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۱

۱ - اعمال و رفتار انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت آنان است .

جزاء بما کانوا یعملون

تصریح به این که مقام بلند پیشتازان، پاداش اعمال خود آنان است، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۵

۵ - حکم الهی و تعیین سرنوشت ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. ذلک بأنّهم شاقّوا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۸ - ۱

۱ - سرنوشت خوب و بد و سعادت و نگون بختی انسان ها ، در گرو چگونگی رفتار و کردار خود آنان است .

کلّ نفس بما کسبت رهینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۱،۷

۱ - انسان ها ، مرحله های گوناگونی پیش رو دارند که یکی پس از دیگری بر همه شؤون آنان ، اثر خواهد گذاشت .

لترکبنّ طبقًا عن طبق

<طبق> در موردی به کار می رود که چیزی مسطّح بر مثل خود، قرار داده شود و آن را بپوشاند و به حالت نیز <طبق> گفته می شود (مقاییس)؛ زیرا انطباق آن بر صاحب حالت، مانند انطباق دو چیز بر یکدیگر است (التحریر). تعبیر <لترکبنّ> (حتماً سوار

خواهید شد)، کنایه از این است که آن حالت ها همچون مرکب، انسان را به سمت و سوی مناسب خود خواهند برد.

۷ - مراحل آینده انسان ، مراحلی سرنوشت ساز و هر یک برتر و مهم تر از مرحله قبل و سزاوار آمادگی بیشتر است .

لترکبنّ طبقًا عن طبق

خبر از پیدایش حالت های پیاپی و تأکید آن با سوگندهای مکرر، هشداری است به انسان ها که برای آن چاره اندیشی کنند.

عوامل مؤثر در سرنوشت آیندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - تأثیر عملکرد پدران ، در سرنوشت نسل های آینده آنان

و إذ قال إبرهیم . .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

ذکر باقی ماندن توحید در نسل ابراهیم(ع) پس از بیان اعلام شجاعانه برائت از شرک و روی آوردن آن حضرت به توحید می تواند اشاره به نقش پدران در سرنوشت نسل های بعد داشته باشد.

عوامل مؤثر در سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۵

۵- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنسئلنّهم . .. عمّا کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۸،۹

۸- عمل انسان ، تعیین کننده سرنوشت وی در قیامت است .

یوم . .. تجدل عن نفسها و توفّی کلّ نفس ما عملت

۹- دفاع انسان از کرده های خویش در قیامت ، هیچ تأثیری در سرنوشت او ندارد .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

و توفّی کلّ نفس ما عملت

خداوند، عمل انسان را میزان تعیین کیفر و پاداش و مؤثر در سرنوشت او دانسته است (و توفّی کلّ نفس ما عملت) و این قرینه است بر این که دفاع آدمی از خویشتن، با توجیه عملکرد خود، بی ثمر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۷

۷- کردار انسان ، تعیین کننده سرنوشت اخروی او است .

تلک الجنّه . .. من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۱

۱ - سنگینی کفه ترازوی اعمال خود انسان ، تنها عامل مؤثر در سرنوشت وی در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأُولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۳

۳ - نقش اساسی ایمان و عملکرد انسان ، در رقم خوردن سرنوشت ابدی اش

فمن ثقلت موزینه فأُولئک هم المفلحون . و من خفّت موزینه فأُولئک الذین خسروا أنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۵

۵ - پاسخ مثبت یا منفی آدمیان به دعوت پیامبران ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

و یوم ینادیهم فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۸

۸ - عمل و عقیده انسان ، در سرنوشت اخروی ، نقش بسیار مهم و مؤثری دارد .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا. ..خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴

– لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۲۱

۲۱ – اَعمال دنیوی انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنها است .

ثمّ إلیّ مرجعکم فأُنبّئکم بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۸ – ۶

۶ – روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۵

۵ – رفتار انسان ها در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت آنان در آخرت است .

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۲ – ۱۱

۱۱ – رفتار و آثار برجای مانده از انسان در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت اخروی او است .

إنّا نحن نحی الموتی و نکتب ما قدّموا . .. أحصینه فی إمام مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۵ – ۴

۴ – رفتار و کردار انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنان است .

و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۵

۵ – انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا

فی الغبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶۳ – ۳

۳ – نقش اختیار و انتخاب انسان ، در بدفرجامی و دوزخی شدن خود

إلاّ من هو صال الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۱۲

۱۲ – سرنوشت حیات اخروی انسان ، به دست خود او است .

و قیل للظلمین ذوقوا ما کنتم تکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۸ – ۶

۶ – سرنوشت انسان در قیامت ، در گرو نوع تلاش و چگونگی رفتار او در دنیا است .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۵

۲۵ – موضع گیری انسان ها در برابر وحی ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

کذلک أوحینا . .. فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۶

۶ – عملکرد انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت آنان در آخرت

ترى الظلمين مشفقين ممّا كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۶ - ۴

۴ - اتکا بر قدرت های غیر الهی ، نافرجام و بی ثمر در سرنوشت اخروی انسان است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون اللّه

آیه شریفه هشدار به کسانی است که ولایت غیر الهی را پذیرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۵ - ۷۶

۵ - انسان ، خود تعیین کننده سرنوشت اخروی خویش است .

و ما ظلمنهم و لکن کانوا هم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۲

۲- سرنوشت انسان در قیامت ، تنها در گرو عملکرد خود او است .

یوم لایغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۶

۶ - سرنوشت اخروی بشر ، در گرو رفتار و کردار دنیوی او است .

إنّ المتّقین فی ظلل . .. هنیئًا بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۳

۳ - سرنوشت انسان در آخرت ، براساس کردار او در دنیا است .

جزاء وفاقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۹ – ۲

۲ – تأثیر نیت ها و حالات درونی انسان ، بر سرنوشت او در قیامت

یوم تبلی السرائر

اختبار و آزمودن سریره ها، دلالت بر تأثیر نیک و بد آنها در کیفر و پاداش اعمال دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۷ – ۳

۳ – سرنوشت هر کس در آخرت ، وابسته به کردار او در دنیا است .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۳

۳ - سرنوشت هر کس در آخرت ، وابسته به کردار او در دنیا است .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

عوامل مؤثر در سرنوشت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۷

۷- رشد اقتصادی و نیروی انسانی و توازن و همپایی آن دو ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت ملتها

و أمددنکم بأمول و بنین

در کنار هم یاد شدن <مال> و <فرزند> نشانگر آن است که قرین بودن این دو با یکدیگر، در غلبه ملتها بر دشمنان خویش نقش آفرین است.

عوامل مؤثر در سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۵

۵- نقش مهم رهبران و پیشوایان در سرنوشت امتها

یوم ندعوا کلّ أُناس بإممهم

تشخص یافتن پیشوایان در میان مجموعه های بشری برای پاسخ گویی و ارزشیابی اعمال امتها، می تواند بیانگر معنای فوق باشد.

عوامل مؤثر در سرنوشت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۳

۱۳ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ و سرنوشت امت ها

و لو أنّا أهلکنهم

عوامل مؤثر در سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . .. و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله <لایفقهون بها> و

نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۶

۶ - رفتار انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنان است .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

عوامل مؤثر در سرنوشت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - گفتار ها ، دارای نقشی بسیار مؤثر در سرنوشت انسان و کسب رضایت و یا سخط خداوند

لاتنفع الشفعه . .. و رضی له قولاً

عوامل مؤثر در سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . .. و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله <لایفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

عوامل مؤثر در سرنوشت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۸

۸ – شکست و پیروزی روم ، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است .

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیـان شـکست رومیـان مسـیحی در برابر ایرانیـان و نیز پیشـگویی شـکست ایرانیـان از رومیان و سـرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می

کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

عوامل مؤثر در سرنوشت مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۸

۸ - شکست و پیروزی روم ، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است .

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیان شکست رومیان مسیحی در برابر ایرانیان و نیز پیشگویی شکست ایرانیان از رومیان و سرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

غفلت از سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۹

۹ همواره مردم بسیاری از آیات و نشانه های خداوند و سرگذشت پندآموز اقوام پیشین ، در غفلت هستند .

لتکون لمن خلفك ءایه و إن کثیراً من الناس عن ءایتنا لغفلون

قانونمندی سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۲

۲ - سرنوشت امت های کفرپیشه و هلاکت و بقای آنان ، دارای سنت ها و قوانین معین و زمان های مشخص

کم أهلکنا قبلهم . .. و لولا کلمه سبقت من ربّك لکان لزامًا

به قرینه آیه قبل که در باره هلاکت جوامع کفرپیشه است، مفاد <لولا کلمه. ..> این است که خداوند، زمان عذاب کافران و نیز دیگر معیارهای آن را مشخص ساخته و آنها را از پیش تعیین کرده است.

محمد(ص) و سرنوشت اقوام پیشین

- فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۲

۲ خداونـد ، گوشه هـایی از سـرگذشت اقوام به هلاـکت رسـیده و آبـادی هـای تخریب شـده بـا عـذاب را برای پیامبر (ص) گزارش می کرد .

ذلک من أنباء القری نقصه علیک

مطالعه در سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ مطالعه در سرگذشت بیدادگران تاریخ و فرجام شوم آنان ، امری ضروری و مایه عبرت است .

فانظر کیف کان عقبه الظلمین

مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ لزوم دقت در سرنوشت پیشینیان و دریافت علل هلاکت آنان ، به منظور درس آموزی و عبرت گیری

مثل ما أصاب قوم نوح . .. و ما قوم لوط منکم ببعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ لزوم مطالعه تاریخ پیشینیان و عبرت آموزی از فرجام آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۵

۵ - لزوم مطالعه و کنکاش در سرنوشت اقوامِ عذاب شده و به هلاکت رسیده تاریخ

ألم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون أنّهم إلیهم لایرجعون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد تشویق مردم به مطالعه و دقت در سرنوشت اقوام عذاب شده پیشین و عبرت گرفتن و درس آموختن از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۲ – ۱

۱ – تشویق جهـان گردی و سـیر در زمین از سوی خـدا ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سـرگذشت پیشـینیان و آثار به جای مانده از تمدن و قدرت آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

مطالعه سرنوشت ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۳

۳ – مطالعه در سـرگذشت جوامع بی دادگر و کفرپیشه تاریخ و مشاهده شهر ها و سرزمین های ویران شده آنها (شهرهایی که با عذاب قهر الهی زیرورو شدند) بستری مناسب برای عبرت گرفتن و زمینه ای کارساز برای بیداری دل ها

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون . ..و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

منشأ تعیین سرنوشت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۲ – ۱

۱ – سرنوشت انسان در قیامت و تعیین جایگاه وی (بهشت یا دوزخ) ، تنها در اختیار خداوند است .

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

کلمه <مسـتقرّ> می تواند مصدر میمی باشد; یعنی، <اسـتقرار الإنسان یوم القیامه ینتهی إلی حکم ربّک و مشیئته> و نیز می تواند به معنای مکان استقرار باشد; یعنی، تعیین قرارگاه انسان (بهشت یا جهنم) تنها به حکم و فرمان خدا بازمی گردد. گفتنی است تقدیم <إلی ربّک> (خبر) بر <مستقر> (مبتدا) افاده حصر می کند.

منشأ سرنوشت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ – سرنوشت اخروی هر کس ، به دست خود او رقم

می خورد .

یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه

منشأ سرنوشت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۵

۵ - تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل ربّک

منشأ سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۳

۳ - مشیت خداوند ، تعیین کننده سرنوشت نهایی انسان

یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

فاعل <یشاء> همان فاعل <یغفر> و <یعذّب> است و ضمیر فاعل به خداوند بازمی گردد.

منشأ سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

منشأ سرنوشت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۶ – ۵

۵ – تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل ربّک

نقش سرنوشت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷ – ۷

۷ سرگذشت انسانها ، شکل دهنده ماهیت و حقیقت آنهاست .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

نیاوردن کلمه <قصه> در جمله <لقد کان فی یوسف . ..>

با اینکه مراد از آن <فی قصه یوسف ...> است می توانـد اشاره به این معنا باشد که سـرگذشت انسانها ، شـکل دهنده ماهیت آنان است ; یعنی ، انسان همان سرگذشت اوست.

نگرانی از سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۲

۲- همه انسان ها نسبت به سرنوشت خویش در قیامت ، نگرانند .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

مجادله و دفاع کردن هر کسی از خویشتن، دلیل نگرانی افراد در روز قیامت است.

نگرانی از سرنوشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) بـا نـام نبردن از یوسف(ع) و یـاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

وقت تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۶

۶- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

بـا این که در معنای آیه شـریفه، احتمال های مختلفی رخ می نمایـد; اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شـده است. به علاوه

که ارتباط این آیه با وصف <مبارکه> در آیه قبل، مؤید آن است.

سرور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سرور

آثار افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۵ – ۱،۳

۱ – شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تمرحون

<با> در <بما کنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

۳ – افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذّبوا بالکتب . .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

آثار سرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۷ – ۶

۶ سرورآفرینی گیاهان در روح انسان ، زمینه اندیشیدن وی به پدیدآورنده آن

أفلم ینظروا . .. و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۳ – ۳

۳ – شادی و حزن ، دو رکن اصلی در مسیر تربیت انسان *

و أنّ إلی ربّک المنتهی . و أنّه هو أضحک و أبکی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <ربّ> و اسناد دادن شادی ها و غم های انسان به

خداوند، بدان معنا باشد که انسان در شادی و غم، می تواند مسیر تربیت الهی را بپیماید.

آثار سرور اخروی اصحاب یمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۲

۲ – وضع و حال خوش اصحاب الیمین در سرای آخرت ، مایه شادمانی پیامبراکرم (ص)

فسلم لک من أصحب الیمین

برداشت یاد شده بر این احتمال است که خطاب <سلام لک>، متوجه شخص پیامبر(ص) باشد.

آثار سرور بیجا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۴ – ۴

۴ – جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إنّه کان فی أهله مسرورًا . إنّه ظنّ أن لن یحور

حرف <إنّ> در <إنّه ظنّ>، برای بیان علت سُروری است که در <کان فی أهله مسروراً> بیان شده است.

اجتناب از افراط در سرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۷ – ۱،۲

۱– خداوند ، فراخوان مردمان به پرهیز از راه رفتن مغرورانه و برخاسته از خوشی و سرمستی فراوان

و لاتمش فی الأرض مرحًا

<مرح> به معنی شدت خوشحالی و بیش از اندازه است (مفردات راغب و لسان العرب).

۲– پرهیز از هرگونه تکبر و خوشی و سرمستی افراطی ، امری لازم و واجب است .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

برداشت یاد شـده، بر این اساس است که مراد از <لاتمش> احتمال دارد رفتار باشـد که شامل همه حالتهای انسان می شود و نه راه رفتن

ارزش سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۳ – ۴

۴ – شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است; تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

ارزش سرور دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۳ – ۴

۴ – شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است; تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

اظهار سرور از شرح صدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۱ – ۳

۳ – شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أمّا بنعمه ربّک فحدّث . بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألم نشرح لک صدرک

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره، دنباله سوره قبل و متّحد با آن است. بر این اساس مفاد

آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله <بسم اللّه الرحمن الرحیم> ارتباط را قطع نمی کند; بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

اعتدال در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۲

۲ - سرور و شادمانی به حق و به دور از افراط و سر مستی ، امری مقبول و مجاز

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ

برداشت یاد شده از قید <بغیرالحقّ> برای فرح و سرور مذموم، به دست می آید.

افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۶

۶ حالات روحیو روانی انسان (ناامیدی ، شادمانی مفرط ، تکبر و . . .) حتی باکمترین سختیو رفاه تغییرپذیر است .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه لیئوس کفور. و لئن أذقنه نعماء ... إنّه لفرح فخور

انسان هنگام سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ - انسان ، گرفتار تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها و إن تصبهم سیّئه . ..فإنّ الإنسن کفور

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند; گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است; ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می

کند.

اهمیت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۶

۶ برجای ماندن خاطره ای سرورانگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لاوّلنا و ءاخرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

بشارت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

بی ارزشی سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۴

۴ - ناچیز و بی ارزش بودن ثروت ها و خوشی های دنیا ، در مقابل رهایی از عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لأفتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۵

۵ - روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جایگاه سرور

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۷

۷ – < دل > کانون عواطف و احساسات آدمی و مرکز بیم ، اندوه ، امید و شادمانی وی

و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا

زمینه سرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶ – ۱

۱– بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

زمینه سرور اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۱

۱ – پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را سخت شادمان می کند .

فسلم لک من أصحب الیمین

در عبارت <سلام لک> چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که <سلام> معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. <لام> در <لک> نیز برای اختصاص و خطاب <لک> به فرد معینی نباشد.

زمینه سرور اخروی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۲

۲ – وضع و حال خوش اصحاب الیمین در سرای آخرت ، مایه شادمانی پیامبراکرم (ص)

فسلم لک من أصحب اليمين

برداشت یاد شده بر این احتمال است که خطاب <سلام لک>، متوجه شخص پیامبر(ص) باشد.

زمینه سرور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۸

۸ - انسان ، گرفتار سرخوشی به هنگام برخورداری از کمترین رفاه و

نعمت های دنیوی

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها

<إذاقه> (مصدر <أذقنا>) به معنای چشاندن است. این تعبیر در موردی به کار می رود که بهره کمی از چیزی گرفته شود.

زمینه سرور مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسّرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی و قرّی عینًا

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

سرزنش افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۴

۴ تکبر ، فخرفروشی و شادمانی مفرط بر اثر رسیدن به رفاه و آسایش ، رذایلی ناپسند و نکوهیده

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

آیه بعد (إلاّ الذین . ..) گویای این است که هدف قرآن از بیان خصلتهای یاد شده برای انسان (یؤوس ،کفور و ...) مجرد

اخبار از چنین صفاتی برای او نیست; بلکه در مقام مذمت و نکوهش از انسانی است که چنین حالاتی را داراست.

سرزنش سرور برای امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۳ - ۲

۲ - انسان ، در برابر برخورداری ها و بهره مندی ها ، نباید شادمانی کند .

و لاتفرحوا بما ءاتیکم

سرور اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - ابرار ، دارای رخساری شاداب و قلبی پرسرور در قیامت

و لقّیهم نضره و سرورًا

<نضره>به معنای حسن و زیبایی است و چون ابرار در مقابل کافرانی قرار دارند که چهره آنان بر اثر مشکلات قیامت عبوس و در هم کشیده است; مقصود از <نضره> تابناکی چهره ابرار از نعمت های الهی خواهد بود; چنان که در آیه ۲۲ سوره قبل (قیامت) چنین آمده است: <وجوه یومئذ ناضره>.

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلك الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریع این آیه بر آیه قبل است; یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند; روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

سرور اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۱ – ۳

۳ – اصحاب

الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت <و ماء مسکوب> به تقدیر <هم فی ماء مسکوب> است; یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۳

۳ - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. و ینقلب إلی أهله مسرورًا

سرور اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره

و پوست صورت را شکفته سازد.

سرور اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

سرور اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

سرور اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۸،۹

۸ - پرهیزگاران با چهره ای سرشار از شادی و سرور ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم تحبرون

<حبر> (مصدر <تحبرون>) به معنای شادمان شدن و سروری است که اثر آن در چهره نمایان گردد.

۹ - راه یابی تقواپیشگان به بهشت ، همراه با همسران دنیایی خود ، مایه شادمانی عمیق آنان

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجكم تحبرون

بنابراین که شادمانی بهشتیان به واسطه آن باشد که در بهشت نیز با همسرشان همدم خواهند بود; برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۱

۱ – رهنمون شدن متقین در قیامت ، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. ادخلوها بسلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۱

۱ – شادمانی تقواپیشگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

<فاکه> (از مصدر <فکاهه>) به معنای شادمان است.

سرور اخروی متنعمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۹ – ۱

۱ – بهره منـدان از ناز و نعمت آخرت ، از تلاش های خویش در دنیا ، به وجـد آمـده و نسـبت به آن احساس رضایت خواهند کرد .

لسعیها راضیه

سرور اخروی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۶ – ۵

۵ نیکوکاران در سرای آخرت همواره شادمان ، بانشاط ، گرامی و عزیز خواهند بود .

للذین أحسنوا . .. و لا یرهق وجوههم قتر و لا ذله

<رهق> به معنـای پوشانـدن و <قتر> به معنای دود سـیاه و <ذله> مقابل <عزت> به معنای خفت و خواری است ; یعنی، بر چهره نیکوکـاران غبـار غم و انـدوهِ خواری نخواهـد نشـست و این کنـایه است از اینکه، آنان همواره شاد و همه جا ارجمند خواهند بود.

سرور اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی

روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۷

۷ - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۱

۱ - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<نضره>در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحیط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۴

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشّاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه . .. ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئک هم الکفره الفجره)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزه اند.

سرور اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۶

۶ پیروی کنندگان از رهنمود ها و هدایت های الهی ، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت .

فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

کلمه <خوف> (ترس و نگرانی) نکره است و

چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند; یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین <ولاهم یحزنون> یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

سرور از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۹

۹ احساس شادمانی و نشاط روحی پس از شنیدن آیات قرآن ، نشانه تکامل و ازدیاد ایمان

فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

سرور از رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۷

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

سرور از مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۳

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سرور از مخالفت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۳

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سرور از وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۷

۷ خدافراموشان، شادمان از

فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

سرور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۵،۱۰

۵ - انسان ها ، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران ، بدون توجّه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد های مخرّب ، ناسپاس می گردند !

فإذا أصاب به من یشاء من عباده . .. یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا ... یکفرون

<یکفرون> به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا ... من بعده یکفرون

سرور برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای باز گردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

<ما> در <ما نبغی> استفهامیه و مفعول برای نبغی است. <بغی> به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله <ما نبغی> ; یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

سرور برای امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۳ - ۸

۸ – غمگین شدن در

ناملایمات و شادمانی کردن در برخورداری ها ، نشانه بی اعتقادی به تقدیر الهی است .

لکیلاتأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما ءاتیکم

<أسی> (مصدر <تأسوا>) به معنای اندوهگین شدن و <فرح> (مصدر <لاتفرحوا>) به معنای شادمانی کردن است. بنابراین <لاتأسوا>; یعنی، غمگین نشوید و <لاتفرحوا>; یعنی، شادمانی نکنید; زیرا آنچه به شما می رسد چه خوب و چه بد قبلاً تعیین شده است.

سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطهور خواهند بود .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل

<شغل> به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد; یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

۲ - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

<فاکهون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکهون> خبر دوم برای <إنّ> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۰ - ۱

۱ - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت

الطرف عين ... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

سرور جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۲

۲ - سرور و شادمانی به حق و به دور از افراط و سر مستی ، امری مقبول و مجاز

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ

برداشت یاد شده از قید <بغیرالحقّ> برای فرح و سرور مذموم، به دست می آید.

سرور حزب گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - هر حزب و دسته ای ، تنها به آنچه خود باور دارد ، دل خوش و مسرور است .

کلّ حزب بما لدیهم فرحون

سرور خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵ - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار باز گو کردن و اظهار خرسندی است .

وامّا بنعمه ربّك فحدّث. .. و رفعنا لك ذكرك

سرور در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیك كردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

سرور در رفاه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا ... من بعده یکفرون

سرور دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرّمی داشتند .

یدعوا ثبورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

سرور ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

سرور سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۴

۴ - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحکًا من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشکر

سرور صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۸

۸ – فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تتنزّل علیهم الملئکه ألاّتخافوا و لاتحزنوا

سرور ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۳ – ۷

۷ کامیابی خودکامگان و

بیدادگران ، محدود به زندگی زودگذر دنیوی است .

إذا هم یبغون فی الأرض بغیر الحق . .. متع الحیوه الدنیا

سرور غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۹،۷

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

۹ عذاب ناگهانی غافلان از خداوند و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

سرور قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۱

۱- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۹

۹- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون . ..> بیانِ علّت <أخسرین> بودن کافران است; زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده،

از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش برنیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان

، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

<فَکِه> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

سرور متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۲

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سرور محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

کذلک سخّر لکم . .. و بشّر المحسنین

سرور مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت

را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس

است.

سرور مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۷

۷ کامیابی خودکامگان و بیدادگران ، محدود به زندگی زودگذر دنیوی است .

إذا هم یبغون فی الأرض بغیر الحق . .. متع الحیوه الدنیا

سرور مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۹

۱۹- علم ، مقدمه هدایت و هدایت ، زمینه ساز جلب رحمت الهی و رحمت ، موجب بشارت و سرور مسلمانان حقیقی است .

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ترتیب در آیه، ترتیب رتبی باشد; یعنی، هر یک از آنها مقدمه دیگری باشد.

سرور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۹

۹ - گروه های مختلف مشرکان ، به روش و آیین مخصوص خویش ، شادکام و مسرور بودند .

کلّ حزب بما لدیهم فرحون

مراد از <کلّ حزب> به قرینه <فرّقوا> و <شیعاً> ممکن است همان مشرکان باشند.

سرور منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴

۴ مباهات و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱

۱ رضا و شادمانی منافقان از

نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

سرور منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۲

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سرور موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۸

۸ - فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تتنزّل علیهم الملئکه ألّاتخافوا و لاتحزنوا

سرور مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز ، دارای آینده ای سعادتمند و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشّر المخبتین

سرور مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۵،۶

۵ – قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . .. و یومئذ یفرح المؤمنون

۶ – پیروزی رومیان بر ایرانیان ، عاملِ سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵ – ۲

۲ – برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبردِ پیروزمندِ خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر اللّه

<بنصر اللّه> می تواند متعلق به <یفرح> در آیه

قبل باشد; یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

سرور ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۹

۹ - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۷ - ۵

۵ - شادی و یأس بی جهت ، به هنگام برخورداری و تنگنا ، با توجّه به خدادادی بودن امکانات ، بی معنا است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها . .. و إن تصبهم سیّئه ... إذا هم یقنطون . أَوَل

استفهام در <اَوَلم یروا> انکاری است; یعنی: <آنان، غفلت کردند و ندیدند. >. بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلیِ بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و یأس بیجا، دور می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۴

۴ - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی است .

و تضحکون و لاتبکون

سرور همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ -

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

شکر هنگام سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملایمات زندگی

و إنّا إذا أذقنا . .. فإنّ الإنسن کفور

صابران و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلّا الذین صبروا و عملوا الصلحت

عوامل تعدیل سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۷

۷ توجه به شدت حرارت آتش دوزخ ، عامل خشنودی اندک انسان و گریه طولانی وی در دنیا و بیم او بر فرجام خویش

قل نار جهنم أشد حراً . .. فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

عوامل

سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۵

۵ - گاوی که دارای رنگ زرد خالص باشد ، مایه جلب نظر بینندگان شده و مایه مسرت آنان خواهد شد . *

إنها بقره صفراء فاقع لونها تسرّ النظرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تسرّ الناظرین> قید توضیحی باشد نه احترازی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۳

۳ انسان ، پس از گذر از محنت ها و دستیابی به موهبت های دنیوی ، به شادمانی بسیار ، تکبر و فخرفروشی مبتلا خواهد شد .

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

جمله <إنه لفرح فخور> جمله مستأنفه است و بیانگر بازتاب معنایی است که از <لیقولنّ . ..> استفاده می شود; یعنی ، انسان می پندارد که مشکلات بر او روی نخواهد آورد; در نتیجه بی اندازه شادمان می شود و فخرفروشی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۹

۱۹- علم ، مقدمه هدایت و هدایت ، زمینه ساز جلب رحمت الهی و رحمت ، موجب بشارت و سرور مسلمانان حقیقی است .

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی و رحمه

و بشری للمسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ترتیب در آیه، ترتیب رتبی باشد; یعنی، هر یک از آنها مقدمه دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۴

۴- فرزنددار شدن ، مایه روشنایی چشم و قرار دل مادر است .

و قرّی عینًا

جمله <قرّی عیناً> می تواند مستقل از جملات قبل باشد; در این صورت به قرینه سیاق با اصل پیدایش فرزند، مرتبط خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲،۳،۵

۲ همسران شایسته ، مایه سرور و روشنی چشمان یکدیگر

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا . .. قرّه أعین

۳ فرزندان صالح ، مایه سرور و روشنی چشمان پدران و مادران

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من . .. ذرّیّتنا قرّه أعین

۵ همسر و فرزند ، مایه سرور و روشنی چشمان انسان است .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱،۹

۱ - انسان ها ، به هنگام برخورداری از اندک رحمتی ، شادمان ، به هنگام مواجهه با کمی ناگواری ، مأیوس و ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. یقنطون

<قنـوط> در لغت، به معنـای <یـأس از خیر> است (مفردات راغب). <ذوق> به معنـای <چشـیدن و خوردن بسـیار کم> استعمال می شود. کاربرد <أذقنا> به جای هر واژه دیگر، می تواند به منظور یاد شده باشد. لازم به ذکر است که تنوین

<رحمه> و< سیّئه> تنکیر و برای قِلّت است.

۹ - دل خوش شـدن به مظـاهر مـادی دنیـا ، به هنگـام برخورداری از آنهـا ، و مأیوس شـدن از رحمت خـدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - بارش باران موجب شادمانی برخورداران از آن می شود .

فإذا أصاب به من یشاء من عباده إذا هم یستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۲

۲ - بارش باران پس از مدت ها انتظار و مأیوس شدن انسان ها از آن ، خوشحالی فوق العاده ای در پی دارد . *

إذا هم یستبشرون . و إن کانوا ... لمبلسین

احتمال دارد تکرار <من قبل> به منظور بیان طولانی بودن نباریـدن باران و ناامیدی عمیق مردم باشد. در این صورت، کیفیت خوشحالی، تابع مقدار ناامیدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۵

۵ - انسان ها ، به محض مشاهـده باد های نوید بخش باران ، بدون توجّه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد های مخرّب ، ناسپاس می گردند !

فإذا أصاب به من یشاء من عباده . .. یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا

... یکفرون

<یکفرون> به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۳

۳ - حیات جاودانه از خواسته ها و آرزو های انسان ها و دستیابی به آن ، مایه سرور و شادمانی آنان

أفما نحن بمیّتین . إلاّ موتتنا الأُولی و ما نحن بمعذّبین

شگفتی از نمردن و جاودانه زیستن و اظهار سرور و خوشحالی کردن از دستیازی به حیات جاودانه، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن بهشتیان دستیابی به حیات ابدی را فوز بزرگ می شمرند (إنّ هذا لهو الفوز العظیم)؛ مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - یاد خدا ، آرام بخش جان ها و سرور قلب ها است .

ثمّ تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۴،۷

۴ رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین ، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است

.

و أنبتنا فيها من كلّ زوج بهيج

۷ هدایت گری مظاهر هستی به سوی خداوند ، آمیخته با زیبایی و سرورآفرینی

بنینها و زیّنّها . .. من كلّ زوج بهيج

خداونـد در این آیه هـا، نمودهـای علم، قـدرت و نشـانه هـای وجود خویش را گـاه به زینت و زیبایی توصـیف کرده و گاه به بهجت و سرورآفرینی. این می نمایاند که کار هدایت، باید با جاذبه و شور و شوق انجام گیرد; نه تحمیل و خشونت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشّروه بغلم عليم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

عوامل سرور آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۸

۸ - از دیدگاه آسـیه ، نگه داری موسـی (ع) پرکننده خلأ بی فرزندی ، مایه روشـنی دیدگان و ارمغان آور سـرور و شادمانی برای وی و فرعون بود .

و قالت . .. قرّت عين لی و لک ... عسى أن ينفعنا أو نتّخذه ولدًا

عوامل سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۲

۲ - آخرت طلبی و دل نبستن به دنیا ، موجب سرور و تابناکی چهره ها در قیامت

وجوه یومئذ ناضره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر جایگاه اخروی کسانی است که در قطب مخالف

دلبستگان به دنیا قرار دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۱ – ۴،۵

۴ – ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرّمی رخسار و شادمانی دل

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم و لقّیهم نضره و سرورًا

۵ – وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّما نطعمکم لوجه اللّه ... فوقیهم اللّه ... و

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

عوامل سرور اصحاب یمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۹ – ۱

۱ – اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا

عوامل سرور بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۸ – ۲

۲ – بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیّتین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۹ – ۲

۲ – سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستنن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلاّ موتتنا الأُولی و ما نحن

بمعذّبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۷

۷ - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فکهین بما ءاتیهم ربّهم و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۳ - ۲

۲ - سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها کأسًا

عوامل سرور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلّا ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

عوامل سرور ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۴،۵

۴ همسر ابراهیم ، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاك سازی قوم لوط) شادان و خندان

شد .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق از تفریع جمله <ضحکت> به وسیله حرف <فاء> بر <إنا أُرسلنا. ..> در آیه قبل استفاده شده است; یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهکار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

۵ احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله <فضحکت> تفریع بر <لاتخف إنا اُرسلنا إلی قوم لوط> باشد.

عوامل سرور فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۸

۸ - از دیدگاه آسیه ، نگه داری موسی (ع) پرکننده خلأ بی فرزندی ، مایه روشنی دیدگان و ارمغان آور سرور و شادمانی برای وی و فرعون بود .

و قالت . .. قرّت عین لی و لک ... عسی أن ینفعنا أو نتّخذه ولدًا

عوامل سرور قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۹

۹ - شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الکنوز . .. إذ قال له قومه لاتفرح

عوامل سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۲

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

یضحکون . .. یتغامزون . و إذا انقلبوا

إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در ایـن برداشت، <فَكِه> به معنـای <مرد خـوش دل و خنـدان> دانسـته شـده است. تكرار <انقلبـوا> در آیه شـریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت كافران به خانه خویش است.

عوامل سرور كشاورزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - بارش باران و سرسبز شدن مزارع ، برانگیزاننده شگفتی كشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

كمثل غیث أعجب الكفّار نباته

<اعجاب> (مصدر <أعجب>) به معنای به شگفتی واداشتن است و <كافر> (مفرد <كفّار>) در این جا به معنای كشاورز می باشد.

عوامل سرور مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور كودك در كنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلى أُمّه كی تقرّ عینها و لاتحزن

عوامل سرور مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۷

۷ - شادی كردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنه إلى أُمّه كی تقرّ عینها و لاتحزن

كلمه <كی> به اصطلاح، <تعلیلیه> و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو

هـدف اشاره شـده است: الف) شاد شدن مادر موسـی و زدودن غم و اندوه ناشـی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به وعده خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعده های الهی. برداشت یاد شده بیان

مضمون هدف نخست است.

عوامل سرور مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أُنزل إلیک

جمله <و من الأحزاب . ..> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین ... یفرحون> همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

عوامل سرور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۶

۶ - مشرکان ، با برخورداری از امکانات اندک ، شادمان شده و با اندک گرفتاری ، ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه. .. یقنطون

ممکن است به قرینه آیات پیش که درباره مشرکان است <ال> در <الناس> عهد و مراد از <الناس> مشرکان باشد. لازم به ذکر است که تنوین <سیّئه> تنکیر و برای قِلّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۵ - ۵

۵ - انبساط خاطر و شادمانی مشرکان به هنگام یاد شدن نام معبودهایی جز خداوند (معبود های ادعایی آنان)

و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یستبشرون

عوامل سرور مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ

و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

عوامل سرور مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- مشرکان مکه ، سرخوش از بیرون راندن پیامبر (ص) از سرزمین خویش

قریتک الّتی أخرجتک . .. زیّن له سوء عمله

مورد <سوء عمله> در آیه شریفه، همان اخراج پیامبر(ص) از سرزمین مکه است.

عوامل سرور مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۲

۲ مرگ و ذلت مشرکان متجاوز ، فرونشان شعله های خشم در سینه های مؤمنان صدر اسلام

قتلوهم یعذبهم اللّه . .. و یذهب غیظ قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا

عوامل سرور مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

عوامل سرور والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۵

۵ - فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرّت

عين لى و لك

عوامل سرور يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پيامبر (ص) مايه سرور و شادمانى گروهى از يهود و نصارا بود .

والذين ءاتينهم الكتب يفرحون بما أُنزل إليك

جمله <و من الأحزاب . ..> (برخى از يهود و نصارا بخشى از قرآن را نمى پذيرنـد) حكايت از آن دارد كه مراد از <الـذين ... يفرحون> همه يهود و نصارا نيستند. از اين رو در برداشت سرور و شادمانى به گروهى از آنان نسبت داده شد.

كمى سرور دنيوى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۵

۵ خوشى هاى دنيا در مقايسه با رنج هاى اخروى براى گناهكاران بسى ناچيز است .

فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

كمى سرور گناهكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۵

۵ خوشى هاى دنيا در مقايسه با رنج هاى اخروى براى گناهكاران بسى ناچيز است .

فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

كمى سرور منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱،۲

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فلیضحکوا> در مورد دنیا و <و لیبکوا> در مورد آخرت باشد.

۲ شادی اندک و رنج طولانی منافقان در دنیا ، بازتاب عملکرد آنان و کیفر الهی برای

ایشان

فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً جزاء بما کانوا یکسبون

برداشت فوق بدین احتمال است که خنده و گریه در <فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً> هر دو مربوط به دنیا باشد.

متخلفان از جهاد و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۴

۴ متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ; بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون . .. فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

محرومیت از سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۲

۲ - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إنّه کان فی أهله مسرورًا

مقایسه دو تعبیر <ینقلب إلی أهله> (در آیات پیشین) و <کان فی أهله>، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

منشأ سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۵

۵ - زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنبتنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۱

۱ - اراده الهی ، حاکم بر حالات شادی و غم انسان

و أنّه هو أضحک و أبکی

ناپایداری سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۴،۵

۴ - دنیا و شادی های آن ، جاودانه نیست و دگرگون خواهد شد .

إنّه کان فی أهله مسرورًا . إنّه ظنّ أن لن یحور . بلی

۵ - خداونـد ، آگـاه به وجود نشـیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایـدار مانـدن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد; ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

ناپایداری سرور دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۳

۳ - شادی های دنیایی کافران ، شایسته دل بستگی نبوده و پایدار نخواهد ماند .

إنّه کان فی أهله مسرورًا

نعمت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

سست ایمانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سست ایمانان

آثار اذیت سست ایمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۰ – ۳

۳ – برخی از مدّعیان ایمان ، به قدری ایمان شان سطحی و سست است که با فتنه و آزارِ مردمان ، از دین ، دست می کشند .

و من الناس من یقول ءامنّا باللّه فإذا

أوذی فی اللّه جعل فتنه الناس کعذاب اللّه

آثار عجز سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محکمه و . .. ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از ارتباط <سوره محکمه> با <ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت>، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که به گونه ای قابل توجیه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند; اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

ادعای سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۹

۹ - عناصر سست ایمانِ عافیت طلب ، با مشاهده پیروزی مؤمنان ، مدعی همراهی دیرینه با مؤمنان اند .

و لئن جاء نصر من ربّک لیقولنّ إنّا کنّا معکم

اضطراب سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- انسانِ منافق و سست ایمان ، ناتوان از پنهان داشتن همیشگی تزلزل درونی خویش

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از این که انسانِ بیماردل سست ایمان، از آیات جهاد به وحشت می افتد و این نگرانی در سیمایش ظاهر می شود، مطلب بالا به دست می آید.

بینش سست ایمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد –

۹ - ۲۰ - ۴۷

۹- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

تعبیر <المغشیّ علیه من الموت> و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسانِ سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند; چنان که محتضر نیز چنین است; در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۶

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلانِ سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . .. إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان اختمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد; زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند; ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شمایید که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

ذلت سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محکمه و . .. ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از ارتباط <سوره محکمه> با <ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت>، می توان استفاده

کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که به گونه ای قابل توجیه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند; اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

زمینه تشخیص سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- آیات جهاد و تکالیف دشوار دین ، زمینه ساز شناسایی منافقان و سست ایمان ها

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظر

سختی مرگ سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱

۱- سست ایمان های همدل با کافران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فکیف إذا توفّتهم الملئکه

سست ایمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

سست ایمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱

۱ - وجود برخی از عناصر مذبذب و هرهری مذهب در جمع

مسلمانان صدراسلام

و من الناس من یعبد اللّه علی حرف فإن أصابه خیر اطمأنّ به و إن أصابته فتنه انقلب

<حرف> به معنای طرف و کنار است. <علی حرف> متعلق به عامل مقدر و حال از ضمیر مستتر در <یعبد> است.;یعنی، <و من الناس من یعبد اللّه حال کونه علی طرف من الدین>. آیه فوق، خبر از عناصری از اهل شرک می دهد که همراه با اضطراب، تشویش، دودلی و تردید وارد جبهه توحید و یکتاپرستی (اسلام) می شدند. آنان مانند کسی هستند که در کنار معرکه چشم به راه می نشیند; اگر دید جنگجویان دارند پیروز می شوند، وارد معرکه می شوند; اما اگر احساس کرد که آنها شکست می خورند، فرار می کند. عناصر فوق نیز اگر به مال و منالی دست می یافتند، شادمان می شدند و پا بر جا می ماندند; اما اگر اتفاقاً مواجه با ناملایمات و سختی ها می شدند، از جبهه توحیدی روی بر می تافتند و به آیین سابقشان (شرک) باز می گشتند.

عجز سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- انسانِ منافق و سست ایمان ، ناتوان از پنهان داشتن همیشگی تزلزل درونی خویش

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از این که انسانِ بیماردل سست ایمان، از آیات جهاد به وحشت می افتد و این نگرانی در سیمایش ظاهر می شود، مطلب بالا به دست می آید.

محرومیت سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی

، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

مشکلات زندگی سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محکمه و . .. ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از ارتباط <سوره محکمه> با <ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت>، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که به گونه ای قابل توجیه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند; اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

نفرین بر سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمانِ بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

هشدار به سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، به مؤمنان عافیت طلب و دارندگان ایمان سطحی ، هشدار داده است .

و من الناس من یقول ءامنّا باللّه فإذا أوذی فی اللّه جعل فتنه الناس کعذاب اللّه .

سستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سستی

آثار سستی

در تبلیغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۷ – ۴

۴ – کوتـاهی در ابلاـغ رسالت الهی و عقب نشـینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین . و لایصدّنّک عن ءایت اللّه

توصـیه خداونـد به دست برنداشـتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

آثار سستی در تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۱۰

۱۰ پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترک ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

آثار سستی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

آثار سستی در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۹ – ۵

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً و یستبدل قوماً غیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن

، در پی دارنده سازشی خفّت بار ٭

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلی السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است; سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلّت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲۰

۲۰ - ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدراسلام در جنگ و جهاد ، موجب آزار دیدن پیامبر (ص) گردید .

یأیّها الذین ءامنوا لم تقولون . .. لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(ص) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(ص) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

آثار سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت ندادن به نماز و عدم مراقبت بر انجام به موقع آن ، نشانه ضعف ایمان

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم علی صلوتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۴

۴ - سهل انگاری در نماز ، نشانه ضعف ایمان

الذین

هم على صلاتهم دائمون . .. و الذين هم على صلاتهم يحافظون

آثار سستی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲۰

۲۰ - ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدراسلام در جنگ و جهاد ، موجب آزار دیدن پیامبر (ص) گردید .

یأیّها الذین ءامنوا لم تقولون . .. لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(ص) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(ص) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

آجتناب از سستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱،۴

۱ مجاهدان نباید در رویارویی و تعقیب دشمنان ، سستی نشان دهند .

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا . .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

ترک سستی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۶

۶ - لزوم برخوردی استوار و به دور از هرگونه ضعف

و سستی ، در مقام تبلیغ معارف دینی

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

ترک سستی در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۴ – ۹

۹ – لزوم پرهیز از ضعف و سستی ، در میدان مبارزه و جهاد

یقتلون فی سبیله صفًّا کأنّهم بنین مرصوص

حرمت سستی در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۹ – ۴

۴– ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه . .. فسوف یلقون غیًّا

چنان که گفته شد معنای <یلقون غیّاً> به قرینه <یدخلون الجنّه> (در آیه بعد) <یلقون جزاء غیّهم> است; که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

زمینه سازی سستی در دینداری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۶

۶– حرمت فراهم آوردن زمینه بی اعتقادی مردم نسبت به دین و ارزش های دینی

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که نهی از <حنث قسم> از آن جهت صورت گرفته که سبب سست شدن عقیده دیگران می شود و در ذیل آیه شریفه، این عمل <صد عن سبیل الله> و دارای <عذاب عظیم> شناخته شده است.

زمينه سستى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ خداوند به دليل آگاهيش بر عوامل اطمينان بخش قلب ها و علمش به زمينه هاى سستى آفرين

، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (ص) اندک نمایان ساخت .

و لکن اللّه سلم إنه علیم بذات الصدور

زمینه سستی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۹

۹- سست کردن ایمان مردم با سوء استفاده از مقدسات دین ، < صد عن سبیل الله > است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا . .. و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبیل الله

از اینکه خداونـد از حنث سوگنـد و فریب کاری، به سـد راه خـدا تعبیر کرد (بما صـددتّم عن سبیل الله)، اسـتفاده می شود که سست کردن ایمان مردم با حنث سوگند و فریب کاری، مصداق بارز سد راه خداست.

زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصـیه الهی به لزوم احسـان به والـدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیونـد و تمـایلی در وجود انسـان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه سستی در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۱

۲۱ - ضعف انسان در مرحله عمل ، ناشی از ضعف شناخت وی نسبت به خداوند

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

اعراب متخلف، در مرحله عمل، گرفتار گناه شدند; ولی خداوند آنان را به نکته ای

معرفتی، در زمینه شناخت حاکمیت مطلق اراده خویش تذکر داده است و این می نمایاند که مشکل اصلی، عدم معرفت بوده است.

زمینه سستی روابط عاطفی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۱۳

۱۳ انعطاف پذیری در برابر کافران و منکران دین ، سست کننده بنیان رحمت و مودّت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

این برداشت، وجه دیگر برداشت قبل است.

زمینه سستی عقیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۶ – ۹

۹ – تلاش برخی از اهل کتاب ، در ایجاد تزلزل اعتقادی در بین مسلمانان

و الذین یحاجّون فی اللّه

بنابراین که مراد از <الذین. ..> اهل کتاب و مقصود از <فی اللّه> دین خدا (اسلام) باشد، به دست می آید که برخی از اهل کتاب با ایجاد شبهه در باور مسلمانان، سعی در متزلزل ساختن اعتقاد آنان داشتند.

سرزنش سستی در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۴ – ۸

۸ – کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. کبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه یحبّ ... کأنّهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

سرزنش سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۹

۹ مذمت خداوند از کسالت در نماز و انفاقِ بدون میل و رغبت

لایأتون الصلوه إلا و هم کسالی و لاینفقون إلا و هم کرهون

سستی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۶ - ۲

۲ - آسمان پس از شکافته شدن در آستانه برپایی قیامت ، سست و نااستوار خواهد شد .

فهی یومئذ واهیه

<وهی> (ماده <واهیه>) به چیزی گفته می شود که رسته اش سست شده باشد.

سستی استحکامات بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محکم ترین دژ های ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهی ، ناپایدارند .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

سستی استخوان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱،۴

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سپیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیبًا

<عظم> به معنای استخوان است. <وهن العظم منّی>; یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه <شیباً> تمیز و به معنای سفیدی مو است و <اشتعال>، یعنی

آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله <اشتعل> از مادّه <شعل> سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد; در این صورت جمله <اشتعل ...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

۴- استخوان زکریای پیغمبر در اثر پیری ، سست شده بود .

إنّی وهن العظم منّی

سستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط <إن کنتم صارمین> برای تعلیق حقیقی نیست; زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند; بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

سستی خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱،۲،۶

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنکبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

۲ - انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

۶ - خانه عنکبوت ، بی بنیاد و سست ترین خانه ها است .

و إنّ أوهن البیوت لبیت العنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۲ – ۳

۳ – تشریح بی بنیادی

شرک همانند بی بنیادی خانه عنکبوت برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا . .. إنّ اللّه

سستی خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۳

۳ - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربّک . .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

سستی در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۳

۳ - انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

سستی در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و عنایت مجدّد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد استغفار ویژه ای است. این استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با <توّاباً>، به معنای درخواست رجوع مجدّد و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

سستی در تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶

- ۳۱ - ۱۶

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم ألا ساء ما یزرون

بنابراین که <ما در <ما فرطنا> موصوله و مرجع برای ضمیر <فیها> باشد.

سستی در حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و عنایت مجدّد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد استغفار ویژه ای است. این استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با <توّاباً>، به معنای درخواست رجوع مجدّد و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

سستی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم ألا ساء ما یزرون

بنابراین که <ما در <ما فرطنا> موصوله و مرجع برای ضمیر <فیها> باشد.

سستی در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۶

۱۶ تعلل

در انجام وظایف دینی ، با توجه به مأجور بودن کمترین تلاش و رنج انسان در راه خدا ، شایسته نیست .

ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و . .. فی سبیل اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

سستی در مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۷

۷ وجود برخی افراد سست ایمان و مرتبط با بیگانگان ، در میان مسلمانان صدر اسلام

و لم یتخذوا من دون اللّه و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۴

۴ بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. اثّاقلتم إلی الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۹،۱۰

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن ، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلی الصّلوه قاموا کسالی

<کسالی> جمع <کسلان> است ; و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلی الصّلوه> است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

۱۰ ضرورت برپایی نماز ، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصّلوه قاموا کسالی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۵

۵ کسالت و کاهلی در نماز ، از نشانه های نفاق و عدم ایمان واقعی به خدا و رسول اوست .

کفروا باللّه و برسوله و لایأتون الصلوه إلا و هم کسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۷

۷ - < عن أبی اُسامه زید الشحّام قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه < الذین هم عن صلاتهم ساهون > قال : هو الترک لها و التوانی عنها ;

زید شحّام گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <الذین هم عن صلاتهم ساهون> سؤال کردم، فرمود: [مراد از] آن ترک نماز و کوتاهی و سستی در انجام دادن آن است>.

سستی درمؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلاّ إذا دکّت الأرض دکًّا دکًّا

<دکّ>; یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکّاً دکّاً> بر کثرت آن دلالت

دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

سستی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۳ – ۸

۸ – تمثیلِ بی بنیادیِ شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا . .. و تلک الأم

سستی عوامل دشمنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۳ – ۱۰

۱۰ عوامل دشمنی زا ، ناپایدار در مقابل اراده خداوند بر ایجاد محبت و دوستی میان انسانها

و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز

جمله <لو أنفقت . .. > اشاره به این دارد که عوامل دشمنی زا در میان قبایل عرب بسیار شدید بوده است. و جمله استدراکیه <و لکن اللّه ... > اشاره به این دارد که آن عوامل در برابر اراده خدا نمی توانست اثری داشته باشد. یعنی اگر چه آنان دارای دشمنیهای دیرپای بودند و امکان الفت بین آنها نبود، ولی خداوند چنین خواست که آنان با یکدیگر الفت یابند.

سستی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۶ – ۱۸،۱۹

۱۸ سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهل کفر

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسّک به عروه الوثقی شده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُست و گسستنی است.

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

سستی مکر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶

- انفال - ۸ - ۱۸ - ۴

۴ سنت الهی بر سست کردن حیله کافران است .

ذلکم و أن اللّه موهن کید الکفرین

<أن اللّه . .. > خبر برای مبتدایی محذوف است ; یعنی <و الأمر أن اللّه ... >.

سستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۴

۴ سستی و تخلف منافقان از جهاد ، در روحیه محکم و مصمم پیامبر (ص) و مؤمنان راستین تأثیری نداشت .

رضوا . .. لکن الرسول ... جهدوا

عوامل سستی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۴

۴- سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی ، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <قدم> ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

عوامل سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۸

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم بر

نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم فی الأمر

<فی الأمر> متعلق به <لتنزعتم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱

۱ وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان پیمان شکن

کیف و إن یظهروا علیکم

کلمه <کیف> که برای استفهام انکاری است مفید برداشت فوق است.

عوامل سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۶

۶ دلخوشی به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، عامل سستی و روی گردانی از جهاد در راه خدا

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه اثّاقلتم إلی الأرض أرضیتم بالحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۸

۸ ظاهر نگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیوی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّه ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ – خانه و زند گی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۲

۲ – کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس . .. أشحّه علیکم

<أشحّه> جمع <شحیح> است. <شح> ریشه أشحّه در لغت، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحّه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون > در آیه پیشین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۴

۴– سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

عوامل سستی در عقیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۴

۴– سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی ، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <قدم> ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

عوامل سستی در نماز

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۵ – ۳

۳ – باور نداشتن کیفر و پاداش الهی ، مایه سبک شمردن نماز

أرءیت الذی یکذّب بالدین . .. الذین هم عن صلاتهم ساهون

عوامل سستی عقیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۶ – ۴

۴ – باور های ناسازگار با فطرت آدمی ، متزلزل و ناپایدار است .

من بعد ما استجیب له حجّتهم داحضه عند ربّهم

<دحض> (مصدر <داحضه>) به معنای لغزیدن و متزلزل بودن است و <داحضه> کنایه از بطلان و ناپایداری می باشد.

کیفر سستی در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۴ – ۵

۵ – < قال رسول اللّه (ص) الصلاه عماد الدین . . . من ترک أوقاتها یدخل الویل و الویل واد فی جهنّم کما قال اللّه تعالی . . . < فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون . . . > ;

رسول خدا(ص) فرمود: نماز ستون دین است . .. هر کس وقت های نماز را [اعتنا نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون>.

گناه سستی در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۹ – ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه . .. فسوف یلقون غیًّا

چنان که گفته شد معنای

<یلقون غیّاً> به قرینه <یـدخلون الجنّه> (در آیه بعد) <یلقون جزاء غیّهم> است; که وعده عذاب به شـمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

ممنوعیت سستی در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۴

۴ - کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

موانع سستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۸

۸ امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

و لاتهنوا . .. و ترجون من اللّه ما لایرجون

موانع سستی در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۹

۹- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی ، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نورزیدن

و من عنده لایستکبرون عن عبادته و لایستحسرون

از این که خداونـد فرمود <آنها که پیش ما هسـتند و مقرب انـد، از عبادت خسـته نمی شوند و تکبر نمیورزند>، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبرنورزیدن تأثیر دارد.

موجبات سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۴

۴ نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا

فتفشلوا و تذهب ریحکم

نهی از سستی در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۷

۷- تأثیر پذیری از احساسات و عواطف در حدود و کیفر های الهی و تساهل در اجرای دقیق آن ، مورد نهی صریح خداوند

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه

نهی از سستی در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۷

۷ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از ترک استقامت در برابر فشار های فرعون و اطرافیانش و در پیش گرفتن راهی جز آن ، بر حذر داشت .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱

۱- نهی الهی از سستی در مبارزه با دشمن و تن دادن به سازش

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم

سطحی نگری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار اجتناب از سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۷

۷ – شناخت ربوبیت خدا در هستی ، نیازمند تعقل و پرهیز از غفلت و سطحی نگری

قال ربّ المشرق و المغرب . .. إن کنتم تعقلون

آثار سطحی نگری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیك و ما

أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۸

۸- محدودیت شناخت انسان به ظواهر امور ، دلیل قابل اعتماد نبودن آرای وی در قبال رأی خداوند است .

اللّه أعلم . .. له غیب السموت و الأرض

خداوند، برای پایان بخشیدن به بحث ها و رد و ایرادهای بشری در زمینه مسائلی که خود، به صراحت، نظر خویش را بیان داشته، به این نکته اشاره کرده است که علم اش، قابل مقایسه با علم بشر نیست; زیرا، او مالک غیب است و بشر گرفتار ظاهر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون ...قا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۸

۸ - انکار ربوبیت یگانه خدا ، نشان سطحی نگری و فقدان اندیشه صحیح

ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۳

۳ - اعتقاد سطحی و تقلیدی به خدا ، بی تأثیر در صلاح و سازندگی انسان

یفسدون فی الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه

گروه های مزبور از یک سو به خدا سوگند می خورند و از سوی دیگر برای کشتن پیامبر خدا همدست می شوند و این نشانگر سطحی بودن ایمان آنان و بی ثمر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۳،۷

۳ - سطحی نگری و ظاهربینی نسبت به زندگی دنیا ، در غفلت از آخرت ، نقش دارد .

یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا و هم عن الأخره هم غفلون

مرجع ضمیر <هم> واژه <الناس> با وصف سطحی نگری درباره دنیا است. آوردن وصفی دیگر (غفلت از آخرت) پس از صفت سطحی نگری، با تکرار ضمیر <هم> می تواند اشعاری به حقیقت یاد شده باشد.

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون . .. یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که <ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۴

۴ - نگرش سطحی به حیات دنیا ، عامل بیهوده پنداری آن است .

یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا . .. أَوَلم یتفکّروا ... ما خلق اللّه السموت و ا

در آیه قبل، سخن از

سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که <چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقائیّت آفرینش آن پی ببرند؟>، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۷

۷- بعید شمردن تجدید حیات مردگان ، ناشی از سطحی نگری انسان به هستی و خالق آن است .

أوَلم یروا أنّ اللّه خلق . .. بقدر علی أن یحیی الموتی

تعبیر <أوَلم یروا. ..> بیانگر نوعی سرزنش است; یعنی، منکران معاد، بدون تأمّل و اندیشه در نظام هستی، به انکار آن پرداخته اند; در حالی که اگر به دقت می نگریستند، قدرت خداوند را بر حیات مردگان به وضوح درمی یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۶،۱۷

۱۶ - تخلّف از دستور پیامبر (ص) و ناباوری نسبت به وحی ، ناشی از سطحی نگری است .

کذلکم قال اللّه من قبل فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا لایفقهون إلاّ قلیلاً

با توجّه به ارتباط صدر و ذیل آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۷ - سطحی نگری و عدم درک عمیق واقعیت ها ، زمینه ساز ناهنجاری کردار و نادرستی مواضع انسان

فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا لایفقهون إلاّ قلیلاً

خداوند، پس از این که انحراف ها و کاستی های عمیق اعراب متخلف از حدیبیه را یادآور شده، در یک نتیجه گیری و تحلیل کلی، آنان را فاقد درک عمیق معرفی کرده است و راز رفتار نادرست آنان را برملا می سازد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۱ – ۳

۳ – روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین . ..أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توبیخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۱۲

۱۲ – ظاهرنگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل . .. ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

آثار سطحی نگری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷ – ۷

۷ – استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش حیات

أنبؤا ما کانوا به یستهزءون . أَوَلم یرواإلی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۹ – ۱

۱ – آگاهی اندک و سطحی کافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من ءایتنا شیًا اتّخذها هزوًا

کلمه <شیئاً>، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲ - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان

است .

و إن يروا كسفًا من السّماء ساقطًا يقولوا سحاب مركوم

از اين كه كافران، با وجود مشاهـده نشانه هاى عينى عـذاب، آن را پديـده اى طبيعى و بى خطر مى انگارند; اسـتفاده مى شود كه حتى نماياندن نمودهاى اعجازى، مايه عبرت آنان نخواهد بود.

آثار سطحى نگرى منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۳ - ۶

۶ - هراس از مردم و خدا نترسى منافقان ، معلول سطحى نگرى و سبک مغزى آنان است .

لأنتم أشدّ رهبه فى صدورهم من اللّه ذلك بأنّهم قوم لايفقهون

سرزنش سطحى نگرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - سطحى نگرى و بى تفاوتى انسان نسبت به مظاهر وجود و طبيعت ، مورد نكوهش خداوند

و هو الذى يحى . .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبيخ حق ناباوران ، به خاطر نينديشيدن به ژرفاى مظاهر هستى و اكتفا به نگاهى سطحى

و فى الأرض ءايت . .. و فى أنفسكم أفلاتبصرون

توبيخ، از تعبير <أفلاتبصـرون> اسـتفاده مى شود و با توجه به اين كه ماده <تبصرون> به معناى نگاه همراه با تحقيق و تأمل است، استفاده مى شود كه مشكل كافران، سطحى نگرى است.

سطحى نگرى انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ - انسان ، موجودی سطحی نگر است ; ولی خداوند آگاه به حقایق نهان کردار او است آن گونه که به اسرار نهفته هستی

آگاهی دارد .

و تری الجبال تحسبها جامده . .. إنّه خبیر بما تفعلون

در صورتی که <تری الجبال. ..> بیانگر اسرار نهفته جهان و سطحی نگری انسان نسبت به هستی باشد، آیه بالا نشان دهنده علم برتر خدا در قبال سطحی نگری انسان است و تعبیر <إنّه خبیر بما تفعلون> می رساند که خداوند آگاه به اسرار هستی، از پنهانی ترین کردار آدمیان آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۴

۴ حقیقت ، قابل شهود در دنیا ; اما آدمی گرفتار غفلت و سطحی نگری

لقد کنت فی غفله من هذا

<غفلت> در جایی صادق است که حقیقت قابل شهود باشد; ولی آدمی به دلایلی از مشاهده آن محروم بماند. تعبیر <کشفنا...> می رساند که آدمی در دنیا، گرفتار سطحی نگری است و چشمانش در حجاب دنیاگرایی قرار دارد.

سطحی نگری بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۳

۳ - شناخت سطحی و صوری برخی از بادیه نشینان صدر اسلام ، از ایمان و دین داری

قالت الأعراب ءامنّا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا أسلمنا

احتمال می رود که ادعای بادیه نشینان، نه از آن جهت بوده که به امتیازی دست یابند; بلکه واقعاً قادر نبودند که فرق اسلام و ایمان را تشخیص دهند و گمان می کردند که صرف تسلیم در برابر نیروی مسلمانان، ایمان به شمار می رود.

سطحی نگری به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۹

۹ – محدود شدن

آگاهی ، به ظاهر زندگی دنیا ، همپایه جهل و نادانی است .

أکثر الناس لا یعلمون . یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا

توصیف کسانی که در آیه سابق، جاهل و نادان قلمداد شدند، به کسانی که اطلاعاتی از ظواهر حیات دنیوی دارند، دلیل برداشت بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۴

۴ – نگرش سطحی به حیات دنیا ، عامل بیهوده پنداری آن است .

یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا . .. أَوَلم یتفکّروا ... ما خلق اللّه السموت و ا

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که <چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقانیّت آفرینش آن پی ببرند؟>، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

سطحی نگری حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۱ – ۴

۴ – توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سطحی نگری فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۸ – ۹،۱۰

۹ – تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و

ما بینهما إن کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <إن کنتم تعقلون> تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به موسی(ع) باشد.

۱۰ - فرعون و فرعونیان ، مردمی سطحی نگر و فاقد اندیشه صحیح و ژرف در معارف الهی

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

سطحی نگری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ - تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <إن کنتم تعقلون> تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به موسی(ع) باشد.

۱۰ - فرعون و فرعونیان ، مردمی سطحی نگر و فاقد اندیشه صحیح و ژرف در معارف الهی

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

سطحی نگری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۵

۵- قوم بت پرست ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و کم خرد بودند .

أفتعبدون من دون اللّه ما لاینفعکم شیئًا و لایضرّکم . أُفّ لکم ... أفلاتعقلون

برداشت یاد شده از عبادت بی حاصل قوم ابراهیم و سرزنش شدن آنان از سوی آن حضرت بر تعقل نکردن و اندیشه نورزیدن به دست می آید. گفتنی است به کسی که عقل خود را به کار نیندازد و در حد قوّه نگه دارد، کم

خرد اطلاق می شود; به عبارت دیگر بی خردی یا کم خردی نسبت به خرد بالفعل است نه بالقوّه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۲

۲ - قوم ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و تنها مقلّد پدران خویش

قالوا بل وجدنا ءاباءنا کذلک یفعلون

قوم ابراهیم، در برابر پرسش منطقی آن حضرت، تنها به تقلید کورکورانه خود از نیاکانشان اشاره کردند و این بیانگر شدت عقب ماندگی فکری و اوج سطحی نگری آنان است.

سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۳

۳ - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد کذّبوا . .. أَوَلم یرواإلی الأرض کم أنبتنا فیها

استفهام در <أَوَلم یروا. ..> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذين كفروا . .. لو كان خيرًا ما سبقونا إليه

كـافران، گرايش و عـدم گرايش طبقات خاصـی را به ايمان، ملاک اصـلی داوری خود قرار دادنـد; بی آن که در متن قرآن و پيام دين خردمندانه بينديشند.

سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حديبيه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - متخلّفان از سفر حدیبیه ، مردمی سطحی نگر و ظاهربین بودند .

بل کانوا لایفقهون إلّا قلیلاً

سطحی نگری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون . .. یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که <ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

سطحی نگری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۳

۳ - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

سطحی نگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۱

۱ - افق دید و نگرش مشرکان خداگریز ، محصور در محدوده دنیا و مظاهر آن

و لم يرد إلّا الحيوه الدنيا . ذلك مبلغهم من العلم

<ذلك> اشاره به دنياگرايى مشركان دارد; يعنى، دنياگرايى منتهاى دانش آنان است.

سطحى نگرى مشركان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۳

۳ - داورى مشركان صدراسلام ، سطحى و براساس ملاك هاى مادى و غفلت آنان از

معادلات فرا مادی بود .

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

سطحی نگری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۶

۱۶ - نگرش ظاهری و مادی منافقان در تحلیل مسائل

هم الذین یقولون . .. و لکنّ المنفقین لایفقهون

نشانه های سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۸

۸ - ارزیابی حوادث ، صرفاً براساس معادلات مادی ، نمودی از سطحی نگری و ظاهربینی است .

سیغلبون . .. وعد اللّه ... و لکنّ أکثر الناس لایعلمون . یعلمون ظهرًا من الحیوه

از آیه قبل، چنین برمی آید که اکثر مردم زمان پیامبر(ص) پیروزی رومیان را از نظر معادلات مادی، ممکن نمی دانستند و حتی در وعده الهی تردید داشتند. در این آیه، خاستگاه این پندار، تبیین شده و گفته شده که سطحی نگری آنان درباره دنیا باعث چنین ارزیابی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه در برابر مسأله معاد و روز جزا ، نشان کم عقلی و سطحی نگری است .

إنّما توعدون لصادق . .. یؤفک عنه من أُفک

<افْک> (مصدر مجهول <یؤفک>) به معنای برگردانده شدن است. ضمیر در <عنه> به <ما توعدون> یا به <الدین>

باز می گردد. <من أُفك> معادل <مأفوك> است و آن بر انسان کم خرد و ضعیف الرأی اطلاق می شود; یعنی، کسی که از نعمت عقل و خرد بهره چندانی ندارد، از وعده های

قرآن یا روز جزا روی گردان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۵

۵ - نسبت دادن بی نظمی و ناهماهنگی به آفرینش جهان ، نشانه غفلت و سطحی نگری است .

هل تری من فطور . ثمّ ارجع البصر کرّتین ینقلب إلیک البصر خاسئًا و هو حسیر

از این که خداونـد انسان ها را به تفکر و نگاه مکرر به جهان آفرینش فرا خوانـده و بر نظم و اتقان آن تأکید فرموده است، می توان استفاده کرد که عقیده به وجود بی نظمی و نابسامانی در جهان، پنداری نابجا و نشانه غفلت بشر و سطحی نگری او است.

نهی از سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، برحذر دارنده مسلمانان از تحلیل و برخورد سطحی با رخداد های سیاسی و توطئه های دشمنان

إنّ الذین جاءو بالإفک. .. عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم

سطحی نگرانی

آثار سطحی نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۳

۳ - سرسپردگی و اطاعت کورکورانه ، دارای ریشه در کوته فکری و سطحی نگری انسان ها

و نادی فرعون . .. فاستخفّ قومه فأطاعوه

سعادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سعادت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۶،۹،۱۳

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادتمندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۹ لزوم توجّه و علاقمندی به سعادت مؤمنان

و

يستبشرون بالّذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف عليهم

خداونـد در مقام سـتايش از شـهيدان، حالت سـرور و شادمانى آنان را نسـبت به سـعادت ديگر مؤمنان و همرزمانشان ياد كرده است ; بنابراين چنين صفت و حالتى، پسنديده و مورد ترغيب خداوند است.

۱۳ سعادت و امنيّت كامل شهدا و كشته شدگان در راه خدا

الّا خوف عليهم و لا هم يحزنون

كلمه <خوف> نكره است و پس از حرف نفى (لا)، دلالت بر نبودن هيچ گونه ترس و دلهره اى دارد ; يعنى امنيّت كامل.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پيروزى و سعادت جامعه ايمانى ، در گرو ايجاد پيوند و ارتباط با يكديگر

و رابطوا . .. لعلّكم تفلحون

آثار اطمينان به سعادت اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۹

۹ - آنان كه به بهشتى بودن خويش اطمينان دارند ، از مرگ استقبال كرده و در تمناى آن هستند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

آثار سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ سعادتمندى رهايى يافتگان از آتش و ره يافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

آثار سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۵

۵ - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های

خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إنّه کان فی أهله مسرورًا

آرزوی سعادت انسانها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۴ – ۴

۴ – مردان الهی ، آرزومند هدایت و سعادت برای تمامی نسل های بشر

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

اجتناب از موانع سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۱ – ۲

۲ ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

ادعای سعادت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۵ – ۱۰

۱۰ – ادعای بهشتی بودن ، علی رغم ارتکاب گناه ، ادعایی ظالمانه است .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. و اللّه علیم بالظلمین

علت ستمگر خواندن یهود، علاوه بر گنهکار بودنشان، می تواند به خاطر ادعای ناروای آنان نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۹ – ۱۰

۱۰ - هواپرستی ، حسد ، نژادپرستی ، خود بزرگ بینی و خویشتن را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن ، از مصادیق فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

ارزش سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۷

۷ - برگزیدن زندگی دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی ، عملی نابخردانه است .

و ما أوتیتم من

شیء فمتع الحیوه الدنیا. .. أفلاتعقلون

ارزش سعادت خواهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۸ – ۷

۷ هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادتمند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت ، از خصلت های والا و ارزشمند

عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

امیدواری به سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۸ – ۱۶

۱۶ ابراهیم (ع) ، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان ، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست .

عسی ألّا أکون بدعاء ربّی شقیًّا

انتخاب سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۰ – ۱۱

۱۱ آزادی انسان در انتخاب راه سعادت و شقاوت

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

اهمیت درخواست سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۴

۴ درخواست سعادت و نیکی و نه بدی و عذاب توصیه خداوند به بندگان

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

اهمیت سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

اهمیت سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقواپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

اهمیت سعادت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است; اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

اهمیت سعادت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱

۱ - هدف و آرمان انسان ، باید دستیابی به سعادت و نیکبختی اخروی باشد ; نه مظاهر فریبنده دنیا .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

بشارت سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادتمندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين

بنابر گفته مفسران، اين آيه متضمن وعد و وعيد است.

تبيين سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۶

۶ تبيين و تشريح راه های سعادت و شقاوت ، از اهداف رسالت پيامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا يبين لکم

مفعول <يبين> می تواند مفهومی باشد که از <بشير> و <نذير> به دست

می آید، یعنی سعادت و شقاوت.

تذکر سعادت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۲۰

۲۰- ذکر فرجام شقاوت بار کافران و عاقبت سعادت آمیز تقواپیشگان در کنار یکدیگر ، از روش های تبلیغی قرآن

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبوب جهنّم ... فلبئس

تلاش برای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

توفیق سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۳

۳ نیل به سعادت و خوشبختی در قیامت ، به توفیق الهی است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه

مجهول آوردن فعل <سُعِدوا> و آمدن فعل <شقوا> به صورت معلوم ، بیانگر این نکته است که: تیره بختان به اختیار خویش اسباب شقاوت را بر خود فراهم می آورند و سعادتمندان در اختیار اسباب سعادت ، توفیق الهی را به همراه دارند.

حتمیت سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

قید <هو لاقیه> بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

حقیقت سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۸

۸ < عن علی (ع) انه قال : حقیقه السعاده أن یختم الرجل عمله بالسعاده و حقیقه الشقاء أن یختم المرء عمله بالشقاء ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: حقیقت سعادت این است که انسان عمل خود را به سعادت ختم کند (عاقبت به خیر شود) و حقیقت شقاوت این است که انسان عملش را به بدبختی ختم کند>.

درخواست سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبرهیم ربّ . .. اجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام

دشمنان سعادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۴

۴ - مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل . ..لیضلّ عن سبیل اللّه

جمله <لیضل عن سبیل اللّه> به تقدیر <لیضل الناس عن سبیل اللّه> است; یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند; بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

دعوت به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ – رعد –

۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

دعوت به سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

راههای سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۶

۱۶- قانونمندی و یکسانی راه های کمال و سعادت آدمیان و نیز انحطاط آنها ، در طول تاریخ

فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه المکذّبین

از اینکه با فعلهای امر <سیروا> و <انظروا> مردم

دعوت به سیر و مطالعه شده اند تا آنان به این وسیله عبرت بگیرند، حکایت از این دارد که قوانین یکسانی بر روند امور جاری است.

رهبری و سعادت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۸

۸ لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(ص) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

زمینه سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۸

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۳۲

۳۲ قوانین ازدواج در جهت خیر و سعادت انسانها

و ان تصبروا خیرٌ لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۴

۴ استفاده از غریزه سودخواهی و پاداش طلبی انسان ها برای نیل آنان به سعادت ، از روش های تربیتی قرآن

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

- ۴ - ۱۷۱ - ۲۷

۲۷ پرهیز از شرک ، زمینه خیر و سعادت انسان

و لاتقولوا ثلثه انتهوا خیراً لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۵

۵ - سعادت و نیک بختی ، تنها از آنِ پذیرندگان هدایت پیامبران است .

ربّی أعلم بمن جاء بالهدی من عنده و من تکون له عقبه الدار

تعبیر <عاقبه الدار> کنایه از سعادت و فرجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۴

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۳

۳ - سعادت و رستگاری بزرگ (بهشت جاودانه) ، در سایه عمل و کوشش میسر است .

إنّ هذا لهو الفوز العظیم . لمثل هذا فلیعمل العملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای نیل به فوز عظیم، تنها بر عمل انسان تکیه کرده و به آن توصیه فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۲

۲ – سعادتمندی و کمال انسان ، در گرو جدیت ، تلاش و پیگیری

و أن لیس للإنسن إلاّ ما سعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ – ثروت و قدرت ، خود به خود ، ناپسند

نیست ; بلکه می توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر <خسارت> درباره مال و فرزندان بسیار است; زیرا خسارت در جایی به کار می رود که توقع سودهی از آنجا می رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۴

۴ - دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی ، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

زمینه سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۳

۳ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا . .. من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۵

۵ سعادتمندی و یا تیره بختی اخروی انسان در گرو کردار دنیوی اوست.

اعملوا علی مکانتکم إنی عامل فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۴،۶

۴ موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا ، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

جمله <إنا هدنا إلیک> تعلیل برای <و اکتب لنا . ..

> است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم گزاف نیست.

۶ آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خیر الغفرین. و اکتب لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۶ – ۲

۲ سعادت اخروی ، در گرو دل نبستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من کان یرید الحیوه الدنیا . .. أُولئک الذین لیس لهم فی الأخره إلّا النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۱۴

۱۴ رعایت تقوا و پرهیز از شرک و مخالفت با انبیا ، وسیله نیل به سعادت اخروی است .

و لدار الأخره خیر للذین اتقوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۰ – ۵

۵ – سعادت اخروی ، در گرو پذیرش ایمان و پیروی از هدایت الهی

و قالوا إن نتّبع الهدی . .. و ما أوتیتم ... و ما عند اللّه خیر و أبقی

آیه بالا دربردارنده هشدار الهی به مشرکان است که از پیروی هدایت الهی سرباززده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۷ – ۲

۲ – رستگاری و سعادت اخروی ، در گرو توبه ، ایمان و عمل صالح

فأمّا من تاب و ءامن و عمل صلحًا فعسی أن یکون من المفلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۳،۱۶

۳ – مال و

ثروت ، وسیله دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

۱۶ - احسان و بخشش ، مظهر آخرت خواهی و بهترین وسیله برای دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره . .. و أحسن

توصیه شدن قارون به احسان پس از سفارش شدنش به آخرت خواهی گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلّاالصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۴

۴ - لزوم پرهیز از هر نوع برتری جویی و فسادگری برای نیل به سعادت اخروی

تلک الدار الأخره نجعلها للذین لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

واژه <علوًّا> و نیز <فساداً> در اصطلاح نکره در سیاق نفی و مفید عموم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۹

۹ - تشویق و ترغیب خداوند به بهره گرفتن درست تر و هر چه بیشتر از سرمایه عمر خود و خانواده ، در جهت کمالات معنوی و سعادت اخروی

الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۶

۶ - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و

توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . .. لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یدخله جنّت. .. خلدین فیها أبدًا

زمینه سعادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد; از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

زمینه سعادت دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۴ – ۳

۳ سعادت

دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا . .. من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۵،۶

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

۶ آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خیر الغفرین. و اکتب لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۱ – ۱۵

۱۵– تنها زندگی دنیا ، ظرف عمل و بستر تأمین سعادت اخروی است .

یقیموا الصلوه و ینفقوا . .. من قبل أن یأتی یوم لابیع فیه و لاخلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۷ – ۶

۶ – سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . .. لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

سرزنش اطمینان به سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۸

۸– مؤمنان ، نباید به ایمان خویش مغرور بوده و به سعادت ابدی خود مطمئن باشند .

ربّکم أعلم بکم إن یشأ یرحمکم أو إن

يشأ يعذّبكم

بنابراينكه خطاب <ربّكم> مؤمنان باشند ممكن است تعريضى باشد به مؤمنان كه مبادا تصور كنند با داشتن ايمان، سعادتشان قطعى است و بر اين اساس با ساير بندگان خدا تندى كنند. صدر آيه <ربّكم أعلم بكم> (خداوند آگاهترين به وضعيت شماست) مى تواند به اين معناى از آيه كمك نمايد.

سعادت ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ ابراهيم (ع) ، در آستانه هجرت خود از ديار بت پرستان ، به رفع سختى ها و كسب سعادت خود اميدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن مى دانست .

عسى ألاّ أكون بدعاء ربّى شقيًّا

سعادت اجابت كنندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱

۱ نيك بختى و سعادت تنها از آنِ اجابت كنندگان دعوت خداوند است .

للذين استجابوا لربهم الحسنى

سعادت اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۱

۱ گمان دستيابى به سعادت اخروى و بهشت ، به صرف داشتن ايمان ، پندارى باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم اللّه الّذين جاهدوا منكم و يعلم الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۳

۳ تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا ، آسیبی به سعادت اخروی نمی رساند .

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد . .. لکن الّذین اتّقوا

<لکن>، برای استدراک توهمی است که از آیات

قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی، موجب جهنمی شدن آنهاست ; کلمه <لکن>، این توهم را از بین برده و بیان می دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت انسان وارد نمی سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۹

۲۹ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطیعوا اللّه . .. ذلک خیر و احسن تاویلا

بدان احتمال که جمله <ذلک خیر> مربوط به دنیا و جمله <احسن تاویلا> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۲،۷

۲ سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

۷ جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲

۲ پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیبنده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی

عمر آدمی

إنّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم و أهليهم يوم القيمه ألا ذلك هو الخسران المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۵

۵ - لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

سعادت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۵

۵ اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

سعادت اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سعادت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۹

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۱

۱ - تقواپیشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادتمند و رهیده از عذاب اند .

إنّ للمتّقین مفازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۵

۵ - لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

سعادت اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۶

۶ موحدان و مؤمنانِ به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه

سعادتمندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

سعادت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادتمندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه . .. أرضیتم بالحیوه ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلك الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۵ – ۶

۶ موحدان و مؤمنانِ به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادتمندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۹ – ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است

.

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۲

۲ - هدایت یافتگان ، برخوردار از سعادت اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

مقصود از وعده نیکو، پاداش های الهی در سرای آخرت است.

سعادت اخروی ولای عتق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

سعادت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأَولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلاً

سعادت پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۴ – ۱

۱ – انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در

خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

سعادت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا . .. لعلّکم تفلحون

سعادت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداترسان و پندپذیران ، سعادتمنداند .

سیذّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای <احتباک> (از وجوه بلاغت) است; یکی از <خشیت> سخن گفته و دیگری از <شقاوت> و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موکول کرده است; بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل <شقاوت>; یعنی، سعادت را دارند و اهل <شقاوت> گرفتار نقطه مقابل <خشیت>; یعنی، گستاخی هستند.

سعادت خواهی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۸

۸ لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسكم عزيز

علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(ص) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

سعادت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لایذوقون فیها بردًا و لاشرابًا . إلاّ حمیمًا و غسّاقًا ... إنّ للمتّقین مفازًا

رهایی از شرّ که جزئی از معنای <مفاز> است ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از آن را بیان کرده است.

سعادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲۰

۲۰ نیل به سعادت واقعی در دنیا میسّر نیست .

فمن زحزح . .. و ادخل الجنّه فقد فاز و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

از جمله <فمن . .. ادخل الجنّه فقد فاز> (کسی که به بهشت درآید، به رستگاری رسیده است)، و توصیف حیات دنیا به بهره

ای سراسر فریبا و فریبنده، معلوم می شود که سعادت واقعی انسان در دنیا تأمین نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۹

۲۹ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطیعوا اللّه . .. ذلک خیر و احسن تاویلا

بدان احتمال که جمله <ذلک خیر> مربوط به دنیا و جمله <احسن تاویلا> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱،۲،۷

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید . .. فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . .. ان اتقوا اللّه)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

۲ سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

۷ جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

سعادت دنیوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۵

۵ اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من كان يريد ثواب الدنيا

فعند اللّه ثواب الدنيا و الأخره

سعادت دنيوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ايمان به سعادتمندی آنان در دنيا و آخرت

و بشری للمؤمنين

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آيه شريفه به معنای بشير (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تنها مؤمنان صابر ، به موفقيت دست يافته و به هدف های خويش (سعادت دنيا و آخرت) خواهند رسيد . *

و أولئك هم المهتدون

سعادت روز ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۹

۹ - تفاوت روز های سال در سعد و نحس بودن *

فی أيّام نحسات

با توجه به اين که در آيه شريفه قيد <نحسات> قيد احترازی است، استفاده می شود که ايام سال به دو قسم نحس و غير نحس تقسيم می شود و اين مطلب اعم از اين است که نحوست در ذات ايام باشد يا در اثر حوادث. گفتنی است که مطلب بالا بنابر احتمال اول قابل برداشت است.

سعادت شهيدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ سعادت و امنیّت کامل شهدا و کشته شدگان در راه خدا

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه <خوف> نکره است و پس از حرف نفی (لا)، دلالت بر نبودن هیچ گونه ترس و دلهره ای دارد ;

یعنی امنیّت کامل.

سعادت طلبی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۵ – ۶،۷

۶ انسان، جوینده فرجام نیک و پوینده مسیری است که آن را سعادت می پندارد.

اعملوا . .. فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

۷ بهره برداری از تمایل انسان به فرجام نیک و حسن عاقبت، روشی در تبلیغ و دعوت مردم به دین است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۲ – ۷

۷ انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند .

هم فیها خلدون

وعده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

سعادت طلبی اولیاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۷ – ۱۱

۱۱ – تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی ، همراه با تأمین زندگی دنیایی ، از ویژگی مردان الهی است .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و ا

سعادت طلبی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در

این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

سعادت طلبی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

قوم ثمود با گفتن <إنّا إذًا. ..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

سعادت طلبی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقواپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

سعادت طلبی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۳

۳ - انسان مؤمن ، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان *

ألحقنا بهم ذرّیّتهم

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را

به آنان نوید داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و

این آرزویی به جا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنّا كنّا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است; اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

سعادت عبرت پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداترسان و پندپذیران ، سعادتمنداند .

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای <احتباک> (از وجوه بلاغت) است; یکی از <خشیت> سخن گفته و دیگری از <شقاوت> و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موکول کرده است; بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل <شقاوت>; یعنی، سعادت را دارند و اهل <شقاوت> گرفتار نقطه مقابل <خشیت>; یعنی، گستاخی هستند.

سعادت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۳

۳ - انسان مؤمن ، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان *

ألحقنا بهم ذرّیّتهم

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را

به آنان نوید داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و این آرزویی به جا است.

سعادت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۲،۲۷

۲۲ جهان آخرت ، جهانی سراسر خیر

و سعادت برای تقواپیشگان است .

و الدار الأخره خیر للذین یتقون

۲۷ باور به پایداری نعمت های آخرت و سعادت آفرینی آن برای اهل تقوا ، باوری خردمندانه و اندیشه ای صحیح است .

و الدار الأخره خیر للذین یتقون أفلا تعقلون

سعادت مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۶

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادتمندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۷

۷ سعادت و رستگاری حقیقی ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئك هم الفائزون

سعادت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

کذلك سخّر لکم . .. و بشّر المحسنین

سعادت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۵ – ۷

۷ توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران ، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

سعادت مسیحیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۲۶

۲۶ خیر و سعادت مسیحیان در گرو پرهیز از تثلیث و سه گانه پرستی

یاهل الکتب . .. و

لاتقولوا ثلثه انتهوا خيراً لكم

در برداشت فوق کلمه <خيراً> خبر براى فعل محذوف (يكن) گرفته شده است و جمله با تقدير آن چنين است: <انتهوا ان تنتهوا يكن خيراً لكم>.

سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۹

۹ لزوم توجّه و علاقمندى به سعادت مؤمنان

و يستبشرون بالّذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف عليهم

خداوند در مقام ستايش از شهيدان، حالت سرور و شادمانى آنان را نسبت به سعادت ديگر مؤمنان و همرزمانشان ياد كرده است ; بنابراين چنين صفت و حالتى، پسنديده و مورد ترغيب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۴

۴ سعادت و رستگارى مؤمنان در گرو جهاد و كثرت ياد خداست .

إذا لقيتم فئه فاثبتوا و اذكروا اللّه كثيرا لعلكم تفلحون

در برداشت فوق <فلاح> به معناى سعادت و رستگارى گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۷

۷ سعادت و رستگارى حقيقى ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئك هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ – مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز ، دارای آینده ای سعادتمند و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشّر المخبتین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱ – ۱

۱ – مؤمنان ، گروه

رستگار و سعادت مندند .

قد أفلح المؤمنون

رسیدن به مراد و رستگار شدن را <فلاح> گویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۵

۵ - سعادت و نیک بختی ، تنها از آنِ پذیرندگان هدایت پیامبران است .

ربّی أعلم بمن جاء بالهدی من عنده و من تکون له عقبه الدار

تعبیر <عاقبه الدار> کنایه از سعادت و فرجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۱

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یثبّت أقدامکم . .. ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

سعادت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۷

۷ سعادت و رستگاری حقیقی ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئک هم الفائزون

شرایط سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - عمل به مقتضای دین و اقتدا به پیامبران ، شرط دین داری و سعادتمندی است .

قال يقوم اتّبعوا المرسلين

تصریح به اقتدا و پیروی از پیامبران به جای ایمان آوردن به آنان و. .. می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

شرایط سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۵

۱۵ خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجابت دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ،

به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوه و الذين هم بايتنا يؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۸ – ۱

۱ – آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئك أصحب الميمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

شرایط سعادت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۴ – ۱۴

۱۴ – موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۱۵

۱۵ خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجابت دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوه و الذين هم بايتنا يؤمنون

شرایط سعادت دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۱۵

۱۵ خداونـد نویدبخش موسـی (ع) به اسـتجابت دعایش برای سـعادت بنی اسـرائیل در دنیا و آخرت ، به شـرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوه

و الذین هم بایتنا یؤمنون

شرایط سعادت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

عوامل سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۵

۵ - انسان برای نیل به سعادت ، نیازمند هدایت ها و رهنمود های الهی است .

فإما يأتينكم منى هدًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۴،۱۷

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۳،۱۰

۳ – انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی و انجام اعمال نیک ، سعادت آفرین نیست .

إن الذين ءامنوا . .. من ءامن باللّه و اليوم الأخر و عمل صلحاً فلهم اجرهم

با توجه به اینکه در جمله <من آمن . ..> ضـمیری نیست تا به <الذین ...> ارجاع شود و جمله <من آمن ...> را مخصوص مسلمانان، یهودیان و ... کند; معلوم می شود: هر کس از هر ملتی به خدا و

قیامت ایمان راستین داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، سعادتمند خواهد شد. بنابراین آوردن عنوانهای مذکور اشاره به نکاتی دارد، از جمله آنها اینکه: عنوان مسلمانی یا یهودی و یا ... داشتن کافی نیست؛ آنچه کارساز است ایمان واقعی و عمل صالح می باشد.

۱۰ - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، کارساز نبوده و مایه سعادت آدمی نخواهد شد .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۸

۸ - احکام الهی ، دارای مصلحت برای انسان و تضمین کننده خیر و سعادت او

نأت بخیر منها أو مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۸

۸ خداوند ، خواهان خیر و سعادت انسان است .

کتب علیکم . .. و اللّه یعلم ... عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الّذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ نقش دعای مادر و کمالات معنوی او ، در سعادت فرزند

ربّ انّی نذرت . .. و انّی اعیذها بک

جلد - نام سوره - سوره

– آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۵ – ۶،۷

۶ مسلمانان (کسانی که در برابر خدا تسلیم هستند) ، بهره مند از سعادت و مصون از زیان در آخرت

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

۷ توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران ، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۱۹

۱۹ اسلام ، برترین آیین در میان سایر ادیان (دین یهود و نصارا) برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الکتب لکان خیراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفضّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضّل، اسلام.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۰ – ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۷ – ۳

۳ ایمان به خداوند ، سرمایه سعادت بخشِ انسان

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

زیرا می فرماید برخی کفر را به بهای ایمان خریدند و

از دست دادن این بها، موجب گرفتاری به عـذاب است. لـذا ایمان، سـرمایه ای فرض شده که از دست دادن آن موجب عذاب دردناکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۳۳

۳۳ خویشتن داری در برابر گناه ، موجب خیر و سعادت

و ان تصبروا خیرٌ لکم

بنـابر اینکه متعلق <ان تصـبروا>، ارتکـاب زنـا باشـد که از کلمه <عنت> به دست می آیـد. گفتنی است که در این صورت کلمه <خیر>، افعل تفضیل نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ گوش سپردن به سخنان پیامبر (ص) و اطاعت از او ، مایه سعادت و قوام انسانها

و لو انهم قالوا سمعنا و اطعنا . .. لکان خیراً لهم و اقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۹،۱۲،۱۳

۹ خیر و سعادت انسان در گرو عمل به احکام الهی

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم

۱۲ ارجاع داوری به پیامبر ، خشنودی از حکم وی و تسلیم کامل در برابر ایشان ، سعادت و ثبات ایمان را در پی خواهد داشت .

فلا و ربّک . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثبیتاً

بنابر اینکه <ما یوعظون> مطالب بیان شده در آیه قبل باشد و نه قتل و هجرت.

۱۳ سعادت متخلفان از فرمان خدا و رسول و ثبات آنان در ایمان ، در گرو حضورشان نزد پیامبر (ص) و درخواست وساطت

آن

حضرت برای غفران الهی

و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۷

۷ ایمان به پیامبر اکرم (ص) و قرآن موجب خیر و سعادت بشریت

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق . .. فامنوا خیراً لکم

برداشت فوق بر این اساس است که <خیراً> خبر برای فعل محذوف <یکن> باشد و تقدیر کلام چنین است <فامنوا ان تؤمنوا یکن خیراً لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲۶

۲۶ خیر و سعادت مسیحیان در گرو پرهیز از تثلیث و سه گانه پرستی

یاهل الکتب . .. و لاتقولوا ثلثه انتهوا خیراً لکم

در برداشت فوق کلمه <خیراً> خبر برای فعل محذوف (یکن) گرفته شده است و جمله با تقدیر آن چنین است: <انتهوا ان تنتهوا یکن خیراً لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ رشد ، رستگاری و سعادت انسان ، هدف برنامه ها و تکالیف الهی

اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۶،۸،۹

۶ لزوم همراهی ایمان با عمل صالح برای نیل به سعادت و آرامش

من ءامن . .. و عمل صلحاً فلاخوف عليهم و لا هم يحزنون

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح

، سعادت آفرین نخواهد بود .

إنّ الذین ءامنوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف

بـا توجه به اینکه جمله <من ءامن . ..> خبر برای <الـذین ءامنوا> است، تکرار ایمـان در این دو فراز و نبود ضـمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

۹ ایمان به خدا و قیامت و پیشه نمودن عمل صالح ، پایه های سعادت و رستگاری امتها

إنّ الذین ءامنوا . .. و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ کردار نـاروای بنی اسـرائیل علی رغم انتسـاب آنـان به دین یهـود ، دلیـل کارسـاز نبودن انتسـاب ظـاهری به ادیـان الهی در سعادت انسان

إنّ الذین ءامنو و الذین هادوا . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

در آیه قبل بیان شد که <ان الذین . ..> اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران راتکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۶

۶ سلامت و سعادت جوامع در گرو پیروی از رهبران الهی

و عمل به قوانین دین

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

بـا تـوجه به آیـات گذشـته که در آن جـامعه ای منحط از بنی اسـرائیل ترسـیم گردیـده بـود، معلـوم می شود آیه مورد بحث، رهنمودی است برای نجات جوامع از انحطاط، بنابراین <ما اتخـذوهم أولیاء> تنها، بیان یکی از نتایـج ترک پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دینی است و نتایج دیگر که از آنها به سـلامت و سـعادت تعبیر شد با توجه به آیات گذشته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۳

۱۳ اقتدار و تمکن مادی تأمین کننده سعادت نیست.

و مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید ما به آنها مکنت دادیم بیش از شما و هلاکشان کردیم، پس مکنت مادی دلیل قرب نزد خدا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۶

۶ رهایی از عذااب قیامت و دریافت رحمت الهی، رستگاری و سعادت آشکار است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه و ذلک الفوز المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۶

۶ تمسک به قرآن و پیامبر(ص)، موجب سعادت انسان می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

چون در آیه شـریفه هلاکت آدمی را حاصل دوری از وحی و قرآن دانسـته، در نتیجه سعادت آدمی در اتصال به وحی و قرآن خواهد بود.

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۹،۳۰،۳۱

۲۹ پیام های انبیا سراسر خیر و موجب سعادت انسانهاست .

ذلکم خیر لکم

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

۳۱ عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری ، تنها در صورت پرستش خدا و ایمان به یگانگی او سعادت آفرین است .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم>، معنایی باشد که از <اوفوا الکیل . .. و لاتفسدوا ... > استفاده می شود. در این صورت می توان گفت مراد از ایمان در <إن کنتم مؤمنین> ایمان به خدای یگانه و لزوم پرستش اوست. یعنی اگر به خدای یگانه ایمان داشته باشید و تنها او را بپرستید، عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی متضمّن خیر و صلاح شماست و اگر موحد نباشید رعایت این مسائل سعادت آفرین نخواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۸

۸ دین و معارف الهی ارائه کننده راه رشد و هدایت و تأمین کننده سعادت انسانهاست .

سأصرف عن ءایتی الذین . .. و إن یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا

مراد از <سبیل الرشد> (راه هدایت) همان آیات خدا، یعنی دین و معارف الهی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . .. و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله <لایفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۴

۴ سعادت و رستگاری مؤمنان در گرو جهاد و کثرت یاد خداست .

إذا لقیتم فئه فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

در برداشت فوق <فلاح> به معنای سعادت و رستگاری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۹

۹ اسلام ، مایه خیر و سعادت انسانهاست .

فإن تبتم فهو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۸

۸ ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به

سعادت و تضمین کننده آن

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئك هم الفائزون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۵ – ۱

۱ برخورداری انسان از مال و اولاد فراوان ، نشانه سعادتمندی و محبوبیت وی نزد خداوند نیست .

فلا تعجبك أمولهم و لا أولدهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۲،۱۳

۱۲ رستگاری و سعادت حقیقی انسان ، تنها در پرتو دستیابی به رضا و خشنودی خداوند است .

و رضون من اللّه أكبر . .. ذلك هو الفوز العظیم

بنابر اینکه <ذلك> صرفاً اشاره به <رضوان من اللّه> باشد، این برداشت استفاده می گردد.

۱۳ برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان ، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است .

جنت . .. مسكن طیبه ... و رضون من اللّه ... ذلك هو الفوز العظیم

با توجه به اینكه <ذلك> می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری . .. خالدین فیها ... مساكن طیبه ... جنات عدن و رضوان من اللّه)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۶

۶ نقش اساسی و محوری ایمان ، در مقایسه با عمل و رفتار آدمی ، در هدایت و سعادت وی

یهدیهم ربهم بإیمنهم

خداوند فرمود: <كسانی را كه دارای ایمان و عمل صالح هستند به سوی بهشت هدایت خواهد كرد. > آن گاه علت و سبب هدایت را ایمان آنان ذكر فرمود ; با آنكه اینان

دو ویژگی ایمان و عمل صالح را با هم دارا هستند. این، حکایت از آن دارد که ایمان اصل و محور بوده و عمل در مرتبه دوم قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۹

۹ همگان ، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت ، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند .

إلّا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۴،۵

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

یقوم . .. بقیّت الله خیر لکم

۵ خیر و سعادت امتها ، در ایمان و باور به معارف الهی و عمل به احکام دین است .

بقیّت الله خیر لکم

برخی از مفسران مراد از <بقیّت الله> را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۹

۹- انسان دارای نقشی تعیین کننده در سعادت و شقاوت خویش

لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

اینکه در آیه آمده است: کافران توان به دست آوردن چیزی از دستاوردهای خود را ندارند، حاکی است که دستاورد انسان در سرنوشت وی نقش دارد و مراد از <علی شیء>، به قرینه اینکه بحث از حبط عمل کافران است، می تواند سعادت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۱۷- عقیده صحیح و عمل صالح انسان ها ، عامل تعیین کننده سعادت آنان

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. ادخلوا الجنّه بما کنتم تعملو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۹

۹- صبر و مقاومت ، دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

ذکر صفت صبر و مقاومت به صورت اختصاصی از میان دیگر اوصاف خوب و ارزشمند مؤمنان، جهت پاداش و نیل به مقام معنوی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۸

۸- نقش اساسی و محوری عمل صالح ، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزینّهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق، به خاطر این است که در آغاز آیه اثربخشی عمل، مشروط به ایمان شده است (من عمل صالحاً . .. و هو مؤمن) در عین حال در پایان آیه پاداش اخروی تنها منوط به عمل دانسته شده و از ایمان سخن به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دین ، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است .

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- تبیین همه نیاز های انسان در سعادت و

کمال خویش ، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی است .

إن هذا القرءان یهدی . .. و کلّ شیء فصّلنه تفصیلاً

نوع مفسّران برآننـد که چون قرآن، کتاب هـدایت و در جهت تأمین سـعادت و کمال آدمی است، بنابراین مقصود از <و کلّ شیء> همه امور مرتبط با سعادت و کمال و هدایت است، نه تمامی حقایق و پدیده های عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۳

۳- سعادت و شقاوت انسان نتیجه مستقیم اعمال خود او بوده و تحت تأثیر عوامل اتفاقی چون شانس و اقبال نیست .

و کلّ إنسن ألزمنه طئره فی عنقه

استعمال واژه <طائر> برای عمل، ممکن است از آن جهت باشـد که بینش غلط جاهلی درباره نقش طیره، شانس و اقبال در سرنوشت انسان نفی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سپیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیًا

<عظم> به معنـای اسـتخوان است. <وهن العظم منّی>; یعنی، اسـتخوان هـایم سـست شـد کلمه <شـیباً> تمیز و به معنـای سفیـدی مو است و <اشـتعال>، یعنی آتش گرفتن (لسـان العرب). بنابراین جمله <اشـتعل> از مادّه <شـعل> سـفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد; در این صورت جمله <اشتعل ...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۹

۱۹- سعادت ، درگرو پرستش خداوند یگانه است .

و أدعوا ربّی

عسى ألّا أكون بدعاء ربّی شقیًا

ابراهیم(ع)، رهایی از شقاوت را در گرو عبادت خداوند می دانست; بنابراین تحصیل سعادت، با عبادت خدای یگانه میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۷

۷- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیّه ءادم . .. من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذریّه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۱ - ۴

۴- عبادت و اطاعت خدای یگانه ، تنها راه عزّت و سعادت

واتّخذوا من دون اللّه . .. لهم عزًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۸

۱۸ - انسان ، برای رهایی از خطا ها و رسیدن به خوشبختی ، نیازمند رهنمود های الهی است .

فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳،۴

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقرارت الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

ضمیر <هو>در <فهو خیر له> به <تعظیم> (مصدر <یعظّم>) بازمی گردد; یعنی، <فالتعظیم خیر له عند ربّه>.

۴ - احکام و مقررات الهی ، در راستای خیر و سعادت انسان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۴ – ۷

۷ – اطاعت و فرمان بری از پیامبراسلام (ص) ، موجب هدایت و نیل به سعادت و کمال مطلوب است .

أطیعوا الرسول . .. فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل

مقصود از هدایت در آیه شریفه، راه یابی و هدایت عمومی نیست; زیرا چنین هدایتی بدون اطاعت انسان ها نیز توسط پیامبران حاصل بود; بلکه مقصود، ایصال به مطلوب و دست یافتن به کمال و سعادت است که بدون عمل به مقتضیات دین حاصل نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۷ – ۷

۷ پیامبران ، ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادتمندانه

یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۹

۱۹ نقش مثبت و سازنده صلاح و نیکی همسر و فرزندان ، در سرنوشت و سعادت انسان

ربّناهب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إمامًا

دعا برای همسر و فرزندان و مقدم داشتن آنان بر خود به هنگام دعا کردن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۶

۶ صبر و شکیبایی ، رمز سعادت و دارای جایگاهی ویژه در میان مجموعه ارزش های الهی

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق از آن جا است که خداوند پس از برشمردن بیش از ده صفت ارزشمند برای عبادالرحمان، هیچ کدام آنها را

سبب برخوردار شدن ایشان

از نعمت های بهشت جاودان نمی داند و بلکه صبر و شکیبایی را علت آن می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۳

۳ - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی، این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - سعادت انسان ها تنها در گرو ایمان به خدا و پیروی از آیات الهی است .

لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتّبع ءایتک و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

۱۳ - قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

تعبیر <قال الذین یریدون الحیاه الدنیا> می رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیاطلبان سست ایمان است; نه مؤمنان آخرت جو.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۹

۲۹ - سعادت جوامع ،

در گرو ایمان به انبیا و پیروی از آنها است و نه داشتن قدرت مادی

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین . .. و جاءتهم رسلهم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۵

۵ - عقیده و عمل آدمی ، در سعادت و شقاوت وی نقش اساسی دارد .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۸

۸ - انسان ها ، در سعادت و شقاوت نهایی خود ، نقش اساسی دارند .

لیسئل الصدقین عن صدقهم و أعدّ للکفرین عذابًا ألیمًا

از آن جایی که بازگشت پرسش از <صادقین>(مؤمنان) درباره صداقت شان، به پاداش دهی است، معلوم می شود که صداقت که امری اکتسابی است و نیز متصف شدن به کفر که امری انتخابی است در گرفتن پاداش و یا عذاب شدن، نقش دارد و این، همانا نقش انسان ها را در سعادت آفرینی و یا کسب شقاوت، بازگو می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - نقش ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۶

۶ - سرمایه عمر و بهره از خانواده ، سرمایه کمال و سعادت آدمی است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و

أهليهم يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۶

۶ - سعادتمندی و يا تيره بختی انسان ها در دنيا و آخرت ، در گرو اعمال و كردار خود آنان است .

اعملوا على مكانتكم إنّى عمل فسوف تعلمون

با توجه به ارتباط اين آيه با آيه بعد كه درباره سرنوشت هلاكت بار كافران در دنيا و آخرت سخن گفته است برداشت ياد شده به دست می آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۶

۶ - نياز بشر در سعادت خود ، به چيزهايی غير از برخورداری مادی و دانش اقتصادی

ثمّ إذا خوّلنه نعمه . .. فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۶

۶ - نياز انسان به هدايت الهی در رسيدن به سعادت و خوشبختی

لو أنّ اللّه هدينى لكنت من المتّقين

از اين كه كافران رسيدن به مقام متقين (سعادتمندان) را منوط به هدايت الهی می دانند، مطلب ياد شده را می توان استفاده كرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ - تقوا و احسان ، دو عنصر سعادت آفرين و رهايی بخش از عذاب الهی

من قبل أن يأتيكم العذاب . .. لكنت من المتّقين ... فأكون من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - صرف مکنت و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از تمدن نیرومند ، ملاک

رستگاری و عامل سعادت نیست .

کانوا أکثر منهم و أشدّ قوّه و ءاثارًا فی الأرض فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۸

۸ - یاد خدا ، راهبر آدمی به سعادت و هدایت واقعی است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. لیصدّونهم عن السبیل و یحسبون أنّهم مهتدون

ذکر <یحسبون أنّهم مهتدون> تعریضی به آن دارد که خداگریزان از هدایت به دورند. در نتیجه به قرینه مقابله استفاده می شود که یادکنندگان خدا به هدایت دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۹

۹ - عبودیت و بندگی انسان به درگاه پروردگارِ یگانه ، تنها راه مستقیم و طریق رستگاری است .

فاعبدوه هذا صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۴،۶

۴ - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جئنکم بالحقّ و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

۶ - پذیرش پیام حق رسولان الهی ، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است ; نه التجا به فرشتگان در قیامت .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک قال إنّکم مکثون . لقد جئنکم بالحقّ

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۱

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یثبّت أقدامکم . .. ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - عمل انسان ، تنها محور سعادت و شقاوت وی

کلّ امری بما کسب رهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۵ - ۴

۴ - اعتقاد به فلاح و سعادت خویش به اتکال انجام بخش اندک از اعمال نیک ، باوری واهی *

و أعطی قلیلًا و أکدی . أعنده علم الغیب فهو یری

از ارتباط <أعنده. ..> با آیات پیشین می توان چنین بیان نمود که: دنیامداران با اعطای مالی اندک، خویش را فلاح یافته می انگاشتند و خداوند با نفی علم غیب از آنان، این اندیشه را تخطئه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

قوم ثمود با گفتن <إنّا إذًا. ..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۳

۳ – صرف انتساب به خداوند

و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران ، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود .

ءال لوط نجّینهم . .. کذلک نجزی من شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۳

۳ - یاد همیشگی خدا ، تضمین کننده سعادت انسان

لاتلهکم أمولکم . .. عن ذکر اللّه و من یفعل ذلک فأُولئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۳

۱۳ - سعادت و کامیابی انسان ، در گرو ایمان و عمل صالح است .

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ - انفاق ، موجب خیر و سعادت بشر

أنفقوا خیرًا لأنفسکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <خیراً> خبر برای فعل محذوف <یکن> باشد. در این صورت تقدیر کلام چنین می شود: <فأنفقوا إن تنفقوا یکن خیراً لأنفسکم>.

۱۱ - توصیه خداوند ، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است .

خیرًا لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب <خیراً> به خاطر <مفعولٌ به> بودن آن برای فعل محذوف (مانند <اتوا> و یا <افعلوا>) است; یعنی، <و اتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع>.

عوامل سعادت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۳۰

۳۰ سعادت اخروی ، مشروط به پرهیزگاری

و الاخره خیر لمن اتّقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۵

۵ تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۵

۵ نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادتمندی اخروی وی

الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بأیتنا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۱

۲۱ آیین یهود شامل دستورهایی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الأخره . .. للذین یتقون و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۴

۲۴ تقوا ، وسیله رسیدن به سعادت های اخروی است .

و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه . .. أرضیتم بالحیوه ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۳

۳ دستیابی به سعادت اخروی ، در گرو دستگیری و هدایت مستمر و دایم خداوند است .

یهدیهم ربهم بإیمنهم تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۵

۵ رهبران جوامع بشری ، نقشی به

سزا در سعادت و یا شقاوت اخروی آنان دارند .

فاتبعوا أمر فرعون . .. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . .. تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به <هدًی> و <رحمه> پس از <و لکن . .. تفصیل کل شیء> می رساند که مراد از <هر چیز> مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۳،۴

۳ تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

۴ اعمال صالح بدون ایمان ، تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت نیست .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- همراهی ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده سعادت اخروی انسان است .

الذین کفروا بربّهم أعملهم . .. لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

خداوند در این آیه کفر را، که عقیده فاسدی است، موجب حبط عمل صالح دانسته و نتیجه اش شقاوت آلود بودن آخرت آدمی است. از این جا به دست می آید که عقیده درست، به اضافه عمل صالح، سعادت اخروی را تضمین می کند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۵

۵- سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت وی در روز قیامت بسته به چگونگی رفتار او در دنیاست .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۴

۴- تقوا ، پیامددار فرجامی سعادتمند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

إن المتقین فی جنّت . .. ادخلوها بسلم ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۳،۱۶

۱۳- عقیده و عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

<اتقوا> دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و <اذعان به خیر محض بودن قرآن> مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

۱۶- تقوا و احسان ، پیامددار سعادت دنیوی و اخروی

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . .. و لنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۴

۴- اراده و تلاش خود انسان در سعادت و شقاوت اخروی وی نقش تعیین کننده دارد .

من کان یرید العاجله . .. جعلنا له جهنّم ... و من أراد الأخره و سعی لها سعیها ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی

باشد .

و الذین یؤتون . .. و قلوبهم وجله أنّهم إلی ربّهم رجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۷ – ۸

۸ رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۳

۳ – توأم بودن ایمان و عمل صالح ، از عوامل دستیابی به سعادت اخروی است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه یحبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ – رویکرد تمام عیار به دین اسلام و قبول آن ، عامل نجات و سعادت انسان در قیامت است .

فأقم وجهک للدین . .. من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۴ – ۳،۷

۳ – عمل صالح ، زمینه تأمین سعادت اخروی است .

و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

۷ – برای سعادت اخروی ، ایمانِ همراه با عمل صالح ، لازم است .

و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

از مقـابله <من کفر> بـا <و من عمـل صالحاً> اسـتفاده می شود که <من آمن> در آن تضـمین شـده است. و ذکر نشـدن <من آمن> به خاطر تلازم قطعی آن با <عمل صالح> است و بدون آن، عمل صالح، اثری نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۳

۳ - ایمان توأم با عمل صالح

، شرط ثمربخشی آن دو ، در سعادت اخروی انسان است .

ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۷،۸

۷ – انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسیتم . .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

۸ – عقیده و عمل ، سازنده آخرت انسان است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا . .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۷ – ۸،۹

۸ – خود انسان در سعادت اخروی اش دارای نقشی تعیین کننده است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما کانوا یعملون

۹ – خداوند ، انسان ها را به روی آوردن به انجام دادن عمل شایسته ، جهت نیل به سعادت اخروی تشویق کرده است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم . .. جزاء بما کانوا یعملون

اعلام مخفی بودن پاداش مؤمنان و وصف ناپذیر بودنش برانگیزاننده انسان ها، جهت دستیابی به آن پاداش است و یادآوری جزای عمل، مزید بر تشویق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۹ – ۹

۹ – عقیده و عمل صالح ، در کسب سعادت اخروی نقشی تعیین کننده دارد .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی . ..بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴ – ۴

۴ – انسان ها ، نقشی تعیین کننده در تأمین سعادت

اخروی خود دارند .

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<جزا>، پاداش در مقابل عمل است که به اضافه <مغفرت> و <رزق کریم> حکایت از سعادت می کند. گفتنی که نسبت ایمان و عمل صالح به انسان ها، حکایت از نقش آنها در حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۲

۲ - بی اثر بودن عبادت غیرخدا ، برای سعادت انسان در آخرت

قالوا ضلّوا عنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۶

۶ - عملکرد دنیوی آدمیان ، ملاک اصلی سعادت و شقاوت اخروی ایشان

إنّما تجزون ما کنتم تعملون . .. هنیًا بما کنتم تعملون

واژه <کنتم> (با فعل ماضی) اشاره به جهان گذشته (دنیا) دارد و تصریح به اعمال دنیوی، می رساند که تأثیر اصلی در سعادت و شقاوت عمل آدمی، در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۶

۶ - تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۱ - ۹

۹ - نیک بختی یا بدبختی انسان پس از مرگ ، در گرو اعمال خوب یا بد او است .

و لن يؤخّر اللّه . .. و اللّه خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۴

۱۴ - ضرورت توأم بودن ايمان و عمل صالح ، در به دست

آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلک الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۸ – ۲

۲ – کارساز نبودن ثروت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

ما أغنی عنّی مالیه

عوامل سعادت اخروی مهاجران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۲ – ۳

۳- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله . .. لنبوّئنّهم فی الدنیا ... و لأجر الأخره أکبر ... الذی

عوامل سعادت خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۱

۱۱ تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است; زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

عوامل سعادت دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۱

۲۱ آیین یهود شامل دستورهایی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الأخره . .. للذین یتقون و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت

دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . .. تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به <هدًی> و <رحمه> پس از <و لکن . .. تفصیل کل شیء> می رساند که مراد از <هر چیز> مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۳

۳ تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۷،۱۳،۱۶

۷- دین ، در پی سعادت دنیوی مردم

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

۱۳- عقیده و عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

<اتقوا> دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و <اذعان به خیر محض بودن قرآن> مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

۱۶- تقوا و احسان ، پیامددار سعادت دنیوی و اخروی

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . .. و لنعم دار المتّقین

عوامل سعادت دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۳

۳- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله . ..

لنبوّئنّهم فی الدنیا ... و لأجر الأخره أکبر ... الذی

عوامل سعادت عابدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

عوامل سعادت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر ، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - تأثیر مثبت و سازنده برخورداری پدر و مادر از نعمت های الهی در سعادت و سرنوشت فرزندان

ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک . .. و علی ولدیّ

شکر و سپاس حضرت سلیمان(ع) به خاطر برخوردار بودن پدر و مادرش از نعمت های الهی، گویای این حقیقت است که این برخورداری در سعادت و سرنوشت او مؤثر بوده است.

عوامل سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۸

۸ - صلاح و سعادت مؤمنان ، در پرتو پیروی از پیامبر (ص) (رهبری الهی)

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتّم

مفهوم آیه شریفه ایمن ماندن جامعه از مشقت ها و صدمات

در صورت عدم تحمیل آرای شخصی بر پیامبر(ص) است و امنیت جامعه مایه صلاح و سعادت آن است.

عوامل محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۳،۵،۶

۳ اقوام پیامبران گذشته ، با تکذیب آیات و نشانه های الهی ، سرمایه سعادت خویش را از کف دادند .

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّه فتکون من الخسرین

۵ تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده خسران و بر باد رفتن سرمایه سعادت انسان است .

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّه فتکون من الخسرین

۶ تکذیب قرآن ، مایه خسران و از دست دادن سرمایه سعادت است .

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّه فتکون من الخسرین

عوامل محرومیت از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵ - ۴

۴ - دست یازیدن به آلودگی های جنسی ، برخاسته از ضعف ایمان و مایه محروم شدن از سعادت اخروی است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم لفروجهم حفظون

عوامل مؤثر در سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۱ - ۸

۸ - انسان ها ، در سعادت خویش ، نقش اساسی دارند .

و من یطع اللّه و رسوله فقد فاز

عوامل مؤثر در سعادت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۹ – ۹

۹ – انسان ها ، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان ، نقش دارند .

إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و

الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت . .. أجرًا ع

عوامل مؤثر در سعادت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۶

۶ - نقش تعيين كننده امت ها ، در سرنوشت و سعادت و شقاوت خويش

إذ أبق إلى الفلك . .. و أرسلنه ... فَامنوا فمتّعنهم إلى حين

برداشت ياد شده از آن جا است كه قوم يونس، به علت ايمان نياوردن به يونس(ع) مستوجب عذاب الهى شدند; ولى آنان پس از مأموريت مجدد آن حضرت، به او ايمان آوردند و در سايه آن، به مواهب دنياى دست يافتند.

عوامل مؤثر در سعادت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۹

۹- صلاح و شايستگى پدر ، داراى نقش مؤثّر در سعادت و نيك بختى فرزندان است .

كان أبوهما صلحًا فأراد ربّك أن يبلغا أشدّهما و يستخرجا كنزهما

قانونمندى سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ قانونمندى و يكسانى راههاى كمال و سعادت يا انحطاط و شقاوت آدميان، در گذشته و آينده تاريخ

قل سيروا فى الأرض ثم انظروا كيف كان عقبه المكذبين

از امر به تدبر در تاريخ گذشتگان و عبرت گرفتن از آن معلوم مى شود كه عوامل سعادت و شقاوت در طول تاريخ يكسان است.

قانونمندى سعادت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۶

۱۶- قانونمندی و یکسانی راه های کمال و سعادت آدمیان و نیز انحطاط آنها ، در طول تاریخ

فسیروا

فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه المکذّبین

از اینکه بـا فعلهـای امر <سـیروا> و <انظروا> مردم دعوت به سـیر و مطـالعه شـده انـد تـا آنان به این وسـیله عبرت بگیرنـد، حکایت از این دارد که قوانین یکسانی بر روند امور جاری است.

گرایش به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۷

۷ آدمی ، همواره در پی خیر و سعادت خویش است .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

کـافران از آن جهت عمر طولانـی در دنیـا را می پسـندند که آن را برای خویش امری خیر و نیکو می پندارنـد. بنابراین در پی سعادت خویشند ; گر چه مصداق واقعی آن را تشخیص نداده اند.

محرومان از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ ستمگران، از سعادت و رستگاری محروم هستند.

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۳

۳ اقوام پیامبران گذشته ، با تکذیب آیات و نشانه های الهی ، سرمایه سعادت خویش را از کف دادند .

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّه فتکون من الخسرین

محرومان از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۵

۵ - محرومیت شرک پیشگان و منکران یگانگی خدا از سعادت اخروی

إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۷

۱۷

فریب در برابر بهره های دنیوی ، موجب محرومیّت از سعادت و نجات اخروی

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۵

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۸

۸ علمای اهل کتاب، تکذیب کنندگان آیات الهی و ستمگرانی محروم از سعادت و رستگاری

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. و من أظلم ... إنه لایفلح الظلمون

مراد از ضمیر در <آتیناهم> به قرینه حکم و موضوع، عالمان اهل کتاب می تواند باشد که دریافت کنندگان کتب آسمانی هستند، نه مردم معمولی از یهود و نصارا.

مدعیان سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱،۷،۹،۱۳

۱ - یهود ، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه

تقدیم <لکم> بر <الدار الأخره> مفید حصر و اختصاص است و <خالصه> - که حال برای <الدار> می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند; زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

٩ -

آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند ، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

۱۳ – اهل بهشت دانستن فرد یا طایفه ای خاص بدون داشتن برهان ، باوری است باطل .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين

ملاک سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۵ – ۷

۷ < عن عبدالله بن سلام مولی رسول الله (ص) انه قال : سألت رسول الله (ص) فقلت : . . . فأولاد المشركين فی الجنه أم فی النار ؟ فقال : . . . انه إذا كان يوم القيامه . . . فيأمرالله عزوجل ناراً . . . ثم يأمرالله تبارك و تعالى أطفال المشركين أن يلقوا أنفسهم فی تلك النار فمن سبق له فی علم الله عزوجل أن يكون سعيداً ألقی نفسه فيها . . . و من سبق له فی علم الله عزوجل أن يكون شقياً إمتنع فلم يلق نفسه فی النار . . . و ذلك قول الله عزوجل : < فمنهم شقیّ و سعيد > . . . ;

از عبدالله بن سلام نقل شده است که گفت: از رسول خدا(ص) پرسیدم: . .. آیا فرزندان مشرکان [که در کودکی مرده اند] بهشتی هستند یا جهنمی؟ فرمود: ... هنگامی که قیامت فرا رسد ... خداوند به آتش فرمان حضور می دهد ... سپس به کودکان مشرکان دستور می دهد تا خود را در آن آتش درافکنند. پس هر کدام از آن کودکان که در علم خدای عزوجل سعادتمندیش رقم خورده است

خود را در آن آتش می افکنـد ... و آنـان که در علم خـدای عزوجل برایشان شـقاوتمندی رقم خورده، از پـذیرش فرمان خـدا امتناع نموده و خود را در آتش نمی اندازند ... و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود: فمنهم شقی و سعید <...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۴ – ۹

۹ – ملاک سعادت مندی و ارزشِ شخص ، در نزد خداوند ، بهره مند بودن از امکانات دنیوی نیست .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۱ – ۱۵

۱۵ – صرف مکنت و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از تمدن نیرومند ، ملاک رستگاری و عامل سعادت نیست .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم و ما کان لهم من

ملاکهای سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۲ – ۸

۸ – نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

منشأ سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۹ – ۷

۷ پیامبر (ص) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم ، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک . .. و ارسلناک للنّاس رسولا

جمله <و ارسلناك للناس> (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی

را منشأ شرور معرفی می کردند: <یقولوا هذه من عندك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۲

۲ سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۷

۷ - وضع قوانین و مقرارت سعادتبخش از سوی خداوند ، مقتضای ربوبیت و پروردگاری او است .

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنّما تدعوننی إلیه لیس له دعوه فی الدنیا و لا فی الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۴

۴- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسّر است .

و وقهم عذاب الجحیم . .. ذلک هو الفوز العظیم

منشأ سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- عمل مستمر خود انسان ، منشأ برخورداری وی از فضل الهی و نیل به مقام معنوی و سعادت اخروی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

منشأ سعادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم

- ۱۹ - ۳۲ - ۶

۶- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

و لم یجعلنی جبّارًا شقیًّا

موارد سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی اللّه عنهم . .. جنت ... خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

موانع سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ شیطان ، خطری در کمین انسان

و انّی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۷،۹،۱۰

۷ افترا به خداوند و تکذیب آیات الهی، مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افتری علی اللّه کذبا أو کذب بایته إنه لایفلح الظلمون

۹ بدعت در دین، از بزرگترین ظلمها و مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افتری علی اللّه کذبا أو کذب بایته إنه لایفلح الظلمون

۱۰ شرک

به خدا، بزرگترین ظلم و مانع سعادت و رستگاری است.

و إننی بریء مما تشرکون . .. و من أظلم ممن افتری ... إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۴

۴ ابلیس ناتوان از مسدود کردن تمامی راههای نجات و سعادت آدمیان *

ثم لأتینهم . .. و لاتجد أکثرهم شکرین

نام نبردن از تمامی جهات، همانند فوق و تحت، می تواند اشاره به این باشد که ابلیس نمی تواند بر تمامی راههای سعادت مسلط باشد و آنها را بر آدمیان سد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۷ - ۱

۱ - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فإنّهم عدوٌّ لی

ضمیر <هم> در <فإنّهم> به <أصنام> بازمی گردد.

موانع سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۱

۱ - انسان ، در معرض از دست دادن سعادت اخروی خویش به خاطر وابستگی به دنیا و متاع آن

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا . .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

آیه بالا در ادامه آیات پیشین و بیانگر پاسخی دیگر به مشرکان است; یعنی، همانانی که به خاطر دلبستگی زیاد به جان و مال و مرز و بوم خویش، به پیامبر(ص) می گفتند: اگر با تو همراه شویم و از هدایت الهی پیروی کنیم، مشرکان عرب ما را از سرزمین مان (مکه) خواهند ربود.

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۲

۲ - برتری جویی و فسادانگیزی در زمین ، مانع دستیابی انسان به سرای آخرت

تلک الدار الأخره نجعلها للذین لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - کارساز نبودن قدرت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

هلک عنّی سلطنیه

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنّی سلطنیه

موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

موانع سعادت اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲- اصحاب کهف ، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را ، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

أو يعيدوكم فى ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

نشانه های سعادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۵ – ۲

۲ برخورداری انسان از مال و اولاد فراوان ، نشانه سعادتمندی و محبوبیت وی نزد خدا نیست .

و لاتعجبک أمولهم و أولدهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۹

۹- بهره مندی از دنیا و شُکوه آن

، نشانه سعادتمندی نیست .

أیّ الفریقین خیر مقامًا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

قرآن در پاسخ به کافرانی که مال و منال خود را به رخ مسلمانان کشیده و آن را نشانه برتری خود قلمداد می کردند; به نابود شدن جوامع و تمدن ها اشاره می کند، تا با بیان فناپذیری دنیا و امکانات آن، پندار سعادتمندی به صرف بهره مندی از دنیا را تخطئه کند.

نشانه های سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

نشانه های سعادت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۲

۲ - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إنّ للمتّقین مفازًا . .. و کأسًا دهاقًا

نشانه های محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۶

۶ بازخواست ذلتبار مشرکان و ستمگران در روز قیامت، نشانگر محرومیت آنها از سعادت و رستگاری است.

إنه لایفلح الظلمون. و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین

شرکاؤکم

یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱،۴

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

سعادت اخروی

آثار اطمینان به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۹

۹ - آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند ، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند .

إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

ادعای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ - ادعای بهشتی بودن ، علی رغم ارتکاب گناه ، ادعایی ظالمانه است .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. و اللّه علیم بالظلمین

علت ستمگر خواندن یهود، علاوه بر گنهکار بودنشان، می تواند به خاطر ادعای ناروای آنان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ - هواپرستی ، حسد ، نژادپرستی ، خود بزرگ بینی و خویشتن را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن ، از مصادیق فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

ارزش سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۷

۷ - برگزیدن زندگی

دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی ، عملی نابخردانه است .

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا. .. أفلاتعقلون

اهمیت سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

تلاش برای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

توفیق سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۳

۳ نیل به سعادت و خوشبختی در قیامت ، به توفیق الهی است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه

مجهول آوردن فعل <سُعِدوا> و آمدن فعل <شقوا> به صورت معلوم ، بیانگر این نکته است که: تیره بختان به اختیار خویش اسباب شقاوت را بر خود فراهم می آورند و سعادتمندان در اختیار اسباب سعادت ، توفیق الهی را به همراه دارند.

حتمیت سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

قید <هو لاقیه> بیانگر

آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

درخواست سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبرهیم ربّ . .. اجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام

دعوت به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

زمینه سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۳

۳ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا . .. من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۵

۵ سعادتمندی و یا تیره بختی اخروی انسان در گرو کردار دنیوی اوست.

اعملوا علی مکانتکم إنی عامل فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۴،۶

۴ موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا ، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

جمله <إنا هدنا إلیک> تعلیل برای <و اکتب لنا . .. > است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم گزاف نیست.

۶ آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خیر الغفرین. و اکتب لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۲

۲ سعادت اخروی ، در گرو دل نبستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من کان یرید الحیوه الدنیا . .. أُولئک الذین لیس لهم فی الأخره إلّا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ رعایت تقوا و پرهیز از شرک و مخالفت با انبیا ، وسیله نیل به سعادت اخروی است .

و لدار الأخره خیر للذین اتقوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۰ – ۵

۵ – سعادت اخروی ، در

گرو پذیرش ایمان و پیروی از هدایت الهی

و قالوا إن نتّبع الهدی . .. و ما أوتیتم ... و ما عند اللّه خیر و أبقی

آیه بالا دربردارنده هشدار الهی به مشرکان است که از پیروی هدایت الهی سربازده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۲

۲ - رستگاری و سعادت اخروی ، در گرو توبه ، ایمان و عمل صالح

فأمّا من تاب و ءامن و عمل صلحًا فعسی أن یکون من المفلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۳،۱۶

۳ - مال و ثروت ، وسیله دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

۱۶ - احسان و بخشش ، مظهر آخرت خواهی و بهترین وسیله برای دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره . .. و أحسن

توصیه شدن قارون به احسان پس از سفارش شدنش به آخرت خواهی گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلّاالصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۴

۴ – لزوم پرهیز از هر نوع برتری جویی و فسادگری برای نیل به سعادت اخروی

تلك الدار الأخره نجعلها للذین لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

واژه <علوًّا> و نیز <فساداً> در اصطلاح نکره در

سیاق نفی و مفید عموم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۵ – ۹

۹ – تشویق و ترغیب خداوند به بهره گرفتن درست تر و هر چه بیشتر از سرمایه عمر خود و خانواده ، در جهت کمالات معنوی و سعادت اخروی

الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۷ – ۶

۶ – سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . .. لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۱ – ۴

۴ – دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۱ – ۱۷

۱۷ – ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یدخله جنّت. .. خلدین فیها أبدًا

سعادت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۲ – ۱

۱ گمان دستیابی به سعادت اخروی و بهشت

، به صرف داشتن ایمان ، پنداری باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۳

۳ تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا ، آسیبی به سعادت اخروی نمی رساند .

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد . .. لکن الّذین اتّقوا

<لکن>، برای استدراک توهمی است که از آیات قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی، موجب جهنمی شدن آنهاست ; کلمه <لکن>، این توهم را از بین برده و بیان می دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت انسان وارد نمی سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۹

۲۹ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطیعوا اللّه . .. ذلک خیر و احسن تاویلا

بدان احتمال که جمله <ذلک خیر> مربوط به دنیا و جمله <احسن تاویلا> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۲،۷

۲ سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

۷ جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند اللّه ثواب الدنیا و

الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۲

۲ پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیبنده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۳ – ۵

۵ – لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

سعادت اخروی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۴ – ۵

۵ اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

سعادت اخروی انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئك أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سعادت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۹

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۱

۱ - تقواپیشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادتمند و رهیده از عذاب اند .

إنّ للمتّقین مفازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی

جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۵

۵ - لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

سعادت اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۶

۶ موحدان و مؤمنانِ به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادتمندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

سعادت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادتمندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نيک بختی مؤمنان در حيات اخروی

يأيها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا فی سبيل اللّه . .. أرضيتم بالحيوه ا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ مؤمنان

، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۶

۶ موحدان و مؤمنانِ به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادتمندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۲

۲ - هدایت یافتگان ، برخوردار از سعادت اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

مقصود از وعده نیکو، پاداش های الهی در سرای آخرت است.

سعادت اخروی ولای عتق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

شرایط سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۵

۱۵ خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجابت دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه و الذین هم بایتنا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

عوامل سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۰

۳۰ سعادت اخروی ، مشروط به پرهیزگاری

و الاخره خیر لمن اتّقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۵

۵ تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۵

۵ نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادتمندی اخروی وی

الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بأیتنا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۱

۲۱ آیین یهود شامل دستورهایی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اکتب لنا فی

هذه الدنیا حسنه و فی الأخره . .. للذین یتقون و یؤتون الزکوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۹ – ۲۴

۲۴ تقوا ، وسیله رسیدن به سعادت های اخروی است .

و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۸ – ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه . .. أرضیتم بالحیوه ا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۳

۳ دستیابی به سعادت اخروی ، در گرو دستگیری و هدایت مستمر و دایم خداوند است .

یهدیهم ربهم بإیمنهم تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۸ – ۵

۵ رهبران جوامع بشری ، نقشی به سزا در سعادت و یا شقاوت اخروی آنان دارند .

فاتبعوا أمر فرعون . .. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۱ – ۱۱

۱۱ قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . .. تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به <هدًی> و <رحمه> پس از <و لکن . .. تفصیل کل شیء> می رساند که مراد از <هر چیز> مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت

بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۹ – ۳،۴

۳ تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

۴ اعمال صالح بدون ایمان ، تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت نیست .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۸ – ۱۰

۱۰– همراهی ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده سعادت اخروی انسان است .

الذین کفروا بربّهم أعملهم . .. لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

خداوند در این آیه کفر را، که عقیده فاسدی است، موجب حبط عمل صالح دانسته و نتیجه اش شقاوت آلود بودن آخرت آدمی است. از این جا به دست می آید که عقیده درست، به اضافه عمل صالح، سعادت اخروی را تضمین می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۱ – ۵

۵– سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت وی در روز قیامت بسته به چگونگی رفتار او در دنیاست .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۶ – ۴

۴– تقوا ، پیامددار فرجامی سعادتمند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

إن المتقين فی جنّت . .. ادخلوها بسلم ءامنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۳،۱۶

۱۳– عقیده و

عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

<اتقوا> دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و <اذعان به خیر محض بودن قرآن> مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

۱۶- تقوا و احسان ، پیامددار سعادت دنیوی و اخروی

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . .. و لنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۴

۴- اراده و تلاش خود انسان در سعادت و شقاوت اخروی وی نقش تعیین کننده دارد .

من کان یرید العاجله . .. جعلنا له جهنّم ... و من أراد الأخره و سعی لها سعیها ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

و الذین یؤتون . .. و قلوبهم وجله أنّهم إلی ربّهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۸

۸ رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۳

۳ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، از عوامل دستیابی به سعادت اخروی است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه یحبرون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ – رویکرد تمام عیار به دین اسلام و قبول آن ، عامل نجات و سعادت انسان در قیامت است .

فأقم وجهک للدین . .. من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۴ – ۳،۷

۳ – عمل صالح ، زمینه تأمین سعادت اخروی است .

و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

۷ – برای سعادت اخروی ، ایمانِ همراه با عمل صالح ، لازم است .

و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

از مقابله <من کفر> با <و من عمل صالحاً> استفاده می شود که <من آمن> در آن تضمین شده است. و ذکر نشدن <من آمن> به خاطر تلازم قطعی آن با <عمل صالح> است و بدون آن، عمل صالح، اثری نخواهد داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۳

۳ – ایمان توأم با عمل صالح ، شرط ثمربخشی آن دو ، در سعادت اخروی انسان است .

ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۷،۸

۷ – انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسیتم . .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

۸ - عقیده و عمل ، سازنده آخرت انسان است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا . .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده

- ۳۲ - ۱۷ - ۸،۹

۸ - خود انسان در سعادت اخروی اش دارای نقشی تعیین کننده است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما کانوا یعملون

۹ - خداوند ، انسان ها را به روی آوردن به انجام دادن عمل شایسته ، جهت نیل به سعادت اخروی تشویق کرده است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم . .. جزاء بما کانوا یعملون

اعلام مخفی بودن پاداش مؤمنان و وصف ناپذیر بودنش برانگیزاننده انسان ها، جهت دستیابی به آن پاداش است و یادآوری جزای عمل، مزید بر تشویق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۹

۹ - عقیده و عمل صالح ، در کسب سعادت اخروی نقشی تعیین کننده دارد .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی . ..بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۴

۴ - انسان ها ، نقشی تعیین کننده در تأمین سعادت اخروی خود دارند .

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<جزا>، پاداش در مقابل عمل است که به اضافه <مغفرت> و <رزق کریم> حکایت از سعادت می کند. گفتنی که نسبت ایمان و عمل صالح به انسان ها، حکایت از نقش آنها در حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۲

۲ - بی اثر بودن عبادت غیرخدا ، برای سعادت انسان در آخرت

قالوا ضلّوا عنّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۹ – ۶

۶ – عملکرد

دنیوی آدمیان ، ملاک اصلی سعادت و شقاوت اخروی ایشان

إنّما تجزون ما کنتم تعملون . .. هنیًا بما کنتم تعملون

واژه <کنتم> (با فعل ماضی) اشاره به جهان گذشته (دنیا) دارد و تصریح به اعمال دنیوی، می رسانند که تأثیر اصلی در سعادت و شقاوت عمل آدمی، در دنیا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۶ – ۶

۶ – تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۱۱ – ۹

۹ – نیک بختی یا بدبختی انسان پس از مرگ ، در گرو اعمال خوب یا بد او است .

و لن یؤخّر اللّه . .. و اللّه خبیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۴

۱۴ – ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلک الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۸ – ۲

۲ – کارساز نبودن ثروت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

ما أغنی عنّی مالیه

عوامل سعادت اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۳

۳- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله

. .. لنبوّئنّهم فى الدنيا ... و لأجر الأخره أكبر ... الذى

عوامل محرومیت از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵ - ۴

۴ - دست یازیدن به آلودگی های جنسی ، برخاسته از ضعف ایمان و مایه محروم شدن از سعادت اخروی است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم لفروجهم حفظون

عوامل مؤثر در سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۹

۹ - انسان ها ، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان ، نقش دارند .

إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت . .. أجرًا ع

محرومان از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۵

۵ - محرومیت شرک پیشگان و منکران یگانگی خدا از سعادت اخروی

إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

مدعیان سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱،۷،۹،۱۳

۱ - یهود ، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن كانت لكم الدار الأخره . .. خالصه

تقدیم <لکم> بر <الدار الأخره> مفید حصر و اختصاص است و <خالصه> - که حال برای <الدار> می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند; زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده

و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

۹ - آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند ، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

۱۳ - اهل بهشت دانستن فرد یا طایفه ای خاص بدون داشتن برهان ، باوری است باطل .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين

منشأ سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- عمل مستمر خود انسان ، منشأ برخورداری وی از فضل الهی و نیل به مقام معنوی و سعادت اخروی

و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

موانع سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۱

۱ - انسان ، در معرض از دست دادن سعادت اخروی خویش به خاطر وابستگی به دنیا و متاع آن

و قالوا إن نتّبع الهدى معك نتخطّف من أرضنا . .. و ما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه

آیه بالا در ادامه آیات پیشین و بیانگر پاسخی دیگر به مشرکان است؛ یعنی، همانانی که به خاطر دلبستگی زیاد به جان و مال و مرز و بوم خویش، به پیامبر(ص) می گفتند: اگر با تو همراه شویم و از هدایت الهی پیروی کنیم، مشرکان عرب ما را از سرزمین مان (مکه) خواهند ربود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۲

۲ - برتری جویی و فسادانگیزی در زمین ، مانع دستیابی انسان به سرای آخرت

تلك الدار الأخره نجعلها للذين

لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - کارساز نبودن قدرت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

هلک عنّی سلطنیه

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنّی سلطنیه

موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

نشانه های سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱،۴

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

۴ - یهودیان ، به

خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

سعادت طلبی

اهمیت سعادت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱

۱ - هدف و آرمان انسان ، باید دستیابی به سعادت و نیکبختی اخروی باشد ; نه مظاهر فریبنده دنیا .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

سعادت طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۶،۷

۶ انسان، جوینده فرجام نیک و پوینده مسیری است که آن را سعادت می پندارد.

اعملوا . .. فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

۷ بهره برداری از تمایل انسان به فرجام نیک و حسن عاقبت، روشی در تبلیغ و دعوت مردم به دین است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۷

۷ انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند .

هم فیها خلدون

وعده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

سعادت طلبی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی ، همراه با تأمین زندگی دنیایی ، از ویژگی مردان الهی است .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و ا

سعادت طلبی بندگان خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

سعادت طلبی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

قوم ثمود با گفتن <إنّا إذًا. ..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

سعادت طلبی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقواپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

سعادت طلبی مؤمنان

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۳

۳ - انسان مؤمن ، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان *

ألحقنا بهم ذرّيّتهم

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را به آنان نوید داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و این آرزویی به جا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنّا كنّا قبل فى أهلنا مشفقين

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است; اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

سعادتمندان

{سعادتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به مصونیت از عذاب های دنیوی و اخروی و بهره مند شدن از نعمتهایی سعادت

آفرین نوید داد .

اهبط بسلم منا . .. و أمم سنمتعهم ثم یمسّهم منا عذاب ألیم

مقابله <سلام> با <عذاب ألیم> حکایت از آن دارد که مراد از <سلام> مصونیت از عذابهای دنیوی و اخروی

است. تعبیرکردن از نعمت و موهبتهای دنیوی به <برکت> در جانب اهل ایمان و تبدیل آن به <متاع> در جانب کفر پیشگان، اشاره به این نکته دارد که: نعمتهای ارزانی شده به مؤمنان، برای آنان سعادت آفرین است و موهبتهای عطاشده به کفرپیشگان، فاقد این خصیصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۶

۶ موحدان و مؤمنانِ به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادتمندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱

۱ نیک بختی و سعادت تنها از آنِ اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداترسان و پندپذیران ، سعادتمنداند .

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای >احتباک< (از وجوه بلاغت) است; یکی از >خشیت< سخن گفته و دیگری از >شقاوت< و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موکول کرده است; بدین معنا که اهل

خشیت، نقطه مقابل <شقاوت>; یعنی، سعادت را دارند و اهل <شقاوت> گرفتار نقطه مقابل <خشیت>; یعنی، گستاخی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکّرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارند .

سیذّکّر من یخشی . .. قد أفلح من تزکّی

مصداق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پاداش اخروی سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

حسابرسی اخروی سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

سعادتمندان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ سعادتمندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

۱۳ بهشت ، جایگاه سعادتمندان

فمن زحزح . .. و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱

۱ بهشت ، جایگاه سعادتمندان صحنه قیامت است .

و أما

الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها

سعادتمندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادتمندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳- سعادتمندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجًا ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

۲ - حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

فضایل سعادتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۱۲،۱۳

۱۲ سعادتمندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه

فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

۱۳ بهشت ، جایگاه سعادتمندان

فمن زحزح . .. و ادخل الجنّه فقد فاز

کمی سعادتمندان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عده اندکی هدایت یافته و سعادتمند ، در میان امت های پیشین

و لقد ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین

تعبیر گمراه شدن اکثریت مردم، می رساند که عده ای هرچند در اقلیت، از میان مردم به راه هدایت و سعادت دست یافته اند.

نامه عمل سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳- سعادتمندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم

سعی صفا و مروه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سعی صفا و مروه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۲،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۷

۲ - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه . .. فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

<اعتمار> (مصـدر اعتمر) به معناى: زيارت كردن و نيز انجام دادن عمره است. تفريع <من حـج البيت ...> بر معرفى صـفا و مروه به عنوان علامتى بر جايگاه عبادت، گوياى اين است كه: اولا، طواف صـفا و مروه - كه از آن به سـعى ميان صـفا و مروه تعبير مى كنند - عبادت خداست و ثانياً، اين عبادت از اعمال و مناسك حج و

عمره می باشد.

۵ - سعی میان صفا و مروه ، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما و من تطوع خیراً

مصداق مورد نظر برای <خیراً>، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

۶ - برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از انجام سعی میان صفا و مروه ، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند .

فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما

نفی اشکال از سعی میان صفا و مروه با جمله <فلا جناح . ..> گویای این است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بتهایی بود که مشرکان در صفا و مروه بین آن دو نصب کرده بودند.

۷ - خداوند به اعمال زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البیت أو اعتمر . .. و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

۱۰ - امام باقر (ع) فرمود : < . . . قال اللّه عز و جل : < ان الصفا و المروه من شعائراللّه فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما > الا ترون ان الطواف بهما واجب مفروض لان اللّه عز و

جل ذکره فی کتابه و صنعه نبیه (ع) . . . ;

. .. خداوند عز و جل فرمود: <ان الصفا و المروه من شعائراللّه فمن حج البیت او اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما> آیا نمی بینید که طواف (سعی) در صفا و مروه واجب است; چون خدای عز و جل آن را در کتابش]تشریع[فرموده و این سعی را رسول خدا نیز انجام داده است ... >.

۱۱ - عبید بن زراره گفت ، از امام صادق (ع) سؤال کردم : . . . حضرت فرمودند : < . . . السعی سنه من رسول اللّه قلت ألیس اللّه یقول : ان الصفا و المروه من شعائراللّه قال : بلی و لکن قد قال فیهما < و من تطوع خیراً فان اللّه شاکر علیم > فلو کان السعی فریضه لم یقل و من تطوع خیراً ;

. .. سعی]بین صفا و مروه[سنتی از رسول خداست]راوی گوید[گفتم: آیا خداوند نفرموده: <ان الصفا و المروه من شعائراللّه>؟ فرمودند: بله و لکن فرموده: <و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم> پس اگر سعی بین صفا و مروه فریضه بود، نمی فرمود: <و من تطوع خیراً> (آن را داوطلبانه انجام دهد)>.

۱۲ - بعضی از اصحاب گویند : از امام صادق (ع) از سعی بین صفا و مروه سؤال شد ، حضرت فرمود : < . . . کان ذلک فی عمره القضاء ان رسول اللّه (ص) شرط علیهم أن یرفعوا الاصنام من الصفاء و المروه . . . فقالوا یا رسول اللّه ان فلاناً لم یسع

بين الصفاء و المروه و قد اعيدت الاصنام فأنزل اللّه عز و جل < فلاجناح عليه ان يطوف بهما > ای و عليهما الأصنام ;

]شأن نزول (لاجناح . ..)[در عمره القضا بود که رسول خدا - صلی اللّه عليه و آله - با مشرکان شرط کرد که بتها را از صفا و مروه بردارند ... و گفتند: ای رسول خدا! فلان کس سعی بين صفا و مروه را انجام نداده است و الان بتها را به آن جا آورده اند; پس خداوند عز و جل فرمود: <فلاجناح عليه ان يطوف بهما>; يعنی، مانعی نيست در حالی که بتها در]مطاف سعی [هستند، سعی بين صفا و مروه را انجام دهند>.

۱۳ - از امام صادق (ع) روايت شده که فرمودند : < ان الصفا و المروه من شعائر اللّه > فأبده بما بدء اللّه تعالی به و ان المسلمين کانوا يظنون ان السعی بين الصفا و المروه شیء صنعه المشرکون فأنزل اللّه عز و جل < ان الصفا و المروه من شعائر اللّه . . . > .

صفا و مروه از شعائر الهی است پس]سعی[را شروع نما از جايی که خداوند]در آيه شريفه[در بيانش شروع نموده و مسلمانان گمان می کردند که سعی بين صفا و مروه چيزی است که مشرکان آن را بنا نهاده اند; پس خداوند عز و جل آيه فوق را نازل کرد: <ان الصفا و المروه من شعائر اللّه . ..>.

۱۴ - رسول خدا (ص) فرمود : < انما جعل . . . السعی بين الصفا و المروه . . . اقامه لذکر

اللّه لا لغيره ;

همانا . .. سعی بين صفا و مروه ... برای بر پا داشتن ذکر و ياد خداست، نه غير آن>.

۱۷ - < عن الحلبی قال : سألت اباعبداللّه (ع) عن المرأه تطوف بين الصفا و المروه و هی حائض قال : لا لان اللّه تعالی يقول < ان الصفا و المروه من شعائراللّه > ;

حلبی گويد از امام صادق(ع) سؤال کردم: آيا زن حائض می تواند سعی بين صفا و مروه را انجام دهد؟ امام فرمود: نه، خداوند فرموده: صفا و مروه از شعائر خداست>.

سعی صفا و مروه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۶

۶ - برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از انجام سعی ميان صفا و مروه ، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند .

فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

نفی اشکال از سعی ميان صفا و مروه با جمله <فلا جناح . ..> گويای اين است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بتهايی بود که مشرکان در صفا و مروه بين آن دو نصب کرده بودند.

عباديت سعی صفا و مروه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۲

۲ - طواف صفا و مروه (سعی ميان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه . .. فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

<اعتمار>

(مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع <من حج البیت ...> بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولا، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

فلسفه سعی صفا و مروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱۵،۱۶،۱۸

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < جعل السعی بین الصفا و المروه مذله للجبارین ;

خداوند، سعی صفا و مروه را برای مذلت و خواری گردنکشان قرار داده است>.

۱۶ - از امام صادق (ع)] درباره فلسفه هروله بین صفا و مروه [روایت شده که فرمود : < صار السعی بین الصفا و المروه لان ابراهیم (ع) عرض له ابلیس فأمره جبرئیل فشد علیه فهرب منه فجرت به السنه (یعنی بالهروله) ;

ابلیس بر ابراهیم(ع) نمایان شد، جبرئیل به ابراهیم (ع) دستور داد که بر او حمله کند و او حمله کرد و ابلیس فرار نمود]و ابراهیم (ع) در پی او دوید[پس سنت]هروله بین صفا و مروه[قرار داده شد>.

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود : < ان ابراهیم (ع) لما خلف اسماعیل بمکه عطش الصبی . . . فخرجت امه حتی قامت علی الصفا . . . فمضت حتی انتهت الی المروه

. . . ثم رجعت الی الصفا . . . حتی صنعت ذالک سبعاً فاجری اللّه ذالک سنه . . . ;

زمانی که ابراهیم(ع)، اسماعیل را در مکه باقی گذاشت، اسماعیل بشدت تشنه شد . .. پس مادرش]هاجر در طلب آب[بیرون رفت تـا بر کوه صـفا قرار گرفت ... و سـپس به کوه مروه رفت ... و دوباره به کوه صـفا بازگشت ... تا اینکه این عمل (رفت و برگشت) را هفت بار انجام داد; پس خدا این عمل را (سعی بین صفا و مروه) به عنوان سنت قرار داد ... >.

سعیر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سعیر

{سعیر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۶

۶- سعیر ، از نام های دوزخ است .

إلی عذاب السعیر

جایگاه سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۳

۱۳- < علی بن الحسـین (ع) قال : إن فی جهنّم وادیاً یقال له : سـعیر ، إذا خبت جهنّم فتـح سـعیرها و هو قوله : < کلّما خبت زدناهم سعیراً > ;

امام سجاد فرمود: همانا در جهنّم وادیی وجود دارد که به آن <سعیر> گفته می شود و آن گاه که آتش جهنّم فروکش کند، سعیر جهنّم گشوده گردد و آن سخن خداوند است که می فرماید: کلّما خبت زدناهم سعیراً>.

سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۳

۳ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

و أعدّ لهم سعيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ - سعیر ، از نام های دوزخ

أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۶

۲۶ - < سعیر > از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۵

۱۵ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۸

۸ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۴

۴ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

لأصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

- انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۲

۲ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

سعیرًا

سفاهت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سفاهت

آثار سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۴

۴ - نپذیرفتن احکام الهی و اعتراض به آنها ، برخاسته از سفاهت و کم خردی است .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۲،۴

۲ قربانی کردن فرزندان، عملی برخاسته از سفاهت و جهل است.

قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۴ جهل و سفاهت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشدّه

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

انبیا و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۴

۴ هود و دیگر پیامبران الهی ، مبرا از هر گونه سفاهت و کم خردی

قال یقوم لیس بی سفاهه

هود در بیان علت پیراستگی خود از سفاهت جمله <و لکنی رسول . .. > را به کار برد تا این نکته را گوشزد کند که ره یافتن سفاهت در رسولان الهی امکان پذیر نیست.

تبرئه از سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۱،۳،۴

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۴ هود و دیگر پیامبران الهی ، مبرا از هر گونه سفاهت و کم خردی

قال یقوم لیس بی سفاهه

هود در بیان علت پیراستگی خود از سفاهت جمله <و لکنی رسول . .. > را به کار برد تا این نکته را گوشزد کند که ره یافتن سفاهت در رسولان الهی امکان پذیر نیست.

تهمت سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۲

۲ اشراف کفرپیشه قوم هود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملأ الذین کفروا . .. انا لنریک فی سفاهه و إنا لنظنک من الکذبین

تهمت سفاهت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۳،۴،۶

۳ - مؤمنان راستین در دیدگاه منافقان ، مردمی سفیه و بی خردند .

قالوا أنؤمن كما ءامن السفهاء

۴ – بیمار دلیِ اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا أنؤمن كما ءامن السفهاء

۶ – منافقان ، با متهم ساختن اهل ایمان به

بی خردی ، دعوت به ایمان را پذیرا نبودند .

قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ - جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

سفاهت جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

سفاهت شرابخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۵

۱۵ ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: <و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم> فایُّ سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۵۲.

سفاهت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۲

۲ - کافران لجوج و پندناپذیر ، مردمی ابله و نابخرداند .

کأنّهم حمر مستنفره

مطلب یاد شده، از تشبیه کافران به <گورخران رمیده>، استفاده می شود.

سفاهت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۹

۹ - نکوهش خداوند از مشرکان بهانه جو ، به خاطر انتخاب نابخردانه آنان (انتخاب زندگی دنیوی به بهانه از دست دادن سعادت اخروی)

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف

من أرضنا . .. و ما أوتيتم من شیء فمتع الحیوه

سفاهت مشرکان دوران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

سفاهت مکذبان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۲ – ۳

۳ – درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (ص)

فما لهم عن التذکره معرضین . .. بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

سفاهت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳ – ۸،۹

۸ – منافقان ، خود مردمی سفیه و بی خردند .

ألا إنهم هم السفهاء

مقرون بودن خبر به <ال> و نیز وجود ضمیر فصل در جمله <ألا إنهم . ..> از حصر حکایت دارد و این حصر به اصطلاح <حصر> اضافی است. بنابراین معنای جمله چنین است: منافقان بی خردند، نه مؤمنان راستین.

۹ – منافقان ، بی خبر از سفاهت و بی خردی خویش

ألا إنهم هم السفهاء و لكن لایعلمون

سفاهت هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع ، از زمره سفیهان و بی خردانند .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

علمای یهود

و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۸،۱۲

۸ - پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

عوامل سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۲

۲۲ ارتکاب گناه ، سفاهت و بی خردی است .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۷

۷ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، موجب فزونی سفاهت و سبک سری آن گروه می شد .

فزادوهم رهقًا

عوامل سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۴

۴ - پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به گروهی از مردان جن ، بر سفاهت و سبک سری جن می افزود .

فزادوهم رهقًا

<رَهَق> در معانی سفاهت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می رود; ولی به قرینه آیه ۴ همین سوره (و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه کذباً) معنای اول مراد است . گفتنی است درباره ضمیر فاعلی و ضمیر

<هم> در <فزادوهم>، دو احتمال هست: ۱ ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر <هم> به رجال جن باز گردد; ۲ عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

قوم عاد و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۳

۳ ادعای پیامبری از سوی هود (ع) ، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إنا لنریک فی سفاهه . .. أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۳۸

۳ یکتاپرستی و گرایش توحیدی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إنا لنریک فی سفاهه . .. أجئتنا لنعبد اللّه وحده

جمله <أجئتنا . .. > بیانگر ریشه سفیه پنداشتن هود از سوی قوم عاد است.

۸ مخالفت با سنن قومی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إنا لنریک فی سفاهه . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

مؤمنان و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرّا هستند .

و ما کان لنفس أن تؤمن . .. و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

نشانه های سفاهت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۰ – ۷

۷ – روی گردانی از اسلام ، نشانه سفاهت و معلول بی خردی است .

ربنا وابعث فیهم رسولا

. .. و من يرغب عن مله إبرهيم إلا من سفه نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۵

۵ – نسخ احكام دين امرى ممكن و ناروا شمردن آن ، نشانه سفاهت و كم خردى است .

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۴ – ۳

۳ – سخن نسنجيده و نابجا درباره خداوند ، نشانه سفاهت و كم خردى است .

و أنّه كان يقول سفيهنا على اللّه شططًا

<شطط>به سخن ظالمانه و به دور از حق گفته مى شود. (مفردات راغب)

نشانه هاى سفاهت كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۰ – ۴

۴ – روى گردانى كافران از كلام بيداربخش و پندآموز قرآن ، ناشى از نابخردى و كوته فكرى آنان بود .

فما لهم عن التذكره معرضين . كأنّهم حمر مستنفره

يوسف(ع) و عوامل سفاهت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ يوسف (ع) پذيرش تقاضاى نامشروع زليخا و همپالگى هاى او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بى خردى مى دانست .

و إلّا تصرف . .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

سفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سفر

سفر با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۹

۱۹

سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّه عزّ و جل یقول: و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّه. .. .

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

سفر با کشتی بادبانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۸

۸ دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتی إذا کنتم فی الفلک . .. و فرحوا بها ... و ظنوا أنهم أحیط بهم

سفر های ترسناک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۸

۸ دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتی إذا کنتم فی الفلک . .. و فرحوا بها ... و ظنوا أنهم أحیط بهم

مدت سفر ملائکه حامل تدبیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۵ – ۱۱

۱۱ – مدت سفر فرشته حامل فرمان تدبیر خداوند برای آوردن پیام ، مدتی در حدود هزار سال به حساب دنیوی است .

يدبّر الأمر . .. ثمّ يعرج إليه فى يوم كان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

نماز در سفر

جلد - نام

سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱

۱ كاستن از نماز در سفر ، به هنگام ترس از دشمن ، هيچ گناهى ندارد .

و إذا ضربتم . .. فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم

جمله <فليس . ..>، در حقيقت جواب براى <اذا ضربتم> و <ان خفتم> است. يعنى مسافرت و ترس از فتنه گرى دشمن دو شرط لازم براى كاستن از نماز است.

وصيت در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۳،۵

۳ سهل انگارى در وصيت به هنگام مشاهده آثار مرگ هر چند در سفر و ديار كافران امرى ناشايست براى اهل ايمان

إذا حضر احدكم الموت حين الوصيه

<حين الوصيه> بدل از <اذا> مى باشد، يعنى هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصيت است نه انجام كارى ديگر و اين گوياى تأكيد الهى بر امر وصيت مى باشد.

۵ شهادت دو مرد غير مسلمان ، كافى براى اثبات وصيت و حدود آن ، در صورتى كه وصيت كننده در مسافرت بميرد و در آستانه مردن وصيت كند .

او ءاخران من غيركم ان انتم ضربتم فى الارض فاصبتكم مصيبه الموت

سفيه از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

{سفيه}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۰،۱۵

۱۰ افرادى كه اموال خويش را در غير مصالح جامعه به كار مى گيرند ، در تلقى دين ، سفيه هستند . *

اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

جمله <لا تؤتوا السّفهاء اموالکم التی . .. قیاماً>، می رساند که

خداوند از آن جهت پرداخت اموال سفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالح جامعه و قوام و برپایی آن مصرف می کنند. بنابراین، مصرف مال در غیر مصلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه است.

۱۵ ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: <و لاـ تؤتوا السّفهاء اموالکم> فایُّ سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۵۲.

احکام سفیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵ – ۱،۴،۵،۷،۱۲،۱۳،۱۵،۱۶

۱ ثروت ها ، نباید در اختیار سفیهان قرار گیرد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

۴ جواز پرداخت اموال کم ارزش سفیهان به آنان

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

به آن احتمال که <الّتی جعل . .. >، قیدی احترازی باشد، بر این مبنا می توان اموالی که ارزش اقتصادی چندانی ندارد، در اختیار سفیه قرار داد.

۵ اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

جمله <لا تؤتوا . .. > (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

۷ امور اقتصادی جامعه ، نباید در دست سفیهان قرار گیرد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالكم

۱۲ تأمین خوراك و پوشاك (

مخارج زندگی) سفیهان ، بر عهده جامعه است .

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

۱۳ لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: <و ارزقوهم فیها> و نفرمود: <منها>. تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

۱۵ ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: <و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم> فایُّ سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۵۲.

۱۶ ضرورت پرهیز از سپردن اموال به سفیهان ، برای جلوگیری از اتلاف و تباه شدن آن

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام باقر (ع): . .. انّ اللّه نهی عن ... و فساد المال ... انّ اللّه عز و جل یقول ... و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۰۰، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۵.

انفاق به سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۳

۳ در انفاق به سفیهان ، نباید مال را در اختیار آنان قرار داد . *

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

برخی برآنند که مراد از <ایتاء>، انفاق بر آنان است ; یعنی به هنگام انفاق بر آنان، اموالتان را

در اختیار آنان قرار ندهید، بلکه در جهت منافع آنان به کار گیرید.

تأمین سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ تأمین خوراک و پوشاک (مخارج زندگی) سفیهان ، بر عهده جامعه است .

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

۱۳ لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: <و ارزقوهم فیها> و نفرمود: <منها>. تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

حقوق سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان کان الّذی علیه الحقّ . .. فلیملل ولیّه بالعدل

کفالت بر سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولیّ و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً . .. فلیملل ولیّه بالعدل

کفالت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۵

۵ اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

جمله <لا تؤتوا . .. >

(اموال را به سـفیهان نپردازیـد)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان بایـد در اختیار دیگری باشـد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

کفیل سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۶

۱۶ وجوب املای اسـناد دین و مبادلات نسـیه ای با رعایت عـدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سـفیه یا ضـعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

مال سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۴،۵،۱۳

۴ جواز پرداخت اموال کم ارزش سفیهان به آنان

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

به آن احتمال که <الّتی جعل . .. >، قیـدی احترازی باشـد، بر این مبنا می توان اموالی که ارزش اقتصادی چنـدانی ندارد، در اختیار سفیه قرار داد.

۵ اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

جمله <لا تؤتوا . .. > (اموال را به سـفیهان نپردازیـد)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان بایـد در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

۱۳ لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد

و نه از اموال آنان و لذا فرمود: <و ارزقوهم فیها> و نفرمود: <منها>. تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

محجوریت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۲،۳

۲ محجور بودن سفیه ، از تصرف در اموال

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

۳ در انفاق به سفیهان ، نباید مال را در اختیار آنان قرار داد . *

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

برخی برآنند که مراد از <ایتاء>، انفاق بر آنان است ; یعنی به هنگام انفاق بر آنان، اموالتان را در اختیار آنان قرار ندهید، بلکه در جهت منافع آنان به کار گیرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشدّه

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

معاشرت با سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۴

۱۴ لزوم برخورد شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با سفیهان

و قولوا لهم قولا معروفاً

در برداشت فوق کلمه <قولاً> به معنای کنایی آن، یعنی مطلق معاشرت (سخن و رفتار)، گرفته شده است.

سفیهان

{سفیهان}

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۰ – ۲

۲ – تنها سفیهان و بی خردان از آیین ابراهیم روی گردان شده و آن را نمی پذیرند .

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

کلمه <رغبه> و مشتقات آن، چنانچه با حرف <عن> متعدی شود، به معنای اعراض و روی گردانی است. <مَن> در <مَن یرغب> اسم استفهام می باشد و استفهام در اینجا استفهام انکاری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۲۱

۲۱ اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع ، از زمره سفیهان و بی خردانند .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

سفیهان و تغییر قبله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۳

۳ – سفیهان و بی خردان ، تغییر قبله را امری ناروا می شمرند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

سقایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سقایت

اهمیت سقایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۳

۳۳ سیراب نمودن تشنه ای که به آب دسترسی ندارد ، به منزله احیای اوست .

و من احیاها فکانما

احیا الناس جمیعاً

امام صادق(ع): . .. و من سقی الماء فی موضع لایوجد فیه الماء کان کمن احیا نفساً و <من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً>.

کافی، ج ۴، ص ۵۷، ح ۳; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۹.

سقایت حاجیان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و جهد فی سبیل اللّ

فضیلت سقایت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره قول خدای عز و جل < أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر > روایت کرده است : < نزلت فی حمزه و علی و جعفر و العباس و شیبه . . . و کان علی (ع) و حمزه و جعفر الذین آمنوا باللّه و الیوم الآخر و جاهدوا فی سبیل اللّه لایستوون عند اللّه ;

این آیه شریفه درباره حمزه، علی، جعفر، عباس و شیبه نازل شده که آنان (عباس و شیبه) به منصب آب رسانی به حاجیان و پرده داری کعبه افتخار می کردند، پس خداوند عز جل این آیه را نازل فرمود: آیا منصب آب رسانی به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را با [عمل]کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و در راه خدا

جهاد کرد. همانند قرار داده اید؟ آنان نزد خدا مساوی نیستند!>.

قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

سکوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سکوت

آثار سکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۴

۴- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است; هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

روزه سکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۹،۱۵

۹ وجود روزه سکوت (خودداری از سخن گفتن) در ادیان گذشته *

قال ایتک الاّ تکلّم الناس

۱۵ سه روز روزه سکوت (سخن نگفتن جز با رمز و اشاره) ، کثرت ذکر خدا و تسبیح او ، دستورالعمل خدا به زکریا برای دستیابی به خواسته خویش (فرزند صالح) *

قال ایتک الاّ تکلّم . .. و اذکر ربّک کثیراً و سبّح

در برداشت فوق، فعل <الاّ تکلّم> که به صیغه نفی است، به معنای نهی گرفته شده است; به قرینه فعل امر <اذکر> که بر آن

عطف شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۶ – ۱۹،۲۰

۱۹– لزوم ترک سخن با انسان ها در طول روز ، از احکام روزه در آیین مریم (س) (دین یهود)

إنّی نذرت للرحمن صومًا فلن أکلّم الیوم إنسیًّا

روزه ای که مریم(س) نذر کرد به دو صورت نقل گردیده است: ۱ به صورت امساک از طعام و سخن، چون در شریعت آن زمان، روزه دار می بایست از سخن نیز اجتناب کند ۲ به صورت روزه سکوت که روزه دار، فقط از سخن اجتناب می کرد. ظاهر آیه متناسب با صورت اول است، چرا که او نذر مطلق روزه کرده و سخن نگفتن را متفرع بر آن ساخته است.

۲۰– در آیین مریم (دین یهود) روزه دار به سخن گفتن با غیر انسان ها و ذکر خداوند مجاز بود .

إنّی نذرت للرحمن صومًا فلن أکلّم الیوم إنسیًّا

<إنسیّ>; یعنی، یک انسان (قاموس). جمله <لن أکلّم الیوم إنسیّاً> تفریع بر <إنّی نذرت> می باشد; یعنی، چون نذر روزه کرده ام، با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. از این تفریع چنین بر می آید که در آیین یهود، روزه دار نباید با انسانی تکلم کند; ولی ذکر گفتن و با خداوند مناجات کردن منعی نداشته است.

روزه سکوت در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۰ – ۱۰

۱۰– وجود روزه سکوت در ادیان گذشته *

قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال

<ألاّ تکلّم> فعل نفی است. برخی احتمال داده اند که نفی تکلم، خبر در مقام انشاء و

ترک سخن، تکلیفی الهی و اختیاری برای زکریا و کنایه از روزه باشد و گفته اند در آن زمان، سکوت، شرط صحّت روزه بوده است.

روزه سکوت در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۸

۱۸- رجحان روزه سکوت و تعلق نذر به آن ، از احکام آیین مریم (دین یهود)

إنّی نذرت للرحمن صومًا

روزه سکوت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۲،۳،۹

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

۳- زکریا (ع) ، در مدت سکوت سه روزه ، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر ، با اشاره به مردم اعلام می کرد .

فخرج علی قومه من المحراب فأوحی إلیهم أن سبّحوا بکره و عشیًّا

احتمال می رود جمله <فخرج . ..> در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، <بکره و عشیّاً> ظرف برای فعل های <خرج> و <أوحی> خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور <سبّحوا> را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

۹- زکریا (ع) پس از آغاز روزه سکوت ، برای تفهیم دستور العمل های عبادی به قوم خویش ، از اشاره و رمز استفاده می کرد .

فأوحی إلیهم

أن سبّحوا

فاعل <أوحى> زكريا و ضمير <إليهم> به <قوم>بازمى گردد. هرچيزى كه به قصد آموختن به هر شكلى به ديگرى القا شود، <وحى> ناميده مى شود (مصباح) و در اين آيه مراد <اشاره> است. آيه چهل و يكم آل عمران نيز شاهد اين معنا است.

روزه سكوت مريم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۰،۱۱،۱۲،۳۱

۱۰- عيسى (ع) ، مادرش مريم (س) را به نذر روزه سكوت ، هنگام مواجهه با مردم توصيه كرد .

فإمّا ترينّ من البشر أحدًا فقولى إنّى نذرت للرحمن صومًا

۱۱- مريم (س) ، نذر روزه سكوت را پس از مواجهه با اولين نفر از افراد جامعه خويش منعقد ساخت .

فإمّاترينّ من البشر أحدًا فقولى إنّى نذرت

ظاهر <فقولى> آن است كه مريم مفاد نذر خود را با زبان بيان كرده باشد; دراين صورت همان جمله <إنّى نذرت . ..> صيغه نذر بوده و نذر مريم با گفتن آن منعقد شده است.

۱۲- روزه سكوت حضرت مريم (س) ، به مدت يك روز و هم زمان با هنگام بازگشت نزد قوم خود بوده است .

إنّى نذرت للرحمن صومًا فلن أكلّم اليوم إنسيًّا

الف و لام در <اليوم> براى عهد حضورى است; يعنى <امروز> و مراد از آن همان روزى است كه همراه با نوزاد خود به ميان قومش برگشت.

۳۱- < عن أبى عبدالله (ع) قال : إنّ الصيام ليس من الطعام والشراب وحده . . . قالت مريم : < إنّى نذرت للرحمان صوماً > أى صوماً صمتاً ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: همانا

روزه، تنها خودداری از خوردنی آشامیدنی نیست . .. مریم(س) گفت: <إنّی نذرت للرحمان صوماً>، یعنی روزه سکوت>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۹ – ۲

۲- حضرت مریم (س) ، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود ، در حال روزه بود و سخن نمی گفت .

فأشارت إلیه

سکوت اخروی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۵ – ۱

۱ – تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لاینطقون

سکوت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۹ – ۱

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

<لایتناهون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

سکوت در برابر گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۶،۹

۶ اطمینـان به هلاـکت متجاوزان ایله و یا گرفتاری آنان به عـذابی سـخت ، بهانه تارکان نهی از منکر برای سـکوت خویش در

برابر آنان و مایه نابجا شمردن عمل موعظه گران (نهی از منکر)

لم تعظون قوماً اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

۹ اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه

گران بگویند <ربنا> (پروردگارمان)، نه <ربکم> (پروردگار شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری ، دارای کیفری شدید است .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

سکوت در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱،۲،۳

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

۲ گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن ، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است .

فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری> استفاده شده است.

سکوت درباره ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۲ - ۶

۶ - < قال أبوعبداللّه (ع) إنّ اللّه عزّوجلّ يقول : < و أنّ إلى ربّك المنتهى > فإذا انتهى الكلام إلى اللّه

فامسکوا ;

امام صادق(ع) فرمود: خداوند عزّوجلّ می فرماید: <و أن إلی ربّك المنتهی>; یعنی; تمام امور به پروردگار منتهی می شود. سپس هر وقت کلام به خدا رسید، خودداری کنید [و در ذات او بحث نکنید]>.

سکوت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۸

۸ بی تفاوتی عالمان و اندیشمندان در برابر گناهان ، زمینه ساز رواج و توسعه آنها

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

سکوت علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۳

۳ سکوت و بی تفاوتی عالمان اهل کتاب ، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

سکوت علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴،۱۰

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <کانوا> و <یصنعون>، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر

گناهان دانسته شده است.

سکوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴،۱۰

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <کانوا> و <یصنعون>، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

سکوت هنگام دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۳

۳ - رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۱

۱ - رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

سگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سگ

احترام سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۵

۵- سگ اصحاب کهف ، به دلیل همراهی با آنان ، موجودی شایسته احترام شمرده شده

است .

رابعهم . .. سادسهم ... و ثامنهم کلبهم

یاد کردن از سگ اصحاب کهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

احکام سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۱

۱۱ جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- همراه داشتن سگ و نگه داری از آن در برخی از موارد ، جایز است .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

بلعم باعورا و سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

تاریخ نگهداری سگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۸ – ۱۲

۱۲– اهلی بودن سگ و بهره بردن انسان از آن ، سابقه ای طولانی در تاریخ بشر دارد .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

تشبیه به سگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند

حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

تعلیم سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۰،۱۱،۱۹،۳۲

۱۰ سگ ، از حیوانات قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن

۱۱ جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم اللّه

مراد از <علمکم اللّه> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

۳۲ آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: . .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم . ...

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

سگ اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۸ – ۶،۷،۹

۶- اصحاب کهف ، به هنگام آرمیدن در غار ، سگی به همراه خود داشتند .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۷-

سگ اصحاب کهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، ساق دستان خود را گشوده و بر دهانه غار خوابیده بود .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

<وصید> به آستانه دربّ گفته می شود.

۹- جسم سگ اصحاب کهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید . *

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۴

۴- سگ اصحاب کهف ، چهارم یا ششم و یا هشتمین عضو گروه اصحاب کهف در نظر مردم بود .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه سادسهم کلبهم . .. و یقولون سبعه و ثامنه

سگ تشنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

<ذلک> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله . .. > آن را درباره سگ بیان داشت.

سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۱،۳۲

۱۱ جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

۳۲ آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: . .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه

معلم ... .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

سلامت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۸

۸- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

صید سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۲،۱۳،۱۵،۱۷،۱۸،۲۳،۲۴،۲۵،۳۵،۳۶،۳۷،۳۸

۱۲ جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده <مکلبین> که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۴۱.

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیه ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید

و کشته شده باشد فرمود: لابأس قال اللّه عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده

(از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنـده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشـد که تشبیه را افاده کنـد، نمی توانـد <جوارح> را مقیـد به خصوص سـگان شـکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنـده سـگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کنـد، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف <ما علمتم>، عطف خاص بر عام است.

۲۳ صـید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز اسـتفاده را مشـروط به این می کند که درنده شـکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم

اللّه علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم اللّه علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <مما علمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

۳۶ خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) وامام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودنند : ... وان ادرکته وقد قتاه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره ۳۶ و ۳۷ با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو

موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۲; استبصار، ج ۴، ص ۶۷، ح ۱ تا ۱۰.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لابأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم یأکل الکلب منه فاذا اکل الکلب منه قبل ان تدرکه فلاتأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. اذا صاد و قد سمّی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <ممّا علّمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

فضیلت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- سگ اصحاب کهف ، بر جامعه مشرک و گمراه ، شرافت داشت .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

یاد کردن از سگ اصحاب کهف و تصویر حالت اش، بلکه برشمردن آن در جمع اصحاب کهف، در آیات بعد (رابعهم

کلبهم. ..)، تعریضی است به آنان که اصحاب کهف را یاری نکردند و با آنان همگام نشده و به پای سگ آنان نیز نرسیدند.

مکذبان آیات خدا و سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت

سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

<ذلک> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله . .. > آن را درباره سگ بیان داشت.

نگهداری سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- همراه داشتن سگ و نگه داری از آن در برخی از موارد ، جایز است .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

سلاح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلاح

اهمیت تولید سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۶

۶- صنعت اسلحه سازی و تولید سلاح ، باید در اختیار افراد صالح و تحت نظارت رهبران جامعه دینی قرار گیرد .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

از این که خداوند برای دفاع مردم از منافع خویش در برابر دشـمن، صنعت اسلحه سازی را تنها به داوود(ع) آموخت، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

اهمیت تولید سلاح های دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۹

۹- تولید سلاح دفاعی و بازدارنده و استفاده از آن ، امری لازم و شایسته

و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

تولید سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شکرون

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و

شواهد نبوت آنان است.

خلع سلاح دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۱۷

۱۷– رزمندگان ، موظف به جنگیدن و اسیر گرفتن دشمن تا خلع سلاح آنان و فرونشستن جنگ *

فشدّوا الوثاق . .. حتّی تضع الحرب أوزارها

ممکن است <حتّی تضع. ..> غایت برای گرفتن اسیران باشد; که از مضمون <فشدّوا الوثاق> به تلازم استفاده می شود.

ملاک تولید سلاح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۸

۸– حفظ منافع و خیر و صلاح مردم ، اصلی اساسی و معیاری تعیین کننده در نوع و مقدار تولید و گسترش سلاح و سیاست کلی جامعه دینی در صنعت اسلحه سازی است .

و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

برداشت یاد شده از <لام> انتفاع در <لکم> استفاده گردید، بدین معنا که آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع) در جهت حفظ منافع و خیر و صلاح مردم بود و همین مسأله، تعیین کننده سیاست کلی جامعه دینی در تولید و گسترش سلاح است.

نعمت سلاح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۱۳

۱۳– خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علّمنه صنعه لبوس لکم . .. فهل أنتم شکرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاكرون>، متضمن معنای امر است.

سلام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلام

آثار سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۷

۷ سلام کردن ، علامت

مسلمانی در صدر اسلام *

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

برخی برآنند که مراد از القای سلام، همان گفتن <سلام علیکم> می باشد. زیرا این گونه تحیّت، در آن زمان مخصوص جامعه اسلامی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

آداب جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۲

۲ پاسخ به تحیّت و درود دیگران ، باید بهتر از آن ، یا همانند آن باشد .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها ااو ردّوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۸

۸ - پاسخ تحیت دیگران به تحیتی بهتر و افزون تر ، پیروی از پیامبران و تأدب به آداب آنان است .

فقالوا سلمًا قال سلم

آداب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۷،۸

۷ <سلام علیکم>، هیئت سلام کردن پیامبر(ص) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءك الذين يؤمنون بأيتنا فقل سلم عليكم

۸ <سلام علیکم> روش تحیت و درود اسلامی به هنگام برخورد مسلمانان با یکدیگر

و إذا جاءك الذين يؤمنون بأيتنا فقل سلم عليكم

پیامبر اکرم(ص) در چنین موارد خصوصیتی ندارد و مقصود تمام مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۶

جواب سلام به وجهی نیکوتر از سلامِ سلام کننده ، امری پسندیده و از سنت های پیامبران است .

قالوا سلمًا قال سلم

کلمه <سلاماً> مفعول برای فعلی مقدر همانند <نسلم> است و <سلام> مبتدا و خبر آن کلمه ای محذوف همانند <علیکم> می باشد. بر این اساس فرشتگان با جمله فعلیه <نسلم سلاماً> به ابراهیم(ع) سلام کردند و ابراهیم(ع) با جمله اسمیه <سلام علیکم> که دلالت بر ثبات و دوام دارد پاسخ داد و بدین جهت پاسخ او نیکوتر از سلام فرشتگان می باشد.

آرزوی سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۲

۲ - دریافت سلام و تحیت از جانب پروردگار ، آرزو و خواسته بهشتیان است .

و لهم ما یدّعون . سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <سلام> بدل از <ما یدّعون> باشد.

ابراهیم(ع) و سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۴

۴ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

احکام سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۱،۳

۱ وجوب پاسخگویی به تحیّت و درود دیگران

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا

<تحیّه> در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

۳

سلام کردن ، امری پسندیده است و پاسخ به آن ، واجب .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها ااو ردّوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان ، وظیفه قطعی دارند که به پیامبر (ص) سلام کنند .

سلّموا تسلیمًا

<تسلیم> مفعول مطلق تأکیدی است و دلالت می کند که سلام بر پیامبر(ص) حتماً باید انجام بگیرد. در این که <مراد از <سلام> در آیه چیست؟> دو احتمال هست: یکی، همان سلام اصطلاحی است و دیگری، به معنای تسلیم بودن است. برداشت بالا بنابر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۵

۵ - لزوم پاسخ گفتن به سلام دیگران ، پیش از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

ارزش سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۹

۲۹ - مؤمنان ، دارای جایگاهی ویژه نزد پروردگاراند و سلام آنان به یکدیگر ، از ارزش خاصی برخوردار است .

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

از این که خداوند درود مسلمانان به یکدیگر را، سلام خود دانسته است، می توان به برداشت فوق دست یافت.

ارزش سلام بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۹ – ۴

۴ – سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی إبرهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ –

۴ - ۱۲۰

۴ - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۰ - ۴

۴ - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی إل یاسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۱ - ۲

۲ - سلام و تحیت بر پیامبران الهی ، امری پسندیده و ارزشمند و سنتی الهی است .

و سلم علی المرسلین

ارزش سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۰ - ۴

۴ - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۰ - ۴

۴ - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی إل یاسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۱ - ۳

۳ - سلام و تحیت بر بندگان خدا ، امری ارزشمند و پسندیده

و سلم علی المرسلین

الفاظ سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۷،۸

۷ <سلام علیکم>، هیئت سلام کردن پیامبر(ص) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءك الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

۸ <سلام علیکم> روش تحیت و درود اسلامی

به هنگام برخورد مسلمانان با یکدیگر

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

پیامبر اکرم(ص) در چنین موارد خصوصیتی ندارد و مقصود تمام مسلمانان است.

اهمیت جواب سلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ – لزوم پاسخ دادن به تحیت دیگران ، هرچند ناشناس باشند .

قال سلم قوم منکرون

اهمیت سلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۹ – ۵

۵ سلام کردن ، از آداب معاشرت با مردم به هنگام وارد شدن بر آنان

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا سلمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۱۱

۱۱- بهترین درود و تحیت < سلام > است .

تحیّتهم فیها سلم

انتخاب واژه <سلام>، از میان سایر واژگانی که برای درود و تحیت به کار برده می شود، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۲ – ۲

۲– سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر ، از آداب و اخلاق پسندیده

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۲۵

۲۵ – سلام کردن ، از آداب معاشرت و رفت و آمد و مهمانی میان مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۵ – ۳

۳ – سنت تحیت و سلام ، دارای

دیرینه در تاریخ پیامبران

إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

برکت سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۷

۲۷ - سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارك و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

<من عند اللّه> ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند <ثابته> یا <مشروعه>) است و در مجموع صفت برای <تحیّه> می باشد. <مبارکه طیّبه> نیز صفت دیگر آن است.

برکت سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۰

۳۰ - تحیت و درود خداوند ، مبارك (برکت آفرین و دارای خیر فراوان) و پاکیزه است .

تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

<برکه> به معنای رشد و فزونی و <مبارك> به معنای چیزی است که از آن خیر و نعمت بسیار برمی خیزد (برگرفته از لسان العرب).

پاداش سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۹

۹ تحیّت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حیّیتم . .. انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

محاسبه اعمال نیک کنایه از پاداش دهی خداوند بر آن اعمال می باشد.

تحیت با سلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۴ – ۳

۳ – تحیّت گفتن با < سلام > ، بهترین و شایسته ترین تحیّت ها

است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

از این که در وصف مؤمنان می فرماید:<به هنگام لقاءاللّه به آنان <سلام> می شود. >، به دست می آید که وقتی در چنان هنگام و حالتی برای تحیّت، سلام گفته می شود، بهترین واژه برای تحیّت، سلام است.

تشریع سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۷

۲۷ - سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

<من عند اللّه> ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند <ثابته> یا <مشروعه>) است و در مجموع صفت برای <تحیّه> می باشد. <مبارکه طیّبه> نیز صفت دیگر آن است.

جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۶

۶ جواب سلام به وجهی نیکوتر از سلامِ سلام کننده ، امری پسندیده و از سنت های پیامبران است .

قالوا سلمًا قال سلم

کلمه <سلاماً> مفعول برای فعلی مقدر همانند <نسلم> است و <سلام> مبتدا و خبر آن کلمه ای محذوف همانند <علیکم> می باشد. بر این اساس فرشتگان با جمله فعلیه <نسلم سلاماً> به ابراهیم(ع) سلام کردند و ابراهیم(ع) با جمله اسمیه <سلام علیکم> که دلالت بر ثبات و دوام دارد پاسخ داد و بدین جهت پاسخ او نیکوتر از سلام فرشتگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۵

۵ - لزوم پاسخ گفتن به سلام دیگران ، پیش از

هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

جواب سلام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۶

۶ - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

جواب سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۴

۴ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۷

۷ - تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلمًا قال سلم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است; زیرا <سلام> به تقدیر <نسلّم سلاماً> می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم(ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است; زیرا به تقدیر <سلام علیکم> است.

حقیقت سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۲۷

۲۷ – سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

<من عند اللّه> ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند <ثابته> یا <مشروعه>) است و در مجموع صفت برای <تحیّه> می باشد. <مبارکه طیّبه> نیز صفت دیگر آن

است.

خیریت سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۰

۳۰ - تحیت و درود خداوند ، مبارک (برکت آفرین و دارای خیر فراوان) و پاکیزه است .

تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

<برکه> به معنای رشد و فزونی و <مبارک> به معنای چیزی است که از آن خیر و نعمت بسیار برمی خیزد (برگرفته از لسان العرب).

سبقت در سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱

۱ پیامبر(ص) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او می آیند.

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۶،۷

۶ - حریم پاک خداوندگار جهان ، ایمن از هرگونه تأثّر و زیان پذیری

هو اللّه . .. السلم

وصف <السلام>، می تواند نظر به امنیت ذات قدوس و پاک الهی، از هر گونه حادثه و آفت خارجی داشته باشد.

۷ - خداوندگار جهان و فرمانروای مطلق هستی ، منزّه از هرگونه ستم و زیان رسانی به خلق

هو اللّه . .. الملک ... السلم

وصف <السلام>، بیانگر ارتباط خدا با خلق است.

سلام اخروی بر متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۱

۱ - رهنمون شدن متقین در قیامت ، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. ادخلوها بسلم

سلام اخروی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۴ – ۱

۱ – به هنگام لقاءاللّه ، بر مؤمنان ، با واژه < سلام > ، تحیت گفته می شود .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به مفعول اش باشد.

سلام اصحاب اعراف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۷

۷ اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند ، درود می فرستند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

جمله <سلم علیکم> می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

سلام اصحاب یمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۴

۴ – اصحاب الیمین ، بر پیامبر (ص) درود و سلام می فرستند .

فسلم لک من أصحب الیمین

برخی از مفسران <سلام> را به معنای تحیت و <لام> را به معنای <علی> گرفته اند؛ یعنی، <فسلام علیك من أصحاب الیمین>.

سلام بر ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۳

۳ فرشتگان پیام آورِ بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۹ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به ابراهیم (ع)

سلم علی إبرهیم

تنوین <سلامٌ> برای تعظیم است.

- ۳

برجای ماندن سنت سلام و تحیت بر ابراهیم (ع) در میان نسل های پس از او

و ترکنا علیه فی الأخرین . سلم علی إبرهیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <سلام علی ابراهیم> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیه. ..> باشد; یعنی، آنچه برای ابراهیم(ع) بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او.

سلام بر الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۰ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به الیاس پیامبر (ع)

سلم علی إل یاسین

تنوین <سلام> برای تعظیم است و <إل یاسین> در زبان عرب، لغت و تعبیر دیگری از <الیاس> می باشد.

۳ - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر الیاس پیامبر ، در میان نسل های پس از او

سلم علی إل یاسین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <سلام علی إل یاسین> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیه . ..> باشد; یعنی، آنچه برای الیاس(ع) به جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او.

سلام بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا ، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او ، رهنمود الهی به پیامبراسلام (ص)

قل الحمد للّه و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و

یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضـمحلال کافران به میان آمـده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

۲ - هلاک شرک پیشگان مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران ، شایان سپاس گزاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد للّه و سلم علی عباده الذین اصطفی

رهنمود الهی به حمـد و سـتایش برای او و فرسـتادن درود و سـلام بر بنـدگان برگزیـده اش (پیـامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۵

۵ - سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۱ - ۱،۴

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند بر همه رسولان الهی

و سلم علی المرسلین

نکره آمدن <سلام>، بیانگر بزرگی آن است.

۴ - رسولان الهی ، شایسته سلام و تحیت

و سلم علی المرسلین

سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۵

۵ - سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

سلام بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) قال : سأل علی (ع

) رسول الله (ص) : . . . فقال : لماذا بنیت هذه الغرف (فی الجنه) یارسول الله ؟ فقال : یا علی تلک غرف بناها الله لأولیائه . . . فـإذا دخـل المؤمن إلی منـازله فی الجنه . . . فـإذا اسـتقرت لولیّ الله منـازله فی الجنه . . . یبعث الله ألف ملک یهنّونه بالجنه . . . فینتهون إلی أوّل باب من جنانه فیقولون للملک الموکل . . . إسـتأذن لنا علی ولیّ الله . . . فیأذن لهم فیدخلون علی ولیّ الله و هو فی الغرفه و ل ها ألف باب . . . فیـدخل کل ملک من باب من أبواب الغرفه فیبلّغونه رساله الجبّار و ذلک قول الله : < و الملئکه یدخلون علیهم من کلّ باب > ; یعنی : من أبواب الغرفه < سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی علیه السلام از رسول الله(ص) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [دربهشت] ساخته شـده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی انـد که خداوند آنها را برای دوسـتانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشـته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشـتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می

دهـد و بر ولیّ خـدا وارد می شونـد، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشـته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائکه یدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند:] سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۲۰۷

۲ فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملئکه یدخلون علیهم من کل باب. سلم علیکم

۷ < قال [أبوعبـدالله (ع)] : إن طائفه من الملائکه عابوا ولد آدم فی اللّذات و الشـهوات . . . فإذا کان یوم القیامه و صار أهل الجنه فی الجنه ، إسـتأذن أُولئک الملائکه علی أهل الجنه فیؤذن لهم فیـدخلون علیهم فیسـلّمون علیهم و یقولون لهم : < سـلام علیکم بما صبرتم > فی الدنیا عن اللّذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشـتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شـهوات، عیب جویی می کردند . .. پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجـازه می خواهنـد، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشـتگان با سـلام بر آنان وارد می شونـد و به ایشان می گوینـد: سلام بر شما باد

به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۱،۵

۱ - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <سلام> مبتدا و خبرِ آن، فعل محذوف باشد. و <قولاً> مفعول مطلق و نایبِ آن خبرِ محذوف باشد. در این صورت، تقدیرِ آن چنین می شود: <سلام یقال لهم قولاً ـ من ربّ...>. گفتنی است تنکیرِ <سلام> و <ربّ> برای تعظیم است.

۵ - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفتِ <ربّ> و <رحیم> برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۹

۹ - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۴

۴ - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل <ادخلوها> فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

سلام بر متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۹

۹ - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

سلام بر محمد(ص)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۶ - ۹،۱۰

۹ - تشویق خداوند ، مؤمنان را به اهدای درود و سلام بر پیامبر (ص)

إنّ اللّه و ملئکته یصلّون علی النبیّ یأیّها الذین ءامنوا صلّوا علیه و سلّموا

ذکر <إنّ اللّه و ملائکته یصلّون. ..> به عنوان پیش درامد فرمان <صلّوا> و <سلّموا> می تواند به منظور این حقیقت باشد که مؤمنان، توجه به این پیدا کنند که خدا و فرشتگان بر پیامبر(ص) درود می فرستند تا آنان، تشویق به آن بشوند.

۱۰ - مؤمنان ، وظیفه قطعی دارند که به پیامبر (ص) سلام کنند .

سلّموا تسلیمًا

<تسلیم> مفعول مطلق تأکیدی است و دلالت می کند که سلام بر پیامبر(ص) حتماً باید انجام بگیرد. در این که <مراد از <سلام> در آیه چیست؟> دو احتمال هست: یکی، همان سلام اصطلاحی است و دیگری، به معنای تسلیم بودن است. برداشت بالا بنابر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۴

۴ - اصحاب الیمین ، بر پیامبر (ص) درود و سلام می فرستند .

فسلم لک من أصحب الیمین

برخی از مفسران <سلام> را به معنای تحیت و <لام> را به معنای <علی> گرفته اند; یعنی، <فسلام علیک من أصحاب الیمین>.

سلام بر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۰ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین <سلام> برای تعظیم است.

۳ - باقی ماندن سنت سلام و تحیت

بر موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان نسل های پس از ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین . سلم علی موسی و هرون

برداشت یـاد شـده مبتنی بر این اساس است که جمله <سـلام علی موسـی و هارون> تفسـیر برای جمله <و ترکنا علیهما. ..> باشد; یعنی، آنچه برای موسی و هارون بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر ایشان.

سلام بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱،۶،۷،۱۲

۱ پیامبر(ص) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او می آیند.

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

۶ پیامبر(ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ اللّه علیهم من بیننا . .. و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا

در آیه قبـل از طعنه هـای کـافران به مؤمنـان تهیـدست اطراف پیـامبر(ص) سـخن به میـان آمـده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصـیف <الـذین یؤمنون . .. > یاد شـده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

۷ <سلام علیکم>، هیئت سلام کردن پیامبر(ص) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

۱۲ ابلاغ سلام و رحمت خداوند به مؤمنان به آیات او، از وظایف پیامبر(ص)

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم کتب ربکم علی نفسه الرحمه

جمله <فقل سلام علیکم> دارای دو احتمال است: یکی

اینکه <به آنان سلام کن> و دوم اینکه <سلام خداوند را به آنان برسان>. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۷

۷ اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند ، درود می فرستند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

جمله <سلم علیکم> می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

سلام بر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوینِ <سلام> برای تعظیم است و مقصود از <العالمین> که جمع محلی به <الف> و <لام> و مفید عموم است تمامی امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

۳ - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر نوح (ع) ، در میان نسل های پس از آن حضرت برای همیشه تاریخ

و ترکنا علیه فی الأخرین . سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله <سلام علی نوح. ..> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیه...> باشد; یعنی، آنچه برای نوح(ع) برجای گذاشتیم، عبارت است از سنّت سلام و تحیت بر او در میان جهانیان.

سلام بر هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۰ - ۱،۳

۱ - سلام و تحیت بزرگ

خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین <سلام> برای تعظیم است.

۳ - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان نسل های پس از ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین . سلم علی موسی و هرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله <سلام علی موسی و هارون> تفسیر برای جمله <و ترکنا علیهما. ..> باشد; یعنی، آنچه برای موسی و هارون بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر ایشان.

سلام بر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۱۰

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او

را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

سلام بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

سلام به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۱،۱۱

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی ، به او سلام و درود گفتند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

۱۱- < . . . قال أبوجعفر (ع) : . . . بعث الله رسلاً إلی إبراهیم . . . فدخلوا علیه لیلاً ففزع منهم و خاف أن یکونوا سُرّاقاً ، قال : فلمّا أن رأته الرسل فزعاً وجلاً < قالوا سلاماً > . . . < قال إنا منکم وجلون قالوا لاتوجل . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند ... او [گفت]: قال إنا منکم وجلون...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۱

۱ - ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع

) (فرشتگان) بر آن حضرت ، با تحیت و سلام

إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

سلام به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۹

۹- بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تحیّتهم فیها سلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه <تحیت> به <هم> اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود: تحیت گفتن به آنان در بهشت با <سلام> است.

سلام به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۸،۱۰

۸- ملائکه به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، بر آنان درود و سلام می فرستند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

۱۰- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

سلام به متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۳

۳- متقین با سلام و خوشامدگویی ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوها بسلم ءامنين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سلام> همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

سلام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۶

۶ (سلام) کلمه تحیت و درود بهشتیان به هنگام دیدار یکدیگر است .

و تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۸

۸- درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت ، با لفظ < سلام > است .

تحیّتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ درود و سلام ، سخن اهل بهشت به هنگام روبه رو شدن با یکدیگر

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ ابلاغ سلام و رحمت خداوند به مؤمنان به آیات او، از وظایف پیامبر(ص)

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم کتب ربکم علی نفسه الرحمه

جمله <فقل سلام علیکم> دارای دو احتمال است: یکی اینکه <به آنان سلام کن> و دوم اینکه <سلام خداوند را به آنان برسان>. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۱،۵

۱ - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <سلام> مبتدا و خبرِ آن، فعل محذوف باشد.

و <قولاً> مفعول مطلق و نایبِ آن خبرِ محذوف باشد. در این صورت، تقدیرِ آن چنین می شود: <سلام یقال لهم قولاً من ربّ...>. گفتنی است تنکیرِ <سلام> و <ربّ> برای تعظیم است.

۵ - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفتِ <ربّ> و <رحیم> برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۱

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوینِ <سلام> برای تعظیم است و مقصود از <العالمین> که جمع محلی به <الف> و <لام> و مفید عموم است تمامی امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۹ - ۱

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به ابراهیم (ع)

سلم علی إبرهیم

تنوین <سلامٌ> برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین <سلام> برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۰ - ۱

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند به الیاس پیامبر (ع)

سلم علی إل یاسین

تنوین <سلام> برای تعظیم است و <إل یاسین> در زبان عرب، لغت و تعبیر

دیگری از <الیاس> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۱ - ۱

۱ - سلام و تحیت بزرگ خداوند بر همه رسولان الهی

و سلم علی المرسلین

نکره آمدن <سلام>، بیانگر بزرگی آن است.

سلام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۷

۷ سلام کردن ، علامت مسلمانی در صدر اسلام *

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

برخی برآنند که مراد از القای سلام، همان گفتن <سلام علیکم> می باشد. زیرا این گونه تحیّت، در آن زمان مخصوص جامعه اسلامی بود.

سلام روح (اسم خاص) بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۸

۸ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : کان علی بن الحسین < صلوات الله علیه > یقول . . . قال الله عزّوجلّ < . . .سلام هی حتّی مطلع الفجر > یقول : تُسَلِّمُ علیك یا محمّد ملائکتی و روحی بسلامی من أوّل ما یهبطون إلی مطلع الفجر ;

از امام صادق(ع) روایت شده که امام سجاد(ع) می فرمود: . .. خداوند عزّوجلّ فرموده است: <...سلام هی حتّی مطلع الفجر> [یعنی]می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روحم، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند>.

سلام محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱،۹

۱ پیامبر(ص) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او

می آیند.

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

۹ مؤمنان با درک محضر و زیارت پیامبر(ص) سلام آن حضرت و پیام و رحمت خداوند را دریافت خواهند نمود. *

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

آمدن نزد پیامبر(ص)، که مضمون جمله <إذا جاءک> است، ظاهراً اختصاصی به زمان حیات ظاهری آن حضرت ندارد و شامل پس از آن نیز می گردد. کلمه <زیارت> در برداشت فوق برای اشاره بدین نکته آورده شده است.

سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۳

۳ فرشتگان پیام آورِ بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) قال : سأل علی (ع) رسول الله (ص) : . . . فقال : لماذا بنیت هذه الغرف (فی الجنه) یارسول الله ؟ فقال : یا علی تلك غرف بناها الله لأولیائه . . . فإذا دخل المؤمن إلی منازله فی الجنه . . . فإذا استقرت لولیّ الله منازله فی الجنه . . . یبعث الله ألف ملك یهنّونه بالجنه . . . فینتهون إلی أوّل باب من جنانه فیقولون للملك الموکل . . . إستأذن لنا علی ولیّ الله . . . فیأذن لهم فیدخلون علی ولیّ الله و هو فی الغرفه و ل ها ألف باب . . . فیدخل کل ملك من باب من أبواب الغرفه

فیبلّغونه رسـاله الجبّار و ذلک قول الله : < و الملئکه یـدخلون علیهم من کلّ باب > ; یعنی : من أبواب الغرفه < سـلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی علیه السلام از رسول الله(ص) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [دربهشت] ساخته شـده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی انـد که خداوند آنها را برای دوسـتانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشـته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشـتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خـدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهـد و بر ولیّ خـدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشـته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رسانـد و این است گفته خداونـد: و الملائکه یـدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند:] سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۲،۷

۲ فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملئکه یدخلون علیهم

من كل باب. سلم عليكم

٧ < قال [أبوعبـدالله (ع)] : إن طائفه من الملائكه عابوا ولد آدم فى اللّذات و الشـهوات . . . فإذا كان يوم القيامه و صار أهل الجنه فى الجنه ، إسـتأذن أُولئك الملائكه على أهل الجنه فيؤذن لهم فيـدخلون عليهم فيسـلّمون عليهم و يقولون لهم : < سـلام عليكم بما صبرتم > فى الدنيا عن اللّذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: همانا عده اى از فرشـتگان، آدميان را به خاطر گرايش به لذات و شـهوات، عيب جويى مى كردند . .. پس آن گاه كه روز قيامت برپا شود و بهشتيان در بهشت قرار گيرند، آن فرشتگان براى ورود بر بهشتيان اجـازه مى خواهنـد، پس به آنان اذن داده مى شود و آن گاه فرشـتگان با سـلام بر آنان وارد مى شونـد و به ايشان مى گوينـد: سلام بر شما باد به خاطر اينكه شكيبايى ورزيديد و از لذتها و شهوتهاى حلال چشم پوشى كرديد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - حجر - ١٥ - ٥٢ - ١،١١

١- مهمانان حضرت ابراهيم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وى ، به او سلام و درود گفتند .

و نبّئهم عن ضيف إبرهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

١١- < . . . قال أبوجعفر (ع) : . . . بعث الله رسلاً إلى إبراهيم . . . فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُرّاقاً ، قال : فلمّا أن رأته الرسل فزعاً وجلاً < قالوا سلاماً > . . . < قال إنا

منکم وجلون قالوا لاتوجل . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:. .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند ... او [گفت]: قال إنا منکم وجلون...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۲ – ۸،۱۰

۸– ملائکه به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، بر آنان درود و سلام می فرستند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

۱۰– فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۴

۴ – استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل <ادخلوها> فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۵ – ۱،۶

۱ – ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع) (فرشتگان) بر آن حضرت ، با تحیت و سلام

إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

۶ – پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

سلام ملائکه بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۸

۸ -

< عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : کان علی بن الحسـین < صـلوات اللّه علیه > یقول . . . قال اللّه عزّوجلّ < . . .سـلام هی حتّی مطلع الفجر > یقول : تُسَلِّمُ علیك یا محمّد ملائکتی و روحی بسلامی من أوّل ما یهبطون إلی مطلع الفجر ;

از امام صادق(ع) روایت شده که امام سجاد(ع) می فرمود: . .. خداوند عزّوجلّ فرموده است: <...سلام هی حتّی مطلع الفجر> [یعنی]می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روحم، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند>.

سلام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - سلام در پایان سخن ، شعار موسی و هارون (ع) *

والسلم علی من اتبع الهدی

سلام مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عند اللّه مبرکه طیّبه

سلام مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تحیّت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءاللّه ، با واژه < سلام > است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

سلام مهمانان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۱،۶

۱ - ورود میهمانان گرامی ابراهیم

(ع) (فرشتگان) بر آن حضرت ، با تحیت و سلام

إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

۶ - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

سلام نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۹

۹ - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

سلام هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - سلام در پایان سخن ، شعار موسی و هارون (ع) *

والسلم علی من اتبع الهدی

سلام هنگام ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۴،۳۷،۴۰

۲۴ - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم

۳۷ - < عن أبی جعفر (ع) إذا دخل الرجل منکم بیته . . . إن لم یکن فیه أحد فلیقل : السلام علینا من عند ربّنا یقول اللّه <

تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود. .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: <السلام علینا من عند ربّنا>. خدا می فرماید: تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه>.

۴۰ - < أبی الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول اللّه عزّوجلّ : فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم . .

. > فقال : هو تسليم الرجل على أهل البيت حين يدخل ثمّ يردّون عليه ، فهو سلامكم على أنفسكم ;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسيد: اين كه خداوند فرموده است: <فإذا دخلتم بيوتاً فسلّموا على أنفسكم> مراد چيست؟ فرمود: مراد اين است كه شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام كند. پس آنان جواب سلام او را مى دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است>.

سلام هنگام ورود به خانه ديگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۴،۵

۴ - ورود به محل سكونت و خانه ديگران پيش از سلام كردن به اهل آن ، ممنوع است .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا و تسلّموا على أهلها

۵ - اذن خواستن و سلام كردن ، از شرايط و آداب ورود به محل سكونت و خانه ديگران

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا و تسلّموا

فضيلت پيشگامى در سلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۲۵ - ۲

۲ - ارزش مبادرت به سلام ، هنگام ورود بر ديگران

إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

مطلب بالا، با توجه به اين نكته است كه خداونـد، ابتـدا وصف <مكرم> را براى ميهمانان ابراهيم(ع) آورده و سپس نخستين عمل آن ميهمانان شريف (سلام به هنگام ورود) را ياد كرده است.

كيفيت سلام محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۷

۷ <سلام علیکم>، هیئت سلام کردن پیامبر(ص) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءك الذين يؤمنون بأيتنا فقل سلم عليكم

وجوب جواب

سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۱،۳

۱ وجوب پاسخگویی به تحیّت و درود دیگران

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا

<تحیّه> در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

۳ سلام کردن ، امری پسندیده است و پاسخ به آن ، واجب .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها ااو ردّوها

ویژگیهای جواب سلام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۷

۷ - تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلمًا قال سلم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است; زیرا <سلام> به تقدیر <نسلّم سلاماً> می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم(ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است; زیرا به تقدیر <سلام علیکم> است.

ویژگیهای سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- < سلام > بهترین درود و تحیت است .

یقولون سلم علیکم

با توجه به اینکه ملائکه برای خوشامدگویی به متقین در هنگام قبض روح آنان، از واژه <سلام> استفاده می کنند، روشن می شود که برای تحیت گفتن <سلام> بهترین است.

ویژگیهای سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۰

۳۰ - تحیت و درود

خداوند ، مبارك (بركت آفرين و داراى خير فراوان) و پاكيزه است .

تحيّه من عند اللّه مبركه طيّبه

<بركه> بـه معنـاى رشـد و فزونى و <مبـارك> به معنـاى چيزى است كه از آن خير و نعمت بسـيار برمى خيزد (برگرفته از لسان العرب).

سلامت از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

سلامت

آثار سلامت اقتصادى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۱

۳۱ عدالت در امور اقتصادى و پرهيز از فسادگرى ، تنها در صورت پرستش خدا و ايمان به يگانگى او سعادت آفرين است .

ذلكم خير لكم إن كنتم مؤمنين

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مشـاراليه <ذلكم>، معنـايى باشـد كه از <اوفوا الكيـل . .. و لاتفسـدوا ... > اسـتفاده مى شود. در اين صورت مى توان گفت مراد از ايمـان در <إن كنتم مؤمنين> ايمان به خـداى يگانه و لزوم پرسـتش اوست. يعنى اگر به خـداى يگـانه ايمان داشـته باشـيد و تنها او را بپرستيـد، عـدالت در امور اقتصادى و پرهيز از فسادانگيزى متضـمّن خير و صلاح شماست و اگر موحد نباشيد رعايت اين مسائل سعادت آفرين نخواهد بود.

آثار سلامت روح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۶

۶ - انسان ، در پرتو سلامت روح و انديشه ، قادر به دريافت و پذيرش پيام وحى

و من يعش عن ذكر الرحمن . .. أفأنت تسمع الصمّ ... و من كان فى ضلل مبين

در آيه شـريفه قابليت نداشـتن براى هـدايت، گمراهى آشـكار شـمرده شـده است. از اين نكته مى توان اسـتفاده كرد كه وجود قابليت روحى و فكرى براى هدايت،

می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

آثار سلامت عقل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۶

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص) ، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۳

۳ - عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأُفق المبین

آثار سلامت فکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۶

۶ - انسان ، در پرتو سلامت روح و اندیشه ، قادر به دریافت و پذیرش پیام وحی

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. أفأنت تسمع الصمّ ... و من کان فی ضلل مبین

در آیه شریفه قابلیت نداشتن برای هدایت، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که وجود قابلیت روحی و فکری برای هدایت، می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

اهمیت سلامت اخلاق جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۱

۳۱ – اهتمام اسلام به رواج اخلاق سالم جنسی و ایجاد روابط سالم زناشویی در جامعه و برچیده شدن زمینه فساد جنسی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا . .. و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنً

اهمیت سلامت

اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

یقوم اعبدوا اللّه . .. فأوفوا الکیل و المیزان و لاتبخسوا الناس أشیاءهم

اهمیت سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۴

۴ - سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ، مورد اهتمام دین اسلام است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - هدف الهی از بعثت پیامبران ، ایجاد جوامع سالم ، رشید و بالنده است .

لقد أرسلنا رسلنا . .. لیقوم الناس

<قیام> (مصدر <یقوم>) به معنای ایستادن است. در این جا در معنای سلامت و صلاح به کار رفته است.

اهمیت سلامت روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۰

۱۰- اهتمام اسـلام به سالم سازی روابط اجتماعی انسان ها و تحکیم بخشیدن به آن و پاک سازی جامعه از فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و . .. و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی

دلایل سلامت

عقل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۵

۵ - حقانیت سخنان پیامبر (ص) (پیام ها و رهنمود های او) ، گواه برخورداری آن حضرت از روح و اندیشه ای سالم

أم یقولون به جنّه بل جاءهم بالحقّ

زمینه سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - نقش بنیادین عدالت اقتصادی در قوام ، سلامت و بالندگی جامعه

و أنزلنا معهم . .. و المیزان لیقوم الناس بالقسط

<قسط> به معنای عدل است و مراد از آن به قرینه <المیزان> عدالت در روابط و مناسبات اقتصادی است.

زمینه سلامت روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۲

۲ - روابط اجتماعی سالم ، در گرو زندگی معتدل و در حد نیاز است .

و لو بسط اللّه الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

از این که بغی و طغیان، متفرع بر بسط و گسترش رزق شده و نه اصل رزق، مطلب یاد شده استفاده می شود.

زمینه سلامت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ – علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیماردلی

لیجعل . .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ...و لیعلم الذین أُوتوا العلم أنّه الحقّ من

سلامت اقتصاد جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۱۲

۱۲ – نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه

و حفظ حقوق مردم

و لاتأكلوا أمولكم بينكم بالبطل و تدلوا بها إلى الحكام . .. و أنتم تعلمون

سلامت بدن اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۸ – ۳،۵

۳- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله <تحسبهم. ..> این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادی از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید; یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

۵- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیّت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . *

و نقلّبهم ذات اليمين و ذات الشمال

اسناد <نقلّب> (گرداندن) به خداوند، در جمله <نقلّبهم. ..> گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

سلامت روانی رهبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳ – ۶

۶ – لزوم احراز سلامت عملی ، فکری و روحی رهبران ، در اعتماد به ایشان *

ما ضلّ صاحبكم و ما غوى . و ما ينطق عن الهوى

خداوند، برای جلب اعتماد مردم به پیامبر(ص) سه نکته را بیان فرموده است: ۱ عدم گمراهی در زند گی

(ما ضلّ) ۲ عدم انحراف در فکر (ماغوی)؛ ۳ مغلوب نبودن در برابر هوای نفس (و ماینطق عن الهوی).

سلامت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۸

۸- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

سلامت عقل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۱

۲۱ - مؤمنان ، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیرانـد، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

سلامت فکری رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم احراز سلامت عملی ، فکری و روحی رهبران ، در اعتماد به ایشان *

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی

خداوند، برای جلب اعتماد مردم به پیامبر(ص) سه نکته را بیان فرموده است: ۱ عدم گمراهی در زندگی (ما ضلّ) ۲ عدم انحراف در فکر (ماغوی)؛ ۳ مغلوب نبودن در برابر هوای نفس (و ماینطق عن الهوی).

سلامت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقواپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هر گونه رنج ، درد ، ناخوشی و

ناامنی است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

عوامل سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۸

۸ لزوم مبارزه با ریشه ها و علل گناه ، برای تأمین سلامت جامعه

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسکم ... و لا تتمنّوا ما فضّل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - دین و عدالت ، مایه قوام و سلامت جامعه است .

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان لیقوم الناس بالقسط

عوامل سلامت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۵

۵- تأثیر ایمان و عمل ، در سلامت و دلپذیری زندگی دنیوی انسان

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن فلنحیینّه حیوه طیّبه

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <حیاه طیّبه> همین زندگی دنیوی باشد.

عوامل مؤثر در سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۹

۹ - زنان ، همچون مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

و لا نساء من نساء

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا بپرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

منشأ سلامت اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - حفظ سلامت و تعادل اجتماعی ، در پرتو به کارگیری توانایی ها و استعداد های مختلف نیرو های انسانی

نحن قسمنا بینهم . .. لیتّخذ بعضهم بعضًا سخریًّا

از حکمت الهی و برتری خداوند در برنامه ریزی که به طور غیر مستقیم از آیه استفاده می شود می توان مطلب بالا را نتیجه گرفت.

سلامتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلامتی

آثار سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ سلامت دل و ایمان راسخ ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۵

۵ ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خداوند منوط به برخورداری انسان از قلب وبینش سالم است.

و نقلب أفئدتهم . .. کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۷

۷- بهرهوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم و زمینه ساز تدبر

أفلایتدبّرون . .. أم علی قلوب أقفالها

در صورتی که <أم> به معنای <بل> باشد، مفاد

آیه چنین می شود: اگر در قرآن تـدبر شود، حقیقت بر انسـان آشـکار می گردد; ولی حق گریزان در نـتیجه اعمـال خودشـان، قلبی بسته و ناتوان از تدبر دارند. در حالی که تدبر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیرپذیر، میسر است.

اهمیت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۵

۵- سلامتی و امنیت ، اهمیت و ارزشی چشمگیر در نزد انسان ها دارد .

ادخلوها بسلم ءامنین

از اینکه خداوند، سـلامتی و امنیت را از نخستین پاداشهای تقواپیشگان در بهشت برشمرده و به انسانها، آنها را نوید داده است، مطلب فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۵

۱۵- حفظ سلامتی و رفع نیاز های ضروری بدن ، دارای اهمیت و مورد توجه ویژه در تعالیم دین

إنما حرّم علیکم المیته . .. فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

از آن جایی که خداوند خوردنیهای حرام را در صورت اضطرار (نیاز ضروری بدن و سلامتی جسم به تناول خوردنیهای حرام) حلال شمرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - شب زنده داری ، نباید به مقداری باشد که به سـلامت مؤمنان آسیب رساند و یا مانع از تلاش روزانه برای تأمین زندگی و یا پیکار در راه خدا شود .

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان علم أن سیکون منکم مرضی . .. فاقرءوا ما تیسّر منه

اهمیت سلامتی فرزند

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۷ – ۱۰

۱۰ لزوم چاره اندیشی و تدبیر برای حفظ سلامت فرزندان

یبنیّ لاتدخلوا من باب وحد

اهمیت سلامتی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۹ – ۶

۶ – تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۴ – ۴،۵،۶،۷

۴ – قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت <قلب سلیم> اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

۵ – نقش قلب سالم و پاک ، در موفقیت رهبران و مبلغان دینی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

۶ – پاک سازی قلب و دل ، از هرگونه امراض روحی و اخلاقی ، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به درگاه او

إذ جاء ربّه بقلب سليم

۷ – برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ

جاء ربّه بقلب سليم

برداشت ياد شده با توجّه به اين نكته است كه خداوند، پس از معرفى ابراهيم(ع) به عنوان شيعه و پيرو نوح پيامبر، او را به داشتن قلب سليم توصيف فرمود.

برادران يوسف و سلامتى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱

۱ كاروان فرزندان يعقوب با سوغاتى ارزشمند و دليلى روشن بر سلامت يوسف (ع) ، از مصر به سوى كنعان حركت كردند .

اذهبوا بقميصى هذا . .. و لما فصلت العير

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معناى خارج شدن و جدا گشتن مى باشد.

تفسيرعياشى، ج۲، ص۱۹۶، ح۷۹; نورالثقلين، ج۲، ص۴۶۲، ح۱۸۵.

بشارت سلامتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۳

۳ فرشتگان ، نويد دهنده سلامت به بهشتيان و دورى هر گزند از ايشان

سلم عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواپيشگان ، حامل پيام سلامتى و خوشحالى براى آنانند .

المتّقين . الذين تتوفّهم الملئكه طيّبين يقولون سلم عليكم ادخلوا الجنّه

حتمیت سلامتی عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۳ – ۳

۳- سلامت و امنیت کامل برای عیسی (ع) در لحظه مرگ و هنگامه رستاخیز ، تضمین شده و تغییر ناپذیر است .

والسلم علیّ . .. یوم أموت و یوم أُبعث حیًّا

روش سلامتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ –

۱۰- < شهاب بن عبد ربّه قال : شکوت إلی أبی عبداللّه (ع) ما ألقی من الأوجاع والتخم فقال : تغدّ و تعشّ و لاتأکل بینهما شیئاً فإنّ فیه فساد البدن أما سمعت اللّه عزّوجلّ یقول : < لهم رزقهم فیها بکره و عشیّاً > ;

شهاب بن عبد ربّه گفت: خدمت امام صادق(ع) از دردها و ترش کردن غذا در معده شکایت کردم، پس حضرت فرمود: صبح و پسین غذا بخور و بین آنها چیزی نخور; زیرا خوردن غذا بین این دو وعده، موجب فساد بدن است. نشنیدی که خداوند عزّوجلّ می فرماید: لهم رزقهم فیها بکره و عشیّاً>.

زمینه سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۷

۷- تقوا ، احسان به پدر و مادر ، پرهیز از سلطه جویی و عصیان ، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است .

برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

زمینه سلامتی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۷

۱۷ - تضمین سلامت و امنیت کامل برای فرعون در صورت پذیرش ایمان از جمله پیام های الهی برای فرعون بود .

فقولا . .. والسلم علی من اتبع الهدی

سلامتی آب جاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۱ - ۲

۲ - آب های روان ، سالم و مرغوب تر از آب های راکد

و ماء مسکوب

سلامتی اخروی متقین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- متقین ، پس از مرگ پیوسته در آسایش و سلامتی اند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

سلامتی اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۳

۳ - پیامبراکرم (ص) ، در خیر و سلامتی از ناحیه اصحاب الیمین در جهان آخرت

فسلم لک من أصحب الیمین

سلامتی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۲

۲ - تحیّت بر مؤمنان ، به هنگام لقاءاللّه ، سلامتی و امنیت کامل داشتن است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

احتمال دارد که مراد از <سلام>، معنای اصطلاحی آن باشد که نوعی تحیّت گفتن است و احتمال دارد که معنای لغوی آن باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

سلامتی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲

۲- بیداری اصحاب کهف ، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی بود .

و كذلك بعثنهم

مشاراليه <ذلك> كه بعث و بيدارسازى اصحاب كهف به آن تشبيه شده است خواب طولانى آنان و تدابيرى است كه در مدّت خواب براى سلامت آنان به كار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر آنگونه كه از جمله <ذلك من آيات اللّه من يهد اللّه فهو المهتد> در آيه هفده به دست مى آيد نشانه بودن و دلالت اين حوادث

بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحّدان است.

سلامتی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۸

۸ توصیه یعقوب (ع) به فرزندانش (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزندانش ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلاّ حاجه . ..> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما کان یغنی ... إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضاها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ; لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

سلامتی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۷

۷ بهره مندی از سلامتی مطلق ، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <تحیتهم> مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (اللّه) باشد ; یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۴،۹

۴- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و

سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لایسمعون فیها لغوًا إلاّ سلمًا

استثنا در <إلاّ سلاماً> منقطع است; یعنی، <لکن یسمعون سلاماً> و یا <کلاماً سالماً>. برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: <سلام> که دعای به سلامتی از آفات است برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد; زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

۹- امنیت و سلامت روح و جسم ، ره آورد ورود به بهشت

لایسمعون فیها لغوًا إلاّ سلمًا و لهم رزقهم فیها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: ۱ امنیت روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است; ۲ امنیت جسمی که با تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

سلامتی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . ..> متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ...; تو و پیروانت فرود آیید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود>.

سلامتی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۸

۸ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <سلم علیکم> جمله ای اخباری باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۵ – ۱

۱ بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

سلامتی در تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۳ – ۷

۷ – سلامت و توانایی ، از شرایط مکلف

یدعون إلی السجود و هم سلمون

مطلب یاد شده، از قید <و هم سالمون> استفاده می شود.

سلامتی دنیویعیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۳ – ۱

۱– حضرت عیسی (ع) در گهواره ، برخورداری خود را از سلامت و امنیت کامل ، در مراحل تولد ، مرگ و رستاخیز ، اعلام کرد .

والسلم علىّ يوم ولدت و يوم أموت و يوم أَبعث حيًّا

<ال> در <السـلام> برای اسـتغراق خصوصیات است، یعنی سلام کامل جامع و دارای همه خصوصیات، از همین جهت این سلام با سلام در مورد حضرت یحیی(ع) از نظر خصوصیات متفاوت است.

سلامتی روانی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۸

۱۸ اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

سلامتی شب قدر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۱،۲،۵

۱ - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

<سلام>; یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای <هی> با آن که مصدر است مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، <سلام>، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا که بر حصر دلالت دارد بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، <شرّ> اصالت ندارد.

۲ - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند ، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . .. سلم هی

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، صاحبان عقل سلیم و خرداند .

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

<لُبّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل سلیم و خرد ناب است. گفتنی است تعریف دو جزء مبتدا (أُولئک) و خبر (هُم) مفید حصر است.

سلامتی عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۳ – ۲،۴

۲- حضرت عیسی

(ع) در زمان تولد ، دارای جسم و روحی سالم و آماده رشد و کمال بود .

والسلم علیّ یوم ولدت

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی ، بر مبرّابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

سلامتی قلب ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۱،۲،۳

۱ - ابراهیم (ع) ، با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگار بار می یافت .

لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

۲ - ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

<سلیم> صفت مشبهه و مشتق از <سلامت> (پاکی از امراض دردها و آفت ها) است. توصیف قلب به <سلیم> بودن، اشاره به انواع امراض و آفت های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

۳ - برخورداری از قلب سلیم ، برجسته ترین صفت ابراهیم (ع)

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یـاد شـده بـا تـوجّه به این نکته است که خداونـد، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شـیعه و پیرو نوح پیـامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

سلامتی مریم(س)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۶

۶- مریم (س) ، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع) ، در شرایط سنّی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود .

و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی(ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

سلامتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۲

۲ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب <اهبط . ..> متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و <باء> در <بسلام> برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: <یا نوح اهبط أنت و من معک ...; تو و پیروانت فرود آیید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود>.

سلامتی هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر

برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

سلامتی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . .. یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

سلامتی هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

سلامتی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای

چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد; لذا <سلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

علاقه به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۴

۴- دور بودن از رنج و تعب ، زندگی توأم با سلامتی و امنیت و ماندگاری و جاودانگی ، از اموری که مورد علاقه شدید انسان است .

لایمسّهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین

ذکر وضعیت متقین در بهشت، به منظور تشویق انسانها جهت پیوستن به صفوف تقواپیشگان است. طبیعی است ذکر این وضعیت، باید به گونه ای باشد که مطلوب انسانها و مورد علاقه آنها باشد.

عوامل سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۶

۱۶ - پیروی از هدایت الهی ، درپی دارنده سلامتی و امنیت است .

والسلم علی من اتبع الهدی

<سلام> اسم مصدر از باب تفعیل است و به معنای سلامتی

و عافیت از آفت ها می باشد (لسان العرب). مقصود از سلامت در این آیه به قرینه آیه بعد در امان بودن از عذاب دنیا و آخرت است.

عوامل سلامتی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۴

۴- تقوا ، پیامددار فرجامی سعادتمند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

إن المتقین فی جنّت . .. ادخلوها بسلم ءامنین

عوامل سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۵

۵ - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

عبارت <أخرجوا آل لوط> (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

عوامل مؤثر در سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۰ - ۲

۲ - تأثیر عوامل طبیعت در سلامتی انسان ، به تدبیر و هدایت تکوینی خداوند

و إذا مرضت فهو یشفین

انسان برای درمان بیماری خود، نیازمند مصرف دارو است. بنابراین نسبت داده شدن شفای مریض به خداوند، بیانگر آن است که نقش دارو در درمان انسان، به اراده و تدبیر خدا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۶

۶ - نقش آب سرد جوشیده از زمین ، در سلامتی انسان و برطرف کردن برخی از بیماری های جسمی

هذا مغتسل بارد و

شراب

عوامل مؤثر در سلامتی خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۷ – ۶

۶ – تأثیر جدّی جامعه فاسد و منحرف بر سلامت خانواده

فأنجینه و أهله إلّاامرأته

خانواده لوط با این که تحت اِشراف نیرومند وی، از هجوم فساد فراگیر جامعه درامان ماندند; اما جامعه فاسد سرانجام تأثیر مخرب خود را گذاشت و همسر وی را از او جدا ساخت.

مسؤول سلامتی فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ تلاش برای تأمین سلامت فرزندان از وظایف پدران

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

منشأ سلامتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۱۶

۱۶ خداوند ، منشأ تمام نعمت ها (مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی) و تمام بلا ها (از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی)

و ان تصبهم حسنهٌ یقولوا هذه من عند اللّه و ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: . .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فی الرزق و قد سمّاها اللّه حسنات ... یعنی بالسیّئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از

جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۹

۹ - مقام قرب الهی ، مقام امن و سلامت

إنّی لایخاف لدیّ المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۲

۲ - سلامت و نابودی انسان در پهنه طبیعت ، در گرو مشیت الهی است .

إن یشأ . .. یوبقهنّ

منشأ سلامتی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در گهواره ، برخورداری خود را از سلامت و امنیت کامل ، در مراحل تولد ، مرگ و رستاخیز ، اعلام کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت و یوم أموت و یوم أُبعث حیًّا

<ال> در <السلام> برای استغراق خصوصیات است، یعنی سلام کامل جامع و دارای همه خصوصیات، از همین جهت این سلام با سلام در مورد حضرت یحیی(ع) از نظر خصوصیات متفاوت است.

منشأ سلامتی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۲

۱۲ والدین در دوران جنینی کودک ، تنها خداوند را در اعطای فرزندی سالم مؤثر می دانند .

لئن ءاتیتنا صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۳،۷

۳

اعطای فرزند و تأمین سلامت او به دست خدا و در اختیار اوست .

فلما ءاتیهما صلحاً

۷ انسان ها پس از برخوردار شـدن از فرزند سالم ، علی رغم اعتقادشان بر یگانگی خدا در آفرینش و تأمین سـلامت جنین ، به شرک می گرایند و غیر او را در آفرینش و سلامت کودکشان مؤثر می پندارند .

لئن ءاتیتنا . .. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

نشانه های سلامتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۰ – ۴

۴ – حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

خداونـد، کافران حق ناپـذیر را هم مرده خوانـده است و هم ناشـنوا، این نشان می دهـد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

نشانه های سلامتی ادراک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۹ – ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی، نشانه سلامت درک و اندیشه

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت . .. یجعله علی صرط مستقیم

نشانه های سلامتی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۵ – ۳

۳ – دوری از شرک ، نشانه سلامت قلب و دل است .

إذ جاء ربّه بقلب سليم . إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

برداشت ياد شده از آن جا است كه جمله <إذ قال لأبيه. ..>، بدل اشتمال از <إذ

جاء ربه بقلب سليم> است; یعنی، چون ابراهیم(ع) دارای قلب سلیم بود، این سخن ضد شرک از او صادر شده است.

نعمت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۸

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۸

۸ - < فی المجمع ، فی تفسیر قوله تعالی < ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم >] هو الأمن و الصحّه . . . روی ذلک عن أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) ;

در <مجمع البیان> درباره تفسیر سخن خداوند <. .. عن النعیم> آمده: <نعیم> امنیت و سلامتی است ... این مطلب از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است>.

نقش سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۶

۶ - شایستگی فرد برای ترجیح او بر دیگران در پند و اندرز ، به سلامتی کامل ، بینایی و فعال بودن تمام قوای جسمی وی وابسته نیست .

أن جاءه الأعمی . .. و ما یدریک لعلّه ... یذّکّر

نیاز به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت

و اضطراب و نومیدی و . .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۶

۶- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . .. یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

یعقوب(ع) و سلامتی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

سلطه طلبی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلطه طلبی

آثار اجتناب از سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۷

۷- تقوا ، احسان به پدر و مادر ، پرهیز از سلطه جویی و عصیان ، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است .

برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

آثار سلطه طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۳ – ۱۱

۱۱ خودکامگی ، سلطه مداری و خوی اسراف گری ، زمینه ساز رویارویی با پیامبران الهی است .

علی خوف من فرعون . .. إن فرعون لعال فی الأرض و انّه لمن المسرفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۴ – ۹،۱۰

۹- استکبار ، سلطه جویی و سرکشی ، مانع رشد

و تكامل انسان است .

و ءاتينه . .. زكوه و كان ... و لم يكن جبّارًا عصيًّا

جمله <لم يكن. ..> عطف است بر جمله <كان...> در آيه قبل و بيانگر علتى ديگر براى <آتيناه الحكم ... و زكاه>.

۱۰- گردن فرازى و سلطه جويى ، زمينه ساز عصيان و گناه است .

و لم يكن جبّارًا عصيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد ، حق ستيزى و سلطه گرى از موجبات شقاوت و تيره بختى است .

و لم يجعلنى جبّارًا شقيًّا

<شقيّاً> مى تواند صفت توضيحى براى <جبّاراً> باشد، يعنى اگر كسى جبار شد، شقى خواهد بود.

آثار سلطه طلبى اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۸

۸ - روحيه خود بزرگ بينى و سلطه طلبى فرعون و اشراف دربار او ، مانع از پذيرش دعوت موسى و هارون

فاستكبروا و كانوا قومًا عالين

جمله <و كانوا قوماً عالين> تعليل براى <فاستكبروا> است; يعنى، چون آنان مردمى متكبر بودند، از پذيرش دعوت حضرت موسى و هارون امتناع كردند.

آثار سلطه طلبى فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ خودکامگی ، سلطه مداری و خوی اسراف گرانه فرعون ، عامل رویارویی وی با موسی (ع) و آزار و اذیت پیروانش بود .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم و إن فرعون ل

۱۲ خودکامگی و سلطه مداری فرعون ، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین

مصر بود .

فما ءامن . .. إلا ذريه ... على خوف من فرعون و ملإيهم أن يفتنهم و إن فرعون لعال ف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۸

۸ - روحيه خود بزرگ بينى و سلطه طلبى فرعون و اشراف دربار او ، مانع از پذيرش دعوت موسى و هارون

فاستكبروا و كانوا قومًا عالين

جمله <و كانوا قوماً عالين> تعليل براى <فاستكبروا> است; يعنى، چون آنان مردمى متكبر بودند، از پذيرش دعوت حضرت موسى و هارون امتناع كردند.

اجتناب از سلطه طلبى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۲ - ۷

۷- لزوم پرهيز از زورگويى ، سلطه گرى و آنچه موجب تيره بختى است .

و لم يجعلنى جبّارًا شقيًّا

سلطه طلبى اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۷

۷ - فرعون و اشراف حكومت او ، اشخاصى برترى جو و سلطه طلب بودند .

و كانوا قومًا عالين

سلطه طلبى فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۶ – ۷

۷ – فرعون و اشراف حکومت او ، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند .

و کانوا قومًا عالین

سلطه طلبی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۲ – ۵

۵ – تلاش جبهه کفر برای سلطه بر مسلمانان ، از طریق روش های دقیق و آمیخته با مهارت *

إن یثقفوکم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <ثقف> که در آن، مهارت در

انجام کار نهفته است (مفردات راغب).

یحیی(ع) و سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۵

۵- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<جبّار> صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران برخود حقی قائل نیست (لسان العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب). <عصیّ> صیغه مبالغه است و به قرینه <برّاً> و <جبّاراً> که در رابطه با مردم است، مراد از <عصیّ> نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلامِ منفی، برای مبالغه در نفی است.

سلطه طلبان

امکانات مادی سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

حتمیت هلاکت سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

قدرت سلطه طلبان

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

سلوک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلوک

آثار سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۰

۲۰ - توبه و پیمودن راه خدا (عمل به تعالیم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

آثار سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۲

۲ - تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

تشویق به سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۱

۲۱ - تشویق خطاکاران به توبه و پیمودن راه درست از سوی خداوند

فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

راههای سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پرستش خدای یگانه ، راهی به سوی خدا و منتهی به لقای او است .

و یصدّون عن سبیل اللّه

<سبیل اللّه> یعنی راه خدا <راه خدا> می تواند به معنای راهی باشد که <خدا برای اهل ایمان ترسیم و تعیین کرد> و یا می تواند به معنای

راهی باشد که <به سوی خدا و به او منتهی می شود>. برداشت فوق بر پایه معنای دوم است.

روش سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ فلاح و رستگاری در گرو تقواپیشگی ، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوک تا مقام قرب خداوند و پیکار در راه او

اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۷

۱۷ - اسلام ، راهی است تعیین شده از سوی خداوند برای سیر و سلوک بشر .

و اتّبعوا سبیلک

مقصود از <سبیلک> (راه خدا)، اسلام و رهنمودهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۳

۳ - قرآن ، راه حرکت انسان به سوی خداوند است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. لیصدّونهم عن السبیل

با توجه به توضیح برداشت قبل و این که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد، مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ - پیمودن صراط مستقیم ، نیازمند هدایت الهی است .

و هدينهما الصرط المستقيم

از این که خداونـد به عنوان امتنـان بر موسـی و هـارون (علیهماالسـلام) مسأله اعطای صـراط مسـتقیم را مطرح فرمود، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ -

۱۷ – مؤمنان ، نیازمند امداد های مادی و معنوی خداوند ، برای حرکت مداوم در طریق دین و ارزش ها

لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

تعبیر <لتکون. ..> اخباری است که حکایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از <یهدیکم> که به صورت فعل مضارع آمده استفاده می شود.

سلوک در صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۳ – ۷،۱۴

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه

۱۴ سلوک در صراط مستقیم (عمل به قوانین دین) و پرهیز از حرکت در راههای غیر الهی، توصیه خدا به انسانهاست.

ذلکم وصیکم به

سلوک صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۱ – ۳

۳ – بودن در صراط مستقیم ، خواسته و آرمان انسان ها است .

و أن اعبدونی هذا صرط مستقیم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که جمله <هذا صراط مستقیم>، تعلیل برای امر به عبادت (أن اعبدونی) باشد و چون تعلیل باید به امری مسلّم و روشن انجام گیرد. پس بودن در صراط مستقیم برای آدمی، امری مسلّم و پذیرفته شده است.

صبر در سلوک راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۹

۹ – حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، درپی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر . .. و اصبر

علی ما أصابک

فرصت سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۳

۳ - لحظه مرگ ، لحظه پایان فرصت برای حرکت در راه خدا است .

ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته

حرف <ثمّ> برای ترتیب زمانی است و دلالت می کند که با فرا رسیدن مرگ، فرصت حرکت در راه خدا سپری شده است.

مراحل سیر و سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۶

۶ - در مسیر حرکت به سوی خداوند ، انسان از مراحلی گوناگون و مترتب بر یکدیگر خواهد گذشت .

إنّک کادح إلی ربّک کدحًا . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

مشکلات سلوک راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۹

۹ - حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، درپی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر . .. و اصبر علی ما أصابک

منشأ سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۱

۱ - تصمیم انسان به آموختن و پیمودن راه راست ، در گرو اراده و خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

مفعول محذوف <و ما تشاءون> به قرینه آیه قبل تعبیری نظیر <أن تستقیموا> است.

منشأ سهولت سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ،

پیمودن راه طاعت و حرکت در راه راست را ، برای انسان ها آسان ساخته است .

ثمّ السبیل یسّره

<ال> در <السبیل> بیانگر ماهیت است. کلمه <السبیل> گرچه مطلق است، ولی به قرینه سیاق آیه که در مقام بیان معذور نبودن کافران است مراد راه طاعت خداوند است.

موانع سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۷

۱۷ - پیروی از هوای نفس ، ناسازگار با حرکت در مسیر خدا و مانعی بزرگ و خطری جدی بر سر راه کمال آدمی

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه

نعمت سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۶

۶ - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أکفره . .. ثمّ السبیل یسّره

چنانچه کفر در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد; آیات پس از آن از جمله این آیه درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

سلوی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلوی

استفاده ز نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۲

۲۲ بهره گیری از < منّ > و < سلوی > و روزی های پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیبت ما رزقنکم

برداشت فوق با توجه به فعل امر (کلوا)، استفاده شده است.

بنی اسرائیل و خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۲ - ۵۷

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و لکن کانوا . ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱،۱۸،۱۹

۱ - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به < منّ > و < سلوی > ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

۱۸ - بنی اسرائیل ، در صورت دستیابی به خوراکی های دلخواه (سبزیجات و . . .) از < منّ > و < سلوی > محروم می شدند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

با وجود اینکه در سخنان بنی اسرائیل این معنا نبود که <منّ> و <سلوی> نمی خواهیم، ولی خداوند یا موسی(ع) در پاسخ آنان، جمله <أتستبدلون> (چرا معاوضه می کنید) را به کار برد تا به این نکته اشاره کند که: دستیابی به خوراکیهای یاد شده، موجب محرومیت شما از <منّ> و <سلوی> خواهد شد.

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند

الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

زمینه نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۰

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا . .. > بر جمله <ظلّلنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

نزول سلوی بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳،۵،۶

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین

) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۶ - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن < منّ > و < سلوی > از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶،۷،۸

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است

شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

۷ - نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۸ - نزول < منّ و سلوی > ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزّلنا

اختصاص یافتن <منّ و سلوی> از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

نزول نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۸،۱۹،۲۶

۱۸ خداوند برای تغذیه قوم موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا علیهم المن و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز شربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که

پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۹ < منّ > و < سلوی > خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱

۱ – < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیّبت ما رزقنکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب>; یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیّب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

سلیمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سلیمان(ع)

آبادانی در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۵

۵ – شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آثار امتحان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۵ – ۱

۱ – طلب آمرزش سلیمان (ع) از پروردگار ، در پی آزمایش الهی

و ألقینا علی

کرسیّه جسدًا ثمّ أناب . قال ربّ اغفرلی

آثار تدبیر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۵

۵ - تأثیر عمیق تدبیر سلیمان (ع) در فاصله گرفتن بلقیس از آیین شرک آلود خویش

فلمّا جاءت . .. و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

از ارتباط آیه یاد شده با آیات پیش استفاده می شود که تدبیر سلیمان(ع) باعث شد که بلقیس از شرّ رفتار شرک آلود خود رهایی یابد و به دامن توحید و یکتاپرستی بازگردد; و گرنه بر اثر خو گرفتن به عادات قوم خود، همچنان در گمراهی می ماند.

آثار سان دیدن سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۵،۱۰

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنای <علی> و <أحببت> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد; یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم; تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

آثار علم سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۶

۶ - علم و دانش سلیمان ، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا. .. و أوتینا من کلّ شیء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

آثار قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۹

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلمّا رأته . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

آثار موضعگیری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۳

۳ - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع) ، پس از رد هدایای وی

قبل أن يأتونی مسلمين

از

سخنان سلیمان و تعبیر <قبل أن یأتونی مسلمین> استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

آمادگی نظامی سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

آورنده نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۳

۳ - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إنّی أُلقی إلیّ

مجهول آمدن فعل <أُلقی> نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

ابزار تبلیغ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷ - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنّه صرح ممرّد . .. قالت ... و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

ابزار کتابت در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۸ – ۹

۹ – ظرافت ابزار مورد استفاده برای کتابت (کاغذ ، پوست و . . .) در عهد سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

از آن جا که پیکی چون هدهد تنها می تواند حامل اشیایی سبک و کوچک باشد، مطلب یاد شده را می

توان استفاده کرد.

اتقان قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۴

۴ - قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

اتکای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلمّا قضينا عليه الموت ما دلّهم على موته إلّا دابّه الأرض تأكل منسأته فلمّا خرّ

اجابت دعای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجابت خدا قرار گرفت .

و هب لى ملكًا . .. فسخّرنا له الريح

از فای تفریع <فسخّرنا. ..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملك او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

اختلاف داود(ع) و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن

إذ يحكمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و كنّا لحكمهم شهدين

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سليمان را تأیيد كرد. از سوی ديگر، جمله های <كنّا لحكمهم شاهـدين> و <و كلاًّ آتينا حكماً و علماً> می فهمانـد که نظر هر دو براساس نظارت، حكم و علم الهی بوده است. جمع ميان اين دو سخن، به اين است که بگوييم: اختلاف آن دو در حكم الهی نبود; بلکه در تطبيق و چگونگی پياده كردن آن بود.

اختيارات سليمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۹ – ۳،۵

۳ – باز بودن دست سليمان (ع) ، در بخشش يا منع عطای الهی (قدرت ، مكنت و ثروت خود) به ديگران

هذا عطاؤنا فامنن أو أمسك

۵ – سليمان (ع) در بخشش به هر كس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسك بغير حساب

برداشت ياد شده مبتنی بر اين ديدگاه است که <بغير حساب> قيد برای <فامنن أو أمسك> باشد.

اخلاص سليمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ – توجه دائمی سليمان (ع) به خدايی بودن امكانات خويش

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

از آيه ياد شده و نيز آيات پيشـين استفاده می شود که سليمان در اوج قدرت و شوكت نيز، از ياد خدا غافل نبوده، او را ياد می كند و بر نعمت های او سپاس می گزارد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه –

فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۳

۳ - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> برای تعلیل باشد; یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است; نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

ارث سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱

۱ - سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمن داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از <ورث سلیمان داود> چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت برخلاف علوم اکتسابی اصولاً قابل انتقال نیست.

اسبهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۱

۱ – سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیزتک

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

<عشیّ> به معنای آخر روز و عصر است و <صافنات>

(جمع <صافنه>) به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). <جیاد> نیز به دو معنا آمده است: ۱ جمع <جیّد> در مقابل <ردیّ> و به معنای نفیس است. ۲ جمع <جواد> است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

۲ - سلیمان (ع) پس از بازگردانده شدن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پا ها و گردن آنها پرداخت .

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

استغفار سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱

۱ - طلب آمرزش سلیمان (ع) از پروردگار ، در پی آزمایش الهی

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب . قال ربّ اغفرلی

اشراف قوم سبأ و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ -

۲ - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . إنّه من سلیمن

جمله <إنّه من سلیمان> ظاهراً تعلیل برای <کتاب کریم> است; یعنی، این که می گویم <مکتوبی گران مایه> این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

اعلام شکرگزاری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۸

۸ - قدرشناسی عمیق سلیمان (ع) از الطاف الهی در حق خود و پدرش داوود و اعلام آن به مردم

علّمنا منطق الطیر و أوتینا من کلّ شیء إنّ هذا لهو الفضل المبین

افکندن مرده بر تخت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۶

۶ - افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع) ، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

اقرار سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۷

۷ - اذعان داوود و سلیمان (ع) به وجود کسانی عالم تر و برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

الهام به سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و ضـمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

امتحان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۲

۲ - هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع) ، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود .

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره بِمَ یرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۱،۲،۵

۱ - سلیمان (ع) ، مورد آزمایش خداوند قرار گرفت .

و لقد فتّنا سلیمن

۲ - افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

<جسد> به جسم بی جان انسان گفته می شود و <کرسیّ> به معنای تخت و سریر است.

۵ - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتّنا سلیمن . .. ثمّ أناب

امکانات سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۶

۶ - داوود و سلیمان ، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و أوتینا من کلّ شیء

امکانات مادی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۵

۵ - برخورداری سلیمان از

امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا . .. و أوتینا من کلّ شیء ... و حشر لسلیمن جنود

اوامر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۳

۳- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلی الأرض التی برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۱

۱ - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینّهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۱

۱ - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نکّروا لها عرشها ننظر أتهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۴

۴ - جنّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. تمثیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه

جمله بعدی (فطفق مسحاً. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۲

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

اوامر ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۴

۴ - دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیانش

ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

<لا> در <لایحطمنّکم> ناهیه است. <حَطْم> (مصدر <یحطمنّ>) در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای <ادخلوا> و <لا-یحطمنّکم> که به صورت امر و نهی آمده بیانگر نوعی ریاست است; به ویژه اگر تنکیر <نمله> برای تفخیم باشد.

اهداف سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۷

۷ - هـدف سـلیمان (ع) از نوشـتن نـامه به دربـار سـبا ، ایفـای رسـالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسـیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدّونن بمال

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

اهمیت سان دیدن سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۳

۳ - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود ، ماجرایی آموزنده و مهم

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

از توصیه خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری داستان سان دیدن سلیمان(ع) از اسبان خود، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت غواصی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۳

۳- اهمیت غواصی و دستاورد های آن در حکومت سلیمان (ع)

و من الشیطین من یغوصون له

برداشت یاد شده از تخصیص به ذکر یافتن <غواصی> در بین سایر کارها و نیز لام <له> که برای انتفاع است برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۲

۲ - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

<کریم>، صفت <کتاب> و به معنای گران مایه است. <کتاب کریم>; یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

ایمان به سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۵،۷

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

و أُوتينا العلم من قبلها و كنّا مسلمين

ضمیر <من قبلها> به

آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

۷ - اطلاع قبلی ملکه سبا از حقانیت و مقام سلیمان (ع) با گزارش سفیران خویش

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

<من قبلها> ظاهراً اشاره به زمانی دارد که سفیران ملکه سبا هدایا را بازگرداندند و ویژگی های سلیمان(ع) و دربار او را باز گفتند.

بازدید سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۱

۱ - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطیر

<تَفَقُّد> (مصدر <تفقّد>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقد الطیر>; یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

بخشندگی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۵

۵ - سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسک بغیر حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <بغیر حساب> قید برای <فامنن أو أمسک> باشد.

بسمله نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۳،۴،۶

۳ - < بسم اللّه الرحمن الرحيم > سرآغاز نامه سليمان به ملکه سبا

و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحيم

۴ - آغاز نامه سليمان با نام و ياد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقيس

إنّى أُلقى إلىّ کتب کريم . .. و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحيم

جمله <و إنّه بسم اللّه. ..> تعليل ديگرى براى بيان گرانمايه

بودن مکتوب سلیمان است; یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

۶ - اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحیم

بی اعتنایی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۴

۴ - بی اعتنایی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدّونن بمال

بی نظیری حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۶

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیسر برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۱،۲

۱ - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و هب لی ملکًا . .. هذا عطاؤنا

اضافه <عطا> به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

۲ - امتنان خداوند بر سلیمان (ع) ، به خاطر اعطای حکومت عظیم و بی نظیر به ایشان

هذا عطاؤنا

بینش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۶،۱۹

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او

و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التى أنعمت علىّ و على ولدىّ

۱۹ - عبوديت و بندگى خدا ، شرف و مقامى والا در بينش سليمان (ع)

و أدخلنى برحمتك فى عبادك الصلحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۶

۶ - اهميت سرزمين سبا و مسائل آن براى سليمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

تحقيق و بررسى درباره سبا و مسائل آن، نشانگر اهميت اين موضوع در نظر سليمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۵

۵ - هيأت نمايندگان سبا ، مأمور گزارش كردن نقطه نظر هاى جديد سليمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ يرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - ارجمندى عطاياى الهى و بى ارزشى هر عطاى غير الهى در نظر سليمان (ع)

أتمدّونن بمال فما ءاتين اللّه خير ممّا ءاتيكم

۹ - افتخار سليمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهى خود و نه مال و قدرت مادى

فما ءاتين اللّه خير ممّا ءاتيكم

مراد از <ما آتان اللّه> حقيقتى متفاوت با امكانات مادى است; چرا كه اولاً دربار سبا نيز از آن امكانات مادى برخوردار بود

ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی اللّه أكثر ممّا آتاكم>.

پدر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، فرزند حضرت داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمن

پرسش

از درباریان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۸ – ۲

۲ – پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها

پرسش سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۳

۳ – پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۸ – ۲

۲ – پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها

پرندگان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۱

۱ – سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

پشیمانی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

پیروزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

- ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶ - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أُولوا قوّه . .. قالت إنّ الملوك إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

پیشگامی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

تبسم سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱

۱ - تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسّم ضاحکًا من قولها

تجهیزات نظامی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۵

۵ - برخورداری سلیمان از امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد ءاتينا داود و سليمن علمًا . .. و أوتينا من كلّ شیء ... و حشر لسليمن جنود

تخت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۴

۲ - افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

<جسد> به جسم بی جان انسان گفته می شود و <کرسیّ> به معنای تخت و سریر است.

۴ - سلیمان (ع) ، دارای حکومت و تخت فرمانروایی

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

تدبیر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۶

۶ - تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت . .. اذهب بکتبی هذا

تسخیر باد برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱- خداوند ، تند باد ها را برای سلیمان (ع) تسخیر و رام کرد .

و سخّرنا مع داود الجبال . .. و لسلیمن الریح عاصفه تجری بأمره

<لسلیمان. ..> عطف بر عبارت <مع داود...> است; یعنی، <سخّرنالسلیمان الریح>

۲- حرکت تند باد ها ، با فرمان حرکت سلیمان (ع) انجام می گرفت .

و لسلیمن الریح عاصفه تجری بأمره

۳- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلی الأرض التی برکنا فیها

۴- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسلیمن الریح عاصفه

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان

است.

۹- رام کردن تندباد ها و به فرمان درآوردن آنها برای سلیمان (ع) ، کاری حکیمانه و عالمانه از سوی خداوند بود .

و لسلیمن الریح عاصفه . .. و کنّا بکلّ شیء علمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۲،۳،۴

۲ - مسخّر و رام شدن باد برای سلیمان (ع) از جانب خداوند

و لسلیمن الریح

<الریح> عطف به <الحدید> در آیه قبل است و منظور از آن به تناسب مقام مسخّر بودن باد برای سلیمان(ع) است.

۳ - مسخّر بودن باد برای سلیمان (ع) ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لقد ءاتینا . .. فضلاً ... و لسلیمن الریح

۴ - بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و بر گشت را در یک روز طی می کرد .

و لسلیمن الریح غدوها شهر و رواحها شهر

<غدوّ> در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و <رواح> استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت .

فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

<رخاء> به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در <أصاب> به سلیمان بازمی گردد. <اصابه> (مصدر <أصاب>) معادل قصد و اراده است; یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن

حضرت بود .

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۹،۱۱

۹ - گروهی از جنیان ، مسخّر سلیمان (ع) و تحت اختیار او بودند .

و لسلیمن . .. و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۱ - مسخّر و رام بودن جنّیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فضلًا . .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱،۲،۳

۱ - جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۴

۴ - گروهی از جنيان

، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۴

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۱،۲،۷

۱- برخی از شیاطین ، در تسخیر و تحت فرمان سلیمان (ع) بودند .

و سخّرنا . .. و من الشیطین من یغوصون له

۲- برخی از شیاطین برای سلیمان (ع) ، به کار غواصی و غیر آن می پرداختند .

و من الشیطین من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلک

۷- کنترل و نظارت خداوند بر شیاطین ، در فرمان برداری آنان از سلیمان (ع)

و من الشیطین . .. و کنّا لهم حفظین

تعالیم نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۶

۶ - اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۳

۳ - نامه سلیمان ، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع

و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

تعلیم سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

تقرب سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

و إنّ له عندنا لزلفی

<الزلفی> به معنای قرب و منزلت است.

تقوای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

تکلم ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۹ – ۲۴

۲۴ – < عن جعفربن محمـد (ع) قال : لما قالت النمله < یا أیّها النمل ادخلوا مساکنکم . . . > حملت الریح صوت النمله إلی سلیمان

(ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: <یا أیّها النمل ادخلوا مساکنکم. ..> باد صدای آن مورچه را به سلیمان رسانید...>.

تکلیف سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - سلیمان (ع) ، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمن الریح . .. اعملوا ءال داود شکرًا

این که پس از طرح قصه سـلیمان(ع) و ذکر فضایلی که خداونـد به او داده بود، خطاب <آل داود> آورده شـده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان(ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود(ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

تلاش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۵

۵ - سلیمان در تلاش مدام ، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتینّهم بجنود . .. و هم صغرون

لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد; چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

تنزیه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

- ۱۲

مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهديّتكم تفرحون

توبه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۵

۵ - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتّنا سليمن . .. ثمّ أناب

توحید سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سليمن للّه ربّ العلمين

توصیه های سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۱

۱ - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

ألاّ تعلوا علىّ و أتونى مسلمين

<علو> (مصدر <تعلوا>) به معنای استکبار و برتری جویی است. <اتیان> (مصدر <ائتونی>) نیز به معنای حاضر شدن و <اسلام> (مصدر <مسلمین>) معادل <تسلیم> و <انقیاد> است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجویید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

تهدید جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن جنیانِ در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان

آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

تهدیدهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۱،۲،۳

۱ - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینّهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲ - تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۳ - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمد های ناگوار جنگ (تبعید ، آوارگی ، ذلت و خواری)

و لنخرجنّهم منها أذلّه و هم صغرون

<أذله> جمع <ذلیل> و حال برای ضمیر <هم> است; یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت <هم صاغرون> به تقدیر <هم صاغرون فیها> است; یعنی، و در آن سرزمین، بیگانه، حقیر و آواره خواهند بود.

تهمت جادوگری به سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمن و لکن الشیطین کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین ...> و

نیز <ما تتلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

جادو در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳،۱۰

۳ - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن . .. یعلمون الناس السحر

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله - به قرینه فرازهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۱۰ - رواج سحر در زمان حضرت سلیمان (ع)

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن . .. یعلمون الناس السحر

جن در حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به

واژه <عفریت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۵

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

جنگ با سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۳

۳ - اعلام آمادگی امیران و درباریان سبا برای درگیری نظامی با سلیمان (ع)

أفتونی فی أمری . .. قالوا نحن أُولوا قوّه و أُولوا بأس شدید

تذکر قدرت و نیرومندی، اشاره به این دارد که آنان برای هر نبردی ولو با سلیمان آمادگی دارند.

جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسليمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵

– سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱

۱ – مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

جنیان سلیمان(ع) و ذلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

جنیان سلیمان(ع) و سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

جنیان سلیمان(ع) و علم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۶،۱۰

۶ – جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلمّا خرّ تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين

۱۰ – جنيان خدمت گزار در دستگاه سليمان (ع) ، از معرفتى به نام علم غيب آگاهى داشتند .

تبيّنت الجنّ أن لو

كانوا يعلمون الغيب

حركت سپاه سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۲

۲ - فراخوانى سپاه سليمان از سوى او ، براى حركت به سوى مقصدى خاص

و حشر لسليمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معناى بيرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حركت دادن آنان به سوى مقصدى چون آوردگاه و. .. مى باشد.

حسابرسى از سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۵

۵ - سليمان (ع) در بخشش به هر كس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهى قرار نداشت .

فامنن أو أمسك بغير حساب

برداشت ياد شده مبتنى بر اين ديدگاه است كه <بغير حساب> قيد براى <فامنن أو أمسك> باشد.

حسن فرجام سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۲

۲ - سليمان (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامى نيك

و حسن مئاب

<مئاب> به معناى مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نيك است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت

و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حق طلبی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهديّتكم تفرحون

حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱،۴،۵۱

۱ - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

على ملك سليمن

۴ - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشيطين على ملك سليمن

<على ملك سليمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است; یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

۵۱ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < . . . فلما هلك سليمان وضع ابليس السحر و كتبه فى كتاب ثم طواه و كتب على ظهره < هذا ما وضع آصف بن برخيا لملك سليمان بن داود من ذخاير كنوز العلم من أراد كذا و كذا فليفعل كذا و كذا > ثم دفنه تحت السرير ثم استثاره لهم فقرأه فقال الكافرون ما كان سليمان (ع) يغلبنا إلا بهذا و قال المؤمنون بل هو عبداللّه و نبيّه فقال اللّه جلّ ذكره < واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس

السحر . . . ;

آن هنگام که سلیمان (ع) وفات یافت ابلیس سحر را پایه گذاری کرد و در کتابی نوشت; سپس آن را پیچیده و بر روی آن چنین نوشت: این چیزی است که آصف بن برخیا ساخته است برای برپایی حکومت سلیمان بن داود(ع) که در آن ذخیره های علم انباشته شده است. هر کس چنین می خواهد چنان کند. سپس ابلیس آن را زیر تخت سلیمان(ع) پنهان نمود; سپس آن نامه را بیرون آورده برای آنان خواند. پس کافران در آن جلسه گفتند: سلیمان بر ما چیره نگشت و حکومت نیافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز این چنین نیست; بلکه او بنده و پیامبر خدا بود. خداوند می فرماید: واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملك سلیمان و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، دارای حکومت و تخت فرمانروایی

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

حمد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه

خط در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۷

۷ - وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

خواسته های سلیمان(ع)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۱،۲،۳،۷

۱ – جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ – جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ – جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۷ – جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

خویشتنداری سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۶

۶ – احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن

هدهـد را مربوط به خطـای دیـد خودش دانست. این در حـالی است که قدرتمنـدان قبـل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

درباریان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۱،۶

۱ - سلیمان (ع) ، دارای مجلسیانی سرشناس و ممتاز در میان نیرو های تحت امر خویش

قال یأیّها الملؤا

واژه <ملأ> به عناصر سرشناس و شخصیت های برجسته و ممتاز گفته می شود.

۶ - وجود افرادی برخوردار از قدرت فوق طبیعی در میان درباریان سلیمان (ع)

أیّکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان درباریانش می باشد.

درباریان سلیمان(ع) و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۶

۶ - حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبـارت <قال الـذی عنـده علم من الکتب> می توانـد این باشـد که در بارگاه سـلیمان، اشـخاص دیگری بوده انـد که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

دشمنان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴

۴ – شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است; یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

دشمنی یهود با

سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

دعای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۵،۱۳،۱۸

۵ - دعای سلیمان در طلب توفیق از پروردگار برای شکر نعمت هایش (نعمت دانش و قدرت)

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا. .. و قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک

<إیزاع> (مصدر <أوزع>) مرادف <الهام> است; یعنی، پروردگارا در دلم افکن تا شکر نعمتت را به جا آورم.

۱۳ - دعای سلیمان به درگاه الهی برای توفیق در انجام عمل صالح و جلب خشنودی خدا

و أن أعمل صلحًا ترضه

۱۸ - دعای سلیمان به درگاه خدا ، برای قرار گرفتن در زمره بندگان صالح

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۶،۷

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیسر برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

۷ – حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باورانـد که جمله <لا ینبغی لأحـد من بعـدی> کنـایه از وسـعت و پهنـاوری حکـومت عصـر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من

غیری> خواهد بود; مثل <فمن یهدیه من بعد اللّه> که به معنای <غیر اللّه> است.

دعوتهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۲

۲ - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و. .. می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۵

۵ - فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم اللّه الحمن الرحیم . .. و أتونی مسلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مسلمین> (به قرینه <بسم اللّه. ..>) و نیز آیه ۴۴ (أسلمت مع سلیمان للّه) تسلیم شدن در برابر خدا باشد; یعنی، <و أتونی مسلمین للّه>.

دلایل حقانیت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

دلایل نبوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۱ – ۴

۴- مسخر و رام بودن

تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسلیمن الریح عاصفه

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

دیگهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۷۸

۷ - جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

۸ - ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیرمنقول ، به وسیله جنّیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . .. و قدور راسیت

ذکر سان دیدن سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یادآوری ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) ازاسب های خود

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <إذ> متعلق به فعل محذوف (همچون <اُذکر>) بوده و مخاطب این فعل هم پیامبراسلام(ص) باشد.

ذکر قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۱

۱– داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد

و يادآورى است .

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه <داود> مفعولٌ به براى فعل مقدرى، چون <اذكر> باشد (البته با حذف مضافى مانند <خبر>)؛ يعنى، به ياد آور خبر داوود و سليمان را.

ذلت جنيان سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۵

۵ - خدمت جنيان در دستگاه سليمان (ع) ، همراه با سختى ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين

ذوب مس در دوران سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۸

۸ - وجود صنعت مسگرى در دوران سليمان (ع)

و أسلنا له عين القطر

<قطر> به معناى نوعى مس مذاب است (مفردات راغب و المنجد). گفتنى است كه <اساله> (مصدر <أسلنا>) به معناى سيلان و جريان است و كاربر آن در اشياى جامد، معناى ذوب را افاده مى كند.

رحمت سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۳

۳ - نامه سليمان ، پيامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بسم اللّه الرحمن الرحيم . ألاّ تعلوا علىّ و أتونى مسلمين

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

رنجهای جنیان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۵،۱۴

۵ – خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه

با سختی ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۴ - < فی حدیث عن أبی عبداللّه (ع) (فی قوله تعالی) < . . .ما لبثوا فی العذاب المهین > معناه فی الأعمال الشاقه ;

در حدیثی از امام صادق(ع) [درباره قول خدای تعالی]<. ..ما لبثوا فی العذاب المهین> روایت شده که معنای عذاب مهین، کارهای سخت و دشوار است>.

روش برخورد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۶

۶ - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۱۸

۱ - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین>; یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

۸ - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد ، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأُعذّبنّه . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۲

۲ - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۵

۵ - سلیمان در تلاش مدام ، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتینّهم بجنود . .. و هم صغرون

لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد; چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

روش تبلیغ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - سلیمان (ع) ، درصدد استفاده از هر فرصت برای بیان عقیده توحیدی خود و تبلیغ آن

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

یادآوری سلیمان(ع) به نماینده سبا نسبت به این حقیقت که آنچه او و آنها در اختیار دارند، همگی عطایایی است که خداوند به آنان بخشیده است، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۴

۴ - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نکّروا لها عرشها. .. من الذین لایهتدون

برخی برآنند که <أتهتدی. ..> به تقدیر <أتهتدی إلی الإیمان باللّه و رسوله> می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال

است.

زمینه توبه سلیمان(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۶

۶ - افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع) ، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

زمینه غفلت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۵

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنای <علی> و <أحببت> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد; یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم; تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

زمینه قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۶

۶ - علم و دانش سلیمان ، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا. .. و أوتینا من کلّ شیء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان

عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

زهد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۹،۱۲

۹ - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

مراد از <ما آتان اللّه> حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است; چرا که اولاً دربار سبا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی اللّه أکثر ممّا آتاکم>.

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهمانند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

ساختمان سازی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۶

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

سان دیدن سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیزتک

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

<عشیّ> به معنای آخر روز و عصر است و <صافنات> (جمع <صافنه>) به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). <جیاد> نیز به دو معنا آمده است: ۱ جمع <جیّد> در مقابل <ردیّ> و به معنای نفیس است. ۲ جمع <جواد> است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می

تواند مراد باشد.

۵ - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، جلوه ای از بندگی و خداخواهی او

نعم العبد إنّه أوّاب . إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <إذ> متعلق به <أوّاب> باشد که در این صورت، آیه شریفه درصدد بیان مصداق و نمونه ای از صفت <أوّاب> بودن سلیمان(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۳

۳ - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> برای تعلیل باشد; یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است; نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ

و الإنس و الطير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۴،۶

۴ – هدهد ، از اعضاى سپاهيان سليمان

و حشر لسليمن جنوده. .. فقال ما لى لاأرى الهدهد

۶ – احتياط و خويشتن دارى سليمان در برخورد با نيرو هاى تحت امر خويش

فقال ما لى لاأرى الهدهد أم كان من الغائبين

سليمان، بى درنگ هدهد را متهم به تخلّف نكرد; بلكه ابتدا ناپيدا بودن هدهد را مربوط به خطاى ديد خودش دانست. اين در حالى است كه قدرتمندان قبل از هر چيز خشم گرفته و نيروى تحت فرمان خود را متهم مى كنند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۷

۷ – مسؤوليت مهم هدهد در سپاه سليمان (ع)

أم كان من الغائبين . لأُعذّبنّه عذابًا شديدًا أو لأاْذبحنّه

احتمال مى رود در نظر گرفتن مجازات سخت براى تخلف هدهد، از آن جهت باشد كه وى داراى مسؤوليتى مهم بود و نمى بايست پست خود را ترك مى كرد.

سپاه سليمان(ع) در سرزمين مورچگان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۱،۳

۱ – رسيدن سليمان (ع) و لشگريانش به سرزمين مورچگان ، در مسير حركت خود

حتّى إذا أتوا على واد النمل

۳ – اخطار مورچه اى به ديگر مورچگان نسبت به ورود سليمان و لشگريانش به سرزمين آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

سرزمین سبأ در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۳

۳

- شهر سبا ، دارای تمدن ، پادشاه و حکومتی مقتدر در عصر سلیمان

و جئتک من سبإ . .. و أُوتیت من کلّ شیء و لها عرش عظیم

در المیزان آمده است: <سبأ بلده بالیمن کانت عاصمته یومئذ; سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۲

۲ - مملکت سبا در عهد سلیمان ، دارای نیروی دفاعی و امکانات جنگی قوی و نیز رزم آوران سلحشور و بی باک

قالوا نحن أُولوا قوّه و أُولوا بأس شدید

<قوه> به معنای نیرو و نکره آمدنش بیانگر عظمت و گستردگی آن است. بنابراین <نحن أُولوا قوّه>; یعنی، ما از نیرویی بسیار گسترده و عظیم برخورداریم. <بأس> به معنای شجاعت و دلاوری است. بنابراین <بأس شدید> برابر با سلحشوری و بی باکی است.

سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۲

۲ - قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه <علی> برای استعلا به کار می رود. بنابراین <علی واد النمل> بیانگر این نکته است که منطقه اطراف سرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

سرزنش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن

طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

سرزنشهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۶

۶ - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

سرور سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۴

۴ - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحکًا من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشکر

سلطنت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۷

۷

- برداشت ملکه سبا از شخصیت سلیمان (ع) ، به عنوان پادشاهی از پادشاهان

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک یفعلون

سلیمان(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

سلیمان(ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله يأيّها النمل ادخلوا مسكنكم لايحطمنّكم سليمن و جنوده

سليمان(ع) و اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۲

۲ - برخورد سليمان (ع) با ملکه و درباريان سبا ، قاطع ، آمرانه و از

موضع قدرت بود .

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

سلیمان(ع) و تملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۶

۶ - دستگاه حکومت سلیمان ، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

سلیمان(ع) و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمن

سلیمان(ع) و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمن

سلیمان(ع) و ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۲

۲ - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

۶ - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

سلیمان(ع) و هدهد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت سلیمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . .. قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۲ - سلیمان (ع) ، درصدد بررسی ادعا های هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۳ - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

تعبیر <خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی> پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

شخصیت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۶

۶ - سلیمان شخصیتی مشهور ، حتی نزد مورچگان

لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

شرک ستیزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر

و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهديّتكم تفرحون

شکرگزاری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۴

۴ - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحكًا من قولها و قال ربّ أوزعنى أن أشكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۹

۹ - سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا ، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّى

کلمه <هذا> می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت <هذا من فضل ربّی>; یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - سلیمان (ع) ، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسليمن الريح . .. اعملوا ءال داود شكرًا

این که پس از طرح قصه سلیمان(ع) و ذکر فضایلی که خداوند به او داده بود، خطاب <آل داود> آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان(ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود(ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

شگفتی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

- ۲۷ - ۳

۳ - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

تعبیر <خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی> پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

شیاطین و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲،۴،۵

۲ - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادو گری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمن و لکن الشیطین کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان کافر نشد) نفی جادو گری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین ...> و نیز <ما تتلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

۴ - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

۵ - شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمن و ما کفر سلیمن

نفی جادو گری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با

این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

شیشه های کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳،۴،۶

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است; یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۶ - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

صنعت در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۷

۷ - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب بپندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

ظروف سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۷

۷ – جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می

باشـد. <جواب> جمع <جابيه> و به معناى جمع كننـده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنى است كه <جواب> به معناى حوض هم آمده است (لسان العرب).

عبرت از قصه سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۳

۳ - ماجراى سان ديدن سليمان (ع) از اسب هاى خود ، ماجرايى آموزنده و مهم

إذ عرض عليه بالعشىّ الصفنت الجياد

از توصـيه خداوند به پيامبر(ص) مبنى بر يادآورى داسـتان سان ديدن سـليمان(ع) از اسبان خود، برداشت ياد شده به دست مى آيد.

عبوديت سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۳،۶

۳ - سليمان (ع) ، بنده شايسته خدا بود .

نعم العبد

۶ - رجوع و توجه همواره سليمان (ع) به خدا در زندگى ، موجب دستيابى او به مقام عبوديت الهى

نعم العبد إنّه أوّاب

برداشت ياد شـده به خاطر اين نكته است كه جمله <إنّه أوّاب> در مقام تعليل براى <نعم العبد> است; يعنى، چون سـليمان بسيار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود; بهترين عبد شناخته شد و به اين مقام دست يافت.

عدالت سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۷

۷ - آگاهی مورچه به مقام معنوی و عدالت سلیمان

لایحطمنّکم سلیمن و جنوده و هم لایشعرون

تعبیر <و هم لایشعرون> بیانگر این نکته است که آن مورچه می دانست که سلیمان در صورت توجه، نخواهد گذاشت که مورچگان مورد ستم قرار گیرند و پایمال شوند.

عصای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۳،۱۲

۳ – سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض . .. لو کانوا یعلمون ا

۱۲ – سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

عظمت سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۷ – ۲

۲ – تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

عظمت کاخ سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۳

۳ – قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است; یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

عظمت نامه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۰ – ۴

۴ – آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إنّی أُلقی

إليّ كتب كريم . .. و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحيم

جمله <و إنّه بسم اللّه. ..> تعليل ديگرى براى بيان گرانمايه بودن مكتوب سليمان است; يعنى، نامه اى كه براى من آورده شده، از دو جهت كريم و گران سنگ است: يكى اين كه از شخصيتى مانند سليمان است و ديگر آن كه با نام خداى رحمان و رحيم آغاز شده است.

عقيده سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۶

۶ - اعلام موضع توحيدى و هدف الهى سليمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و ياد خدا

و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحيم

علايق سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۵

۵ - سان ديدن سليمان (ع) از اسب ها و علاقه شديد او به آنها ، موجب غفلت او از ياد خدا گشت .

إنّى أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّى حتّى توارت بالحجاب

برداشت ياد شده مبتنى بر اين ديدگاه است كه <عن> در <عن ذكر ربّى> به معناى <على> و <أحببت> به معناى <آثرت> (ترجيح دادم) باشد; يعنى، من آن چنان به دوستى با اسب ها سرگرم شدم كه آن را بر ياد خدا ترجيح دادم و از او غافل ماندم; تا آن كه آفتاب غروب كرد و يا اين كه اسب ها از نظرم پنهان شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۳

۳ - شدت علاقه سليمان (ع) به اسب هاى نجيب و تيزرو و

سان دیدن از آنها

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

علم جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

علم سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۳،۷

۳ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال یأیّها الناس علّمنا منطق الطیر

۷ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علّمنا منطق الطیر و أوتینا من کلّ شیء

با این که <و أوتینا من کلّ شیء> شامل <منطق الطیر> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ - سلیمان (ع) ، قادر به شنیدن صدای مورچگان و فهم زبان آنها

فتبسّم ضاحکًا من قولها

۴ – خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحکًا من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشکر

علم سلیمان(ع) به تسلیم ملکه سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷

- ۳۸ - ۴

۴ - آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال یأیّها الملؤا . .. قبل أن یأتونی مسلمین

علم لدنی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمن . .. و کلاًّ ءاتینا حکمًا و علمًا

علمای دربار سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۶

۶ - حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبارت <قال الذی عنده علم من الکتب> می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

عمل به تکلیف سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۷

۷ - هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدّونن بمال فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

عمل خیر سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ،

سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل صالح سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - سلیمان (ع) ، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمن الریح . .. اعملوا ءال داود شکرًا

این که پس از طرح قصه سلیمان(ع) و ذکر فضایلی که خداوند به او داده بود، خطاب <آل داود> آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان(ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود(ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

عوامل مؤثر در موضعگیری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۳

۳ - نقش تیزهوشی ملکه سبا ، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان (ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم تکون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

غفلت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه

شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

غواصی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۶

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

فضایل سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . .. و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۲،۳،۴

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع) ، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. ففهّمنها سلیمن

۳- حضرت سلیمان (ع) ، مورد توجه و عنایت خداوند ، حتی در زمان داوود (ع)

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث . ..

ففهّمنها سليمن

۴- داوود و سليمان (ع) ، داراى مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادى

و داود و سليمن . .. و كلاًّ ءاتينا حكمًا و علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۱ - ۱،۲،۳

۱- خداوند ، تند باد ها را براى سليمان (ع) تسخير و رام كرد .

و سخّرنا مع داود الجبال . .. و لسليمن الريح عاصفه تجرى بأمره

<لسليمان. ..> عطف بر عبارت <مع داود...> است; يعنى، <سخّرنالسليمان الريح>

۲- حركت تند باد ها ، با فرمان حركت سليمان (ع) انجام مى گرفت .

و لسليمن الريح عاصفه تجرى بأمره

۳- حركت تند باد به سوى سرزمين سرشار از بركات الهى به فرمان سليمان (ع)

تجرى بأمره إلى الأرض التى بركنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۲ - ۱

۱- برخى از شياطين ، در تسخير و تحت فرمان سليمان (ع) بودند .

و سخّرنا . .. و من الشيطين من يغوصون له

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۳،۵،۶،۹

۳ - آگاهى داوود و سليمان (ع) به زبان پرندگان

و قال يأيّها الناس علّمنا منطق الطير

۵ - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا . .. و قال یأیّها الناس علّمنا منطق الطیر

۶ - داوود و سلیمان ، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و أوتینا من کلّ شیء

۹ - الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع)

، الطافی آشکار برای همگان

و قال یأیّها الناس . .. إنّ هذا لهو الفضل المبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۵

۵ – برخورداری سلیمان از امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا . .. و أوتینا من کلّ شیء ... و حشر لسلیمن جنود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۶

۶ – سلیمان شخصیتی مشهور ، حتی نزد مورچگان

لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۳،۷،۱۱

۳ – مسخّر بودن باد برای سلیمان (ع) ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لقد ءاتینا . .. فضلًا ... و لسلیمن الریح

۷ – فراهم آمدن امکانات ذوب مس برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا . .. فضلًا ... و لسلیمن ... و أسلنا له عین القطر

۱۱ – مسخّر و رام بودن جنّیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فضلًا . .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۰ – ۱،۳،۵

۱ - سلیمان (ع) ، عطیه الهی به داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمن

۳ - سلیمان (ع) ، بنده شایسته خدا بود .

نعم العبد

۵ - سلیمان (ع) ، در همه امور

زندگی به خدا روی آورده بود و همواره او را مرجع امور خود می دانست .

إنّه أوّاب

<أوّاب> صیغه مبالغه (از ماده <اَوْب>) و به معنای <رجوع> است; یعنی، سلیمان بسیار مراجعه کننده به خدا و همواره متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۴

۴ - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود .

هذا عطاؤنا . .. بغیر حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که <بغیر حساب> قید برای <عطاؤنا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

فلسفه پرسش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۹

۹ - در مجمع البیان آمده است : < و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنّه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبداللّه (ع) کیف تفقّد سلیمان الهدهد من بین الطیر ؟ قال : لأنّ الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری أحدکم الدهن فی القاروره ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید]که ابوحنیفه از امام صادق(ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...>.

فلسفه قدرت نمایی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح . .. قال إنّه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۷

۷ - هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدّونن بمال فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

فواید قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۹ – ۴

۴ – سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قاطعیت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۱ – ۲

۲ – برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

قدرت سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۷ – ۴

۴ – ارتش سلیمان (ع) ، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

قدرت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۱ – ۲،۳

۲ – برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

۳ - نامه سلیمان ، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۴ – ۶

۶ – نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أُولوا قوّه . .. قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۸ – ۵

۵ – سلیمان (ع) ، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا ، با احضار تخت او

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۲ – ۵

۵ – اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

ضمیر <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

قدرت نظامی سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۷

۷ – قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمن و لکن الشیطین کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان

کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین ...> و نیز <ما تتلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

۵ - شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمن و ما کفر سلیمن

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱،۱۰،۹،۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی

الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبدالله (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطن ها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولد ها إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- < عن أبی عبدالله (ع) (فی) قول الله

عزّوجلّ : < و داود و سليمان إذ يحكمان فى الحرث > . . . قال : إنّه كان أوحى اللّه عزّوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث اللّه داود (ع) أى غنم نفشت فى الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى اللّه عزّوجلّ إلى سليمان (ع) أى غنم نفشت فى الزرع فليس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خداى عزّوجلّ <و داود و سليمان إذ يحكمان فى الحرث> روايت شده . .. كه فرمود: همانا خداى عزّوجلّ به پيامبران قبل از داوود تا زمانى كه او را برانگيخت وحى نموده بود كه هر گوسفندى شبانه وارد زراعتى شود، براى صاحب زراعت است كه آن گوسفند را به تملك خود درآورد ... پس داوود به همان حكم پيامبران پيش از خودحكم داد و خداى عزّوجلّ به سليمان وحى نمود: هر گوسفندى كه شبانه وارد زراعتى شود، صاحب زراعت حقى ندارد; مگر به چيزى (بچه اى) كه از شكم آن بيرون مى آيد و بعد از سليمان همين سنت جريان داشت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - سليمان (ع) ، داراى سپاهى متشكل از نيرو هاى جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسليمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطير

۲ - فراخوانى سپاه سليمان از سوى او ، براى حركت به سوى مقصدى

خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و. .. می باشد.

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

۴ - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱،۴،۲۴

۱ - تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسّم ضاحکًا من قولها

۴ - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحكًا من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشكر

۲۴ - < عن جعفربن محمـد (ع) قال : لما قالت النمله < يا أيّها النمل ادخلوا مساكنكم . . . > حملت الريح صوت النمله إلى سليمان (ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روايت شـده كه فرمود: هنگامى كه آن مورچه [به ساير مورچگان] گفت: <يا أيّها النمل ادخلوا مساكنكم. ..> باد صداى آن مورچه را به سليمان رسانيد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰

- ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹

۱ - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطیر

<تَفَقُّد> (مصدر <تفقّد>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقد الطیر>; یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

۲ - غایب یافتن سلیمان هدهد را در صف پرندگان

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

۳ - پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

۴ - هدهد ، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسلیمن جنوده. .. فقال ما لی لاأری الهدهد

۵ - نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تفقّد الطیر . .. أم کان من الغائبین

۶ - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

۹ - در مجمع البیان آمده است : < و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنّه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبداللّه (ع) کیف تفقّد سلیمان الهدهد من بین الطیر ؟ قال : لأنّ الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری أحدکم الدهن فی القاروره ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید]که ابوحنیفه از امام

صادق(ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۱،۸

۱ - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین>; یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

۸ - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد ، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأُعذّبنّه . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان ، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمکث غیر بعید فقال

۲ - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ - هدهد ، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است; یعنی، <علمت بما لم تعلم به; به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای>.

۵ - هدهد ، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین < سبا > برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبإ بنبإ یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود; یعنی، <برای تو

از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنّی وجدت امرأه تملکهم

<مُلْک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت سلیمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . .. قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۲ - سلیمان (ع) ، درصدد بررسی ادعا های هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۳ - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

تعبیر <خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی> پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است; یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. .. .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت

هدهد از جانب سليمان (ع)

اذهب بكتبى هذا فألقه إليهم

<ها> ساكن در <ألقه> ها سكت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معناى افكندن است; يعنى، آن گاه [نامه را] به سوى آنان بيفكن.

۴ - هدهد ، موظف به روى برتافتن از درباريان سبا (پس از افكندن نامه سليمان) نزد ايشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

<تولّى> (مصدر <تولّ>) به معناى روى برتافتن است; يعنى، از آنان روى برتاب و سپس بنگر چه پاسخ مى دهند.

۵ - مأموريت هدهد براى مشاهده بازتاب نامه سليمان در ميان درباريان سبا و شنود كردن سخنان ايشان .

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

۶ - تدبير سليمان در كشف صدق و كذب ادعاى هدهد از طريق به كارگيرى خود وى

قال سننظر أصدقت . .. اذهب بكتبى هذا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ - قرار گرفتن نامه سليمان در اختيار ملكه سبا (بلقيس)

قالت يأيّها الملؤا إنّى أُلقى إلىّ كتب كريم

۲ - جلوه عظمت و گران سنگى نامه سليمان و پيام آن در نظر ملكه سبا (بلقيس)

قالت يأيّها الملؤا إنّى أُلقى إلىّ كتب كريم

<كريم>، صفت <كتاب> و به معناى گران مايه است. <كتاب كريم>; يعنى، نامه اى عظيم و گران سنگ.

۳ - عدم اطلاع بلقيس از مشخصات آورنده نامه سليمان

إنّى أُلقى إلىّ

مجهول آمدن فعل <أَلقی> نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

۴ - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنّه من سلیمن

۲ - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . إنّه من سلیمن

جمله <إنّه من سلیمان> ظاهراً تعلیل برای <کتاب کریم> است; یعنی، این که می گویم <مکتوبی گران مایه> این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

۴ - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . .. و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحیم

جمله <و إنّه بسم اللّه. ..> تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است; یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

<علو> (مصدر <تعلوا>) به معنای استکبار و برتری جویی است. <اتیان> (مصدر <ائتونی>) نیز به معنای حاضر شدن و <اسلام> (مصدر <مسلمین>) معادل <تسلیم> و <انقیاد> است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجویید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم

دستورات من باشید.

۲ - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود ، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

<إفتاء> (مصدر <أفتونی>) به معنای اظهار نظر است. <أفتونی فی أمری>; یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

۲ - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود; بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

۵ - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی أمری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان

را با خود همراه سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۵ – ۱،۲،۴،۵

۱ – تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

۲ – هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع) ، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود .

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره بِمَ یرجع المرسلون

۴ – همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

تعبیر <مرسلون> با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

۵ – هیأت نمایندگان سبا ، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۶ – ۱،۳،۴،۵،۶،۷

۱ – حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فلمّا جاء سلیمن

از تعبیر <جاء> به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان(ع) باریافت. گفتنی است که جمله <ارجع إلیهم> که خطاب به یک فرد است مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر <جاء> مال باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند تضعیف می شود.

۳ – ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدّونن بمال

۴ – بی اعتنایی سلیمان

(ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدّونن بمال

۵ – هدیه ملکه سبا ، هدیه ای چشمگیر و پرب ها بود .

قال أتمدّونن بمال

از تعبیر <أتمـدّونن بمال> اسـتفاده می شود که هدیه، فی نفسه دارای جاذبه کافی برای هر پادشاه مقتدری بوده است; اما در چشم سلیمان پیامبر(ع) جایی نداشته است.

۶ – توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توبیخ و سرزنش است.

۷ – هـدف سـلیمان (ع) از نوشـتن نـامه به دربـار سـبا ، ایفـای رسـالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسـیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدّونن بمال فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۷ – ۱،۲،۵

۱ – رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینّهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲ – تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۵ – سلیمان در تلاش مدام ، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتینّهم بجنود . .. و هم صغرون

لحن شدید و تهدیدآمیز

سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد; چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - سلیمان (ع) ، دارای مجلسیانی سرشناس و ممتاز در میان نیرو های تحت امر خویش

قال یأیّها الملؤا

واژه <ملأ> به عناصر سرشناس و شخصیت های برجسته و ممتاز گفته می شود.

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها

۳ - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع) ، پس از رد هدایای وی

قبل أن یأتونی مسلمین

از سخنان سلیمان و تعبیر <قبل أن یأتونی مسلمین> استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

۴ - آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال یأیّها الملؤا . .. قبل أن یأتونی مسلمین

۵ - سلیمان (ع) ، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا ، با احضار تخت او

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی

۶ - وجود افرادی برخوردار از قدرت فوق طبیعی در میان درباریان سلیمان (ع)

أیّکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان درباریانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۱،۴

۱

- اعلام آمادگی عفریتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

<مقام> اسم مکان از <قام بالأمر> است; یعنی، <قبل أن تقوم من مجلسك الذی تجلس فیه لأمر الحکومه>. گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳،۱۰،۹،۸،۱

۱ - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی . .. أنا ءاتیک به قبل أن یرتدّ إلیك طرفك

۸ - اقدام آصف بن برخیا به حاضر ساختن تخت بلقیس در برابر سلیمان (ع)

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده

از تعبیر <فلمّا رآه. ..> استفاده می شود که سلیمان(ع) به آصف بن برخیا اجازه اعمال قدرت داد و او تخت را همان گونه که ادعا کرده بود، حاضر ساخت.

۹ - سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا ، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

کلمه <هذا> می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت <هذا من فضل ربّی>; یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر

سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلمّا رءاه. .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد; یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

۱۳ - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ . .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت; ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۱،۲،۳،۴

۱ - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نکّروا لها عرشها ننظر أتهتدی

۲ - اهمیت پی بردن به میزان هوش و فراست ملکه سبا برای سلیمان (ع)

قال نکّروا لها عرشها ننظر أتهتدی

ظاهراً اقدام سلیمان(ع) به آزمودن بلقیس، دانستن هوش وی بوده است. بنابراین تقدیر <ننظر أتهتدی...> چنین است: <ننظر أتهتدی إلی معرفه عرشها...; بنگریم آیا می تواند به شناختن تختش پی ببرد یا از کسانی است که نمی توانند راه یابند>.

۳ - نقش تیزهوشی ملکه سبا ، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان (ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم تکون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند

از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

۴ - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نکّروا لها عرشها. .. من الذین لایهتدون

برخی برآنند که <أتهتدی. ..> به تقدیر <أتهتدی إلی الإیمان باللّه و رسوله> می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلمّا جاءت

۲ - آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییریافته اش

فلمّا جاءت قیل أهکذا عرشک

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

۳ - فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییریافته خویش

قالت کأنّه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است; زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

۴ - درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت کأنّه هو و أُوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

و أَوتينا العلم من قبلها و كنّا مسلمين

ضمير <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که

از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگرویده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۴،۱۳،۱۲،۱۰،۹،۸،۶،۵،۴،۲،۱

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجّه) معنای دوم (صحن) مراد است; زیرا اطلاق <لجّه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع) ،

ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

۶ - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

۸ - صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . .. و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلمّا رأته . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح . .. قال إنّه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۲ - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۳ - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

تصریح بلقیس به <مع سلیمان> از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع)

در راهیابی او به حق نقش داشته است.

۱۴ - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۴،۵،۱۳،۱۴

۴ - بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و برگشت را در یک روز طی می کرد .

و لسلیمن الریح غدوها شهر و رواحها شهر

<غدوّ> در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و <رواح> استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

۵ - دیگ های بزرگی برای ذوب مس جهت ساختن ابزار مسی ، در اختیار سلیمان (ع) قرار داشت .

و أسلنا له عین القطر

<عین> در آیه به معنای حقیقی آن (چشمه) نیست; بلکه معنای کنایی آن مورد نظر است; یعنی، ظرف های بزرگی که مذاب مس داخل آنها بوده و از آن تعبیر به <عین> شده است.

۱۳ - تهدید شدن جنیانِ در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

۱۴ - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین

کاری بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۱،۲،۳،۴،۷،۸

۱ – جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ – جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ – جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۴ – جنّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. تمثیل

۷ – جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

۸ – ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیرمنقول ، به وسیله جنّیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . .. و قدور

راسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۲،۱۳

۱ - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

۳ - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض . .. لو کانوا یعلمون ا

۴ - گروهی از جنیان ، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المهین

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۷ - خدمت در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۰ – جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

۱۲ – سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

۱۳ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . .ولّی سلیمان مدبراً إلی محرابه فقام فیه متّکئاً علی عصاه فقبض روحه من ساعته ، قال فجعلت الجن و الإنس یخدمونه و یسعون فی أمره بما کانوا و هم یظنّون أنّه حیّ . . . حتّی دبّت الأرضه من عصاه فأکلت منسأته فانکسرت و خرّ سلیمان إلی الأرض أفلاتسمع لقوله عزّوجلّ : فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . ..سلیمان(ع) به محل عبادت خود روی آورد و در آن جا تکیه زنان بر عصای خود ایستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه که موظف بودند، او را خدمت می کردند و در امور او می کوشیدند و گمان می کردند زنده است ... تا این که موریانه عصای او را خورد. آن عصا شکست و سلیمان(ع) بر زمین افتاد آیا نمی شنوی قول خدای عزّوجلّ را (فلمّا خرّ تبیّت الجنّ...)>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۱ – ۱

۱ – سان دیدن سلیمان (ع)

، از اسب های اصیل ، نفیس و تیزتک

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

<عشیّ> به معنای آخر روز و عصر است و <صافنات> (جمع <صافنه>) به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). <جیاد> نیز به دو معنا آمده است: ۱ جمع <جیّد> در مقابل <ردیّ> و به معنای نفیس است. ۲ جمع <جواد> است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۵،۱۰

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

مقصود از <خیر> در آیه شریفه اسب ها است و <تواری> (مصدر <تورات>) به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل <تورات> در برداشت بالا به قرینه <العشیّ> خورشید دانسته شده است; یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

۲ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این

دیـدگاه است که ضـمیر فـاعلی <تورات> به <صافنـات> بـازگردد. بنـابراین <حتّی توارت بالحجاب>; یعنی، تا وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

۳ - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

برداشت یـاد شـده مبتنی بر این دیـدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> برای تعلیـل باشـد; یعنی، دوستی من نسـبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است; نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشـت یـاد شـده مبتنی بر ایـن دیـدگاه اسـت کـه <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنـای <علی> و <أحببت> به معنـای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد; یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم; تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

۱۰ - اظهار پشـیمانی کردن سـلیمان (ع) و مورد سـرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید;

قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱،۲،۳

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

۲ - سلیمان (ع) پس از بازگردانده شدن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پا ها و گردن آنها پرداخت .

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

۳ - شدت علاقه سلیمان (ع) به اسب های نجیب و تیزرو و سان دیدن از آنها

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۲،۵،۶،۷

۲ - افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

<جسد> به جسم بی جان انسان گفته می شود و <کرسیّ> به معنای تخت و سریر است.

۵ - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتّنا سلیمن . .. ثمّ أناب

۶ - افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع) ، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و

انابه به درگاه الهی شد .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

۷ - جسم بی جان افکنده شده بر تخت سلیمان ، پس از مدتی زنده شد و جان گرفت .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <أناب> در معنای اصلی خود (<رجع>; یعنی، رجوع کرد و بازگشت) باشد. بر این اساس مقصود از رجوع و بازگشت در آیه شریفه، می تواند رجوع جسد بی روح به حالت قبلی و بازگشت جان به این جسد باشد که بدین وسیله سلیمان(ع) مورد آزمایش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱،۳،۴

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجابت خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح

از فای تفریع <فسخّرنا. ..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملك او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۳ - جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت .

فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

<رخاء> به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در <أصاب> به سلیمان بازمی گردد. <اصابه> (مصدر <أصاب>) معادل قصد و اراده است; یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت

ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملكًا . .. فسخّرنا له الريح تجرى بأمره رخاءً حيث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - شياطين جنى ، تحت تسخير و فرمان سليمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له . .. و الشيطين

<شياطين> (جمع <شيطان>) مجازاً درباره اشخاصى كه داراى مهارت و زبردستى بالايى باشند، به كار مى رود. تعبير <كلّ بنّاء و غوّاص> مى تواند مؤيد همين معنا باشد. گفتنى است كه با توجه به آيه ۱۷ سوره <نمل> (و حشر لسليمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شياطين> موجوداتى از جنس <جن> مى باشد.

۲ - شياطين جنى ، به فرمان سليمان (ع) به ساختمان سازى و غواصى مى پرداختند .

و الشيطين كلّ بنّاء و غوّاص

۴ - تسخير شياطين جنى و به كارگيرى آنها ، از خصوصيات حكومت ممتاز سليمان (ع)

هب لى ملكًا . .. فسخّرنا له ... الشيطين كلّ بنّاء و غوّاص

۵ - شياطين جنى ، در خدمت آبادانى قلمرو حكومت سليمان (ع) بودند .

و الشيطين كلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهى از شياطين جنى در حكومت سليمان

و ءاخرين مقرّنين فى الأصفاد

<مقرّنين> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرين و نزديك ديگرى ساخت) و به معناى گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نيز به معناى قيد و بند است.

۲ – اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر

جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۵،۷،۸،۹،۱۰

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصرخویش برخوردار بودند .

و

داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث

۸- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه تبارک و تعالی : < داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . > قال لم یحکما إنّما کانا یتناظران ففهّمها سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث. ..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد>.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال

: سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما فى بطن ها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه يدفع ولد ها إلى صاحب الكرم و كان هذا حكم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده: مردى از بنى اسرائيل داراى تاكستانى بود، گوسفندان فردى شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه كردند . .. صاحب تاكستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شكايت برد، او گفت: نزد سليمان برويد تا ميان شما داورى كند. پس نزد سليمان رفتند، وى گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاك را خورده، پس بر صاحب گوسفند است كه بايد گوسفند و بچه در شكم او را به صاحب تاك بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقى است، بچه گوسفند را به صاحب تاكستان بدهد و نظر داوود هم همين بود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - انبياء - ٢١ - ٧٩ - ٢

٢- امتياز سليمان بر داوود (ع) ، در تشخيص حكم خسارت كشتزار تلف شده

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث . .. ففهّمنها سليمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - نمل - ٢٧ - ٢٧ - ١

١ - حضرت سليمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آينده و پس از تحقيق پيرامون ادعا هاى وى موكول كرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . .. قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

كاخ بلورين سليمان(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۲۸

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۸ - صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . .. و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

کاخهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۲

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

کاغذ در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۹

۹ - ظرافت ابزار مورد استفاده برای کتابت (کاغذ ، پوست و . . .) در عهد سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

از آن جا که پیکی چون هدهد تنها می تواند حامل اشیایی سبک و کوچک باشد، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

کفرستیزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

کیفر عصیان از سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن جنیانِ در خدمت

سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

لشکرکشی سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۲

۲ – فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و. .. می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۱

۱ – رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

مبانی قضاوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۱۱

۱۱– < عن أبی عبداللّه (ع) (فی) قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی اللّه عزّوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث اللّه داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی اللّه عزّوجلّ إلی سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلّا ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان

< ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> روایت شده . .. که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خودحکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد; مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...<.

مجسمه های سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۴،۱۷

۴ - جنّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. تمثیل

۱۷ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل > فقال و الله ما هی تماثیل الرجال و النساء و لکنّها الشجر وشبهه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل> فرمود: قسم به خدا این تمثال ها، تمثال مردان و زنان نبود، بلکه تمثال درخت و مانند آن بود<

محدوده حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۴

۴ - حکومت عظیم سلیمان در آغاز ، محدود به

منطقه ای خاص بود ، نه گسترده در همه سرزمین ها .

إنّی وجدت امرأه تملکهم . .. و لها عرش عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا داود فملک ما بین الشامات إلی بلاد الإصطخر و کذلک کان ملک سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...>.

محدوده علم سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۷

۷ - سلیمان ، برخوردار از دانشی محدود

ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان در عین آگاهی از زبان پرندگان و در اختیار داشتن سپاهی عظیم (از جن و انس و پرندگان) از غیبت هدهد و راز آن آگاه نبود و علت آن را از دیگران پرسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۴

۴ - محدودیت علم سلیمان و عدم اطلاع او از برخی امور اطراف خویش

فقال أحطت بما لم تحط به

مدت سان دیدن سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱،۲

۱ – سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

مقصود از <خیر> در آیه شریفه

اسب ها است و <تواری> (مصدر <تورات>) به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل <تورات> در برداشت بالا به قرینه <العشیّ> خورشید دانسته شده است; یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

۲ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر فاعلی <تورات> به <صافنات> بازگردد. بنابراین <حتّی توارت بالحجاب>; یعنی، تا وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

مرگ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱،۲،۱۳

۱ - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

۲ - مرگ سلیمان (ع) به قضای الهی بود .

فلمّا قضینا علیه الموت

۱۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . .ولّی

سليمان مـدبراً إلى محرابه فقام فيه متّكئاً على عصاه فقبض روحه من ساعته ، قال فجعلت الجن و الإنس يخـدمونه و يسـعون فى أمره بمـا كـانوا و هـم يظنّون أنّـه حيّ . . . حتّى دبّت الأـرضه من عصـاه فـأكلت منسأته فانكسـرت و خرّ سـليمان إلى الأـرض أفلاتسمع لقوله عزّوجلّ : فلمّا خرّ تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين ;

از امام صادق(ع) روايت شده: . ..سـليمان(ع) به محل عبادت خود روى آورد و در آن جا تكيه زنان بر عصاى خود ايسـتاد. در همان لحظه قبض روح شـد و جن و انس همان گونه كه موظف بودنـد، او را خـدمت مى كردند و در امور او مى كوشـيدند و گمـان مى كردنـد زنـده است ... تـا اين كه موريـانه عصـاى او را خورد. آن عصا شـكست و سـليمان(ع) بر زمين افتاد آيا نمى شنوى قول خداى عزّوجلّ را (فلمّا خرّ تبيّت الجنّ...)>.

مسجدهاى سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۳

۳ - جنّيان براى سليمان (ع) طبق خواست او محل هايى براى عبادت بنا مى كردند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

<محراب> (جمع <محاريب>) به معناى مسجد آمده است (مفردات راغب).

مشاوره درباره نامه سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۴

۴ - اقدام بلقيس به در ميان گذاشتن خبر نامه سليمان با درباريان خود

قالت يأيّها الملؤا إنّى أُلقى إلىّ كتب كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲

۱ - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود ، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

<إفتاء> (مصـدر <أفتونی>) به معنای اظهار نظر است. <أفتونی فی أمری>; یعنی، نظرتان را در این که بایـد چه کار انجام دهم، بیان کنید.

مشورت سلیمان(ع) با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۳

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صـیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سـلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

مصونیت از پایمالی سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۴

۴ - دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیانش

ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

<لا> در <لایحطمنّکم> ناهیه است. <حَطْم> (مصـدر <یحطمنّ>) در اصل به معنای شکسـتن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهـای <ادخلوا> و <لا یحطمنّکم> که به صورت امر و نهی آمـده بیـانگر نوعی ریـاست است; به ویژه اگر تنکیر <نمله> برای تفخیم باشد.

مصونیت از پایمالی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۴

۴ - دستور مورچه پیشوا به پنهان

شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیانش

ادخلوا مسكنكم لايحطمنّكم سليمن و جنوده

<لا> در <لايحطمنّكم> ناهيه است. <حَطْم> (مصدر <يحطمنّ>) در اصل به معنای شكستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای <ادخلوا> و <لا يحطمنّكم> كه به صورت امر و نهی آمده بیانگر نوعی ریاست است; به ویژه اگر تنكير <نمله> برای تفخيم باشد.

معجزه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۴

۴- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسليمن الريح عاصفه

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۴

۴ - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكّروا لها عرشها. .. من الذين لايهتدون

برخی برآنند که <أتهتدی. ..> به تقدیر <أتهتدی إلی الإیمان باللّه و رسوله> می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۴

۴ - درك سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كأنّه هو و أُوتينا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می

خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

مقام قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمن . .. و کلًّا ءاتینا حکمًا و علمًا

مقامات سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۷

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصرخویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمن . .. و کلاًّ ءاتینا حکمًا و علمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۶ – ۹

۹ – افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و

نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

مراد از <ما آتان اللّه> حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است; چرا که اولاً دربار سبا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی اللّه أکثر ممّا آتاکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۶

۶ - رجوع و توجه همواره سلیمان (ع) به خدا در زندگی ، موجب دستیابی او به مقام عبودیت الهی

نعم العبد إنّه أوّاب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه أوّاب> در مقام تعلیل برای <نعم العبد> است; یعنی، چون سلیمان بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود; بهترین عبد شناخته شد و به این مقام دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

و إنّ له عندنا لزلفی

<الزلفی> به معنای قرب و منزلت است.

مقامات معنوی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۷

۷ - آگاهی مورچه به مقام معنوی و عدالت سلیمان

لایحطمنّکم سلیمن و جنوده و هم لایشعرون

تعبیر <و هم لایشعرون> بیانگر این نکته است که آن مورچه می دانست که سلیمان در صورت توجه، نخواهد گذاشت که

مورچگان مورد ستم قرار گیرند و پایمال شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۵

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (

ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

ضمیر <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

ملکه سبأ در کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلمّا جاءت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴،۵

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجّه) معنای دوم (صحن) مراد است; زیرا اطلاق <لجّه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

ملکه سبأ و سلیمان(ع)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۰ – ۱،۲

۱ – اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنّه من سلیمن

۲ – آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . إنّه من سلیمن

جمله <إنّه من سلیمان> ظاهراً تعلیل برای <کتاب کریم> است؛ یعنی، این که می گویم <مکتوبی گران مایه> این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

ملکه سبأ و نامه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۲ – ۲،۵

۲ – برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

۵ – احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی أمری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

مناظره داود(ع) با سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء –

۲۱ - ۷۸ - ۸

۸- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه تبارک و تعالی : < داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . > قال لم یحکما إنّما کانا یتناظران ففهّمها سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث. ..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد>.

منت بر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۲

۲ - امتنان خداوند بر سلیمان (ع) ، به خاطر اعطای حکومت عظیم و بی نظیر به ایشان

هذا عطاؤنا

منشأ تسخیر باد برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۸

۸- مسخر گشتن تندباد و به فرمان درآمدن آن برای سلیمان (ع) ، در پرتو اراده و علم گسترده الهی بود .

و لسلیمن الریح . .. و کنّا بکلّ شیء علمین

عبارت <بکلّ شیء عالمین> می رساند که این کار، براساس قوانین علمی صورت گرفته و خداوند با علم گسترده خویش به آن قوانین، اراده کرده بود که تندباد تحت فرمان سلیمان قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۲

۲ - نیروی باد ، تحت تسخیر سلیمان (ع) از ناحیه خداوند

فسخّرنا له الریح

منشأ تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۰،۱۲،۱۴

۱۰ – جنّیان تحت امر و اطاعت سلیمان (ع) ، با فرمان خدا به تسخیر او درآمده بودند .

و لسلیمن . .. و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۲ – ربوبیت خداوند ، مقتضی تحت اختیار درآوردن جنّیان برای سلیمان (ع)

و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۴ – در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۱

۱ – شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له . .. و الشیطین

<شیاطین> (جمع <شیطان>) مجازاً درباره اشخاصی که دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می رود. تعبیر <کلّ بنّاء و غوّاص> می تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه ۱۷ سوره <نمل> (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شیاطین> موجوداتی از جنس <جن> می باشد.

منشأ حکومت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۵ – ۸

۸ – پادشاهی بی نظیر و پهناور سلیمان (ع) ، موهبتی الهی بود .

و هب لی ملکًا

منشأ علم سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۱

۱ - اعطای علم و دانشی عظیم و ویژه از سوی خدا به داوود و سلیمان (ع)

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا

آمدن تعبیر <علماً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و ویژگی دانشی است که به داوود و سلیمان داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۵

۵ - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا . .. و قال یأیّها الناس علّمنا منطق الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سلیمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم من الکتب. .. فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

گرچه علم و قدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است; ولی وی از اعضای دربار سلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضرت قرار داشت. بر این اساس است که سلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از <الذی عنده...> را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

منشأ فضایل سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، عطاکننده فضیلت هایی برای سلیمان (ع)

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و لسلیمن

<لسلیمان> عطف به <داود> در آیه قبل

و متعلق به فعل محذوف <سخّرنا> است.

منشأ قدرت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلمّا رءاه. .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد; یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

منشأ قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سلیمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم من الکتب. .. فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

گرچه علم و قدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است; ولی وی از اعضای دربار سلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضرت قرار داشت. بر این اساس است که سلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از <الذی عنده...> را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

منشأ قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها

سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

موانع ایمان به سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگرویده بود.

موریانه و عصای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱

۱ - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

موقعیت شناسی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

- ۳۶ - ۱۰

۱۰ - سلیمان (ع) ، درصدد استفاده از هر فرصت برای بیان عقیده توحیدی خود و تبلیغ آن

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

یادآوری سلیمان(ع) به نماینده سبا نسبت به این حقیقت که آنچه او و آنها در اختیار دارند، همگی عطایایی است که خداوند به آنان بخشیده است، بیانگر مطلب یاد شده است.

ناخشنودی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۳

۳ - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدّونن بمال

نارضایتی جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۷

۷ - خدمت در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

ناظر قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۶

۶- قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کنّا لحکمهم شهدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأیید آن دارد.

نامه رسانی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۳

۳ - استفاده از پرنده پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

- ۲۸ - ۱،۲،۵

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است; یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. .. .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است; یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۵ - مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان .

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱

۱ - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۱

۱ - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنّه من سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۳،۶

۳ - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدّونن بمال

۶ - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توبیخ و سرزنش است.

نبوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۰۲ - ۱

۱ - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملك سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . .. و سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۹

۹ - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

مراد از <ما آتان اللّه> حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است; چرا که اولاً دربار سبا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی اللّه أکثر ممّا آتاکم>.

نشانه های اقتدار حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می

کردند.

نشانه های عبودیت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۱ – ۵

۵ – ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، جلوه ای از بندگی و خداخواهی او

نعم العبد إنّه أوّاب . إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <إذ> متعلق به <أوّاب> باشد که در این صورت، آیه شریفه درصدد بیان مصداق و نمونه ای از صفت <أوّاب> بودن سلیمان(ع) است.

نظارت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۵

۵ – نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تفقّد الطیر . .. أم کان من الغائبین

نظام کیفری سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۲

۲ – شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أم کان من الغائبین . لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا أو لأاْذبحنّه

نظم سپاه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۴

۴ – حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم يوزعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۵

۵ – اهتمام شديد سليمان (ع) به برقرارى نظم و انضباط كامل در سپاه خويش

أم كان من الغائبين . .. أو لأأذبحنّه

نعمتهاى سليمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۶ – ۵،۷

۵ – آگاهى به گفتار پرندگان ، موهبتى الهى به داوود و سليمان

و

لقد ءاتينا داود و سليمن علمًا . .. و قال يأيّها الناس علّمنا منطق الطير

۷ – آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علّمنا منطق الطير و أوتينا من كلّ شىء

با این که <و أوتينا من كلّ شىء> شامل <منطق الطير> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۹ – ۶

۶ – توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التى أنعمت علىّ و على ولدىّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ – توجه دائمی سلیمان (ع) به خدایی بودن امکانات خویش

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّى

از آیه یاد شده و نیز آیات پیشین استفاده می شود که سلیمان در اوج قدرت و شوکت نیز، از یاد خدا غافل نبوده، او را یاد می کند و بر نعمت های او سپاس می گزارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۳،۷

۳ – مسخّر بودن باد برای سلیمان (ع) ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لقد ءاتينا . .. فضلًا ... و لسليمن الريح

۷ – فراهم آمدن امکانات ذوب مس برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا

به آن حضرت

و لقد ءاتينا . .. فضلاً ... و لسليمن ... و أسلنا له عين القطر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۸

۸ - پادشاهی بی نظیر و پهناور سلیمان (ع) ، موهبتی الهی بود .

و هب لی ملکًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۱

۱ - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و هب لی ملکًا . .. هذا عطاؤنا

اضافه <عطا> به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

نعمتهای والدین سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۶،۱۰

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

۱۰ - پدر و مادر سلیمان ، برخوردار از نعمت های ویژه الهی

نعمتك التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

نقش امکانات مادی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۷

۱۷ – امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنّه صرح ممرّد . .. قالت ... و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

نقش سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۳

۱۳ – راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در

برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

تصریح بلقیس به <مع سلیمان> از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

نقش قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷ - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنّه صرح ممرّد . .. قالت ... و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

نیاکان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندانی از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندانی از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . .. و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع

ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

وسعت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۷

۷ - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باورانـد که جمله <لا‌ینبغی لأحد من بعدی> کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من غیری> خواهد بود; مثل <فمن یهدیه من بعد اللّه> که به معنای <غیر اللّه> است.

وفور نعمتهای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۴

۴ - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود .

هذا عطاؤنا . .. بغیر حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که <بغیر حساب> قید برای <عطاؤنا> باشد.

ویژگیهای حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷ - قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۶

۶ - دستگاه حکومت سلیمان ، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار

صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۵ – ۱۵

۱۵ – حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۶ – ۱،۴

۱ – دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجابت خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح

از فای تفریع <فسخّرنا. ..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۴ – مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۴،۶

۴ – تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۶ – صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین

كلّ بنّاء و غوّاص

ويژگيهاى سپاه سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۴

۴ - حاكميت نظم و انضباط كامل در سپاه سليمان

فهم يوزعون

ويژگيهاى فرماندهى سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۵،۶

۵ - نظارت دقيق سليمان بر سپاه و نيرو هاى تحت فرمان خويش

و تفقّد الطير . .. أم كان من الغائبين

۶ - احتياط و خويشتن دارى سليمان در برخورد با نيرو هاى تحت امر خويش

فقال ما لى لاأرى الهدهد أم كان من الغائبين

سليمان، بى درنگ هدهد را متهم به تخلّف نكرد; بلكه ابتدا ناپيدا بودن هدهد را مربوط به خطاى ديد خودش دانست. اين در حالى است كه قدرتمندان قبل از هر چيز خشم گرفته و نيروى تحت فرمان خود را متهم مى كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۵

۵ - اهتمام شديد سليمان (ع) به برقرارى نظم و انضباط كامل در سپاه خويش

أم كان من الغائبين . .. أو لأاْذبحنّه

ويژگيهاى قضاوت سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۴

۴ - قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

ویژگیهای کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۳

۳ – قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قوارير

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قوارير>) مرادف شیشه و آبگینه است; یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

ویژگیهای مدیریت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۵،۶

۵ – نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تفقّد الطير . .. أم كان من الغائبين

۶ – احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لى لاأرى الهدهد أم كان من الغائبين

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

ویژگیهای مرگ سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱،۳،۱۲

۱ – مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضينا عليه الموت ما دلّهم على موته إلّا دابّه الأرض تأكل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا

<ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

۳ - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض . .. لو کانوا یعلمون ا

۱۲ - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

هدایت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندانی از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندانی از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . .. و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی

که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

هدایتگری سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۳

۱۳ – راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

تصریح بلقیس به <مع سلیمان> از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

هدهد و سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۲ – ۱،۲،۳،۵

۱ – حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان ، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمکث غیر بعید فقال

۲ – مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ – هدهد ، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است; یعنی، <علمت بما لم تعلم به; به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای>.

۵ – هدهد ، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین < سبا > برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبإ بنبإ یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود; یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

هدیه به سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۵ – ۱،۲،۴

۱ – تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

۲ – هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع) ، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود .

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره بِمَ یرجع المرسلون

۴ – همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

تعبیر <مرسلون> با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۶ – ۱،۴

۱ – حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فلمّا جاء سلیمن

از تعبیر <جاء> به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان(ع) باریافت. گفتنی است که جمله <ارجع إلیهم> که خطاب به یک فرد است مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر <جاء> مال باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند تضعیف می شود.

۴ – بی اعتنایی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدّونن بمال

هشدار ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۳

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان

و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

هنر در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۷

۷ – وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب بپندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

یهود دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۱۲

۱۲ – فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

یهود و سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۱۲

۱۲ – فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

سنت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سنت

آثار سنت گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۵

۵ - پایبندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملّی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا کذلک یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ -

۷ - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۵،۱۲

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

۱۲ - تعصّب و وفاداری به آرای پیشینیان ، مانع بروز و رشد اندیشه های نو است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

آثار سنت گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۶

۶ - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) و رد کردن نصایح وی

إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

آثار سنت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۳

۳ - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است; یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش

خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

ارزش سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۳

۱۳ حجیت سیره عملی مؤمنان ، در

صورتی که مخالفت سنت پیامبر (ص) نباشد .

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین

جمله <یتبع غیر سبیل المؤمنین>، بیانگر حجیت سیره مؤمنان است و جمله <من یشاقق الرسول>، حجیت سیره را مقید می کند به اینکه با سنت پیامبر(ص) و یا دلیل شرعی دیگر مخالفت نداشته باشد.

اطاعت از سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ خیر ، پیروی نمودن از قرآن و سنّت پیامبر (ص) است .

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

رسول خدا (ص) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنّتی.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۷

۲۷ اطاعت از خدا و رسول و اولواالامر (تبعیّت از قرآن و سنّت) ، امری پسندیده و دارای بهترین فرجام

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر . .. ذلک خیر و احسن تاویلا

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <اطیعوا اللّه . .. > نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۳

۱۳ حجیت سیره عملی مؤمنان ، در صورتی که مخالفت سنت پیامبر (ص) نباشد .

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین

جمله <یتبع غیر سبیل المؤمنین>، بیانگر حجیت سیره مؤمنان است و جمله <من یشاقق الرسول>، حجیت سیره را مقید می کند به اینکه با سنت پیامبر(ص) و یا دلیل شرعی دیگر مخالفت نداشته باشد.

اعراض

از سنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۳ – ۶

۶ نیات پلید و پنهان منافقان ، در مراجعه به طاغوت و اعراض از پیامبر (سنّت)

ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً. اولئک الّذین یعلم

تبیین سنت استدراج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۳

۳– بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من کان فی الضلله

فعل <کان> که برای دلالت بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

تبیین سنت مهلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۳

۳– بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من کان فی الضلله

فعل <کان> که برای دلالت بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

تعلیم سنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك اللّه

ظاهراً مراد از <ما اريك>، احكامى است كه در قرآن به آنها تصريح نشده و خداوند آنها را به پيامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از

آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

حجیت سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حجّیّت گفتار و رفتار پیامبر (ص)

ان کنتم تحبّون اللّه فاتّبعونی . .. اطیعوا اللّه و الرسول

حجّیّت فعل از <اتبعونی>، استنباط می شود. بنابراینکه مراد از اتباع، اتباع عملی باشد; به قرینه <اطیعوا> که اتباع از گفتار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۱ - ۳

۳ - سنت پیامبر (ص) حجت بوده و عمل به آن ، امر شایسته ای است .

لقد کان لکم فی رسول اللّه أُسوه حسنه

از آن جایی که خطاب آیه، عام است و شامل دوران حیات و وفات پیامبر(ص) می شود و نیز آنچه پس از ارتحال آن حضرت مانده، سنت او است، آیه شامل سنت هم می شود.

سنت آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۸

۸ - سنت اصیل و ازلی خداوند ، غفران و رحمتی گسترده و فراگیر

و کان اللّه غفورًا رحیمًا

سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۹ – ۲

۲ – اتمام حجت با مردمان ، سنّت الهی در طول تاریخ بشر

و ما كان ربّک مهلك القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

سنت استدراج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۲ – ۱،۲

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته

دوزخ شوند .

و الذین کذبوا بایتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

<استدرجه إلی کذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است ; یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

۲ خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها . . .) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۴

۴ تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم . .. و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از <کید> همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۴،۱۰،۱۳

۴ گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء و الضراء . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه <سنستدرجهم من حیث لا ـ یعلمون> (اعراف / ۱۸۲). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا علیهم) تا آن زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

۱۰ جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا

ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

<ما ذکروا> شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن <اتمام حجت> است.

۱۳ إن النبی(ص) قال: إذا رأیت اللّه یعطی العباد ما یسألون علی معاصیهم إیاه فإنما ذلک استدراج منه لهم ثم تلا: <فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبواب کل شیء>.

رسول خدا(ص) فرمود: هر گاه دیدی خداوند علی رغم معاصی بندگان، آنچه را از او بخواهند به آنان می دهد، این استدراج (نزدیک شدن تدریجی عذاب) خداست بر آنان، سپس آن حضرت آیه <فلما نسوا . .. > را تلاوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۹،۱۰

۹ اعطای امکانات دنیوی فراوان به منافقان از جانب خداوند ، تنها به منظور عذاب و گرفتاری آنان در این دنیاست .

إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

۱۰ تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی ، از طریق اعطای نعمت های ظاهری و اسباب طبیعی

إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثًا و رءیًا . .. فلیمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<استدراج>; یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه <حتّی إذا. ..>، نزدیک

ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

سنت اضلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - گمراه شدن بر اثر پافشاری بر ضدیت با دین و نپذیرفتن آن با وجود مشاهده دلایل روشن سنت الهی است .

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

برداشت یاد شده از تعبیر <کذلک> (این گونه) به دست می آید.

سنت امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱

۱ - آزمودن مؤمنان از سنت های حتمی خداوند است .

و لنبلونکم

<بلاء> به معنای آزمودن است. فعل <لنبلون> به همراه لام قسم و نون تأکید، گویای استمرار و حتمیت آزمون الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۲

۲ آزمون اهل ایمان از سنّت های قطعی خداوند

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین جهدوا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۲

۲ سنت الهی بر ابتلا و آزمایش منافقان ، یک یا دو مرتبه در هر سال

أو لا يرون أنهم يفتنون فی كل عام مره أو مرتين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۰ – ۶

۶ – آزمايش آدميان ، سنت الهی است .

و إن كنّا لمبتلين

<إبتلاء> (مصدر <مبتلين>) به معنای امتحان و آزمايش است. تكيه بر اسم فاعل كه بيانگر ثبوت صفت در موصوف و ذكر آن بعد از <كنّا> كه مفيد استمرار است

بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۷

۷ - آزمودن مؤمنان ، سنتی الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

از این که خداونـد، بـا اسـتفهام انکاری، پنـدار عـدم آزمون مؤمنان را رد می کنـد، اسـتفاده می شود که امتحان مؤمنان، امری قطعی است. از چنین تعبیری، به <سنّت> یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳ - ۳

۳ - آزمودن مدعیان ایمان ، سنت دیرین الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. و لقد فتنّا الذین من قبلهم

رد پنـدار آزمون نشدن مؤمنان، در آیه پیش، و تأکید بر این نکته که پیشـینیان نیز آزمون شدند، دلالت بر حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۱

۱- آزمون الهی از انسان ها ، سنتی مستمر و دارای پیشینه دور در تاریخ امت ها

و لقد فتنّا قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۳

۳- آزمایش انسان ها در صحنه عمل ، از سنت های الهی است .

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

فعل مضارع، افاده استمرار می کند و تأکید آن سنتی تخلف ناپذیر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۵

۵ - آزمون انسان ها ، سنت اجتناب ناپذیر خداوند

إنّا خلقنا الإنسن . .. نبتليه

جمله

<نبتلیه> حال برای فاعل <خلقنا> است; یعنی، ما انسان را آفریـدیم، در حالی که اراده امتحان او را داشتیم. بنابراین امتحان انسان از آغاز خلقتش، مورد نظر خداوند حکیم بوده و برای همیشه خواهد بود.

سنت امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

چنـان که گفته شـد <آیه> به معنـای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسـی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إنّ فی ذلک لأیه

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار عادیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مسـتلزم اسـتمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۴

۴ - نزول عذاب مرگبار بر ثموديان ، نمودى از سنت مستمر الهى در يارى

رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم العذاب إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۲

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۱ - ۱

۱ - یاری شدن پیامبران ، سنت آغازین خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

<کلمه> به سخن و گفتار گفته می شود و مقصود از <کلمتنا> به قرینه آیه بعد (إنّهم لهم المنصورون) پیروزی پیامبران می باشد و مقصود از سِبقت این کلمه (سبقت کلمتنا) آغازین بودن آن است; یعنی، خداوند یاری شدن انبیا را از پیش مقرر فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إنّهم لهم المنصورون

آمـدن موضوع نصـرت انبیا با دو حرف تأکیـد <إنّ> و لام در <لهم>، می رسانـد که این نصـرت، حتمی و به صورت یک سنت و قضای تغییر ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۳ – ۱،۲

۱ – پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

۲ – پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۴ – ۳

۳ – مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

سنت امداد به مظلوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۱۵

۱۵– سنت الهی بر حمایت ، نصرت و طرفداری از مظلوم است .

و من قتل مظلومًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <إنه> به مقتول مظلوم برگردد و اسمیه بودن جمله <إنه. ..> و نیز آمدن فعل <کان> در آن جمله که برای استمرار و دیرینه بودن است می تواند بیانگر این نکته باشد که حمایت از مقتول مظلوم، کار همیشگی و دیرینه خداوند است.

سنت امهال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۱ – ۱

۱- خداوند ، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم

ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

مراد از <ظلم> با توجه به معنای آن که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است هر عمل خطا و ناشایستی می باشد.

سنت انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۷

۷ - انتقام از مشرکان و کافران ، سنت تخلّف ناپذیر الهی است .

فإنّا منهم منتقمون

سنت انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون

سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

سنت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۶

۶- ازدواج و همسرداری و برخوردار شدن از فرزند ، از سنت های الهی و نهفته در سرشت انسان

و الله جعل لکم من أنفسکم أزوجًا و جعل لکم من أزوجکم بنین و حفده

برداشت فوق با توجه به این نکته است که ماده <جعل> بیانگر سنت خداست و آنچه به عنوان سنت معرفی شود، روند طبیعی خواهد داشت.

سنت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۴

۴ - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا كذلك نجزی المحسنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۱ – ۱

۱ – پاداش به احسان كنندگان و نيكوكاران ، سنت خدا است .

إنّا كذلك نجزی المحسنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۴

۴ – سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شكرگزاران و نجات ايشان از عذاب های فراگير

كذلك نجزی من شكر

سنت پيروزی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنّت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

۳ - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۸

۸ حالات روحی و روانیِ آدمی ، قانونمند و برخاسته از حاکمیّت اراده الهی است .

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب بما اشرکوا

از آنجا که رعب معلول شرک شمرده شده (بما اشرکوا)، معلوم می شود رعب که یک حالت روحی است، تابع قانون و علّت خویش است و از سویی چون خداوند القای رعب را به خود نسبت داده (سنلقی)، معلوم می شود که این قانون و علت تحت اراده الهی عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۲

۲ خداوند اگر جمعیّتی را به خواری و ذلّت کشاند ، هیچ کس را توان نصرت و یاری ایشان نیست .

و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده

<یخذلکم> از مصدر <خذلان>، به معنای یاری نکردن است که یاری نکردن خداوند، خواری و ذلّت را به دنبال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۱۲،۱۵

۱۲ شناخت سنن الهی و

توجّه به تدبیر وی درباره مخالفان اسلام ، موجب رفع اندوه از عملکرد آنان

و لا یحزنک . .. یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دالّ بر سنّت الهی در محروم کردن کافران از بهره های اخروی است و خداوند با شناساندن این سنّت خویش، پیامبر (ص) را از غم و اندوه بازداشته است.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنّت استدراج) .

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید اللّه . .. >، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲،۱۱،۱۴

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنّت تغییرناپذیر الهی

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۱ آگاه نکردن انسان ها بر اسرار نهانی (غیب) ، سنّت الهی است .

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

برداشت فوق، بر این اساس است که الف و لام در <الغیب>، برای جنس باشد.

۱۴ سنّت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب و ما کان

<و ما کان اللّه لیطلعکم . .. >، در صدد بیان این است که گر

چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱

۱ آزمایش مستمر و مداوم مؤمنان ، از سنت های خداوند

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

لام در <لتبلونّ>، برای تأکید و حاکی از قسم خداوند بر وقوع آزمایش است و نون تأکید نیز حتمیّت آن را مورد تأکید قرار می دهد. همچنین فعل مضارع <لتبلونّ>، دلالت بر استمرار آزمایش دارد.

سنت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنّت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

سنت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۴

۴- نابود ساختن جوامع ، در نتیجه گناه و ستم شان ، سنّت دیرینه الهی در کیفر ظالمان است .

و تلک القری أهلکنهم لمّا ظلموا

سنت عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۷

۷ عذاب استیصال برای مردمی که رسول الهی خود را نپذیرند و با او مخالفت کنند ، از سنت های الهی است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد

از <بینهم> اختلاف موجود بین جمعی از امت و پیامبر و به تقدیر <بینهم و بینه> باشد. در این صورت مراد از <قضی بینهم> می تواند سرکوبی مخالفان پیامبر و نابود کردن آنان به عذاب استیصال باشد، نه داوری میان آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۳

۳ عذاب استیصال ، سنتی است الهی که انتظار وقوع آن در هر زمان و مکانی ، بر مردمی که زمینه ایمان را از دست داده اند ، می رود .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل أیام الذین خلوا من

سنت فرزندخواندگی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۵

۲۵ - سنّت پسرخواندگی ، در صدراسلام ، امری رایج بود .

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

سنت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... کیف فعلنا بهم

و ضربنا لكم الأمثال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۹

۹- مجازات و كيفر فسادانگيزان ، از سنت هاى تخلف ناپذير الهى است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرين حصيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۵۵ – ۱۵

۱۵- كيفر دادن حق ناپذيران ، سنت ديرپاى الهى است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . .. إلاّ أن تأتيهم سنّه الأوّلين

اضافه <سنه> به <الأولين> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان هاى گذشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۱

۱ – عذاب شدن كافران در قيامت ، امرى قطعى و سنت تغييرناپذير الهى

و كذلك حقّت كلمت ربّك على الذين كفروا

<حق>; يعنى، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از كلمه در <كلمه ربِّك> وعده فرمان عذاب است.

سنت كيفر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۵۹ – ۴

۴ – كيفر كافران و ستم پيشگان ، سنت تغييرناپذير الهى در طول تاريخ

فإنّ للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ

للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۸

۸- هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

کذلک نجزی القوم المجرمین

از تعبیر <کذلک نجزی> با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است سنت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر مکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۷

۷ - کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ینظرون إلاّ سنّت الأوّلین

سنت گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۷

۷

تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۴،۵

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشنیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأوّلین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

۵ - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

سنت گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۴،۶

۴ - مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعب

۶ - مشرکان ، سنت های دیرپای دینی باقی مانده از پدرانشان را ، بسی ارزشمند می دانستند .

رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعبد ءاباؤکم

سنت گرایی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۶

۶- مشرکان در عصر بعثت ، مردمی سنت گرا و کهنه پرست بودند .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث

مخالفت مشرکان با پیام های

جدید الهی، نشانگر سنت پرستی و کهنه گرایی آنان است.

سنت مهلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۳ – ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۷

۷ – مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <مدّ> (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: <مده فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۱،۴

۱ امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسریع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخیر

برداشت فوق بر این اساس است که <هم> مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به <اللّه> و به تقدیر <مثل استعجاله لهم

بالخير> باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۶

۶ امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت ، قانون الهی حاکم برنشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: <و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین ; شما خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت> (بقره / ۳۶) ; یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله <و لو لا کلمه سبقت من ربک> اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنّت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتّی إذا استیئس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتها و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده زیرا <رسل> جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است استفاده می شود که: مهلت دادن به

تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلك فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن <سنّت الهی بودن> استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۲ – ۵

۵- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۲

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند; چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۴ – ۵

۵ – خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۳

۳ - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنّت های او است .

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

مقصود از <أجل مسمّی>، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸،۱۳

۸ - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

۱۳ - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۱،۱۳،۱۴

۱۱ - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک . .. لقضی بینهم

۱۳ - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربّک إلی أجل مسمًّی لقضی بینهم

۱۴ - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۷

۷ - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . .. و أُملی لهم

سنت نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰،۱۴

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی اللّه . .. و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

سنت نجات بخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۲

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۶۸

۶- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجبنا له و نجّینه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

جمله <کذلک ننجی المؤمنین> پس از ذکر نجات یونس(ع)

می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نجّینه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

اسم اشاره <کذلک>، اشاره به نجات یونس(ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

سنت های حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۷

۷ مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل . .. و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

سنت های صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۵

۵ وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (ص)

و لاتصل . .. و لاتقم علی قبره

سنت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۲

۲ سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم

واژه <قوماً> ممکن است اشاره به

این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۹

۹ بهره مند ساختن امت ها از هدایت گر از سنت های خداوند است .

و لکل قوم هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۵

۵ - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بر بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت (مانند بینایی و . . .) استوار است ; نه بر اعجاز و ارائه کار های خارج از توان بشر .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند چشم و بینایی مردم کافر را از بین می برد، آنان به قدرت خدا پی برده و به او ایمان می آورند; ولی خدا چنین نکرده بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۳

۳ - هدایت بشر ، سنت همیشگی و تغییرناپذیر خداوند

أفنضرب عنکم الذکر . .. و کم أرسلنا من نبیّ فی الأوّلین

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما يأتيهم من نبىّ . .. فأهلكنا أشدّ منهم بطشًا

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ

و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

سهولت فهم سنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۴ – ۱۲

۱۲ – کلام و سنت پیامبراسلام (ص) رسا و قابل فهم برای همگان

و أطیعوا الرسول . .. و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

عمل به سنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۱ – ۳

۳ – سنت پیامبر (ص) حجت بوده و عمل به آن ، امر شایسته ای است .

لقد کان لکم فی رسول اللّه أُسوه حسنه

از آن جایی که خطاب آیه، عام است و شامل دوران حیات و وفات پیامبر(ص) می شود و نیز آنچه پس از ارتحال آن حضرت مانده، سنت او است، آیه شامل سنت هم می شود.

عوامل سنت استدراج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۵

۵ استدراج نتیجه فراموش کردن خداوند، پس از توجه به او در سختیها و شداید

أغیر اللّه تدعون . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

عوامل سنت گرایی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۵ – ۱۵

۱۵ – جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا

علیه ءاباءنا . .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لایعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

غفلت از سنت استدراج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۷

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

مبارزه با سنت گرایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۰ – ۸

۸ مخالفت با سنن قومی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إنا لنریک فی سفاهه . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۶ – ۱

۱ – اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بتِ سنت گرایی و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم . .. أنتم و ءاباؤکم الأقدمون

محافظت از سنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۴ – ۲

۲ – همسران پیامبر ، به توجه کامل و به یاد سپردن کلمات و گفتار های پیامبر (ص) موظف بودند .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

مراد از <آیات اللّه> به قرینه <یُتلی> آیات قرآن است و <الحکمه> چنان که مفسران نیز گفته اند کلمات و سخنان پیامبر(ص) است.

ملاک سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات

- ۴۹ - ۱۷ - ۹

۹ - ایمان ، دارای ارزش واقعی و شایان امتنان و نه صرف تسلیم در برابر قدرت دین *

یمنّون علیك أن أسلموا . .. بل اللّه یمنّ علیكم أن هدیكم للإیمن

از این كه خداوند در مورد هدایت به ایمان، امتنان فرموده است و نه اسلام می توان به مطلب بالا ره برد.

منشأ سنت گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - سنّت گراییِ بی منطق و تقلید كور ، تلقینی شیطانی است .

أوَ لو كان الشیطن یدعوهم إلی عذاب

همزه <أوَ لو> استفهامی انكاری و تعجّبی است. آوردن چنین استفهامی، در پی كلام مجادله گران درباره خداوند (بل نتّبع...) حكایت از آن دارد كه چنین تبعیّتی، شیطانی و از القائات شیطان است.

نقش سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۲،۳

۲ قرآن و پیامبر (ص) (سنّت) ، زمینه ای كامل برای پاسداری از ایمان و عقیده

و كیف تكفرون و انتم تتلی علیكم ایات اللّه و فیكم رسوله

۳ قرآن و سنّت ، وسیله هدایت انسانها

و كیف تكفرون و انتم تتلی علیكم ایات اللّه و فیكم رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳،۵

۳ تمسک به ریسمان الهی (کتاب و سنّت) ، وسیله و عامل وحدت صفوف اهل ایمان

و من یعتصم باللّه . .. و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

<حبل اللّه> به قرینه آیه صد و

یکم، کتاب و سنّت است.

۵ وحدت بر مبنای دین الهی (کتاب و سنّت) و اعتقاد به آن ، نجات دهنده انسان ها از آتش اختلاف

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۰،۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۳۳

۱۰ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، برای حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

۱۲ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنّت) ، در تعیین اولواالامر و اختلافات مربوط به آن *

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

با توجّه به اینکه <اولی الامر> در آیه، مرجع حل اختلافات قرار نگرفته است به نظر می رسد از مصادیق مهم و مورد نظر از <تنازع>، اختلافات مربوط به مسأله اولواالامر باشد.

۱۶ قرآن و سنت ، حاوی قانون برای حلّ و فصل کلیّه اختلافات و کشمکشها

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

لازمه مرجعیّت قرآن و سنّت در تمام امور مورد نزاع، که از کلمه <فی شیء> به دست می آید، این است که نسبت به همه چیز، راه حل و فصل و قانون مناسب داشته باشد.

۱۷ ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (ص) (قرآن و سنت) ، از نشانه های@ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

۱۸ ارجاع ننمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان

تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

۱۹ عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

۳۳ محکمات آیات قرآن و سنّت رسول خدا (ص) ، مرجع اصلی حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در توضیح آیه فوق فرمود: فالردّ الی اللّه الاخذ بمحکم کتابه و الردّ الی الرّسول الاخذ بسنّته الجامعه غیر المفرّقه.

نهج البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۳۵۵ ; بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۴۸ ; نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳،۱۹

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق . .. بما اریک اللّه و لاتکن للخائنین خصیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ اهل ایمان نسبت

به احکامی که پاسخ آنها در قرآن و سنت نیامده ، تکلیفی ندارند

لاتسئلوا عن اشیاء . .. عفا اللّه عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۳

۳ هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (ص) در میان آنها

تعالوا إلی ما أنزل اللّه و إلی الرسول

چنانچه مراد از <تعالوا . .. الی الرسول> پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن <الی الرسول> لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا(ص) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

وضوح سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - کلام و سنت پیامبراسلام (ص) رسا و قابل فهم برای همگان

و أطیعوا الرسول . .. و ما علی الرسول

إلاّ البلغ المبين

هدايتگرى سنت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱ - ۱۳

۱۳- سنت پيامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن در نجات مردم از ظلمت ها و هدايت آنان به سوى نور *

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

فرمان خداوند به پيامبر(ص) مبنى بر خارج ساختن مردم از ظلمتها، امرى دايمى است و از طرف ديگر پيامبر(ص) همچون ساير انسانها، محكوم به ارتحال است. بنابراين براى تحقق مأموريت واگذار شده، سنت پيامبر(ص) است كه همواره چنين نقشى را عهده دار مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - سنت پيامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدايت آنان به سوى نور

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه خارج ساختن مردم از ظلمت كفر و هدايت آنان به نور ايمان، هدفى دائمى است. از سوى ديگر پيامبر(ص) همچون ساير انسان ها، از دنيا خواهد رفت. بنابراين تنها سنت آن حضرت، مى تواند همواره چنين نقشى را ايفا كند.

سنت گرايى

آثار سنت گرايى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۵

۵ - پايبندى مطلق و بى دليل به سنت هاى ملّى و قومى ، مايه تخدير جامعه و سدّ راه خردورزى و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا کذلک یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۷ - ۱۳۷

۷ - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلّا خلق الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۵،۱۲

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

۱۲ - تعصّب و وفاداری به آرای پیشینیان ، مانع بروز و رشد اندیشه های نو است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

آثار سنت گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۶

۶ - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) و رد کردن نصایح وی

إن هذا إلّا خلق الأوّلین

سنت گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۷

۷ تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۴،۵

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشنیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به

رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأوّلین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

۵ - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

سنت گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۴،۶

۴ - مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعب

۶ - مشرکان ، سنت های دیرپای دینی باقی مانده از پدرانشان را ، بسی ارزشمند می دانستند .

رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعبد ءاباؤکم

سنت گرایی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۶

۶- مشرکان در عصر بعثت ، مردمی سنت گرا و کهنه پرست بودند .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث

مخالفت مشرکان با پیام های جدید الهی، نشانگر سنت پرستی و کهنه گرایی آنان است.

عوامل سنت گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود

است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا . .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لایعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد

نفی علم از مشرکان باشد.

مبارزه با سنت گرایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۰ – ۸

۸ مخالفت با سنن قومی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إنا لنریک فی سفاهه . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۶ – ۱

۱ – اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بتِ سنت گرایی و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم . .. أنتم و ءاباؤکم الأقدمون

منشأ سنت گرایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۱ – ۱۵

۱۵ – سنّت گراییِ بی منطق و تقلید کور ، تلقینی شیطانی است .

أوَ لو کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب

همزه <أوَ لو> استفهامی انکاری و تعجّبی است. آوردن چنین استفهامی، در پی کلام مجادله گران درباره خداوند (بل نتّبع...) حکایت از آن دارد که چنین تبعیّتی، شیطانی و از القائات شیطان است.

سنت مهلت

{سنت مهلت}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۹ – ۹

۹ – سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا و أجل مسمًّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است; یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی. ... دراین که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو

تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۸

۸ - مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاك ساختن آنها ، سنت الهی در طول تاریخ

فقد كذّبت قبلهم . .. فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

تبیین سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۳

۳- بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من کان فی الضلله

فعل <کان> که برای دلالت بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن كيدی متين

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۷

۷ - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <مدّ> (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: <مده فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱،۴

۱ امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسریع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخیر

برداشت فوق بر این اساس است که <هم> مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به <اللّه> و به تقدیر <مثل استعجاله لهم بالخیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۶

۶ امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت ، قانون الهی حاکم برنشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: <و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین ; شما خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت> (بقره / ۳۶) ; یعنی، قانون الهی حاکم

بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله <و لو لا کلمه سبقت من ربک> اشاره به این قانون دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۰ – ۱۱

۱۱ مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنّت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۰ – ۵

۵ مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتّی إذا استیئس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتها و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده زیرا <رسل> جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن <سنّت الهی بودن> استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۲ – ۵

۵– تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است

.

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند; چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۳

۳ - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنّت های او است .

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

مقصود از <أجل مسمّی>، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸،۱۳

۸ – سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه

سبقت من ربّک لقضی بینهم

۱۳ – سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۴ – ۱۱،۱۳،۱۴

۱۱ – مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک . .. لقضی بینهم

۱۳ – سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربّک إلی أجل مسمًّی لقضی بینهم

۱۴ – سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۱ – ۷

۷ – داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۵ – ۴

۴ – سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۵ – ۱

۱ – مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . .. و أُملی لهم

سنت ها

سنت های حسنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۴ – ۷

۷ مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای

آنان

و لاتصل . .. و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

سنت های صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۵

۵ وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (ص)

و لاتصل . .. و لاتقم علی قبره

سنت های باطل

آثار سنت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۳

۳ - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است; یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

سنت های خدا

{سنت های خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۸

تبیین سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۳

۳- بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من کان فی الضلله

فعل <کان> که برای دلالت

بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

تبیین سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۳

۳- بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من کان فی الضلله

فعل <کان> که برای دلالت بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

سنت آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۸

۸ - سنت اصیل و ازلی خداوند ، غفران و رحمتی گسترده و فراگیر

و کان اللّه غفورًا رحیمًا

سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۲

۲ - اتمام حجت با مردمان ، سنّت الهی در طول تاریخ بشر

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی اُمّها رسولاً

سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۳،۱۰،۴

۴ گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء و الضراء . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه <سنستدرجهم من حیث لاـ یعلمون> (اعراف / ۱۸۲). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا علیهم) تا آن

زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

۱۰ جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

<ما ذکروا> شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن <اتمام حجت> است.

۱۳ إن النبی(ص) قال: إذا رأیت اللّه یعطی العباد ما یسألون علی معاصیهم إیاه فإنما ذلک استدراج منه لهم ثم تلا: <فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبواب کل شیء>.

رسول خدا(ص) فرمود: هر گاه دیدی خداوند علی رغم معاصی بندگان، آنچه را از او بخواهند به آنان می دهد، این استدراج (نزدیک شدن تدریجی عذاب) خداست بر آنان، سپس آن حضرت آیه <فلما نسوا . .. > را تلاوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۹،۱۰

۹ اعطای امکانات دنیوی فراوان به منافقان از جانب خداوند ، تنها به منظور عذاب و گرفتاری آنان در این دنیاست .

إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

۱۰ تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی ، از طریق اعطای نعمت های ظاهری و اسباب طبیعی

إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثًا و رءیًا . .. فلیمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<استدراج>; یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که

مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه <حتّی إذا. ..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۲ - ۱،۲

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذین کذبوا بایتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

<استدرجه إلی کذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است ; یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

۲ خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها . . .) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۴

۴ تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم . .. و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از <کید> همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

سنت اضلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - گمراه شدن بر اثر پافشاری بر ضدیت با دین و نپذیرفتن آن با وجود مشاهده دلایل روشن سنت الهی است .

كذلك يضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

برداشت ياد شده از تعبير

<کذلک> (این گونه) به دست می آید.

سنت امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱

۱ - آزمودن مؤمنان از سنت های حتمی خداوند است .

و لنبلونکم

<بلاء> به معنای آزمودن است. فعل <لنبلون> به همراه لام قسم و نون تأکید، گویای استمرار و حتمیت آزمون الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۲

۲ آزمون اهل ایمان از سنّت های قطعی خداوند

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین جهدوا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۲

۲ سنت الهی بر ابتلا و آزمایش منافقان ، یک یا دو مرتبه در هر سال

أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام مره أو مرتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۶

۶ - آزمایش آدمیان ، سنت الهی است .

و إن کنّا لمبتلین

<إبتلاء> (مصدر <مبتلین>) به معنای امتحان و آزمایش است. تکیه بر اسم فاعل که بیانگر ثبوت صفت در موصوف و ذکر

آن بعد از <کنّا> که مفید استمرار است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۷

۷ - آزمودن مؤمنان ، سنتی الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

از این که خداوند، با استفهام انکاری، پندار عدم آزمون مؤمنان را رد می کند، استفاده می شود که امتحان مؤمنان،

امری قطعی است. از چنین تعبیری، به <سنّت> یاد می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳ – ۳

۳ – آزمودن مدعیان ایمان ، سنت دیرین الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. و لقد فتنّا الذین من قبلهم

رد پنـدار آزمون نشدن مؤمنان، در آیه پیش، و تأکید بر این نکته که پیشـینیان نیز آزمون شدند، دلالت بر حقیقت یاد شده می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۷ – ۱

۱– آزمون الهی از انسان ها ، سنتی مستمر و دارای پیشینه دور در تاریخ امت ها

و لقد فتنّا قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۳

۳– آزمایش انسان ها در صحنه عمل ، از سنت های الهی است .

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

فعل مضارع، افاده استمرار می کند و تأکید آن سنتی تخلف ناپذیر را می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲ – ۵

۵ – آزمون انسان ها ، سنت اجتناب ناپذیر خداوند

إنّا خلقنا الإنسن . .. نبتلیه

جمله <نبتلیه> حال برای فاعل <خلقنا> است; یعنی، ما انسان را آفریدیم، در حالی که اراده امتحان او را داشتیم. بنابراین امتحان انسان از آغاز خلقتش، مورد نظر خداوند حکیم بوده و برای همیشه خواهد بود.

سنت امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع

) و فرعونیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

چنان که گفته شد <آیه> به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إنّ فی ذلک لأیه

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار عادیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۴

۴ - نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم العذاب إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۴ – ۲

۲ – هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات

وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۱ - ۱

۱ - یاری شدن پیامبران ، سنت آغازین خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

<کلمه> به سخن و گفتار گفته می شود و مقصود از <کلمتنا> به قرینه آیه بعد (إنّهم لهم المنصورون) پیروزی پیامبران می باشد و مقصود از سِبقت این کلمه (سبقت کلمتنا) آغازین بودن آن است; یعنی، خداوند یاری شدن انبیا را از پیش مقرر فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إنّهم لهم المنصورون

آمدن موضوع نصرت انبیا با دو حرف تأکید <إنّ> و لام در <لهم>، می رساند که این نصرت، حتمی و به صورت یک سنت و قضای تغییر ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱،۲

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است

.

و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

سنت امداد به مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۵

۱۵- سنت الهی بر حمایت ، نصرت و طرفداری از مظلوم است .

و من قتل مظلومًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <إنه> به مقتول مظلوم برگردد و اسمیه بودن جمله <إنه. ..> و نیز آمدن فعل <کان> در آن جمله که برای استمرار و دیرینه بودن است می تواند بیانگر این نکته باشد که حمایت از مقتول مظلوم، کار همیشگی و دیرینه خداوند است.

سنت امهال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱

۱- خداوند ، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

مراد از <ظلم> با توجه به معنای آن که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است هر عمل خطا و ناشایستی می باشد.

سنت انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۷

۷ - انتقام از مشرکان

و کافران ، سنت تخلّف ناپذیر الهی است .

فإنّا منهم منتقمون

سنت انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلکنا من قریه إلّا لها منذرون

سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

سنت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۶

۶- ازدواج و همسرداری و برخوردار شدن از فرزند ، از سنت های الهی و نهفته در سرشت انسان

و الله جعل لکم من أنفسکم أزوجًا و جعل لکم من أزوجکم بنین و حفده

برداشت فوق با توجه به این نکته است که ماده <جعل> بیانگر سنت خداست و آنچه به عنوان سنت معرفی شود، روند طبیعی خواهد داشت.

سنت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات

- ۳۷ - ۸۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۴

۴ - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خدا است .

إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۴

۴ – سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلك نجزی من شکر

سنت پیروزی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۳ – ۱،۳

۱ – پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنّت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

۳ – سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای

نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنّت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

سنت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۴

۴- نابود ساختن جوامع ، در نتیجه گناه و ستم شان ، سنّت دیرینه الهی در کیفر ظالمان است .

و تلک القری أهلکنهم لمّا ظلموا

سنت عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۷

۷ عذاب استیصال برای مردمی که رسول الهی خود را نپذیرند و با او مخالفت کنند ، از سنت های الهی است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <بینهم> اختلاف موجود بین جمعی از امت و پیامبر و به تقدیر <بینهم و بینه> باشد. در این صورت مراد از <قضی بینهم> می تواند سرکوبی مخالفان پیامبر و نابود کردن آنان به عذاب استیصال باشد، نه داوری میان آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۳

۳ عذاب استیصال ، سنتی است الهی که انتظار وقوع آن در هر زمان و مکانی ، بر مردمی که زمینه ایمان را از دست داده اند ، می رود .

و

ما تغنى الأيت و النذر عن قوم لايؤمنون. فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من

سنت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۹

۹- مجازات و کیفر فسادانگیزان ، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا . .. إلّا أن تأتیهم سنّه الأوّلین

اضافه <سنه> به <الأولين> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک

حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق>; یعنی، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربّک> وعده فرمان عذاب است.

سنت کیفر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۹ – ۴

۴ – کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

سنت کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۹ – ۴

۴ – کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۵

۵ – مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تـذکر و هشـدار، بیـانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصـی از کافران در بخشـی از تاریـخ نمی باشـد; بلکه سـنتی فراگیر است.

سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۸

۸- هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

کذلک نجزی القوم المجرمین

از تعبیر <کذلک نجزی>

با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است سنت استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۵

۵ – مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر مکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۳ – ۷

۷ – کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ینظرون إلاّ سنّت الأوّلین

سنت مهلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۷

۷ – مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <مدّ> (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: <مده فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۱،۴

۱ امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسریع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخیر

برداشت فوق بر این اساس است که <هم> مفعول استعجال

و فاعلش ضمیر عاید به <اللّه> و به تقدیر <مثل استعجاله لهم بالخیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۶

۶ امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت ، قانون الهی حاکم برنشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: <و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین ; شما خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست تا مـدتی معین در زمین خواهیـد مانـد و از نعمتهای آن بهره خواهیـد گرفت> (بقره / ۳۶) ; یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله <و لو لا کلمه سبقت من ربک> اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنّت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتّی إذا استیئس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتها و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده زیرا <رسل> جمع و دارای الف و

لازم می باشد و شامل همه رسولان است استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلك فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن <سنّت الهی بودن> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۵

۵- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلًا> صـفت برای مفعول به <نمتّع > باشـد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت

کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۳

۳ - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنّت های او است .

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

مقصود از <أجل مسمّی>، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸،۱۳

۸ - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

۱۳ - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۱،۱۳،۱۴

۱۱ - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک . .. لقضی بینهم

۱۳ - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربّک إلی أجل مسمًّی لقضی بینهم

۱۴ - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۷

۷ - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده

است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . .. و أُملی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر أُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

سنت نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰،۱۴

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی اللّه . .. و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

سنت نجات بخشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۳ – ۲

۲ نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۸ – ۶۸

۶- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجبنا له و نجّینه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

جمله <کذلک ننجی المؤمنین> پس از ذکر نجات یونس(ع) می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نجّینه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

اسم اشاره <کذلک>، اشاره به نجات یونس(ع) از غم و اندوه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۴

۴ – سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

سنت هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۵ – ۲

۲ سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم

واژه <قوماً> ممکن است اشاره به این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

- ۷ - ۹

۹ بهره مند ساختن امت ها از هدایت گر از سنت های خداوند است .

و لکل قوم هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۵

۵ - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بر بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت (مانند بینایی و . . .) استوار است ; نه بر اعجاز و ارائه کار های خارج از توان بشر .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند چشم و بینایی مردم کافر را از بین می برد، آنان به قدرت خدا پی برده و به او ایمان می آورند; ولی خدا چنین نکرده بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۳

۳ - هدایت بشر ، سنت همیشگی و تغییرناپذیر خداوند

أفنضرب عنکم الذکر . .. و کم أرسلنا من نبیّ فی الأوّلین

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبیّ . .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت

بودن این جریان داشته باشد.

عوامل سنت استدراج

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۵

۵ استدراج نتیجه فراموش کردن خداوند، پس از توجه به او در سختیها و شداید

أغیر اللّه تدعون . .. فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

غفلت از سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۷

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

سند از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سند

اهمیت سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۷

۷ کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه فلیکتب

جمله <فلیکتب> تأکید امری است که از <و لا یأبَ . .. > استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکّد است.

تنظیم سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۳،۳۶،۳۴،۳۳،۲۱،۱۶،۱۳،۱۲،۱۱،۸،۷،۶،۵،۴،۲

۲ وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایّها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی فاکتبوه

جمله <تداینتم بدین> شامل هر نوع طلبی می شود; چه در فروش کالا-یی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

۴ وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> متعلق به جمله <ولیکتب>

باشد.

۵ عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> قیدی برای نویسنده سند باشد.

۶ تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه <بینکم> بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

۷ کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه فلیکتب

جمله <فلیکتب> تأکید امری است که از <و لا یأبَ . .. > استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکّد است.

۸ تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه

بنابراینکه <کما علّمه اللّه> متعلّق به <اَن یکتب> باشد.

۱۱ تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید به املای مدیون باشد .

و لیملل الّذی علیه الحقّ

۱۲ وجوب رعایت تقوای الهی از سوی مدیون و کم و کاست نکردن چیزی در تنظیم اسناد مبادلاتی

و لیملل الّذی . .. و لیتّق اللّه ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۱۳ وجوب رعایت تقوای الهی و کم و زیاد نکردن چیزی در تنظیم اسناد

و لیتّق اللّه ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۱۶ وجوب املای اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او

ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

۲۱ وجوب شاهد گرفتنِ دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دو زن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل و امراتان

۳۳ کمی و زیادی بده بستان های طرفین ، نباید موجب ملول شدن از وظیفه نوشتن و ثبت دیون و حقوق و مدّت آن گردد .

و لا تسئموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

۳۴ اهمیّت خاصّ ثبت و تنظیم اسناد مبادلاتی

و لا تسئموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

نهی از ملالت در نوشتن دیون هر چند معامله ای کوچک باشد حاکی از اهمیّت ثبت دیون و اسناد معاملاتی است.

۳۶ رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد ، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند اللّه

۴۳ حسن تنظیم سند و ثبت مبادلاتی که میان طرفین دست به دست گردد . *

فلیس علیکم جناح اَلّا تکتبوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱

۱ در صورت نیافتن کاتب ، رهن (وثیقه) ، جایگزین تنظیم سند برای مطالبات و دیون

و ان کنتم علی سفر و لم تجدوا کاتباً فرهان مقبوضه

ظاهراً جمله <و لم تجدوا کاتباً> بیان <علی سفر> است. یعنی مسافر بودن، خصوصیّت و شرطیت ندارد; چون سفر بیان مورد غالب برای یافت نشدن کاتب است. بنابراین آنچه موضوعیّت دارد، همان نیافتن کاتب است، چه در سفر و چه در حضر.

سند در بدهی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲،۴،۵،۶،۷،۸،۱۶،۳۳،۵۲

۲ وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایّها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی فاکتبوه

جمله <تداینتم بدین> شامل هر نوع طلبی می شود; چه در فروش کالا-یی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

۴ وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> متعلق به جمله <ولیکتب> باشد.

۵ عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> قیدی برای نویسنده سند باشد.

۶ تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه <بینکم> بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

۷ کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه فلیکتب

جمله <فلیکتب> تأکید امری است که از <و لا یأبَ . .. > استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکّد است.

۸ تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه

بنابراینکه <کما علّمه اللّه> متعلّق به <اَن یکتب> باشد.

۱۶ وجوب املای اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا

ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

۳۳ کمی و زیادی بده بستان های طرفین ، نباید موجب ملول شدن از وظیفه نوشتن و ثبت دیون و حقوق و مدّت آن گردد .

و لا تسئموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

۵۲ نویسنده قرارداد دین ، باید شخص ثالثی غیر از متعاملین باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل . .. و لا یأب کاتب ... و لا یضارّ کاتب

سند معترض به عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۹

۹ - رفتار مسلمانی که از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ناخشنود بود به دلیل ناآگاهی او از روحیات نیک و بد وی رفتاری ناروا و توجیه ناپذیر بود .

عبس . .. و ما یدریک لعلّه یزّکی ... أو یذّکّر

سند وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

شرایط سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۸،۱۱

۸ تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه اللّه

بنابراینکه <کما علّمه اللّه>

متعلّق به <اَن یکتب> باشد.

۱۱ تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید به املای مدیون باشد .

و لیملل الّذی علیه الحقّ

سنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سنگ

استسقای موسی(ع) از سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . .. أن اضرب بعصاک الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

۱۰ موسی (ع) در پی فرمان الهی بدون هیچ تأخیر عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

أن اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

حرف <فاء> در <فانبجست> فاء فصیحه است ; یعنی بیانگر معطوفٌ علیه مقدر می باشد. آن معطوفٌ علیه مقدر به قرینه فراز قبل، <فضرب بعصاه الحجر> است. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

۱۱ فرمان خدا به موسی (زدن عصا بر سنگ برای تهیه آب) فرمانی اعلام شده به او از طریق وحی

و أوحینا إلی موسی . .. أن اضرب بعصاک الحجر

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن

است.

بارش باران سنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۴ – ۱

۱ خداوند با فرو ریختن بارانی بی نظیر (بارشی از سنگ) بر سر قوم لوط ، آنان را به هلاکت رساند .

و أمطرنا علیهم مطراً

<مَطَر> مفعول به برای <أمطرنا> است و نکره آمدنش حکایت از آن دارد که بارشی عجیب و بی نظیر بوده است و با توجه به آیه ۸۲ از سوره هود (و أمطرنا علیها حجاره . ..) معلوم می شود که عذاب قوم لوط سنگباران بوده است.

بارش سنگ بر سرزمین قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

بارش سنگ بر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۷

۷ جوامع ستمگر ، در معرض گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و در خطر هدف قرار گرفتن سنگ های عذاب

و ما هی من الظلمین ببعید

<هی> می تواند به قریه یا قریه هایی که از سیاق کلام برمی آید، باز گردد و می تواند به <حجاره> در آیه قبل ارجاع

شود. معنای جمله <و ما هی ...> بنابر احتمال دوم چنین

است: آن سنگهای کذایی دور از ستمگران نیست; یعنی، ستمگران در معرض چنین عذابهایی اند و آن گونه سنگها برای آنان مهیاست.

بارش سنگ بر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۶

۶ زیر و زبر کردن دیار قوم لوط و بارش سنگ بر آنان ، عذابی برخاسته از امر خداوند

فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیها حجاره

مراد از <أمرنا> عذاب الهی است. تعبیر کردن از <عذاب> به <أمر> برای رساندن این معناست که: عذاب نازل شده ، برخاسته از امر و فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۲،۴

۲- قوم لوط ، هم زمان با زیر و رو شدن شهرشان ، دچار بارش کلوخهایی از سنگ و گِل (سجّیل) شدند .

فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل

<سجیل> در لغت به معنای شیئی است که از سنگ و گِل مخلوط باشد و برخی از اهل لغت آن را <لفظی فارسی> و معرب <سنگ گِل> دانسته اند.

۴- یکایک افراد قوم لوط ، هدف کلوخهایی از سنگ و گِل شدند .

و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل

برداشت فوق از تعبیر <أمطرنا> استفاده گردیده است; یعنی، همان گونه که قطره های باران از آسمان به صورت پیاپی و با فاصله کوتاه در نقاط مختلف فرو می ریزد، فرود <سجّیل> هم به همین ترتیب فراگیر تمامی نقاط شهر شده و همه افراد را دربر گرفت.

تاریخ سنگ تراشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

تبدیل بدن به سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۴،۵

۴- خداوند ، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها ، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند .

قل كونوا حجاره أو حديدًا

۵- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن *

قل كونوا حجاره أو حديدًا

با این احتمال که <کونوا حجاره. ..> تحدی نباشد; بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱

۱- تبدیل انسان به سخت ترین اجسام و ماده بسیار دور از حیات ، پس از مرگ ، مانع رستاخیز و حیات دوباره او نیست .

قل كونوا حجاره أو حديدًا. أو خلقًا ممّا يكبر فى صدوركم

تهدید به بارش سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هى من الظلمين ببعيد

واقع شـدن جمله <و مـا هی . ..> پس از مخـاطب قرار دادن پیـامبر(ص) (عنـد ربـک) می توانـد قرینـه بر ایـن باشـد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

جوشش آب از سنگ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۶،۸،۱۵

۶ - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

۸ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<مشرب> به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

۱۵ - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذاستسقی موسی لقومه . .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذاستسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذاستسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۵،۶

۵ - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجّر> (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>; یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ... .

۶ - شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون

آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

<تَشَقُق> (مصدر یشقق = یتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

سقوط سنگ از آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

سقوط سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۷

۷ - سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

<من> در <من خشیه اللّه> تعلیلیه است. <هبوط> (مصدر یهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله <إن منها ...>; یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

سقوط شهاب سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۴

۴ - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

سنگ تراشی قوم ثمود

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۱

۱ – ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بيوتًا فرهين

<نَحت> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و<فراهه> (مصدر <فارهین>) به معنای مهارت و استادی است; یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

سنگ های نازله از بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۰ – ۲۳

۲۳ – از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < نزلت ثلاثه احجار من الجنه . . . و حجر بنی اسرائیل . . . ;

سه سنگ از بهشت نازل گشته . .. یکی از آنها سنگی بود که در میان بنی اسرائیل بود]و به هنگام نیاز از آن آب بر می گرفتند[...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۲۷

۲۷ – از امام باقر (ع) روایت شده : < نزلت ثلاثه أحجار من الجنه . . . و مقام إبراهیم . . . ;

سه سنگ از بهشت فرود آمده . .. و از جمله آنها مقام ابراهیم است ... >.

شکافتن سنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ –

۶ – شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

<تَشَقُّق> (مصدر يشقق = يتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

نقش شهاب سنگ ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۸ – ۴

۴ – نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أنّا لمسنا السماء فوجدنها ملئت حرسًا شديدًا و شهبًا

آیه بعد (فمن يستمع الآن يجد له شهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

سنگ تراشی

تاریخ سنگ تراشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۳

۳– وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

سنگ تراشی قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۱

۱ - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من

الجبال بيوتًا فرهين

<نَحت> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و<فراهه> (مصدر <فارهین>) به معنای مهارت و استادی است; یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

سنگباران

درخواست سنگباران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

سنگدلان

سرنوشت شوم سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - سنگدلان غافل از خدا ، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

واژه <ویل> برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

غفلت سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - سنگدلان غافل از خدا ، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

واژه <ویل> برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

گمراهی سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ - کسانی که قلبشان دچار قساوت بوده و دلشان سخت می باشد ، در گمراهی شدید و آشکاری به سر می برند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه أُولئک فی ضلل مبین

آشکار بودن ضلالت سنگدلان، می تواند به خاطر

شدید و بسیار بودن آن باشد; به گونه ای که این حقیقت برای همگان محرز و انکارناپذیر است.

محرومیت سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - سنگدلان غافل از خدا ، محروم از هدایت اند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

مقصود از <من یضلل اللّه. ..> همان سنگدلان از خدا غافل هستند که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمد (فویل للقاسیه قلوبهم من ذکر اللّه...).

سنگسار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سنگسار

تاریخ سنگسار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۸

۸- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمنّک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد ۱ تهدید به سنگسارکردن ۲ راندن و طرد او از خانمان; از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسارکردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام دهند در آن زمان وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۳

۳ - سنگسار کردن مخالفان ، شیوه ای رایج در جامعه عصر نوح

لتکوننّ من المرجومین

تعبیر <من المرجومین> به جای <لنرجنّک> می رساند که قبل از نوح(ع) اشخاص دیگری نیز سنگسار شده اند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۷

۷ - وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لنرجمنّکم و لیمسّنّکم منّا عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۷

۷ - شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

و إنّی عذت بربّی و ربّکم أن ترجمون

از جمله معانی <رجم>، سنگسار کردن است. این که موسی(ع) مسأله <رجم> را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

تهدید به سنگسار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، پیامبران شان را در صورت دنبال کردن رسالت خود ، به سنگسار شدن و شکنجه دردناک تهدید کردند .

لئن لم تنتهوا لنرجمنّکم و لیمسّنّکم منّا عذاب أليم

زمینه سنگسار موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۶

۶- فرعونیان ، در صدد سنگسار کردن موسی (ع) پس از شنیدن پیام های او

و إنّی عذت . .. أن ترجمون

برداشت بالا بنابراین نکته است که مراد از <ترجمون> سنگسار کردن باشد؛ نه تهمت زدن.

سنگسار ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۶ – ۳،۴

۳- آزر ، ابراهیم (ع) را در صورت دست نکشیدن از

بت ستیزی به سنگسارکردن تهدید کرد .

لئن لم تنته لأرجمنّک

<رجم> که در اصل به معنای کشتن به وسیله سنگسار بوده است، به هریک از انواع کشتن نیز اطلاق می گردد. این لغت، به معنای ناسزا گفتن نیز آمده است (لسان العرب). در آیه، همه این معانی محتمل است و برداشت یادشده براساس اصل معنای آن است.

۴- آزر ، با سوگند بر سنگسارکردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیًّا

<ملیّاً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

سنگسار در اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۷

۷ - وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لنرجمنّکم و لیمسّنّکم منّا عذاب ألیم

سنگسار در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۸

۸- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمنّک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد ۱ تهدید به سنگسارکردن ۲ راندن و طرد او از خانمان؛ از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسارکردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای

کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام دهند در آن زمان وجود داشته است.

سنگسار در دوران اصحاب کهف

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

سنگسار در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۷

۷ - شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

و إنّی عذت بربّی و ربّکم أن ترجمون

از جمله معانی <رجم>، سنگسار کردن است. این که موسی(ع) مسأله <رجم> را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

سنگسار در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۳

۳ - سنگسار کردن مخالفان ، شیوه ای رایج در جامعه عصر نوح

لتکوننّ من المرجومین

تعبیر <من المرجومین> به جای <لنرجنّک> می رساند که قبل از نوح(ع) اشخاص دیگری نیز سنگسار شده اند.

سنگسار زناکار محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۳ – ۱۲

۱۲ سنگسار کردن ، مجازات زنای محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(ص) در زنای محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از <ابن صوریا>، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم

در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

سنگسار مخالفان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۷

۷ - شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

و إنّی عذت بربّی و ربّکم أن ترجمون

از جمله معانی <رجم>، سنگسار کردن است. این که موسی(ع) مسأله <رجم> را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

سنگسار نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

شعیب(ع) و سنگسار شدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۶

۶ شعیب (ع) ، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود .

و لولا رهطك لرجمنك

موانع سنگسار شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا

نیست که آنان توان مقابله با خانـدان او را ندارنـد; بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرهطی أعز. ..> در آیه بعـد مراد از <لولا رهطك>، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا ...> است.

سوء استفاده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سوء استفاده

آثار سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۰

۴۰ - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتراه> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

زمینه سوء استفاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۹

۹ انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال للّه و الرسول فاتقوا اللّه

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

زمینه سوء استفاده دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۰،۱۱

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل مردم ، آنان را به قرآن بدبین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

این برداشت بر این اساس است که <بغیر علم> حال برای ضمیر مفعولی <یضلّونهم> باشد.

۱۱- جهل و نادانی ، زمینه و بستری مناسب برای سوء استفاده

دیگران

یضلّونهم بغیر علم

سوء استفاده از ارزش ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۲ – ۳

۳ سوء استفاده منافقان از باور ها و اعتقادات مؤمنان و ارزش های مکتب اسلام

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم

سوگند منافقان به خدا (یحلفون باللّه) که در نزد مؤمنان دارای ارزش ویژه ای است مفید برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲

۲ سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

یحلفون باللّه ما قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۳

۳ سوء استفاده منافقان از ارزش های معنوی ، به منظور پنهان کردن کردار زشت خویش

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۱۲

۱۲ سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتخذوا مسجداً . .. و لیحلفن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۳

۳- وسیله قرار دادن ارزش ها در راه دستیابی به اهداف ناشایست ، ممنوع است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از <أیمان> و تعمیم آن به همه ارزشها و مقدسات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۵

۵- انسان ، در معرض خطر دستاویز قرار دادن ارزش های معنوی برای دستیابی به مادیات

و لاتشتروا بعهد

الله ثمنًا قليلًا

سوء استفاده از تقیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۹ – ۵

۵ توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الّا ان تتقوا منهم تقیه . .. قل ... و اللّه علی کل شیء قدیر

سوء استفاده از تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۴۴

۴۴ ممنوعیت سوء استفاده از تسهیلات حالت اضطرار

فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

سوء استفاده از جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۱۹،۲۰

۱۹ – هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولا إنما نحن فتنه فلاتکفر

۲۰ – به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلاتکفر

سوء استفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۱

۱۱ سوءاستفاده از مقررات دین ، استهزای دین و آیات الهی است .

و لا تمسكوهنّ ضراراً . .. و لا تتخذوا ايات اللّه هُزُواً

تمسّک به قانون حق رجوع که به مصلحت انسانها وضع شده ، برای اضرار به همسران، استهزای آیات و مقررات الهی قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۹،۱۱،۳۹

۹ امکان دستاویز قرار دادن حق در جهت باطل

فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

۱۱ افراد منحرف (کج اندیش) ، دنبال کننده آیات متشابه ، به منظور ایجاد فتنه

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

امام صادق(ع): المراد بالفتنه هاهنا الکفر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۲،۶،۸

۲ به کار بستن فرهنگ و زبان دین ، ابزاری برای تحریف آن

و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

۸ برخی اهل کتاب (عالمان آنان) نوشته های خود را به عنوان کتاب خدا به مردم ارائه می دادند .

و یقولون هو من عند اللّه و ما هو من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۸،۱۷

۸ پیامبران ، هیچگاه از مقام خود و دین خدا ، سوء استفاده نکردند .

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه

۱۷ ممنوعیّت سوء استفاده از مقام و

مناصب دینی ، برای دعوت مردم به خود

ما كان لبشر ان يؤتيه اللّه الكتاب . .. ثم يقول للناس كونوا عباداً لی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۱۴

۱۴ سوء استفاده دشمنان دین از شعائر دینی ، برای اغفال مؤمنان

ها انتم اولاء تحبونكم و لا يحبونكم . .. و اذا لقوكم قالوا امنا

بنابر اینکه محبت مؤمنان به کافران، معلول تظاهر آنان به ایمان (امنا) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۵

۵ مبارزات یهود علیه اسلام و پیامبر (ص) ، به نام دین و دینداری

انّ اللّه عهد الينا الّا نؤمن لرسول حتّى ياتينا بقربان

چون یهود مدعی بودند با ایمان نیاوردن به پیامبر (ص)، به عهد الهی وفادار بوده و از دستورات خداوند پیروی کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲

۲ سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

يحلفون باللّه ما قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۴

۴ – سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبـذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس

معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۷

۷ - استفاده ابزاری از دین علیه دیانت حق ، از ترفند های منافقان است .

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب اللّه علیهم

برقراری روابط دوستانه با پیروان دین یهود از سوی منافقان، بی تردید برای ضربه زدن به دین اسلام و پیروان آن بوده است. بنابراین منافقان با اظهار علاقه به دین یهود، درصدد نفی دین حق و اصل دینداری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۲

۲ - استفاده ابزاری از ارزش های دینی علیه دین ، از شیوه های منافقان

اتّخذوا أیمنهم جنّه

برداشت یاد شده به این خاطر است که منافقان از سوگند که در میان همه پیروان ادیان از ارزش ها به شمار می رود در جهت سد کردن پیشرفت اسلام، بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴ - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حیله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

سوء استفاده از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۶

۶ – سوء استفاده کافران ، از لطف و

رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

سوء استفاده از ضعف مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۶

۱۶ – سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

سوء استفاده از عقیده قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۳ – ۳

۳ – سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردمِ عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند بیانگر حقیقت یاد شده است.

سوء استفاده از علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

سوء استفاده از علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۴،۵

۴ فرعون در تلاش برای بهره گیری از عالمان عصر خویش در مبارزه با موسی (ع)

و جاء السحره فرعون

۵ بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحره فرعون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۳

۳ تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم و إنکم لمن المقربین

سوء استفاده از علوم غریبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۱

۲۱ - تعلیم دهندگان علوم غریبه ، باید ضرر های آن علوم را به متعلمان گوشزد کرده و آنان را از سوء استفاده بر حذر دارند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولا إنما نحن فتنه فلاتکفر

سوء استفاده از عهد با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱

۱- سوداگری با عهد و پیمان الهی و زیر پا نهادن آن در برابر بهای ناچیز دنیوی ، ممنوع و گناهی نابخشودنی است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً . .. و لکم عذاب عظیم . و لاتشتروا بعهد الله ثمنًا قلیلا

ممنوعیت سوداگری با عهد و پیمان الهی، از نهی <لاتشتروا> و بزرگ بودن گناه آن، از ذیل آیه قبل (و لکم عذاب عظیم) که به عذاب بزرگ تهدید شدند استفاده می شود.

سوء استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۳

۱۳ سوء استفاده منحرفین از قرآن ، در جهت ایجاد فتنه

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

سوء استفاده از مقدسات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۴ – ۹،۱۰

۹ قَسَم و شاهد گرفتن خداوند ، دستاویز منافقان برای اثبات اظهاراتِ خود

و یُشهد اللّهَ علی ما فی قلبه

۱۰ بهره گیری منافقان از باور ها و مقدّسات مؤمنان ، برای رسیدن به اغراض خویش

و یُشهد اللّهَ علی ما فی قلبه

قسم به خداوند که از مقدّسات مسلمین است، دستاویز برخی از مردم برای قبولاندن عقاید بی پایه خویش.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۲ – ۸

۸ سوء استفاده منافقان از مقدّسات

یحلفون باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۸ – ۱۵

۱۵ توجه به علم و آگاهی خداوند ، مانع سوء استفاده انسان ، از خصلت های الهی به مظلومان در بدگویی ظالمان

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلّا من ظلم و کان اللّه سمیعاً علیماً

جمله <کان اللّه . ..>، می توانـد هشـداری به مظلومان باشـد که مبادا از حکم الهی سوء اسـتفاده کنند و در بدگویی و غیبت ظالم از حـد تجاوز نماینـد و یا هشـدار به کسانی باشـد که مظلوم نیسـتند و به بهانه این که مظلومنـد، علیه بی گناهی افشاگری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۳

۳ سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

و قاسمهما

إنی لکما لمن النصحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۹ – ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۱۲

۱۲ سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتخذوا مسجداً . .. و لیحلفن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۲ – ۲

۲ – استفاده ابزاری از ارزش ها و مقدسات ، شیوه منافقان است .

اتّخذوا أیمنهم جنّه

سوء استفاده از موقعیّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

سوء استفاده از مهربانی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۴

۴ سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (ص) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

سوء استفاده از هنر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبنده برای فریب دادن مردم و مبارزه

با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<زخرف القول> به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد به عنوان نمونه ذکر شده است. گفتنی است <غرورا> در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

سوء استفاده اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۵

۵ فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک

سوء استفاده اغواگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - رحمانیت خدا ، مورد سوء استفاده اغواکنندگان ، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اَعمال است .

و لایغرّنّکم باللّه الغرور

<باء> در <باللّه> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

۲۰ - ممکن است که عوامل وسوسه کننده ، از ارزش های معنوی ، برای رسیدن به اهداف خویش ، استفاده کنند .

و لایغرّنّکم باللّه الغرور

سوء استفاده ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۳

۳ - سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح

و قالوا لاتذرنّ ءالهتكم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

توصـیه مؤکـد صاحبان زر و زور به مردمِ عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند بیانگر حقیقت یاد شده است.

سوء استفاده دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ - ضرورت پرهیز از گفتار و اعمالی که سوء استفاده دشمنان را درپی داشته باشد .

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا

سوء استفاده شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۴

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

سوء استفاده علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

سوء استفاده فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۵

۵ فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک

سوء استفاده قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۳

۳ -

سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

توصـیه مؤکـد صاحبان زر و زور به مردمِ عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند بیانگر حقیقت یاد شده است.

سوء استفاده منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

۵ سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۴

۴ سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (ص) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۳

۳ سوء استفاده منافقان از باور ها و اعتقادات مؤمنان و ارزش های مکتب اسلام

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم

سوگند منافقان به خدا (یحلفون باللّه) که در نزد مؤمنان دارای ارزش ویژه ای است مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲

۲ سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

یحلفون باللّه ما قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵

۳ سوء استفاده منافقان از ارزش های معنوی ، به منظور پنهان کردن کردار زشت خویش

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتخذوا مسجداً . .. و لیحلفن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۷

۷ - استفاده ابزاری از دین علیه دیانت حق ، از ترفند های منافقان است .

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب اللّه علیهم

برقراری روابط دوستانه با پیروان دین یهود از سوی منافقان، بی تردید برای ضربه زدن به دین اسلام و پیروان آن بوده است. بنابراین منافقان با اظهار علاقه به دین یهود، درصدد نفی دین حق و اصل دینداری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۲

۲ - استفاده ابزاری از ارزش های دینی علیه دین ، از شیوه های منافقان

اتّخذوا أیمنهم جنّه

برداشت یاد شده به این خاطر است که منافقان از سوگند که در میان همه پیروان ادیان از ارزش ها به شمار می رود در جهت سد کردن پیشرفت اسلام، بهره می گرفتند.

سوء الحساب

مراد از سوء الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ < فی مجمع البیان فی قوله : < أُولئک لهم سوء الحساب > . . . هو أن لایقبل لهم حسنه و لایغفر لهم سیئه . . . روی

ذلک عن أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <أُولئک لهم سوء الحساب>. .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از <سوء الحساب> این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < و یخافون سوء الحساب > قال : الإستقصاء والمداقه و قال : یحسب علیهم السیئات و لایحسب لهم الحسنات ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <و یخافون سوء الحساب> روایت شده است که فرمود: [سوءالحساب]حسابرسی دقیق و دقت در بررسی اعمال است و [همچنین] فرمود: کارهای بد آنان علیه ایشان محاسبه می شود و کارهای نیکشان به سود آنان به حساب نمی آید>.

سوء پیشینه

آثار سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۶

۶- تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه ، زمینه های نزول عذاب الهی و هلاکت

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۶

۶ سوء سابقه افراد ، کافی در لزوم احتیاط و باور نکردن به قول و قرار ایشان

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۸

۸ سوء پیشینه افراد ، مجوز بازداشت و بازجویی آنان به مجرد سوء

ظن به ایشان

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ - گذشته نادرست افراد ، مانع از گرایش آنان به صلاح و پذیرش ایمان نیست .

واتبعک الأرذلون . قال و ما علمی بما کانوا یعملون

مراد از <ما کانوا یعملون> به قرینه <الأرذلون> و نیز آیه بعد کردار ناصواب است; نه صرفاً مشاغل پایین اجتماعی; زیرا اگر مراد صرف مشاغل بود، گناهی متوجه آنان نبود که محاسبه آن برعهده خدا باشد.

سوء پیشینه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبئث إنّهم کانوا قوم سوء فسقین

جمله <إنّهم کانوا. ..> به منزله تعلیل برای جمله <تعمل الخبائث> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبائث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

سوء پیشینه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۴،۵

۴- سابقه زشت کاری قوم نوح ، زمینه ساز تکذیب آیات الهی از سوی آنان بود .

الذين كذّبوا بايتنا إنّهم كانوا قوم سوء

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه جمله <إنّهم كانوا. ..> در مقام تعليل براى جمله

پیشین باشد. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر دوام وصف سوء در میان قوم نوح است و از آن جایی که فعل ماضی است، از آن به سوء سابقه تعبیر شده است.

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنّهم کانوا. ..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

عفو از سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) ، موظّف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ و استغفر لهنّ اللّه

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است; ولی خداوند به پیامبر(ص) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

سوء ظن

آثار سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۹،۱۱،۱۴

۹ - رواج بدگمانی در جامعه مؤمنان ، تهدیدی برای اخوت ایمانی آنان

إنّما المؤمنون إخوه . .. یأیّها الذین ءامنوا اجتنبوا کثیرًا من الظنّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه <إنّما المؤمنون إخوه>، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

۱۱- بدگمانی به مؤمنان ،

زمینه کشیده شدن انسان به تجسّس و کنجکاوی های ممنوع

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا

۱۴ - بدگمانی و تجسّس ، زمینه کشیده شدن انسان به غیبت

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا

بنابراین که ترتیب لفظی بخش های آیه، بیانگر ترتیب حقیقی و رتبی آنها باشد، برداشت بالا به دست می آید.

اجتناب از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲،۷

۲ - لزوم حاکمیت روح خوشبینی ، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ

۷ - مترتب شدن گناه بر بعضی از گمان ها ، مقتضی اجتناب هر چه بیشتر انسان از بدگمانی به مؤمنان

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

با توجه به این که <إنّ بعض الظنّ. ..> در مقام تعلیل برای <اجتنبوا...> است، برداشت بالا به دست می آید.

توبه از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۱،۲۴

۲۱ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... و اتّقوا اللّه

۲۴ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، قابل جبران با توبه به درگاه خداوند *

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... إنّ اللّه توّا

با توجه به این که در آیه شریفه، از مؤمنان خواسته شده تا به جبران خطاها اقدام کنند و به توبه روآورند. (إنّ

اللّه توّاب رحيم)، برداشت بالا استفاده می شود.

سوء ظن به همسر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر (ص) و موضع گیری تردیدآمیز نسبت به شایعه < افک > و رد نکردن صریح آن ، مورد سرزنش قرار داد .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا

سوء ظن قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۸

۱۸- تردید قوم نوح ، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش ، توأم با بدبینی بود .

إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیه مریب

ذکر <مریب> پس از <شکّ> اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در <ریب> شک توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

سوء ظن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۹

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک ... و یعذّب المنفقین و ... الظانّین باللّ

چنانچه <و یعذّب. ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد; آیه شریفه می تواند بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد; ولی صلح پیروزمند حدیبیه،

نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

گناه سوء ظن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۵،۲۱

۵ - بعضی از گمان ها ، حتی در صورت منتهی نشدن به عمل ، گناه به شمار می آید . *

إنّ بعض الظنّ إثم

حصول گمان در ذهن انسان، معمولاً در اختیار وی نیست. بر این اساس مفسران نهی از ظن را، نهی از عمل بر طبق ظن دانسته اند که امری اختیاری است. با این حال احتمال می رود که در آیه شریفه چیزی مقدر نباشد و واقعاً بعضی از گمان های بد حتی با منتهی نشدن به عمل گناه به شمار آید.

۲۱ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... و اتّقوا اللّه

موانع سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۰

۲۰ - تقوای الهی ، مستلزم پرهیز از بدگمانی و تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم ... و اتّقوا اللّه

نهی از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱

۱ - بسیاری از بدگمانی های مؤمنان نسبت به یکدیگر ، نادرست و مورد نهی الهی است .

یأیّها الذین ءامنوا اجتنبوا کثیرًا من الظنّ

واژه <الظنّ> مطلق گمان های نیک و بد را شامل می شود; اما نهی <اجتنبوا> می رساند که مراد از آن بدگمانی نسبت به مؤمنان است; زیرا این بدگمانی

ها در بیشتر مواقع نادرست می باشد.

سوارکاری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سوارکاری

آداب سوارکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۵

۵ - نوازش اسب های نجیب و تیزرو ، پس از استفاده از آنها ، کاری پسندیده و شایسته است .

ردّوها علیّ فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

سوارکاری حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۴،۷

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

سود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سود

اهمیت تشخیص سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور توجّه دادن مردم به ضرورت شناخت سود و زیان واقعی شان بود .

قل هل ننبّئکم بالأخسرین أعمالًا

سود تجارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۰

۲۰ روزی و سود در تجارت ، به دست خداوند است . *

یبتغون فضلا من ربهم

<من> نشویه در <من ربهم> بیانگر آن است که روزیها از جانب خداوند است.

عالم به سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیّت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إنّا أعتدنا جهنّم . ..

هل ننبّئکم بالأخسرین أعمالاً

خداونـد پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اِخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شـناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است؛ چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

منشأ سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۴،۵،۶،۸،۱۱،۱۳

۴ کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

۵ مسیح (ع) و مادرش مریم ، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

۶ تنها کسی شایسته پرستش است که زمام زیان و نفع مردم به دست اوست .

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

۱۱ تنها خداوند ، شنوای درخواست ها و آگاه به سود و زیان انسانهاست .

ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً و اللّه هو السمیع العلیم

۱۳ شنوایی و دانایی مطلق ، شرط توانایی بر سود و زیان رسانی به مردم

ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً و اللّه هو السمیع العلیم

به نظر می رسد جمله <و اللّه . ..> برهانی است بر دو حقیقتی که در فراز قبل بیان شد، یکی توان خداوند به ضرر و

نفع رسانی و دیگر، ناتوانی غیر خدا بر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۳

۳- نفع و ضرر آدمی ، در انحصار خداوند است .

أفتعبدون من دون اللّه ما لاینفعکم شیئًا و لایضرّکم

بیان این حقیقت که معبودها هیچ سود و زیانی به حال انسان ها ندارند، می تواند اشاره و تعریض به این نکته باشد که سود و زیان تنها در دست خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۲

۲ - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

یدعوا من دون اللّه ما لایضرّه و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۷،۱۰

۷ - قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءیتم . .. إن أرادنی اللّه بضرّ هل هنّ کشفت ضرّه أو أرادنی برحمه هل هنّ م

۱۰ - تنها حقیقتی که نفع و زیان انسان ها به دست او است ، شایسته حاجت خواهی و یاری جستن از او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . .. أو أرادنی برحمه هل هنّ مم

ذکر خالقیت خدا، پیش از طرح مسأله ناتوانی معبودها از سود رسانی و یا بر طرف کردن گزند از انسان ها، می تواند گویای این حقیقت باشد که توانایی بر انجام چنین کاری، تنها از عهده خدا برمی آید و هر کس چنین باشد، شایسته حاجت بردن به درگاه

او است; نه معبودهای ناتوان مشرکان.

سود و زیان

{سود و زیان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵،۱۰،۱۲

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافعی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

۱۰ سود و زیان واقعی مردم ، از ملاک های تشریع احکام

فیهما اثم کبیر و منافع للناس

۱۲ امکان وجود نفع ، در محرّمات الهی

عن الخمر و المیسر . .. و منافع للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۰

۲۰ اولویّت دفع مفسده بر جلب منفعت *

اولئک یدعون الی النار و اللّه یدعوا الی الجنّه و المغفره

در ازدواج مؤمن با مشرک اگر چه احتمال ایمان آوردن مشرک و به دست آوردن ثواب عظیم ارشاد و هدایت کافر هست (منفعت); امّا خطر ارتداد مؤمن نیز هست (مفسده). و خداوند با نهی از ازدواج با مشرک، دفع مفسده را بر جلب منفعت اولویّت داده است.

سودجویی

آثار سودجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۸

۸ دنیاطلبی و خودگزینی آدمی ، موجب محرومیّت وی از موهبت آرامش روحی

ثمّ انزل . .. یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهمّتهم انفسهم

سودجویی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۶

۶ بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در

راه خداوند و کار های خیر

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۲

۳۲ بهره برداری از سرشت سودجویی انسان ، از روش های قرآن برای ترغیب به انجام تکالیف

قل متاع الّدنیا قلیل و الاخره خیر لمن اتّقی

سودجویی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

سودجویی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۹،۱۱

۹ مسلمانان در پیکار احد متشکّل از دو جناح ، خداجویانِ آخرت طلب و خودگزینانِ دنیاخواه بودند .

یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهمّتهم انفسهم

۱۱ بینش جاهلی مسلمانان احد نسبت به خداوند ، برانگیزنده حسِّ خودگزینی و دنیاطلبی در وجود ایشان

و طائفه قد اهمّتهم . .. یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

به نظر می رسد جمله <یظنّون باللّه . .. >، به منزله علّتی باشد برای جمله <و طائفه قد اهمّتهم انفسهم>.

سودجویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۸ - ۹

۹ منافقان ، انسانهایی سودجو ، خودبین و بی انصاف

و منهم من یلمزک فی الصدقت . .. و إن لم یعطوا منها إذا هم یسخطون

سوره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سوره

آثار تلاوت سوره زلزال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۲۳ - ۱۳ -

۲۳ < عن أبی عبـدالله (ع) انه قـال : لاتملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها فی نوافله لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم يمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشويد ; زيرا كسی كه آن را در نافله های خود بخوانـد، خـدای عزوجل هيـچ گاه او را با زلزله آسـيب نمی رسانـد و به وسـيله زلزله و صاعقه به هلاكت نمی رساند>.

آخرين سوره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۶

۶ - < عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : أوّل ما نزل علی رسول اللّه (ص) < بسم اللّه الرحمن الرحيم . اقرأ باسم ربّك > و آخره < إذا جاء نصر اللّه > ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: اولين چيزی كه بر رسول خدا(ص) نازل گشت <بسم اللّه الرحمن الرحيم . اقرأ باسـم ربّك> بود و آخرين آن <إذا جاء نصر اللّه> بود>.

آيات سوره انعام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۲

۲ آيات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصيل و تبيين خداوند

و كذلك نفصل الأيت

<ذلك> ظاهراً اشاره به آيات سوره انعام است. يعنی ما مانند اين آيات با عظمت، آيات خود را بيان می كنيم.

آيات سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۲

سوره رعد بخشی از قرآن است .

تلک ءایت الکتب

مشارالیه <تلک> آیات سوره رعد است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست، آیات این کتاب (قرآن) است.

آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلک> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

اصطلاح سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۷

۷ واژه < سوره > و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱

۱ < سوره > عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (ص)

و إذا أنزلت سوره

اصطلاح سوره در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۳

۳- سوره ، نامی است شناخته شده در زمان نزول قرآن و عصر رسالت پیامبراسلام (ص)

سوره أنزلنها. .. فیها ءایت بیّنت

اعطاء سوره حمد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نوع

مفسّران بر آننـد که مراد از <سـبعاً> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صـفت برای قرآن کریم است؛ چنـان که در سـوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنـوان صـفت قرآن ذکر شـده است. گفتنی است: روایـات نیز مؤید همین مطلب است.

انتخاب عنوان سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱

۱ < سوره > عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (ص)

و إذا أنزلت سوره

اولین سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۶

۶ - < عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : أوّل ما نزل علی رسول اللّه (ص) < بسم اللّه الرحمن الرحیم . اقرأ باسم ربّک > و آخره < إذا جاء نصر اللّه > ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اولین چیزی که بر رسول خدا(ص) نازل گشت <بسم اللّه الرحمن الرحیم . اقرأ باسـم ربّک> بود و آخرین آن <إذا جاء نصر اللّه> بود>.

اهمیت سوره کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۹

۹- سوره کهف و حقایق و معارف بیان شده در آن ، گوشه ای از کلمات بی پایان خداوند است .

لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمت ربّی

طرح بی انتها بودن سـخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب کهف و. .. یاد شده است، گویای برداشت

بالا است.

اهمیت سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۵

۵- سوره نور ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه و والا در قرآن

سوره أنزلنها و فرضنها و أنزلنا فیها ءایت بیّنت

برداشت فوق با توجه به سه نکته است: ۱ اختصاص به ذکر یافتن این سوره از میان دیگر سوره های قرآن; ۲ تنکیر لفظ <سوره> که دال بر تفخیم است; ۳ تکرار لفظ <أنزلنا> به صورت فعل متکلم مع الغیر و اسناد آن به اسم جلاله <اللّه>.

بسمله در سوره توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۹

۹ از علی (ع) روایت شده است : < انه لم ینزل بسم اللّه الرحمن الرحیم علی رأس سوره برائه لأن بسم اللّه للأمان و الرحمه و نزلت برائه لرفع الأمان بالسیف ;

<بسم اللّه الرحمن الرحیم> در اول سوره براءت نازل نشده ; زیرا بسم اللّه برای امان و رحمت است و سوره براءت برای برداشتن امان به وسیله شمشیر نازل شده است>.

تعالیم سوره قصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۵

۵ - سوره < قصص > دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

به کارگیری <من> تبعیضیه در <من نبإ> بیانگر آن است که آنچه در سوره <قصص> مطرح شده; تنها بخشی از

سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

تعالیم سوره کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۹

۹- سوره کهف و حقایق و معارف بیان شده در آن ، گوشه ای از کلمات بی پایان خداوند است .

لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمت ربّی

طرح بی انتها بودن سخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب کهف و. .. یاد شده است، گویای برداشت بالا است.

تعالیم سوره مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۲

۲- سوره مریم ، بازگوکننده رحمت و الطاف خداوند به زکریا است .

ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

<ذکر> یا خبر است و مبتدای آن اسم اشاره محذوف است; یعنی، <هذا المتلوّ ذکر> که مراد از آن، سوره مریم است. و یا این که مبتدا بوده و خبر آن محذوف است; یعنی، <ذکر رحمت ... فیما یتلی علیك>.

تعالیم سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۴

۴- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره أنزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

تعالیم سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ < عن جعفربن محمد

(ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلّا أمثالاً لکی لایحسد بعضنا بعضاً کما حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند>.

تلاوت سوره فلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۹

۹ - به زبان آوردن آیات سوره < فلق > ، از آداب استعاذه به خداوند

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

حقانیت تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۷،۸،۱۰

۷ سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایقی پیراسته از هر گونه باطل

و جاءک فی هذه الحق

مشارالیه <هذه> سوره هود و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. <ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین <الحق>; یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

سوره بندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

۱۰ - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به < سوره > از ناحیه خداوند بوده است . *

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص) ، به بخشهایی به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۱

۱- تنظیم ، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن ، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (ص)

قرءانًا فرقنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبراسلام (ص) فرود آمد .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره

های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. ; مثلا در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلناه تنزیلاً>.

سوره در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه – ۹ – ۶۴ – ۷

۷ واژه < سوره > و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۶ – ۱

۱ < سوره > عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (ص)

و إذا أنزلت سوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۳

۳ < سوره > عنوانی آشنا ، برای مؤمنان عصر نزول

لولا نزّلت سوره فإذا أنزلت سوره

از این که مؤمنان درخواست نزول <سوره>ای را داشتند; معلوم می شود که آنان بااین عنوان آشنا بوده اند و عنوان <سوره> در عصرهای پس از نزول جعل نشده است.

سوره های قرآن در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۴ – ۷

۷ واژه < سوره > و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

سوره های متشابه قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۵

۵- برخی از سوره های قرآن ، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید <محکمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

سوره های محکم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ –

۴- سوره های دربردارنده فرمان جهاد ، سوره هایی محکم ، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <ذکر فیها القتال> تفسیرکننده <محکمه> باشد; یعنی، سوره از آن جهت <محکم> نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

۵- برخی از سوره های قرآن ، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید <محکمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۳

۳- آیه های سوره حجر ، دارای ارزش ، قداست و عظمت

تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <تلک> همین سوره حجر باشد و چون <تلک> برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

عظمت آیات سوره لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۳

۳ - آیه های سوره لقمان ، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

مراد از <آیات> در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

عظمت آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۵

۵ آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

عظمت

سوره رعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱ – ۳

۳ آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلک ءایت الکتب

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

فضیلت سوره حمد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۷ – ۱،۲،۶

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نوع مفسّران بر آنند که مراد از <سبعاً> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

۲- سوره حمد ، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان <کتاب عظیم> استفاده می شود.

۶- < عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أباعبدالله (ع) < و لقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <ولقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد

است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرّحمن الرّحیم است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

فلسفه نزول سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۸

۸- بیدارگری و غفلت زدایی ، فلسفه نزول آیات سوره نور

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

<تذکر> (مصدر فعل <تذکّرون>) به معنای به یاد آوردن اندوخته های ذهنی و معلوماتی است که از خاطر رفته و به فراموشی سپرده شده است (برگرفته از لسان العرب). لازمه این معنا، بیداری و هوشیاری است.

فلسفه نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ < عن جعفربن محمد (ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلّا أمثالاً لکی لایحسد بعضنا بعضاً کما حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند>.

قصص انبیا در سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۰

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك فی هذه الحق و

موعظه و ذکری

محمد(ص) و سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۸

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

محمد(ص) هنگام نزول سوره بلد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۲ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، هنگام نازل شدن سوره < بلد > ، در شهر مکه سکونت داشت .

و أنت حلّ بهذا البلد

این احتمال وجود دارد که <حِلّ> به معنای اقامت کننده باشد، آن گونه که در البحرالمحیط آمده است. بر این مبنا این کلمه یا مرادف <حالٌّ> و یا مصدر و به معنای <حلول> است و توصیف پیامبر(ص) به آن، برای مبالغه در استقرار آن حضرت در مکه خواهد بود.

منشأ نامگذاری اصطلاح سوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱ – ۲

۲– سوره ، نامی است از سوی خداوند برای دسته ای از آیات به هم پیوسته .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت

مواعظ سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۱،۱۰

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك فی هذه الحق و موعظه و ذکری

۱۱ تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند

.

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شـده در آن ، برای همگان موعظه وتذکار است. بنابراین لام در <للمؤمنین> لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارهای آن سود می جویند.

مؤمنان و سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شـده در آن ، برای همگان موعظه وتذکار است. بنابراین لام در <للمؤمنین> لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارهای آن سود می جویند.

نامهای سوره حمد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۷ – ۶

۶– < عن یونس بن عبـدالرحمان . . . قال : سألت أباعبـدالله (ع) < و لقـد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ؛

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سـخن خداوند <ولقد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرّحمن الرّحیم

است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

نزول دفعی سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱

۱- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹،۱۰

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقصّ . .. بما أوحینا ... و إن کنت من قبله لمن الغفلین

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن کنت من قبله لمن الغفلین

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن کنت ...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم ، از داستان یوسف بی خبر بودی.

ویژگیهای سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱،۴

۱- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای مبتدای

محذوف (هذه) است و مشاراليه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره أنزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

ویژگیهای سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۵

۵ آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

سوره انعام

آیات سوره انعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۲

۲ آیات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصیل و تبیین خداوند

و کذلک نفصل الأیت

<ذلک> ظاهراً اشاره به آیات سوره انعام است. یعنی ما مانند این آیات با عظمت، آیات خود را بیان می کنیم.

سوره توبه

بسمله در سوره توبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱ – ۹

۹

از علی (ع) روایت شـده است : < انه لم ینزل بسم اللّه الرحمن الرحیم علی رأس سوره برائه لأـن بسم اللّه للأمـان و الرحمه و نزلت برائه لرفع الأمان بالسیف ;

<بسـم اللّه الرحمن الرحیم> در اول سـوره براءت نـازل نشـده ; زیرا بسم اللّه برای امـان و رحمت است و سـوره براءت برای برداشتن امان به وسیله شمشیر نازل شده است>.

سوره حجر

عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۳

۳- آیه های سوره حجر ، دارای ارزش ، قداست و عظمت

تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <تلک> همین سوره حجر باشـد و چون <تلک> برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

سوره حمد

اعطاء سوره حمد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نـوع مفسّـران بر آننـد که مراد از <سبعاً> سوره حمـد است که هفت آیه دارد و <المثـانی> (جمع مثنی) صـفت برای قرآن کریم است; چنـان که در سـوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنوان صـفت قرآن ذکر شـده است. گفتنی است: روایـات نیز مؤید همین مطلب است.

فضیلت سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱،۲،۶

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نوع مفسّران

بر آننـد که مراد از <سـبعاً> سـوره حمـد است که هفت آیه دارد و <المثـانی> (جمع مثنی) صـفت برای قرآن کریم است; چنـان که در سـوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنـوان صـفت قرآن ذکر شـده است. گفتنی است: روایـات نیز مؤیـد همین مطلب است.

۲- سوره حمد ، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان <کتاب عظیم> استفاده می شود.

۶- < عن یونس بن عبـدالرحمان . . . قال : سألت أباعبـدالله (ع) < و لقـد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سـخن خداوند <ولقد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضـرت فرمود: آن سوره حمـد است که هفت آیه دارد و از جمله آنهـا بسم الله الرّحمن الرّحیم است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

نامهای سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۶

۶- < عن یونس بن عبـدالرحمان . . . قال : سألت أباعبـدالله (ع) < و لقـد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن

الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <ولقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرّحمن الرّحیم است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

سوره رعد

آیات سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۲

۲ آیات سوره رعد بخشی از قرآن است .

تلک ءایت الکتب

مشارالیه <تلک> آیات سوره رعد است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست، آیات این کتاب (قرآن) است.

عظمت سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۳

۳ آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلک ءایت الکتب

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

سوره زلزال

آثار تلاوت سوره زلزال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ < عن أبی عبـدالله (ع) انه قـال : لاتملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها فی نوافله لم یصـبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم یمت بها و لا بصاعقه **;**

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشوید **;** زیرا کسی که آن

را در نافله های خود بخوانـد، خـدای عزوجل هیـچ گاه او را با زلزله آسـیب نمی رسانـد و به وسـیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند>.

سوره فلق

تلاوت سوره فلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۹

۹ - به زبان آوردن آیات سوره < فلق > ، از آداب استعاذه به خداوند

قل أعوذ بربِّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

سوره قصص

تعالیم سوره قصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۵

۵ - سوره < قصص > دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

بـه کـارگیری <مـن> تبعیضـیه در <مـن نبـإ> بیـانگر آن است که آنچه در سـوره <قصـص> مطرح شـده; تنهـا بخشـی از سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

سوره کهف

اهمیت سوره کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۹

۹- سوره کهف و حقایق و معارف بیان شده در آن ، گوشه ای از کلمات بی پایان خداوند است .

لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمت ربّی

طرح بی انتها بودن سخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب کهف و.. یاد شده است، گویای برداشت بالا است.

تعالیم سوره کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۹

۹- سوره کهف و حقایق و معارف بیان شده در آن ،

گوشه ای از کلمات بی پایان خداوند است .

لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمت ربّی

طرح بی انتها بودن سخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب کهف و. .. یاد شده است، گویای برداشت بالا است.

سوره لقمان

عظمت آیات سوره لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲ – ۳

۳ – آیه های سوره لقمان ، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

مراد از <آیات> در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

سوره مریم

تعالیم سوره مریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲ – ۲

۲– سوره مریم ، بازگوکننده رحمت و الطاف خداوند به زکریا است .

ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

<ذکر> یا خبر است و مبتدای آن اسم اشاره محذوف است; یعنی، <هذا المتلوّ ذکر> که مراد از آن، سوره مریم است. و یا این که مبتدا بوده و خبر آن محذوف است; یعنی، <ذکر رحمت ... فیما یتلی علیک>.

سوره نور

اهمیت سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۵

۵- سوره نور ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه و والا در قرآن

سوره أنزلنها و فرضنها و أنزلنا فیها ءایت بیّنت

برداشت فوق با توجه به سه نکته است: ۱ اختصاص به ذکر یافتن این سوره از میان دیگر سوره های قرآن; ۲ تنکیر لفظ <سوره> که دال بر تفخیم است; ۳ تکرار لفظ <أنزلنا> به صورت

فعل متکلم مع الغیر و اسناد آن به اسم جلاله <اللّه>.

تعالیم سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۴

۴- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره أنزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

فلسفه نزول سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۸

۸- بیدارگری و غفلت زدایی ، فلسفه نزول آیات سوره نور

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

<تذکر> (مصدر فعل <تذکّرون>) به معنای به یاد آوردن اندوخته های ذهنی و معلوماتی است که از خاطر رفته و به فراموشی سپرده شده است (برگرفته از لسان العرب). لازمه این معنا، بیداری و هوشیاری است.

نزول دفعی سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱

۱- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد.

بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به

نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

ویژگیهای سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱،۴

۱- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره أنزلنها

<سوره> خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه <هذه> مجموعه آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه <هذه> که برای اشاره به نزدیک است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره أنزلنها و فرضنها

<فرض> به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

سوره هود

حقانیت تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۷،۸،۱۰

۷ سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایقی پیراسته از هر گونه باطل

و جاءك فی هذه الحق

مشارالیه <هذه> سوره هود و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. <ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین <الحق>; یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب

بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

قصص انبیا در سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۱۰

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

محمد(ص) و سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۸

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

مواعظ سوره هود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۱۰،۱۱

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

۱۱ تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شـده در آن ، برای همگان موعظه وتذکار است. بنابراین لام در <للمؤمنین> لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می

برند و از تذکارهای آن سود می جویند.

مؤمنان و سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شده در آن ، برای همگان موعظه وتذکار است. بنابراین لام در <للمؤمنین> لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارهای آن سود می جویند.

سوره یوسف

آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلک> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

تعالیم سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ < عن جعفربن محمد (ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلّا أمثالاً لکی لایحسد بعضنا بعضاً کما

حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به

او ستم کردند>.

عظمت آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۵

۵ آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

فلسفه نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ < عن جعفربن محمد (ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلّا أمثالاً لکی لایحسد بعضنا بعضاً کما حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند>.

نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹،۱۰

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقصّ . .. بما أوحینا ... و إن کنت من قبله لمن الغفلین

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلين

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلين> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراين مفاد جمله <إن كنت ...> چنين می

شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم ، از داستان یوسف بی خبر بودی.

ویژگیهای سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۵

۵ آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

سوزاندن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سوزاندن

پیشنهاد سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم

توبه از سوزاندن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثمّ لم یتوبوا فلهم عذاب جهنّم

توطئه سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۲

۲ - سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

تهدید به سوزاندن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود

!

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو

سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۱،۲،۶

۱- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّقوه

۲- آتشی که ابراهیم (ع) در آن افکنده شد ، آتشی انبوه و شدید بود .

قالوا حرّقوه

<تحریق> (مصدر <حرّقوه>) و مبالغه در <حرق> (سوزاندن) است; یعنی، سوزاندن بسیار و شدید.

۶- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم إن کنتم فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۳

۳- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر افکنده شدن در آتش ، با نیرنگ و توطئه دیگری از سوی بت پرستان روبه رو گشت .

و أردوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <کیداً> نیرنگ جدید و غیر از افکندن در آتش باشد; زیرا در معنای <کید> محرمانه بودن نهفته است، در حالی که افکندن در آتش کاری علنی بود نه مخفی; به علاوه تعبیر <أرادوا> ; یعنی، اراده کردند و خواستند (نه عملی کردن) شاهد این مدعا است. گفتنی است تنوین <کیداً> برای تفخیم و تعظیم باشد که در این صورت بیانگر بزرگی نیرنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۴ – ۱،۶،۸،۹

۱ – تنها واکنش

قوم ابراهيم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو

۶ - در بین قوم ابراهیم ، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت .

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه

<أو> در <أو حرّقوه> می تواند برای تنویع و می تواند برای اباحه باشد. بنابر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

۸ - قوم ابراهیم ، سرانجام تصمیم گرفتند که ابراهیم (ع) را در آتش بسوزانند .

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه فأنجیه اللّه من النار

۹ - قوم ابراهیم ، برای عملی ساختن تصمیم خود ، ابراهیم را در آتش پرتاب کردند .

فما كان جواب قومه . .. أو حرّقوه فأنجیه اللّه

<فاء> در <فأنجاه> برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن می تواند چنین باشد: <ثم جعلوه فی النار>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۵

۵ - پیام توحیدی حضرت ابراهیم (ع) پیش و پس از انداخته شدن در آتش ، تفاوتی نداشت .

إنّما تعبدون من دون اللّه أوثنًا . .. إلّا أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه ... و قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش ، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن ، هجرت کرد .

و إبرهیم إذ قال . .. اعبدوا اللّه ... فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ... أو حرّ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی <قال> حضرت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۲

۲ - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهیم (ع) در آتشی پرحرارت و پرشعله

فألقوه فی الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۳

۳ - نجات ابراهیم (ع) ، از میان تلی از آتش پرشعله مشرکان

فألقوه فی الجحیم . .. فجعلنهم الأسفلین

سوزاندن با آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۴

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

سوزاندن پشت ثروت اندوزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۵ – ۳

۳ پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره

های گداخته ، داغ خواهند کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم

سوزاندن پهلوی ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۳

۳ پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره های گداخته ، داغ خواهند کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم

سوزاندن پیشانی ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۳

۳ پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره های گداخته ، داغ خواهند کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم

سوزاندن در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۴

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال . .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو حر

سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۷

۷ – اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

سوزاندن صورت بدکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۴

۴ – سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبت

وجوههم فى النّار هل تجزون إلاّ ما كنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون. ..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

سوزاندن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحريق . .. إنّ بطش ربّك لشديد

حرف <إنّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فى اليمّ نسفًا

<تحریق> (مصدر <لنحرّقنّه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثمّ لننسفنّه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان

سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ

<انظر> فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۲

۲۲ - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده : < و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم > روایت شده که فرموده است : < فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذرّه فی الیمّ قال : فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول اللّه : و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم ;

موسی(ع) قصد]نابودی[گوساله]سامری[را نمود; پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر]مخلوط با آب را [می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم>.

سوزاندن مجرم در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۷

۷ - قتل یا سوزاندن مخالفان و یا مجرمان ، از مجازات های دوران حضرت ابراهیم (ع)

فما کان جواب قومه إلاّ

أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه

سوزاندن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۲،۳

۲ - اصرار و مداومت اصحاب اخدود ، بر مقابله با مؤمنان و آزار دادن و سوزاندن آنان

يفعلو ن

فعل مضارع، هرگاه درباره كارهاى گذشته به كار رود، استمرار را مى رساند.

۳ - در ديدگاه اصحاب اخدود ، ايمان مردم ، جرمى سنگين و موجب كيفر سوزاندن بود .

ما يفعلون بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴ - مؤمنانى كه زير شكنجه كافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالك بوستان هاى بهشت خواهند شد .

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

ارتباط اين آيه با آيه قبل، بيانگر برداشت ياد شده است.

سوگند از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

{سوگند}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۴

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگويى و سوگند به < لا و اللّه و بلى و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فى الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الكذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلى و اللّه

كافى، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پى در پى و يك قسم دروغ ، از مصاديق جدال در حج است .

و لا جدال فى الحجّ

امام باقر (ع) يا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل . .. و اذا

حلف بیمین واحده کاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

آثار حنث سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۱۰

۱۰- شکستن سوگند و پیمان ، دارای بازتاب های ناگوار دنیوی و عذاب بزرگ اخروی

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا . .. و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <تذوقوا. ..> اشاره به ناگواریهای دنیوی و <عذاب عظیم> اشاره به عذاب اخروی باشد.

آثار سوءاستفاده از سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۴،۵

۴- سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی ، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <قدم> ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

۵- فریب دادن دیگران با سوگند ، زمینه بی اعتبار شدن آنها در روابط اجتماعی است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که سست شدن قدمها، کنایه از بی اعتبار شدن اصل سوگند در نظر مردم باشد.

آثار سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ سوگند به خدا ، امری خطیر و مسؤولیت آفرین .

اقسموا باللّه جهد ایمنهم

جمله <اقسموا باللّه .

..> می رساند که بخشی از ملامت مؤمنان نسبت به عهدشکنی بیماردلان بدان جهت بوده است که آنان علی رغم سوگند به خدا بر پیمان خویش با مؤمنان وفادار نماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۹

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخران من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخران من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۷

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۱

۱۱- سوگند و پیمان انسان با دیگران ، زمینه آزمایش الهی برای وی

تتّخذون أیمنکم . .. إنما یبلوکم الله به

آثار سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - سوگند مؤکد به خدا ، نشانگر ایمان نیست ; بلکه فرمان بری نیکو از خدا و رسول او ، علامت ایمان است .

و أقسموا باللّه جهد أيمنهم . .. قل لاتقسموا

طاعه معروفه

آثار سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۵

۲۵ کسی که با سوگند دروغ مال مسلمانی را به چنگ آورد ، مورد غضب الهی است .

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه . .. لهم عذاب الیم

رسول اللّه (ص): من حلف یمیناً یقتطع بها مال اخیه، لقی اللّه عز و جل و هو علیه غضبان فانزل اللّه تصدیق ذلک فی کتابه <ان الذین یشترون . .. >.

امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸، جزء ۱۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ حفظ آبرو در برابر مردم ، با سوگند دروغ و بی توجهی به رضایت خدا و رسولش ، موجب رسوایی و ذلت انسان در آخرت است .

یحلفون باللّه لکم . .. فان له نار جهنم ... ذلک الخزی العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳

۴ - انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتّخذوا أیمنهم جنّه فصدّوا عن سبیل اللّه

مطلب یاد شده از تفریع <فصدّوا. ..> بر <اتّخذوا...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفّت بار الهی

فلاتطع المکذّبین . .. کلّ حلّاف مهین ... عتلّ بعد ذلک زنیم ... سنسمه علی الخرطوم

اجتناب از سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحیات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

اجتناب از سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً . .. کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله <کذلک یبین اللّه لکم ءایته> مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و . .. .

احکام سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱،۴،۱۲

۱ حرمت دستاویز قراردادن نام خداوند در سوگند حتی در سوگند های صادقانه و کار های خیر

و لا تجعلوا اللّه عُرضهً لایمانکم

با توجه به ظهور نهی و با توجّه به معنای لغوی <عُرضه>، نتیجه این می شود که نباید خدا را در معرض سوگند قرار داد و در هر موقعیّتی از نام خدا برای سوگند استفاده کرد.

۴ سوگند بر ترک کار های خیر ، تعهّدآور نیست .

و لا تجعلوا الله عُرضه لایمانکم

۱۲ یکی از مصادیق حرمت سوگند خوردن به خدا بر ترک کار های خیر سوگند بر سخن نگفتن با برادر و با مادر است .

و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم

امام باقر (ع) درباره آیه <و لا تجعلوا اللّه عرضه لایمانکم> فرمود: یعنی الرجل یحلف ان لا یکلّم اخاه و ما اشبه ذلک او لا یکلّم امّه

تفسیر عیاشی، ص ۱۱۲، ج ۳۳۹ ; نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۲،۴

۲ سوگند های لغو و بیهوده ، تعهّدآور نیست .

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم

۴ ضرورت تعهّد و وفاداری نسبت به سوگندهایی که برخاسته از اراده و قصد قلبی است .

و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۱،۲،۳،۸،۹

۱ مرد می تواند تا مدّت چهار ماه بر سوگند به ترک آمیزش با همسر خویش (ایلاء) باقی بماند .

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

<یؤلون> از <ایلاء> و در لغت

به معنای سوگند است. اما در اصطلاح، سوگند مرد بر ترک آمیزش با همسر خویش به مدّت بیش از چهار ماه است. مراد آیه نیز معنای اصطلاحی آن است.

۲ جواز سوگند بر ترک آمیزش جنسی با همسران (ایلاء) و انعقاد آن

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

۳ شرط تحقق ایلاء و احکام خاص آن ، سوگند بر ترک آمیزش جنسی در بیش از چهار ماه است .

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

از اینکه خداوند می فرماید که ایلاءکننده می تواند چهار ماه منتظر بماند; معلوم می شود که ایلاء و احکام خاص آن در صورتی است که سوگند بر ترک آمیزش، یا برای همیشه باشد و یا برای مدتی بیش از چهار ماه.

۸ جواز شکستن سوگند در ایلاء ، قبل از گذشتن چهار ماه

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

از لام <للذین> که برای جواز است، هم جواز ترک وطی تا چهار ماه و هم جواز آمیزش پیش از تمام شدن چهار ماه، استفاده می شود.

۹ کسانی که با شکستن سوگند بر ترک آمیزش جنسی به زندگی زناشویی بازگردند ، مشمول رحمت و غفران الهی هستند .

للذین یؤلون . .. فان فاءو فانّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۵

۱۵ جواز سوگند به خداوند

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به

مفهوم <تسآءلون به> (تو را به خدا قسم چنین کن)، نوعی از قسم و مورد تأیید قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۴،۷،۸،۹،۲۳،۲۸،۲۹

لزوم وفای به سوگند های برخاسته از قصد و نیت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۹ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا در کفاره قسم

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عیالکم من اوسط ذلک . .. .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۴.

۲۳ احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذلک کفّره ایمنکم . .. کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی،

خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات . .. فقاموا هولاء فقالوا يا رسول اللّه فقد حلفنا على ذلك فانزل اللّه تعالى <لايؤاخذكم اللّه باللغو فى أيمنكم ...>.

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

۲۹ اطعام ده مسكين ، هر نفر به مقدار يک مُدّ (ده سير) ، كفاره شكستن قسم

فكفّرته اطعام عشره مسكين من اوسط ما تطعمون اهليكم

امام صادق(ع) در توضيح <اوسط ما تطعمون> در آيه فوق فرمود: هو كما يكون انه يكون فى البيت من يأكل اكثر من المد و منهم من يأكل اقل من المد فبين ذلك . .. .

كافى، ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۷; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۳.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصيت ، در صورتى است كه پس از نماز سوگند ياد كنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه ان ارتبتم

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و داراى ارزش قانونى در شهادت بر وصيت

فيقسمان باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۳ - ۴

۴ < سوگند به خدا > براى اثبات حقايق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل إى و ربى إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۷،۸،۹،۱۱،۱۲

۷ هنگام سوگند یاد$ کردن و پیمان بستن با خدا ، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا

شود .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

۸ وفا نکردن به عهد و قسم در صورت استثنای موارد عذر و ناتوانی ، پیامدی (عقوبت ، کفاره و . . .) نخواهد داشت .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم . .. قال الله علی ما نقول وکیل

۹ استطاعت شرط لزوم وفا به عهد ، قسم و تکالیف الهی است .

إلاّ أن یحاط بکم

۱۱ مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتی تؤتون موثقًا

۱۲ لزوم پایبندی به عهد و قسم و عمل به مقتضای آن

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۲

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۴

۴ سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۵

۵- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرک إنهم . .. یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۲ – ۲

۲- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربّک لنسئلنّهم

از سوگند خداوند

بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۳،۴،۵

۳- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن ، حرام است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

۴- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

۵- توجه داشتن و جدّی بودن در سوگند ، شرط تحقق و تنجز آن

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۳

۳- ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لاتکونوا . .. تتّخذون أیمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱

۱- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه ، حرام است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۲

۲- سوگند یادکردن با نام مقدس < اللّه > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تاللّه لأكيدنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۳

۳ - سوگند بر ترک انفاق به خويشاوندان ، بينوايان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، حرام و وفا نكردن به آن جايز است .

و لايأتل أُوْلوا الفضل منكم و السعه أن يؤتوا أُوْلى القربى و المسكين و المهجرى

حرمت در برداشت ياد شده از نهى <لايأتل> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۳ – ۸

۸ – سوگند به دروغ ، ممنوع است .

قل لاتقسموا

تردیدی نیست که سوگند منافقان، سوگندی دروغین بود. بنابراین نهی خداوند از چنین سوگندی، دلیل بر ممنوعیت آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳ – ۳

۳ – سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القرءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبراسلام(ص) استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳ – ۷

۷ – جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلّم

و الصفّت صفًّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّلیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱ – ۵

۵ – سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر(ص) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۵

۵ - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۵

۵ - < عن

بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ : < فلاأُقسم بمواقع النجوم > قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزّوجلّ <فلاأُقسم بمواقع النجوم> سؤال كردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه كسانی كه به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۶

۶ - جواز سوگند برای اثبات حقيقت ، پس از اثر نداشتن دلايل و براهين روشن

و إنّه لقسم لو تعلمون عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۲ - ۳

۳ - مقرر شدن شكستن سوگند بر محروميت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن كفّاره

قد فرض اللّه لكم تحلّه أيمنكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۳

۳ - جواز سوگند ، برای اثبات حقيقت

و القمر . .. و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۶

۶ - سوگند برای اثبات و يا تأكيد مطلب حق ، جايز است .

و المرسلت عرفًا . .. فالملقيت ذكرًا

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۴

۴ - < عن محمّد بن مسلم قال : قلت لأبی جعفر (ع) قول اللّه عزّوجلّ < و الّیل

إذا يغشى . . . > و ما أشبه ذلک فقال : إنّ للّه عزّوجلّ ان يُقْسِمَ من خلقه بما شاء و ليس لخلقه أن يُقْسِمُوا إلاّ به ;

از محمـدبن مسـلم روايت شده كه گفت: به امام باقر(ع) عرض كردم: قول خداى عزّوجلّ <و الّيل إذا يغشـى. ..> [كه در آن به <شب> سوگنـد ياد شده]و مشابه اين [سوگندها چه حكمى دارد؟]فرمود: براى خداى عزّوجلّ است كه به مخلوقات خود، به هر چه كه خواست سوگند ياد كند; ولى مخلوقاتش نمى توانند سوگند ياد كنند، مگر به او>.

استثناء در سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۷،۸

۷ هنگام سوگند ياد$ كردن و پيمان بستن با خدا ، شايسته است صورت ناتوانى از پايبند بودن به پيمان و سوگند استثنا شود .

لتأتنّنى به إلاّ أن يحاط بكم

كردن و پيمان بستن با خدا، شايسته است صورت ناتوانى از پايبند بودن به پيمان و سوگند استثنا شود.

۸ وفا نكردن به عهد و قسم در صورت استثناى موارد عذر و ناتوانى ، پيامدى (عقوبت ، كفاره و . . .) نخواهد داشت .

لتأتنّنى به إلاّ أن يحاط بكم . .. قال الله على ما نقول وكيل

اعتبار سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصيت ، در صورتى است كه پس از نماز سوگند ياد كنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه ان ارتبتم

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و داراى ارزش قانونى در شهادت بر

وصیت

فیقسمان باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۶

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

امتحان با وفای به سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۱۰

۱۰– دستور خداوند به رعایت پیمان ها و سوگند ها و پرهیز از نقض عهد و سوگندشکنی ، تنها برای آزمایش انسان است .

و أوفوا بعهد الله . .. و لاتکونوا ... تتّخذون أیمنکم دخلاً بینکم ... إنما یبلوک

اهتمام لاوی به سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۰ – ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

اهمیت سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۹

۹- سوگند و پیمان ، ارزشی است که نباید در معاملات مادی تحت الشعاع قرار گیرد .

دخلاً بینکم أن تکون أُمّه هی أربی من أُمّه

اهمیت سوگند به خدا

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتی تؤتون موثقًا من الله . .. إلاّ أن یحاط بکم

اهمیت وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۱،۱۲،۱۷

۱۱ مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتی تؤتون موثقًا

۱۲ لزوم پایبندی به عهد و قسم و عمل به مقتضای آن

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به

۱۷ یعقوب (ع) برای واداشتن فرزندانش به پایبندی به سوگند و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله علی ما نقول وکیل

از جمله <الله . ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۵،۱۴

۵- عمل به مفاد سوگند و پیمان ، امری لازم و از اصول مهم در روابط اجتماعی است .

و لاتکونوا کالتی نقضت غزلها . .. تتّخذون أیمنکم دخلًا بینکم

۱۴- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله . .. تتّخذون أیمنکم دخلًا ... و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما ک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۲

۲- اهتمام اسلام به پایبند ساختن مردم ، نسبت به سوگند ها و

پیمان های خویش

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها . .. و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۷

۷ - وفای به سوگند ، امری مهم و تخلف ناپذیر

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

<حنث> (مصدر <تحنث>) به معنای شکستن سوگند و وفا نکردن به مقتضای آن است. نهی خداوند از چنین کاری، گویای برداشت یاد شده است.

بزرگترین سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۱

۱ - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلاأُقسم بموقع النجوم . و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

بی اعتباری سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۴

۴ - سوگند و تعهد بر محرومیت خویش از مباحات و حلال ها ، عملی بی اعتبار در نگاه وحی

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

بی اعتنایی به سوگند متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

تأکید سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۳

۳- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن ، حرام است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

تاریخ سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ -

۱۳ رواج سوگند به خداوند در عصر بعثت

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۶

۶ سوگند به نام خدا ، دارای سابقه ای طولانی در تاریخ بشر

قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۲ – ۵

۵ – وجود سنّت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدراسلام و پیش از آن

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

تاریخ سوگند به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۱ – ۵

۵ سوگند به نام خدا ، دارای پیشینه تاریخی و مجاز در شریعت های گذشته

تالله لقد ءاثرک الله علینا

حتمیت وفای به سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۴ – ۷

۷ – وفای به سوگند ، امری مهم و تخلف ناپذیر

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

<حنث> (مصدر <تحنث>) به معنای شکستن سوگند و وفا نکردن به مقتضای آن است. نهی خداوند از چنین کاری، گویای برداشت یاد شده است.

حرمت حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۳

۳- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن ، حرام است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

حقیقت سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۷

۷- عهد بستن با خدا و سوگند خوردن به

او ، در حقیقت ضامن و کفیل گرفتن خداوند بر خویش است .

و أوفوا بعهد الله . .. و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً

حنث سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۶ – ۸،۹

۸ جواز شکستن سوگند در ایلاء ، قبل از گذشتن چهار ماه

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

از لام <للذین> که برای جواز است، هم جواز ترک وطی تا چهار ماه و هم جواز آمیزش پیش از تمام شدن چهار ماه، استفاده می شود.

۹ کسانی که با شکستن سوگند بر ترک آمیزش جنسی به زندگی زناشویی بازگردند ، مشمول رحمت و غفران الهی هستند .

للذین یؤلون . .. فان فاءو فانّ اللّه غفور رحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۷ – ۲،۲۰

۲ اهل کتاب ، شکننده قسم های خویش برای رسیدن به اهداف دنیوی

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم ثمناً قلیلا

۲۰ سوداگران با شکستن عهد الهی و سوگند های خویش از گناهان بزرگ

انّ الذین یشترون . .. و لهم عذاب الیم

کیفر سخت، نشانه بزرگی گناه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۳ – ۱۰

۱۰ نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد

.

لايؤاخذكم اللّه باللغو فى أيمنكم

از رسول خدا(ص) روايت شده كه پس از حمد و ثناى الهى، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات . .. فقاموا هولاء فقالوا يا رسول اللّه فقد حلفنا على ذلک فانزل اللّه تعالى <لايؤاخذكم اللّه باللغو فى أيمنكم ...>.

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۸

۸- شكستن عهد و سوگند خود با خدا ، به منزله خيانت به ضمانت الهى است .

و لاتنقضوا الأيمن بعد توكيدها و قد جعلتم الله عليكم كفيلاً

حنث سوگند بر ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - حكم خداوند مبنى بر شكستن سوگند درباره محروميت از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حكيمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است .

قد فرض اللّه لكم تحلّه أيمنكم . .. و هو العليم الحكيم

حنث سوگند محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۲ - ۱

۱ - توصيه خداوند به پيامبر (ص) ، مبنى بر شكستن سوگند خود درباره محروم شدن از عملى مباح و حلال ، براى جلب رضايت همسران خود

قد فرض اللّه لكم تحلّه أيمنكم

حنث سوگند مشركان جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶،۸

۶ - مشركان جزيره العرب ، مردمى سوگندشكن و غيرصادق در ادعاى ايمان به پيامبر الهى ويژه

خود

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذير ما زادهم إلاّ نفورًا

۸ – نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

رد خواسته های سوگند خورندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۰ – ۱

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سوگند خورندگان بی مبالات

و لاتطع کلّ حلّاف

<حلّاف> صیغه مبالغه است. ازاین رو می رساند که حلّاف کسی است که بسیار سوگند یاد می کند و بر این کار عادت کرده است; چه آن که راست و بجا باشد و چه دروغ و بی جا. بدین جهت در برداشت یاد شده، تعبیر بی مبالاتی آمده است.

زمینه بی اعتباری سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۵

۵– فریب دادن دیگران با سوگند ، زمینه بی اعتبار شدن آنها در روابط اجتماعی است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که سست شدن قدمها، کنایه از بی اعتبار شدن اصل سوگند در نظر مردم باشد.

زمینه سوگند دروغ منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۲

۲ - دروغ گويى ، استفاده ابزارى از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاييده كفر و بى ايمانى منافقان

ذلك بأنّهم ءامنوا ثمّ كفروا

<ذلك> مى تواند

به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

زیان حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۷

۷- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حنث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

سرزنش بی مبالاتی در سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۳

۳ - عادت به سوگند یاد کردن و بی مبالاتی در این امر ، عملی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ حلّاف

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که آیه شریفه، در مقام مذمت و محکومیت است.

سرزنش سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - سوگند دروغ ، امری ناپسند و نکوهیده در بینش الهی

و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون

سوءاستفاده از سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱

۱- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه ، حرام است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۲

۲ - دروغ گویی ،

استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا

<ذلک> می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

سوگند آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۴

۴- آزر ، با سوگند بر سنگسارکردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیًّا

<ملیّاً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

سوگند آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۲

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

سوگند ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۱

۱- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حیله و تدبیر کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تاللّه لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

<کید> به معنای حیله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۳ – ۴،۵

۴ – سوگند ابراهیم (ع) ، بر شکستن بت های مشرکان

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <یمین> به معنای قسم

باشد. بر این اساس <با> به معنای سببیت است؛ یعنی، ابراهیم(ع) به سبب سوگندی که یاد کرده بود، ضربه ای محکم بر بت ها فرود آورد.

۵ – وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

سوگند ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۲ – ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۲ – ۷،۱۲

۷– سوگند ابلیس برای به دست گرفتن زمام امور و منحرف ساختن فرزندان آدم (ع) – جزاندکی از آنان – در صورت مهلت خداوند به وی تا روز قیامت

لئن أخّرتن إلی یوم القیمه لأحتنکنّ ذریّته إلاّ قلیلاً

۱۲– ابلیس ، علی رغم سوگند و تصمیم قطعی بر گمراه کردن ذریه آدم (ع) ، بر ناتوانی خویش از تسلط بر گروه اندکی از آنان اعتراف کرد .

لأحتنکنّ ذریّته إلاّ قلیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۲ – ۱،۲

۱ - سوگند ابلیس به عزت پروردگار

قال فبعزّتک

۲ - ابلیس ، برای گمراه کردن انسان ها ، عزمش را جزم نمود و بر آن سوگند یاد کرد .

قال فبعزّتک لأغوینّهم

از آمدن

آیه شریفه به همراه <با>ی قسم در <فبعزّتک> و نیز آمدن لام قسم و <نون> تأکید در <لأغوینّهم>، برداشت یاد شده به دست می آید.

سوگند اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالَم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالَم برزخ است.

سوگند اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

سوگند اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۵

۵ - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۸ - ۱

۱ - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لا یستثنون

<استثنا> به معنای خارج کردن است و <لایستثنون> عطف بر <لیصرمنّ> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط <إن کنتم صارمین> برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۳ - ۲

۲ - مشاوره و گفتوگوی پنهانی باغداران یمنی ، درباره کیفیت چیدن میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم یتخفتون

<تخافت> (مصدر <یتخافتون>) به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت وگوی پنهانی است.

سوگند انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۱

۱ – پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

جمله <ربّنا

یعلم> (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند <شهد اللّه> و <علم اللّه>) در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

سوگند ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - سوگند ایوب (ع) به تنبیه کردن همسر خطاکارش

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

مفسران درباره آیه شریفه براساس روایات وارده گفته اند: ایوب(ع) به خاطر خطایی که همسرش مرتکب شده بود، سوگند یاد کرد که او را تنبیه کند; ولی به خاطر خوبی ها و خدمات همسرش دوست نداشت که او را به نحوی که سوگند یاد کرده تنبیه نماید. از این رو خداوند به خاطر لطف و عنایت به او و همسرش، دستور داد با تهیه دسته ای از گیاه تنها یک بار به همسرش بزند تا بدین شکل به سوگند خود عمل کرده باشد.

۵ - ایوب (ع) ، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود; به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

سوگند بر بی گناهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۲

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از

فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . .. فما جزؤه إن کنتم کذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۳،۵

۳ - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفّاره

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

۵ - وجود سنّت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدراسلام و پیش از آن

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

سوگند بر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۶

۶ - سوگند پیامبر (ص) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربّی لتأتینّکم

سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است.

از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سوگند بر حقانیت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام

إنّک لمن المرسلین

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سوگند بر شرک ستیزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۷ – ۱

۱– سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حیله و تدبیر کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تاللّه لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

<کید> به معنای حیله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

سوگند برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۲،۱۳

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق>

به معنـای عهـد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهـد و پیمانی است همراه با سوگنـد. <من الله> بیانگر این است که بایـد سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثّقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

۱۳ فرزنـدان یعقوب سوگنـد یاد کردند و با خدا پیمان بسـتند که در حد اسـتطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتی تؤتون موثّقًا . .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزنـدان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشـتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگنـد یـاد می شود) در آیه شـریفه <لقـد علمتم> است ; ولی در حقیقت <مـا جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۳

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثّقًا من الله

سوگند برای آمادگی نظامی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، برای اثبات آمادگیشان جهت جهاد کردن ، با سخت ترین سوگند ها ، به خدا سوگند یاد می کردند .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

مقصود از خروج در جمله <لیخرجنّ> طبق نظر مفسران و شأن نزول آن، خروج از شهر و دیار خویش و حرکت برای جهاد است.

سوگند برای اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۳

۳ - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القرءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبراسلام(ص) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷ - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلّم

و الصفّت صفًّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّلیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۵

۵ – سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر(ص) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۴ –

۵ - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۶

۶ - جواز سوگند برای اثبات حقیقت ، پس از اثر نداشتن دلایل و براهین روشن

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۳

۳ - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . .. و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۶

۶ - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و المرسلت عرفًا . .. فالملقیت ذکرًا

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

سوگند برای اثبات حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷ - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلّم

و الصفّت صفًّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّلیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

سوگند برای احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۲

۲- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربّک لنسئلنّهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز

و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

سوگند برای احیای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۲

۲- سوگند یادکردن با نام مقدس < اللّه > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تاللّه لأكيدنّ

سوگند برای تبرئه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فى الأرض و ما كنا سرقين

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ; ولی در حقیقت <ما جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فى الأرض

سوگند به آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۷

۷ - < [فى المجمع] فى قوله < و والد و ما ولد > . . . قيل آدم و ما ولد من الأنبياء و الأوصياء و اتباعهم عن أبى عبداللّه (ع

; (

[در مجمع البیان] درباره قول خدا <و والد و ما ولد> آمده است:

گفته شـده که مقصود آدم و فرزنـدانش از پیـامبران و اوصـیا و پیروانشـان می باشـد و این معنـا از امام صادق(ع) روایت شـده است>.

سوگند به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السّماء ذات الحبک

<حبیکه> و <حبـاک> (مفردهای <حُبُک>) در معانی اسـتحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شـده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته (آسمان)

و السقف المرفوع

<مرفوع>; یعنی، بلند و برافراشـته شده. مراد از <سـقف مرفوع> ظاهراً آسـمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱ – ۱

۱ – سوگند خداوند به آسمان

و السماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۴ – ۳

۳ – خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . .. إن كلّ نفس لمّا عليها حافظ

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۱ – ۳

۳ – سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۳ – ۲

۲ – خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۵ – ۱

۱ – سوگند خداوند به آسمان

و السماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور

آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الّیل إذا عسعس

<الّیل> عطف بر <الخُنّس> است و قسم مؤکد در <لا اُقسم> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عسعس> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند; ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عسعسه>; یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عسعس> هر دو زمان را شامل است.

سوگند به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که <والد و ما ولد>، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أُقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

سوگند به ابرهای باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲ - ۱

۱ - سوگند الهی به ابر های گرانبار

فالحملت وقرًا

<وِقْر> بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادها می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

سوگند به اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحًا

<قدح>، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با <ایراء> (مصدر <موریات>) به یک معنا است (تاج العروس). عطف <موریات> بر <عادیات> با حرف <فاء>، بیانگر ارتباط <پیدایش جرقه> با <دویدن اسب ها> است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحًا

<اغاره> (مصدر <مغیرات>)، به معنای تاختن سریع اسب

برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). <صبحاً> ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعًا

فعل <أثرن>، عطف بر <مغیرات> و بیانگر آثار <اغاره> است؛ بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است برمی گردد. <اثاره> (مصدر <أثرن>) به معنای منتشر ساختن است. <نقع>؛ یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدّت غبار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعًا

<جمع>، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف

بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر شدّت مال دوستی دشمنان دین ، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه لحبّ الخیر لشدید

سوگند به اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که <والد و ما ولد>، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أَقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی كبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

سوگند به اعتدال روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

شمس - ۹۱ - ۷ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سوّیها

حرف <ما> در <ماسوّاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر <و ما سوّاها> را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات که نمودار سوگند به مخلوقات است با احتمال اول مناسب تر است.

سوگند به الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۹ - ۲

۲ مشرکان مکه معتقد به <الله> بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۲

۲- سوگند یادکردن با نام مقدس < اللّه > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تاللّه لأكيدنّ

سوگند به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۷

۷ - < [فی المجمع] فی قوله < و والد و ما ولد > . . . قیل آدم و ما ولد من الأنبیاء و الأوصیاء و اتباعهم عن أبی عبداللّه (ع) ;

[در مجمع البیان] درباره قول خدا <و والد و ما ولد> آمده است: گفته شده که مقصود آدم و فرزندانش از پیامبران و اوصیا و پیروانشان می باشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

سوگند به انجیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۱،۲

- سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

سوگند به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه <والد> ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد؛ بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

سوگند به باد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند ، به باد های پیاپی

و المرسلت عرفًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مرسلات> بادها باشد.

سوگند به بادها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲ - ۳

۳ – سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آبستن باران

فالحملت وقرًا

کلمه <حاملات>، می تواند وصفی دیگر برای بادها باشد. در این صورت مراد از <وِقْر> (بار سنگین)، ابر سنگین و باران زا خواهد بود که به وسیله بادها حمل می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳ – ۴

۴ – سوگند

الهی ، به باد ها که آرام در آسمان روان اند .

و الذریت ذروًا . .. فالجریت یسرًا

سوگند به بادهای غباری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱ – ۱

۱ – سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذروًا

<ذَرْو> به معنای پاشیدن و پراکندن و <ذاریات> (جمع <ذاریه>) به معنای <پراکننده ها> است. مراد از <پراکننده ها> بادها است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرّات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادها مژده آور باران است.

سوگند به بادهای مبشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱ – ۱

۱ – سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذروًا

<ذَرْو> به معنای پاشیدن و پراکندن و <ذاریات> (جمع <ذاریه>) به معنای <پراکننده ها> است. مراد از <پراکننده ها> بادها است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرّات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادها مژده آور باران است.

سوگند به برجهای آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

سوگند به بلندترین ستاره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۳ – ۲

۲

- سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق . .. النجم الثاقب

<نجم ثاقب>; یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

سوگند به بنای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند; ولی یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

سوگند به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۳،۵

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعد دو منطقه است که یکی مانند <کوفه> سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند <بیت المقدس> سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است; زیرا <نوح>(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در طور سینا و پیامبر اسلام(ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین

> فالتين المدينه ، و الزيتون بيت المقدّس ، و طور سينين الكوفه و هذا البلد الأمين مكّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

سوگند به پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الّیل إذا عسعس

<الّیل> عطف بر <الخُنّس> است و قسم مؤکد در <لا اُقسم> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عسعس> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند; ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عسعسه>; یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عسعس> هر دو زمان را شامل است.

۳ - < [فی المجمع] < و اللیل إذا عسعس > أی أدبر بظلامه ، عن علیّ (ع) ;

از علی(ع) درباره <و اللیل إذا عسعس> روایت شده که: یعنی [سوگند به شب آن هنگام که] با سیاهی خود پشت کرده [و رو به صبح می رود]>.

سوگند به

پیشگامان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقًا

سوگند به تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الّیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الّیل إذا سجی

<سجی الّیل>; یعنی، شب با تاریکی خود ساتر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقاییس اللغه)

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجْو>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است; یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرّک بودن موجودات در شب است.

سوگند به ترک انفاق

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۳

۳ - سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، حرام و وفا نکردن به آن جایز است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

حرمت در برداشت یاد شده از نهی <لایأتل> استفاده شده است.

سوگند به تعدیل کننده روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۶

۶ - سوگند خداوند ، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سوّیها

چنانچه مراد از <ما> در <ما سوّاها> خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای <من>، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در <ما> وجود دارد.

سوگند به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از <طور> در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از <کتاب مسطور>، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

سوگند به جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است.

کلمه <نفس> گرچه نکره است; ولی بر ابهام دلالت نـدارد. بلکه مراد جنس نفس است; زیرا آنچه بعـد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

سوگند به حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهـاد ، حتی غبـار برخاسـته از آن ، ارزشـمند و دارای عظمتی درخور سوگنـد خـداوند است .

فأثرن به نقعًا

سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف <ال> در <الّیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهـد گرفته و مراد از <الّیل> را شب عیـد قربان دانسـته انـد. در برداشت یاد شـده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسـر>; یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسـری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعـد، حرف آخر آن حذف شده است. اسـناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگنـد های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شـفع ، وتر و گذشت شب ، به صـحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

- سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

سوگند به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحقّ> مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

سوگند به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۸ - ۱

۱ – سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی جهان هستی

فلاأُقسم بما

تبصرون

درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، مفسران توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق ناشناخته و دیده نشده جهان هستی

فلاأُقسم بما . .. و ما لاتبصرون

سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند به خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۵

۵ – سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه <ما> در <مابناها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن <ما> در این موارد با توجّه به این که این کلمه بیش از <من>

موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

سوگند به خالق مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می توانـد موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصـداق خود را بیشتر مجسم می کنـد; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

سوگند به خالق مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می توانـد موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصـداق خود را بیشتر مجسم می کنـد; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۴ - ۹

۹ قَسَم و شاهد گرفتن خداوند ، دستاویز منافقان برای اثبات اظهاراتِ خود

و یُشهد اللّهَ علی ما فی قلبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۴ – ۱۱،۱۰،۲

۲ سوگند به خداوند ، نباید مانع

انجام کار های نیک ، تقوا و اصلاح میان مردم قرار گیرد .

و لا تجعلوا اللّه عُرضهُ لایمانکم ان تبرّوا و تتقوا و تصلحوا بین الناس

بنابر اینکه <عرضه> به معنای مانع باشد.

۱۰ هشدار خداوند به کسانی که او را دستاویز سوگند های خود قرار می دهند .

و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم . .. و اللّه سمیع علیم

۱۱ سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجلعوا اللّه عُرضهً لایمانکم

ان اللّه عز و جل یقول: <و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم>

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۳

۱۳ رواج سوگند به خداوند در عصر بعثت

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ سوگند به خدا ، امری خطیر و مسؤولیت آفرین .

اقسموا باللّه جهد ایمنهم

جمله <اقسموا باللّه . ..> می رساند که بخشی از ملامت مؤمنان نسبت به عهدشکنی بیماردلان بدان جهت بوده است که آنان علی رغم سوگند به خدا بر پیمان خویش با مؤمنان وفادار نماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۳

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۶

۶ شهادت شاهدان جایگزین در

امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان صدر اسلام به خداوند ، برای اثبات ایمان خویش و همراهی خود با مؤمنان

و یحلفون باللّه إنهم لمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۴

۴ < سوگند به خدا > برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل إی و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتی تؤتون موثقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۲

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تاللہ لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۴

۴ سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۶

۶ سوگند به نام خدا ، دارای سابقه ای طولانی در تاریخ بشر

قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۱

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای

مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۹

۹- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۴

۴- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۳

۳ - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۶

۶ – سوگند پیامبر (ص) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربّی لتأتینّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۶ – ۱

۱ – پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

جمله

<ربّنا يعلم> (پروردگار ما مى داند) و نظاير آن (مانند <شهد اللّه> و <علم اللّه>) در عرف عرب براى گواه گرفتن خدا بر راستى امرى و نيز در حكم قسم و جانشين آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما بنيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۶

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما طحيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۷

۷ - سوگند خداوند به خود

و ما سوّيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأكيد بر رستگارى اهل تزكيه ، به < خورشيد و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمين > ، < روح > و < ذات خويش > ، سوگند ياد كرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هايى است كه از آغاز سوره مطرح شده بود. برخى آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و يا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب

> ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۴

۴ - < عن محمّد بن مسلم قال : قلت لأبی جعفر (ع) قول اللّه عزّوجلّ < و الّیل إذا یغشی . . . > و ما أشبه ذلک فقال : إنّ للّه عزّوجلّ ان یُقْسِمَ من خلقه بما شاء و لیس لخلقه أن یُقْسِمُوا إلاّ به ;

از محمدبن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزّوجلّ <و الّیل إذا یغشی. ..> [که در آن به <شب> سوگند یاد شده]و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟]فرمود: برای خدای عزّوجلّ است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند; ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۳

۳ - سوگند خداوند به خویش

و ما خلق الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی

سوگند

به خدا در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۳

۳- سوگند به خداوند ، امری رایج در بین مردم در صدراسلام

و أقسموا بالله جهد أیمنهم

سوگند به خلقت آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۵ – ۳

۳ – سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند; ولی یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

سوگند به خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱ – ۱

۱ – سوگند خداوند به خورشید

و الشّمس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند

، در تأکیـد بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشـید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسـمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

<سـجر> در معـانی پرکردن و شـعلهور کردن به کـار می رود. بنـابراین <مسـجور> یـا به معنای <مملو> (پر شـده) و یا به معنای شعلهور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

سوگند به دوران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به عصر پیامبر (ص)

و العصر

حرف <ال> در <العصر>، برای عهد حضوری است; یعنی، سوگند به این عصر!

۲ - عصر پیامبر (ص) ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و العصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (ص) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إنّ الإنسن لفی خسر

سوگند به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر -

۱ - ۹۲ - ۱۵

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۸

۸- خداوند با سوگند به ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها (خاور ها) و مغرب ها (باختر ها)

فلاأُقسم بربّ المشرق و المغرب

درباره <لا> در <لا أُقسم> و امثال آن، مفسران توجیهات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <أُقسم> می باشد.

سوگند به روح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۷ – ۲

۲ – روح

، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّيها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به روز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۳ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلّيها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر مفعولی <جلّاها> به <الشمس> برنمی گردد; زیرا جلا

یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر <الأرض>، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

۲ - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی . فأمّا من أعطی ... للیسری . و أمّا من بخل ... فسنی

سوگند به روز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۸،۹

۸ - < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قیل لک ؟ فقال : قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال کرد،

حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست; بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

۹ - < عن علیّ (ع) قال : . . . و الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم النحر ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است>.

سوگند به روز عرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۸

۸ - < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قیل لک ؟ فقال : قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه

است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست; بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

سوگند به روزگار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی <عصر> دهر است; یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد. (تاج العروس)

سوگند به روشنایی روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلّی

۲ - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلّی

سوگند به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۲

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و

شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

سوگند به ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است; یعنی،

<اقسم بکلّ نجم إذا هوی>. <هُوِیّ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۷

۷ - < روی أنّ هارون الرشید أنفذ إلی موسی بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الکاظم . . . واللّه تبارک و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم . . . ;

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم(ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: . .. خدای تبارک و تعالی <نجوم> (ستارگان) را مدح فرموده و به <مواقع النجوم> قسم یاد کرده است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

حرف <لا> در <لاأُقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لاأُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خنّس> جمع <خانس> است و مصدر آن <خنوس>; یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَس>; یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

- سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

برخی از اهل لغت و تفسیر <خُنّس> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخنّس . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح

... إنّه لقول رسول كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق <برج> بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . .. إن كلّ نفس لمّا عليها حافظ

سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۷

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی

که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را

<طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره طارق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱ – ۲

۲ – سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

سوگند به ستاره عطارد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۳

۳ – سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

سوگند به ستاره مریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۳

۳ – سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

سوگند به ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۳

۳ - سوگند

خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

سوگند به سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الّیل إذ أدبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغازِ سحر است.

سوگند به شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الّیل و ما وسق

واژه <وَسْق> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند(مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق

. .. لتركبنّ طبقًا عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف <ال> در <الّیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الّیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر>; یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

۲ - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و الّیل إذا یسر

می توان گفت، <حرکت شب> تعبیری است مانند <شب خوابیده> که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّك> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

طَبَـق و[سرپوش هایی]مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، <غطاء> نام دارد; همان طور که به پوشاک و [روانداز‌هایی]مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، <غشاء> می گویند (مفردات راغب). بنابراین <یغشاها> که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت <أرض> گرفته شده به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الّیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن >

، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الّیل إذا یغشی

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الّیل إذا یغشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی . فأمّا من أعطی ... للیسری . و أمّا من بخل ... فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱

۱ – سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر

موجودات

و الّیل إذا سجی

<سجی الّیل>; یعنی، شب با تاریکی خود ساتر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقاییس اللغه)

سوگند به شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ – سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر كيف فعل ربّك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند

بر نـابود سـاختن مخالفان پیامبر(ص) باشـد; در این صورت جواب قسم محـذوف خواهـد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداونـد ، برای تأکیـد مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شـفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یـاد شـده جمله <إنّ ربّک> می توانـد جواب سوگنـدهایی باشـد که در آغاز سوره آمـده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

سوگند به شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشـفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصـداق شـفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شـده است; برخی گفته اند: <شـفع> روز هشـتم ذی الحجه (یوم الترویه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شـفع و وتر تطبیق داده انـد. در نظری دیگر، شـفع روز قربـان و وتر روز عرفـه اسـت. ایـن احتمـال نیز وجـود دارد کـه <شـفع>، به تمـام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد; زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ -

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت

شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّك> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

سوگند به شفق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۶ – ۱

۱ – سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فلا أُقسم بالشفق

مشهور بین اهل لغت، این است که <شفق> همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف <لا> می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفیِ پندار قبل می دانند(کشاف).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق . .. لتركبنّ طبقًا عن طبق

سوگند به شکافتن زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۲ – ۳

۳ – سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

سوگند به شهاب سنگها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ -

۱ - ۴

۴ - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

سوگند به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به بامداد ; زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفّس

<تنفّس روز> به معنای توسّع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ - سوگند خداوند به سپیده دم ; زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفّس

از معانی <تنفّس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است; به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

سوگند به صبحگاهان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

سوگند به صحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

سوگند به صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبراسلام (ص)

إنّه لقول رسول کریم

سوگند به طلاق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۸

۱۸ - از امام باقر (ع) روایت شـده که فرمود : < ان من خطوات الشـیطان الحلف بالطلاق و النـذور فی المعاصـی و کل یمین بغیر اللّه ;

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد>.

سوگند به طلوع ماه(قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تلیها

<إذا> در <إذا تلیها>، سوگند به ماه

را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد <إذا> را ظرف برای <کائنًا> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره برای <القمر> به حساب می آید; اختصاص قسم به این زمان خاصّ، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

۲ – سوگند خداوند ، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تليها

<تلوّ> (مصدر <تلی>)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از <إذا تلاها>، فقط همان شب ها است.

۴ – ماه و ظهورِ آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

سوگند به طوفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفت عصفًا

<عاصفه> (مفرد <عاصفات>) به معنای باد شدید و طوفان است.

سوگند به عزت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۲ – ۱

۱ – سوگند ابلیس به عزت پروردگار

قال فبعزّتک

سوگند به عزت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سوگند به عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱

۴ -

۴ - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشیّ> (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

سوگند به عید قربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۹

۹ - < عن علیّ (ع) قال : . . . و الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم النحر ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است>.

سوگند به غبار اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعًا

فعل <أثرن>، عطف بر <مغیرات> و بیانگر آثار <اغاره> است; بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است برمی گردد. <اثاره> (مصدر <أثرن>) به معنای منتشر ساختن است. <نقع>; یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدّت غبار دلالت دارد.

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

سوگند به غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

سوگند به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۵

۵- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرک إنهم . .. یعمهون

سوگند به فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ،

شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّک> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

سوگند به فرزندان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه <والد> ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد; بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به

وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

سوگند به قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحیِ الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتّلیت ذکرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

۳ - سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن کریم

فالتّلیت ذکرًا

سوگند به قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سوگند به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است; یعنی، <أقسم بالقرآن الحکیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <و القرآن> برای قسم است; یعنی، <اُقسم بالقرآن. ..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام (ص)

و القرءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنّك لمن المرسلین> در سوره <یس> و. .. مربوط

به رسالت پیامبراسلام(ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرءان ذی الذکر إنّک لمن المرسلین یا إنّک صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۴

۴ - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۱

۱- سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوی

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد; زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

سوگند به قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

سوگند به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به روز قیامت

لاأُقسم بیوم القیمه

مفسّران درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <أُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵

۸ - < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قیل لک ؟ فقال : قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست; بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

۱۰ - < روی عن الحسن بن علی (ع) و هو یُحِدِّثُ عن رسول اللّه (ص) فقیل له أخبرنی عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أما المشهود فیوم القیامه . أما سمعته سبحانه یقول : < یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهدًا و مبشّرًا و نذیرًا > و قال : < ذلک یوم مجموع له الناس ذلک یوم مشهود ;

از امام حسن(ع) روایت شده که از رسول

خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمّد(ص) است و امّا مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: <یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهداً و مبشّراً و نذیراً> و فرموده: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

سوگند به کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از <طور> در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از <کتاب مسطور>، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به کتاب ها و نوشته ها

و ما یسطرون

سوگند به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون> یا مصدریه (یعنی <و سطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الذی یسطرونه>) است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

سوگند به کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجریت یسرًا

>یسر< نقطه مقابل >عسر< و

به معنای سهولت و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

سوگند به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

<واو> در <و البیت. ..> برای قسم و مقصود از <بیت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

سوگند به کوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۳،۵

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعد دو منطقه است که یکی مانند <کوفه> سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند <بیت المقدس> سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است; زیرا <نوح>(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در طور سینا و پیامبر اسلام(ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین > فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی

. .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هـذا البلد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

سوگند به کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۱

۱ – سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطّور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۲ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْناء> مشهور گردد.

۲ – < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

سوگند به کوهها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۵

۵ - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطّور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است

که مراد از <طور> مطلق کوه باشد.

سوگند به گستراننده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۵

۵ - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه <ما> در <و ماطحاها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. <طحو> (مصدر <طحاها>) مانند <دحو> است؛ یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

سوگند به گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

<ما> در <ماطحاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی <ما> را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات که سوگند به مخلوقات است سازگارتر است.

سوگند به گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۳ – ۶

۶ – سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شـهادت به معنای گواهی دادن باشد; نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشـهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به> است.

سوگند به لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۳

۳- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم

او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <لعمرک . ..> ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

سوگند به ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ماه

و القمر

سوگند به ماه(قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتّسق

<اتساق قمر>، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۴

۴ – ماه و ظهورِ آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تلیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده

است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّيها

تكرار <قد>، نشانگر آن است كه جمله <قد خاب. ..>، جوابى مستقل براى قسم هاى پيشين است.

سوگند به ماه(قمرى)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأكيد بر رستگارى اهل تزكيه ، به < خورشيد و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمين > ، < روح > و < ذات خويش > ، سوگند ياد كرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هايى است كه از آغاز سوره مطرح شده بود. برخى آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و يا محذوف دانسته اند.

سوگند به مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، به مجاهدان صف بسته و سخت كوش

و الصفّت صفًّا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، به مجاهدان بازدارنده دشمنان و فريادزننده بر سر آنان

فالزّجرت زجرًا

<زجر> به معناى <منع> و <بازداشتن> است. واژه <زجره> (مفرد <زاجرات>) نيز معادل <صيحه> و به معناى فرياد

می باشد که در برداشت یاد شده هر دو استعمال ملاحظه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۳

۳ - سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن

کریم

فالتّلیت ذکرًا

سوگند به محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۵

۵- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرک إنهم . .. یعمهون

سوگند به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بنابراین مبناست که مخاطب جمله <لعمرک> به قرینه آیات ۴۹ و۵۱B پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (نبّیء عبادی . .. و نبّئهم ...) پیامبراکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - < روی عن الحسن بن علی (ع) و هو یُحِدِّثُ عن رسول اللّه (ص) فقیل له أخبرنی عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أما المشهود فیوم القیامه . أما سمعته سبحانه یقول : < یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهدًا و مبشّرًا و نذیرًا > و قال : < ذلک یوم مجموع له الناس ذلک یوم مشهود ;

از امام حسن(ع) روایت شده که از رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمّد(ص) است و امّا مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای

که می فرماید: <یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهداً و مبشّراً و نذیراً> و فرموده: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

سوگند به مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۵

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین > فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

سوگند به مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف <ما> مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت <مذکر> و <مؤنث> است. این احتمال نیز وجود دارد که <ما> موصول باشد; ولی مصدریه بودن آن که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود; نه خالق با سوگند به <لیل> و <نهار> تناسب

بیشتری دارد.

سوگند به مغرب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند به محل افول و غروب ستارگان

فلاأُقسم بموقع النجوم

<موقع> (مفرد <مواقع>) می تواند اسم مکان و به دو معنا آمده است: محل استقرار و محل سقوط، برداشت بالا بر پایه معنای دوم است.

سوگند به مقدسات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۳

۳ - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

سوگند به مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۳،۵

۳ - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلاأُقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مواقع> به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

۵ - < عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ : < فلاأُقسم بمواقع النجوم > قال : أعظم إثم من یحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزّوجلّ <فلاأُقسم بمواقع النجوم> سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۱،۳

۱ - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلاأُقسم بموقع النجوم . و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

۳ - درک عظمت سوگند

به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <لو تعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لو تعلمون احوال مواقع النجوم>.

سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند مؤکّد خداوند به شهر مکه

لا أُقسم بهذا البلد

حرف <لا> در <لا أُقسم>، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: <لا أُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤکّد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدّعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أُقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۵

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین > فالتین المدینه ، و

الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ؛

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به شهر مکه

و هذا البلد الأمین

۲ - < مکه > ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و هذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه <هذا> دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره به جای ذکر نام یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

۴ - امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و هذا البلد الأمین

سوگند به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان صف در صف و منظم

و الصفّت صفًّا

<واو> در <و الصافات. ..> برای قسم است و در این که مقصود و مصداق این آیه و دو آیه بعد چیست؛ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد، از جمله: ۱ فرشتگان، ۲ مجاهدان راه خدا. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگانِ نهی کننده و سخت بازدارنده

فالزّجرت زجرًا

<زجر> به معنای منع و بازداشتن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴ – ۱

۱ – سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۲

۲ – سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشطت نشطًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۵ – ۵

۵ – سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۹ – ۳

۳ – خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

سوگند به ملائکه قبض روح

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱ – ۳

۳ – سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقًا

سوگند به ملائکه وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحیِ الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتّلیت ذکرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفًا

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است; ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است; ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است; در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است; از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذکرًا

سوگند به موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۴

۴ - < عن محمّد بن مسلم قال : قلت لأبی جعفر (ع) قول اللّه عزّوجلّ < و الّیل إذا یغشی . . . > و ما أشبه ذلک فقال : إنّ

للّه عزّوجلّ ان يُقْسِمَ من خلقه بما شاء و ليس لخلقه أن يُقْسِمُوا إلاّ به ;

از محمـدبن مسـلم روايت شده كه گفت: به امام باقر(ع) عرض كردم: قول خداى عزّوجلّ <و الّيل إذا يغشـى. ..> [كه در آن به <شب> سوگنـد ياد شده]و مشابه اين [سوگندها چه حكمى دارد؟]فرمود: براى خداى عزّوجلّ است كه به مخلوقات خود، به هر چه كه خواست سوگند ياد كند; ولى مخلوقاتش نمى توانند سوگند ياد كنند، مگر به او>.

سوگند به موجودات در تاريكى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به شب و تمامى

موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الّیل و ما وسق

واژه <وَسْق> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند(مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

۲ - سوگند خداوند ، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد . *

و ما وسق

<ما> در <ما وسق>، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق <ما وسق>، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

سوگند به موجودات زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

سوگند به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۷

۷ - < [فی المجمع] فی قوله < و والد و ما ولد > . . . قیل آدم و ما ولد من الأنبیاء و الأوصیاء و اتباعهم عن أبی عبداللّه (ع) ;

[در مجمع البیان] درباره قول خدا <و والد و ما ولد> آمده است: گفته شده که مقصود آدم و فرزندانش از پیامبران و اوصیا و پیروانشان می باشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

سوگند به

مؤمنان سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۷

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب <اخدود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

سوگند به مؤمنان شکنجه شده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۷

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب <اخدود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

سوگند به مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف <ما> مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت <مذکر> و <مؤنث> است. این احتمال نیز وجود دارد که <ما> موصول باشد; ولی مصدریه بودن آن که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود; نه خالق با سوگند به <لیل> و

<نهار> تناسب بیشتری دارد.

سوگند به ناظران

قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۵

۵ - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

سوگند به نفس اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العديت ضبحًا

<عادیات>، از ریشه <عَدْو> (دویـدن) است و به قرینه آیات بعد که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سـخن گفته اسـت مراد، اسبان دونده است. <ضبح>; یعنی، صدای نفس های

اسب که به <ضُباح> (صدای روباه) تشبیه شده است (مفردات). جمله <فأثرن...> در آیات بعد که خبر از گذشته می دهد بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه <ذات السلاسل> بوده است.

سوگند به نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لاأُقسم بالنفس اللوّامه

سوگند به نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشیّ> (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس)

به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به

< خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ – وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

سوگند به وتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٢٠ - فجر - ٨٩ -

۱ - ۳

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه

، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّک> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

سوگند به وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

سوگند بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۶ –

۳ – سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود ، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در دنیا

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

<ارداء> (مصدر <تردین>) به معنای نابودکردن است.

سوگند ثروتمندان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۲ – ۱

۱ – خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت .

ولایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجرین

<إیتلاء> (مصدر <یأتلی>) می تواند مشتق از <الو> به معنای <تقصیر و منع> باشد. هم چنین می تواند از <الیّه> به معنای <حلف> و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای <حلف> باشد، <یؤتوا> منفی به <لا> ی محذوف است; یعنی، <لایحلفوا أن لایؤتوا...> درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: ۱ آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای <افک>، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. ۲- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای <افک>، از انفاق به <مسطح بن اثاثه> که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود امتناع ورزید.

سوگند جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۶

۶ – سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سوگند جایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۳ – ۴

< سوگند به خدا > برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل إی و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۲

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۴

۴ سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۲

۲- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربّک لنسئلنّهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۴

۴- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۷ – ۲

۲– سوگند یادکردن با نام مقدس < اللّه > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تاللّه لأکیدنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳ – ۳

۳ – سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القرءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبراسلام(ص) استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱ – ۵

۵ – سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر(ص) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۴ – ۳

۳ – جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . .. و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

سوگند جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۷ – ۱

۱ – سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

سوگند حرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۳

۳– ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لاتکونوا . .. تتّخذون أیمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱

۱- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه ، حرام است .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۳

۳ - سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، حرام و وفا نکردن به آن جایز است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین

و المهجری

حرمت در برداشت یاد شده از نهی <لایأتل> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۵

۵ - < عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ : < فلاأُقسم بمواقع النجوم > قال : أعظم إثم من یحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزّوجلّ <فلاأُقسم بمواقع النجوم> سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند>.

سوگند خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱،۲

۱ تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی که حاکمیّت پیامبر (ص) را در اختلافات نپذیرند .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

۲ سوگند خداوند به ربوبیّت خویش نسبت به پیامبر (ص)

فلا و ربّک

سوگند دادن موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۶

۶ فرعونیان ، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند .

ادع لنا ربک بما عهد عندک

<باء> در <بما عهد> در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

سوگند در آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتی تؤتون

موثقًا من الله . .. إلاّ أن يحاط بكم

سوگند در اثبات حقايق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۵۳ – ۴

۴ < سوگند به خدا > برای اثبات حقايق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل إی و ربی إنه لحق

سوگند در اديان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۱

۱۱ مشروعيت سوگند به خدا و پيمان بستن با او در اديان گذشته و لزوم پايبندی به آنها

حتی تؤتون موثقًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۹۱ – ۵

۵ سوگند به نام خدا ، دارای پيشينه تاريخی و مجاز در شريعت های گذشته

تالله لقد ءاثرک الله علينا

سوگند در جاهليت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۴ – ۹

۹ سُنّت سوگند بر ترک کار های خير در عصر جاهليّت

و لا تجعلوا اللّه عُرضه لايمانکم اَن تبرّوا و تتقوا

سوگند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۴

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم

صادق پی در پی و یک قسم دروغ ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحجّ

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ایمان متتابعات صادقاً فقد جادل . .. و اذا حلف بیمین واحده کاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

سوگند در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتی تؤتون موثقًا من الله . .. إلاّ أن یحاط بکم

سوگند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۵

۵ - وجود سنّت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدراسلام و پیش از آن

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

سوگند در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۲

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

سو گند در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سو گند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشر کین .

.. قالوا بلی و ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۱

۱ – مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالَم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالَم برزخ است.

سوگند در لعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶ – ۳

۳ – با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به

لعان نمی رسد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۱

۱ – وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۸ – ۲،۴

۲ – زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

الف ولام <العذاب> ذکری و اشاره به <مأئه جلده> است که در آیه دوم آمده بود.

۴ – < خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است > متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

سوگند در معامله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۹

۹– سوگند و پیمان ، ارزشی است که نباید در معاملات مادی تحت الشعاع قرار گیرد .

دخلاً بینکم أن تکون أُمّه هی أربی من أُمّه

سوگند در وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۱۶،۱۵،۱۴،۱۰

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی

شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <کان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . .. و لانکتم شهده اللّه

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۷۸

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت

شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر ...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّه . .. ما اعتدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد أیمن بعد أیمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد أیمن) بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ - < روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه یقتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به

دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱۱

۱۱ سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجعلوا اللّه عُرضهً لایمانکم

ان اللّه عز و جل یقول: <و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم>

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنّا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عثر علی انهما استحقا . .. و اللّه لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۳

۳ سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۱۲

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه

نبودن تخلفشان

سيحلفون باللّه . .. و اللّه يعلم إنهم لكذبون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱،۱۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پليدی است .

يعتذرون إليکم . .. سيحلفون باللّه ...إنهم رجس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۹۶ – ۱،۲،۵

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضايت مؤمنان مجاهد

يحلفون لکم لترضوا عنهم

۲ خداوند ، مؤمنان را از تأثيرپذيری در برابر رياکاری و سوگند های دروغين منافقان هشدار داد .

فإن ترضوا عنهم فإن اللّه لا يرضی عن القوم الفسقين

۵ روی آوری به سوگند های دروغ ، از روش های منافقان برای دستيابی به هدف های خويش

سيحلفون باللّه . .. يحلفون لکم

سوگند دروغ ابليس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۲ – ۱

۱ شيطان با فريبکاريها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما . .. فدليهما بغرور

<تـدليه>، مصدر <دلیّ>، به معنای فرسـتادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شـجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن

سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

سوگند دروغ در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۳ – ۳

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۸ – ۵

۵ – توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

سوگند دروغ در لعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۹ – ۳

۳ – زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

سوگند دروغ شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۱ – ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

سوگند دروغ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۷ – ۲

۲ عدم امکان گریز از جامعه اسلامی برای منافقان صدر اسلام ، عامل رو آوردن آنان به سوگند دروغ برای مؤمن جلوه دادن خود

و یحلفون باللّه إنهم لمنکم . .. لو یجدون ملجئاً ... لولّوا إلیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۲ – ۱،۴

۱ سوگند های دروغ منافقان به خداوند نزد مؤمنان ، برای جلب رضایت آنان

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم

۴ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد سوگند های دروغ منافقان

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۱

۱ روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

یحلفون باللّه ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۴ – ۱۰،۱۱

۱۰ – منافقان ، آگاهانه متوسل به سوگند های دروغ می شدند .

و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون

۱۱ – توسل به سوگند دورغ ، از نشانه های نفاق و از ترفند های منافقان برای پوشش دادن نفاق و دورویی خویش .

و یحلفون علی الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵،۸

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

۸ - منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له .

.. و يحسبون أنّهم على شىء

کلمه <شیء> در <أنّهم على شیء> موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن <على شیء نافع> می باشد; یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۲ – ۴،۷

۴ – انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتّخذوا أيمنهم جنّه فصدّوا عن سبيل اللّه

مطلب یاد شده از تفریع <فصدّوا. ..> بر <اتّخذوا...> به دست می آید.

۷ – هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتّخذوا أيمنهم جنّه فصدّوا عن سبيل اللّه

سوگند زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۲ – ۵

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم يفعل ما ءامره ليسجنن و ليكونًا من الصغرين

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

سوگند شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۱،۲

۱ سوگند و عزم راسخ شیطان بر گمراه کردن مردم

و لاضلنهم

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاضلنهم>، دلالت بر تصمیم قطعی شیطان دارد.

۲ سوگند و عزم راسخ شیطان بر سر گرم کردن مردم به آرزو های پوچ

و لامنینهم

<امنین> از مصدر <تمنیه> به معنای القای آرزوهای موهوم و خیالی است.

سوگند ظالمان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۹

۹- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا . .. أو لم تکونوا أقسمتم من قبل ما لکم من زوال

سوگند فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

سوگند فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

سوگند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. قالوا بلی و ربنا

سوگند کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۰ – ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم

إذاً لخسرون

سوگند کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمتهای اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ینال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

سوگند گروههای نُه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <نبیّتنّ>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

سوگند گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۹،۱۱،۱۶

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غيركم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> مى تواند ناظر به هر دو

طائفه از شاهـدان <ذوا عـدل منكم> و <ءاخران من غيركم> باشـد. و مى تواند تنها ناظر به طائفه دوم يعنى <و ءاخران من غيركم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنى بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصيت ، در صورتى است كه پس از نماز سوگند ياد كنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه ان ارتبتم

۱۶ شاهـدان بر وصيت بايـد در خاتمه سوگنـد خويش تأكيـد كنند كه اگر در اداى شـهادت خيانت كرده باشـند از گنهكاران محسوب مى شوند .

فيقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمين

سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۴

۴ سوگند بر ترک كار هاى خير ، تعهّدآور نيست .

و لا تجعلوا الله عُرضه لايمانكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند كسى را به خاطر سوگند بيهوده اش مؤاخذه نمى كند .

لا يؤاخذكم اللّه باللغو فى ايمانكم و لكن

مراد از سوگند لغو، سوگندهايى است كه معمولا به خاطر عادت بر زبان جارى مى شود; بدون اينكه يادكننده سوگند، نسـبت به آن قصد قلبى داشته باشد. اين معنا از مقابله <باللغو> با <بما كسبت قلوبكم> به دست مى آيد.

۲ سوگند هاى لغو و بيهوده ، تعهّدآور نيست .

لا يؤاخذكم اللّه باللغو فى ايمانكم

۵ ناپسندى سوگند هاى بيهوده و لغو *

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم . .. و اللّه غفور حلیم

از آیه مزبور استفاده می شود که یادکننده سوگندهای بیهوده، استحقاق مؤاخذه را دارد; ولی خداوند تفضّلا او را مؤاخذه نمی

کند. این برداشت، مخصوصاً با تکیه بر صفت <غفور> که در پایان آیه آمده است، استفاده می شود.

۸ عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حِلم پروردگار

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم . .. و اللّه غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به <لا یؤاخذ> است; نه <یؤاخذکم>. چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است; نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱،۲،۲۷،۲۸

۱ سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذه ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

<اَیمان> جمع یمین (قسم) و <فی أیمنکم> متعلق به <للغو> می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

۲ تفضل الهی بر اهل ایمان با برداشتن مؤاخذه و بازخواست از سوگند های لغو و بی هدف .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

لحن امتنانی جمله <لایؤاخذکم> می رساند که عدم مؤاخذه نسبت به سوگندهای لغو و بی هدف، برخاسته از تفضل و لطف خدا به مؤمنان است.

۲۷ سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

امام صادق(ع) در توضیح معنی <لغو> در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل <لاواللّه> و <بلی واللّه> و لایعقد علی شیيء.

کافی، ج ۷، ص ۴۴۳، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۳.

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذایذ بر خویشتن ، لغو

است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات . .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول اللّه فقد حلفنا علی ذلک فانزل اللّه تعالی <لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

سوگند متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون باللّه . .. و اللّه یعلم إنهم لکذبون

سوگند متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

یحلفون لکم

لترضوا عنهم

سوگند متهمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۴ – ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . .. فما جزؤه إن کنتم کذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

سوگند محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۶

۶ – سوگند پیامبر (ص) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربّی لتأتینّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱ – ۱۱

۱۱ – < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله تعالی : < یا أیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک > قال : إطّلعَتْ عائشةُ و حفصه علی النبیّ و هو مع ماریه فقال النبیّ (ص) : و اللّه ما أقربُها ، فأمره اللّهُ أن یکفّرَ [عن] یمینه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند تعالی: <یا أیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک> روایت شده که فرمود: عایشه و حفصه بر رسول خدا(ص) ظاهر شدند در حالی که آن حضرت با ماریه بود. پس فرمود: به خدا سوگند با او نزدیک نمی شوم. پس خداوند او را امر کرد تا برای سوگند خود کفّاره دهد [و حلال خدا را

با قسم بر خود حرام نکند]>.

سوگند مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۶،۹

۶ تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق بر این مبناست که <هولاء> اشاره به بیماردلان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا باشد.

۹ تعهد دروغین مسلمانان ضعیف الایمان بر یاری مؤمنان با سوگندهایی مؤکد

و یقول الذین ءامنوا اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق بر این مبناست که خطاب در <معکم> متوجه مؤمنان واقعی باشد ; یعنی برخی از مؤمنان پس از فتح و پیروزی به برخی دیگر چنین گفتند: <اهولاء . ..> در این صورت مشارالیه <هولاء>، بیماردلان خواهد بود.

سوگند مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ; یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

سوگند مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۹ – ۲،۷

۲ مشرکان مکه معتقد به <الله> بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

۷ ترفندها و سوگند دروغین مشرکان

مبنی بر ایمان آوردن در صورت نزول آیات، در برخی مؤمنان مؤثر بوده است.

و ما یشعرکم أنها إذا جاءت لایؤمنون

<کم> خطاب به مؤمنین است و از این خطاب چنین بر می آید که احتمالاـ برخی از مؤمنان تحت تأثیر خواسته مشرکان بودند و خواهان عملی شدن خواستهای آنان می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۴

۴ - < روی عن أبی جعفر و أبی عبداللّه علیهما السلام أنّ مواقع النجوم رجومها للشیاطین فکان المشرکون یقسمون بها . . . ;

از امام باقر و صادق(علیهماالسلام) روایت شده که <مواقع نجوم> رجم شیاطین است که به وسیله ستارگان انجام می شود و مشرکان به آن قسم یاد می کردند>.

سوگند مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۲

۲ شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۵

۵ شرک پیشگان صدر اسلام ، بر پیمان خود با مسلمانان سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

قوماً نکثوا أیمنهم

سوگند مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱ مشرکان مکه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لئن جاءتهم ءایه

سوگند مکذّبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۴

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

سوگند منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۶

۶ دروغ ، سوگند به خدا ، توجیه اعمال ناروا و عذرتراشی ، از شگرد های منافقان

یصدّون عنک صدودا . .. ثمّ یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

به دلیل <یصدّون عنک> معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذرتراشی برای اعمال ناروایشان بوده است ; نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۲،۵

۲ خداوند ، مؤمنان را از تأثیرپذیری در برابر ریاکاری و سوگند های دروغین منافقان هشدار داد .

فإن ترضوا عنهم فإن اللّه لا یرضی عن القوم الفسقین

۵ روی آوری به سوگند های دروغ ، از روش های منافقان برای دستیابی به هدف های خویش

سیحلفون باللّه . .. یحلفون لکم

سوگند منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان صدر اسلام به خداوند ،

برای اثبات ایمان خویش و همراهی خود با مؤمنان

و یحلفون باللّه إنهم لمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۱

۱۱ تمسک منافقان به سوگند دروغ برای اثبات حسن نیت خویش در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

و لیحلفن إن أردنا إلا الحسنی

سوگند موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۴

۴ - سوگند موسی به قدرت دشمن شکن و خدادادی خویش

قال ربّ بما أنعمت علیّ

درباره <با> در <بما أنعمت> دو دیدگاه از سوی مفسران ارائه شده است برخی آن را سببیه و برخی هم قسم دانسته اند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

سوگند ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۴

۴ مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

بـا توجه به ارتبـاط این بخش از آیـات و بیـان احکام قسم در آیه ۸۹ می تـوان گفـت مراد از <لا ـ تحرموا . ..> نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام

کردن) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۳

۱۳ روی عن أبی جعفر و أبی عبدالله(ع): إن من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و النذور فی المعاصی و کل یمین بغیر الله تعالی.

از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است: سوگند بر مطلقه شدن همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی به غیر نام خدای تعالی، پیروی از گامهای شیطان است.

سوگند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ; یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

شرایط تنجز سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۵

۵- توجه داشتن و جدّی بودن در سوگند ، شرط تحقق و تنجز آن

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها

شرایط وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۹

۹ استطاعت شرط لزوم وفا به عهد ، قسم و تکالیف الهی است .

إلّا أن یحاط بکم

عجز در وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۷۸ - ۶۶

۷ هنگام سوگند یاد$ کردن و پیمان بستن با خدا ، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

۸ وفا نکردن به عهد و قسم در صورت استثنای موارد عذر و ناتوانی ، پیامدی (عقوبت ، کفاره و . . .) نخواهد داشت .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم . .. قال الله علی ما نقول وکیل

عذاب اخروی حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- شکستن سوگند و پیمان ، دارای بازتاب های ناگوار دنیوی و عذاب بزرگ اخروی

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً . .. و تذوقوا السوء بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <تذوقوا. ..> اشاره به ناگواریهای دنیوی و <عذاب عظیم> اشاره به عذاب اخروی باشد.

فرعونیان و سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۶

۶ فرعونیان ، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند .

ادع لنا ربک بما عهد عندک

<باء> در <بما عهد> در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

فلسفه حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت

از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است .

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم . .. و هو العلیم الحکیم

فلسفه سوگند به انجیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۴ – ۴

۴ – برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

فلسفه سوگند به تاریکی شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۳ – ۷

۷ – خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلسفه سوگند به زیتون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۴ – ۴

۴ – برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

فلسفه سوگند به سینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین

- ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

فلسفه سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که

در آغاز سوره آمده بود.

فلسفه سوگند محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۲

۲ - سوگند پیامبر (ص) ، بر محروم کردن خود از عملی مباح و حلال ، به خاطر جلب رضایت برخی از همسران

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

فلسفه سوگند منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۱

۱ - منافقان ، زیر سپر سوگند ، نفاقشان را پنهان می کردند .

اتّخذوا أیمنهم جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۱،۷

۱ - منافقان ، زیر سپر سوگند ، نفاقشان را پنهان می داشتند .

اتّخذوا أیمنهم جنّه

۷ - هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتّخذوا أیمنهم جنّه فصدّوا عن سبیل اللّه

کفاره حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۳

۳ – مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفّاره

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

کیفر حنث سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۹ – ۳

۳ سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذه بر سوگند و لزوم کفاره تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند به

آن وفادار نماند (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) فرزندانش را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزندانش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

کیفر سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۴

۲۴ کسانی که قسم دروغ می خورند ، در آخرت نصیبی نداشته و عذابی دردناک در انتظار آنان است .

انّ الّذین . .. و ایمانهم ثمناً قلیلاً

امام صادق (ع)، در ضمن شمارش گناهان کبیره فرمود: و الیمین الغموس ; لأنّ اللّه عز و جلّ یقول <انّ الـذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم ثمنا قلیلا اولئک لا خلاق لهم فی الاخره . .. >.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۳۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۵.

کیفیت سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۵

۵ - < خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم > ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زنای همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذين يرمون أزوجهم . .. فشهده أحدهم أربع شهدت باللّه إنّه لمن الصدقين

کیفیت سوگند در وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ –

۱۱ - ۱۰۶

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه إنّا اذاً لمن الظلمین

گناه حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۶

۶ شکستن سوگند گناه و پرداخت کفاره موجب بخشایش آن است .

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن فکفّرته . .. ذلک کفّره ایمنکم

مؤاخذه سوگندشکنان دلیل عصیانگری آنان است و کلمه کفاره که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۶

۱۶ شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی ، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است .

الله علی ما نقول وکیل

گناه سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

مراد از <اثماً> به قرینه <انا اذاً لمن الاثمین> شهادتهای دروغین است.

مکر با سوگند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۳

۳- ممنوعیت استفاده از سوگند

به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لاتکونوا . .. تتّخذون أیمنکم دخلاً بینکم

ممنوعیت سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۸

۸ - سوگند به دروغ ، ممنوع است .

قل لاتقسموا

تردیدی نیست که سوگند منافقان، سوگندی دروغین بود. بنابراین نهی خداوند از چنین سوگندی، دلیل بر ممنوعیت آن است.

موانع حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۱۰

۱۰- توجه انسان به احاطه علمی خداوند بر رفتارش ، مانع شکستن عهد و سوگند است .

و أوفوا . .. و لاتنقضوا ... إن الله یعلم ما تفعلون

نقش سوگند در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(ص) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

نهی از سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۶

۶ - منافقان صدراسلام ، از هر گونه سوگند خوردن برای حسن نیت خود و آمادگی برای جهاد ، بر حذر شدند .

و أقسموا باللّه . .. لئن أمرتهم لیخرجنّ قل لاتقسموا

نهی از سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۷

۷ - منافقان ، حق سوگند یاد کردن به خدا

را ، برای اثبات حسن نیت خویش نداشته و از آنان پذیرفته نیست .

و أقسموا باللّه . .. لئن أمرتهم لیخرجنّ قل لاتقسموا

وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۹

۴۹ وفاکنندگان به سوگند ، راستگویان در گفتار و دارندگان استقامت قلب و عفت در شکم و شهوت ، از راسخان در علم هستند .

و الراسخون فی العلم

رسول اللّه (ص) در پاسخ سؤال از مفهوم راسخان در علم فرمود: من برّت یمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و من عفّ بطنه و فرجه فذلک من الراسخین فی العلم

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۴،۱۸،۱۹

۴ لزوم وفای به سوگند های برخاسته از قصد و نیت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن

۱۸ لزوم وفاداری و پایبندی به سوگند های خویش

و احفظوا ایمنکم

۱۹ تعیین کفاره برای قسم نبایستی دستاویزی برای شکستن سوگند قرار گیرد .

ذلک کفّره ایمنکم إذا حلفتم و احفظوا ایمنکم

فرمان وفاداری به سوگند (واحفظوا أیمنکم) پس از بیان کفارات قسم اشاره به این دارد که اگر چه پرداخت کفاره موجب

بخشایش گناه آن می شود ولی مکلف نباید آن را مجوز شکستن سوگند خویش بپندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۳ – ۵

۵ – وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

وفای به سوگند ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ –

ص - ۳۸ - ۴۴ - ۲،۳

۲ - تنبیه همسر با دسته ای از گیاه خشک و تر آن هم یک بار ، توصیه خداوند به ایوب (ع) برای ادای سوگندش

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

<ضغث> به یک دسته از گیاه خشک و تر گویند.

۳ - چاره جویی خداوند برای ایوب (ع) در مشکل ادای سوگندش به تنبیه همسرش

خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

سوگندشکنان

{سوگندشکنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۸

۸- نقض کنندگان سوگند ، بازدارندگان مردم از راه خدایند .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً . ..بما صددتّم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

انذار سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۴

۱۴- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله . .. تتّخذون أیمنکم دخلاً ... و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما ک

دنیاطلبی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۴

۴- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیاپرست ، کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم . .. و لاتشتروا بعهد الله ثمنًا قلیلاً

از تعبیر <ثمناً قلیلاً ـ> (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود; زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

کوته بینی سوگندشکنان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۴

۴- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیاپرست ، کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا أیمنکم دخلًا بینکم . .. و لاتشتروا بعهد الله ثمنًا قلیلًا

از تعبیر <ثمناً قلیلاً-> (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود; زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

مؤاخذه اخروی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۴

۱۴- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله . .. تتّخذون أیمنکم دخلًا ... و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما ک

سوگندهای قرآن

سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۹

۹- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل –

۱۶ - ۶۳ - ۱

۱- سوگند خداوند به خویش ، مبنی بر ارسال پیامبرانی به سوی امت های مختلف ، پیش از ظهور اسلام

تالله لقد أرسلنا إلی أُمم من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۱

۱- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر ختمی بودن احضار منکران معاد و شیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربّک لنحشرنّهم والشیطین

ضمیر مفعولی در <لنحشرنّهم> به <انسان> در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند. <حشر>; یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۸

۸- خداوند با سوگند به ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۶

۶ – سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن دارد که <القول> در

فراز قبلی، سوگند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است; یعنی، <أقسم بالقرآن الحکیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام

إنّک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <و القرآن> برای قسم است; یعنی، <اُقسم بالقرآن. ..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام (ص)

و القرءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنّک لمن المرسلین> در سوره <یس> و. .. مربوط به رسالت پیامبراسلام(ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرءان ذی الذکر إنّک لمن المرسلین یا إنّک صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۴ – ۱

۱ – سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحقّ> مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲ – ۴

۴ – سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱ – ۱

۱– سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القرءان

المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذروًا

<ذَرْو> به معنای پاشیدن و پراکندن و <ذاریات> (جمع <ذاریه>) به معنای <پراکننده ها> است. مراد از <پراکننده ها> بادها است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرّات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادها مژده آور باران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲ - ۱،۳

۱ - سوگند الهی به ابر های گرانبار

فالحملت وقرًا

<وِقْر> بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادها می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

۳ - سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آبستن باران

فالحملت وقرًا

کلمه <حاملات>، می تواند وصفی دیگر برای بادها باشد. در این صورت مراد از <وِقْر> (بار سنگین)، ابر سنگین و باران زا خواهد بود که به وسیله بادها حمل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۱،۴

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجریت یسرًا

<یسر> نقطه مقابل <عسر> و به معنای سهولت و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

۴ – سوگند الهی ، به باد ها که آرام در آسمان

روان اند .

و الذريت ذروًا . .. فالجريت يسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السّماء ذات الحبک

<حبیکه> و <حباك> (مفردهای <حُبُك>) در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۱،۵

۱ - سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطّور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

۵ - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطّور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مراد از <طور> مطلق کوه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۸

طور - ۵۲ - ۲ - ۱،۵

۱ - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از <طور> در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از <کتاب مسطور>، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

۵ - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

<واو> در <و البیت. ..> برای قسم و مقصود از <بیت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته (آسمان)

و السقف المرفوع

<مرفوع>; یعنی، بلند و برافراشته شده. مراد از <سقف مرفوع> ظاهراً آسمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

<سجر> در معانی پرکردن و شعلهور کردن به کار می رود. بنابراین <مسجور> یا به معنای <مملو> (پر شده) و یا به معنای شعلهور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۱،۴،۵،۷

۱

- سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، <اقسم بکلّ نجم إذا هوی>. <هُوِیّ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

۴ - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوی

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد؛ زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۳

۳ - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلاأُقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مواقع> به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

۲ – سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون>

یـا مصـدریه (یعنی <و سـطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الـذی یسـطرونه>) است. برداشت یاد شـده مبتنی بر احتمال نخسـت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

۲ - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبراسلام (ص)

إنّه لقول رسول کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها (خاور ها) و مغرب ها (باختر ها)

فلاأُقسم بربّ المشرق و المغرب

درباره <لا> در <لا اُقسم> و امثال آن، مفسـران توجیهات چنـدی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ماه

و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الّیل إذ أدبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغازِ سحر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۴ – ۱

۱ – سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحیط)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به روز قیامت

لاأُقسم بیوم القیمه

مفسّران درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لاأُقسم بالنفس اللوّامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۱،۵

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفًا

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است; ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است; ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است; در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است; از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

۵ - سوگند خداوند ، به باد های پیاپی

و المرسلت عرفًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مرسلات> بادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۱،۳

۱ -

سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفت عصفًا

<عاصفه> (مفرد <عاصفات>) به معنای باد شدید و طوفان است.

۳ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذکرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱ – ۳

۳ – سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۲

۲ – سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشطت نشطًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۵ – ۵

۵ – سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

حرف <لا> در <لاأُقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لاأُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خنّس> جمع <خانس> است و مصدر آن <خنوس>; یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَس>; یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

۲ - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

برخی از اهل لغت و تفسیر <خُنّس> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و

عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخنّس . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الّیل إذا عسعس

<الّیل> عطف بر <الخُنّس> است و قسم مؤکد در <لا اُقسم> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عسعس> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند; ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عسعسه>; یعنی، تاریکی خفیفی

که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عسعس> هر دو زمان را شامل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۸ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند به بامداد ; زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفّس

<تنفّس روز> به معنای توسّع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ – سوگند خداوند به سپیده دم ; زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفّس

از معانی <تنفّس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است; به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۹ – ۵

۵ – خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۶ – ۱

۱ – سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فلا أُقسم بالشفق

مشهور بین اهل لغت، این است که <شفق> همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با

حرف <لا> می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفیِ پندار قبل می دانند(کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الّیل و ما وسق

واژه <وَسْق> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند(مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

۲ - سوگند خداوند ، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد . *

و ما وسق

<ما> در <ما وسق>، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق <ما وسق>، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتّسق

<اتساق قمر>، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج

- ۸۵ - ۱ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

۳ - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق <برج> بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

۴ - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد; نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد

داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به> است.

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب <اخدود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

۸ - < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قیل لک ؟ فقال : قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست; بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

۹ - < عن علیّ (ع) قال

: . . . و الشاهد يوم الجمعه و المشهود يوم النحر ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است>.

۱۰ - < روی عن الحسن بن علی (ع) و هو یُحِدِّثُ عن رسول اللّه (ص) فقیل له أخبرنی عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أما المشهود فیوم القیامه . أما سمعته سبحانه یقول : < یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهدًا و مبشّرًا و نذیرًا > و قال : < ذلک یوم مجموع له الناس ذلک یوم مشهود ;

از امام حسن(ع) روایت شده که از رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمّد(ص) است و امّا مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: <یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهداً و مبشّراً و نذیراً> و فرموده: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد

که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق . .. النجم الثاقب

<نجم ثاقب>; یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . .. إن کلّ نفس لمّا علیها حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۲

۲ - خداوند ، با سوگند به

آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است; برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد; زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف <ال> در <الّیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الّیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است.

<یسر>; یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

۲ - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و الّیل إذا یسر

می توان گفت، <حرکت شب> تعبیری است مانند <شب خوابیده> که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّک> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند مؤکّد خداوند به شهر مکه

لا أُقسم بهذا البلد

حرف <لا> در <لا أُقسم>، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: <لا أُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤکّد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدّعا بقدری واضح

است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که <والد و ما ولد>، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

۶ - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه <والد> ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد; بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ك: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أُقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به خورشید

و الشّمس

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید

و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تليها

<إذا> در <إذا تليها>، سوگند به ماه را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد <إذا> را ظرف برای <كائنًا> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره برای <القمر> به حساب می آید; اختصاص قسم به این زمان خاصّ، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

۲ - سوگند خداوند ، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تليها

<تلوّ> (مصدر <تلی>)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از <إذا تلاها>، فقط همان شب ها است.

۴ - ماه و ظهورِ آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلّيها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر

مفعولی <جلّاها> به <الشمس> برنمی گردد; زیرا جلا- یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر <الأرض>، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

۲ - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

طَبَـق و[سرپوش هایی]مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، <غطاء> نام دارد; همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی]مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، <غشاء> می گویند (مفردات راغب). بنابراین <یغشاها> که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت <أرض> گرفته شده به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الّیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۱،۳،۵،۶

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۳ – سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به

<بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند; ولی یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

۵ - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه <ما> در <مابناها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن <ما> در این موارد با توجّه به این که این کلمه بیش از <من> موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما بنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۱،۳،۵،۶

۱ - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

۳ - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

<ما> در <ماطحاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی <ما> را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند; ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات که سوگند به مخلوقات است سازگارتر است.

۵ - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه <ما> در <و ماطحاها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. <طحو> (مصدر <طحاها>) مانند <دحو> است; یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما طحیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۷ – ۱،۲،۳،۶،۷

۱ – سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه <نفس> گرچه

نکره است; ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است; زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

۲ - روح ، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

۳ - سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سوّیها

حرف <ما> در <ماسوّاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر <و ما سوّاها> را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات که نمودار سوگند به مخلوقات است با احتمال اول مناسب تر است.

۶ - سوگند خداوند ، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سوّیها

چنانچه مراد از <ما> در <ما سوّاها> خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای <من>، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در <ما> وجود دارد.

۷ - سوگند خداوند به خود

و ما سوّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و

یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الّیل إذا یغشی

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الّیل إذا یغشی

۴ - < عن محمّد بن مسلم قال : قلت لأبی جعفر (ع) قول اللّه عزّوجلّ < و الّیل إذا یغشی . . . > و ما أشبه ذلک فقال : إنّ للّه عزّوجلّ ان یُقْسِمَ من خلقه بما شاء و لیس لخلقه أن یُقْسِمُوا إلاّ به ;

از محمدبن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزّوجلّ <و الّیل إذا یغشی. ..> [که در آن به <شب> سوگند یاد شده]و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟]فرمود: برای خدای عزّوجلّ است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند; ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلّی

۲ - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأنثی

حرف <ما> مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت <مذکر> و <مؤنث> است. این احتمال

نیز وجود دارد که <ما> موصول باشد; ولی مصدریه بودن آن که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود; نه خالق با سوگند به <لیل> و <نهار> تناسب بیشتری دارد.

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می تواند موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

۳ - سوگند خداوند به خویش

و ما خلق الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . .. إنّ سعیکم لشتّی . فأمّا من أعطی ... للیسری . و أمّا من بخل ... فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده

خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است; برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الّیل إذا سجی

<سجی الّیل>; یعنی، شب با تاریکی خود ساتر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقاییس اللغه)

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجْو>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرّک بودن موجودات در شب است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۱،۲،۳،۵

۱ - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعد دو منطقه است که یکی مانند <کوفه> سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند <بیت المقدس> سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است; زیرا <نوح>(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در طور سینا و پیامبر اسلام(ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین

> فالتين المدينه ، و الزيتون بيت المقدّس ، و طور سينين الكوفه و هذا البلد الأمين مكّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْناء> مشهور گردد.

۲ - < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به شهر مکه

و هذا البلد الأمین

۲ - < مکه > ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و هذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه <هذا> دانسته می شود; زیرا آوردن اشاره به جای ذکر نام یا

برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

۴ – امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و هذا البلد الأمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۴ – ۴

۴ – برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۶

۶ – سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العدیت ضبحًا

<عادیات>، از ریشه <عَدْو> (دویدن) است و به قرینه آیات بعد که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است مراد، اسبان دونده است. <ضبح>; یعنی، صدای نفس های اسب که به <ضُباح> (صدای روباه) تشبیه شده است (مفردات). جمله <فأثرن...> در آیات بعد که خبر از گذشته می دهد بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه <ذات السلاسل> بوده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحًا

<قدح>، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با <ایراء> (مصدر <موریات>) به یک معنا است (تاج العروس). عطف <موریات> بر <عادیات> با حرف <فاء>، بیانگر ارتباط <پیدایش جرقه> با <دویدن اسب ها> است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحًا

<اغاره> (مصدر <مغیرات>)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). <صبحاً> ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعًا

فعل <أثرن>، عطف بر <مغیرات> و بیانگر آثار <اغاره> است; بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است برمی گردد. <اثاره> (مصدر <أثرن>) به معنای منتشر ساختن است. <نقع>; یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدّت غبار دلالت

دارد.

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعًا

<جمع>، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است بازمی گردد.

۲ - آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر شدّت مال دوستی دشمنان دین ، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه لحبّ الخیر لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ.

..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۱،۲،۳،۴

۱ - سوگند خداوند ، به عصر پیامبر (ص)

و العصر

حرف <ال> در <العصر>، برای عهد حضوری است؛ یعنی، سوگند به این عصر!

۲ - عصر پیامبر (ص) ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و العصر

۳ - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی <عصر> دهر است؛ یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد. (تاج العروس)

۴ - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشیّ> (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۲ – ۲

۲ – خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (ص) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إنّ الإنسن لفی خسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن

دوزخیان در آتشِ جهنم

لینبذنّ

حرف <لام> در <لینبذنّ>، نشانگر قسم محذوف است.

عاقلان و سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

فلسفه سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را

مطرح کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

سیئه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تحقیق و تالیف : رسول ملکیان اصفهانی

سیئه

تبدیل سیئه به حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۴،۶،۱۰

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلّا من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود

دارد: ۱ تبـدیل خود اعمـال بـد به اعمال نیک; به گونه ای که در پرونـده اعمال مؤمنان به جای <سـیئه>، <حسـنه> نوشـته شود. ۲- تبـدیل آثار و پیامـدهای <سـیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسـنات> که ثواب است . گفتنی اسـت برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ توبه ، ایمان و عمل صالـح ، موجب محو شـدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلّا من تاب و ءامن و عمل عملًاصلحًا فأُولئک یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت

۱۰ تبـدیل بـدی هـای مردم توبه کـار ، مؤمن و نیکوکار به خوبی ها و جایگزین کردن ثواب به جای عقاب آنان ، برخاسـته از غفران و مهربانی خداوند

إلّا من تاب . .. فأُولئک یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت و کان اللّه غفورًا رحیمًا

یادآوری دو صـفت غفران و رحمت خداونـد، پس از وعده تبدیل بدی های مؤمنان به خوبی ها، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

مراد از سیئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - ابن ابی عمیر می گوید ، از امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود : < لایخلّد اللّه فی النار إلا أهل الکفر و الجحود و أهل الضلال و الشرک ;

خداوند غیر از کافران، معاندان، گمراهان و مشرکان، هیچ کس را مخلّد در آتش نمی گرداند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۹

۹ عن علی(ع) فی

قوله تعالی . .. <من جاء بالحسنه فله عشر امثالها>، الحسنه حبنا أهل البیت و السیئه بغضنا ... .

از امیرالمؤمنین(ع) درباره آیه <من جاء بالحسنه . .. > روایت شده است: <حسنه> دوستی ما اهل بیت و <سیئه> دشمنی ماست ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۸

۸ - < عن أبی عبدالله (ع) . . . قال الحسنه التقیه و السیّئه الإذاعه . و قوله عزّوجلّ < ادفع بالتی هی أحسن السیّئه > قال : التی هی أحسن التقیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: <حسنه> تقیه است و <سیئه> شایع کردن [اسرار] است. [در باره]قول خدای عزّوجلّ نیز <ادفع بالتی هی أحسن السیّئه> فرمود: آنکه احسن است، همان تقیه می باشد ...>.

موارد سیئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۸

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فویل للذین . ..> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

سیئات

موارد سیئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.

إن الذين فرقوا

دینهم . .. من جاء بالحسنه ... و من جاء بالسیئه

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای <الحسنه> ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق <السیئه> تفرقه در دین است.

سیاحت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سیاحت

آثار سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۵

۵ - سیاحت در زمین و تأمّل در پیدایش موجودات ، بر طرف کننده تردید انسان در امکان تحقّق معاد است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق ثمّ اللّه ینشئ النشأه الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱

۱ - تشویق جهان گردی و سیر در زمین از سوی خدا ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جای مانده از تمدن و قدرت آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

اهمیت سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۲

۲- لزوم سیر در زمین و بررسی تاریخ ملت ها ، برای عبرت آموزی

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا

تشویق به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱ - ۱

۱ پیامبر اکرم(ص) مأمور ترغیب مردم به سیر در زمین و تدبر در سرانجام تکذیب کنندگان پیامبران الهی

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیف کان عقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ خداوند ، فراخوان مردم به گشت و گذار

در مناطق زمین برای مشاهده عاقبت و فرجام تکذیب کنندگان پیامبران

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور به تشویق مردم برای سیر و سفر در زمین ، جهت مطالعه در سرگذشت پیشینیان

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱

۱ - جهان گردی و سیر در زمین ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جامانده از تمدن و قدرت آنان ، مورد تشویق خداوند

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم

توصیه به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۲

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، مشرکان را به سیر در زمین و مطالعه سرگذشت اقوام نیرومند گذشته فرامی خواند .

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

۲ – سیر در زمین و کاوش در سرگذشت پیشینیان ، مورد تشویق و ترغیب خداوند

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

دعوت به سیاحت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود تا پیام خداوند را مبنی بر سیر در زمین و مطالعه در پدیده های آفرینش ، ابلاغ کند .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

سیاحت ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۷،۸

۷ دستور آزادی مشرکان (آنانی که به خاطر تخلف از فرمان منع سیر و سیاحت در غیر ماه های حرام اسیر می شدند) در صورت پذیرش توحید و گرایش آنان به اسلام

و خذوهم . .. فإن تابوا و أقاموا الصلوه ... فخلّوا سبیلهم

۸ فرمان رفع حصر از مشرکان محاصره شده (آنان که به علت نقض فرمان منع رفت و آمد در غیر ماه های حرام محاصره می شدند) در صورت قبول اسلام و ترک شرک

و احصروهم . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

سیاحت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۵،۶

۵ مؤمنان راستین ، دارای حرکت و جنب و جوش در راستای بندگی خدا و نه مردمی راکد و زمین گیر

السئحون

گاهی واژه <السائح> درباره آبی به کار می رود که همواره در گذرگاهی جاری باشد، توصیف اهل ایمان به این صفت می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

۶ مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

السئحون

<سیح و سیاحت> (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به

سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

فلسفه سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ خداوند ، فراخوان مردم به گشت و گذار در مناطق زمین برای مشاهده عاقبت و فرجام تکذیب کنندگان پیامبران

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۴

۴ - سیر و سفر در زمین ، به منظور عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان ، کاری بایسته و لازم است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

ممانعت از سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۳

۳ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

سیاست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سیاست

آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶،۹،۱۴

۶ – قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی ، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۹ – قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۱۴ – قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت

یاد شده باشد.

دین و سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۲

۲۲ ارتباط عمیق میان فلسفه سیاسی و اعتقادی اسلام

یا ایّها الّذین امنوا اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول . .. فان تنازعتم ... ان کنتم

چون اطاعت از رسول (ص) و اولواالامر، که یک مسأله سیاسی است، مترتب به ایمان، که یک مسأله اعتقادی است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۶

۶ رابطه دین با سیاست ، رابطه ای تنگاتنگ و جدایی ناپذیر است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

در صورتی که <کفّ. ..> مترتّب بر فتح خیبر و غنایم آن (عجّل لکم هذه) باشد و نتیجه آن شمرده شود; از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

هماهنگی دین با سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۵

۵ - دین از سیاست و اجتماع جدا نیست ; بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است .

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

- ۲۶ - ۸

۸ - جدا نبودن دین از سیاست ، معیشت و تدبیر امور جامعه

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

انتخاب داوود(ع) از سوی خداونـد برای تـدبیر کلیه امور جامعه بشـری و مأموریت او برای داوری میان مردم در کلیه نزاع ها و اختلاف ها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

سیاست خارجی

{سیاست خارجی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ - ضرورت پرهیز از گفتار و اعمالی که سوء استفاده دشمنان را درپی داشته باشد .

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا

سیاسی

آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶،۹،۱۴

۶ - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی ، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

۱۴ - قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم يزده ماله و ولده إلّا خسارًا

تقديم ذكرى <ماله> بر <ولده>، ممكن است اشاره به برداشت ياد شده باشد.

آثار قدرت سياسى قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادى و سياسى صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتيجه اى جز خسارت و بدبختى براى آنان در برنداشت .

من لم يزده ماله و

ولده إلّا خسارًا

ابعاد سیاسی دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۸ – ۱۵

۱۵ – فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

اهمیت تحولات سیاسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، برحذر دارنده مسلمانان از تحلیل و برخورد سطحی با رخداد های سیاسی و توطئه های دشمنان

إنّ الذین جاءو بالإفک. .. عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم

اهمیّت اطلاعات سیاسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۴ – ۴

۴ ضرورت ایجاد تشکیلات اطلاعاتی ، برای تأمین اطلاعات سیاسی و نظامی مسلمانان در جنگ *

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا . .. فتبیّنوا

بنابر اینکه متعلّق <فتبیّنوا>، مطلق امور مربوط به جنگ باشد، برای تحقق چنین امری نیاز به تشکیلات اطلاعاتی خواهد بود.

اهمیت تحلیل سیاسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۹ – ۲

۲ ضـرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبراسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

بعد سیاسی دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۱۷

۱۷– دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أشدّاء

علی الکفّار رحماء بینهم تریهم رکّعًا سجّدًا

تعبیر <أشدّاء. ..> ترسیمگر خط سیاسی، <رحماء بینهم> بیانگر اخلاق اجتماعی و <تراهم رکعّاً...> بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

یأیّها النبیّ إذا جاءک المؤمنت یبایعنک . .. فبایعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

رهبری سیاسی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ موسی (ع) ، علاوه بر مقام نبوت ، منصب امامت و رهبری سیاسی بنی اسرائیل را نیز عهده دار بود .

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

ساختار سیاسی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۹

۹ نظام حاکم بر قوم عاد ، نظامی ظالمانه و استبدادی

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

در صورتی که <کفّ. ..> مترتّب بر فتح خیبر و غنایم آن (عجّل لکم هذه) باشد و نتیجه آن شمرده شود; از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین

کرده است.

فلسفه سیاسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۸،۲۷

۸ اِعمال رهبری بر جامعه ، در گروِ وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن

ابعث لنا ملکاً نقاتل

با توجّه به اینکه حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معیّن نکرد; با اینکه ضرورت آن روشن بود.

۲۷ فقدان زمامدار الهی در یک جامعه ، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلّط اجانب بر آنان *

من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۱۸

۱۸ دانایی گسترده خداوند نسبت به شایستگی افراد و سعه وجودی او ، منشأ اعطای حکومت به آنان طبق مشیّت خویش

ان اللّه اصطفیه علیکم . .. و اللّه واسع علیم

قدرت سیاسی فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۰ – ۵

۵ – فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

<أوتاد> (جمع <وتـد>) به معنای میخ ها است. توصـیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از اسـتحکام قـدرت او است; همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه اسـتحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سـپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

قدرت سیاسی قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۱۲

۱۲ – قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنّهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

مشکلات سیاسی مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۳ – ۹

۹- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروابودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

معاهدات سیاسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۴

۱۴ انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

موجبات قدرت سیاسی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۰ – ۹

۹ – فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هـذه> اشـاره به فتـح و غنـایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشـد; به تعبیر دیگر تقـدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

موضعگیری سیاسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور

- ۲۴ - ۵۱ - ۵

۵ - منافقان ، از نظر رفتار و مواضع سیاسی و اجتماعی در قطب مخالف مؤمنان قرار دارند .

و یقولون ءامنّا. .. و أطعنا ثمّ یتولّی ... فریق منهم معرضون ...إنّما کان قول الم

<داوری < از مهم ترین مسائل اجتماعی است و در آیات پیشین، منافقان به عنوان مخالفان داوری پیامبر(ص) و متمردان از حکم آن حضرت معرفی شدنده اند; ولی در آیه یاد شده، مؤمنان به عنوان انسان های مطیع و تن دهنده به حکم و داوری پیامبر(ص) شناسانده شدنده اند. بنابراین می توان استفاده کرد که مؤمنان و منافقان، در مواضع اجتماعی در جهت مخالف هم قرار دارند.

موضعگیری سیاسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۵

۵ - منافقان ، از نظر رفتار و مواضع سیاسی و اجتماعی در قطب مخالف مؤمنان قرار دارند .

و یقولون ءامنّا. .. و أطعنا ثمّ یتولّی ... فریق منهم معرضون ...إنّما کان قول الم

<داوری < از مهم ترین مسائل اجتماعی است و در آیات پیشین، منافقان به عنوان مخالفان داوری پیامبر(ص) و متمردان از حکم آن حضرت معرفی شدنده اند; ولی در آیه یاد شده، مؤمنان به عنوان انسان های مطیع و تن دهنده به حکم و داوری پیامبر(ص) شناسانده شدنده اند. بنابراین می توان استفاده کرد که مؤمنان و منافقان، در مواضع اجتماعی در جهت مخالف هم قرار دارند.

موقعیت سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۳

۳ - مدین ، سرزمین بیرون از قلمرو حکومت فرعون

و لمّا توجّه

تلقاء مدین

انتخاب مدین به عنوان پناهگاه، نشانگر آن است که آن سرزمین از محدوده حکومت فرعون بیرون بوده است.

موقعیت سیاسی مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - مدین ، سرزمینی خارج از قلمرو حکومت فرعون

لاتخف نجوت من القوم الظلمین

نظام سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۸،۱۲،۱۸،۲۷

۸ اِعمال رهبری بر جامعه ، در گروِ وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن

ابعث لنا ملکاً نقاتل

با توجّه به اینکه حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معیّن نکرد; با اینکه ضرورت آن روشن بود.

۱۲ لزوم پیمان گرفتن رهبری جامعه از مردم ، برای پایبندی بر تبعیّت از وی در جنگ و غیر آن

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال اَلّا تقاتلوا

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا اَلّا نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۲۷ فقدان زمامدار الهی در یک جامعه ، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلّط اجانب بر آنان *

من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۸

۸ تقدم برگزیدگان الهی بر دیگران ، در حکومت و زمامداری

نحن احقّ

بالملك منه . .. قال ان اللّه اصطفيه عليكم

نظام سياسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۶

۶ فرعون برای اداره امور مملكتی از مشورت با ديگران ابايی نداشت .

يريد أن يخرجكم من أرضكم فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمين مصر بود .

يأتوك بكل سحر عليم

فعل <يأتوك> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدير كلام چنين است: ان ترسل الحاشرين يأتوك بكل ساحر عليم. انتخاب اين تركيب برای كلام حاوی اين نكته است كه فرستادن نيروها مستلزم آوردن ساحران است و اين حكايت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمين مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۲

۱۲ نظام فرعونی ، نظامی استثمارگر

و نستحی نساءهم

چون مجرد زنده نگهداشتن زنان كيفر محسوب نمی شود و فرعون با جمله <سنقتّل . .. و نستحی نساءهم> در صدد بيان مجازات قوم موسی بوده است، می توان گفت هدف از بيان اين معنا استثمار زنان بنی اسرائيل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم

عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> شکنجه های فرعونیان باشد.

نظام سیاسی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۸

۸ وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

نفاق سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ نفاق سیاسی ، نشأت یافته از نفاق عقیدتی و نشانه آن است .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

سیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سیل

آثار سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۹

۹ - سیلاب بنیان کن ، عامل درهم کوبیده شدن امکانات رفاهی و آسایش

فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أُکل خمط و أثل

آثار سیل عرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۶ – ۲،۶

۲ – به دنبال تمرد قوم سبا از شکر گزاری به درگاه خداوند ، سیل بنیان کنی با شکستن سد مأرب به راه افتاد و باغ های آنان را درهم کوبید .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أکل خمط

<عرم> در لغت به معنای <مسناه> است (مفردات راغب) که اسم آلت بوده و به محلی گفته می شود که آب در پشت آن جمع شده باشد. و در اصطلاح به آن سد گفته می شود.

۶ – دو باغ دل نواز قوم سبا ، در پی جاری شدن سیل به باغ هایی از درختانی با میوه های ناگوار و گز تبدیل

شدند .

فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّنهم بجنّتيهم جنّتين ذواتى أكل خمط و أثل

<خمط> در لغت به درختى گفته مى شود كه خار ندارد و نيز گفته شده كه درخت گز است (مفردات راغب) هم چنين به معناى ميوه ترش مزه يك درخت آمده است (عمده الحفاظ). <أثل> به درخت شوره گز گفته مى شود.

سيل عرم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۷،۱۳

۷ - مردم سبأ ، به دنبال كفران نعمت هاى خدا و جارى شدن سيل سد مأرب ، به طور كلى متلاشى و پراكنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . .. و مزّقنهم كلّ ممزّق

<مزق> در لغت به معناى پاره كردن و از بين بردن اثر آمده و در آيه پراكندن در اطراف و اكناف بلاد است (مجمع البحرين).

۱۳ - ماجراى برخوردارى اهل سبأ از نعمت هاى فراوان و امنيت و جارى شدن سيل در ميان آنان و پراكندگى و متلاشى شدنشان ، آيات متعددى از خدا در خود دارد .

لقد كان لسبإ فى مسكنهم ءايه جنّتان . .. بلده طيبه و ربّ غفور ... فأرسلنا عليهم س

كيفر با سيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سيل بنيان كن و درهم كوبيده شدن باغ هاى دل پذير قوم سبا ، كيفر ناسپاسى و كفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّنهم بجنّتيهم . .. ذلك جزينهم بما كفروا

به قرينه بحث شكر در دو آيه پيش، احتمال دارد مراد از <كفروا> كفران باشد.

نقش سيل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۴

۴ - کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی (همانند سیلی بنیان کن) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم

سیلاب

بخش مفید سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ کف های سیلاب ها و فلزات گداخته شده دور ریخته و نیست می شوند و آب ها و فلزات سودمند باقی می مانند .

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

<جَفـاء> به معنای دور شـدن از چیزی است و <جُفـاء> به چیزی که دور ریخته می شود اطلاق می گردد، در لسان العرب آمده است <جفاء السیل یعنی کفها و چیزهای پلید و مانند اینها که سیلاب آنها را به کناری می اندازد>.

تشبیه به سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۷

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدًا رابیًا . .. کذلک یضرب ا

تشبیه به کف سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۴،۷،۲۲

۴ فلزات گداخته شده در کوره های آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله

<من> در <مما یوقدون> نشویه است. <ایقاد> (مصدر یوقدون) به

معنـای شـعلهور سـاختن آتش می باشـد. مراد از <مـا> به قرینه <حلیه> و <متـاع> فلزاتی نظیر طلاـ نقره، مس و ... است. <فی النار> حال مؤکّده می باشد. بنابراین <یوقدون ...> ; یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدًا رابیًا . .. کذلک یضرب ا

۲۲ همانـنـدی حق با آب فرود آمده از آسـمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی باطل با کف سـیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

کذلک یضرب الله الحق و البطل . .. کذلک یضرب الله الأمثال

کف سیلاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۳،۱۲

۳ سیل های جاری در رودها ، بر روی خویش کف های پف کرده را به همراه می برند .

فاحتمل السیل زبدًا رابیًا

<احتمال> (مصدر احتمل) به معنای حمل کردن است. <السَـیل> بر آب فراوانی که جریان دارد گفته می شود. <زَبَد> به معنای کف می باشد و از معانی <رَبْو> (مصدر رابیاً) انتفاخ و باد کردن است.

۱۲ کف های سیلاب ها و فلزات گداخته شده دور ریخته و نیست می شوند و آب ها و فلزات سودمند باقی می مانند .

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

<جَفاء> به معنای دور شدن از چیزی است و <جُفاء> به چیزی که دور ریخته می

شود اطلاق می گردد، در لسان العرب آمده است <جفاء السیل یعنی کفها و چیزهای پلید و مانند اینها که سیلاب آنها را به کناری می اندازد>.

سینا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

سینا

امیدواری راهیابی در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر

اهمیت سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْناء> مشهور گردد.

بنی اسرائیل در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های روییدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض

خانواده موسی(ع) در صحرای سینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۹ – ۹

۹ – تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم

منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

فلسفه سوگند به سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

مغرب صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۱

۱ - بخش غربی وادی طور ، محل نزول تورات بر موسی (ع)

و ما کنت بجانب الغربیّ إذ قضیناإلی موسی الأمر

مراد از <أمر مقضی> تورات است که خداوند در کوه طور به موسی(ع) عطا فرمود.

موسی(ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۳،۹

۳ - ورود موسی (ع) به صحرای سینا در مهاجرت از مدین

ءانس من جانب الطور نارًا

<طور> معادل <جبل> (کوه) است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

صحرای سینا

امیدواری راهیابی در صحرای سینا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر

بنی اسرائیل در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های روییدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

خانواده موسی(ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

مغرب صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۱

۱ - بخش غربی وادی طور ، محل نزول تورات بر موسی (ع)

و ما كنت بجانب الغربيّ إذ قضيناإلى موسى الأمر

مراد از <أمر مقضى> تورات است كه خداوند در كوه طور به موسى(ع) عطا فرمود.

موسى(ع) در صحراى سينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۳،۹

۳ - ورود موسى (ع) به صحراى سينا در مهاجرت از مدين

ءانس من جانب الطور نارًا

<طور> معادل <جبل> (كوه)

است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

سینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{سینه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۰

۲۰ سینه آدمی کانون محبت ها و نفرتها

قل موتوا بغیظکم انّ اللّه علیم بذات الصدور

استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۲

۲ - بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

استخوانهای سینه مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

<صلب>; استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است(قاموس). <تریبه> (مفرد <ترائب>); یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل

لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

۲ – بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

اسرار سینه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۲

۱۲ خداوند آگاه به راز های نهفته در سینه ها

إنه علیم بذات الصدور

پوشش سینه در حجاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۵

۱۵ – زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

خروج نطفه از استخوان سینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۷ – ۴

۴ - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد

از < معاد > است .

یخرج من بین الصلب و الترائب

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

راز سینه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۳

۳ - آگاهی خداوند به اسرار پنهان شده در سینه ها

یعلم . .. ما تخفی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است; مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصّل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

سینه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۰

۲۰ سینه آدمی ، کانون محبت ها و نفرتها

و ما تخفی صدورهم اکبر

نقش سینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - سینه ، جایگاه قلب آدمیان

فتکون لهم قلوب . .. و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۳

۳ - سینه ها ، مخزن اسرار آدمیان

ما

تکنّ صدورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۷

۷ - سینه و قلب آدمی ، جایگاه علم و آگاهی است .

بل هو . .. فی صدور الذین أوتوا العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۴

۴ - سینه مردمان ، صندوق اسرار آنان است .

و هو علیم بذات الصدور

نقش سینه علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۳

۳ - جایگاه آیات روشن الهی ، سینه برخورداران از علم است .

بل هو ءایت بیّنت فی صدور الذین أوتوا العلم

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان

